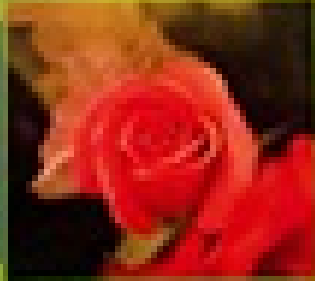


حدیث زندگی

شرح موضوعی صحیفہ سجادیه



سید کاظم ارفع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیث بندگی

نویسنده:

کاظم ارفع

ناشر چاپی:

فیض کاشانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۶	حدیث بندگی
۱۶	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۸	پیش سخن
۳۸	حرف آ
۳۸	آب و باران
۴۳	آبادانی
۴۶	آبرو
۵۰	آخرت
۵۲	آداب و معاشرت
۵۷	آدم و آدمیان
۶۰	آرامش
۶۴	آرزو
۶۷	آزادگی
۷۱	آزار
۷۵	آزمایش
۷۶	امتحان آدم
۷۷	امتحان سلیمان
۷۷	امتحان ابراهیم
۷۹	آسمان
۸۱	آفت ها
۸۴	آفرینش
۸۷	آگاهی

۹۲	آموزش
۹۸	آموزش و آموزش
۱۰۱	آینده نگری و دوراندیشی
۱۰۳	اجتماع
۱۰۵	أجل
۱۰۷	احسان
۱۱۳	اخلاص
۱۱۸	اخلاق
۱۲۱	ارزشها
۱۲۴	ازدواج
۱۲۸	استقامت
۱۳۱	اسراف
۱۳۴	اسلام
۱۳۸	اشک
۱۴۲	اصلاح و اصلاحات
۱۴۶	اعتدال
۱۴۹	اعتقادات
۱۵۴	اعمال
۱۵۷	افسوس
۱۶۱	اقتصاد
۱۶۴	امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۷	امنیت
۱۷۱	اموال
۱۷۵	انبیا
۱۸۲	انتقاد
۱۸۵	انتقام

۱۸۸	انحراف
۱۹۲	اندرز و پند
۱۹۶	اندوه و غم
۱۹۸	اندیشه
۲۰۴	انصاف
۲۰۷	انفاق
۲۱۰	ایمان
۲۱۵	حرف ب
۲۱۵	باد
۲۱۹	باطل
۲۲۲	باطن
۲۲۷	بخل
۲۳۰	بدبینی
۲۳۳	بدعت
۲۳۷	برادری
۲۴۱	بردباری
۲۴۴	برزخ
۲۴۸	برکت
۲۵۲	بزرگواری
۲۵۶	بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
۲۶۲	بغض
۲۶۶	بلند پروازی
۲۷۰	بہشت
۲۷۵	بیت المال
۲۷۹	بیماری
۲۸۷	بیہودگی

۲۹۲	حرف پ
۲۹۲	پاداش
۲۹۶	پروردگار
۳۰۱	پرهیزکاری و تقوا
۳۰۵	پیروزی
۳۰۷	پیمان
۳۱۰	ت
۳۱۰	تبلیغ
۳۱۲	تربیت
۳۱۵	ترس
۳۱۸	تسبیح
۳۲۱	تسلیم
۳۲۵	تصدیق
۳۲۹	تفرقه
۳۳۱	تواضع
۳۳۴	توبه
۳۳۸	توشه
۳۴۱	توفیق
۳۴۴	توکل
۳۴۷	تهجد و شب زنده داری
۳۵۱	تهمت
۳۵۴	حرف ث
۳۵۴	ثروت
۳۵۷	ثناگویی
۳۶۰	حرف ج
۳۶۰	جاودانگی

۳۶۳	جهل و نادانی
۳۶۶	جنگ و جهاد
۳۶۹	جوان
۳۷۳	جوانمردی
۳۷۷	جهنم
۳۸۲	حرف چ
۳۸۲	چشم
۳۸۶	حرف ح
۳۸۶	حاجات
۳۹۰	حج
۳۹۴	حرام و حال
۳۹۷	حرص
۴۰۰	حسابرسی
۴۰۴	حسد
۴۰۹	حسن خلق
۴۱۲	حقوق
۴۱۶	حیات
۴۲۴	حرف خ
۴۲۴	خانواده
۴۲۷	خرافات
۴۳۲	خشم
۴۳۴	خشیت
۴۳۸	خصومت و دشمنی
۴۴۰	خلوت با خدا
۴۴۲	خودسازی
۴۴۶	خودشناسی

۴۴۹	خویشاوندان
۴۵۳	خیانت
۴۵۵	خیر و نیکی
۴۵۹	حرف د
۴۵۹	دعا و نیایش
۴۶۲	دشنام
۴۶۶	دنیا
۴۷۰	دوستی
۴۷۳	دین و دینداری
۴۷۹	حرف ذ
۴۷۹	ذکر
۴۸۲	حرف ر
۴۸۲	رازداری
۴۸۵	راستگویی و صدق
۴۸۹	راه مستقیم
۴۹۲	راهنمایی و هدایت
۴۹۷	رجاء و امید
۵۰۰	رزق و روزی
۵۰۳	رستگاران
۵۰۸	رضا و خوشنودی
۵۱۲	روح
۵۱۳	روز
۵۱۳	اشاره
۵۱۶	روزه
۵۲۰	رهبانیت
۵۲۴	ریا

۵۲۷	حرف ز
۵۲۷	زبان
۵۲۹	زمین
۵۳۴	زندگی
۵۳۸	زورگویی
۵۴۲	زهد و زاهد
۵۴۵	حرف س
۵۴۵	سجده
۵۴۹	سخاوت
۵۵۳	سخن چینی
۵۵۶	سربازان
۵۵۹	سستی و تنبلی
۵۶۳	سفر
۵۶۸	سلامتی
۵۷۲	سنت
۵۷۷	حرف ش
۵۷۷	شب
۵۸۱	شبهه
۵۸۵	شتاب زدگی
۵۸۹	شجاعت
۵۹۲	شرح صدر
۵۹۵	شرکت
۵۹۹	شفاعت
۶۰۴	شکر
۶۰۷	شکایت
۶۱۰	شکم پرستی

۶۱۴	شگفتی های آفرینش
۶۲۰	شوق
۶۲۳	شهوت
۶۲۶	شیطان
۶۳۰	حرف ص
۶۳۰	صالحان
۶۳۳	صبر
۶۴۰	حرف ض
۶۴۰	ضعیف و ضعیفان
۶۴۳	ضلالت و گمراهی
۶۴۸	حرف ط
۶۴۸	طاغوت
۶۵۱	طبیعت
۶۵۴	طریقه و روش
۶۵۸	حرف ظ
۶۵۸	ظلم و ظالم
۶۶۲	حرف ع
۶۶۲	عدل و عدالت
۶۶۵	عرفان و عارف
۶۶۸	عاقبت ها
۶۷۱	عقل و عاقل
۶۷۴	علم و عالم
۶۷۹	عمل و عامل
۶۸۲	عبادت
۶۸۵	عترت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
۶۸۹	عجب

- عذاب ۶۹۲
- عفت و پاکدامنی ۶۹۶
- عفو و بخشش ۷۰۰
- عقیده ۷۰۳
- حرف غ ۷۰۶
- غفلت ۷۰۶
- غیبت ۷۰۹
- حرف ف ۷۱۲
- فرشتگان ۷۱۲
- فرصت ها ۷۱۵
- فطرت ۷۱۸
- فقر و نداری ۷۲۱
- حرف ق ۷۲۴
- قرآن ۷۲۴
- قرب به خدا ۷۲۸
- قضاوت ۷۳۲
- قضا و قدر ۷۳۵
- قلب ۷۳۸
- قناعت ۷۴۱
- حرف ک ۷۴۴
- کار و کوشش ۷۴۴
- کارگزاران ۷۴۷
- کامیابی ۷۵۰
- کافران ۷۵۴
- کمال انسان ۷۵۷
- کینه توزی ۷۶۰

۷۶۳	حرف گ
۷۶۳	گرفتاری
۷۶۶	گناهان
۷۶۹	گوشه گیری
۷۷۳	حرف ل
۷۷۳	لجاجت
۷۷۶	لقمه
۷۸۱	حرف م
۷۸۱	محاسبه
۷۸۴	محبت
۷۸۷	مراقبه
۷۹۱	مرزها و مرزداران
۷۹۵	مسئولیت
۷۹۹	مشورت
۸۰۴	مصیبت
۸۰۸	حرف ن
۸۰۸	نعمت ها
۸۱۲	نفاق
۸۱۶	نفس
۸۲۰	نماز
۸۲۵	نور
۸۲۹	حرف و
۸۲۹	والدین
۸۳۳	وصیت
۸۳۷	وقار
۸۴۰	ولایت

حرف ه ۸۴۴

هلاکت ۸۴۴

همسایه ۸۴۸

همنشین ۸۵۱

هوا پرستی ۸۵۴

حرف ی ۸۵۷

یقین ۸۵۷

درباره مرکز ۸۶۱

حدیث بندگی

مشخصات کتاب

سرشناسه: ارفع، سید کاظم، ۱۳۲۳ - ، شارح

عنوان قراردادی: صحیفه سجادیه. فارسی - عربی. شرح

عنوان و نام پدیدآور: حدیث بندگی: شرح موضوعی صحیفه سجادیه / تالیف کاظم ارفع.

مشخصات نشر: تهران: فیض کاشانی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۸۱۳ ص.

شابک: ۵۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۳-۱۷۰-۰.

وضعیت فهرست نویسی: فایا

موضوع: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. . صحیفه سجادیه -- نقد و تفسیر

شناسه افزوده: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. . صحیفه سجادیه. شرح

رده بندی کنگره: ۱/۲۶۷BP/۸ص ۳۰۴۲۲۲۱۶ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۴۱۹۳۷

ص: ۱

اشاره

حدیث بندگی

شرح موضوعی صحیفہ سجادیہ

تالیف: استاد سید کاظم ارفع

ص: ۳

ارفع، کاظم، ۱۳۲۳-شارح

صحیفہ سجادیہ. فارسی-عربی. شرح

حدیث بندگی / تالیف کاظم ارفع

تهران فیض کاشانی ۱۳۸۸. ۸۲۰ ص

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۳-۱۷۰-۰

۵۵۰۰ تومان-فیبا

عنوان دیگر: حدیث بندگی: شرح موضوع صحیفہ سجادیہ

علی بن حسین علیہ السلام امام چہارم، ۳۸-۹۴ق.. صحیفہ سجادیہ نقد و تفسیر

ردہ بندی کنگرہ: ۱۳۸۸-۳۰۴۳۲۲۱۶ ص ۸ / ۱ / ۲۶۷ PB

دیوبی: ۲۹۷/۷۷۲

حدیث بندگی

تالیف: استاد سید کاظم ارفع

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

ویراستار: شاکری، سیماریان

لیتوگراف: موعود

حروف چینی: گروه نگارستان

الناشر: فیض کاشانی

تیراژ نسخه: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۰۰ تومان

صفحانی: رشد

چاپ : تدبیر

آدرس: تهران-پیچ شمیران- خیابان صنفی علیشاه

پائین تر از چهاره راه هدایت- پلاک ۱۶۲

تلفن: ۷۷۵۲۳۰۰۹-۷۷۵۲۸۷۹۳

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۳۰-۱۷۰-۰

ص: ۴

نام کتاب حدیث بندگی

فهرست شرح موضوعی

صحیفه سجادیه

ص: ۵

تقدیم به:

ولی نعمت مان امام عصر روح الفدا به امید آن ایام که دولت کریمه اش برپا گردد و آثار اجداد طاهرینش همچون صحیفه سجادیه به عنوان کتاب قانون در جامع بشری مطرح شود.

ص: ۱۱

چرا به شرح موضوعی صحیفه روی آوردم:

قرآن شریف که مثل و مانند ندارد و کسی قادر نیست مشابه کوچکترین آیات کریمه آن را بیاورد چهارده قرن است که مبارز طلبیده و عجز بشر در برابر عظمت آن کتاب آسمانی بیشتر روشن شده است

بعد از قرآن از دو امام معصوم علیهم السلام نیز بی مثل و ماننداند و کسی نتوانسته چونان که مبتکر آن بوده اند مشابه ای را ارایه دهد.

یکی نهج البلاغه مولایمان علی علیه السلام و دیگری صحیفه سجادیه. نهج البلاغه که بخشی از گفتارهای جمع آوری شده آن امام بزرگوار است و به حق کتاب زندگی و اداره کشورها و خانواده هاست و همه آموزه های اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی را در بر دارد ولی به خاطر بعضی از مطاعن موجود در خطبه ها و خطبه هایی که خاص مسلمانان است قابل درک آحاد ملت ها از مذاهب مختلف نیست مگر آنکه با گزینش بعضی از خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار ارایه شود.

اما صحیفه سجادیه یک کتاب بین المللی است و قابل ارایه به تمامی انسان ها در هر مذهب و مرامی که باشند چرا که دقیقا با فطرت بشر همسویی و هم خوانی دارد.

مسئله خداجویی و نیایش با پروردگار چیزی نیست که به مسلمانان اختصاص داشته باشد سایر مذاهب موجود در عالم حتی کسانی که ادیان ساختگی و خرافی دارند و در معابد خود به راز و نیاز در برابر بت های خویش می پردازند. اگر صحیفه امام سجاد علیه السلام را به زبان خودشان روان و آسان ترجمه کنیم خواهیم دید که آنان نیز دست از شرک برداشته فطرت خفته ایشان بیدار گشته و روی به سوی خدای مهربان خواهند آورد.

پیشنهاد اینجانب به دفاتر و مراکز فرهنگی خارج از کشور جمهوری اسلامی این است همت نمایید این کتاب که در بین مسلمین نیز مهجور مانده است به غیر مسلمانان هم عرضه بدارید خواهید دید که چه استقبال جانانه ای از لحن مناجات و گفت گویهای عارفانه و عاشقانه بنده معصوم و مخلص خدا امام زین العابدین و سیدالساجدین علیه السلام خواهند کرد.

و اما چرا به شرح موضوعی صحیفه سجادیه اقدام کردم:

اول برای آنکه تا به حال کسی به این طریق به شرح این کتاب نورانی و پرفیض قلم نزده بود و دوم آنکه جامعیت و جهان شمول آن بر همگان روشن شود که امام بزرگوار در قالب دعا در عصر خفقان و اختناق که اجازه خطابه و وعظ نداشتند به ریز و درشت مسایل اعتقادی و اخلاقی و عرفانی و سیاسی و اجتماعی پرداخته اند و این بهترین راهی بوده است که آن امام گرانقدر برای اشاعه فرهنگ ناب توحیدی انتخاب فرموده است.

ص: ۱۳

يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقْتِنَا بِوُسْعِكَ، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ (۱)

ای بی نیازترین بی نیازان اینک ما بندگانت در اختیار تو هستیم و من فقیرترین فقیرانیم به سویت آمده ام پس فقر و تهیدستی ما را به وسیله رحمت و اسعه ات جبران کن و با طرد کردنمان از در خانه ات قطع امیدمان مکن.

بندگی آن وقت محقق می شود که عبد مطیع بدون چون و چرای مولای خویش باشد و در اجرای دستورات و انجام خواسته الهی عنوان و موقعیتی برای خویش قایل نباشد و همیشه خود را بدهکار و قاصر بداند و چون وجود نازنین امام سجاد علیه السلام بگوید خدایا من فقیرترین فقیرانم که به درگاہت روی آورده ام.

در فرازی از دعای مکارم الاخلاق همین صحیفه ارزشمند امام علیه السلام عرض می کند عِبَادِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ خدایا مرا به عبادت و بندگی خود رام ساز و عبادتم را به عجب تباه مگردان.

در جای دیگر همان دعا عرض می کند: وَ لَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنِ عِبَادَتِكَ، وَ لَا الْعَمَى عَنِ سَبِيلِكَ خدایا مرا در عبادت و بندگیت به مسامحه کاری و بی رغبتی مبتلا مکن و در پیمودن راهت مرا گرفتار نایبایی منما.

آری باید طاعت و بندگی خداوند مهربان را با نشاط و طراوت انجام داد تا بندگی ثابت شود. راغب اصفهانی می گوید: الْكَسَلُ التَّخَلُّفُ عَمَّا لَا يَتَّبِعِي التَّنَاقُلُ عَنْهُ وَ لِأَجْلِ ذَلِكَ صَارَ مَذْمُومًا كَسَلُ عِبَادَتِكَ عَمَلِي رَاقِلٌ وَ سَنَكِينٌ وَ انمود نماید با آنکه

شایسته است در انجام آن عمل از خود نشاط و تحرک نشان دهد به همین جهت کسَل از صفات مذموم شناخته شده است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بهترین مردم را کسی می داند که عاشق عبادت و بندگی حضرت حق باشد.

أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشَقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عُسْرِ أَمِّ
عَلَى يُسْرِ كَافِي ج ۲ ص ۸۳

برترین مردم کسی است که عاشق بندگی و عبادت باشد با آن معانقه کند در دل عبادت را دوست بدارد با بدن خود در حال فراغت بال و آرامش خاطر آن را انجام دهد و باک نداشته باشد که از نظر معاش در مضیقه و تنگی است یا در آسایش و رفاه.

لذت مناجات و بندگی باری تعالی با حب دنیا و علاقه به مادیات جمع نمی شود اگر کسی واقعا طالب شیرینی بندگی خداست باید خانه دل را از غیر خدا پاک و تخلیه کند و به خصوص ارزشهای دنیایی را هیچ بداند و خود را زمین گیر و پای بند دنیا و زرق و برق آن نکند و این مهم هیچ منافاتی ندارد که شخص بسیاری از مواهب دنیا را در اختیار داشته باشد ولی دل به آنها نبسته باشد.

بهترین نمونه قرآنی که حضرت سلیمان علیه السلام است با اینکه خداوند همه نوع امکانات در اختیار او گذاشته بود باد مرکب او بود پرندگان را می دانست جنیان کارفرمایان او بودند بر کل کره زمین احاطه داشت ولی خود را نباخته بود به این دلیل که خداوند مدال پرافتخار بندگی را بر سینه اش زد و فرمود:

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۱)

به داود فرزندش سلیمان را عطا کردیم که او بنده ی خوبی بود و به درگاه الهی بسیار توبه می کرد.

ص: ۱۵

حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام می فرمود: «به حق با شما می گویم: همان طور که مریض به غذای خوب و مطبوع می نگردد و بر اثر شدت درد از آن لذت نمی برد همچین دنیا داران و علاقمندان به امور مادی با احساس حب مال لذت عبادت و شیرینی آن را درک نمی کنند» تحف العقول ص ۵۰۷

آنان که طالب درک حقیقت بندگی هستند خوب است یک دوره کامل صحیفه سجادیه مولا زین العابدین علیه السلام را با دقت مرور کنند و ببینند که آن امام بزرگوار چگونه آموزه های بندگی را در اختیار ما گذاشته و متاسفانه ما از آنها غافلیم. اینک به چند فراز از دعاهای صحیفه عنایت کنید:

يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ وَيَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّهُ مُلْكِهِ (۱)

ای کسی که شگفتی ها و بزرگی هایش پایان ندارد بر محمد و آل او درود فرست و ما را از منحرف شدن درباره عظمت و کبریای ات بر حذر مدار وای آنکه زمان سلطنت و زعامتش به آخر نمی رسد.

وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَايِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَهُدَايِكَ الدَّلَائِلَ عَلَيْكَ، وَ مِنْ خَاصَّتِكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۲)

خدایا ما را از جمله کسانی قرار ده که ضمن دعوت شدن خود دیگران را نیز به سویت دلالت کنیم و بالاخره از افراد بسیار نزدیک به تو محسوب شویم ای مهربانترین مهربانان.

وَ اخْفَظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَ مِنْ خَلْفَتِنَا وَ عَنْ أَيْمَانِنَا وَ عَنْ شَمَائِلِنَا وَ مِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا، حِفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ، مُسْتَعِمًّا لِمَحَبَّتِكَ (۳)

خداوندا ما را از جمیع نواحی از مقابل و پشت سر و راست و چپ حفظ فرما آنچنان حفظی که مرتکب معصیت نشویم. و به بندگی ات هدایت شده و به راه دوستی تو عمل کنیم.

ص: ۱۶

۱- دعای پنجم صحیفه

۲- همان دعا

۳- دعای ششم صحیفه.

وَ اِحْمِلْنِي بِكَرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ، وَ لَمَّا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْاِسْتِحْقَاقِ، فَمِمَّا اَنَا بِاَوَّلِ رَاغِبٍ رَغِبٍ اِلَيْكَ فَاعْطَيْتَهُ وَ هُوَ يَسْتَحِقُّ الْمُنْعَ، وَ لَمَّا بِاَوَّلِ سَائِلٍ سَأَلَكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ وَ هُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ (۱)

خدایا به فضل و کرم خود با من رفتار کن و گرچه استحقاق دارم با عدلت با من برخورد مفرما لها من اول روی آورنده. به درگاهت نیستم که سزاوار منع است ولی به او کرم کرده ای و نه اول حاجتمندی که مستحق نومیدی است و به او احسان نموده ای.

یکی از ثمرات بندگی حق تعالی اصلاح امر دنیا و آخرت است:

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: مَنْ اَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللّٰهِ اَصْلَحَ اللّٰهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ اَصْلَحَ اَمْرَ اَخْرَجْتَهُ اَصْلَحَ اللّٰهُ لَهُ اَمْرَ دُنْيَاهُ (۲)

کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امور آخرت را اصلاح کند خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد.

بعضی نگران مسایل اقتصادی و امور خانواده و آینده فرزندان خویشند در حالی که اگر عبد صالح خدا باشند و آنچه را محبوب اصلی از ایشان خواسته به جا آورند و اطاعت کنند خداوند تبارک و تعالی چنان کار ایشان را ردیف می کند که خود ندانند چگونه و به چه طریق بدین سهولت کارها بر وفق مراد واقع می گردد.

در تایید بیان گذشته مولایمان علی علیه السلام در خطبه ای فرمود: وَ اِنَّ لَكُمْ عِنْدَ كُلِّ طَاعَةٍ عَوْنًا مِنَ اللّٰهِ سُبْحَانَهُ يَقُولُ عَلِيُّ الْاَلَاءِ لِسْتِهِ، وَ يُثَبِّتُ الْاَلَاءِ فَنِدَةً، فِيهِ كِفَاءٌ لِمُكْتَفٍ، وَ شِفَاءٌ لِمُسْتَفٍ (۳)

هر گامی که در اطاعت بر می دارید و بندگی خدا می کنید یاری از طرف خدای سبحان وجود دارد که زبان ها به نیروی آنها سخن می گویند و دلها با کمک آنها استوارند. برای یاری طلبان یاور و برای شفاخواهان شفا دهنده اند.

ص: ۱۷

۱- همان دعا

۲- نهج البلاغه حکم مواعظ ۸۶

۳- خطبه ۲۱۴ نهج البلاغه.

پس آن کسانی که تن به طاعت حقتعالی می دهند و او را نافرمانی نمی کنند مردم عاقل و فهمیده و دوراندیشی هستند و به خوبی می دانند که خدایی که مالک قطعی است معین و یاور بندگان مخلص خویش است.

بر مین اساس باز مولایمان علی علیه السلام می فرماید: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الطَّاعَةَ غَنِيمَةَ الْأَكْيَاسِ عِنْدَ تَفْرِيطِ الْعَجْزَةِ! (۱)

خدای سبحان بندگی خود را غنیمت زیرکان قرار داد آنگاه که مردم ناتوان کوتاهی کنند.

خداوند در میان تمام امتیازاتی که برای انبیاء قرار داده امتیاز بندگی را بیشتر اهمیت می دهد همانطور که درباره حضرت سلیمان علیه السلام گذشت و فرمود: نِعَمَ الْعَبْدُ أَنَّهُ أَوَّابٌ او بنده خوبی بود و به درگاه الهی بسیار انابه می کرد. درباره حضرت نوح علیه السلام فرمود: إِنَّهُ عَبْدًا شَكُورًا (۲)

حضرت نوح بنده سپاسگزار ما بود.

درباره حضرت مسیح علیه السلام فرمود: لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ (۳) مسیح از بندگی پروردگار سرپیچی نمی کند و خود را عبد می داند. در جای دیگر فرموده: إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۴) عیسی نبود جز بنده ای که ما بر او نعمت بخشیدیم و او را مثلی برای بنی اسرائیل قرار دادیم.

درباره زکریا فرمود: ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا (۵)

ص: ۱۸

۱- نهج البلاغه حکم و مواظب ۳۳۱

۲- اسراء - ۳

۳- نساء - ۱۷۲

۴- زخرف - ۵۹

۵- مریم - ۲

این یادی است از رحمت پروردگارت درباره بنده اش زکریا. درباره داوود و ایوب علیهما السلام خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: وَإِذْ كَرَّمْنَا دَاوُودَ (۱) به یاد آور بنده ما داوود را.

وَإِذْ كَرَّمْنَا أَيُّوبَ (۲) به یاد آور بنده ما ایوب را و درباره پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در هفت جای قرآن مدال پرافتخار بندگی را اختصاص به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم داده در دو جا با کلمه «عَبَدْنَا» بقره- ۲۳ انفال ۴۱. بقره- ۲۳ انفال ۴۱ و در پنج جای قرآن با کلمه «عَبَدِهِ» سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا (۳)

و گاه با بندگان متقی و حتی گنهکار خود در نهایت صمیمیت و مهر با خطاب بندگانم سخن به میان آورده تا به ما بفهماند که اگر بنده او باشیم در سایه رحمت و اسعه اش قرار خواهیم گرفت و هیچگاه شیطان بر ما غالب نخواهد شد کافی است که به این آیات شریفه مراجعه فرماید: (۴)

و در پایان این بحث باز از دعای امام سجاد علیه السلام که در روز عید فطر و روز جمعه وارد شده استفاده می کنیم به این امید که روح بندگی و طاعت حق در ما زنده شود و با نشاطی بیشتر به اجرای فرامین خداوند تبارک و تعالی بپردازیم.

خَابَ الْوَأْفِدُونَ عَلَىٰ غَيْرِكَ وَ حَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَ ضَاعَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَّا بِكَ وَ أَجِدَبَ الْمُتَتَّجِعُونَ إِلَّا مِنِّي أَنْتَجَعَ فَضْلَكَ. بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِينَ وَ جُودُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ وَ إِعَانَتُكَ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَغِيثِينَ لَا يَخِيبُ مِنْكَ إِلَّا الْآمِلُونَ وَ لَا يِيَّاسُ مِنْ عَطَائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ وَ لَا يَشْقَى بِنِقْمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ.

خداوندا ضرر کردند آنانی که جز تو را خواستند و آنها را که به درگاه غیر تو التماس نمودند ضایع شدند.

ص: ۱۹

۱- ص- ۱۷

۲- ص- ۴۱

۳- اسراء- ۱- كهف- ۱- فرقان- ۱- النجم- ۱۰- الحديد- ۹

۴- زمر- ۱۰- زمر- ۱۶- زخرف- ۶۸

اگر حاجتمندی فقط از تو احسان درخواست نکرد گرفتار و بدبخت گشت. الها در خانه ات به سوی مشتاقان باز و جودت برای پرسش کنندگان حلال و یاریت برای استغاثه کنندگان در گاهت آماده است.

پروردگارا آرزومندان از تو محروم نمی شوند و درخواست کنندگان از عطایت نومید نمی گردند و استغفار کنندگان به عذاب بدبخت نمیگردند.

وجه تسمیه کتاب:

اما چرا کتاب شرح موضوعی صحیفه سجادیه را حدیث بندگی نامیدم؟ چون از پنجاه و چهار دعای پرارزش این کتاب نورانی که زبور داوود و خواهر قرآنش خواندند همان طور که نهج البلاغه شریف را برادر قرآن گفتند. جایی نبود که سخن از آموزه های بندگی خداوند مهربان نباشد. گرچه بسیاری از موضوعات انتخاب شده و برگزیده از صحیفه کامله امام سجاد علیه السلام جنبه اخلاقی و مباحث پراکنده و مختلف و متنوع دارد ولی در مجموع یک هدف را دنبال می کند و آن عبد مولا بودن و آنگونه بودن را که حضرت دوست می پسندد. پس بی مناسبت نبود که عنوان کتاب حدیث بندگی باشد.

در پایان آخرین جملات دعای پنجاه چهارم دعای پایانی صحیفه را می آوریم باشد که در این رهگذر همه دعاها را خیر آن امام بزرگوار به خصوص این بخش در حق حقیر پدر و مادر و همسر که همواره مدیون دعای خیرشان هستم و شما خواننده عزیز و گرامی مستجاب گردد.

ص: ۲۰

اللَّهُمَّ مَنْ أَضْيَحَ لَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ، فَقَدْ أَصْبَحَتْ وَ أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، فَاقْضِ لِي بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً، وَ نَجِّنِي مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى وَ عَلَي آلِهِ الطَّاهِرِينَ

الها کسی که صبح می کند و اعتماد و امیدش به غیر تو است من این گونه نیستم صبح می کنم و تو مورد اعتماد و امید من در تمامی کارها هستی. پس عاقبت بخیری در آن کارها را برایم مقرر فرما و از فتنه های گمراه کننده به وسیله رحمت ای مهربان ترین مهربانان نجاتم ده و درود خدا بر آقای ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم که برگزیده پروردگار است و بر اهل بیت پاکیزه اش باد.

۲۵ محرم ۱۴۲۹ سالروز شهادت امام سجاد علیه السلام.

سید کاظم ارفع

ص: ۲۱

قرآن نعمت ارزشمند آب را سبب بقا و زندگی برای موجودات و مایه پاکیزگی و طهارت می داند.

به این سه آیه شریفه دقت کنید.

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۱)

و هر چیزی را از آب زنده نگه داشتیم آیا ایمان نمی آورند؟!

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا (۲)

و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم تا به وسیله آن زمین خشک را جان تازه بخشیم و تا آنچه خلق کرده ایم از حیوانات و بسیاری از انسان ها را سیراب سازیم.

وَيُنزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ (۳)

و آبی از آسمان برایتان نازل کرد تا بدان شما را پاکیزه کند.

از این دو آیه اخیر استفاده می شود که آب طاهر و مطهر است. پاک و پاک کننده است.

و در کتاب های فقهی آب تقسیم شده به آب باران آب جاری آب چاه آب راکد آب دریا آب قلیل آب کر آب مطلق آب مضاف امام سجاد علیه السلام در دعای ۱۹ برای طلب باران می فرماید:

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بَغِيثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِبَتَاتِ أَرْضِكَ الْمُوْتِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ

ص: ۲۲

۱- انبیاء- ۳۰

۲- فرقان- ۴۸ و ۴۹

۳- انفال- ۱۱

بار الها ما را به وسیله باران سیراب فرما و رحمت را به توسط بارانت آن هم بارانی فراوان از ابری که سبب می شود در اطراف زمینت گیاهان برویند منتشر کن.

وَ اٰمِنُنَّ عَلٰی عِبَادِكَ يٰ اَيُّهَا السَّمَوَاتُ وَ اَحْيٰ بِلَادِكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ، وَ اَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامِ السَّفَرَةَ بِسَقْيِ مَنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ (۱)

خدایا بر بندگانت منت گذار تا درختانشان میوه دهد و با شکفته شدن شکوفه ها شهرهایت را حیات تازه ببخش و فرشتگانت را که سفیران تواند به آب دادن سودمند به گیاهان آن هم به طور دایم و باریدن فراوان مامور فرما.

امیرالمومنین علی علیه السلام :

جد بزرگوارش نیز وقتی از خداوند درخواست آب و باران این مایه حیات را می کرد چنین می گفت:

اَللّٰهُمَّ سُقِيًّا مِنْكَ مُحِيَّةً مُرَوِيَّةً ، تَامَّةً عَامَّةً ، طَيِّبَةً مُبَارَكَةً هَنِئَةً مَرِيْعَةً.

پروردگارا بارانی عطا فرما که زنده کننده سیراب سازنده تمام و کامل و همه جا گیر پاکیزه و با برکت و گوارا باشد.

فَاِنَّكَ تُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا، وَ تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ، وَ اِنَّتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيْدُ (۲)

بنابراین تو هستی که بندگانت را پس از نومیدی با فرو فرستادن باران امیدوار می سازی و رحمت را می گسترانی و تو هستی یاری رسان و مددکار و تویی صاحب ولایت و ستوده شده.

همان بزرگوار پیدایش جهان را از آب می داند: «خدای سبحان طبقات فضا را شکافت و اطراف آن را باز کرد و هوای به آسمان و زمین راه یافته را آفرید و در آن آبی روان ساخت آبی که امواج متلاطم آن شکننده بود. (۳)

ص: ۲۳

۱- دعای ۱۹

۲- خطبه ۱۱۴

۳- خطبه ۱

بار الها ما را به وسیله باران سیراب فرما و رحمت را به توسط بارانت آن هم بارانی فراوان از ابری که سبب می شود در اطراف زمینت گیاهان برویند منتشر کن.

وَ اٰمِنُنَّ عَلٰی عِبَادِكَ يَا يٰنَاعِ التَّمْرَةِ، وَ اٰحِي بِلَادِكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ، وَ اَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقِيٍّ مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ (۱)

خدایا بر بندگان منت گذار تا درختانشان میوه دهد و با شکفته شدن شکوفه ها شهرهایت را حیات تازه ببخش و فرشتگانت را که سفیران تواند به آب دادن سودمند به گیاهان آن هم به طور دایم و باریدن فراوان مامور فرما.

امیرالمومنین علی علیه السلام :

اَللّٰهُمَّ سَقِيًّا مِنْكَ مُحِيَّةً مُرْوِيَّةً، تَامَّةً عَامَّةً، طَيِّبَةً مُبَارَكَةً هَيْئَةً مَرِيْعَةً

پروردگارا بارانی عطا فرما که زنده کننده سیراب سازنده تمام و کامل و همه جا گیر پاکیزه و با برکت و گوارا باشد.

فَاِنَّكَ تُنَزِّلُ الْعَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَطَطُوا، وَ تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ، وَ اِنَّتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيْدُ (۲)

بنابراین تو هستی که بندگانت را پس از نومیدی با فرو فرستادن باران امیدوار می سازی و رحمت را می گسترانی و تو هستی یاری رسان و مددکار و تویی صاحب ولایت و ستوده شده.

همان بزرگوار پیدایش جهانرا از آب میداند: خدای سبحان طبقات فضا را شکافت و اطراف آن را باز کرد و هوای به آسمان و زمین راه یافته را افرید و در آن آبی روان ساخت آبی که امواج متلاطم آن شکننده بود. (۳)

ص: ۲۴

۱- دعای ۱۹

۲- خطبه- ۱۱۴

۳- خطبه- ۱

امروزه همه دانشمندان این حقیقت را قبول دارند که آب از اکسیژن و هیدروژن پدید آمده و آغاز آفرینش از هوا و توده بخار بوده است و نیز در نقش حیاتی آب فرمود:

آگاه باش هر عملی رویشی دارد و هر روینده ای از آب بی نیاز نیست و آب ها نیز گوناگون می باشند پس هر درختی که آبیاری اش به اندازه و نیکو باشد شاخ و برگش نیکو و میوه اش شیرین است و آنچه آبیاری اش پاکیزه نباشد درختش عیب دارد و میوه اش تلخ است (۱).

یکی از نکات بسیار مهم در آب ایجاد نظافت و بهداشت سالم است. امیرالمومنین علیه السلام می فرمود: *تَنْظَفُوا بِالْمَاءِ مِنَ النَّتَنِ الرِّيحِ الَّذِي يُنَادِي بِهِ. تَعَهَّدُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُغِضُّ مِنْ عِبَادِهِ الْقَاذُورَةَ الَّذِي يَتَأَنَّفُ بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ* (۲).

خودتان را به وسیله آب از بوی نامطبوعی که مایه ازار دیگران است پاکیزه سازید به سر و وضع خودتان برسید زیرا خداوند عزوجل از بندگان کثیف که هر که با او می نشیند از وی بیزار می شود نفرت دارد. همان بزرگوار برای شستشوی بدن می فرمود:

نِعْمَ الْبَيْتُ الْحَمَامُ تُدَكَّرُ فِيهِ النَّارُ وَ يَذْهَبُ بِالدَّرَنِ (۳)

چه جای خوب است حمام یاد آور آتش و حرارت دورخ است و چرک بدن را می برد.

باز هم باران که مصداق آشکار رحمت الهی است و قرآن در چندین ایه به آن اشاره دارد.

خداست که بادها را می فرستد تا ابرها را به حرکت در آورند. سپس ابرها را در آسمان هر گونه بخواهد می گستراند و قطعه قطعه می کند. آنگاه می بینی که قطرات باران از درونش بیرون می ریزد و به هر کس از بندگانش خواست می رساند که ناگهان آنها شادمان می گردند گرچه ایشان قبل از نزول باران نومید بودند. (۴)

ص: ۲۵

۱- خطبه-۱۵۴

۲- خصال ص ۶۲۰.

۳- من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۱۵.

۴- روم-۴۸-۴۹

خداست که بادهای را می فرستد تا ابرها را به حرکت درآورند و آنگاه آنها را به زمین مرده روانه می کنیم و زمین مرده را به وسیله باران زنده می نماییم و زنده شدن مردگان همین گونه است. (۱)

اوست که بادهای را پیشاپیش رحمت خویش بشارت دهد تا ابرهای سنگین را با خود حمل کنند. ما آنها را به سرزمین های مرده و بی آب می رانیم و به وسیله آنها باران را نازل می کنیم و به کمک باران میوه ها از خاک بیرون می آوریم و این گونه مردگان را زنده می کنیم شاید به خود آید. (۲)

آری آب و باران از جمله برکات غیرقابل توصیف حق تعالی است که ما انسان ها کمتر قدر آن را می دانیم و گاهی به خاطر اسراف کاری و ناسپاسی هایمان همان آب و باران بالای جانمان می شود.

امام سجاد علیه السلام این احساس خطر را فرموده بود که می گفت:

اللَّهُمَّ لِمَا تَجْعَلُ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَيْمُومًا، وَ لِمَا تَجْعَلُ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا، وَ لِمَا تَجْعَلُ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا، وَ لِمَا تَجْعَلُ مَاءَهُ عَلَيْنَا أُجَاجًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳)

پروردگارا سایه ابرها را برای ما مسموم و سرمایش را برایمان شوم و بارشش را عذاب و ابش را شور مگردان.

خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و از برکات آسمان ها و زمین روزی ما کن که تو بر همه چیز توانایی.

در پایان این بحث سفارشی دارم به اهل وسواس و کسانی که در شستن لباس و ظروف و غسل و وضو آب شرب را فراوان مصرف می کنند به راستی هیچ فکر کرده اید که

ص: ۲۶

۱- فاطر- ۹

۲- اعراف- ۷

۳- دعای ۱۹

وسواس از القائنات شیطان است و اسراف در مصرف آب یعنی پیروی و فرمان برداری از شیطان.

عبدالله بن سنان می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم که مردی است که به وسوسه در وضو و نماز مبتلا است ولی او مرد عاقلی است.

امام علیه السلام فرمود: «این چه عقلی است برای او در حالی که پیروی از شیطان می کند؟ گفتم: چگونه پیروی از شیطان می نماید؟»

فرمود: «از خودش سوال کن این حالت وسواس که به تو دست می دهد از کجا سرچشمه می گیرد؟ پاسخ خواهد داد از وسواس شیطان است (۱)»

آبادانی

خداوند تبارک و تعالی انسان را در کره ای از کرات قرار داد که استعداد آباد شدن و توسعه روزی از هر نقطه آن وجود دارد. باری تعالی در عین حالی که خود متعهد روزی بندگانش شده ولی برای رسیدن به آن تلاش و کوشش را از ما خواسته و می فرموده است:

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (۲)

و نیست برای انسان جز آنچه را با سعی و عمل به دست می آورد و البته نتیجه سعی و کوشش او به زودی دیده خواهد شد این سعی و کوشش چه در مادیات و امور اقتصادی و آبادانی محیط زندگی باشد و یا در مسایل معنوی و عبادت پروردگار هر دو نتیجه بخش و سودمند خواهد بود.

ص: ۲۷

۱- کافی ج ۱ ص ۱۱.

۲- نجم- ۳۹ و ۴۰.

امام سجاد علیه السلام درباره آبادانی رزق و روزی و وضع اقتصادی عرض می کرد:

وَ اجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ، وَ أَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسَمِكَ فِي كِتَابِكَ، قَاطِعاً لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكَفَّلْتَ بِهِ، وَ حَسْماً لِلِاسْتِغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ (۱)

خدایا آنچه را به وسیله وحی ات وعده داده ای ما را تکفل نموده ای و ما را با همین ضمانت در کفالت روزیمان به کار و اشتغال وا داشته ای برایمان مقرر فرما.

کار و اشتغال است که سبب توسعه روزی و آبادانی شهرها و کشور می شود.

آباد کردن محیط زندگانی و آرایش و رونق بخشیدن به محسوط کار و سرو وضع خود کاری است مطلوب و مورد پسند پروردگار متعال.

مولایمان علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى اثْرَ النَّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ (۲)

خداوند زیباست و زیبایی را دوست می دارد و دوست دارد اثر نعمت را در بنده خود ببیند البته از جمله کسانی نباشیم که دنیای خود را آباد کنیم و آخرت را خراب چنان که بعضی سخت کوش برای آبادنی شهر و کشور و خانه و خورد و خوراک و اقتصاد خود هستند و کوچک ترین توجهی به آباد کردن جهان آخرت خویش ندارند و بلکه در مقام تخریب خانه جهان دیگر خویشند.

از امام حسین علیه السلام سوال شد که علت ناخوش داشتن مرگ چیست؟

لِأَنَّكُمْ أَحْرَبْتُمْ آخِرَتَكُمْ وَ عَمَّرْتُمْ دُنْيَاكُمْ وَ أَنْتُمْ تَكْرَهُونَ لِنُقْلِهِ مِنَ الْعِمْرَانِ إِلَى الْخَرَابِ (۳)

زیرا شما آخرت خود را ویران کرده اید و دنیایتان را آباد و دوست ندارید از آبادانی به ویرانه منتقل شوید.

و بدترین آبادکنندگان را از زبان مولایمان علی علیه السلام بشناسیم:

ص: ۲۸

۱- دعای ۲۹

۲- کافی ج ۱ ص ۴۴۰

۳- معانی الاخبار ص ۳۹۰.

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَتَّقِي فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمَهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمَهُ وَمَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهَيْدَى سَيَكُونُهَا وَعَمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَأْوِي الْخَطِيئَةُ يَرُدُّونَ مَنْ شَدَّ عَنْهَا فِيهَا وَيَسُوقُونَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا إِلَيْهَا يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِي حَلْفَتِ لَمَّا بَعَثْتُ عَلَى أَوْلِيَّكَ فِتْنَةً تَتْرُكُ الْحَلِيمَ فِيهَا حَيْرَانَ وَقَدْ فَعِلَ وَنَحْنُ نَسْتَقِيلُ اللَّهُ عَثْرَةَ الْغَفْلَةِ (۱)

زمانی برای مردم فرا میرسد که از قرآن چیزی باقی نمی ماند جز نشانی و از اسلام جز اسمی. در آن زمان مسجدهایشان از نظر ساختمان آباداست ولی از جهت ارشاد و هدایت خلق خراب ساکنین و آبادکنندگان مساجد آن زمان از بدترین مردم روی زمین هستند از وجودشان فتنه برخیزد و لغزش و خطا به آنها پناه می برد هر که از آن فتنه کناره گیرد به آن بازش می گردانند و آن که از آن عقب افتاده به طرف آن می رانندش. خداوند سبحان می فرماید:

به حق خود سوگند چنان فتنه را برایشان بر می انگیزم که مردمان عاقل را در آن سرگردان کنم و به راستی که پروردگار چنین کرده است و ما از پروردگار می خواهیم از لغزشی که از ما سر می زند بگذرد. ما نیز چون مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام عرض می کنیم پروردگارا از لغزشی که از ما سر می زند ما را ببخش چرا که اگر گرفتار غفلت شویم روزی فرا می رسد که متوجه این معنا می شویم که ما جزء بدترین مردم زمین هستیم چون مساجد خود را از نظر شکل هندسی و ساختمان بی بدیل و زیبا ساخته ایم ولی از هدایت خلق و ترویج دین خدا و مکتب اهل بیت علیهم السلام در آن مساجد خبری نیست.

پس پیش از آنکه در فکر آبادانی جسم و ظاهر خانه و پایگاه عبادت و مغازه و ماشین و لوازم اسایش خویش باشیم باید در اندیشه برای آبادانی روح و قلب و هدف از خلقتمان

ص: ۲۹

باشیم که ما در این دنیا میهمان و دنیا برای ما میهمان سر است و پل عبور برای جهانی است که خوب و بدن در آن جاودانه اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: ای مردم هر که در دنیا میهمان است و آنچه دارد عاریت است میهمان سرانجام باید برود و عاریه باید برگردانده شود. (۱)

رُویَ أَنَّ جِبْرِئِيلَ قَالَ لِنُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا أَطْوَلَ الْأَنْبِيَاءِ عُمُرًا كَيْفَ وَجَدْتَ الدُّنْيَا؟ قَالَ: كَدَارٍ لَهَا بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَخَرَجْتُ مِنَ الْآخِرِ (۲)

روایت شده است که جبرئیل علیه السلام به نوح علیه السلام گفت: ای پر سال ترین پیامبران! دنیا را چگونه دیدی؟
نوح گفت: هم چون خانه ای دو در که از یک در وارد شدم و از در دیگر بیرون رفتم.

آبرو

دعای چهل و یک صحیفه سجادیه دعای حفظ آبرو و حیثیت از درگاه الهی است ابرو یعنی نیک نامی، اعتبار، شرف، ارج و قدر آن چه مایه سرافرازی است. ابرومند به کسی می گویند که در عین عفت و پاکدامنی با مناعت زندگی می کند و دارای اعتبار و شرافت است.

امام علیه السلام ابتدا عرض می کند: «خدایا بر محمد و آل او درود فرست بسترهای کرمات را برایم بگستران و مرا از محل نوشیدن شراب رحمت سیراب کن و در بهشت جایم ده و با رد کردن از در خانه ات مرا مرنجان و به نومییدی از رحمت نومیدم مکن و مرا به گناهانم تقاص مفرما و به آنچه را که انجام داده ام سخت گیری مکن.»

ص: ۳۰

۱- بحار ج ۱۳ ص ۴۲۷.

۲- تنبیه الخواطر ج ۱ ص ۱۳۰.

سپس می گوید:

وَلَا تُبْرِزْ مَكْتُومِي وَلَا تَكْشِفْ مَسْتُورِي وَلَا تَحْمِلْ عَلَى مِيزَانِ الْإِنصَافِ عَمَلِي وَلَا تُعْلِنَ عَلَيَّ عُيُونِ الْمَلَائِكَةِ خَبْرِي أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَشْرُهُ عَلَيَّ عَارًا وَاطْوِ عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِي عِنْدَكَ شَنَارًا

و رازم را فاش و سرم را آشکار مفرما و کارم را در ترازوی عدلت مسنج و وضع حالم را در برابر چشم بزرگان فاش مگردان.

خدایا آنچه برایم ننگ است از دید بزرگان در روز قیامت مخفی بدار و آنچه نزد تو مرا رسوا می کند از آنان بپوشان.

گاهی برای کسب آبرو باید سراغ آبرومندان در گاه الهی برویم و با توسل و توجه به آن بندگان نازنین خداوند در دنیا و آخرت شریف و عزیز شویم.

در دعای توسل به چهارده معصوم علیهم السلام یک عبارت خطاب به همه معصومین تکرار می شود. یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ أَيَّ آبرومند نزد خدا شفاعت ما کن نزد خدا.

در زیارت عاشورا از درگاه احدیت عاجزانه می خواهیم که خدایا به برکت وجود عزیز و گرامی حضرت حسین علیه السلام ما را نزد خودت آبرومند دنیا و آخرت قرار ده.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

خداوند مهربان تا زمانی که بنده اش اصرار بر گناه و تظاهر به آن ندارد آبرویش را حفظ می کند ولی وقتی انسان خود بی آبرویی می کند پروردگار وی را به حال خود میگذارد. معمولاً عواملی که باعث می شوند آبرو حفظ شود و شخصیت فرد زیر سوال نرود. عبارتند از بخشش در خواست نکردن از دیگران عقل معاش و تدبیر اقتصادی ترک و دعوا و نزاع، ترک شوخی های مبتذل و یاوه گویی استفاده از تجربه دیگران و قناعت در زندگی.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

الْجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ (۱)

ص: ۳۱

بخشندگی ، نگاهدارنده آبروست.

مَاءٌ وَجْهَكَ جَامِدٌ يُقَطِّرُهُ السُّؤَالُ (۱)

آبروی تو چون یخی جامد است که درخواست آن را قطره ، قطره آب می کند.

اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَلَا تَبْدُلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ (۲)

خدایا ابرویم را با بی نیازی نگهدار و با تنگدستی شخصیت مرا لکه دار مفرما.

مَنْ صُنَّ بَعْرُضِهِ فَلْيَدْعِ الْمَرْءَ (۳)

هر کس که از آبروی خود بیمناک است از دعوا و نزاع بپرهیزد.

وَلَا تَجْعَلْ عَرْضَكَ عَرَضًا لِيَبَالَ الْقَوْلِ، وَلَا تُخَيِّدِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ فَكَفَى بِذَلِكَ كَذِبًا، وَلَا تَرُدَّ عَلَى النَّاسِ كُلِّ مَا حَدَّثُوكَ بِهِ فَكَفَى بِذَلِكَ جَهْلًا (۴)

آبروی خود را آماج تیر گفتار دیگران قرار نده و آن چه شنیدی بازگو مکن که نشانه دروغ گویی است و هر خبری را دروغ مپندار که نشانه نادانی است.

ثُمَّ أَنْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ إِخْتِبَارًا ... وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُنْتَقَدِّمِهِ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَأَصْحَحُ أَعْرَاضًا (۵)

سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار کارگزاران دولتی و از میان مردمی با تجربه و با حیا و آبرومند از خاندانی پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن.

بِالْقَنَاعَةِ يَكُونُ الْعِزُّ (۶)

با قناعت است که آبرو و حیثیت انسان به دست می آید.

ص: ۳۲

۱- نهج البلاغه حکم ۳۴۶.

۲- خطبه ۲۲۵

۳- حکم ۳۶۲

۴- نهج البلاغه نامه-۶۹

۵- نهج البلاغه نامه-۵۳

۶- غررالحکم-۴۲۴۴

نکته دیگری که در این بحث باید بدان توجه ویژه شود حفظ آبروی دیگران است امام رضا علیه السلام به ما می آموزد که از خدای خویش بیاموزید «وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكَيْتِمَانُ السِّرِّ» بحار ج ۷۵ ص ۶۸

خصلت پروردگارش رازپوشی است.

این که خداوند ستارالعیوب است برای کسی جای شک نیست و تابنده نخواهد سرش را فاش نمی کند و آبرو را حفظ می نماید پس ما نیز از خدای خویش بیاموزیم آبروی دیگران را بر باد ندهیم و برای انتقام گرفتن کسی را رسوا نکنیم.

و شاید به همین علت است که امام صادق علیه السلام سفارش می فرمود: «دوستت را از راز خود آگاه مکن مگر بر رازی که اگر دشمنی از آن آگاه شود نتواند به تویزانی رساند زیرا دوست نیز ممکن است که روزی دشمن شود.

بعضی از افراد خیلی راحت آبروی دیگران را می برند و آنان را در جامعه بی حیثیت می کنند و بعد که مورد اعتراض قرار می گیرند خبر خود را تکذیب می کنند.

البته خبر دارند و یا شاید هم ندارند که آبروی ریخته را نمی توان جمع کرد و از جمله گناهانی است که خیلی سخت و دیر مورد آموزش قرار می گیرد مگر آنکه ابروریز با تمام همت و تلاش در مقام رفع اشکال خود برآید و وجهه فرد مورد آزار خود را ترمیم و به حال اول برگرداند.

امیرالمومنین علی علیه السلام سفارش می فرمود: فَمَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَهُوَ نَعِيُّ الرَّاحَةِ مِنْ دِمَائِ الْمُسْلِمِينَ وَ أَمْوَالِهِمْ، سَلِيمُ اللِّسَانِ مِنْ أَعْرَاضِهِمْ، فَلْيَفْعَلْ

پس هر کس از شما بتواند خدا را در حالی ملاقات کند که دستش از خون و اموال مسلمانان پاک و زبانش از عرض و آبروی مردم سالم ماند باید چنین کند.

و آتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ

به ما در دنیا خوبی و در آخرت نیز خوبی و به رحمت از عذاب دوزخ نگاهم دار.

همان طور که ملاحظه می فرمایید این عبارت برگرفته از آیه ۲۰۱ سوره بقره است و در آخرین بخش دعای معروف مکارم الاخلاق دعای بیستم صحیفه سجادیه علیه السلام آمده است آخرت به معنی بازپسین و مهلت و همیشه است. این واژه مونث کلمه آخر و صفتی است که موصوف آن حذف شده است یعنی در اصل «دَارُ الْآخِرَةِ» یا «نَشَأَةُ الْآخِرَةِ» بوده است. چنانکه قرآن مجید نیز به این معنا تاکید دارد.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱)

این خانه آخرت است که برای آنان قرار داده ایم که در دنیا اراده طغیان در زمین و فساد نکرده اند و پایان خوب از آن اهل تقواست.

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۲)

زندگی دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست و خانه آخرت برای اهل تقوا بهتر است. آیا اندیشه نمی کنید؟

آخرت به سبب تاخر آن جهان بر این جهان آخرت موسوم شده است. اگر آخرت را از زمان زنده شدن مردگان در نظر بگیریم عبارت است از زنده شدن مردگان سنجش اعمال عبور از پل دوزخ و ورود به بهشت و یا جهنم.

ص: ۳۴

تعبیر دیگر آخرت معاد یا رستاخیز است واژه آخرت در قرآن فراوان آمده ولی لغت معاد یکبار آمده

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ (۱)

ای رسول ما آنکه قرآن را بر عهده تو گذاشت تو را به جایگاهت باز می گرداند.

عده ای می گویند منظور بازگشت به مکه است ولی صحیح آن چیزی است که امیرالمومنین علیه السلام به آن اشاره فرمود و ابن عباس آن را بیان کرد. که معاد در آیه اشاره به بهشت به گونه ای است که بالقوه آن را خلق نموده است.

نقل از مفردات راغب

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ (۲)

خداست که خلق موجودات را آغاز کرده سپس آنها را باز می گرداند و اینکار برای او آسان تر است.

حضرت امیرالمومنین علیه السلام درباره اوضاع جهان آخرت می فرمود: آخرت روزی است که خداوند تبارک و تعالی انسان های اولین و آخرین را برای محاسبه دقیق اعمالشان جمع می کند تا به کیفر و یا پاداشی که استحقاق دارند برسند. همگی در حال خضوع و فروتنی بر پا ایستاده اند و عرق تا گوشه دهانهایشان روان و زمین زیر پایشان لرزان است. در آن جمع حال آن کسی بهتر است که برای ایستادن خود به اندازه جای دو پا مکانی را یافته و برای راحتی خود محل وسیعی به دست آورده باشد. (۳)

سرفصل هایی که درباره جهان آخرت از قرآن و روایات استفاده می شود هم راه گشای زندگی دنیای ماست و هم پیوند دهنده بین دنیا و آخرتمان می باشد.

ص: ۳۵

۱- قصص-۸۵

۲- روم-۲۷

۳- نهج البلاغه خطبه-۱۰۱

آمادگی برای سفر آخرت توشه سفر آخرت راه های آخرت گرایی ضرورت یادآوری آخرت ره آورد آخرت گرایی.

از این چند سرفصل توجه خویش را به ره آورد آخرت گرایی بیشتر معطوف داریم که به تحقیق موارد دیگر را حتما دنبال خواهیم کرد.

ره آورد آخرت گرایی توجه به جهان آخرت و کار کردن برای آن جایگاه جاوید است وقتی صحبت تعقل و دوراندیشی می شود بسیاری آن را به آینده دنیای خویش تطبیق می دهند. در حالی عمرها کوتاه و آینده برای ما مختصر است پس عاقل کسی است که به جهان آخرت خود بیندیشد و برای آنجایگاه کاری انجام دهد و توشه تهیه کند.

امیرالمومنین علی علیه السلام در دو روایت چنین فرمود:

مَنْ عَمَّرَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَهُوَ الْعَاقِلُ (۱)

هر که خانه جاوید خود را آباد کند او عاقل است.

إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ نَظَرَ فِي يَوْمِهِ لِعَدِهِ وَ سَعَى فِي فِكَائِكَ نَفْسِهِ وَ عَمِلَ لِمَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ وَ لَا مَحِيصَ لَهُ عَنْهُ (۲)

عاقل کسی است که در امروزش به فکر فردای خود باشد و در راه آزاد کردن خویش از آتش دوزخ بکوشد و برای چیزی کار کند که چاره و گریزی از آن ندارد.

آداب و معاشرت

اللَّهُمَّ صِرْ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَ لِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي، وَ ظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي، وَ هَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَ قُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَ سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَ وَفْقِي لِمَنْ سَدَّدَنِي، وَ مُتَابِعَهُ مَنْ أَرْشَدَنِي (۳)

ص: ۳۶

۱- غرر الحکم- ۸۲۹۸

۲- غرر الحکم ۳۶۱۱

۳- دعای بیستم صحیفه.

بارالها بر محمد و آل او درود فرست و قرار ده برایم دست نیرومندی بر هر که به من ستم کند و زبان گویایی بر هر که با من ستیزی نماید و پیروزی بر هر کس که با من دشمنی کند و حيله ای در مقابل حيله گران به من بده و نیرویی بر کسی که در تنگنایم گذارد و تکذیب گفتار هر که عیب جویی و بدگویی ام نماید.

آداب معاشرت یک عنوان کلی است که درباره اصول اخلاق نحوه سلوک چگونگی معاشرت و مصاحبت با مردم و وظایف خانوادگی و غیره بحث می شود.

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق دعای بیستم صحیفه بخش مبسوطی از گفتار خویش و مطالباتش را از درگاه الهی به همین موضوع اختصاص داده است.

در جمله اول عرض میکند: «وَاجْعَلْنِي يَدًا عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَنِي»

در برابر کسی که به من ستم روا می دارد دستی نیرومند داشته باشم.

امام علیه السلام با این درخواست خود به ما می آموزد که مومن نباید زیر بار ظلم و زور برود و نباید تن به ذلت و زبونی دهد و تو سری خور باشد بلکه باید در برابر زورگویان ایستادگی کند.

انسان برای سرکوب ظلم باید از قدرت خویش استفاده کند و اگر در این مسیر آسیبی به وی وارد شود تکلیف را انجام داده و ماجور است.

تا کاخ ستم بر پاست بنیان ستم برجاست***پیوسته روا بر ماست ناکامی و ناشادی

گر داد همی خواهی بیداد مکش ورنه***بیداد کند ظالم چون تم به ستم دادی

امام علی علیه السلام درس آموز بزرگ به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می فرمود: كُونَا لِلظَّالِمِ حَصِيْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا (۱)

فرزندان من شما دشمن ظالم و ستمکار و یارو مددکار مظلوم و ستمدیده باشید.

«وَ لِسَانًا عَلَيَّ مَنْ خَاصَمَنِي»

ص: ۳۷

امام علیه السلام در جمله دوم دعا عرض کرد: خدایا مرا در مقابل کسی که با من بحث خصومت آمیز می نماید زبانی گویا قرار ده. ما هیچ گاه نباید آغازگر خصومت و دشمنی با کسی باشیم اما اگر کسی بنای خصومت را با ما گذاشت لازم است با قدرت بیان و گفتار منطقی او را محکوم کنیم و از صحنه بدر نماییم.

مومن در بحث و مجادله احسن نباید کم بیاورد.

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (۱)

آری جدل باید به گونه ای خوب و نیکو باشد و به دشمنی و رذایل آلوده نگردد.

گاهی طرف متخاصم فرد لجوج و دارای سماجت و پافشاری در باطل خود است شرع مقدس اجازه نمی دهد که ما با او به مناظره و مباحثه ادامه دهیم.

چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم با نفس قدسی خویش بسیاری را نتوانست هدایت کند بیش از آن هم تکلیف نداشت.

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (۲)

و اگر آنها را به راه هدایت بخوانید نمی شنوند می بینی که فقط به تو نگاه می کنند ولی در واقع نمی بینند تو گذشت داشته باش و دعوت به خوبی ها کن و از مردم نادان کناره بگیر مردی به امام حسین علیه السلام عرض کرد: بنشینید تا در مطالب دینی مناظره و مباحثه نماییم.

حضرت در پاسخ به وی فرمود: من به دینم آگاهی دارم و حقیقت بر من روشن است و شما اگر به دینت جاهلی برو آن را طلب کن. سپس حضرت با خودش سخن می گفت و می فرمود: مرا با خصومت و بحث های خصومت انگیز چه کار؟

این شیطان است که وسوسه می کند و می گوید در دین خدا با مردم مناظره کن تا درباره تو گمان ناتوانی و نادانی نبرند. (۳)

ص: ۳۸

۱- نحل ۱۲۵

۲- اعراف ۱۹۸ و ۱۹۹

۳- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۹۸

امام سجاده علیه السلام در ادامه عرض کرد که خدایا بر هر کس که با من دشمنی کند پیروزم کن و هر کس با من از خدعه و دروغ وارد می شود تو به من نیرویی عطا کن که بتوانم نیرنگ او را دفع کنم و هر که می خواهد از راه قهر و غلبه بر من سلطه پیدا کند تو به من قدرتی عطا فرما که مانع زورگویی و قهر او شوم. و قدرتی به من ده تا گفتار هر عیب جو و بدگو را تکذیب کنم و تندرستم بدار از شر کسی که مرا تهدید می نماید.

بعد فرمود: وَفَقِنِي لِعِطَاعِهِ مَنْ سَدَدَنِي وَ مُتَابَعِهِ مَنْ أَرشَدَنِي و موفقم بدار برای فرمانبرداری کسی که کمکم کند و پیروی کسی که به راه راستم وادارد.

توفیق اطاعت کسی که ما را به راه درست وادارد و متابعت از کسی که ما را ارشاد می کند توفیق بزرگی است که نصیب همه کس نمی شود.

در مجمع البحرین توفیق الهی را اینگونه معنا کرده: تَوْجِيهِ الْأَسْبَابِ نَحْوَ اللَّمَطْلُوبِ الْخَيْرِ برای تحقق یک امر خوب وسایل و اسباب به گونه ای تنظیم شود که مقصود حاصل گردد. معمولا- فیض توفیق الهی شامل حال کسانی می شود که خواهان آن باشند. کسی که در انجام کارهای پسندیده بی تفاوت است و علاقه نشان نمی دهد توفیق پروردگار نصیب وی نخواهد شد.

هر که زمینه هدایت را در خود ایجاد کند خداوند قلب و نفس او را هدایت و راهنمایی می کند و تا زمانی که انسان روح عناد و دشمنی دارد و پذیرای حقایق نیست در مسیر هدایت قرار نخواهد گرفت.

وَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱)

و هر کس به خدا ایمان آورد خداوند دلش را هدایت می کند که خدا به همه چیز آگاه است. طیب عشق مسیحا دمست و مشفق لیک چو درد در تو بیند که را دوا بکند.

ص: ۳۹

امام کاظم علیه السلام میفرمود:

إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَا فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ التَّوَاضِعَ آلَةَ الْعَقْلِ وَجَعَلَ التَّكَبُّرَ آلَةَ الْجَهْلِ (۱)

همانا زراعت در زمین نرم می روید و بر روی سنگ نمی روید. حکمت نیز چنین است در دل های افتاده آبادان می شود و در دل خود ستای گردن فراز پرورش نمی یابد زیرا که خداوند افتادگی را ابزار عقل قرار داده و تکبر را ابزار نادانی.

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست***در باغ لاله رویاند و در شوره زار خس

امام علیه السلام وقتی عرضه می دارد که وَ مُتَابِعِهِ مَنْ أَرْشَدَنِي

خدایا موقم بدار که از کسی که مرا به راه خیر و صلاح ارشاد می نماید پیروی کنم.

به ما می آموزد آنکه هدایت پذیر است و گوش دل را برای شنیدن حقایق باز کرده رستگار و پیروز است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سفارش می فرمود که:

اسْتَرْشِدُوا الْعَاقِلَ تَرْشُدُوا وَلَا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوا (۲)

از عاقل راهنمایی و ارشد بخواهید تا هدایت شوید و از دستورش سرپیچی ننمایید که پشیمان خواهید شد.

ص: ۴۰

۱- بحار ج ۷۸ ص ۳۱۲

۲- بحار ج ۲ ص ۳۴

فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلَتْ فِيهِ رَسُولًا وَ أَقَمَتْ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنِ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ

آدم در اصل کلمه عبری است به معنای خاکی می باشد و بعضی معتقدند که واژه آدم از «أَدِيمُ الْأَرْضِ» خاک زیر پا گرفته شده است.

علامه مجلسی معتقد است آدم همچون ازرنامی عجمی است و از کلمه ای گرفته نشده است. طبق نص صریح قرآن شریف آدم نخستین انسانی است که خداوند از خاک آفریده است.

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۱)

داستان عیسی نزد خدا چون داستان آدم است که او را از خاک آفرید و به او گفت: باش و او موجود شد.

خداوند آدم را خلیفه خود بر روی زمین قرار داد

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (۲)

و زمانی که پروردگارت به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشینی قرار می دهم.

و آدمیان همان فرزندان آدمند که به بنی آدم نامیده شده اند:

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۳)

آیا ای فرزندان آدم با شما عهد نبستم که شیطان را بندگی نکنید زیرا که او برای شما دشمن آشکاری است؟

ص: ۴۱

۱- آل عمران ۵۹

۲- بقره- ۳۰

۳- یس - ۶۰

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (۱)

ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا سیرشان دادیم و از چیزهای پاکیزه روزی شان کردیم و بر بسیاری ازافریده های خویش آنان را برتری کامل دادیم.

امام سجاد علیه السلام آدم را نخستین پیامبر الهی و اولین انسان و ابوالبشر می داند و فی کُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أُرْسِلَتْ فِيهِ رَسُولًا وَ أَقَمَتْ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادَهُ أَهْلُ التَّقَى، عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ، فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ. (۲)

بار الها برای مردم هر زمان پیامبرانی فرستادی و بر هر کدام آنها اقامه دلیل کردی از زمان آدم تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم که همگی رهبران هدایت و پرهیزکاری بودند بر آنها نیز سلام و درود فرست و آنها را از خود به مغفرت و رضامندی یاد کن.

امام باقر علیه السلام درباره آنچه بر آدم وحی شد فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به آدم علیه السلام وحی فرمود: ای آدم من همه خوبی ها را در چهار کلمه برای تو فراهم می آورم یکی از آنها به من اختصاص دارد یکی به خودت مربوط می شود یکی به رابطه من و تو و یکی به رابطه تو با مردم.

اما آن که به من اختصاص دارد این است که بندگی مرا بکنی و چیزی را شریک من قرار ندهی. اما آنکه به تو مربوط می شود این است که تو دعا کنی و من اجابت نمایم و اما آن که به رابطه میان تو و مردم مربوط می شود این است که برای مردم آن پسندی که برای خودت می پسندی (۳)

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

ص: ۴۲

۱- اسراء ۷۰

۲- دعای چهارم صحیفه.

۳- بحار ج ۱۱ ص ۲۵۷

لَمَّا أَهَيَّطَ اللَّهُ آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ مَكَثَ فِيهَا مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمَكِّثَ ثُمَّ قَالَ لَهُ بَنُوهُ: يَا أَبَانَا تَكَلَّمْ فَقَامَ خَطِيبًا فِي أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ وُلْدِهِ وَ وُلْدِ وُلْدِهِ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي فَقَالَ: يَا آدَمُ أَقِلِّ كَلَامَكَ تَرْجِعْ إِلَى جِوَارِي (۱)

چون خداوند آدم را به زمین فرو فرستاد او الی ماشاء الله در زمین باقی ماند. سپس فرزندانش به او گفتند ای پدر سخن بگو آدم در میان چهل هزار از فرزندان و نوادگان خود به خطبه ایستاد و گفت: خداوند به من دستور داده و فرمود: ای آدم سخن کم گوی تا به جوار من برگردی.

امیرالمومنین درباره داستان پیدایش آدم فرمود:

خداوند از انواع خاک نرم و سخت و شوره زار خاکی جمع کرد و آن را با آب شستشو داد تا پاک شد و سپس با آب مختصری آن را خمیر کرد تا چسبناک شود و بعد صورتی از آن پدید آورد با اندام ها و اعضا جدا و به هم پیوسته.

خداوند آن صورت را خشک کرد تا اعضای یکدیگر را گرفتند و به هم متصل شدند و آن را محکم و ثابت ساخت تا بدین طریق خشک گردید که وقتی باد به او می خورد صدا می کرد.

آن شکل و شمایل را به حال خود گذاشت تا وقت موعود فرا رسد. سپس از روح خود در آن دمید تا به صورت انسان در آمد انسانی که دارای فکر و اندیشه است و می تواند آن را به کار بندد و همه چیز را به صورت خویش در آورد.

دست و پا و سایر اعضا را به او داد تا خدمتگزار وی باشند و دستوراتش را اجرا کنند.

پروردگار ابزار و ادواتی در اختیارش گذاشت تا او را به کار و کوشش وادارند. شناختی به او داد تا بتواند تفاوت حق از باطل را بشناسد و چشیدنی ها و بوئیدنی ها و رنگ ها و اجناس مختلف را تشخیص دهد.

ص: ۴۳

انسانی بیافرید دارای نژادهای مختلف هم با سرشت های هماهنگ و هم متضاد و مخالف و ضد یکدیگر گرم با سرد در آمیخته و تری با خشکی یک جا جمع شده (۱)

آرامش

يَا فَارِجَ الْهَمِّ، وَ كَاشِفَ الْغَمِّ، يَا رَحِمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ افْرِجْ هَمِّي، وَ اكْشِفْ غَمِّي (۲)

ای برطرف کننده هم و دور کننده غم ای بخشاینده در دنیا و آخرت و هر دو جهان بر محمد و آل او درود فرست و هم مرا بر طرف و غم مرا زایل کن.

آری باید چون امام زین العابدین علیه السلام آرامش را از خدای آرامش بخش درخواست کرد زیرا اوست که نگرانی و اضطراب را در زندگی برطرف می کند.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ (۳)

خداست که نعمت طمانینه و وقار را در دل های اهل ایمان قرار می دهد در زیارت امین الله که از زیارت های معتبر و مجرب است می گوئیم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ

پروردگارا به من حالی عطا کن تا نسبت به آن چه تو بر این خواسته ای آرامش یابم و به قضا تو راضی باشم.

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۴)

آگاه باشید که با یاد خدا دل ها آرام می گیرد.

ص: ۴۴

۱- نهج البلاغه خطبه ۱-

۲- دعای ۵۴ صحیفه

۳- فتح-۴

۴- رعد-۲۸

ذکر را هم سه نوع بیان کرده اند. ذکرى که فقط به زبان جارى مى شود و دل در حال غفلت است ذکرى که در دل انجام مى گیرد و زبان صامت است و ذکرى که با دل و زبان باشد که این ذکر کامل است و باعث آرامش و سکون انسان.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: ذِكْرُ اللَّهِ جَلَاءُ الصُّدُورِ وَ طَمَئِينَهِ الْقُلُوبِ (۱)

یاد خدا سینه ها را صفا مى بخشد و دل ها را آرام مى کند.

در مناجات الذاکرین امام سجاد علیه السلام هم مى خوانیم:

إِلٰهِي بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ وَ عَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ

خدایا دل های واله و حیران تو پا بسته عشق و محبت توست و بر معرفت تو تمام عقول مختلف متفق اند و دل های بندگان جز به یاد تو اطمینان نیابد.

امام سجاد علیه السلام خطاب به پروردگار عرضه داشت یا فارجِ الهمِّ وَ كاشِفِ الغَمِّ ای برطرف کننده هم و دورکننده غم.

آری اوست که دل را آرامش مى بخشد و باید به فضل و کرمش امید داشت تا به آرامش رسید.

سحر با باد مى گفتم حدیث آرزومندی خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی.

خداوند به داوود پیامبر علیه السلام وحی فرستاد همان طور که خورشید در بیخ ندارد که هر کسی از پرتوش استفاده کند

كَذٰلِكَ لَا تَضِيقُ رَحْمَتِيْ عَلٰى مَنْ دَخَلَ فِيْهَا (۲)

هم چنین برای کسی که مورد رحمت من قرار گرفته است مضایقه ای وجود ندارد و او نیز مى تواند از رحمت من بهره ببرد.

ص: ۴۵

۱- میزان الحکمه ج ۳ ص ۴۲۳

۲- سفینه البحار ج ۱ ص ۵۱۷

راه دیگر دست یابی به آرامش انجام اعمال نیک است. آن که پرونده منظمی دارد واجبات را انجام داده و محرمات را ترک کرده و حتی به نوافل و مستحبات پرداخته آرام است و با دلی مطمئن دنیا را پشت سر می گذارد.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۱)

خداوند به اهل ایمان و کارهای پسندیده وعده بخشش و پاداش بزرگ داده است

جوهر روحی ما قابل ترقی و رشد است و این کمال در پرتو عمل صالح حاصل می شود و ترقی رشد ما در گرو نفس مطمئن و آرام است.

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (۲)

تو ای نفس مطمئن سوی پروردگارت بازگرد و در حالی که راضی و مورد رضای حق هستی پس در جمع بندگان من داخل شو و در بهشت خودم قرار بگیرد.

این ایه به طور یقین خطاب به کسانی است که مراتبی از اعمال خوب را انجام داده اند مثل رضامندی به مقدرات پروردگار و عبودیت و بندگی صادقانه. امام سجاد علیه السلام دستور فرمودند که برای رفع نگرانی و کسب آرامش از آیه الکرسی و سه سوره ارزشمند «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» استفاده کرده و آنها را بین دعا تلاوت نمایند و بعد عرضه بدانند:

بار الها از تو درخواست می کنم همانند کسی که زندگی بر او سخت شده و نیرویش ضعیف و گناهانش بسیار گشته است. همانند درخواست کسی که برای گرفتاریش فریاد رسی و برای ضعفش توانایی و برای گناهش بخشنده ای غیر از تو نمی یابد. ای صاحب جلال و

ص: ۴۶

۱- مائده-۹

۲- فجر- آیات آخر

کرامت از تو می خواهم عملی را که دوست داری بنده ات انجام دهد و یقینی را که به وسیله آن کسی را که در مسیر خواست تو به مرتبه حق یقین برسد سود برسانی.

اللَّهُمَّ مِنْ أَصْبَحَ لَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ فَتَقَدَّ أَصْبَحْتُ وَ أَنْتَ ثِقَّتِي وَ رَجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا فَاقْضِ لِي بِخَيْرٍ هَا عَاقِبَتَهُ وَ نَجِّنِي مِنَ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

الها کسی که صبح می کند و اعتماد و امیدش به غیر تو است من اینگونه نیستم صبح می کنم و تو مورد اعتماد و امید من در تمامی کارها هستی. پس عاقبت بخیری در آن کارها را برایم مقرر فرما و از فتنه های گمراه کننده به وسیله رحمت ای مهربان ترین مهربانان نجاتم ده.

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَ التَّظَنِّيِّ وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفْكَرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ (۱)

خدایا چنان کن آنچه را که شیطان در دلم و خاطر من اندازد از آرزو و بدگمانی و حسد همه مبدل به تذکر عظمت تو و تفکر در قدرت تو و تدبیری برای از بین بردن دشمن گردد.

آرزو از جمله عنایات پرارزش پروردگار است که به انسان ها ارزانی داشته و مردم را از این نعمت بزرگ بهره مند نموده است.

آرزو مایه آبادانی شهرها و منشا پیشرفت علم و دانش و رسیدن به کمال است دانش پژوهان در حوزه های علمیه و دانشگاه ها با یک دنیا آرزو ادامه تحصیل می دهند آرزو برای اهل کسب و تجارت و کشاورزان عامل تحرک و فعالیت است.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود: الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا رَزَقَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرْسٌ غَارِسٌ شَجَرًا (۲)

آرزو برای ملت من رحمت است و اگر آرزو نمی بود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغ داری درختی را غرس نمی نمود.

امام سجاد علیه السلام بخشی از آرزوهای موهوم و غلط را که از القائنات شیطان است مذموم می شمارد چون دروغ و غیرواقعی می دانند.

چنان که عده ای از جوان و پیر مبتلا به آرزوهای طولانی و بی اساس می باشند و بیشتر آنها به آرزوی خویش دست نمی یابند رفتار و اعمال جنون آمیزی از آنها سر می زند و گاه تا مرز انتحار پیش می روند.

این نوع آرزوهای غیرواقعی و آمال موهوم بزرگترین وسیله گمراه سازی شیطان است.

ص: ۴۸

۱- دعای صحیفه بیستم.

۲- سفینه البحار ج ۱ ص ۳۰

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

الْأَمَلُ سَلْطَانُ الشَّيَاطِينِ عَلَى قُلُوبِ الْغَافِلِينَ (۱) تمنای غیر حقیقی و آرزوی باطل سلطان شیطان ها بر قلوب افراد غافل است.

برای آنکه انسان از القائنات شیطان در امان باشد و آرزوهای عاقلانه ای را دنبال کند باید به عظمت و بزرگی خداوند بیاندیشند و این نکته ای است که از کلام امام سجاد علیه السلام استفاده می شود. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي ذِكْرًا لِعِظَمَتِكَ

بارالها آنچه را که شیطان از خواسته و آرزوهای باطل در ضمیر من القاء می نماید تو با لطف خود آن را به ذکر عظمت و یاد بزرگی خودت متحول فرما.

همان طور که برشمردیم آرزو چیز بدی نیست بلکه عامل حرکت و شور و عشق انسان است ولی وقتی از طرف شیطان و نفس اماره شکل می گیرد زشت و ناپسند می شود.

امام علی علیه السلام می فرمود: الْأَمَانِيُّ تُعْمَى عُيُونَ الْبَصَائِرِ (۲) تمنیات و آرزوهای باطل چشم دل را نابینا می کند.

خداوند تبارک و تعالی به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خطاب می کند که کافران را به حال خودشان بگذارد تا سرگرم آرزوهای غلط خود باشند.

ذَرَهُمْ يَا كُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۳)

آن ها را به حال خودشان بگذار تا بخورند و از دنیا بهره ببرند و آرزوها سرگرمشان کند ولی به زودی خواهند فهمید.

کسانی که آرزوهای طولانی و بیهوده دارند باید بدانند صرف داشتن این نوع آرزوها هیچ گونه تغییری در زندگانی آنان ایجاد نخواهد کرد و آنچه مقدر الهی است محقق خواهد شد. مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: «آنکه یقین دارد از دوستان جدا می شود و در دل خاک جای خواهد گرفت در دادگاه عدل الهی مورد حساب و سوال قرار خواهد

ص: ۴۹

۱- غرر الحکم ص ۲۱

۲- میزان الحکمه ج ۱ ص ۱۴۱

۳- حجر- ۳

گرفت و از آنچه پشت سر گذاشته بی نیاز می گردد و به آنچه پیش فرستاده نیازمند خواهد شد. چنین کسی تلاش می کند «بِقَصْرِ الْأَمَلِ وَ طَوْلِ الْعَمَلِ» که ارزشهای کوتاه کند و اعمال صالحه اش را مفصل و طولانی نماید. بحار ج ۷۳ ص ۱۶۷

آنانکه روی دنیا با چشم عقل دیدند***چون صید تیر خورده از دام وی رمیدند

مرغان باغ جنت در کشتزار دنیا***دیدند دام پنهان از دانه دل بریدند

مردان حق ز دنیا بستند دیده دل***از نیک و بد گذشتند جز حق کسی ندیدند

آن طائران لاهوت ناسوتشان مکان شد***آخر قفس شکستند سوی وطن پریدند.

آنچه که تا به امروز برای بشر ثابت شده است آرزوی طولانی و توسعه دادن دامنه آرزوها باعث هلاکت ابدی انسان می شود به طوری که شخص آرزومند را از یاد مرگ بیندازد و خود را هیچ گاه آماده برای روبه رو شدن با آن ننماید در این موقع است که به اندازه های افکار آینده تهیه وسایل آسایش زندگی قلب او را احاطه می نماید که هستی دیگران را دستخوش آرزوهای خود قرار می دهد چنین شخصی جنایت و خیانت حيله و نیرنگ دروغ و تزویر رشوه خواری و حق کشی را جزء وظایف خود می داند زیرا او مفهومی برای زندگی دیگران قایل نیست و هستی همه چیز را فرع آمال و آرزوهای خود فرض می کند خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

لَا تُطَلِّ فِي الدُّنْيَا أَمْلَكَ فَيَقْسُو قَلْبَكَ وَ الْقَاسِيَ الْقَلْبِ مِنِّي بَعِيدٌ (۱)

ای موسی آرزوهایت را در دنیا طولانی مکن که گرفتار قساوت قلب می شوی و کسی که دارای قساوت قلب باشد از من فاصله دارد.

روایت شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم سه قطعه چوب برداشت و یکی را در مقابل خود در زمین فرو برد و دیگری را در کنار خود و سومی را دورتر آنگاه فرمود: آیا می دانید اینها چیست؟ گفتند: خدا و پیامبرش بهتر می دانند فرمود: این انسان است

ص: ۵۰

این اجل و آن دیگری آرزوست که فرزند آدم به دنبالش می رود اما اجل در می رسد و او به آرزو نمی رسد. (۱)

آزادگی

وَلَا تَفْتِنِّي بِالْإِسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرَرْتُ، وَ لَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ، وَ لَا بِالْتَضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ (۲)

خدایا در هنگام ناچاری به کمک خواهی از غیرت دچارم مکن و نه به خضوع و کرنش برای درخواست از غیرت گاهی که نیازمند می شوم و نه به زاری کردن هنگام ترس و هراس به درگاه دیگری جز خودت.

شخص آزاده صاحب مقام رضا و توکل و اتکا به پروردگار است. افراد عزیزالنفس در نهایت تنگدستی و فقر دست نیاز به سوی هیچ کس جز الله تبارک و تعالی دراز نمی کنند. در برابر ستمگران و طاغوت ها با قدی برافراشته و زبان گویا می ایستند حتی اگر به قیمت جانشان تمام شود چرا که این ها اهل مصاحبه و مدافعه یعنی سازشکاری با ظلم و ظالم نیستند.

نکته مهم آن است که ایشان ریشه خوی زشت طمع را در درون خویش خشکانده اند.

آری یک ملت آن وقت سزاوار و شایسته آزادی و استقلال است که برای رهایی از چنگال استعمار و استکبار مبارزه کند و گرنه او را به بند خواهند کشید.

و چقدر زیباست بیان حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام که فرمود

مَنْ قَامَ بِشَرَائِطِ الْحَرِّيَّةِ أَهْلٌ لِلْعِتْقِ وَ مَنْ قَصَرَ عَنِ أَحْكَامِ الْحَرِّيَّةِ أُعِيدَ إِلَى الرِّقِّ (۳)

ص: ۵۱

۱- میزان الحکمه ج ۱ ص ۱۸۸

۲- دعای بیستم صحیفه

۳- غررالحکم ص ۶۶۱

کسی که به انجام شرایط آزادگی قیام کند شایسته آزادی و هر کس که از مقررات آزادی سرباز زند و در اجرای وظایف کوتاهی کند به بندگی و بردگی برمیگردد.

مردی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در تنگدستی شدیدی قرار گرفت روزی همسرش به او گفت خوب است خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بروی و از ایشان تقاضای کمک کنی آن مرد خدمت حضرت آمد همین که چشم پیامبر به او افتاد فرمود: «مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنْ اسْتَعْتَى أَعْنَاهُ اللهُ» هر که از ما چیزی درخواست کند به او می دهیم اما کسی که شرافت نفس داشته باشد و در حال احتیاج خود را بی نیاز نشان دهد خدا او را بی نیاز خواهد کرد مرد از شنیدن این سخن با خود گفت منظور پیغمبر از این جمله من هستم از همان جا برگشت و جریان را برای زن شرح داد.

همسرش گفت حضرت رسول نیز بشری است به ایشان بگو آنگاه ببین چه می فرماید برای مرتبه دوم آمد باز همان جمله را شنید در سومین مرتبه که برگشت و سخن او را شنید پیش یکی از دوستان خود رفت و تبری را از او به عاریه گرفت. تا شامگاه در کوه هیزم جمع آوری نمود شب بازگشت و هیزم را به پنج سیر آرد فروخت. نانی تهیه کرده با زن خود خورد فردا جدیت کرد بیشتر از روز پیش هیزم آورد همین طور هر روز مقدار زیادتری می آورد تا توانست یک تبر بخرد چندی گذشت در اثر فعالیت و بی نیازی آن مقدار پول تهیه نمود که دو شتر و یک غلام خرید به وسیله آنها بیش از پیش درآمد پیدا کرده کم کم یکی از ثروتمندان شد.

روزی خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم شرفیاب شد جریان آن چندین مرتبه و برگشتنش را عرض کرد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: من که گفتم: مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنْ اسْتَعْتَى أَعْنَاهُ اللهُ (۱)

ص: ۵۲

ملاحظه نمودید که رهبر بزرگ اسلام با نوع برخورد خویش روح آزادگی و حریت را در شخص سائل زنده کرد و به او آموخت که مومن باید از زور بازوی خویش ارتزاق کند و محتاج خلق خدا نباشد.

اصولا حریت و ازادگی باید یکی از اهداف ما باشد و اگر به غیر آن فکر کنیم در تمام زمینه ها شکست خورده و عقب مانده خواهیم بود.

امام صادق علیه السلام می فرمود: مَنْ أَصْبَحَ مَهْمُومًا لِسَوِي فَكَاكٍ رَقَبَتِهِ فَقَدْ هَيَّوْنَ عَلَيْهِ الْجَلِيلُ وَ رَغَبَ مِنْ رَبِّهِ فِي الرِّيحِ الْحَقِيرِ (۱)

کسی که شب را به صبح آورد و غیر از آزادی خود اندوهی در دل داشته باشد بداند که عالی ترین هدف انسانی را کوچک و خوار شمرده و به جای توجه به خداوند علاقه و میل خویش را به طرف سود ناچیزی معطوف داشته است.

واکنش امیرالمومنین علیه السلام آنگاه که سپاه معاویه در صفین بر اصحاب آن بزرگوار پیشی جسته راه ورود به اب فرات را به تصرف در آورده و مانع برداشتن آب آنان شدند قابل دقت و توجه است.

سپاه معاویه طالب کارزار با شما هستند یا اقرار به ذلت و زبونی کنید و شرافت و عزت را از دست بدهید و یا شمشیرهای خود را از خون دشمن سیراب کنید تا در نتیجه از آب سیراب شوید. حقیقت زندگی و مرگ با عزت شماسست و تن به ذلت دادن مرگ و نیستی واقعی شماسست. توجه داشته باشید که معاویه عده کمی از گمراهان را به جنگ کشانده و حقیقت را از آنها پنهان می دارد و آنها را هم کورکورانه به استقبال مرگ می روند. (۲)

زندگی آن زمان ارزش دارد که با عزت و شرافت طی شود اگر با خواری و ذلت آمیخته گردد مرگ از حیات بهتر و برتر است.

ص: ۵۳

۱- تحف العقول ص ۳۰۲

۲- نهج البلاغه خطبه-۵۱

امام حسین علیه السلام سرسلسله مردم آزاده جهان می فرمود:

مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ (۱)

مرگ با عزت بهتر از زندگی در ذلت است.

افراد باایمان و پیروان مکتب و عترت حق ندارند برای چند روزه زندگی دنیا شرف انسانی خود را نادیده انگارند و موجبات ذلت و خواری خویش را فراهم آورند چرا که خداوند نه خواسته و نه اجازه می دهد که مومن ذلیل غیر مومن شود.

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۲)

هیچ گاه خدا نمی خواهد که کافران بر اهل ایمان راه سلطه داشته باشند امام صادق علیه السلام فرموده: خداوند امور مومنین را به خودشان تفویض فرموده اما ذلیل ساختن خودشان را به آنان واگذار ننموده است ندیدی کلام خدا را که در این مقام فرموده: عزت برای خدا و رسول خدا و مومنین است. وَ الْمُؤْمِنُ يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا وَلَا يَكُونَ ذَلِيلًا. مومن شایسته عزت است و نباید خوار و ذلیل باشد. (۳)

در شرح حال سید شریف رضی رحمه الله علیه مولف نهج البلاغه نوشته اند که: سید در سن نه سالگی قصیده ای در مدح پدر عالی قدرش سرود که هم اکنون در دیوانش موجود است و پدر به شکرانه آن استعداد بلند صله ای به او داد ولی سید رضی پذیرفت و گفت: پدر من قصیده را به عشق داشتن پدری چو تو سرودم نه برای گرفتن پاداش.

یکی از وزرای معاصر سید رضی می گوید: «خدای تعالی نوزادی به سید رضی کرامت فرمود. من هزار دینار در طبقی گذاشتم و به رسم هدیه و چشم روشنی برای او فرستادم رضی آن وجه را رد کرد و گفت: وزیر می داند که من از هیچ کس چیزی قبول نمی کنم بار دیگر آن طبق را فرستادم و گفتم: این وجه برای آن مولود است دخلی به شما ندارد باز پس فرستاد و گفت: کودکان ما نیز چیزی از کسی قبول نمی کنند. بار سوم فرستادم و

ص: ۵۴

۱- میزان الحکمه ج ۳ ص ۴۴۱

۲- نساء ۱۴۱

۳- کافی ج ۵ ص ۶۴

گفتم این مبلغ را به قابله بدهید این بار نیز بازگرداند و گفت: وزیر می داند که زنان ما از زنان بیگانه قابلگی نمی کنند بلکه قابله ایشان از زنان خود ما هستند و اینان نیز چیزی را از کسی نمی پذیرند. برای بار چهارم آن مبلغ را فرستادم و گفتم: این مبلغ از آن طلابی باشد که در خدمت شما درس می خوانند سید رضی فرمود: طلاب همه حاضرند هر کس هر قدر می خواهد بردارد. آنگاه یکی از طلاب برخاست و یک دینار برداشت و قدری از آن برید و آن بریده را نزد خود نگاه داشت و باقیمانده را در همان طبق گذاشت سید رضی پرسید: چرا چنین کردی؟ گفت: دیشب برای روغن چراغ احتیاج پیدا کردم و کلید در خزانه شما که وقف بر طلاب است نبود از این رو از بقال نسبه روغن چراغ گرفتم اکنون قدری از این دینار را برداشتم تا قرض خود را ادا کنم. چنین کردند و سرانجام آن طبق دینار را رد کردند و پذیرفتند. (۱)

چرخ و زمین بنده تدبیر توست***بنده مشو درهم و دینار را

همسر پرهیز نگرده طمع***با هنر انباز مکن عار را

این نوع آزادگی و حریت در بسیاری از علماء ربانی دیده شده مثل آنکه مرحوم حاج ملاهادی سبزواری فیلسوف بزرگ اسلامی هدیه ناصرالدین شاه را نپذیرفت و گفت من را حاجتی به هدیه پادشاهان نیست.

آزار

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... وَ سُوءِ الْوَلَعَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا ... أَوْ أَنْ نَعُضَّ بِد ظَالِمًا، أَوْ نَخْذُلَ مُلْهُوفًا ... وَ نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غِشٍّ أَحَدٍ (۲)

ص: ۵۵

۱- قصص العلماء ص ۴۱۱.

۲- دعای هشتم صحیفه

خداوندا به تو پناه می برم از بد رفتاری نسبت به آنهایی که پایین دست ما هستند و نیز به تو پناه می برم از اینکه بازو و مددکار ظالمی باشم و یا مظلومی را خوار کنم و به تو پناه می برم از اینکه قصد خیانت به کسی داشته باشم. از ویژگی های مسلمان سلامت ماندن مسلمانان از دست و زبان اوست و اگر خلاف آن انجام گرفت باید از چنین فردی نفی اسلام را کرد.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَحِلُّ أَعْزَى الْمُسْلِمِ إِلَّا بِمَا يَجِبُ» (۱)

پس مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او آزار نینند مگر آنجا که حق باشد و آزار روا نیست جز در آنچه که واجب باشد.

آزار و اذیت در هر شکل آن نشان از ضمیر آلوده و حقد و کینه است.

در غیر از مواردی که باید افراد خطاکار را حد زد و احکام الهی را درباره ایشان اجرا نمود به هیچ وجه جایز نیست انسان با دست و زبان برای خانواده ها و با هر وسیله ای که در اختیار دارد اسباب زحمت و اذیت شود. انسان های مردم آزار افراد پست و اراذل و اوباشی هستند که از اذیت دیگران لذت می برند و البته این خوی حیوانی است که در فلز وجودشان رخنه کرده است.

چون خوی انسانی می گوید به هم نوع خود کمک کن اگر مشکل و گرفتاری دارد برطرف کن نه اینکه نمک بر زخم او بریز و او را شکنجه بده و بروی ستم روا دار.

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَتَمَلُّوا بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا (۲)

ص: ۵۶

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۶۷

۲- احزاب- ۵۸

آنان که مردان و زنان مومن را بی هیچ گناهی که کرده باشند می آزارند تهمت و گناه آشکاری را به دوش می کشند.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود: که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ آرَصَدَ لِمِحَارَبَتِي (۱)

هر که به یکی از دوستان من تحقیر و توهین روا دارد برای جنگ با من آماده شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: فَازُوا لِلَّهِ الْإِبْرَارُ أَتَدْرِي مَنْ هُمُ الَّذِينَ لَا يُؤْذُونَ الدَّرَّ (۲)

سوگند به خدا که نیکان رستگار شدند آیا می دانید آنها چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که آزارشان به مورچه ای نمی رسد.

در هر عصری نوع آزار دیگران فرق میکند در عصر و زمان ما عده ای بی مسئولیت باعث آزار و اذیت همسایه به خصوص در مجتمع ها و آپارتمان ها می شوند گروهی با نوع رانندگی خود و موزیک های بلند و مبتذل اسباب اذیت عابرین و افراد رهگذر می گردند. گاه فروشنده آزارش به خریدار و خریدار به فروشنده و گاه در لباس مامور دولتی غیر قانونی مردم را اذیت می کنند خلاصه یکی از مصادیق بارز و روشن حق الناس در این رفتارها نادیده گرفته میشود.

امیرالمومنین علی علیه السلام ضمن آن که از مردم آزاری و بیدادگری بیزاری می جوید می فرماید:

به خدا سوگند اگر شب را روی خارها بیدار بمانم و مرا به زنجیر کشانند خوشتر دارم از این که در روز قیامت با دامنی آلوده به ستم بر یکی از بندگان خدا یا غضب کمترین چیزی از زندگی دنیا بر خدا و رسول او وارد شوم. چگونه به خاطر جسمی که تار و پودش به سرعت سوی پوسیدگی پیش می رود و روزگاران درازی در زیر خاک می ماند بر کسی ستم کنم؟ (۳)

ص: ۵۷

۱- کافی ج ۲ ص ۳۵۱

۲- تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۴۶

۳- نهج البلاغه خطبه- ۱۹۲

وَ اللَّهُ لَوْ أَعْطِيَتْ الْأَعْقَالِيْمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ أَعْفَلَكَهَا عَلَيَّ اءَنْ اءَعْصِيَّ اللّٰهَ فِي نَمَلِهٖ اءَسْلُبُهَآ جُلْبَ شَعِيْرِهٖ مَا فَعَلْتُهُ (۱)

به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با هر آنچه در زیر افلاک آن است به من دهند به این شرط که با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه ای نافرمانی خدا کنم هرگز چنین نخواهم کرد. این روایتی را که نقل می‌کنم ویژه کارمندان است که با ارباب رجوع سر و کار دارند.

امام کاظم علیه السلام به علی بن یقظین کارگذار و کارمند دستگاه خلیفه زمان فرمود: «یک چیز را برای من ضمانت کن من سه چیز برای تو ضمانت می‌کنم... آن سه چیزی که من برایت ضمانت می‌کنم این است که هرگز به سوزش تیغ شمشیر گرفتار و کشته نشوی. به فقر مبتلا نگردی و به زندان نیفتی.

علی بن یقظین عرض کرد: آن کاری که من باید برایتان ضمانت کنم چیست؟ حضرت فرمود: ضمانت بده که هیچ دوستی از دوستان ما نزد تو نیاید مگر این که گرامیش بداری و آزرده خاطرش نکنی. راوی می‌گوید: علی بن یقظین این کار را تضمین کرد و امام کاظم علیه السلام آن سه چیز را برایش ضمانت داد. بار دیگر به کسانی که کار اجرایی دارند برادرانه توصیه می‌کنم از داشتن خوی و خصلت فرعی در رفتار و گفتار و پندار پرهیز کنند و باعث آزار مراجعین به آنان به خصوص مردم محروم جامعه نشوند.

تجمل در مسایل زندگی و داشتن خدم و حشم و پای بندی به تشریفات و مراسم فریبنده چشم و گوش پرکن که امروزه در زندگی پرخرج و پر زرق و برق سران و دولت‌ها به خصوص هنگام ملاقات‌ها جشن‌ها و بازدیدها متداول است از جمله اعمالی است که دل رعیت را به درد می‌آورد و غم حقارت و مسکنت را در قلب‌های آنها تشدید کرده و نوعی آزار محسوب می‌شود.

ص: ۵۸

این کلام مولایمان علی علیه السلام است إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْعَدْلَ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ (۱)

خداوند تبارک و تعالی بر رهبران دادگرا واجب فرموده است که خود را با مردمان تنگدست برابر نهند تا این که فقیر و تنگدست را پریشانش بر او فشار نیاورد و نگران نسازد.

آزمایش

هر فردی در این جهان پهناور با هر نوع اعتقاد و شیوه ای که زندگی کند مورد آزمایش قرار خواهد گرفت چه بخواهد و چه تمایل نداشته باشد. این آزمایش گاهی از ناحیه بندگان خداست و گاه از جانب پروردگار در مورد بندگان. این امکان هست که انسان خود را در معرض امتحان آنان قرار ندهد و با انزوایی و دور شدن از اجتماع از آزمایش خلق خدا مصون بماند اما از امتحان الهی هیچ کس را رهایی نیست چرا که خداوند تبارک و تعالی بدون استثنا همه مردم حتی پیامبران و معصومین را آزمایش می کند.

امام سجاد علیه السلام عرضه می داشت:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ، وَ فِي آجَالِنَا بِطُولِ الأَمَلِ حَتَّى التَّمَسُّبِنَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمُزُوقِينَ، وَ طَمِعْنَا بِأَمَالِنَا فِي أَعْمَارِ الْمُعَمَّرِينَ (۲)

خداوندا تو ما را در مورد مسایل اقتصادی خویش به سوء ظن و در دوران عمرمان به آرزوی طولانی امتحان کردی تا آنجا که به سراغ روزی خوارانت رفتیم و از آنها کمک گرفتیم و به خاطر همین آرزوهای طولانی به آنهایی که عمر دراز کرده اند طمع نمودیم.

یکی از دعاهایی که مستجاب نشدنی است دعا به درگاه الهی که: خدایا ما را امتحان مکن

ص: ۵۹

۱- نهج البلاغه حکم و مواظ ۳۳۴

۲- دعای ۲۹ صحیفه

بر همین اساس امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ وَ لَكِنْ مَنِ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَتْ عَلَيْهِ مِنَ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ (۱)

هیچ یک از شما نگوید: خدایا از فتنه و آزمایش به تو پناه می برم زیرا هیچ کس نیست که از فتنه و آزمایش برکنار باشد بلکه کسی که از آزمایش به خدا پناه می برد باید از فتنه ها و آزمایش های گمراه کننده به خدا پناه برد.

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (۲)

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ به یقین کسانی را که پیش از ایشان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را نیز معلوم دارد و خداوند پیامبران را نیز امتحان کرد

امتحان آدم

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ (۳)

و گفتیم: ای آدم تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و آنجا در ناز و نعمت از هر چه بخواهید بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ستم کاران خواهید شد و شیطان آدم و حوا را اغزانید تا از آن ناز و نعمت بیرونشان کرد.

وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (۴)

ص: ۶۰

۱- نهج البلاغه حکم - ۹۳

۲- عنکبوت او ۲

۳- بقره ۳۵ و ۳۶

۴- طه - ۱۱۵

از پیش به آدم سفارشی کردیم ولی او فراموش کرد و او را صاحب عزم و پایمرد نیافتیم.

امتحان سلیمان

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ (۱)

و قطعاً سلیمان را آزمایش کردیم و بر تخت او جسدی بیفکنیدیم پس به توبه باز آمد.

امتحان ابراهیم

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُ (۲)

و به یاد آور زمانی را که خدای ابراهیم او را به اموری گوناگون امتحان کرد و او همه را به جا آورد.

پس انبیا مورد آزمایش الهی قرار می گیرند پیروان مکتب انبیا به طریق اولی امتحان می شوند. امام صادق علیه السلام سوگند یاد می کرد که وَاللَّهِ لَمُتَّحِصِنٌ وَاللَّهِ لَتَمَيِّزُنَّ وَاللَّهِ لَتَغْرَبُلَنَّ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ (۳)

به خدا قسم که در بوته آزمایش گذاخته می شوید به خدا قسم که از یکدیگر متمایز می شوید به خدا قسم که غربال می شوید چندان که از شما جز اندک ترین شمار باقی نماند.

به این آیه بیشتر توجه کنید که چه بخواهیم و چه نخواهیم خداوند در سال یکبار یا دوبار ما را آزمایش خواهد کرد:

أَوَّلًا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (۴)

آیا ندیدی که آنان در هر سال یکبار یا دوبار مورد امتحان قرار می گیرند؟! و آنها توبه نمی کنند و به خود نمی آیند.

ص: ۶۱

۱- ص- ۳۴

۲- بقره- ۱۲۴

۳- بحار ج ۵ ص ۲۱۶

۴- توبه- ۱۲۶

خداوند هر کسی را فراخور حالش آزمایش می کند یکی را با ثروت دیگری را با زن و فرزند و سومی را با مقام و ریاست چهارمی را با زیبایی اندام و صورت و غیره.

امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت زن زیارویی که به سبب زیباییش فرفته و گمراه گشته است آورده می شود او می گوید: پروردگارا مرا زیبا آفریدی و در نتیجه آن دیده که دیدم. در این هنگام مریم علیها السلام را می آورند و به آن زن گفته می شود: تو زیباتری یا این؟ ما او را هم زیبا آفریدیم اما گمراه نشد. آنگاه مرد زیبایی را می آورند که به خاطر زیباییش به فتنه و گناه کشیده شده است. او می گوید: پروردگارا مرا زیبا آفریدی و در نتیجه از جانب زنان آن دیدم که دیدم. پس یوسف علیه السلام را می آورند و به آن مرد گفته می شود: تو زیباتری یا این؟ ما او را هم زیبا آفریدیم اما گرفتار فتنه و فساد نشد. سپس شخص گرفتار بلا زده ای را می آورند که بر اثر آن به گمراهی رفته است او می گوید: پروردگارا مرا به شدت گرفتار و مبتلا کردی تا این که به گمراهی و تباهی افتاده آن گاه ایوب علیه السلام را می آورند و به آن مرد گفته می شود: آیا رنج و بلائی تو سخت تر بود یا رنج و بلائی این؟ او هم به رنج و بلا- در افتاد اما دستخوش فتنه و تباهی نشد» بحار

ج ۷ ص ۲۸۵

ص: ۶۲

رَبَّنَا بِأَنَّ لَكَ الْمُلْكَ، وَ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ (۱)

پروردگارا سلطنت و حمد مخصوص توست خدایی نیست جز تو که بردبار و کریم و مهربان و بسیار نعمت دهنده صاحب جلالت و کرامتی آفریدگار آسمانها.

آسمان فضای وسیع و نیلگونی است که بالای سر ما دیده می شود و ستارگان در آن مشاهده می شوند رنگ آبی آن رنگ هوایی است که کره زمین را احاطه کرده است. اسم های دیگری چون سپهر و گردون و فلک و چرخ نیز دارد. آسمان محل ریزش برکات و رحمت پروردگار است باران بزرگترین نعمت الهی از آسمان سرازیر می شود تا زمین مرده را زنده کند نور و ابر و باد همه از آسمان دنیای ماست. پیامبران الهی برکات و نعمت ها را از خداوند از پایگاه اسما در خواست می کردند.

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ (۲)

عیسی بن مریم گفت: پروردگارا از آسمان برای ما غذایی نازل فرما. غیر از انبیا مردم عادی به شرط ایمان و تقوا مشمول برکات آسمان خواهند شد.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (۳)

اگر ساکنین شهرها ایمان می آوردند و تقوا را پیشه خود می ساختند برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می گشودیم.

ص: ۶۳

۱- دعای چهل هشتم صحیفه.

۲- مائده- ۱۱۴

۳- اعراف- ۹۶

خلقت آسمان ها به اراده الهی انجام گرفته و کلید آن در دست قدرت اوست. لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ (۱)

خداوند در آسمان لشکریانی دارد که اجرای فرامین او را می نمایند وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۲) سپاهیان آسمان ها و زمین مختص پروردگارند.

اما کیفیت خلقت آسمان از زبان امیرالمومنین علی علیه السلام.

هیچ می دانید که پروردگار متعال آسمان هفت گانه را از کف و بدون هیچ عیب و نقصی آفرید و در زیر آسمان ها موجی خلق کرد که ریزش نکند و بر بالای آن سقفی محفوظ و طاقی بلند و بی ستون قرار داد که آسمان ها را بر پای داشته و بی میخ و طناب استوار و پابرجاست. سپس آسمان ها را به ستاره های درخشان و تابان آراسته کرد و خورشید نور افشان و ماه پرتو افکن را در آن روان ساخت در حالی که هر یک از آن ستاره ها و خورشید و ماه را در چرخ گردان دور زنده و در جنبش در آورد. (۳)

و نیز فرمود: خداوند بدون آویختن به چیزی ارتفاعات و پستی های آسمان را نظم داد و شکاف های آن را به همدیگر پیوست و هر یک را با مانده های پیوند داد و برای فرود آمدن و بالا رفتن ملائکه جهت رساندن فرمانش به خلق و یا بالا بردن اعمال آنان دشواری ها را آسان کرد.

در آن زمان آسمان دود بود. ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ (۴) سپس به آسمان پرداخت در حالی که به صورت دود بود. فرمان داد تا قطعات از هم جدا

ص: ۶۴

۱- شوری- ۱۲

۲- فتح- ۷

۳- نهج البلاغه خطبه- ۱

۴- فصلت- ۱۱

شده و به هم پیوندند و جذب یکدیگر شوند و سپس درهای بسته آن را گشود و از شهاب های نورانی بر شکاف های آسمان نگهبان قرار داد و آن را آن چنان نگاهداشت که در فضای شکافته مضطرب و لرزان نباشد و به آسمان فرمان داد در حالیکه تسلیم امر الهی است در جای خود بماند.» (۱)

آفت ها

و لَا تُحِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ لَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْزِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ (۲)

الها کارهای خوبم را به خاطر آلوده شدن به معصیت نبود مکن و راز و نیاز در خلوتم را به علت خلاف کاری هایی که از راه آزمایش تو برایم اتفاق افتاده تباه مساز.

هر چیزی که مایه تباهی و فساد شود آفت نامیده می شود آفت دارای معنای عامی است که در گیاهان و میوه جات و مسایل مادی گفته می شود در اعمال و کارهای معنوی و خوب انسان نیز استعمال می گردد. و هر چیزی را آفتی هست.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ وَ آفَةُ الْعِلْمِ النَّسْيَانُ وَ آفَةُ الْعِبَادَةِ الرِّيَاءُ، وَ آفَةُ اللَّبِّ الْعُجْبُ، وَ آفَةُ النِّجَابَةِ الْكِبْرُ وَ آفَةُ الظُّرْفِ الصَّلَفُ وَ آفَةُ الْجُودِ السَّرْفُ وَ آفَةُ الْحَيَاءِ الضُّعْفُ وَ آفَةُ الْحِلْمِ الذُّلُّ وَ آفَةُ الْجَدَلِ الْفُحْشُ (۳)

هر چیزی آفتی دارد آفت علم فراموشی است آفت عبادت ریا افت عقل عجب آفت نجیب زادگی تکبر آفت زیرکی خودستایی آفت بخشندگی زیاده روی آفت حیا ناتوانی آفت بردباری خواری و آفت نیرومندی زشت گفتاری و بدکرداری است.

همان بزرگوار در جای دیگر به ده ها مورد از آفات اشاره می فرماید که به طور اختصار به مواردی از آنها اشاره می کنیم:

ص: ۶۵

۱- نهج البلاغه خطبه- ۹۰

۲- دعای چهل و هفتم صحیفه

۳- کنز العمال- ۴۴۰۹۱

«آفت ایمان، شرک، آفت یقین، شک. آفت نعمت ها، ناسپاسی، آفت سخاوت، منت گذاردن، آفت وزیران، باطن آلوده، آفت دانشمندان، جاه طلبی، آفت زمامداران بی سیاستی، آفت ارتش سرپیچی از فرماندهان، آفت قاضیان طمع، آفت صرفه جویی بخل، آفت هیبت و شکوه شوخی. آفت ریاست، فخر فروشی و آفت سخن، دروغ گفتن، آفت امانت، خیانت آفت معاش، سوء مدیریت» غرر الحکم.

در قرآن واژه آفت وجود ندارد اما همین معنا را در لغت حبط آورده که تباهی و نابودی عمل تعبیر به حبط عمل شده است که همان آفت می باشد. «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»

و هر که ایمان را انکار کند کارهایش از بین خواهد رفت و در آخرت از جمله زیان کاران است.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ لِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۱)

مرگ بر آنانی که کافر شدند و کارهایشان نابود باد این به خاطر آن است که به آنچه خداوند نازل فرموده کراهت داشتند خدا هم کارهایشان را نابود کرد.

امام سجاد علیه السلام عرض می کرد که لا تُحْبِطُ حَسَنَاتِي... خدایا کارهای خوبم را به خاطر آلوده شدن به معصیت نابود مکن...

آفت بسیاری از کارهای خوب انسان گناه و معصیت است. نماز، روزه، حج، زکات، خمس، جهاد و خدمت به خلق، آن وقت بالا می روند و مورد قبول حضرت حق تعالی قرار می گیرند. که همراه با پرهیز از گناه گیرند «أَنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»
مائده-۲۷ به تحقیق خداوند از اهل تقوا و پرهیزکاران کارها را قبول می کند و اصولاً نماز

ص: ۶۶

و روزه و حج بدون تقوا یعنی دریافت نکردن فلسفه وجودی این اعمال نورانی چون خداوند علت انجام این همه عمل مهم دین را رسیدن به مقام منزلت تقوا بیان فرموده است.

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ «عنکبوت-۴۵»

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱)

فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى (۲)

نقش گناه در بی اثر کردن اعمال خوب نقش آتش را دارد که به انبار کالا زده می شود و در فاصله کوتاهی همه را تبدیل به خاکستری کند البته اگر توبه و درخواست عفو از پروردگار را به دنبال نداشته باشد. چون تو به کار آب را بر آتش می ریزد به شرط آنکه در توبه تاخیر نشود و پیش از آن که زبانه های آتش شعله کشد و انبار اعمال را بسوزاند باید توبه کرد.

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ (۳)

و گناه را چه آشکار و چه پنهان ترک گویند آنان که مرتکب گناه می شوند به سزای اعمال خود خواهند رسید.

تعبیر امام علی علیه السلام از گناهان به اسب چموش است.

أَلَا وَإِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمْسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَخُلِعَتْ لُجْمُهَا فَتَفَحَّحَتْ بِهِمْ فِي النَّارِ (۴)

ص: ۶۷

۱- بقره ۸۳

۲- بقره ۱۹۷

۳- انعام ۱۲۰

۴- بحار ج ۷۸ ص ۳

بدانید گناهان اسبان چموشی هستند که گناه کاران بر آنها نشسته و لگام هایشان را رها کرده اند و گناهان آنان را در آتش فرو می افکند.

آفریش

ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعاً (۱)

او بادست قدرتتش خلق موجودات را بنیان گذاشت و با اراده اش مخلوقات را اختراع نمود. سخن از پیدایش موجودات است. موجوداتی که از قبل نبودند و هستی یافتند اتفاقاً مشابه بیان امام سجاد علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه از جد بزرگوارش علی علیه السلام آمده است که «فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ وَ نَشَرَ الرِّيحَ بِرَحْمَتِهِ وَ وَتَدَّ بِالصُّخُورِ مِيدَانَ أَرْضِهِ» خداوند موجودات را با قدرت خویش آفرید و با لطف و رحمتی که نسبت به بندگانش داشت بادها را پراکنده ساخت و توسط کوه ها لرزه زمین را مهار کرد.

همان بزرگوار در همان خطبه با بیانی دیگر فرموده است که «خداوند تبارک و تعالی بدون آنکه فکر و اندیشه کند و یا از تجربه کسی استفاده نماید و یا گرفتار اضطراب و دودلی شود هر موجودی را در زمان مناسب آن از نیستی به هستی آورد. پروردگار پیش از آن که موجودات را بیافریند از تمام جزئیات و جوانب آنها آگاهی داشت و حدود و پایان آنها را می دانست و از اسرار درون و بیرون پدیده ها آشنا بود. خداوند اول هوا و بعد آب و سپس باد آنگاه سایر موجودات را آفرید. خلق موجودات و اختراع آنها از ابتدا به قدرت لایزال الهی انجام گرفته. او به تنهایی و بدون کمک گرفتیم از موجودی دیگر همه خلائق را لباس وجود هستی بخشیده است. در دعای روز شنبه که چون دعاهای سایر روزهای هفته جزء ملحقات صحیفه سجاده محسوب می شود عرض میکنیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُشْهَدْ أَحَدًا حِينَ فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا اتَّخَذَ مُعِينًا حِينَ بَرَأَ

ص: ۶۸

النَّسَمَاتِ لَمْ يُشَارِكْ فِي الْإِلَهِيَّةِ وَ لَمْ يُظَاهَرْ فِي الْوَحْدَانِيَّةِ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ وَ الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ

حمد از آن خدائی است که احدی را نخواست هنگامی که آسمان ها و زمین را بنیاد کرد و کمکی نگرفت هنگامی که نسیم را آفرید و شریکی در خدایی ندارد و پشت و مددکاری در یکتایی نخواهد زبان ها از بیان غایت حمدش لالند و عقل ها از ژرفای معرفتش عاجزند.

و امام حسین علیه السلام در دعای روز عرفه عرض میکنند: و می گویم آن هم از روی اعتقاد و یقین که حمد خدا را که فرزندی ندارد تا ارث از او برد و شریکی ندارد در سلطنت بر آفرینش که با او ضدیت کند در آنچه پدید می آورد.

در آنچه مصنوع اوست کسی به کمک و حفظ او نیامده فَسَبِّحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا منزّه است خدا منزّه است اگر خدایی غیر از او بود همه موجودات در هم ریخته بودند و متلاشی می شدند. وَ أَخْتَرَعُهُمْ عَلَي مَشِيَّتِهِ إِخْتِرَاعًا : خداوند با اراده اش مخلوقات را اختراع کرد.

امام علی علیه السلام هم می فرمود: إِنَّمَا صَدَرَتْ الْأُمُورُ عَنْ مَشِيَّتِهِ (۱)

تمام امور از مشیت و اراده الهی سرچشمه می گیرد.

اراده خدا بر اراده ما غالب است نه به این معنا که ما اراده هیچ کاری را نداریم و جبر است بلکه منظور این است که گاهی خداوند برای توجه دادن ما اراده و تصمیم ما را بی اثر می کند و اراده خود را غالب می نماید. چنان که مولایمان علی علیه السلام یکی از راه های خداشناسی را همین می داند و می فرماید:

عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ حَلِّ الْعُقُودِ وَ نَقْضِ الْهَمَمِ (۲)

ص: ۶۹

۱- خطبه- ۹۱

۲- حکم و مواظب نهج البلاغه - ۲۵۰

خدا را از به هم خوردن اراده های قوی گشوده شدن گره های دشوار و در هم شکسته شدن تصمیم ها شناختم.

باز گردیم به عنوان بحث یعنی آفرینش گفتیم که خداوند برای اختراع و خلق موجودات نیاز به کمک نداشت و ندارد. خَلَقَ الْخَلْقَ عَلَى غَيْرِ تَمَثِيلٍ وَلَا مَشُورَةٍ مُّشِيرٍ وَلَا مَعُونَةٍ مُّعِينٍ، فَتَمَّ خَلْقَهُ بِأَمْرِهِ (۱)

بی آن که نمونه ای از پدیده ها موجود باشد یا با مشاوره مشورت نماید و یا از قدرتی کمک و مدد بگیرد آفرید پس به فرمان او خلقت آن به کمال رسید.

مولایمان علی علیه السلام به شگفتی های آفرینش در سراسر نهج البلاغه اشاره می کند و از انواع پدیده های الهی سخن می گوید. از آب و دریاها ابرها و انسان پرندگان و جو و فضا حیوانات کوچک و بزرگ شگفتی های خلقت خفاش طاووس ملخ و مورچه سبزیجات و گیاهان کوه ها و آسمان ها و فرشتگان و نظم در آفرینش و هدفدار بودن آفرینش و در خدمت انسان بودن همه آفرینش.

درباره عنوان پایانی می فرماید: **ءَلَا وَ إِنَّ الْأَرْضَ الَّتِي تَحْمِلُكُمْ، وَ السَّمَاءَ الَّتِي تَطُلُّكُمْ، مُطِيعَتَانِ لِرَبِّكُمْ، وَ مَا آءَصِيْبِحْتَا تَجُودَانِ لَكُمْ بِيْرِكْتَيْهِمَا تَوْجَعَا لَكُمْ، وَ لَا- زُلْفَةً إِلَيْكُمْ، وَ لَا- لِيْخِيْرٍ تَرْجُوْنَهُ مِنْكُمْ، وَ لَكِنْ آءَمْرَتَا بِمَنْآفِعِكُمْ فَآءَطَاعْتَا، وَ آءَقِيْمْتَا عَلَي خِيْدُوْدِ مَصَالِحِكُمْ فَقَامْتَا (۲)**

آگاه باشید زمینی که شما را بر پشت خود می برند و آسمانی که بر شما سایه می گستراند فرمان بردار پروردگارانند و برکت آن دو به شما نه از روی دلسوزی یا برای نزدیک شدن به شما و نه به امید خیری است که از شما دارند بلکه آن دو مامور رساندن منافع شما بوده اوامر خدا را اطاعت کردند به آنها دستور داده شد که برای مصالح شما قیام کنند و چنین کردند.

ص: ۷۰

۱- نهج البلاغه خطبه-۱۵۵

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۴۳

آفرینش برای ما و ما برای خدا وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۱)

جن و انسان را خلق نکردیم مگر برای عبادت «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ (۲) دستور نداشتند جز اینکه خدای یگانه را بپرستند و دین خاص او کنند.

حضرت سیدالشهدا و علیه السلام می فرمود: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ (۳)

خداوند بزرگ بندگان خود را خلق نکرد مگر برای معرفت به خودش و هر کس خدا را شناخت او را عبادت می کند.

آگاهی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَنَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ (۴)

خدایا به تو پناه می برم..... از اینکه بدون آگاهی اظهار فضل کنیم.

از مهمترین آثار آگاهی به علوم و مسایلی که همه روزه با آن مواجه هستیم قضاوت کارشناسانه و صحیح است

باید شناخت دغدغه ما باشد شناخت اصول دین و فروع دین شناخت مسایل تربیتی و خانوادگی شناخت موضوعات اجتماعی و سیاسی روز مومن واقعی کسی است که به عصر و زمان خویش آگاه باشد که در غیر این صورت به دام شیطان های انسی و جنی خواهد افتاد و گرفتار فتنه های آخر الزمان خواهد شد.

مولایمان علی علیه السلام درباره ارزش آگاهی به مسایل مورد نیاز می فرمود: کسی که کاری را بدون آگاهی انجام دهد مثل کسی می ماند که به بیراهه می رود. ناگزیر چنین کسی به هر اندازه ای که از راه دور شود به همان اندازه از مقصد و منظورش دور خواهد شد ولی آنان

ص: ۷۱

۱- الذاریات ۵۶

۲- بینه- ۵

۳- المیزان ج ۱۸ ص ۴۲۳

۴- دعای هشتم صحیفه

که از روی علم و آگاهی کارها را انجام می دهد مثل رونده ای است که در راهی روشن و آشکار گام بر میدارد.

بنابراین انسان بینا باید بیندیشد آیا در راه درست و به طرف مقصد حرکت م یکنند و یا اینکه به بیراهه می رود؟

امام سجاد علیه السلام در دعای هشتم صحیفه به خدا پناه می برد که مبادا از روی ناآگاهی درباره چیزی قضاوت کند. نَقُولَ
فِي الْعِلْمِ بغيرِ عِلْمٍ

قرآن هم سفارش می کند که وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۱)

چیزی که درباره آن آگاهی نداری دنبال مکن زیرا که گوش و چشم و دل همگی مورد مواخذه و سوال قرار خواهند گرفت.

آیه فوق بار مسئولیت افراد را سنگین می کند که مبادا بدون آگاهی نسبت به مطالبی که روز و شب با آنها مواجه می باشند چیزی بگویند چرا که ممکن است ایجاد شبهه شود سخن چینی و غیبت و تهمت و دروغ و امثال آن را دنبال داشته باشد چون در آیه بعد از نهی از قضاوت شتابزده و بدون آگاهی درباره مسئولیت و مورد مواخذه قرار گرفتن گوش و چشم و دل سخن به میان می آورد. و این گواه این حقیقت است که شنیده ها و دیده ها و آنچه که به دل می گذرد ممکن است دروغ و خلاف واقع باشد پس باید تحقیق کرد و نسبت به واقعیت آنچه شنیده و دیده و یا از دل گذرانده آگاهی پیدا نمود و سپس قضاوت کرد و نظر داد.

از موضوع قضاوت آگاهانه که صرف نظر کنیم مسئله دانستن و آشنایی به حقایق این عالم جزء برجسته ترین فضایل بشری است.

ص: ۷۲

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم نقل شده که فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ (۱)

برتری عالم بر دیگران هم چون برتری پیامبر بر امت خود است.

زیرا نقش علما آگاهی دادن به مردم و آشنا کردن آنان به اصول و فروع دین و اخلاق و حکمت عملی است.

امام هادی علیه السلام درباره عصر غیبت امام عصر روحی له الفداء چنین می فرماید: «گر بعد از غیبت قائم علیه السلام نبود وجود علمایی که به سوی او می خوانند و به وجود او رهنمون می شوند و با حجت های الهی از دین او دفاع میکنند و بندگان ناتوان خدا را از دام های ابلیس و پیروان او می رهانند بی گمان همه مردم از دین خدا بر می گشتند. (۲)

یکی از وظایف آگاهان به دین خدا آگاهی دادن مردم به امر ولایت و خلافت بلافصل مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام است. آن عالمانی که می دانند حق با علی است ولی مردم را در جهل و بی خبری می گذرانند بی شک مسئول و مورد مواخذه قرار خواهند گرفت.

آیات فراوانی در قرآن شریف موجود است که تاویل آن به نقل فریقین در شان و فضایل امیرالمومنین علی علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام از نسل اوست ولی متاسفانه علما آنان یا شهادت گفتن آن فضایل را ندارند و یا این که از روی حقد و بغض نقل نمی کنند.

قضاوت قرآن مجید و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم درباره چنین عالمانی این است:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (۳)

ص: ۷۳

۱- کنز العمال - ۲۸۷۹۸

۲- بحار ج ۲ ص ۶

۳- بقره ۱۵۹

کسانی که حجت‌ها و هدایت‌ها را که نازل کرده ایم با وجود آن که در کتاب آسمانی برای مردم توضیح داده ایم نهان می‌دارند خدا و لعنتگران لعنتشان می‌کند.

لَا يَعْذِبُ اللَّهُ هَذَا الْخَلْقَ إِلَّا بِذُنُوبِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْحَقَّ مِنْ فَضْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِترته عليهم السلام.

لَمَّا وَأَنَّهُ لَمْ يَمْشِ فَوْقَ الْأَرْضِ بَعْدَ النَّبِيِّ وَالْمُرْسَلِينَ أَفْضَلُ مِنْ شَيْعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمُجِبِّهِ الَّذِينَ يُظْهِرُونَ أَمْرَهُ وَيَنْشُرُونَ فَضْلَهُ أَوْلَيْكَ تَغْشَاهُمْ الرَّحْمَةُ وَتَسْتَغْفِرُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ يَكْتُمُ فَضْلَهُ (۱)

خداوند مردم را عذاب نمی‌کند مگر به خاطر گناهان علما همان‌هایی که حقایق را از فضایل علی و عترت او علیهم السلام کتمان می‌کنند و مردم را نسبت به آنها آگاه نمی‌سازند.

بدانید که بعد از پیامبران و مرسلین کسی روی زمین راه نمی‌رود که برتر و ارزشمندتر از شیعه علی بن ابیطالب علیه السلام باشد. همان‌هایی که امر علی علیه السلام را ظاهر می‌کنند و فضایلش را نشر می‌دهند. این‌ها کسانی هستند که خداوند مشمول رحمت خویش قرار می‌دهد و فرشتگان برایشان استغفار می‌کنند. پس وای و وای بر کسانی که فضایل علی علیه السلام را کتمان می‌کنند و مردم را آگاه نمی‌سازند.

و بر پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که سطح آگاهی خود را با مطالعه کتاب‌های سودمند و نشستن پای درس اساتید سخن بالا ببرند تا در موقع لزوم قدرت مناظره و احتجاج با مخالفین را داشته باشند.

ابن ابی العوجاء در عصر امام صادق علیه السلام زندگی می‌کرد. او پیرو افکار مادی بود و مکرر با آنحضرت به گفتگو نشست و پیرامون مسایل مختلف بحث کرد. مفضل بن عمر می‌گوید:

روزی طرف عصر در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بین قبر و منبر نشسته بودم و در عظمت پیشوای گرامی اسلام فکر می‌کردم که ابن ابی العوجاء وارد شد نزدیک من به فاصله ای

ص: ۷۴

نشست که اگر حرف می زد سخنش را می شنیدم طولی نکشید که یکی از دوستان وی نیز وارد مسجد شد و آمد و نزد او نشست.

ابن ابی العوجاء آغاز سخن نمود و در مورد بزرگی و عظمت پیامبر اسلام جملاتی چند گفت سپس رفیقش رشته کلام را به دست گرفت و رسول اکرم را فیلسوفی دانا و توانا خواند که عقلا را مبهوت و مجذوب خود ساخت دعوتش را اجابت کردند و از پی آنان مردم نیز دیگر به وی گرویدند و آئینش را پذیرفتند.

ابن ابی العوجاء گفت: سخن رسول اکرم را واگذار که عقل من در کار او حیران است سپس جهان را به میان کشید و اظهار کرد عالم ازلی و ابدی است همیشه بوده و همیشه خواهد بود و صانع مدبری آنرا نیافریده است.

سخنان ابن ابی العوجاء عنان صبر را از کف مفضل ربود او را سخت ناراحت و خشمگین ساخت و با تندگی گفت: ای دشمن خدا دین الهی را نفی می کنی؟ آفریدگار جهان را انکار می نمایی؟ و آیات حکیمانه او را که حتی در ساختمان خودت وجود دارد نادیده می گیری؟

ابن ابی العوجاء در پاسخ گفت اگر اهل بحث و کلام هستی با تو سخن می گویم و در صورتی که دلیل محکمی بر ادعای خود بیاوری می پذیریم. اگر اهل بحث و استدلال نیستی با تو سخنی ندارم و اگر از اصحاب حضرت جعفر بن محمد هستی او با ما این چنین حرف نمی زند و همانند تو بحث نمی کند.

امام تو بیشتر از آنچه تو شنیدی سخنان ما را شنیده است و هرگز با کلام زشت با ما سخن نگفته است و در پاسخ ما از مرز اخلاق و ادب تجاوز نکرده است او مردی است بردبار سنگین عاقل و کامل. در بحث و گفتگو خود را گم نمی کند و دچار اضطراب نمی شود گفته های ما را با توجه کامل گوش می دهد و از دلایلی که اقامه می کنیم به

خوبی آگاه می گردد وقتی سخن های ما پایان می پذیرد پیش خود تصور می کنیم که حجت را تمام کرده ایم و راه پاسخ گویی را بر رویش بسته ایم ولی او با کلام کوتاهی ما را ملزم می کند و راه عذر را چنان می بندد که نمی توانیم پاسخش را رد کنیم و دری به روی خود بگشاییم اگر تو از اصحاب امام صادق هستی همانن او با ما حرف بزن.

مفضل به محضر امام علیه السلام شرفیاب شد و داستان برخورد خویش را با ابن ابی العوجاء بیان کرد. امام صادق علیهم السلام برای آن که مفضل قدرت مناظره صحیح را با مخالفین پیدا کند درس توحید به او داد و او به اصول عقاید خویش آگاه شد و دیگر در مباحثات کم نمی آورد. (۱)

درس امام به مفضل به توحید مفضل معروف شد که به طور مستقل چاپ و شرح شده است.

آمزش

یکی از موضوعاتی که امام سجاد علیه السلام در سرتاسر صحیفه مبارکه سجادیه به آن پرداخته و بسیار به آن اصرار دارد طلب آمزش از درگاه الهی است.

بدون گزاره گویی در تمامی پنجاه و چهار دعای صحیفه اگر شده در یک جمله کوتاه استغفار و آمزش را در عبارات آن ملاحظه ای می فرمایید و این نشانگر اهمیت موضوع طلب آمزش از خداوند متعال است.

عنوان دوازده دعا از پنجاه و چهار دعا در زمینه آمزش است:

۱- دُعَاوَةٌ فِي الْإِشْتِيَاقِ

۲- دُعَاوَةٌ فِي الْإِعْتِرَافِ

۳- دُعَاوَةٌ فِي الْإِسْتِقَالَةِ

۴- دُعَاوَةٌ بِالْتَّوْبَةِ

ص: ۷۶

۵- دُعَاؤُهُ إِذَا ابْتُلِيَ أَوْ رَأَى مُبْتَلًى بِفَضِيحِهِ بِذَنْبٍ

۶- دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِدَارِ

۷- دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ

۸- دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السِّتْرِ وَ الْوَقَايَةِ

۹- دُعَاؤُهُ فِي التَّضَرُّعِ وَ الْإِسْتِكَانَةِ

۱۰- دُعَاؤُهُ فِي الْإِلْحَاحِ

۱۱- دُعَاؤُهُ فِي التَّذَلُّلِ

۱۲- دُعَاؤُهُ فِي اسْتِكْشَافِ الْهُمُومِ

در بین دوازده عنوان به دعای سسی و یکم که فی ذکر التوبه و طلبها» آمده دقت بفرمایید خواهید دید امام علیه السلام چه عاجزانه و در نهایت تواضع از خداوند مهربان درخواست آمرزش می کند.

يَا إِلَهِي عَيْدَكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ، وَلَا يَسْتَعْظِمُ عَفْوَكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحْمَتُهُ؛ لَا يَنْكَرُ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذُّنْبِ الْعَظِيمِ أَيِ خدای من اگر این بنده گنه کارت را کیفر دهی عدلت را انکار نمی کند و اگر از وی درگذری و به او رحمت فرستی عفو تو را به خاطر رحمت واسعه ات بزرگ نمی شمارد چه آن که تو پروردگار کریمی که آمرزش گناه بزرگ در نظرت بزرگ جلوه نمی کند.

اللَّهُمَّ فَهِيَ أَنَا ذَا قَدْ جُئْتُكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ، مَتَنَجِّزًا وَعَيْدَكَ فِيمَا وَعَيْدْتَ بِهِ مِنَ الْإِجَابَةِ إِذْ تَقُولُ: اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ خدایا اینک این منم که به قصد اطاعت فرمانت در خصوص دعا که به آن امر فرموده ای به حضورت آمده ام در حالی که قاطعانه

می خواهم به وعده ات در مسئله استجابت دعا وفا کنی آنجا که می فرماید مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَالْقِنِي بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتُكَ بِإِقْرَارِي وَارْفَعْنِي عَن مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيَنِي عَنِ الْإِنْتِقَامِ مِنِّي.» بارالها بر محمد و آل او درود فرست و مرا مشمول رحمت گردان همان طور که من با اعتراف به گناه خود روی به تو آورده ام و مرا از ذلت گناهان بالا- بر همان گونه که خود را ذلیل تو کرده ام و مرا در پرده رحمت بپوشان همان طور که در انتقام گرفتن از من درنگ نمودی. شک نیست که دل و روح انسان در اثر گناه صفا و لطافت خود را از دست می دهد حجاب سراسر وجود آدمی را می گیرد باید قبل از آن که تمام راه ها برویمان بسته شود از باب توبه که در رحمت الهی است وارد شویم و از خداوند درخواست عفو کنیم. او خود وعده آمرزش داده و با تاکید فراوان فرموده «لَمَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (۱)» از رحمت خدا نومید مشوید که خدا گناهان را یک سره می آمرزد که او بخشنده و مهربان است.

توبه کن مردانه رو آور به ره*** که فَمَنْ يَعْمَلْ بِهِ مَثْقَالَ يَرَهُ

هست جنت را ز رحمت هشت در*** یک درش توبه است از آن هست ای پسر

آن همه گه باز باشد گه فراز*** و آن در توبه نباشد جز که باز

از امام بزرگوارمان زین العابدین علیه السلام بیاموزیم عذر و تقصیر به پیشگاه خدا بردن را برآستی چه شده است که آن انسان های پاک که منزله از گناه بودند این اندازه به درگاه الهی تضرع و زاری می کردند و از خداوند درخواست آمرزش می نمودند حتما رمزی در

ص: ۷۸

این کار است که رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم کَانَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ (۱)

هر روز هفتاد مرتبه در پیشگاه پروردگار توبه می کرد در حالی که گناهی مرتکب نشده بود. نتیجه آن که طلب آمرزش یک تکلیف و مقدمه ارتباط با حضرت معبود است و ایجاد زمینه برای گفت و گو با مهربان ترین مهربانان.

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست***که هر چه بر سر ما می رود ارادت اوست

نه این زمان دل حافظ در آتش طلب است***که داغدار ازل همچو لاله خود روست

میثم تمار رحمه الله علیه می گوید: شبی مولایم مرا به همراه خود از کوفه بیرون برد وارد مسجد جعفری شدیم. آن بزرگوار رو به قبله ایستاد و چهار رکعت نماز خواند پس از نماز و تسبیح دست های خود را بلند کرد و این دعا را خواند:

إِلَهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ وَ كَيْفَ لَا أَدْعُوكَ وَقَدْ عَرَفْتُكَ وَ حُبُّكَ فِي قَلْبِي مَكِينٌ مَدَدْتُ إِلَيْكَ يَدًا بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً وَ عَيْنًا بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً

پروردگارا چگونه تو را بخوانم با اینکه نافرمانیت را کرده ام و باز چگونه نخوانم با اینکه تو را شناخته و محبتت در قلبم استوار است خدایا دست های پر از گناهم را به سویت دراز می کنم و چشم های امیدوارم را به سویت می گشایم. آنگاه سر به سجده برد و صد مرتبه العفو گفت از سجده سر برداشت از جا حرکت کرد و خارج شد من هم از پی آن حضرت بیرون آمدم میان بیابان بر روی زمین خطی کشیده فرمود: میثم از داخل این خط خارج نشوی. این را فرمود و از من جدا شد و به طرفی رفت. شب تاریکی بود با خود گفتم مولایم دشمنان فراوانی دارد سزاوار نیست او را در این بیابان تنها بگذارم اگر برای حضرت اتفاقی بیفتد در پیشگاه خدا و رسول هیچ عذری ندارم.

ص: ۷۹

تصمیم گرفتم آن جناب را تعقیب کنم و از حالش اطلاع یابم گرچه مخالف دستور اوست. از خط بیرون شده به طرف آن بزرگوار رفتم. مشاهده کردم سر در داخل چاهی کرده و سخن می گوید در این هنگام متوجه من شد فرمود: کیستی؟ عرض کردم منم میثم با حالت اعتراض فرمود: مگر من به تو نگفتم از داخل خط بیرون نیایی؟!

گفتم مولای من ترسیدم از سوی دشمنان به شما گزندی رسد. طاقت نیاوردم که شما را تنها بگذارم. فرمود: سخنان مرا که در این چاه میگفتم شنیدی؟ عرض کردم نه روی به من نموده این اشعار را خواند. که ترجمه اش این است در سینه ام اندوه فراوانی است هرگاه افسرده و دلتنگ می شوم زمین را با دست خود می شکافم و رازهای دلم را با زمین می گویم و در نهاد او پنهان می کنم این گیاه که از دل زمین می روید بذر آن را من افشاندنم ام بذرش همین آن و سوز و گداز من است. (۱)

آه و سوز و گداز از علی علیه السلام را در دعای کمیل همه شنیده ایم و خوانده ایم آری علی علیه السلام به ما می آموزد چگونه آمرزش طلبیدن را:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهَيَّبُكَ الْعِصْمَ، اَللَّهِمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النَّقْمَ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، اَللَّهِمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحْبِسُ الدُّعَاءَ، اَللَّهِمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ اَخْطَاْتُهَا

خدایا بیامر از من گناهایی که پرده دری کردم.

بیامر از من گناهایی که باعث بدبختی ها می شود.

بیامر از من گناهایی که باعث تغییر نعمت می گردد.

بیامر از من گناهایی که سبب حبس دعاهایم شده

بیامر از من گناهایی که باعث نزول بلا گشته

ص: ۸۰

الها هر گناه و خطایی که از من سرزده همه را ببخش .

إِلٰهِي مَنْ لِيْ غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي

خدایا من چه کسی را جز تو دارم که ضرر و زیان را از من رفع کند؟ و به وضع من برسد و به حالم نظر نماید. پس با بیان مطالبی در نهایت خضوع عرض می کند. «وَبِرَحْمَتِكَ أَحْفَيْتُهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ أَوْ إِحْسَانَ فَضْلَتُهُ أَوْ بَرَّ نَشْرَتَهُ أَوْ رَزَقَ بَسَطْتَهُ أَوْ ذَنْبَ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَأَ تَسْتُرُهُ

خدایا به مهر خود لغزش هایم را پنهان داشتی و به فضلت سرپوش گذاشتی الها حظ فراوانم ده از هر چیزی که فرو باری یا احسانی که بخش می کنی یا نیکی که نشر می دهی یا روزی و رزقی که وسعت می دهی یا گناهی که می آمرزی و یا خطایی که می پوشانی یا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

الهی تویی آگه از حال من***عیانست پیش تو احوال من

تویی از کرم دلنواز همه***به پیچارگی چاره ساز همه

بود هر کسی را امیدی به کس***امید من از رحمت توست و بس

الهی به عزت که خوادم مکن***به جرم گنه شرمسارم مکن

وَ أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ، وَ بَرِّهِمْ (۱)

پروردگارا در تربیت و ادب کردن و نیکی به فرزندانم مرا یاری کن.

همه می دانیم که اولین پایگاه آموزش و پرورش و کانون آموختن خانه و خانواده است و بعد مدرسه و محیط آموزشی و جامعه.

تعلیم و تربیت فرزندان و یادگیری آنان از همان موقعی که کودک به درک و فهم مسایل اطراف خویش می رسد آغاز می شود و بر پدر و مادر تکلیف است که در تربیت و تادیب آنان و آموختن خوبی ها فضای خانه را آماده سازند تا نونهالانشان با آداب صحیح و شایسته شوند.

وقتی امام سجاد: به خدای مهربان عرض می کند «وَأَعِنِّي» کمکم کن تا ادب و نیکی را به فرزندانم بیاموزم معلوم می شود اگر خداوند متعال کمکمان نکند نمی توانیم فرزندانی دانشمند و پاکیزه تربیت کنیم و بدون مدد او کاری از دست ما ساخته نیست.

در دعای هشتم صحیفه یکی از مواردی که امام سجاد پناه به خدا میبرد و از او استعانت می جوید همین مسئله است و سُوءِ الْوَالِيَةِ لِمَنْ تَحْتَ أُيُدِنَا» بارالها به تو پناه می بریم از اینکه در سرپرستی و تربیت زیردستان بدرفتار باشیم.

سوء رفتار پدر و مادر باعث حقارت و نابودی فرزندان می شود. با یک نگرش به جوانان بزهکار و آلوده به لغزش های اجتماعی به وضوح خواهیم دید که این ها معلول تربیت بد و آموزش دوران کودکی هستند. اینان زیردست والدین نادان و اطرافیان خشن و بد اخلاق پرورش یافته و در محیط خانواده غیر از تحقیر و اهانت به شخصیت شان چیزی ندیده و از راه های فضیلت و شرافت انسانی چیزی نیاموخته اند.

ص: ۸۲

مولایمان علی علیه السلام میفرمود: حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يَحْسِنَ آدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ (۱)

حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو روی او بگذارد او را نیکو تربیت کند و قرآن را به او بیاموزد.

وقتی از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از حق فرزند سوال می شود می فرماید:

تُحَسِّنُ اسْمَهُ وَ آدَبَهُ وَ تَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا (۲)

نام نیک و بر او بگذاری و خوب تربیتش کن و شغل و حرفه خوبی به او بیاموزی. علی علیه السلام در مورد دانش بچه ها فرمود: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ» کنز العمال ۴۵۹۵۳ فرزندان خود را به آموختن دانش، وادارید. امام بزرگوار فرمود: عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمْ بِهِ. لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمَرْجِئَةَ بِرَائِبِهَا (۳)

از دانش ما به کودکان خود چیزی بیاموزید تا آن که خداوند به واسطه آن سودشان بخشد و مرجئه و شبه اندازان با آرای خود بر آنان چیزه نشوند. یکی از جاهایی که امام سجاد شکر خدا را به جا می آورد جایی است که خداوند درهای دانش و درک ربوبیتش را به روی ما گشود.

«وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ أَلْهَمَنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَ فَتَّحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَ دَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ، وَ جَبَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشُّكِّ فِي أَمْرِهِ (۴)»

حمد خدای را به خاطر آن چه از خود به ما شناساند و طریقه شکر گزاری اش را به ما الهام فرمود و درهای دانش و درک ربوبیتش را به روی ما گشود و ما را دلالت نمود که چگونه به وسیله اخلاص به مرتبه توحید و یگانگی حضرتش برسیم. و از انحراف و دودلی در امر خویش دورمان ساخت.

ص: ۸۳

۱- نهج البلاغه حکم ۳۹۹

۲- بحار ج ۷۴ ص ۹۹

۳- وسایل الشیعه ج ۱۲ ص ۱۴

۴- دعای اول صحیفه

بنابراین پدر و مادر و انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام و تمامی راهنمایان دینی هستند که در آموختن و آموزش سلسله عقاید صحیح و اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی برای ما نقش مهمی دارند و لازم است که از آموزه های آنان استفاده کنیم و از فرمایشات و گفته های ارزشمند آنان بهره مند شویم.

اسلام عزیز هم برای معلم احترام ویژه قایل است و هم برای متعلم و فراگیرنده.

درباره معلم و مقام عالی وی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

يَجِيءُ الرَّجُلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَالسَّحَابِ الرَّكَامِ أَوْ كَالجِبَالِ الرَّوَاسِي فَيَقُولُ يَا رَبِّ إِنِّي لِي هَذَا وَ لَمْ أَعْمَلْهَا؟ فَيَقُولُ هَذَا عِلْمَكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ النَّاسَ يَعْمَلُ بِهِ مِنْ بَعْدِكَ (۱)

روز قیامت مردی را می آورند با حسناتی چون ابرهای انبوه و یا کوه های استوار او می گوید: پروردگارا این ها را من انجام نداده ام از کجا آمده اند؟ خداوند می فرماید این ها همان دانشی است که به مردم آموختی و بعد از تو به آنها عمل می شد.

و در باره متعلم و فراگیرنده علم و دانش امام صادق علیه السلام می فرمود:

لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَّبُوهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهْجِ وَ خَوَّضَ اللَّجَجِ (۲)

اگر مردم می دانستند که علم چه فوایدی دارد هر آینه در جستجوی آن بر می آمدند گرچه در راه آن خون بریزند و در ژرفای دریاها فرو روند.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: علم پیاموزید زیرا علم رشته پیوند میان شما و خدای عزوجل است. (۳)

و لقمان حکیم علیه السلام در اندرز به فرزند خود فرمود: فرزندم در روزها و شبها و ساعات عمر خود بهره ای را به آموختن دانش اختصاص بده زیرا برای خود هرگز لطمه ای بزرگتر از ترک علم نخواهی یافت. (۴)

ص: ۸۴

۱- بحار ج ۲ ص ۱۸

۲- عوالی اللالی ج ۴ ص ۶۱

۳- امالی مفید ص ۲۹

۴- امالی طوسی ص ۶۸

يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ سَيِّعِهِ مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، وَ صَلِّ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَ نَعِيمِهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱)

ای پروردگار من ای پروردگار من ای بسیار مهربان و ای بسیار نعمت دهنده ای صاحب جلالت و کرامت بر محمد و آل او درود فرست ... و به فضل و رحمت و اسعه ات آنچه که در اختیار داری برایم بیفزای زیرا که تو وسعت بخش و کریم هستی و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوان آن متصل کن ای مهربانترین مهربانان.

امام علیه السلام به ما می آموزد که به فکر آینده و پایان کار در دنیا و جهان آخرت باشیم و از خداوند متعال عاقبت کار را در جهت خیر و سلامت بخواهیم.

یک بخش آینده نگری به دنیا مربوط می شود که انسان متفکر و صاحب اندیشه ی والا همواره به فکر آینده خود است و در انتخاب کارها و راه ها دوران‌دیشی و آینده نگر است. همیشه با اهل تجربه مشورت می کند و برای انجام هر کاری نتیجه و نهایت را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد تا گرفتار لغزش و اشتباه نشود.

بخش دیگر مربوط به عالم برزخ و قیامت می باشد وَ صَلِّ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَ نَعِيمِهَا و آن را به خیر آخرت و نعمت فراوانی آن متصل کن.

انسان آینده نگر از بسیاری رذایل اخلاقی دور است مثل حرص و بخل و حسد و کبر چون می داند یک روزی موقعیت اجتماعی و امکانات مادی به پایان می رسد و پرونده عمر بسته می شود بنابراین حرص و بخل و حسد و کبر برای چه. بر همین اساس به خاطر دوران‌دیشی که دارد این رذایل را در خود می خشکاند و بدون چشم داشت به مال

و ثروت دیگران و یا قصور و کوتاهی از انفاق و احسان به دیگران به کار خویش ادامه می‌دهد. امیرالمومنین علی علیه السلام درباره دوراندیش چنین می‌فرمود:

إِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّبِعِي أَنْ يَحْذَرَ الْمَوْتَ فِي هَذِهِ الدَّارِ وَيَحْسُنُ لَهُ التَّأَهُبُ قَبْلَ أَنْ يَصِلَ إِلَى دَارٍ يَتَمَنَّى فِيهَا الْمَوْتَ فَلَا يَجِدُهُ (۱)

عاقل باید که در این دنیا از مرگ حذر کند و خود را برای آن به خوبی آماده سازد پیش از این که به سرایی رود که در آن ارزوی مرگ می‌کند و نمی‌یابدش. و نیز همان امام بزرگوار فرمود: إِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ نَظَرَ فِي يَوْمِهِ لِغَدِهِ وَسَعَى فِي فَكَاكِهِ نَفْسِهِ. وَ عَمِلَ لِمَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ وَ لَا مَحِيصَ لَهُ عَنْهُ (۲)

خردمند کسی است که به دنیای فانی و پست پشت کند و به بهشت ارزنده و جاویدان روی آورد.

آینده‌نگری این حسن را دارد که انسان خود را در وضعیتی که دارد مشغول نمی‌کند و گرفتار خودخواهی و خود بزرگ بینی نمی‌شود. اگر طبق فرمایشات امیرالمومنین علی علیه السلام به آخرت و لحظه‌های پایانی عمر اندیشه شود به طور قطع این نوع رذایل در انسان مهار می‌شود.

تفرعن یعنی فرعون صفت بودن در تمام اعصار بوده و هست در همین عصری که ما زندگی می‌کنیم غیر از پادشاهان رئیس جمهور مادام‌العمر داریم که در نهایت زورگویی بر مسند قدرت نشسته‌اند و به آراء مردم اعتنایی ندارند و فکر می‌کند که همه کشور و مردم آن سرزمین متعلق به او و برده وی هستند در حالی که اگر آینده‌نگر باشد باید لحظه‌ای درباره مرگ و قیامت درنگ کند و به خود آید که یک روزی به طور ناگهانی همه این نعمت‌ها از او گرفته می‌شود و در نهایت زبونی و ذلت در پیشگاه الهی و دادگاه عدل او باید پاسخ‌گوی اعمال یک عمر خویش باشد.

ص: ۸۶

۱- غررالحکم

۲- همان مدرک

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۱)

این سرای آخرت است برای آنانی که قرار داده ایم که در دنیا اراده طغیان در زمین و فساد نکرده اند و پایان خوب از آن اهل تقواست.

اجتماع

وَ أَجْرٍ لِلنَّاسِ عَلَىٰ يَدَيْ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحَّضْهُ بِالْمَنِّ، وَ هَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ، وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفُخْرِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَّطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا (۲)

خدایا به دست من کار خیر مردم را اجرا کن ولی با منت گذاری من از بینش نبر و مرا به پایه های اخلاق برسان و از فخر کردن و به خود بالیدن نگاهم دارد. الهها بر محمد و آل او درود فرست و مرا بالا مبر در میان مردم به درجه ای جز آنکه پایینم آری در پیش خود به همان مقدار.

امام علیه السلام دیدگاه خیر و مثبت به اجتماع و مردم دارد و از خداوند می خواهد که خیرش به مردم برسد آن هم بدون منت گذاردن و فخر فروشی. خدمت به خلق خدا از آموزه های صحیفه سجادیه است. در بیان حضرت بود که خدایا توفیق کار راه اندازی مردم را به من بده. جالب اینجاست بین آنان که مشمول کار خیر قرار می گیرند تفاوتی وجود ندارد. یعنی دین و مذهب و مرام مطرح نیست بلکه باید صرف آن که ناس و انسان هستند به آنها خیر برسانم. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره مردم جامعه بیانی دارد که سعدی آن را به نظم در آورده است.

ص: ۸۷

۱- قصص ۸۳

۲- دعای بیستم صحیفه

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَتُعَاطِفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحُمَى وَالسَّهْرِ (۱)

مومنین در مقام رحمت و عطوفت نسبت به یکدیگر به منزله یک جسدند وقتی یک عضو از جسد بیمار شود سایر اعضای آن همانند او تبداری و شب بیداری دارند و در غم و مصیبت او شریکند.

بنی آدم اعضای یک پیکرند*** که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار*** دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی*** نشاید که نامت نهند آدمی

شان انسانیت اقتضا می کند که دیگران را دوست بداریم از بیماران عیادت کنیم از افتادگان دستگیری نماییم گرسنه را سیر نیازمندان به لباس را بپوشانیم به افراد بی سرپرست و ایتم کمک و نوازش کنیم.

مردم جامعه در هر مذهب و مرام که باشند باید مورد تفقد و مهربانی قرار گیرند مولایمان علی علیه السلام در منشور حقوق بشر ارزشمند خود به مالک اشتر نوشت که مالک دلت را مهیا کن تا با رحمت و محبت و لطف و مهربانی با مردم برخورد نمایی مبادا همچون درنده ای که خوردن شکار خویش را مغتنم می شمارد با آنان مواجه گردی چه آنکه مردم دو گروهند
إِنَّمَا أَخْلَقَ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ

یا از نظر دینی برادر تو هستند یا از جهت آفرینش و خلقت همانند تو و در هر دو صورت انسان اند و باید با روش انسانی با آنان معامله نمایید. (۲)

یکی از مسایل مهم درباره اجتماع و مردم خیر رساندن به مردم است که امام سجاده علیه السلام عرض کرد وَ أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَي يَدِي الْخَيْرِ این خیر منحصر به خدمات مالی نیست بلکه هر نوع خدمتی که دیگران را شامل می شود و حاکی از فضیلت انسان است.

ص: ۸۸

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۱۳

۲- نهج البلاغه نامه ۵۳

مردی به رسول گرامی صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد: أَحِبُّ أَنْ أَكُونَ خَيْرَ النَّاسِ فَقَالَ: خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ فَكُنْ نَافِعًا لَهُمْ (۱)

دوست دارم که بهترین مردم باشم حضرت فرمود: بهترین مردم کسی است که نفعش بیشتر عاید مردم گردد. پس تو در راه نفع رساندن به مردم کوشا و جدی باش تا از بهترین مردم باشی.

أَجَل

به پایان مهلت هر چیز و زمان مرگ اجل گفته می شود. وقتی در بین مردم گفته می شود فلانی اجلش فرا رسیده یعنی هنگامه مرگ که البته گاهی (ضرب الاجل) است یعنی مهلت عمر به سرعت به پایان می رسد مثل مرگ های ناگهانی و گاه بیماری ها و احتضار وجود دارد که نشانه اجل است.

اجل گاه معلق است و گاه حتمی در مورد اول می توان با پرداخت صدقه صله رحم و ذکرهای خاص آن را دفع کرد و به تاخیر انداخت ولی درباره اجل حتمی کاری نمی توان کرد قرآن درباره اجل حتمی به اجل مسمی تعبیر می فرماید: وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۲)

از تو تقاضای تعجیل در عذاب را می کنند که اگر زمان معین آن نبود عذاب به سراغ آنان می آمد و ناگهانی آنان را فرا می گرفت در حالی که بی خبر بودند.

امام سجاد علیه السلام درباره هنگامه اجل عرض می کند وَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَ تَصَيَّرْتُمُودَ أَعْمَارِنَا، وَ اسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتِكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَ مِنْ إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ خِتَامَ

ص: ۸۹

۱- میزان الحکمه ج ۳ ص ۲۱۴

۲- عنکبوت ۵۳

مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كَتَبَهُ أَعْمَالِنَا تَوْبَهُ مَقْبُولَهُ لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَيَّ ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَلَا مَعْصِيَةٍ أَقْتَرَفْنَاهَا (۱)

و در آن هنگام که عمرمان به پایان می رسد و در موقع اجابت دعوت که هیچ راه فراری از آن نیست بر محمد و آل او درود فرست و پایان آن چه دو فرشته نویسنده اعمال برایمان نوشته اند توبه قبول شده ثبت و ضبط فرما که اگر پس از آن لغزشی از ما سرزده باشد به حساب نیاوری و بازخواستمان نکنی.

آری هنگامه اجل و مرگ و یا به تعبیر دیگر احتضار اگر فضل و کرم خداوند و عنایت محمد و آل علیهم لاسلام نباشد بسیار سخت و دشوار است.

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ (۲)

و سرانجام سكرات مرگ براساس حق فرا می رسد این همان مرگی است که از آن دوری می کردی.

رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

«اخْضَرُوا مَوْتَاكُمْ وَ لَقَنُوهُمْ «لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وَ بَشِّرُوهُمْ بِالْجَنَّةِ فَإِنَّ الْحَلِيمَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ يَتَحَيَّرُ عِنْدَ ذَلِكَ الْمَصِيرِ وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ مِنْ ابْنِ آدَمَ عِنْدَ ذَلِكَ الْمَصِيرِ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِمُعَايَنَةِ مَلِكِ الْمَوْتِ أَشَدُّ مِنْ أَلْفِ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَخْرُجُ نَفْسٌ عَبْدٍ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَأَلَّمَ كُلَّ عِرْقٍ مِنْهُ عَلَيَّ حَيَالِهِ (۳)

در بالین مردگان خود حاضر شوید و به آنان «لا اله الا الله» تلقین کنید و نوید بهشتیان دهید زیرا حتی مردان و زنان بردبار هم در این صحنه گیج و سرگشته می شوند و شیطان بیش از هر زمان دیگری در هنگام مرگ به آدمی نزدیک می گردد.

ص: ۹۰

۱- دعای یازده صحیفه

۲- ق-۱۹

۳- کنز العمال ۴۲۱۷۴

سوگند به آن که جانم در دست اوست مشاهده ملک الموت سخت تر از هزار ضربه شمشیر است سوگند به آن که جانم در دست اوست جان هیچ بنده ای از دنیا نرود مگر این که یکایک رگ های او درد کشد.

این هم برای ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام خاصه مولا امیرالمومنین علیه السلام حارث همدانی می گوید نیم روزی نزد امیرمومنان علیه السلام رفتم فرمود: چه جز تو را به این جا کشانده است؟ عرض کردم: به خدا قسم که محبت به شما فرمود: اگر راست بگویی بی گمان در همه جا مرا خواهی دید: زمانی که جانت به این جا رسد با دست مبارکش اشاره به حنجره خود کرد و هنگام گذاشتن از صراط و در کنار حوص کوثر. (۱)

احسان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّئِي بِحِلِّيهِ الصَّالِحِينَ ... وَالسَّقِيَّ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِيَّارِ التَّفَضُّلِ (۲)

الها بر محمد و آل او درود فرست و مرا به زیور انسان های صالح بیارای و مرا به سبقت گرفتن به سوی فضیلت و از خود گذشتگی در احسان و بخشش موفق بدار.

امام سجاد علیه السلام از چیزی سخن می گوید که یک مرتبه از احسان بالاتر است زیرا احسان لازم نیست حتما ابتدایی و بدون علت باشد بلکه بعضی از مواقع ممکن است احسان پاداشی باشد چنان چه قرآن شریف می فرماید

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۳)

اما «إِيَّارِ التَّفَضُّلِ» یعنی احسان ابتدایی و بدون علت که نشان بزرگواری و کرامت نفس تفضل کننده ای است.

ص: ۹۱

۱- دعوات راوندی ص ۲۴۹

۲- دعای بیستم صحیفه

۳- الرحمن ۶۰

به هر تقدیر این نوع احسان از بهترین موارد احسان است چنان که امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: مِنْ أَحْسَنِ الْإِحْسَانِ الْإِثَارُ (۱)

از بهترین نیکوکاریها ایثار است

آن امام بزرگوار فرمود: الْإِثَارُ أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ وَ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْإِيمَانِ (۲)

ایثار نیکوترین نیکوکاری و بالاترین مرتبه ایمان است.

موسی علیه السلام عرض کرد: پروردگارا درجات حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و امت او را به من بنمای فرمود ای موسی تو تاب تحمل آن را نداری اما یکی از منزلت های ارجمند و والای او را به آن سبب که وی را بر تو و همه آفریدگانم برتری دادم من به تو نشان می دهم... آن گاه ملکوت آسمان را بر موسی آشکار ساخت پس موسی منزلتی را دید که از پرتوهای آن و نزدیکیش به خدی عَزَّوَجَلَّ نزدیک بود قالب تهی کند عرض کرد:

پروردگارا به چه سبب او را به این کرامت و منزلت رساندی؟ فرمود: به سبب خوبی که از میان آفریدگانم او را به آن ویژه گردانیدم و آن خوی ایثار است ای موسی هیچ یک از بندگانم که زمانی از عمر خود را به ایثار گذرانده باشد بر من وارد نشود مگر آن که از حسابرسی او شرم کنم و در هر جای از بهشتم که خواهد جایش دهم. (۳)

احسان خانواده کرم و احسان سبب نزول آیات شریفه ای در سوره مبارکه (انسان) شد.

يُؤْفُونَ بِالْأَنْدَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسِيئَتِيًّا وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مَشَكِيًّا وَبَيْتِيًّا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا (۴)

به نذر خود وفا می کنند و از روزی که شر آن انکار ناپذیر است می ترسند و غذا را بر دوستی خدا به مسکین و یتیم و اسیر می دهند.

ص: ۹۲

۱- غررالحکم

۲- غررالحکم

۳- تنبيه الخواطر ج ۱ ص ۱۷۳

۴- انسان ۷-۹

و گویند ما شما را فقط برای خدا غذا می دهیم و از شما هیچ پاداشی و سپاسی نمی خواهیم.

امام صادق علیه السلام میفرماید: نزد فاطمه علیها السلام مقداری جو موجود بود آنحضرت آنها را آرد کرد و مقداری نان پخت همین که خواستند استفاده کنند. شخص مسکینی وارد شد و گفت خدا به شما رحمت فرستد از آنچه که در اختیار دارید مرا اطعام کنید و امیرالمومنین علیه السلام برخاسم یک سوم نان را به او داد. چیزی نگذشت شخص یتیمی وارد شد و گفت خدا به شما رحمت فرستد از آنچه در اختیار دارید مرا اطعام کنید حضرت علی علیه السلام ثلث دوم نان را در اختیار یتیم گذاشت و بعد مرد اسیری وارد شد و گفت خدا شما را رحمت کند از آنچه در اختیار دارید مرا اطعام کنید حضرت علی علیه السلام برخواست و ثلث باقیمانده را به اسیر داد و خودشان از آن نان نخوردند و خداوند این آیات را در شان ایشان نازل فرمود. (۱)

ما مامور به دو کار مهم هستیم یکی اجرای عدالت و دیگری احسان به خلق

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (۲)

خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد.

درباره پدر و مادر به طور ویژه سفارش می کند که وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (۳)

به پدر و مادر خود احسان کنید و برای تاکید این امر مهم یعنی احسان به پدر و مادر در سوره بقره آیه ۸۳ و نساء آیه ۳۶ و انعام آیه ۱۵۱ و احقاف آیه ۱۵ همین مطلب را تکرار می نماید.

ص: ۹۳

۱- مجمع البیان ج ۱ ص ۴۰۵

۲- نحل ۹۰

۳- اسراء ۲۳

حر بن یزید ریاحی علیه الرحمه با هزار نیروی نظامی خود به سپاه حضرت حسین علیه السلام نزدیک شدند و در شدت گرما در برابر حسین علیه السلام و یارانش صف کشیدند تا مانع ادامه راه آن حضرت و اصحابش شوند.

امام علیه السلام هم با سپاه خود شمشیرها را آماده کردند و در مقابل آنها ایستادند. در این هنگام حضرت حسین علیه السلام ملاحظه فرمود که سپاه دشمن تشنگی سخت در عذاب است فوراً به جوانان خود امر کرد: **اسْقُوا الْقَوْمَ وَ اُورِهِمْ مِنَ الْمَاءِ وَ رَشُّوا الْخَيْلَ تَرْشِيفًا**

اینها را با اسب هایشان آب دهید تا حدی که سیراب شوند آنها به فرموده امام ظروف و طشت ها را پر از آب کردند و سپاه حر و اسب هایشان را آب دادند.

علی بن طعان محاربی می گوید: من آخرین نفر از سپاه حر بودم که به آنجا رسیدم تشنگی بر من و مرکب من بسیار غلبه کرده بود چون حضرت سید الشهداء علیه السلام حال عطش من و مرکب مرا ملاحظه فرمود: به من امر کرد تا شتر خود را بخوابانم شتر را آب دادم و شخص حسین علیه السلام با دست مبارک مشک اب را به دهان من گذاشت. (۱)

ره نیک مردان آزاده گیر***چو استاده ای دست افتاده گیر

امام حسین علیه السلام با عده ای از یاران به باغی که اطراف مدینه بود و متعلق به حضرت بود وارد شدند. نگهبان و باغبان باغ غلامی به نام صاف بود.

وقتی به داخل باغ رفتند امام علیه السلام مشاهده کرد که غلام به خوردن نان مشغول است امام حسین علیه السلام پشت درختی پنهان شد و رفتار غلام را زیر نظر گرفت غلام یک لقمه خودش می خورد و یک لقمه به سگی که در کنارش بود می داد. امام علیه السلام از عمل غلام شگفت زده شده بود. همین که غلام دست از غذا کشید گفت:

ص: ۹۴

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ اغْفِرْ لِسَيِّدِي وَ بَارِكْ لَهُ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى أَبِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

حمد خدای دو جهان را خداوندا مرا ببخش مولایم را مشمول غفرانت قرار بده و برکت را بر او نازل فرما همان طور که بر پدر و مادرش نازل فرمودی رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

امام حسین علیه السلام وقتی احسان خالصانه این غلام را به حیوانی مشاهده کرد از برخاست و خود را به غلام رساند و او را صدا زد:

غلام از جا برخاست و وحشت زده گفت ای آقای من و آقای همه مومنین ببخشید من شما را ندیدم امام علیه السلام فرمود: ای صافی تو مرا حلال کن که بدون اجازه ات به باغ تو داخل شدم.

غلام گفت شما با فضل و بزرگواریتان چنین می فرمایید امام علیه السلام فرمود دیدم که لقمه هایت را دو نیم می کردی نصف خود می خوردی و نصف به سگ می دادی این کار تو چه معنی داشت؟ غلام گفت این سگ در هنگام خوردن غذا به من نگاه می کرد بنابراین حیا کردم که او را غذا ندهم.

حسین جان این سگ پاسبان باغ توست من هم عبد و غلام تو هر دو با هم از رزق و کرم تو می خوردیم.

امام حسین علیه السلام از سخنان غلام به گریه افتاد و فرمود تو را در راه خدا آزاد کردم و از صمیم قلب هزار دینار به تو بخشیدم غلام گفت اگر مرا آزاد کنی از در خانه ات نخواهم رفت و همچنان خدمتگزار آستانت خواهم بود. امام علیه السلام فرمود سزاوار است مرد آنچه می گوید به آن عمل کند هنگامی که وارد باغ شدم به تو گفتم بدون اجازه تو به باغ تو قدم گذاشتم پس قول و عمل من باید یکی باشد یعنی باغ متعلق به توست فقط با این شرط که این اصحاب و یاران من که مشاهده می کنی اجازه داشته باشند گاهی از میوه های آن استفاده کنند و تو آنها را به خاطر من کرامت کن تا خداوند در روز قیامت به تو کرم کند.

امام علیه السلام او را دعا کرد و فرمود: **وَ بَارِكْ لَكَ فِي حُسْنِ خُلُقِكَ وَ أَدَبِكَ** خداوند این حسن خلق و ادب تو را مبارک گرداند.

غلام گفت حال که باغ خویش را به من بخشیدی من هم استفاده از آن را برای اصحاب و شیعیانت رایگان قرار دادم. [\(۱\)](#)

مباد که احسان و نیکی به کسانی که سزاوار احسانند. به فراموشی سپرده شود و دل ها گرفتار قساوت و سختی گردد که به طور یقین سخط و غضب خدا را به همراه دارد از جمله پیش بینی هایی که امیرمؤمنان علی علیه السلام کردند این بود: «زمانی بر مردم فرا می رسد که بسیار سخت است در آن زمان توانگر هر چه د را اختیار دارد محکم می چسبد در حالی که دستور چنین کاری به وی داده نشده خدایی که من او پاک و منزه می دانم فرمود: **وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ** احسان و نیکی را در بین خود فراموش نکنید. [\(۲\)](#)

ص: ۹۶

۱- احقاق الحق ج ۱ ص ۴۴۶

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۴۶۰

أَنْتَهُ يَنْتَبِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ، وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ. اللَّهُمَّ وَفِّرْ بِلُطْفِكَ نِيَّتِي (۱)

خدایا نیتم را به بهترین نیت ها و عمل مرا به بهترین اعمال منتهی گردان الهی با لطف و کرمیت نیتم را کامل فرما.

نیت در سلامت و یا فساد عمل بسیار موثر است و هیچ عملی بدون نیت امکان پذیر نیست. قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ (۲)
ای رسول ما بگو هر کس براساس نیت خویش عمل می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به ابازر می فرمود: ای ابازر ناگزیر هستی در هر کاری نیتی داشته باشی حتی در خوابیدن و خوردن. (۳)

شاید بعضی فکر کنند نیت جدای از عمل است و حال آنکه عمل و نیت مکمل همدیگرند و عمل آن وقت ارزش پیدا می کند که نیت سالم و خالص باشد.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: إِنَّ اللَّهَ بِكْرَمِهِ وَفَضْلِهِ يَدْخُلُ الْعَبْدَ بِصِدْقِ النَّيِّهِ وَالسَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ الْجَنَّةِ (۴)
خداوند به کرم و فضل خود بنده مومن خود را به خاطر صداقت در نیت و سلامت باطن وارد بهشت می کند.

نیت خالص در انجام کار و اختصاص دادن دین خالص به خدا توصیه قرآن و عترت است. أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ هَانِ كِه دِينِ خَالِصٍ مَخْصُوصِ خَدَاةِ. (۵)

امام صادق علیه السلام می فرمود: اخلاص مجمع جمیع اعمال شایسته است زیرا اخلاص موجب کمال و برتری عر عملی خواهد شد و چون اخلاص محقق گردید بسیاری از فضایل و محاسن اعمال نیز محقق است.

ص: ۹۷

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- اسراء ۸۲

۳- وسایل ج ۱ ص ۳۴

۴- همان مدرک ج ۱ ص ۴۱

۵- زمر ۳

اخلاص کلید قبول عمل و مهر و امضاء و رضای پروردگار است بنابراین هر کس اعمالش به درگاه الهی مورد قبول قرار گرفت و خدا از او راضی بود از مخلصین است و هر کس که اعمالش مورد قبول و رضای خدا واقع نشد مخلص نیست

سپس فرمود: کمترین مرتبه اخلاص آن است که به قدر استطاعت در مقام اطاعت و عبادت کوشش کند و برای عمل خود از پروردگار توقع پاداش نداشته باشد (۱)

این که امام سجاده علیه السلام عرض می کند خدایا: وَ قَرِّ بِطُفِكَ نَيْتِي پروردگارا نیتم را به بهترین نیت ها برسان بهترین نیت اخلاص است.

انسان مخلص کارهایش را برای خدا انجام می دهد و توقع پاداش از غیر خدا ندارد.

محبت و دوستی اش را برای خدا و بغض و نفرتش را در راه خدا مصرف می کند چرا که امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ» جامع السعادات ج ۳ ص ۱۸۴ هر کس حب و بغض خود را به خاطر خدا مصرف نکند دین ندارد.

همان بزرگوار فرمود: هَيْلَ الْإِيمَانِ إِلِمَا الْحُبِّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضِ فِي اللَّهِ (۲) آیا ایمان غیر از حب و بغض در راه خداست؟ آدم مخلص در بین راه سست نمی شود و کار را نیمه تمام نمی گذارد وقتی مردی از پیامبر از اخلاص می پرسد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پاسخ می دهد. إِنَّ تَقْوَلَ رَبِّي اللَّهُ ثُمَّ تَسْتَقِيمُ كَمَا أَمَرَتَ (۳) بگویی خدا من الله است و بعد همان طوری که خدا امر کرده پایداری کن.

برای رسیدن به مقام اخلاص جز امدادهای الهی و کمک باری تعالی کارساز نیست بنابراین باید عاجزانه از حضرت متعال بخواهیم که خدایا کمکمان کن که به آنچه تو می پسندی مشغول شویم و برخلاف رضای تو گامی برنداریم. مرحوم صاحب جواهر شیخ محمد حسن نجفی در روزهای آخر زندگیش دستور داد مجلسی تشکیل شود که همه علمای

ص: ۹۸

۱- مصباح الشریعه ص ۳۳۵

۲- همان مدرک.

۳- همان مدرک.

طراز اول نجف اشرف در آن شرکت کنند مجلس مزبور در خدمت صاحب جواهر تشکیل گردید ولی شیخ مرتضی انصاری در آن حضور نداشت.

صاحب جواهر فرمود: شیخ مرتضی را نیز حاضر کنید پس از جستجو و تفحص دیدند شیخ در گوشه ای از حرم شریف امیرالمومنین علی علیه السلام رو به قبله ایستاده و برای شفای صاحب جواهر دعا می کند و از خداوند می خواهد تا او از این مرض عافیت یابد. پس از اتمام دعا شیخ را به آن مجلس هدایت کردند. صاحب جواهر شیخ را بر بالین خود نشانند و دستش را گرفته بر روی قلب خود نهاد و گفت: *الآن طاب لي الميوت اكنون مرگ بر من گواراست. سپس به حاضرین فرمود: هذا مرجعكم من بعدی این مرد پس از من مرجع و رهبر شما خواهد بود بعد رو به شیخ انصاری کرده و گفت: قَلِّلْ مِنْ اِحْتِیاطِكَ فَإِنَّ الشَّرِيعَةَ سَهْلَةٌ مِنْ اِحْتِیاطات خود بکاه و بسیار سخت گیر مباش زیرا که دین اسلام دینی است سهل و آسان.*

این مجلس پایان یافت و طولی نکشید که صاحب جواهر شیخ محمدحسن نجفی به دیار قدس پر کشید. و اینک نوبت شیخ مرتضی است که رهبری امت را به به عهده بگیریید اما او با این که چهارصد تن مجتهد مسلم اعلم بودنش را تصدیق کردند از صدور فتوا و قبول مرجعیت خودداری ورزید و به سعید العلما مازندرانی که در ایران به سر می برد و شیخ انصاری در کربلا با وی همدرس بود و در آن هنگام او را بر خود ترجیح می داد نامه ای به این مضمون نوشت:

هنگامی که شما در کربلا بودید و با هم از محضر استاد استفاده می بردیم درک و فهم تو بیشتر از من بود اینک سزاوار است به نجف آمده و این امر را عهده دار شوی.

سعید العلماء در جواب نوشت: اری لیکن شما در این مدت در حوزه مشغول به تدریس و مباحثه بوده اید ولی من در اینجا گرفتار امور مردم هستم و شما در این مسئله از من سزاوارترید.

شیخ انصاری پس از رسیدن جواب نامه به حرم مطهر حضرت علی علیه السلام مشرف شده و از آن امام بزرگ خواست که وی را در این امر خطیر کمک نموده و از لغزش مصون بدارد. یکی از خادمان حرم مطهر امیرالمومنین علیه السلام می گوید:

طبق معمول ساعتی قبل از طلوع فجر برای روشن کردن چراغ های حرم مطهر به آن جا رفتم. ناگهان از طرف پایین پای حضرت صدای گریه ای بلند و جانکاه به گوشم رسید بسیار در شگفت شدم خدایا این صدای کیست؟ این گریه جانسوز از کجاست؟

ناگهان دیدم شیخ انصاری رحمه الله علیه صورتش را بر ضریح مقدس گذاشته و گریه می کند و با سوز و گداز به امام علیه السلام عرض میکند: «آقای من مولای من ای ابوالحسن یا امیرالمومنین این مسئولیتی که اینک به من واگذار شده بس خطیر و مهم است از تو می خواهم که مرا از لغزش و اشتباه و عدم عمل به وظیفه مصون داری و در طوفان های حوادث ناگوار همواره راهنمایم باش در غیر این صورت زیر بار مسئولیت رهبری مرجعیت نخواهم رفت. (۱)

این یک نمونه از اخلاص در نیت و عمل است که نشان از احتیاط و نگرانی دارد از این که مبادا برخلاف رضای حق تعالی کاری انجام گیرد.

بر همین اساس امام سجاد علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: محبوب ترین شما نزد خداوند کسانی هستند که عملشان نیکوتر و رفتارشان پسندیده تر است اما بدانید که برترین شما در مقام عمل نزد خدا و بزرگترین شما در پیشگاه الهی کسانی هستند که نسبت به

ص: ۱۰۰

اموری بیشتر مراقبت می کنند که در نزد خدا پسندیده تر است و خدا به آن اهمیت زیادی می دهد. (۱)

بنده مخلص آنچه دلش می خواهد دنبال نمی کند آنچه خدا می خواهد انجام می دهد و البته ممکن است در این راه ضررها و صدمات ظاهری ببیند ولی همه را تحمل می نماید. امام باقر علیه السلام می فرمود: روز قیامت منادی حق ندا می دهد که کجایند اهل استقامت و پایداری یک گروه از بندگان خدا برمیخیزند.

فرشتگان به سوی ایشان می روند و می پرسند که شما چه استقامتی کردید جواب می دهند که:

صَبَرْنَا أَنْفُسَنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ صَبَرْنَا هَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ قَالَ فَيُنَادِي مَنَادٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ صِدَقَ عِبَادِي خَلُّوا سَبِيلَهُمْ لِيَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲)

ما پایدار در اجرای دستورات الهی بودیم و آنگاه منادی از طرف خدا صدا می زند که این بندگان من راست می گویند راه آنها را باز کنید که بدون بازخواست داخل بهشت شوند.

ص: ۱۰۱

۱- روضه کافی ص ۶۸

۲- وسایل الشیعه ج ۲ ص ۴۵۱

وَوَفَّقِنِي لِّلَّتِي هِيَ اَزْكٰى (۱)

خدایا موفقم دار به روش و کرداری که پاکیزه تر است.

تزکیه نفس و تطهیر آن یعنی خشکاندن رذایل در خود و متخلق شدن به اخلاق حمیده.

بحث و گفت و گوی اخلاق از جمله مباحثی است که دامنه بسیار وسیع دارد. بنابراین علاقه مندان به گفتگوهای اخلاقی باید به کتاب های اخلاق مراجعه کنند تا از مجموعه فضایل و رذایل اخلاقی مطلع شده و انشاء الله به اخلاق خوب و پاکیزه که همان تزکیه نفس است نایل آیند.

فلسفه رسالت پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و اله وسلم تکمیل اخلاق شمرده است. اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (۲)

من از طرف خداوند برانگیخته شدم که مکارم اخلاق را تکمیل و تمام نمایم. جمله ای را که برای این بحث انتخاب کردیم از دعای شریف و گرانقدر مکارم اخلاق صحیفه سجادیه بود. این دعا که اسمش مطابق متن آن است مجموعه ای از مکارم خوبان و اخلاق کریمه می باشد و چه خوب است گاهی مثل دعاهای روز و شب که به آنها مانوس هستیم این دعا را نیز ضمیمه کنیم و آن چه را که امام سجاد علیه السلام از مکارم اخلاق از خداوند طلب کرده است ما نیز بخواهیم شاید در این رهگذر رذایل از ما دور شوند و فضایل در سر وجودمان جای گیرند.

اخلاق خوب و صفات پسندیده آن قدر جاذبه دارند که افراد فاقد آنها اگر انسان و یا انسان هایی را دارای چنین حالاتی ببینند احساس شادمانی و مسرت می کنند و زبان به ستایش و تمجید آنان می گشایند.

ص: ۱۰۲

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- مستدرک ج ۲ ص ۲۸۲

در واقع دوست داشتن اخلاقیات پسندیده و نفرت از رذایل اخلاقی در نهاد و فطرت انسان نهفته است البته به شرط آن که گناه و جنایت آن قدر گریبان گیر طرف نشده باشد که او را چون چهارپایان بلکه پست تر آنها کرده باشد به این در بیان مولایمان علی علیه السلام دقت کنید:

النَّفْسُ الدَّنِيَّةُ لَا تَنْفَكُ عَنِ الدَّنَائَاتِ انسانی پست فطرت از پستی دنائت جدا نمی شود و پیوسته به فرومایگی و اعمال و هن آمیز گرایش دارد.

الْكَرِيمُ يَرَى مَكَارِمَ أَعْمَالِهِ دِينًا عَلَيْهِ يَقْضِيهِ هِر دو حدیث از غررالْحَكَمِ انسانی کریم النفس و بزرگوار مکارم اعمال را دین انسانی خود تلقی می کند و خویشتن را به اداء آن موظف می شناسد.

به هر احل اخلاص خوب مایه زندگی خوب و تحکیم روابط اجتماعی می شود و مردم را به ادب و احترام متقابل وا می دارد و به زندگی گرمی و نشاط می بخشد. مردی به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد مرا از مکارم اخلاق آگاه سازید. حضرت در جواب او از چند صفت انسانی نام برد: الْعَفْوُ عَمَّن ظَلَمَكَ وَ صَمَلَهُ مَن قَطَعَكَ وَ إِعْطَاءُ مَن حَرَمَكَ وَ قَوْلُ الْحَقِّ عَلَى نَفْسِكَ (۱)

بخشش و گذشت از آن کسی که به تو ستمی کرده است ارتباط با کسی که از تو بریده است بخشش و انفاق به آنکه تو را محروم نموده است و به حق و درستی سخن گفتن اگرچه بر ضررت باشد.

بخلق و لطف توان کرد صید اهل نظر***به بند و دام نگیرند مرغ دانا را

آری تمامی علوم و معارف ارزشمند و گرانقدرند ولی علم اخلاق و حکمت علمی جایگاه ویژه ای دارند به این دلیل که تصور هر علمی برای عده ای خاص مطرح است ولی اخلاق چیزی است که بدست آوردن آن برای طالبین هر نوع علم و دانش ضروری است تجربه نشان داده است که کارسازی و سودمندی سایر علوم در گرو علم اخلاق است و به

ص: ۱۰۳

عبارت دیگر هر علمی که با خلیات پسندیده انسان آمیخته باشد به طور صحیح و شایسته پیاده خواهد شد. آری جامعیت اخلاق در حدی است که عامی و عالم مسلمان و کافر و کوچک و بزرگ همه محتاج به آن می باشند. علم اخلاق همیشه و همه جا ملازم انسان است دستورالعمل های اخلاقی که برای زندگی زناشویی و آیین همسررداری و تعلیم و تربیت فرزندان و برخورد با ارحام و نزدیکان و همسایگان و دوستان وجود دارد همه و همه مفید و حیاتی هستند و هیچ کس نمی تواند تا پایان عمر خود را از آن بی نیاز بداند.

در قدر و منزلت اخلاق همین بس که به محض متصف شدن به صفات کمال و جمال دل آدمی محل نور حق تعالی می شود و برای سیر و سلوک الی الله آماده می گردد و بی شک تا تهذیب اخلاق و تزکیه نفس محقق نشود سیر و سفر روحانی برای هیچ کس مقدور نخواهد بود و به قول حافظ دیو چون بیرون رود فرشته دراید.

امام صادق علیه السلام می فرمود: **إِنَّ اللَّهَ أَبِي أَنْ يَتْرَكَ الطَّافَةَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ إِلَّا فِي مَطَايَا نُورِهِ الْأَعْلَى وَجَمَالِهِ الْأَزْكَى لِأَنَّهَا خِصْلَةٌ يَخْتَصُّ بِهَا الْأَعْرَفِينَ بِهِ (۱)**

خداوند متعال از پراکندن الطاف مخصوص خود و فیض بردن از اخلاق خوب و پسندیده در افراد خودداری می کند مگر در مورد کسانی که محل نور اعلا و جمال پاک احادیث هستند و این صفات مخصوص اشخاصی است که به پروردگار متعال معرفت کامل دارند. شاید ما فکر کنیم که موضوع اخلاق منحصر به ماست و انبیا و امامان معصوم نباید در مقام کسب فضایل اخلاقی باشند و در حالی که این طور نیست مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام درباره شخص رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم و خود فرمود: خداوند بزرگترین فرشته از فرشتگانش را از وقتی که رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم از شیر گرفته شده بود همنشین آن حضرت گردانید تا او را

يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ وَ لَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ

ص: ۱۰۴

اتَّبَعَ الْفَصِيلِ أَثَرَ أُمِّهِ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ (۱)

شب و روز به راه بزرگواری ها و مکارم اخلاق جهان سیر دهد و من پی او می رفتم مانند رفتن بچه شتر پی مادرش در هر روز از خواهای خود پرچم و نشانه ای می افراشت و پیروی از آن را به من امر می فرمود.

ارزشها

اللَّهُمَّ فَصَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي، وَيَسِّرْ لِي مَا أَخْلَلْتَ بِي، وَطَهِّرْ نِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ، وَامْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ، وَأَوْجِدْ نِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ (۲)

الها بر محمد و آل او درود فرست و آن چه را که تو می پسندی مورد علاقه ام قرار ده و آنچه تو برایم حلال کرده ای برایم اسان کن و از هر چه در گذشته باعث کدری من شده پاکیزه ام کن و شر و بدکاری های گذشته ام را محو گردان و شیرینی و طراوت عافیت و سلامتی را به من عنایت فرما.

دیدگاه خداپرستان و پیروان مکتب انبیا و اولیا با دیگران در تعیین ارزش ها متفاوت است بسیاری از مواقع چیزهایی که برای اهل دین و تقوا ارزش است و برای بی دینان و افراد لا ابالی ضد ارزش است و بالعکس باید دید ارزش و ضد ارزش از کجا نشات می گیرد اگر بناست ارزش ها را خداوند تبارک و تعالی تعیین فرماید چنانکه در قرآن شریف فراوان به آنها اشاره شده پیداست چه چیزهایی ارزش است و چه چیزهایی ضد ارزش. اما اگر بنا بر این باشد که انسان های جاه طلب و بوالهوس و شهوتران و پول پرست ارزش و ضد ارزش را مشخص کنند می بینیم که معروف منکر و منکر معروف می گردد و اهل منکر به منکرات خود می بالند و افتخار می کنند.

ص: ۱۰۵

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۹۲

۲- دعای پانزده صحیفه

امام سجاد علیه السلام ارزش ها را در این چند جمله کوتاه بیان فرمود: علاقه داشتن به آنچه خدا می پسندد و برای ما حلال فرموده و پاک شدن از کدری ها و آلودگی ها و دور شدن از شر بدی ها و به طور کلی محو و نابود شدن رذایل اخلاقی.

عده ای از مردم ارزش ها را در زندگی پر تجمل و تشریفاتی دنیا خلاصه کرده و اوضاع خود را به رخ مردم محروم جامعه می کشند و معنویات و اخلاق الهی را ضد ارزش می شمارند قرآن می فرماید: درک و شعورشان بیش از این نیست.

فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ (۱)

بنابراین از هر کسی که از یاد ما روی برمیگرداند اعراض کن همان که فقط زندگانی دنیا را اراده کرده است.

این است اندازه آگاهی آنها و خدای تو بهتر می داند چه کسی از راه منحرف شده و چه کسی راه هدایت را برگزیده است.

چیزی که به انسان ارزش و بها می دهد نوع نگرش او به زندگی است اگر برهنگی بی حجابی و تظاهر به گناه برای مردم و زن و برداشتن تمامی موانع سر راه و ازادی تا مرز نفی همه نمونه های شرف و فضیلت انسانی ارزش محسوب شود تازه چنین افرادی می شوند همانند حیوانات و چهارپایان و طبق بیان قرآن یک مرحله نازلتر از حیوانات.

أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۲)

آنها هم چون حیوانات هستند بلکه از آنها پست تر و گمراه ترند آنها غافل بی خبرند.

مولایمان علی علیه السلام میفرمود: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ (۳)

ص: ۱۰۶

۱- النجم ۲۹-۳۰

۲- اعراف ۱۷۹

۳- حکم و مواظب نهج البلاغه ۷۸

ارزش هر کس به چیزی است که برای آن ارزش قایل است.

سید شریف رضی رحمه الله علیه پس از نقل این بیان می گوید: وَ هَذِهِ الْكَلِمَةُ الَّتِي لَا تُصَابُ لَهَا قِيَمَةٌ وَلَا تُوزَنُ بِهَا حِكْمَةٌ وَلَا تُقَرَّنُ إِلَيْهَا كَلِمَةٌ لِأَنَّ سَخْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَمَى تَوَانِ قِيَمَتِي قَائِلٌ شَدَّ وَ حَكْمَتٌ وَ اَنْدَرزِي رَا بَا اَن مَقَايسَه كَرْد وَ هِيچ سَخْنِي بَا اَن بَرَابَرِي نَمِي كَنْد.

تکلیف انسان های خوب و اهل ایمان و تقوا در برابر کسانی که اشاعه فحشا و منکرات را ارزش می دانند چیست؟ به طور قطع بی تفاوتی در مقابل آنان گناه و به منزله امضا گناه و حمایت از ایشان است.

مردمی که جرایم و فحشا را عادی تلقی کنند و در مقابل آنها کمترین واکنش درونی و برونی نشان ندهند مورد مواخذه قرار خواهند گرفت. چون به ارزش های اجتماعی بی اعتنایی کرده و باعث نشر فرهنگ فساد شده اند.

امام صادق علیه السلام به بعضی از یاران خود می فرمود: برای من شایسته است که افراد پاک و درستکار شما را ناسالم و غیر منزه قرار داده و مورد مواخذه قرار دهم و چگونه این حق برای من نباشد با آن که به شما خبر می رسد که مردی از دوستانتان مرتکب عمل قبیح شده و شما او را تقبیح نکرده اید از وی دوری ننموده اید و با بی اعتنایی خود آزارش نداده اید تا متنبه شود و عمل بد خویش را ترک گوید (۱).

و علی علیه السلام فرمود: مَنْ تَرَكَ اِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْاَحْيَاءِ (۲).

کسی که گناه را عمل قبیح نداند و نسبت به آن نه در دل نه به زبان و نه عمل تنفر و انزجار نداشته باشد او بین مردم فرد مرده و فاقد حیات انسانی است.

ص: ۱۰۷

۱- وسایل ج ۱ ص ۶۹

۲- مشکوه الانوار ص ۵۲

نتیجه آن که ضامن حفظ ارزش ها امر به معروف و نهی از منکر است و این نظارت ملی و عمومی است که سبب می شود ارزش ها باقی بمانند و ضد ارزش ها شکل عادت و قانون به خود نگیرد.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره مسخ ارزش ها و رسیدن زمانی که همه ارزش ها واژگونه می شود در بیانی بسیار شفاف و زیبا می فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُقَرَّبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ وَلَا يُظَرَفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَلَا يُضَمَّعُ فِيهِ إِلَّا الْمُنْصِفُ يَعِدُونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا وَصِلَةَ الرَّحِمِ مَنًّا وَالْعِبَادَةَ اشْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ (۱)

زمانی برای مردم فرا می رسد که جز سخن چین را گرامی ندارند و جز آدم فاجر و فاسق را زیرک نخوانند و جز آدم باانصاف را ضعیف نگویند. در آن زمان دادن صدقه را غرامت و تاوان شمارند و در صله رحم کردن منت گذارند و عبادت کردن را وسیله فخرفروشی بر مردم قرار می دهند.

ازدواج

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَشْكُنُوا فِيهِ وَ لِيَتَأَلَّوْا بِهِ لَذَّةً وَ شَهْوَةً (۲)

خدایی که شب را خلق کرد تا از حرکت های خستگی آور و دشواری های روز به استراحت و آرامش بپردازند ... وسیله ای برای لذت بردن و دفع شهوت باشد. دو نقش بزرگ ازدواج برای هیچ کس پوشیده نیست.

۱- آرامش و سکون مرد و زن

۲- دفع شهوت و لذت حلال

ص: ۱۰۸

۱- نهج البلاغه حکم و مواظ ۹۸

۲- دعای ششم صحیفه

خداوند در یک جا می فرماید:

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنِينَ وَحَفَدَةً (۱)

خداوند از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه ها خلق کرد.

در جای دیگر می فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲)

و از آیات الهی است که از جنس خودتان برای شما همسرانی افرید تا به وسیله آنان آرامش یابید و بین شما مودت و رحمت قرار داد که در این کار نشانه هایی برای اهل تفکر هست.

ازدواج باعث می شود که گزینه جنسی از طریق مشروع ارضا شود و انسان به حرام نیفتد. قرآن برای دفع شهوت سفارش می کند که حتی مقدمات آن را از طریق حرام آماده نکنید و به آن نزدیک نشوید. وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (۳) به زنان نزدیک مشوید که آن فحشاست و بد راهی است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هیچ گناه فرزند آدم نزد خدای تبارک و تعالی سنگین تر از این نباشد که کسی پیامبر و یا امامی را بکشد یا کعبه را که خدای عزوجل قبله بندگان خود قرار داده است ویران کند یا به حرام با زنی نزدیکی کند. (۴)

اگر پایه ازدواج درست بنا شود آثار مطلوبی در پی خواهد داشت.

۱- رضایت و محبت پرورگار رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خدای عزوجل محبوب تر و ارجمندتر از ازدواج باشد.»

ص: ۱۰۹

۱- نحل ۷۲

۲- روم ۲۱

۳- اسراء ۳۲

۴- بحار ج ۷۹ ص ۱۹

۲- تولید مثل و ازدیاد جمعیت همان امام بزرگوار: ازدواج کنید تا جمعیت شما زیاد شود زیرا من در روز قیامت به وجود شما حتی به فرزند سقط شده تان بر سایر امت ها می بالم

۳- عمل به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم : هما امام بزرگوار: ازدواج سنت من است پس هر که از سنت من روی گرداند از من نیست.

۴- حفظ نصف ایمان «همان امام بزرگوار هرگاه بنده ازدواج کند نصف دین را کامل کرده و برای حفظ نصف دیگر باید تقوای خدا پیشه کند.

۵- ثواب نماز چند برابر می شود. امام صادق علیه السلام فرمود: دو رکعت نمازی که ازدواج کرده می خواند برتر از هفتاد رکعت نمازی است که فرد عزب بخواند.

۶- روزی زیاد می شود قرآن آیه ۳۳ سوره نور اگر تهی دست باشند خداوند از فضل و کرم خود آنان را توانگر می گرداند و خداوند وسعت بخش و داناست و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «زن بگیرد زیرا که ازدواج روزی شما را بیشتر می کند(۱)»

چند نکته مهم که باید در امر ازدواج رعایت شود:

۱- اهمیت دادن به ایمان و اخلاق مرد و زن در موضوع ازدواج

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: با زن به خاطر چهار چیز ازدواج می شود: مال و ثروتش ، زیبایی اش، دین داریش و اصل و نسب و خانواده اش و تو با زنان متدین ازدواج کن(۲)

۲- مهریه متعارف باشد و سنگین نباشد. همان امام بزرگوار فرمود: يَتَأَسَّرُوا فِي الصَّدَاقِ فَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُعْطَى الْمَرْأَةَ حَتَّى يَبْقَى ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ عَلَيْهِ هَا حَسِيكَةٌ(۳)

مهریه را اسان بگیرد زیرا مرد در غیر این صورت کابین زن را می دهد اما در دلش نسبت به او کینه و دشمنی به وجود می آید.

ص: ۱۱۰

۱- تمام موارد در ج ۵ بحار الانوار ص ۵۴ و ۵۳

۲- کنز العمال ۴۴۶۰۲

۳- النهایه ج ۱ ص ۳۸۶

۳- با خانواده های اصیل و ریشه دار وصلت کنید. رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم: با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید زیرا ژن اثر دارد.

۴- کفویت مرد و زن در ایمان است همان امام بزرگوار فرمود: من زینت دختر جحش را به ازدواج زیدبن حارثه در آوردم و ضیاعه دختر زبیربن عبدالمطلب را به ازدواج مقداد تا بدانند که بالاترین شرافت اسلام است.»

۵- حقوق متقابل یکدیگر را رعایت کنند: همان امام بزرگوار فرمود: بزرگ ترین حق را بر زن شوهر او دارد در جای دیگر فرمود: جبرئیل پیوسته مرا درباره زن سفارش می کرد تا جایی که گمان بردم طلاق او جایز نیست مگر در صورت ثابت شدن فحشا

۶- خدمت متقابل زن و شوهر به یکدیگر امام کاظم علیه السلام فرمود: جهاد زن خوب شوهرداری است رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: به زن خود خدمت نکند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت او را بخواهد(۱)

۷- خواستگاری مخفی باشد ولی مراسم ازدواج آشکار پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: *أَظْهَرُوا النِّكَاحَ وَ أَخْفُوا الخِطْبَةَ* مراسم ازدواج را آشکار برگزار کنید ولی خواستگاری را پنهان(۲)

۸- آداب پذیرفتن دعوت عروسی: این دو روایت نیز از رسول صلی الله علیه و آله وسلم است. هرگاه به مراسم عروسی دعوت شدید در فتن کنیدی زیرا این مراسم انسان را به یاد دنیا می اندازد اما هرگاه به مراسم تشییع جنازه فرا خوانده شدید شتاب ورزید زیرا این مراسم یادآور آخرت است. بد و لیمه است و لیمه عروسی که در آن ثروتمندان را اطعام می کنند و از مستمندان جلوگیری می نمایند.(۳)

ص: ۱۱۱

۱- این چند روایت بحار ج ۱۰۳ ص ۲۵۶ و کافی ج ۵ ص ۵۰۸ است.

۲- کنز العمال ص ۴۴۶۱۷

۳- کنز العمال ۴۴۵۳۶

وَسَدَّدْنِي لِأَنْ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ، وَ أَعْجِزِي مَنْ هَجَزَنِي بِالْبُرِّ (۱)

خداوندا پا برجایم کن تا پاسخ دهم خیانت کسی را که به من خیانت کرده به خیرخواهی و پاداش دهم کسی را که مرا ترک کرده به نیکی.

معمولاً- پابرجایی و استقامت در جاهایی معنا دارد که دل چیز دیگری را می طلبد دل می گوید از خائن انتقام بگیر و با قطع کننده ارتباط با خود روی خوش نشان نده ولی امام علیه السلام از خدا می خواهد که در مواردی مستقیم و راسخ بماند و از خود نقطه ضعف نشان ندهد که خواست دل چیز دیگری را می گوید.

در بخش دیگر همین دعا پس از آن که یک سلسله صفات فضیلت را از خداوند تمنا می کند عرضه می کند. وَ أَكْمِلْ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ وَ كَامِلِ كُنْ أَيْنَهَا رَا بَرَايِمَ بَه وَسِيلَه پایداری در طاعتت علما علم اخلاق و حکمت علمی معتقدند یکی از نشانه های مهم اخلاص استقامت دوام در عبادت و بندگی پروردگار است.

بر همین اساس امام علیه السلام در جای دیگر همین دعا می فرماید: وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ عَن عِبَادَتِكَ خدایا به تنبلی و بی حالی در عبادتت گرفتارم مکن. رسول الله نشان ای انسان های با استقامت و شکیبا را در سه مورد فرموده است.

أَوَّلَهَا أَنْ لَا يَكْسِلَ الثَّانِيَهُ أَنْعَ لَا يَضْجِرَ إِثْلَهُ أَنْ لَا يَشْكُو مِنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ (۲)

اول اینکه کسل و بی حال نمی شود و از هدف باز نمی ماند دوم آنکه جزع و فزع نمی کند و سوم شکایت و اعتراض به خواست پروردگار نمی نماید.

ص: ۱۱۲

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- بحار ج ۷۱ ص ۸۹

طاعت و بندگی خداوند تبارک و تعالی استقامت و حوصله می خواهد باید از بسیاری لذات زودگذر دنیا صرفنظر کرد باید نفس را سر جای خودش نشانند که اگر فرصتی پیدا کند و احساس آزادی بنماید سرپیچی کرده و مخالفت مولا را خواهد نمود.

خداوند تبارک و تعالی یک سلسله واجبات و محرمات و مکروهات و مستحبات برای ما مقرر داشته که رعایت آنها را اطاعت و بندگی نامند و همه خوبان عالم و کسانی که ملقب به لقب بندگی شدند و مدال پرافتخار عبد به آنها عنایت شده به خاطر آن بوده که در انجام فرامین و دستورات الهی ریاضت کشیده و تن خاکی را همراه با روح علوی به استقامت دعوت کرده اند.

مقید شدن به نماز اول وقت توام با حضور قلب و انجام روزه ماه مبارک رمضان همراه با امساک زبان و چشم و گوش و دل از هر لغزش و گناه رفتن به سفر ملکوتی و پرمشقت حج با آن همه مناسک از قبیل طواف و سعی و وقوف در بیابان عرفات و مشعر و منی و رمی جمرات و قربانی و حلق پرداخت زکات و خمس و سایر حقوق واجب و مستحب و گذشت از مال و ثروتی که به جان بعضی بسته شده و از همه مهمتر امر به معروف و نهی از منکر و جهاد در راه خدا با مال و جان و دفاع از حریم ولایت اهل بیت علیهم لاسلام همه و همه نامش طاعت و بندگی است و رمز صحت و قبولی اش استقامت و پایداری است.

تشویق فوق العاده مولایمان علی علیه السلام درباره استقامت: «الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ وَ الْإِسْتِقَامَةُ الْإِسْتِقَامَةُ» عمل صالح عمل صالح! سپس آینده نگری! و استقامت! استقامت! «وَ قَدْ قُلْتُمْ رَبَّنَا اللَّهُ فَاسْتَقِيمُوا عَلَي كِتَابِهِ وَ عَلَي مِنْهَاجِ أَمْرِهِ وَ عَلَي الطَّرِيقَةِ الصَّيِّغَةِ مِنَ عِبَادَتِهِ» همانا شما گفتید: پروردگار ما خداست پس در عمل به دستورات کتاب خدا و در ادامه راهی که فرمان داد و بر روش درست پرستش بندگان او استقامت داشته باشید و پایدار بمانید. وَ لَقَدْ قَالَ

رسول الله عليه و اله وسلم: «لَا يَسْتَقِيمُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ» (۱)

و به تحقیق رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم : ایمان بنده ای استوار نگردد تا دل او استوار شود و دل استوار نشود تا زبان استوار گردد.

لازمه ادامه دادن راه خدا استقامت است چون ممکن است انسان تحت تاثیر فشارهای هواهای نفسانی و تبلیغات سوء دشمنان دین خدا قرار گیرد اگر مقاومت و پشتکار نباشد زمین می خورد و محکوم جو فاسد خواهد شد.

جهانیان همه گر منع کنند از عشق*** من آن کنم که خداوندگار فرماید

امام صادق علیه السلام در وصف اهل استقامت فرمود:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ إِنْ زُبِرَ الْحَدِيدُ إِذَا دَخَلَ النَّارَ تَغَيَّرَ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ لَمْ يَتَغَيَّرْ قَلْبُهُ (۲)

مومن از آهن گداخته شده استوارتر و محکم تر است زیرا آهن وقتی در میان آتش قرار می گیرد تغییر شکل و حالت می دهد ولی مومن اگر کشته شود و سپس زنده گردد و بار دیگر کشته شود هرگز تغییری در اراده و قلبش ایجاد نخواهد شد.

آری استقامت عامل خوبی برای حفظ ارزش ها و معنویات به دست آمده است شخص مستقیم در برابر طوفان های سهمگین بلایا و حوادث زندگی رنگ عوض نمی کند بی شک نتیجه و ثمره استقامت خود را به زودی خواهد دید.

وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (۳)

اگر بر این طریق الهی استقامت کنند آب فراوانشان دهیم.

ص: ۱۱۴

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۷۶

۲- سفینه البحار ج ۳ ص ۳۷

۳- جن ۱۶

شاید منظور همان شراب طهوری باشد که در آیه ۲۱ سوره انسان آمده *وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا* و پروردگارشان به آنها شراب طهور می نوشاند این پاداش شماسست و تلاش شما قابل تقدیر و تشکر است.

شراب طهور از آن کسانی است که در بندگی حضرت حق قصور نمی کنند و مصداق بارز کلام امیرالمومنین هستند آنجا که فرمود: «شب‌ها پاهای خود را برای عبادت جفت می کنند آیات قرآن را به آرامی و شمرده تلاوت می نمایند با زمزمه آن آیات و دقت در معنی آنها غمی عارفانه درون خود ایجاد می کنند و دواهای دردهای خویش را به این وسیله ظاهر می سازند هر چه از زبان قرآن می شنوند مثل این است که به چشم می بینند. هرگاه به آیه ای از آیات رحمت می رسند به آن طمع می بندند و قلبشان از شوق لبریز می گردد و چنین می نماید که نصب العین آنها است و چون به آیه ای از آیات قهر و غضب می رسند بدان گوش فرا می دهند و مانند این است که آهنگ بالا و پایین رفتن شعله های جهنم به گوششان می رسد. کمرها را به عبادت خم کرده پیشانی ها و کف دستها و زانوها و سرانگشت پاها به خاک میسایند و از خداوند آزادی خویش را می طلبند و همین ها که چنین شب زنده داری میکنند و تا این حد روحشان به دنیای دیگر پیوسته است روزها مردانی هستند اجتماعی، بردبار دانا نیک پارسا (۱)

اسراف

وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَ مِنْ فِقْدَانِ الْكَفَافِ (۲)

خدایا به تو پناه می بریم از افتادن در اسراف و از کف دادن کفاف و به اندازه خواستن.

ص: ۱۱۵

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۹۳ معروف به خطبه همام.

۲- دعای هشتم صحیفه

هر اندازه خواسته های معنوی و روحی رو به ضعف بروند خواسته های مادی مثل شهوت جنسی و خوردگی بیشتر می شوند.

انسان اسراف کار فکر و ذکری جز شکم پرستی و ریخت و پاش و غمی جز فکر کردن در تامین لذت ها و کامرانی زندگی مادی ندارد.

آیا این نوع افراد مجالی دارند تا به تربیت و تهذیب نفس خویشتن پردازند و روح را از نقایص پاکیزه کنند؟

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (۱)

مانند حیوانات به بهره برداری از دنیا و خوردن و آشامیدن می پردازند که البته جهنم جایگاه آنهاست.

وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۲)

اسراف کنندگان همه اهل آتش دوزخند.

وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۳)

بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست نمی دارد. خلاصه آن که اسراف یک آفت بسیار مهم اجتماعی است که می تواند بر تمام اوضاع و حالات و صفات فردی و روابط گوناگون اجتماعی اعم از مادی یا معنوی مسلط شده و نظم طبیعی را به کلی از هم بپاشد و جامعه را به بحران های خطرناک اقتصادی مبتلا سازد.

نمونه های بارز اسراف را امروزه در مجالس عروسی و مراسم های گوناگون افراد مرفه می توان مشاهده کرد که پس از صرف غذا سطل زباله در انتظار غذاهای دست نخورده و دست خورده آنهاست آن هم در حالی که در کنار همین مسرفین خانواده هایی هستند که حسرت یک لقمه از آن غذاها را می کشند.

ص: ۱۱۶

۱- محمد صلی الله علیه و آله وسلم ۱۲

۲- مومن ۴۳

۳- اعراف ۳۱

امام سجاد علیه السلام در دعای بیستم همین صحیفه عرضه می دارد: اللَّهُمَّ صِرْ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَافِ پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست مانع اسراف کاری من باش و روزیم را از تلف شدن محافظت فرما.

امام حسن عسگری علیه السلام فرمود:

عَلَيْكَ بِالْاِقْتِصَادِ وَ اِيَّاكَ وَ الْاِسْرَافِ فَاِنَّهُ مِنْ فِعْلِ الشَّيْطَانِ (۱)

بر تو باد به رعایت میانه روی و اقتصاد و پرهیز از اسراف و زیاده روی که اسراف از رفتارهای شیطانی است.

قرآن شریف اسراف کنندگان را مفسیدن فی الارض خوانده و درباره آنان فرموده است:

وَلَا تُطِيعُوا اَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِيْنَ يُفْسِدُوْنَ فِي الْاَرْضِ وَلَا يُصْلِحُوْنَ (۲)

و از روش اسراف کنندگان پیروی نکنید همان هایی که در زمین فساد می کنند و قابل اصلاح نیستند.

کارگزاران حکومت اسلامی و کسانی که به بعضی میهمانی ها دعوت می شوند نصیحت مولایمان علی علیه السلام را به عثمان بن حنیف کارگزار حضرت در شهر بصره آویزه گوش کنند: «ای پسر حنیف به من خبر رسیده که مردی از جوانان بصره تو را به ولیمه عروسی دعوت کرده و تو به آن جا شتافته ای خوردنی های گوارا و رنگارنگ در کاسه های بزرگ برای آورده اند گمان نداشتم که تو به میهمانی کسانی بروی که فقیر و نیازمند را راه ندهند و ثروتمندان را دعوت کنند. پس درباره آن چه از این خوردنی ها به دهانت می گذاری بیندیش و هر چه را که در حلال بودنش شبهه داری بیرون انداز و از آن چیزی استفاده کن که از پاک بودن و حلال بودن آن اطمینان داشته باشی.»

ص: ۱۱۷

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۶۱۶

۲- شعرا ۱۵۱ و ۱۵۲

ای پسر حنیف اگر بخواهم می توانم عسل مصفا و مغز گندم و لباس ابریشمین برای خود تهیه کنم و لکن هیئات که هوای نفس بر من چیزه شود و حرص مرا به برگزیدن خوراکی ها وادار نماید آن هم در این زمان که در حجاز یا یمامه افرادی باشند که حسرت یک قرص نان را داشته باشند و یا هرگز شکمی سیر نخورند و من سیر بخوابم در حالی که در اطرافم شکم هایی گرسنه و جرگه‌هایی تشنه باشند.

فَاتَّقِ اللَّهَ يَا ابْنَ حَنِيفٍ وَ لَتَكْفُفَ أَقْرَابُكَ لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ خَلَا (۱)

ای پسر حنیف از خدا بترس و چند قرص نان برای تو بس است. اگر علاقه مندی که از آتش جهنم خلاصی داشته باشی.

اسلام

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَبَانَا بِدِينِهِ، وَ اخْتَصَّنَا بِمِلَّتِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ شَهْرَهُ رَمَضَانَ، شَهْرَ الصِّيَامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ (۲)

و حمد خدایی را که دینش را به ما عطا فرمود و ما را جز ملت خودش گردانید. و حمد خدایی را که یکی از راه های هدایت یعنی ماه مبارک رمضان را به ما اختصاص داد ماه روزه و ماه اسلام.

یکی از جاهایی که شکر فراوان دارد نعمت بزرگ اسلام است اینکه خداوند ما را جز امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم قرار داده و دینش که همان اسلام است بر ما عطا فرموده صدها هزار بار جای شکر دارد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ (۳) حمد مخصوص خداوندی است که ما را به این جا هدایت فرمود و اگر هدایت او نبود ما هدایت نمی یافتیم.

ص: ۱۱۸

۱- نامه ۴۵ نهج البلاغه

۲- دعای چهل و چهارم صحیفه

۳- اعراف ۴۳

گرچه این سخن اهل بهشت است در هنگامی که در آن جای می گیرند ولی مانعی ندارد در دنیا نیز بگوئیم: خدایا ممنونیم که ما را با مکتب متعالی اسلام آشنا فرمودی. «وَ اخْتَصْنَا بِمِلَّتِهِ» ما را جز ملت خودت یعنی اسلام قرار دادی.

ناگفته نماند که از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه روایات شده که فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ دُعِيَ بِالنَّبِيِّ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَيَنْصَبُونَ لِلنَّاسِ فَإِذَا رَأَتْهُمْ شِيعَتُهُمْ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا لِلآيَةِ (۱)

هنگامی که قیامت بر پا می شود رسول الله و امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام به صحنه قیامت دعوت می شوند همین که چشم شیعیان آن بزرگوار به آنها می افتد همگی می گویند ستایش خدایی را که ما را به این نعمت رهبری کرد. بله اسلام کامل و ناب همان اسلامی است که پیروان سنت و مکتب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم برگزیده و تمامی سفارشات آن بزرگوار را درباره خلیفه بلافصل و فرزندان معصومش به اجرا در آورند و منکر امامت آن ذات مقدسه نشوند.

اسلام جدای امامت و ولایت اسلام نیست بلکه اعتقادی است نیمه و ناقص چنان که قرآن درباره کسانی که بخشی از کتاب خدا را قبول دارند و منکر بخش دیگر آن هستند می فرماید:

أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲)

آیا به بعضی از کتاب ایمان می آورید و بعضی دیگر را انکار می کنید و چیست پاداش کسی که چنین کند جز زبونی در زندگانی دنیا و در روز قیامت به سخت ترین عذاب روانه اش نمایند و خداوند از آن چه انجام می دهید غافل نیست.

ص: ۱۱۹

۱- تفسیر صافی ص ۱۹۳

۲- بقره ۸۵

باید دید خداوند در چه موقع از الام ما اظهار رضایت فرموده:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۱)

امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را برایتان تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما پذیرفتم.

آن چه روزی بوده است که خداوند مهربان فرمود: «وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» تفسیر در المنثور سیوطی سنی مذهب ج ۲ ص ۲۵۹ آمده ابن مردویه از ابن عساکر از ابی سعید خدری نقل می کند که «لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا يَوْمَ غَدِيرِ خُمِّ فَنَادَى لَهُ بِالْوَلَايَةِ هَبَطَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ بَهْدُهُ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» همین که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در روز غدیر خم علی بن ابیطالب را منصوب نمود برای علی علیه السلام ندای ولایت سرداد و آنگاه جبرئیل نازل شد و ایه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» برای پیامبر آورد نتیجه آن که اسلام مورد رضایت پروردگار اسلام همراه با ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام و خلافت بلافصل آن گرامی است دیدگاه دو امام بزرگوار امام باقر و امام صادق علیهما السلام «رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا أَي تَسْلِيمِ النَّفْسِ لِأَمْرِنَا» (۲)

معنای این که اسلام را برای شما رضا دادم تسلیم شدن نفس در برابر امر ما اهل بیت است در ملت خدا بودن یعنی جز حزب خدا بودن و حزب خدا هم در آیات و روایات ترسیم شده تا هر کسی ادعای حزب اللهی بودن نکند.

در دو جای قرآن سخن از حزب خدا به میان آمده و در هر دو جا مشخصات حزب خدا بیان شده است.

ص: ۱۲۰

۱- مائده ۳

۲- الغدير ج ۱ ص ۲۳۴

در سوره مجادله آیه ۲ «نمی یابی گروهی را که ایمان به خدا و روز قیامت دارند با دشمنان خدا و رسول او دوستی کنند هر چند پدران و فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند. اینها کسانی هستند که خداوند بر دل هایشان ایمان نوشته است و با روحی از جانب او تایید می شوند و آنها را در باغ هایی از بهشت وارد می کند که نهرها از زیر درختان آن باغ ها جاری است و برای همیشه در آن می مانند. خدا از آنها راضی است و آنها از خدا راضی هستند اینها حزب خدایند بدانید که حزب خدا رستگارانند.» در سوره مبارکه مائده به دنبال آیه ۵۵ که آیه ولایت است سخن از حزب خدا به میان آمده است.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

سرپرست شما فقط خدا و رسول و کسانی هستند که ایمان آورده اند و نماز را بر پا داشته و در حال رکوع زکات می دهند و هر که سرپرست او خدا و رسول و کسانی که اهل ایمانند باشد از حزب خداست و حزب خدا پیروز است.

درباره آیه ۵۵ مائده از فریقین روایت نقل شده آن که در حال رکوع زکات داد امیرالمومنین علی علیه السلام بوده است (۱)

درباره آیه ۵۶ همین سوره از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در روز قیامت التجا و اعتصام به سوی خدا می برد و ما اهل بیت او به آن حضرت ملتجی می شویم و شیعیان نما متمسک بما خواهند شد و البته ما و شیعیانمان از حزب خداییم و حزب خدا غالب است. (۲)

ص: ۱۲۱

۱- احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۴۳. الغدير ج ۲ ص ۱۵۶ اختصاص شیخ طوسی ص ۲۷۷.

۲- تفسیر صافی ص ۱۵۲

فَمَثَلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعٌ، وَغَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُخْشَعًا، وَطَاطَأَ رَأْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا (۱)

الها این بندگان گنه کار در حال گریه و زاری به در گاهت ایستاده و از روی خشوع چشم به زمین دوخته و ذلیلانه سر به زیر افکنده اند.

اگر اشک برای از دست دادن مادیات و نزاع های خانوادگی و مسایل دنیا باشد نه تنها ارج و ارزش ندارد بلکه محکوم و خلاف است.

گریه از خوف خدا و استغاثه و توبه و طلب آمرزش از باری تعالی امری موجه و پسندیده است اشک ذوق و محبت نسبت به خداوند تبارک و تعالی و عرض ارادت به محمد و آل محمد علیهم السلام نشان ایمان و اعتقاد و باطن است. گریه برای از دست دادن عزیزان اگر همراه شکایت و اعتراض نباشد امری طبیعی و مباح است.

ولی بهترین نوع گریه در حال دعاست که از دل شکسته حکایت دارد و قابل مقایسه با چیزهای دیگر نیست. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «ما مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَكَيْلٌ أَوْ وَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ مِنْهَا تُطْفِئُ بِحَارًا مِنَ النَّارِ» (۲)

چیزی نیست مگر این که بر آن اندازه و وزنی هست جز اشک ها که قطره ای از آن دریاهایی از آتش را فرو می نشاند.

بعضی از روشنفکرانها پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام را ملت گریه می نامند و آن را نشانه نادانی می شمرند در حالی که خود از روح مکتب اسلام بی خبرند و نمی دانند که قرآن انبیا و اولیا را به گریه و زاری به درگاه الهی توصیف می کند. در سوره مبارکه مریم پس از ذکر اسامی چند تن از پیامبران از زکریا و یحیی و عیسی و ابراهیم و اسحاق و یعقوب و

ص: ۱۲۲

۱- دعای سی و یکم صحیفه

۲- کافی ج ۲ ص ۴۲۸

موسی و هارون و اسماعیل و ادريس عليهم السلام می فرماید: **أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا (۱)**

آنان پیامبرانی بودند که خداوند آنها را مشمول نعمت های خود قرار داده بود وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان تلاوت می شد بی اختیار به خاک می افتادند در حالی که سجده کننده و گریان بودند.

و نیز در سوره اسراء گریه را از خصایص دارندگان علم به حقایق وحی معرفی می فرماید:

قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لَمَّا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَنْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا (۲)

بگو چه شما به این قرآن ایمان بیاورید و چه ایمان نیاورید آنها که پیش از این علم و دانش به آنان داده شده است هنگامی که (این قرآن) بر آنها خوانده می شود مجذوبانه به خاک می افتند و سجده می کنند. (آری آنان) بی اختیار به رو به تمام صورت به زمین می افتند در حالی که گریه می کنند و بر خشوع قلبشان می افزاید.

و باز خداوند بزرگ در جای دیگر درباره چشم های اشکبار می فرماید:

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۳)

وقتی آیاتی را که بر پیامبر نازل می شود می شنوند می بینی که از دیدگانشان اشک جاری می شود.

ص: ۱۲۳

۱- مریم ۵۸

۲- اسراء ۱۰۹ و ۱۰۷

۳- مائده ۸۳

این منطق قرآن بود اما امام سجاده علیه السلام در سراسر صحیفه سجاده ایله دعاها را همراه با تضرع و زاری خوانده و در محراب عبادت و بندگی حضرت حق از نهاد دل می نالیده است در دعای ابو حمزه ثمالی آن امام بزرگوار فریاد می زد فَمَالِي لَا أَبِيكَ چرا گریه نکنم و نیز جای دیگر دعا عرض میکرد وَ أَعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَي نَفْسِي خدایا باریم کن تا بر خودم گریه کنم.

پیامبر عظیم الشان اسلام از خدا چشم گریان درخواست می کند:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَيْنَيْنِ هَطَّائِيْنِ ذَرَّافَتَيْنِ لِلدُّمُوعِ (۱)

خدایا به من دو چشم اشکباری عنایت کن که سیلاب اشکشان سریع و پیاپی باشد.

امام سجاده علیه السلام در دعای سحر رمضان المبارک بعد از آن که بار دیگر می گوید:

أَبِيكَ لِيُخْرِجَ نَفْسِي أَبِيكَ لِيُظْلِمَهُ قَبْرِي أَبِيكَ لِيُضَيِّقَ لِحَدِي أَبِيكَ لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّاي أَبِيكَ لِيُخْرِجَنِي مِنْ قَبْرِي عَزِيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَي ظَهْرِي

گریه می کنم برای لحظه جان دادم بگریم برای تاریکی قبرم می گریم برای تنگی لحدم بگریم برای پرسش منکر و نکیر از من گریه می کنم برای بیرون شدنم از گور در حالی که برهنه و خوارم با بار گناهی که بر دوش دارم.

یکی از انواع اشک های بجا و ارزشمند گریه بر مصایبی است که به ال محمد علیهم لاسلام وارد شده و یا اشک ذوق و ارادت نسبت به آن بزرگواران.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود:

مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا ارْتُكِبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَأَبَكَى لَمْ تَبْكِكَ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يَحْيَى فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ (۲)

هر کس ذکر مصایب ما را بنماید و بر آنچه به ما وارد شده اشک بریزد روز قیامت در رتبه ما خواهد بود و هر کس مصایب ما را متذکر شود و بگرید و بگریاند در روزی که همه

ص: ۱۲۴

۱- محجه البيضاء ج ۷ ص ۲۸۰

۲- امالی صدوق مجلس ۱۷

چشم‌ها گریان است دیدگانش گریان نخواهد بود و هر کس در مجلسی از مجالس که امر ما اهل بیت و امامان احیا می‌شود بنشیند دلش زنده و جاوید خواهد بود روزی که همه دل‌ها مرده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: كُلُّ الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَ الْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱)

هر ناله و فریاد و گریه زاری مکروه است مگر ناله و گریه بر حسین علیه السلام امام رضا علیه السلام فرمود: ماه محرم ماهی است که مردم عصر جاهلیت حرمت آن را حفظ می‌کردند و در آن جنگ و کشتار نمی‌کردند ولی در این ماه خون ما را ریختند و حرمت ما را شکستند بچه‌ها و زنان ما را به اسارت بردند خانه‌هایشان را آتش زدند.

به درستی که روز شهادت حضرت حسین علیه السلام دلخراش‌ترین روزها و اشک‌بارترین ایام است آری در آن روز بود که عزیزان ما در نهایت بلا و مصیبت قرار گرفتند و کرب و بلا را تا قیامت برای ما به ارث گذاشتند.

فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبُ الْعِظَامَ پس بر مثل حسین علیه السلام باید گریست که گریه بر حضرت او گناهان بزرگ را از بین می‌برد. (۲)

اشک حضرت بقیه الله امام عصر روحی له الفدا بر مصایب جد بزرگوارش قابل مقایسه با نوع گریه هیچ فردی از اهل ایمان نیست.

آن بزرگوار در زیارت ناحیه خطاب به امام حسین علیه السلام می‌گوید: اگر روزگار و زمانه مرا به تاخیر انداخته و نبودم که یاریت کنم و با دشمنانت ستیز نمایم و آنها را سرکوب نمایم. لَأُنْدَبَنَّكَ - صَباحاً وَ مَساءً، وَ لَأُبَكِّينَ لَكَ - بَدَلَ الدُّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيَّكَ، وَ تَأْسُفًا عَلَى ما دَهاكَ - وَ تَلَهُّفًا، حَتَّى أَمُوتَ بِلُوعِهِ الْمُصَابِ، وَ غُصَّةِ الْإِكْتِيابِ اما شب و روز بر مصایب تو اشک می‌ریزم و اگر اشک چشمم تمام شود خون گریه می‌کنم تا جایی که سزاوار

ص: ۱۲۵

۱- بحار ج ۴۴ ص ۲۸۰

۲- امالی صدوق مجلس ۲۸ و ۲۷

است از غم و اندوه و مصیبت هایت جان داده و قالب تهی کرد و در ادامه زیارت ناحیه می فرماید: آسمانیان و کوه ها و خزاین آنها دریاها و ماهی ها و حیوانات آنها مکه و بیت و مقام و مشعر الحرام و حل و احرام همه و همه بر مصیبت تو می گیرند.

تنها نه خاکیان به عزای تو اشکریز***ماتم سراسر بهر تو از غیب تا شهود

از خون کشتگان تو صحرای مار یه***باغی و سنبش همه گیسوی مشکبود.

اصلاح و اصلاحات

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَهَجْرَانِ الشَّرِّ، وَشُكْرِ النُّعْمِ، وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ، وَمُجَانَبَةِ الْبِدْعِ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَحَيَاةِ الْإِسْلَامِ، وَاتِّقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ، وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ، وَإِرْشَادِ الضَّالِّ، وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَإِذْرَاكِ الْلَّهِيفِ (۱)

پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و ما را در امروز و امشب و در جمیع ایام زندگی برای انجام کار خیر موفق بدار و نیز برای دوری از شر و شکر نعمت ها و پیروی از سنت ها و اجتناب از بدعت ها و امر به معروف و نهی از منکر و نگهداری از اسلام و سرکوب باطل و یاری و عزت بخشیدن به حق و هدایت نمودن گمراهان و یاری ضعیفان و دادرسی رستم دیدگان توفیق عطا فرما.

ملاحظه می فرمایید وجود مقدس امام سجاد علیه اسلام چه چیزهایی را در جهت اصلاح خویش و جامعه از درگاه الهی مطالبه می کند برای خود توفیق کار خیر و دوری از شر و بدی ها و شکر نعمت های الهی و پیروی از سنت های الهی و اجتناب از بدعت ها و برای اصلاح جامعه توفیق امر به معروف و نهی از منکر و نگهداری و حراست از اسلام و مبارزه با باطل و دفاع از حریم حق و فضیلت و ارشاد مردم گمراه و حمایت از مستضعفین

ص: ۱۲۶

دادرسی از ستم دیدگان همه انبیا و اولیا از جانب خداوند مامور بودند که همین مسایل را برای اصلاح مردم به اجرا در آوردند و کاری غیر از این نداشتند.

در مسایل مادی و سیاسی اصلاحات خلاصه نمی شود بلکه اگر جامعه کسانی را داشته باشد که احساس مسئولیت کنند و آن چه را که امام سجاد علیه السلام توفیقش را از خداوند بزرگ می خواهد آنان نیز بخواهند و موفق به انجام و اجرای آنها شود به طور قطع مسایل مادی و سیاسی نیز اصلاح می شود و آن مدینه فاضله که نهایت آرزوی بشریت است به وجود خواهد آمد. شما ببینید منطق مولایمان علی علیه السلام برای قبول حکومت ظاهری بر مردم و قیام خونین فرزند بزرگوارش حضرت سیدالشهدا با چه انگیزه و هدفی بوده است.

امیرالمومنین علی علیه السلام در نامه اش به عبدالله بن عباس که از جمله کارگزاران حضرت بود نوشت:

فَلَا يَكُنْ أَفْضَلَ مَا نِلْتَ فِي نَفْسِكَ بُلُوغَ لَدِّهِ أَوْ شِفَاءَ غَيْظٍ وَ لَكِنْ إِطْفَاءَ بَاطِلٍ أَوْ إِحْيَاءَ حَقٍّ (۱)

پس بهترین چیز نزد تو در دنیا رسیدن به لذت ها یا انتقام گرفتن نباشد بلکه هدف تو خاموش کردن باطل یا زنده کردن حق باشد.

أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَ بَرَاءَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِئِنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَبِّ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَيَمَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا، وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطِهِ عَنِّي (۲)

سوگند به پروردگاری که دانه گیاه را از خاک شکافت و انسان را بیافرید. اگر آن جمعیت زیاد حضور نمی یافتند و وجود جمعی یاری کننده نبود که حجت بر من تمام گردد و نبود پیمانی که خداوند تبارک و تعالی از علما و دانشمندان گرفته تا راضی نشوند بر سیری ظالم و گرسنه ماندن مظلوم هر این رشته خلافت را بر کوهانش می انداختم و پایانش را

ص: ۱۲۷

۱- نهج البلاغه نامه ۶۶

۲- نهج البلاغه خطبه سوم

چون اولش فرض می کردم و از خلافت کناره می گرفتم و آن وقت شما می فهمیدید که این دنیای شما نزد من از آب بینی بزی کم ارزشتر است.

قیام حضرت سیدالشهدا امام حسین علیه السلام نیز براساس ایجاد اصلاحات در امت جدش بود و هدفی غیر از این نداشت.

امام علیه السلام احساس کرد که دیگر موعظه و خطابه نامه نگاری برای مردم شهرها بی فایده است اینک وقت آن رسیده که با یک قیام خونین و ایثار جان و حتی همراه کردن زن و فرزند هشدار و زنهاری به مردم غافل عصر خویش دهد تا با خون مقدس خود و فرزندان و برادران و جوانان رشیدش درخت دین را آبیاری کند. که نبود اگر حرکت آن بزرگوار نبود طبق فرمایش خود حضرت وَ عَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ باید فاتحه اسلام خوانده می شد و اگر امروز این مکتب متعالی به سلامت در اختیار ما قرار گرفته مرهون فداکاری های آن امام بزرگوار و یاران باوفایش می باشد.

هنگامی که حضرت حسین علیه السلام از مدینه رهسپار مکه می شد برای برادرش محمد حنفیه وصیتنامه ای نوشت و در آن وصیت نامه انگیزه قیام خود را بیان کرد.

پس از اقرار و اعتراف به یگانگی پروردگار و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و حق بودن بهشت و دوزخ و حساب و زنده شدن مردگان که احتمالاً منظور امام علیه السلام از بیان اصول عقاید آن بود که بدانید همین اصول امروز به خطر افتاده است.

سپس نوشت که:

وَ إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَعْيَالِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَسِيرَةِ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ؛ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. وَ هَذِهِ وَصِيَّتِي إِلَيْكَ يَا أَخِي؛ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۱)

ص: ۱۲۸

این نهضت من نه برای سرکشی و طغیان و نه از روی هوای نفس و نه منظور آن است که فساد کاری کنم و یا بر کسی ستمی روا دارم تنها آن چه مرا به این قیام و داشته اصلاح کارهای جدم است و جلوگیری از فساد و باطل است و می خواهم راه امر به معروف و نهی از منکر را در پیش گیرم و روش جد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و پدر خود علی علیه السلام را دنبال کنم هر کس در مقابل دعوت من سر تسلیم و پذیرش فرود آورد و حق را از من بپذیرد چه بهتر و هر کس هم نپذیرد و عکس العمل نشان دهد باز صبر می کنم و در راه رسیدن به اهداف خود مصیبت ها و ناملایمات را تحمل می کنم.

ای برادر من این وصیت من است برای تو و توفیق را جز از خدای نخواهم و تنها بروی توکل می کنم و به سوی او باز می گردم.

نتیجه می گیریم که اصلاح و اصلاحات واقعی در جلوگیری از فسادهای اجتماعی و اعتقادی و امر به معروف و نهی از منکر و کشاندن جامعه به آنجا که جان و مال و ناموس مردم در امنیت و رفاه باشند و دست مفسیدن فی الارض و ستمگران از سر مردم کوتاه گردد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَغْنِي بِالْاِقْتِصَادِ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا بهره مند کن به میانه روی.

یکی از چیزهایی که زندگی بشر را گرفتار کرده خروج از حد اعتدال در تمامی زمینه هاست و این منحصر به جامعه امروز نیست در گذشته هم این خط انحرافی وجود داشته است. قرآن مجید کتاب آسمانی مسلمین و همچنین روایات رسیده از معصومین علیهم السلام مکرر و مدام ما را به صراط مستقیم و نیفتادن در افراط و تفریط و چپ و راست دعوت کرده اند رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بَرَقِ (۲)

این دین محکم و قوی است راه مستقیم آن را با مدارا بپیمایید و تندروی نکنید.

برخی در مسایل اعتقادی از صراط مستقیم الهی خارج می شوند و برخی دیگر در کار و مسایل دنیوی یا آنقدر خود را اذیت می کنند که وقتی برای استراحت ندارند و یا این که تن به کار نمی دهند و تن پروری می کنند.

ایوب بن حر می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که در پاسخ به سوال مردی که از حضرت می پرسید میانه روی و تدبیر زندگی نیمی از کسب است فرمود: لا- بِل هُوَ الْكَسْبِ وَ مِنَ التَّعْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ نه بلکه تمام کسب است نه نیمه آن و تدبیر در کیفیت زندگی جز دین محسوب می شود.

در خورد و خوراک نیز نباید مرتبه اعتدال را از یاد برد. استفاده از مواهب الهی جز دستورات پروردگار است. چیزی که با کلمات خداوند تبارک و تعالی و اهل بیت علیهم السلام مغایرت دارد ریاضت های غیر شرعی و پرخوری و اسراف است.

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۳)

ص: ۱۳۰

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- کافی ج ۲ ص ۸۶

۳- اعراف ۳۱

بخورید و بیاشامید و لیکن اسراف نکنید که خدا مسرفین را دوست نمی دارد. امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق درباره حق شکم می فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَإِنَّ لَا تَجْعَلَهُ وَ عَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثْرٍ وَ أَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ (۱)

حق شکم بر تو این است که آن را ظرف چیزهای حرام چه کم و چه زیاد قرار ندهی و در چیزهای حلال هم میانه روی را پیشه کنی.

در عبادت نیز باید حد اعتدال را حفظ کرد تجربه نشان داده اشخاص که در عبادت تندرستی داشته اند و بار سنگینی از نوافل و مستحبات را بر جسم و روح خویش تحمیل کرده اند پس از گذشت چند صباحی از کل عبادت خسته شده و گاهی متاسفانه حتی تارک نمازهای یومیه خود گشته اند.

مولایمان علی علیه السلام و به امام مجتبی علیه السلام سفارش می فرمود:

وَ اقْتَصِدْ يَا بَنِيَّ فِي مَعِيشَتِكَ وَ اقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ وَ عَلَيْكَ فِيهَا بِالْأَمْرِ الدَائِمِ الَّذِي تُطِيقُهُ (۲)

فرزندم در تلاش معاش و انجام عبادت میانه رو و معتدل باش و از زیاده روی پرهیز کن و در حدود طاقت و توانت فعالیت نما تا بتوانی آن را برای همیشه انجام دهی.

حضرت صادق علیه السلام می فرمود: لَا تَكْرَهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ (۳)

خود را به خاطر عبادت به کراهت و زحمت نیندازید و عبادت را بر خویشتن تحمیل نکنید

همان امام بزرگوار از خاطرات جوانی خویش نقل می کند که در عبادت کوشش بسیار می کردم پدرم می فرمود: کمتر از این مقدار عبادت که از تو می بینم به جای آور زیرا وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد با عبادت کم از او راضی می شود.

(۴)

ص: ۱۳۱

۱- تحف العقول ص ۱۸۶

۲- سفینه البحار ج ۲ ص ۴۳۱

۳- کافی ج ۲ ص ۸۵

۴- کافی ج ۲ ص ۸۷

در موضوع کار و کسب گرچه انبیا و اولیا بیشتر در مقام پرورش روح و روان انسان ها بودند ولی به مسایل مربوط به کار و کسب نیز می پرداختند و از مردم می خواستند که برای رسیدن به ثروت دنیا و رفاه خانواده از مرز اعتدال خارج نشوند.

امیرالمومنین علی علیه السلام برای اینکه مسلمانان در اثر کار زیاد فرسوده نگردند و همیشه سر حال و با نشاط باشند می فرمود:

مَنْ اِقْتَصَرَ عَلٰى بُلْغَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ اَنْتَضَمَ الرَّاحَةَ (۱)

هر کس به درآمد خود به اندازه کفاف زندگی اش اکتفا کند و قانع باشد از پریشان فکری رهیده و به این وسیله آسایش خاطر خود را فراهم ساخته است.

یکی از ضررهای زیاد خواهی افتادن در معاملات حرام از قبیل ربا و احتکار و گران فروشی و غش و تقلب و نظایر اینهاست.

حمزه بن حمران می گوید مردی از وضع روحی و اخلاقی خود به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد که در طلب مال می رود و ثروت به دست می آورد و مال بیشتری طلب می کند سپس گفت به من چیزی بیاموزید که خوی خود را اصلاح کنم.

حضرت در جواب فرمود اگر به اندازه زندگی اکتفا کنی کمترین مال دنیا بی نیازت می کند و اگر اکتفا نکنی تمام ثروت دنیا نمی تواند تو را غنی و بی نیاز سازد. (۲)

نکته مهمی که در بحث اعتدال مطرح است آب و آبکشی است و مصرف آب در هنگام غسل و وضو و استحمام است

اسراف در آب و وسواس در وضو و غسل و آب کشیدن لباس و ظروف و غیره بیش از حد شرعی از زشت ترین کارهاست.

ص: ۱۳۲

۱- نهج البلاغه حکم ۳۶۲

۲- کافی ج ۲ ص ۱۳۹

رعایت نکات بهداشتی در خوردنی ها و نوشیدنی ها و پوشیدنی ها و محل سکونت و مجامع عمومی مورد سفارش و تاکید رهبران دینی است ولی این به آن معنا نیست که آب شرب را چنان مصرف کنیم که شکل اسراف به خود گیرد.

عبدالله بن سنان می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم که مردی است که به وسوسه در وضو و نماز مبتلاست ولی او مرد عاقلی است امام علیه السلام فرمود این چه عقلی است برای او در حالی که پیروی از شیطان می کند؟ گفتم چگونه پیروی از شیطان می نماید؟ فرمود از خودش سوال کن این حالت وسواس به تو دست می دهد از کجا سرچشمه می گیرد؟ پاسخ خواهد داد از عمل وسواس های شیطانی است. (۱)

اعتقادات

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ أَلْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَ فَتِّحْ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَ دَلِّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ، وَ جَنَّبْنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَ الشَّكِّ فِي أَمْرِهِ (۲)

حمد خدای را به خاطر آنچه از خود به ما شناساند و طریق شکر گزاری اش را به ما الهام فرمود و درهای دانش و درک ربوبیتش را به روی ما گشود و ما را دلالت نمود که چگونه به وسیله اخلاق به مرتبه توحید و یگانگی حضرتش برسیم و از انحراف و دودلی در امر خویش دورمان ساخت.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَرَّنَا عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِاللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا أَمِيَّتَكَ عَلَيَّ وَ حَيْبِكَ، وَ نَجِّبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ صَفِيَّتِكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامَ الرَّحْمَةِ، وَ قَائِدَ الْخَيْرِ، وَ مِفْتَاحَ الْبَرَكَهِ (۳)

ص: ۱۳۳

۱- کافی ج ۱ ص ۱۱

۲- دعای اول صحیفه

۳- دعای دوم صحیفه

حمد خدای را که به وجود مبارک پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم که بر ما منت گذاشت ... بار الها بر محمد که امین وحی ات بود درود فرست همو که از بین مخلوقات برگزیده شد او که رهبر رحمت و پیشوای خوبی و کلید برکت بود.

اعتقاد به خداوند تبارک و تعالی به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و به جانشینان بر حق او یعنی ائمه طاهرین علیهم السلام و موضوع معاد از اصل دین و از جمله مسایلی است که تقلید بردار نیست.

اعتقاد به خداوند متعال پیچ و خم ندارد زیرا که مطابق با فطرت است.

فَأَفْهَمَ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۱)

توجه خود را به این دین معتدل کن این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده تبدیلی در خلق خدا نیست این است دین استوار ولی بیشتر مردم نمی دانند.

ابراهیم علیه السلام به بت سازان و بت پرستان می گفت:

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ (۲)

من از آنچه شما عبادت می کنید بیزارم مگر خدایی که مرا به وجود آورده و هدایت می خواهد کرد.

حس خداجویی در فطرت و نهاد همه انسان ها موجود است همان طور که رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ هَر نوزادی که به دنیا می آید براساس ایمان و اعتقاد به خدامتولد می شود.

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه عرض می کند.

أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ (۳)

ص: ۱۳۴

۱- روم ۳۰

۲- زخرف ۲۷ و ۲۶

۳- بحار ج ۹۸ ص ۲۲۶

تویی آن که انوار را در دل های دوستانت تاباندی تا آن که تو را شناختند و به یگانگیت ره یافتند.

در بحث اعتقاد به انبیا و خاصه پیامبر اکرم حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم باید چون امام سجاد علیه السلام خدای را سپاس گفت که وجود نازنین شخصیتی را راهبر ما قرار داد که اشرف مخلوقاتش بود.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره منزلت و جایگاه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و نبوت خاصه فرمود: خداوند تبارک و تعالی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به حق برانگیخت تا بندگانش را از عبادت و بندگی بت ها به عبادت باریتعالی و ادار سازد و از فرمانبرداری شیطان به فرمانبری از پروردگار ترغیب نماید و توسط قرآنی که معنای آن را روشن نمود و اساسش را محکم فرمود از مردم خواست تا به خدای خویش آگاه شوند در حالی که ناآگاه بودند و بالاخره به وجود حق تعالی اعتراف کنند بعد از آن که او را انکار می کردند. و هستی او را اثبات نمایند بعد از آن که باور نداشتند پس خدای سبحان در کتاب خویش بی آنکه او را ببیند تجلی کرد و این تجلی به وسیله قدرت خویش بود که به آنها بشارت داد و نیز توسط قهر و غضب خود بود که آنها را ترسانید. (۱)

اعتقاد دیگری که در بطن نبوت واقع شده و الزامی است اعتقاد به خلافت بلافصل علی علیه السلام و امامان معصوم از فرزندان آن امام بزرگوار است.

امامت همانند نبوت ضرورت اجتماعی و دینی دارد و سعادت و نیک بختی جامعه بشری به استمرار ارشاد و تبلیغ از مبدا وحی و الهام وابسته است اگر انبیا به طور مستقیم یا وحی با پروردگار ارتباط دارند و قوانینی را برای انسان ها از جانب پروردگار می آورند پس از خاتم انبیا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم می باید افرادی واجد شرایط باشند که مفاهیم قرآن و دین را تبیین کنند و آنها نیز از جانب خداوند منصوب و مورد تایید حضرت باری

ص: ۱۳۵

تعالی باشند. به همین دلیل بود که رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در حدیثی بسیار معروف و مورد تایید فریقین یعنی حدیث ثقلین امامان معصوم و عترت را ملازم و همراه قرآن قرار داده و فرموده است.

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي (۱)

من دو چیز گرانبها را در میان شما می گذارم این دو عبارتند از کتاب خدا و عترت من.

امام رضا علیه السلام می فرمود: إِنَّهُ لَوَلَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُمْ إِمَامًا قِيَمًا أَمِينًا حَافِظًا مُسْتَوْدِعًا لَدَرَسَتِ الْمِلَّةُ وَ ذَهَبَ الدِّينُ غُيِّرَتِ السُّنَّةُ (۲)

اگر خداوند تبارک و تعالی برای امت و مردم امامانی قرار نمی داد که قیام و امین و حافظ نگهبان باشند ملت از بین می رفتند و دین از دست می رفت و سنت تغییر می کرد.

و در موضوع اعتقاد به معاد باید عرض کنم در تقسیم بندی آیات قرآن شریف بیشترین آیات را درباره موضوع معاد مشاهده می کنیم و حتی از بحث توحید و خداشناسی آیات معاد فزون تر است.

قرآن کریم از اول تا آخر به مناسبت های گوناگون سخن از روز قیامت و حالات آن به میان آورده که هیچ کتاب آسمانی مثل آن به این موضوع مهم اعتقادی نپرداخته است.

قرآن تعبیرهایی جالبی برای معاد دارد:

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُمْ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳)

این زندگی دنیا جز بازیچه و سرگرمی چیزی نیست زندگی واقعی در خانه آخرت است اگر مردم بفهمند.

ص: ۱۳۶

۱- فضائل الخمسه ص ۵۶

۲- تصنیف نهج البلاغه ص ۳۲۳

۳- عنكبوت ۶۴

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَضْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (۱)

خدای یکتا که خدایی جز او نیست همه شما را در روزی که تردید در آن نیست جمع خواهد کرد و چه کسی از خدا راستگوتر است آثار اعتقاد به معاد فراوان است.

۱- آرامش خاطر بارها دیده شده منکرین معاد وقتی به آخر خط می رسند دست به خود کشی می زنند تا از آنچه در آن گرفتار شده اند رهایی یابند در حالی که مومنین به آخرت و آنهایی که امید به لقاء الله و رحمت خدا دارند هیچ گاه مرگ را به منزله پایان زندگی تصور نمی کنند.

۲- کسی که به جهان آخرت معتقد و به حساب و کتاب آن عالم است احساس می کند که مسئول است و درباره کارهایش مورد مواخذه و سوال قرار خواهد گرفت بر همین اساس در دنیا به قول معروف دست به عصا راه می رود و تلاش می کند که از مرز شرع مقدس خارج نشود چون باور دارد که یک روز آنچه را که انجام داده باید پاسخگو باشد. وَكُنْتُمْ لَهَا كُفَّارًا (۲)

و از آنچه انجام داده اید شما را بازخواست خواهد کرد.

مولایمان علی علیه السلام فرمود: إِنَّ الْغَايَةَ الْقِيَامَةَ وَ كَفَى بِذَلِكَ وَاعِظًا لِمَنْ عَقَلَ (۳) پایان کار قیامت است و کافی است آدم عاقل از همین اعتقاد موعظه شود و پند گیرد.

۳- یکی دیگر از آثار و نتایج اعتقاد به معاد هدفمندی و آینده نگری است کسی که به روز قیامت و پاداش اعتقاد دارد دنیا را مزرعه آخرت و جای آباد کردن رستاخیز می داند و مانند منکرین معاد به پوچی و لغو بودن آفرینش خویش نمی رسد بلکه با اراده ای قوی برای اهدافی عالی و بلند که همانا نیل به جزا و پاداش های ارزشمند الهی در

ص: ۱۳۷

۱- نساء ۸۷

۲- نحل ۹۳

۳- نهج البلاغه خطبه ۱۹۰

جهان آخرت است تلاش م یکنند و همین آینده نگری و امید به فردای روشن او را به حرکت وادار می نماید و با پشتکار و پایداری مشغول تهیه و تدارک توشه آخرت می شود.

اعمال

و بَعْمَلِي إِلَىٰ أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ وَ اسْتَعْمَلِنِي بِمَا تَسْأَلُنِي غَدًا عَنْهُ، وَ اسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيَمَا خَلَقْتَنِي لَهُ (۱)

خدایا عملم را به بهترین اعمال منتهی گردان و مرا به اعمالی بگمار که فردای قیامت مرا به آن بازخواست می کنی روزهایم را تنها برای آنچه به خاطر آن خلقم کرده ای صرف نما.

بهترین عمل کدامست؟ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در واقع بهترین عمل را آن می دانند که مطابق با سنت باشد و نیت و گفتار و عمل هم یکی باشد.

سخنی پذیرفته نمی شود مگر با عمل عمل و سخنی قبول نمی شود مگر با نیت و سخن و عمل و نیتی مقبول نیست مگر آنکه منطبق با سنت باشد. (۲)

امام صادق علیه السلام بیانی در ذیل این آیه شریفه دارند.

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُنَلِّئَكُمْ أَيْتُمًا وَ لِيُنَلِّئَكُمْ أَوْلَادًا أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْمَوْتَ لَمَّا جَاءَ أَحَدًا مِنْكُمْ لَمْ يَأْمُرْ بِشَيْءٍ وَ أَلَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنْكُمْ مِنَ الْمَوْتِ يُعْذِرُ بِنَيْتِهِ أَوْ بِعَمَلِهِ أَلَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنْكُمْ مِنَ الْمَوْتِ يُعْذِرُ بِنَيْتِهِ أَوْ بِعَمَلِهِ أَلَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنْكُمْ مِنَ الْمَوْتِ يُعْذِرُ بِنَيْتِهِ أَوْ بِعَمَلِهِ (۳)

خداوند مرگ و حیات را آفریده است برای اینکه شما را آزمایش کند تا معلوم شود کدامیک از عملتان بهتر است.

لَيْسَ يَعْزِرُ أَحَدًا مِنْكُمْ بِنَيْتِهِ أَوْ بِعَمَلِهِ لَكِنْ أَصَوَّبَكُمْ عَمَلًا (۴)

منظور کار زیاد نیست بلکه مراد این است که خدا شما را بیازماید تا معلوم شود کردار کدام یک از شما به صواب و واقعیت نزدیکتر است.

ص: ۱۳۸

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۸

۳- ملک ۲

۴- تفسیر صافی ۵۳۹

نتیجه آنکه بهترین عمل آن است که مورد رضای پروردگار و بی شائبه و مطابق با سنت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم باشد. امام سجاد علیه السلام در ضمن روایاتی فرمود محبوب ترین شما نزد خداوند کسانی هستند که عملشان نیکوتر و رفتارشان پسندیده تر است اما بدانید که اعظم شما در نزد خداوند در مقام عمل و بزرگترین شما در پیشگاه الهی کسانی هستند که اعمال بیشتری و بهتری انجام می دهند و این در پیشگاه خداوند مقبول تر است و خدا به آن اهمیت زیادی می دهد.

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (۱)

حضرت سلیمان گفت پروردگارا توفیقم ده تا عملی را انجام دهم که مورد رضایت تو باشد و مرا به لطف و رحمتت در زمره بندگان صالحت وارد نما.

بیان دیگر امام سجاد علیه السلام در دعا این بود که وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسَالْنِي غَدًا عَنْهُ وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيَمَا خَلَقْتَنِي لَهُ

انسان کارهای زیادی را می تواند انجام دهد که بسیاری از آنها لغو بیهوده است و کارساز نیستند جز آنکه عمر عزیز از کف برود و محصولی حاصل نشود.

براستی در این دنیا که عمر بشر محدود و کوتاه است سزاوار نیست که اوقات شریف را به بطالت تمام کرد چه بهتر از فرصت ها به چیزی اشتغال یابیم که فردای قیامت مورد مواخذه و سوال درباره آنها قرار می گیریم و فلسفه آفرینش ما با آن ارتباط دارد.

امیرالمومنین علی علیه السلام در این رابطه رهنمودی دارند بسیار جالب و آموزنده است: مَنْ إِشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ ضَيَّعَ الْأَهَمَّ مَنْ طَلَبَ الْعَقْلَ الْمُتَعَارَفَ فَلْيَعْرِفْ صُورَةَ الْأُصُولِ وَالْقُضُولِ فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَطْلُبُونَ الْفُضُولَ وَيَضَعُونَ الْأُصُولَ فَمَنْ أَحْرَزَ الْأَصْلَ اِكْتَفَى بِهِ عَنِ الْفَضْلِ لَا قُرْبَةَ بِالنَّوْافِلِ إِذَا أَضْرَّتْ بِالْفَرَائِضِ كُنْ مَشْغُولًا بِمَا أَنْتَ عَنْهُ مَسْئُولٌ (۲)

ص: ۱۳۹

۱- نمل ۱۹

۲- الحیاه ج ۱ ص ۳۰۸

هر کس به غیر مهم خود را مشغول بدارد آن را که در صدر قرار دارد و از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد ضایع کرده است.

هر کس عقل متعارف را طلب می کند باید به صورت اصول و فضول آشنایی و شناخت پیدا کند ولی بیشتر مردم فضولات را طلب می کنند و مسایل اصلی و مهم را رها می نمایند در حالی که هر کس به اصل برسد از مسائل فرعی بی نیاز خواهد شد.

انسان به توسط کارهای مستحب تقرب به خداوند پیدا نمی کند زمانی که به کارهای واجبش ضرر برسد بنابراین به چیزی مشغول باش که درباره آن مسئولیت داری و مورد مواخذه و سوال قرار خواهی گرفت.

چیزهایی در قیامت از ما سوال می شود تمام احکامی است که اسلام در شئون مختلف زندگی برای مردم مقرر فرموده و باید در عمل آنها را رعایت کرد.

به نظر حقیر بهترین مرجع برای آشنایی به آنچه که ما درباره آنها مسئول هستیم رساله حقوق امام سجاد علیه السلام است که در حدیث مفصلی به تمامی وظایف و حقوق یک فرد مسلمان پرداخته است.

از جمله به حق خدا حق اعضای بدن حق پدر و مادر حق فرزند حق معلم نکته دومی در دعای امام سجاد علیه السلام درباره اعمال بود وَ اسْتَفْرِغْ أَيْمِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ بَارَالهَا تَوَانٌ وَ نِيْرُوِي مَرَا دَر طَوْلِ أَيَامِ زَنْدَگِي بِه رَاهِي قَرَار دِه کِه مَرَا بَرَايِ اَن آفْرِيْدِه اِي.

قرآن فلسفه آفرینش ما را این گونه بیان می فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۱)

من جن و انسان را نیافریدم مگر برای عبادت.

عبادت منحصر در نمازهای یومیه و روزه ماه رمضان و حج و خمس و زکات و امثال آنها نیست بلکه هر کاری که برای جلب رضایت پروردگار انجام گیرد و در ارتباط با اطاعت

ص: ۱۴۰

از فرمان الهی باشد عبادت است و این علت خلقت ماست

وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۱)

مرا عبادت کنید که عبادت من صراط مستقیم و راه اصلاح و رستگاری است.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: مَا تَقَرَّبَ مُتَقَرَّبٌ بِمِثْلِ عِبَادَةِ اللَّهِ (۲) هیچ تقرب جوینده ای به چیزی چون عبادت خدا به او نزدیک نشد. اگر پرسید ما برای عبادت خدا خلق شدیم عبادت چه نقشی در ما دارد؟ امام رضا علیه السلام فرمود: تا این که مردم یاد خدا را فراموش نکنند و آداب او را و نگذارند و از اوامر و نهی او غافل نشوند زیرا درستی و قوام آنان در این است اگر بدون تعبد به حال خود رها می شدند پس از مدتی دلهای شان سخت می شد. (۳)

و امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از حقیقت بندگی خدا فرمود: حقیقت بندگی سه چیز است اینکه بنده در آن چه خداوند به او عطا فرموده است برای خود مالکیتی قایل نباشد زیرا بندگان مالک چیزی نیستند مال را متعلق به خدا می دانند و آن را هر جا که خدای تعالی فرمان داده است به مصرف می رسانند. بنده برای خود تدبیر و چاره اندیشی نمی کند و تمام اشتغالش به چیزهایی است که خدای تعالی او را به انجام آنها فرمان داده یا از آنها بازداشته است. این نخستین درجه پرهیزکاران است. (۴)

افسوس

وَتَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى، وَ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَ أَشَقَى الشَّقَاءِ، وَ سُوءِ الْمَأْتِ، وَ حِزْمَانِ الثَّوَابِ، وَ حُلُولِ الْعِقَابِ (۵)

ص: ۱۴۱

۱- یس ۶۱

۲- غررالحکم

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۱۰۳

۴- مشکاه الانوار ص ۳۲۷

۵- دعای هشتم صحیفه

خداوندا به تو پناه می بریم از افسوس و حسرت بزرگ و مصیبت کبری و بدبخت ترین نکبت ها و پایان بد و محروم ماندن از ثواب و وارد شدن در عقاب و عذاب .

افسوس و حسرت درباره مسایل مادی و گذرای دنیا کوچک و غیرقابل اهمیت است افسوس بزرگ در صحنه قیامت و هنگام رسیدگی به اعمال است که مصیبت کبری و عاقبت بد و محروم ماندن از ثواب ورود به عذاب الهی را در پی دارد.

بعضی برای آنکه نتوانستند در موقع ارزانی املاک و وسایل زندگی چیزی را تهیه کنند و یا به مراد جنسی خود برسند افسوس می خورند در حالی که جای افسوس نیست کسانی باید افسوس بخورند که در محضر خدا جوانی خویش را تباه کردند و عمر عزیز خویش را با خطاها و لغزش ها سپری نمودند.

و کاری برای جهان آخرت خویش نکرده اند.

خداوند می فرماید:

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵) و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی زنید شما را عذاب دررسد نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید (۵۵) أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِن كُنتَ لَمِنَ السَّآخِرِينَ (۱)

و از بهترین آیاتی که از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده پیروی کنید قبل از اینکه ناگهان عذاب الهی به سراغ شما آید و شما آگاه نباشید آنگاه هر کس بگوید افسوس بر من از آنچه درباره پروردگار کوتاهی کردم و از مسخره کنندگان بودم.

در جای دیگر می فرماید

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ وَمَا

ص: ۱۴۲

الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱)

آن‌هایی که لقاء الله را تکذیب کردند زیان کردند و همین که قیامت به ناگهانی برای آنان فرا رسد می‌گویند افسوس بر ما که چه اندازه درباره چنین روزی کوتاهی کردیم و آنان بار سنگین اعمال خویش را بر دوش می‌کشند و چه بد بار گرانی را حمل می‌کنند

زندگی دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست و خانه آخرت برای اهل تقوا بهتر است آیا اندیشه نمی‌کنید.

عده‌ای برای همین دنیای لهو و لعب صدها جنایت و گناه مرتکب می‌شوند تجاوز به حقوق دیگران می‌نمایند و ثروت هنگفتی را به جیب می‌زنند و یا برای رسیدن به ریاست دنیا دست و پا می‌زنند و با دروغ و فریب به جایگاه مادی خویش می‌رسند بدون آنکه برای عاقبت این کارها اندیشه کنند. که پایان کارشان بدو جایگاهشان دوزخ است.

حالا جالب تر از این قشر حریص و نیرنگ باز آنهایی هستند که حسرت می‌خورند چرا مثل این افراد به ثروت و ریاست دنیا نرسیده‌اند و شاید هم از غم و غصه به بیماریهای صعب‌العلاج و مرگ‌های ناگهانی گرفتار آیند.

گروهی هم هستند که حسرت یک لحظه دیدار یوسف زهرا علیهما السلام امام عصر ارواح العابدین له الفداء را می‌خورند بارها به مساجد جمکران و سهله می‌روند شاید یکبار عطر مهدوی را استشمام کنند و روی نازنین حضرتش را ببینند و با او گفت و گو کنند و یا اینکه هنگامه حضور و ظهور آن بزرگوار را درک کنند و ملازم رکاب او باشند و جز انصار و سربازانش گردند.

چقدر زیبا فرمود: مولایمان امیرالمومنین علیه السلام قِیمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ (۲)

ص: ۱۴۳

۱- انعام ۳۱ و ۳۲

۲- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۷۸

ارزش هر کس به چیزی است که بر آن ارزش قایل است.

بیاییم به چیزهایی حسرت و افسوس بخوریم که نزد خداوند و پیامبر گرامی و اهل بیت او علیهم السلام قیمت و ارزش داشته باشد برای پوچیها و چیزهای بی ارزش غصه نخوریم که ضرر خواهیم کرد.

همان گرامی فرمود:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْفَائِتَاتِ (۱)

هر که جایگاه خود را بشناسد و قدر و منزلت خود را بداند خویشتن را به چیزهای فانی شدنی خوار نسازد.

لازم است باز تکرار شود که امروزه چیزی که خانواده های زیادی را به خود مشغول کرده چشم به هم چشمی و نگاه به زندگی یکدیگر است به چه قیمتی خدا می داند گاه از راه ریا گاه دزدی و اجحاف و غیره و اگر با همه این احوال نتوانستند به خواسته های مادی خویشتن برسند عاقبت حسرت و اندوه آنان را از پای در می آورد.

باید گفت ای کسانی که ارزش و جایگاه خویش را فراموش کرده اید بیایید مثل سلمان فارسی فکر کنید تا زندگی بی دغدغه و آرامی داشته باشید و به همین که دارید قانع گردید. به سلمان فارسی علیه الرحمه گفتند آسایش در چیست؟ پاسخ داد در زندگی همیشه به پایین دست خود نگاه کردن و به آنچه دیگران دارند چشم مدوز و آنچه را بدان نمی رسی آرزو مکن زیرا کسی که قانع باشد سیر می شود و کسی که قانع نباشد سیر نمی شود و به فکر بهره آخرت باش. (۲)

از جمله وحی های آسمانی این بود اگر برای آدمیزاد دو رودخانه طلا و نقره جریان یابد باز خواهان سومی است.

يَابْنَ آدَمَ إِنَّمَا بَطْنُكَ بَحْرٌ مِنَ الْبُحُورِ وَ وَادٍ مِنَ الْوَادِيَةِ لَا يَمْلُؤُهُ شَيْءٌ إِلَّا التُّرَابُ (۳)

ص: ۱۴۴

۱- غررالحکم

۲- کافی ج ۲ ص ۱۳۸

۳- من لا يحضر الفقيه ج ۴ ص ۴۱۸

ای آدمیزاد شکم تو در حقیقت دریایی و دره ای است که آنها را چیزی جز خاک پر نمی کند.

شاعر گفت: چشم تنگ دنیا دوست را***یا قناعت پر کند یا خاک گور

اقتصاد

امام سجاد علیه السلام در موقعی که وضع اقتصادی اش ضعیف می شد عرض می کرد:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ، وَفِي آجَالِنَا بِطُولِ الأَمَلِ حَتَّى التَّمَسِينَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ المَرزُوقِينَ، وَطَمِعْنَا بِأَمَالِنَا فِي أَعْمَارِ المَعْمَرِينَ

خداوندا تو ما را در مورد مسایل اقتصادی خویش به سوء ظن و در دوران عمرمان به آرزوی طولانی امتحان کردی تا آنجا که به سراغ روزی خوارانت رفتیم و از آنها کمک گرفتیم و به خاطر همین آرزوهای طولانی به آنهایی که عمر دراز کردند طمع نمودیم.

فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا تَكْفِينًا بِهِ مِنْ مُؤْنَةِ الطَّلَبِ، وَ أَلْهِمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُغْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ (۱)

پس بر محمد و آل او درود فرست و به ما یقین درستی عطا فرما تا به وسیله آن از سختی طلب ما را کفایت کنی و به ما اعتماد خالصی عنایت فرما تا به واسطه آن از رنج طلب نگاهمان داری.

امام علیه السلام اشاره به دو امتحان الهی در مورد مسایل اقتصادی و معیشت ما فرمود که قابل دقت و اهمیت زیاد است یکی آنکه وقتی بعضی از افراد در تنگنای اقتصادی قرار می گیرند به خدای خویش سوء ظن پیدا می کنند که مثل آنکه خداوند (نعوذبالله) با ما سر ستیز دارد و نمی خواهد وضع اقتصادی ما را بهبود بخشد و یا اینکه چرا به دیگران این همه مال و ثروت می دهد ولی از ما دریغ می دارد.

ص: ۱۴۵

دوم آنکه بخاطر آروزهای طولانی به سراغ غیر خدا رفتیم تا در زندگی مادی ما رونق یابد.

هر دو امتحان برای جمع کثیری از مردم رخ می دهد اول اینکه باید باور داشته باشند که روزی رسان خداست.

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (۱)

هیچ جنبنده ای نیست مگر آنکه روزی اش بر عهده پروردگار است.

و بعد این را نیز معتقد باشیم أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ (۲)

خداوند برای هر که بخواهد توسعه روزی می دهد و برای هر که بخواهد روزی مختصر داده و تنگ می گیرد.

شک نیست که کارهای الهی همه بر اساس خیر و صلاح بشر است به آنکه فراوان می دهد او را با فراوانی ثروت می آزماید و به آنکه کم می دهد او را با کمی ثروت آزمایش می کند نه به آنکه زیاد می دهد سر دوستی دارد و نه به آنکه کم می دهد سر دشمنی بنابراین سوء ظن به حضرت او معنا ندارد.

مولایمان علی علیه السلام فرمود: بهره هر کس همچون قطره های باران که از آسمان به زمین فرود میاید به هر کس کم و بیش آنچه سهم اوست می رسد پس اگر یکی از شما در خانواده یا مال یا وجود برادرش اندک فزونی دید نباید مایه فتنه او شود. (۳)

همان امام بزرگوار درباره حکمت کاهش و افزایش روزی می فرمود: روزی ها را مقدر فرمود و آنگاه آنها را زیاد و کم و به تنگی و فراخی عادلانه تقسیم کرد تا هر که را بخواهد به وسعت روزی و یا تنگی آن بیازماید و از این طریق سپاسگزاری و شکیبایی توانگر و تهی دست را به آزمایش گذارد. (۴)

ص: ۱۴۶

۱- هود: ۶

۲- روم: ۳۷

۳- خطبه ۲۳ نهج البلاغه

۴- خطبه ۹۱ نهج البلاغه

رهنمود قرآن شریف در حکمت قبض و بسط کاهش و افزایش روزی این است.

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُنزِّلُ بَقْدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ (۱)

اگر خدا روزی بندگانش را افزون کند در زمین فساد می کنند ولی به اندازه ای که بخواهد روزی می فرستد زیرا بر بندگان خود آگاه و بیناست.

امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و نهم صحیفه از خداوند درخواست می کند که خدایا به ما یقین درستی عطا فرما تا به وسیله آن از سختی طلب ما را کفایت کنی و به ما اعتماد خالصی عنایت فرما تا به واسطه آن از رنج طلب نگاهمان داری یقین درست به اینکه اول خدا روزی رسان است و دوم اینکه هر چه مقدر فرماید براساس مصلحت و خیر ماست.

امام امیرالمومنین علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ (۲)

بدانید که دارایی ها و فرزندان شما مایه آزمایش است فرمود:

وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ لِيَتَبَيَّنَ السَّخِطُ لِرِزْقِهِ وَالرَّاضِي بِقِسْمِهِ (۳)

یعنی خداوند به وسیله دارایی ها و فرزندان مردم را می آزماید تا معلوم شود چه کسی از روزی خود ناخشنود است و چه کسی به قسمت خویش راضی و خشنود می باشد.

درخواست دیگر امام سجاد علیه السلام در امور اقتصادی اعتماد خالص داشتن به خداوند است بسیاری را می شناسیم درصد اعتمادشان به خداوند ضعیف است آنقدر که به فکر و دانش خود با دوستان و آشنایان اتکا و اعتماد دارند از خدای مهربان خویش غافلند در حالی که با چشم خود می بینند گاهی افراد کم سواد و یا بی سواد آنچنان از روزی فراوان برخوردارند که همه را به شگفتی وا می دارند.

ص: ۱۴۷

۱- شوری ۲۷

۲- انفال ۲۸

۳- نهج البلاغه حکم و مواظ ۹۳

به این بیان مولای مومنان علی علیه السلام توجه ویژه نمایید که فرمود: به یقین بدانید که خدای تعالی اجازه نمی دهد بنده بر آنچه در قرآن حکیم برایش مقدر شده پیشی گیرد هر چند سخت بکوشد و با تمام توان چاره اندیشد و ترفند زند. ای مردم هیچ انسانی باهوش و ذکاوت خود نمی تواند تغییری در جهت افزایش روزی خود پدید آورد و از روزی هیچ فقیری به سبب کم هوشی او کم نمی شود. کسی که این نکته را بداند و به آن عمل کند بیش از همه آسایش دارد و سود برده است. (۱)

و نیز آن گرامی فرمود:

إِعْلَمُوا أَنَّ عَبْدًا وَ إِنِّ ضَعُفْتُ حِيلَتُهُ وَ هَتَّ مَكِيدَتُهُ أَنَّهُ لَنْ يُنْقِصَ مِمَّا قَدَّرَ اللَّهُ لَهُ وَ إِنِّ قَوِيَّ عَبْدٌ فِي شِدَّةِ الْحِيلَةِ وَ قُوَّةِ الْمَكِيدَةِ أَنَّهُ لَنْ يُزَادَ عَلَيَّ مَا قَدَّرَ اللَّهُ لَهُ (۲)

بدانید که آنچه خداوند برای بنده مقدر کرده است بی کم و کاست به او برسد هر چند در چاره اندیشی و پیدا کردن راه های کسب و روزی ناتوان باشد و نیز بیش از آنچه خداوند برایش مقدر کرده به او نرسد هر چند بسیار زرنگ و چاره اندیش باشد.

امر به معروف و نهی از منکر

فَأَنَّكَ خَلَقْتَنَا وَ أَمَرْتَنَا وَ نَهَيْتَنَا وَ رَغَبْتَنَا فِي ثَوَابٍ مَا أَمَرْتَنَا وَ رَهَبْتَنَا عِقَابَهُ، (۳)

خدایا ما را آفریدی و به واجبات امر کردی و از محرمات نهی فرمودی و میل و رغبت در ثواب اعمال و ترس و وحشت از عقاب در دلهایمان انداختی. طبق بیان امام علیه السلام اولین امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر ذات مقدس باری تعالی است. با مراجعه به آیات کریمه قرآن این واقعبت را به خوبی دریافت می کنیم.

ص: ۱۴۸

۱- بحار ج ۱۰۳ ص ۶۹

۲- امالی مفید ص ۲۰۷

۳- دعای بیست و پنجم صحیفه

مجموعه آیات قرآن یا دعوت به خوبی هاست و یا نهی از بدی ها چه در مباحث اعتقادی و یا غیر اعتقادی مثل آداب و معاشرت و فرهنگ چگونه زیستن با خانواده با همسایه با آحاد جامعه همه و همه در قالب امر به واجبات و نهی از محرّمات مطرح است.

امام باقر علیه السلام فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو خصلت از خصلت های خدای عزوجل هستند. هر که آنها را یاری دهد خداوند عزتش بخشد و هر که تنهایشان گذارد خداوند عزوجل و را تنها گذارد.

نکته جالب دیگر اینکه آنچه سبب امتیاز امت اسلام بر سایر ملت ها شده همین مسئله امر به معروف و نهی از منکر است.

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ (۱)

بهترین گروهی که بر این مردم نمودار شده اند شما می باشید که امر به معروف می کنید و نهی از منکر می نمایید به خدا ایمان دارید.

و چند آیه قبل از آیه فوق خداوند بر اهل ایمان تکلیف می کند که باید عده ای انتخاب شوند تا جلوی فساد را بگیرند و امر به معروف و نهی از منکر کنند.

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲)

باید گروهی در بین شما باشند تا مردم را به خوبی ها دعوت کنند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت بازدارند و آنها خودشان رستگارانند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِهِ (۳)

ص: ۱۴۹

۱- آل عمران ۱۱۰

۲- آل عمران ۱۰۴

۳- مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۷۹

هر که به خوبی فرمان دهد و از زشتی باز دارد او جانشین خدا در زمین و جانشین رسول اوست. در ابتدای بحث ادعا کردیم که نخستین امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر خداست و قرآن مجید گواه بر این ادعاست به این آیه توجه فرمایید.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱)

همانا خداوند به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از فحشا و زشتکاری و ستم باز می دارد شما را بند می دهد شاید بند گیرند.

پس امر به معروف و نهی از منکر کاری است خدایی و از جهت مقام کسانی که موفق به احیا این دو اصل فراموش شده هستند رتبه والا و بالایی دارند.

علی علیه السلام می فرمود: همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر همچون آب دهانی که در دریایی ژرف انداخته شود. (۲)

نکته قابل توجه اینکه این دو اصل مهم را کسانی انجام دهند که

۱- به آنچه امر می کنند خود عمل کنند .

۲- آنچه را نهی می کنند خود نیز ترک گویند.

۳- در هنگام اجرای امر به معروف و نهی از منکر عدالت را رعایت نمایند.

۴- در امر و نهی افراد ملایمت و ملاحظت را حفظ کنند.

خداوند به دو پیامبر خویش حضرت موسی و هارون علیهما السلام می فرمود:

اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ (۳)

ص: ۱۵۰

۱- نحل ۹۰

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۳۷۴

۳- طه ۴۳ و ۴۴

با هم به سوی فرعون بروید که طغیان کرده با او به نرمی سخن گوئید شاید به خود آید و یا بترسد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر همه امت فرمود: واجب نیست عرض شد چرا؟ فرمود زیرا این کار بر عهده کسی است که قدرت داشته باشد از او حرف شنوی داشته باشند و خوب را از بد باز شناسند نه بر افراد ناتوانی که راه و چاه را تشخیص نمی دهند و نمی دانند از چه و به چه دعوت کنند به باطل یا به حق دلیل این سخن از کتاب خداوند این فرموده خدای عزوجل است که می فرماید: باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند. (۱)

امنیت

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ، وَ خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنِ تَنْقِصِهِمْ، وَ تَبْطِطْهُمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ أَحْلِلْ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ (۲)

خدایا مشرکین را به مشرکین مشغول کن تا دست درازی به مرزهای مسلمانان نکنند و به ایجاد نقص در آنها از وارد کردن نقص بر مسلمین بر حذرشان دار و تفرقه بین آنها بینداز تا هماهنگی علیه مردم مسلمان نداشته باشند خدایا دل‌هایشان را از امنیت خالی کن.

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الظَّالِمِينَ بِالظَّالِمِينَ وَ اجْعَلْنَا بَيْنَهُمْ سَالِمِينَ خدایا ستمگران را با ستمگران مشغول کن و ما را بین آنان سلامت بدار این هم جمله ای است که بین مسلمانان مرسوم است. بارزترین نوع امنیت برای مسلمانان وقتی است که کافران و ظالمان با هم درگیر و مشغولند زیرا به محض آنکه از هم فارغ شدند و یا با هم متحد می شوند آن وقت است

ص: ۱۵۱

۱- آل عمران ۱۰۴ حدیث در بحار ج ۱۰۰ ص ۹۳

۲- دعای بیست و هفتم صحیفه

که می خواهند امنیت را از مسلمین بگیرند و در اقتصاد و معیشت و زندگی و آب و خاکشان ناامنی ایجاد کنند.

امام صادق علیه السلام درباره نعمت های دنیا و آخرت فرمود:

النَّعِيمُ فِي الدُّنْيَا الْأَمْنُ وَصِحَّةُ الْجِسْمِ وَ تَمَامُ النَّعْمَةِ فِي الْآخِرَةِ دُخُولُ الْجَنَّةِ (۱)

نعمت دنیا امنیت و سلامتی است و این نعمت در آخرت با رفتن به بهشت کامل می شود به طور معمولی تا وقتی دارای نعمت های الهی هستیم قدر نمی دانیم مثل نعمت امنیت و آسایش و نعمت و سلامتی ولی وقتی آنها را از دست می دهیم تاسف می خوریم که اغلب اندوه و حسرت ما بی جاست و به جایی نمی رسد مگر آنکه خوبان و اهل دل دعا کنند سلامتی و امنیت به مردم باز گردد.

چه بهتر قبل از آنکه نعمت امنیت و سلامتی را از کف بدهیم عرض کنیم پروردگارا نعمت هایی را که به ما تفضل فرمودی از ما بگیر و ما را قدردان نعمت هایت بفرما و آن ها را برای ما تبدیل به نعمت مکن. آمین یا رب العالمین به غیر از دعا نباید عمل و رفتار ما آنگونه باشد که خدا بر ما غضب کند و امنیت را که شاخص ترین نعمت های الهی است از ما بگیرد.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: اِحْذَرُوا اِنْفَارَ النَّعْمِ فَمَا كُلُّ شَارِدٍ بِمَرْدُودٍ (۲)

مواظب باشید که نعمت ها نرند زیرا هر گریخته ای باز نمی گردد.

عوامل پایداری نعمت ها در مرحله اول ایمان و تقواست البته این گفته خداوند تبارک و تعالی است.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۳)

ص: ۱۵۲

۱- معانی الاخبار ص ۴۰۸

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۲۴۶

۳- اعراف ۹۶

و اگر ساکنین شهرها ایمان می آوردند و تقوا پیشه خود می ساختند برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می گشودیم و لکن تکذیب کردند و ما هم آنها را به واسطه کارهایی که انجام می دادند مجازات نمودیم.

تعبیرهای زیبا و جذابی از حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در این زمینه دارند: هر که پرهیزکاری پیش گیرد سختی هایی که به او نزدیک شده اند از وی دور گردند باران کرامتی که بند آمده است بر او فرو ریزد و رحمت گریخته از او به سوی وی باز گردد و چشمه خشکیده نعمت ها برایش جوشان شود و باران برکت که نم نم بر او می بارد به قطراتی درشت و فراوان تبدیل شود. امام رضا علیه السلام رهنمودشان برای پایداری نعمت های الهی این است:

اسْتِمَالُ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ مُؤَدِّنٌ بِدَوَامِ التَّعَمُّهِ (۱)

به کار بستن هدایت و احسان به دیگران باعث پایداری نعمت است مولایمان علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند هرگز قومی در زندگی مرفه و پر نعمت نبوده اند و آن نعمت و رفاه از آنان زایل نشده است مگر به سبب گناهی که مرتکب شده اند چرا که خداوند به بندگانش ستم نمی کند.

اگر مردم به هنگامی که بلاها و سختی ها بر آنان فرود می آید و نعمت ها از کفشان می رود با نیت های راست و درست و دل های مشتاق به پروردگارشان پناه برند هر گریخته ای را به آنان باز گرداند و هر تباهی و فساد را برایشان اصلاح گرداند.

(۲)

پس در یک جمع بندی کوتاه باید گفت امنیت آن وقت می ماند که

۱- عدالت اجرا شود و در حق کسی ظلم نشود.

۲- انواع گناهان و معصیت ها کنار گذاشته شود.

۳- هنگام برقراری امنیت و آرامش سپاسگزار این نعمت بزرگ الهی باشیم.

ص: ۱۵۳

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۴

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۷۸

و اگر بخواهیم دامنه امنیت را به وسعت آسمان ها و زمین در نظر بگیریم باید عرض کنیم که وجود نازنین چهارده معصوم علیهم السلام سبب امنیت و برپایی آسمان ها و زمین هستند و طبق روایات شیعه و سنی بقا عالم به سبب آن بزرگواران است.

ابی سعید الخدری می گوید:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ أَهْلُ بَيْتِي أَمِيَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَلَائِمُّهُ بَعْدَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ الْأَائِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تَسَعَهُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أَمْنَاءٌ مَعْصُومُونَ وَ مِنَّا مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِزَّتِي مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي مَا بَالُ أَقْوَامٍ يُؤْذُونَنِي فِيهِمْ لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي (۱)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: اهل بیت من سبب امنیت و مصونیت اهل زمین هستند همان طور که ستارگان امان اهل آسمانند عرض شد ای رسول خدا تعداد امامان بعد از شما از میان اهل بیت شما چند نفرند؟ فرمود: بله امامان بعد از من دوازده نفرند نه نفر از آنها از صلب حسین علیه السلام می باشند. امینند و معصوم و مهدی این امت از ماست آگاه باشید اهل بیت من و عترم از گوشت و خون منند. هر قوم و ملتی که آنها را بیازارد به من اذیت رسانده و من هرگز از ایشان شفاعت نمی کنم. جابر بن یزید جعفی می گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم برای چه ما محتاج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام هستیم؟ در پاسخ فرمود:

لِبَقَاءِ الْعَالَمِ عَلَى صِيْلَاحِهِ وَ ذَلِكَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَرْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا نَبِيٌّ أَوْ إِمَامٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ ... (۲)

برای بقا عالم و این به این خاطر است که خداوند عزوجل عذاب را از زمین برمیدارد تا زمانی که در بین آنها پیامبر و یا امام حضور دارد چنانکه پروردگار می فرماید خداوند مردم را تا مادامی که تو (رسول خدا) در میانشان هستی عذاب نخواهد کرد.

ص: ۱۵۴

۱- غایه المرام ج ۳ ص ۵۶۱

۲- علل الشرایع ج ۱ ص ۱۲۳

در اقوام گذشته همین سنت اجرا شد وقتی خداوند می خواست قوم لوط و شعیب و سایر انبیا را عذاب کند ابتدا به اطلاع پیامبر زمان می رساند که از بین آنان خارج شود تا عذاب نازل گردد.

و اگر کسی بگوید حال که امام زمان ارواح العالمین له الفداء به ظاهر در بین ما نیست چرا عذاب کره زمین را نمی گیرد پاسخ را از امام سجاد علی بن الحسین علیه السلام دریافت کنیم که فرمود: اگر یکی از ما ائمه بر روی زمین نباشد زمین اهلش را فرو می برد و از زمان خلقت آدم زمین بدون حجت خدا نبوده چه ظاهر باشد و چه غائب و مستور و هیچ گاه تا روز قیامت زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود.

راوی می گوید عرض کردم مردم از امام و حجت غائب و مستور چه سود می برند فرمود:

كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا سَحَابٌ (۱)

همان طور که وقتی خورشید پشت ابرها قرار می گیرد از وجود خورشید بهره مندند.

اموال

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجِبْنِي عَنِ السَّرْفِ وَالْإِزْدِيَادِ، وَقَوْمِي بِالْيَدْلِ وَالِاقْتِصَاءِ، وَعَلَّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَأَقِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبَذِيرِ، وَأَجْرِ مِنْ أَسْيَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي، وَوَجِّهْ فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِي، وَأَزْوِ عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِي مَخِيلَةً أَوْ تَأْذِيًّا إِلَى بَغْيِي أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا (۲)

الها بر محمد و آل او درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار و به بذل و بخشش و رعایت اقتصاد مقاوم ساز. و من به عقل معاش ده و اقتصاد سالم را بیاموز و به لطفت مرا از زیاده روی در صرف مال بر حذر دار و روزی ام را از طریق حلال به جریان انداز و

ص: ۱۵۵

۱- امالی صدوق ص ۱۵۶

۲- دعای سیم صحیفه

توفیقم دو تا انفاق و خرج کردنم در راه خیر باشد و آن ثروتی که باعث شود مغرور شوم و طغیان کنم و دیگران را مورد ستم خویش قرار دهم از من بگیر.

امام علیه السلام تقریبا آنچه را که اطراف اموال باید بحث کرد در این جمله دعای خویش گنجانده است.

۱- دوری از اسراف

۲- انفاق و احسان مال

۳- رعایت اعتدال در کسب مال و خرج کردن آن

۴- عقل معاش و اقتصاد سالم

۵- روزی حلال

۶- ثروت، باعث غرور و طغیان و ظلم در حق دیگران نشود.

خداوند مال دنیا را برای انسان وسیله امتحان قرار داده تا او به چه وسیله ای آن را کسب کند و چگونه خرج کند.

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسِي تَطَعْتُمْ وَأَسِيمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱)

ثروت و فرزندان شما فقط وسیله امتحان شمایند و پاداش بزرگ نزد پروردگار است تا می توانید از خدا بترسید و گوش فرا دهید و اطاعت کنید و انفاق نمایید که برای شما بهتر است و هر کسی نفس خویش را از بخل و حرص حفظ کند آنها رستگارانند.

اموال و ثروت دنیا امانتی هستند دست ما که باید به مصرف معقول و صحیح برسند قبولی در امتحان الهی در نوع کسب و درآمدهاست و طریقه خرج کردن آنها.

ص: ۱۵۶

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود وقتی حق ثروت بر صاحبش می رسد می فرماید: اما حق مال و دارایی تو این است که آن را جز از حلال به دست نیاوری و جز در راهش خرج نکنی و کسی را که تو قدردانی و تشکر نمی کنی بر خود ترجیح ندهی پس آن را در راه اطاعت پروردگارت به کار ببر و در آن بخل موز که بار حسرت و ندامت را سر بار پیامدها آن سازی.

و چقدر روشن و شفاف مولایمان اباعبدالله الحسین درباره اموال و ثروت دنیا سخن گفته است:

مَالُكَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُنْتَ لَهُ فَلَا تَبِقِ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا يُبْقَى عَلَيْكَ وَ كُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ (۱)

ثروت تو اگر از آن تو نباشد تو از آن او خواهی بود پس به آن رحم نکن زیرا که او به تو رحم نمی کند و پیش از آن که او تو را بخورد تو آن را بخور.

افکار مردم درباره جمع آوری ثروت متفاوت است بعضی نیت خیر دارند که اگر ثروتمند شدند به داد فقرا و مستمندان برسند و چنین هم می کنند و بعضی بیماری جمع آوری ثروت دارند فقط از بالا- رفتن شمار اسکناس هایشان لذت می برند و کوچک ترین کمک در راه خیر در پرونده ایشان مشاهده نمی شود.

و بعضی متأسفانه نوع درآمدشان یا حرام مطلق است و یا مخلوط به حرام و برای آنکه وجدانشان آنان را نیاز دارد بخشی از اموال خویش را انفاق می کنند. بین این سه گروه کدام موفق است و درست عمل می کند؟ به طور قطع آن گروه که ثروتی را از راه حلال به دست آورد و بخشی از آن را ک جز حقوق واجب و یا مستحب است در راه خدا احسان می نماید قرآن درباره کسب حرام و مال اندوزی از طریق نامشروع می فرماید:

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (۲)

مال یکدیگر را بناحق مخورید.

ص: ۱۵۷

۱- میزان الحکمه ج ۱۲ ص ۵۷۳۴

۲- بقره ۱۸۸

لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً (۱)

ربا نخورید که دایم سود بر سرمایه افزایش تا چند برابر شود.

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

بسیاری از مردم را بنگری که در گناه و ستمکاری و خوردن حرام می شتابند بسیار بدکاری را پیشه خود نمودند.

اصولا هر نوع تصرف عدوانی و تجاوز به حقوق دیگران اعم از خوردن و آشامیدن و یا پوشیدن و مسکن گزیدن و امثال آن را حرام خواری می گویند همان طور که تصرف مال یتیم و یا مال ربوی را خوردن مال حرام اطلاق می کنند.

از خصوصیات مکتب متعالی قرآن و عترت آن است که انسان ها را در بهره برداری صحیح از مواهب طبیعی و نعمت های دنیا ازاد گذارده و هر کس مجاز است که از طریق حلال شغل و حرفه داشته باشد و زندگی و معیشت خود را بگذارند و در ضمن به کسی اجازه داده نشده بدون قانون در راه به دست آوردن وسایل زندگی راهی را پیش گیرد که منجر به تصرف نامشروع از اموال دیگران می شود.

آری حرام خواری عواقب شومی دارد از جمله مانع قبولی اعمال و عبادات می شود.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جُوفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۳)

هر گاه لقمه حرامی در شکم شخصی قرار گیرد تمام ملائکه آسمان ها و زمین او را لعنت می کنند.

ص: ۱۵۸

۱- آل عمران ۱۳۰

۲- مائده ۶۲

۳- سفینه البحار ج ۱ ص ۲۴۵

و نیز فرمود:

الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ (۱)

عبادت با حرام خواری مانند بنا کردن ساختمان بر روی رمل است

و نیز فرمود: کسی که لقمه حرامی بخورد تا چهل شب نمازش قبول نمی شود و تا چهل روز دعایش مستجاب نمی گردد و هر گوهی که در بدن از حرام روییده شود پس آتش به آن سزاوارتر است و جز این نیست که یک لقمه هم گوشت را در بدن می رویاند.

امام حسین علیه السلام خطاب به سپاه عمر سعد می فرمود:

فَقَدْ مِلَّتْ بَطُونُكُمْ مِنْ حَرَامٍ وَ طَعَّ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيَلُكُمُ الْآلَا تَنْصِفُونَ أَلَا تَسْتَمْعُونَ (۲)

شکم هایتان از حرام پر شده و بر دل هایتان مهر خورده دیگر حق را نمی پذیرید وای بر شما آیا انصاف نمی دهید آیا گوش فرا نمی دهید؟

انبیا

اللَّهُمَّ وَ اتَّبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَيِّدِقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضِهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَالْأَشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أُرْسِلَتْ فِيهِ رَسُولًا، وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا، مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

خداوندا سلام و درود فرست بر پیروان انبیا و آن هایی که در باطن ایمان آوردند در همان حالی که معاندین پیغمبران را تکذیب می کردند آنها مشتاقانه با حقیقت ایمان به آنها می گرویدند بارالها برای مردم هر زمان پیامبرانی فرستادی و بر هر کدام آنها اقامه دلیل کردی از زمان آدم تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم

در هر زمان از جانب خداوند پیامبرانی فرستاده شد تا برای مردم اقامه دلیل کنند و راهنمایی های لازم را در جهت بهتر زیستن و کسب صفات کریمه و خوب برایشان ارایه دهند. با این که خداوند تبارک و تعالی انسان را به طور فطری خداجوی آفرید ولی به

ص: ۱۵۹

۱- همان مدرک

۲- نفس المهموم

خاطر عوامل و مسایل دیگری که بشر را به انحراف و انحطاط می کشاند پیامبران را فرستاد تا آن فطرت پاک را رهبری کنند.

فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلفَ فِيهِ (۱)

خداوند پیامبران را برانگیخت تا به مردم مژده دهند و آنها را بترسانند و به آنها کتاب را به حق نازل فرمود تا در بین مردم در آنچه اختلاف داشتند داوری کند.

و بی شک اگر خداوند پیامبران را نمی فرستاد آفرینش انسان بیهوده می شد و این با حکمت الهی منافات دارد.

مولایمان علی علیه السلام بهترین و شیواترین بیانات را درباره فلسفه وجود انبیا دارد که از جمله می فرماید:

وَ اضْرَطَّنِي سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ اءَنْبِيَاءَ اءَخَذَ عَلَيَّ الْوَحْيَ مِيثَاقَهُمْ، وَ عَلَيَّ تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ اَمَانَتُهُمْ، لَمَّا يَدَّلَ اءَكْثَرَ خَلْقِهِ عَهْدَ اللّٰهِ اِلَيْهِمْ فَجَهِلُوا حَقَّهُ ... وَ لَمْ يُخَلِّ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، اءَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ، اءَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ، اءَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ، رُسُلٌ لَا تُقَصِّرُ بِهِمْ قَلَّةٌ عَدَدِهِمْ، وَ لَا كَثْرَةُ الْمُكْذِبِينَ لَهُمْ (۲)

پروردگار از بین فرزندان آدم علیه السلام پیامبرانی برگزید و برای رساندن وحی خود به مردم از آنها پیمان گرفت همان هنگام که بیشتر آفریدگان او پیمان شکسته بودند و از حق بی اطلاع مانده بودند.

پروردگار در هیچ عصر و زمانی مردم را بی پیامبر و کتاب نگذاشت و یا اینکه حجتی بر آنها نگمارد و یا از نشان دادن راه راست دریغ دارد. پیامبران با وجود کم بودن تعدادشان و مخالفین فراوانشان از ادامه راه باز نایستادند.

ص: ۱۶۰

۱- بقره ۲۱۳

۲- نهج البلاغه خطبه ۱

نقش انبیا در قطع سلطه طاغوت ها و مبارزه با افکار خرافی قابل دقت است به راستی اگر فداکاری های آنان نبود هم اینک احدی روی کره زمین خدا پرست و عفیف و پرهیزگار پیدا نمی شد و خوی حیوانی بر خوی انسانی غالب می گشت.

در نامه ای که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله وسلم برای اهالی نجران نوشت چنین فرمود: بنام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب از جانب محمد رسول خدا به سوی اسقف نجران و اهالی نجران.

اگر اسلام اختیار کنید من حمد می کنم خدا را که خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب است.

أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ وَ أَدْعُوكُمْ إِلَى وِلَايَةِ اللَّهِ مِنْ وِلَايَةِ الْعِبَادِ (۱)

بعد از این مسایل من شما را از بندگی انسان ها به بندگی خداوند دعوت می کنم از ولایت و سرپرستی مردم به ولایت و سرپرستی پروردگار می خوانم.

اینک در بحث انبیا به بعضی ویژگی های الهی اشاره کنیم باشد که در این رهگذر گوشه ای از خصایص آن بزرگوار تبیین شده باشد.

آدم علیه السلام

سلمان فارسی گفت: چون خداوند آدم را آفرید فرمود: ای آدم یک مطلب به من اختصاص دارد و یکی به خودت و یکی به رابطه من و تو مربوط می شود. اما آن که مخصوص من است این است که مرا پرستی و چیزی را شریک من نگردانی. آن که مخصوص توست این است که هر کاری کنی به سبب آن تو را سزا و پاداش دهم و این که تو را بیمارزم زیرا من آمرزنده مهربانم و آنکه به رابطه میان من و تو مربوط می شود این است که از تو خواهش و دعا باشد و از من اجابت و عطا.

ص: ۱۶۱

رسول الله صلى الله عليه و اله وسلم فرمود: أَوَّلَ مَنْ حَطَّ بِالْقَلَمِ إِدْرِيسُ (۱) اولین کسی که با قلم نوشت ادريس بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: سُمِّيَ إِدْرِيسَ لِكَثْرَةِ دِرَاسَتِهِ الْكُتُبَ (۲)

ادرس را ادريس ناميدند چون زياد درس می خواند و مطالعه می کرد. نوح علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خداوند نوح را در چهل سالگی مبعوث کرد و او نهصد و پنجاه سال قوم خود را دعوت می کرد و بعد از طوفان شصت سال زنده ماند تا آن که تعداد مردم زياد و فراوان شد. (۳)

هود علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند عزوجل هود را برانگیخت بازماندگان از فرزندان سام در برابر او سر تسلیم فرود آوردند. اما بقیه گفتند: از ما قویتر کیست؟ پس به وسیله طوفان سهمگین هلاک شدند و هود نیز پیروان خود را سفارش کرد و به آمدن صالح علیه السلام بشارت داد.

صالح علیه السلام

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: ای مردم جز این نیست که راضی بودن و راضی نبودن به یک عمل است که مردم را گرد هم می آورند نافع ثمود را فقط یک مرد کشت اما خداوند همه آنان را عذاب کرد. (۴)

ابراهیم علیه السلام

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا وَ إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ نَبِيًّا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا وَ إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا وَ إِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَامًا فَلَمَّا جَمَعَ لَهُ الْأَشْيَاءَ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا (۵)

ص: ۱۶۲

۱- کنز العمال ۳۲۲۶۹

۲- تفسیر قمی ج ۲ ص ۵۲

۳- میزان الحکمه ج ۱۲ ص ۵۸۳۶

۴- نهج البلاغه خطبه ۲۰۱

۵- کافی ج ۱ ص ۱۷۵

خداوند تبارک و تعالی ابراهیم علیه السلام را پیش از آن که به پیامبر برگزیند به بندگی خود گرفت و پیش از آنکه به رسولی برگزیدنش به پیامبری برگزید و پیش از آنکه خلیش گرداند او را به رسولی برگزید و پیش از آنکه امامش قرار دهد او را به خلیلی گرفت و چون همه این مقامات را برایش فراهم آورد. فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم.

لوط علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: آن آبادی که باران عذاب برایشان بارید سدوم آبادی قوم لوط است که خداوند سنگ هایی از سجیل یعنی گل بر آنها باراند. (۱)

یوسف بن یعقوب علیه السلام

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: الْكَرِيمُ ابْنُ الْكَرِيمِ ابْنُ الْكَرِيمِ ابْنُ الْكَرِيمِ: یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم (۲)

بزرگوار فرزند بزرگوار فرزند بزرگوار فرزند بزرگوار یوسف پسر یعقوبی پسر اسحاق پسر ابراهیم است.

ایوب علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: كَانَ أَيُّوبُ أَحْلَمَ النَّاسِ وَ اصْبَرَ النَّاسِ وَ اكْظَمَ النَّاسِ لِعَيْظٍ (۳) ایوب بردبارترین مردم و شکیباترین مردمان بود و بیش از همه مردم کظم غیظ می کرد.

شعیب علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: كَانَ شُعَيْبٌ خَطِيبَ الْأَنْبِيَاءِ شُعَيْبٌ خَطِيبَ الْأَنْبِيَاءِ شُعَيْبٌ خَطِيبَ الْأَنْبِيَاءِ شُعَيْبٌ خَطِيبَ الْأَنْبِيَاءِ شُعَيْبٌ خَطِيبَ الْأَنْبِيَاءِ (۴) شُعَيْبٌ بَكَاءً (۵) شعیب بسیار می گریست.

موسی علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرمود: ای موسی آیا می دانی چرا از میان آفریدگانم تو را برگزیدم و برای سخنم تو را انتخاب کردم؟ عرض

ص: ۱۶۳

۱- بحار ج ۱۲ ص ۱۵۷

۲- کنز العمال ۴۳ و ۴۲

۳- همان مدرک

٤- نورالثقلين ج ٢ ص ٣٩٤

٥- قصص الانبياء ص ١٤٥

کرد: نه ای پروردگار خداوند به او وحی فرمود: من به زمین نگریستم و در روی آن کسی را نیافتم که برابر من متواضع تر از تو باشد. (۱)

داود علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا دَاوُدُ بِي فَافْرَحَ وَبِذِكْرِي فَتَلَدَّدَ وَبِمَنَاجَاتِي فَتَنَعَّمَ فَعَن قَلِيلٍ أُخْلِيَ الدَّارَ عَنِ الْفَاسِقِينَ وَاجْعَلْ لِعَنَّتِي عَلَى الظَّالِمِينَ (۲)

خدای عزوجل به داود علیه لاسلام وحی فرمود: ای داود به من خوش باش و از یاد من لذت ببر و از نعمت مناجات با من برخوردار شود زیرا بزودی خانه را از گنه کاران خالی کنم و لعنتم را بر ستمگران قرار دهم.

سلیمان علیه السلام

همان بزرگوار فرمود: آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنَ النَّبِيِّينَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذَلِكَ لِمَا أُعْطِيَ فِي الدُّنْيَا (۳)

آخرین پیامبری که وارد بهشت می شود سلیمان بن داود علیه السلام است و این به سبب چیزی است که در دنیا به او داده شد.

عیسی بن مریم علیهما السلام

لَمَّا سُئِلَ: مَنْ أَدْبِكَ؟ مَا أَدَّبَنِي أَحَدٌ رَأَيْتُ قُبْحَ الْجَهْلِ فَاجْتَنَبْتُهُ (۴)

وقتی از حضرت مسیح علیه السلام سوال شد: چه کسی تو را ادب آموخت؟ فرمود: هیچ کس مرا ادب نیاموخت بلکه زشتی جهالت را دیدم و از آن دوری کردم.

محمد صلی الله علیه و آله وسلم

خود فرمود: إِنَّمَا بَعِثْتُ فَاتِحًا وَخَاتِمًا (۵)

من پیامبر فاتح و خاتم هستم به عبارتی فتح و ختم انبیا با من است.

ص: ۱۶۴

۱- امالی طوسی ص ۱۶۵

۲- روضه الواعظین ص ۵۰۵

۳- میزان الحکمه ج ۱۲ ص ۶۰۲۲

۴- تنبیه الخواهر ج ۱ ص ۹۶

۵- کنز العمال ۳۲۲۶۹

در جای دیگر فرمود: أَيُّهَا النَّاسُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلَا سَيِّئُهُ بَعْدَ سَيِّئِي فَمَنْ ادَّعَى ذَلِكَ فَدَعَاهُ وَبَدَعْتُهُ فِي النَّارِ وَمَنْ ادَّعَى: ذَلِكَ فَاقْتُلُوهُ (۱)

ای مردم بعد از من هیچ پیامبری نخواهد بود و بعد از سنت من هیچ سنتی وجود نخواهد داشت و هر که ادعای پیامبری کند پاداش ادعای او و بدعتش آتش جهنم است و هر که چنین ادعایی را کند او را به قتل برسانید.

و نیز فرمود: أَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيٌّ خَاتَمُ الْوَصِيِّينَ (۲)

من خاتم پیامبرانم و علی خاتم وصیین و جانشینان پیامبران است.

انتقاد

وَ لِسَانًا عَلَيَّ مَنْ خَاصَمَنِي، وَ ظَفْرًا بِمَنْ عَانَدَنِي (۳)

خدایا زبان گویایی به من عطا کن تا بر هر که با من ستیز می نماید مقابله کنم و بر دشمنم پیروز شوم.

زبان گویا در مقابل خلاف کاری ها و به عبارتی انتقاد سازنده خواسته امام علیه السلام است. همان چیزی که همه ما به آن نیاز داریم. عنوان سازنده بودن همه نواقص گوینده را برطرف می کند چون بعضی از افراد از رفتار دیگران انتقاد می کنند اما نه از سر دلسوزی و اصلاح بلکه برای خالی کردن عقده دل و سرکوب کردن طرف مقابل پیداست چنین انتقادهایی شعله لجاجت و گستاخی را بیشتر می کند و کلام منتقد اثری نخواهد داشت. از جمله اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این بود که وقتی مطلع می شد فلان شخص سخنی می گوید یا مرتکب عملی می شود که آن را نمی پسندد نمی فرمود چرا فلانی چنین می گوید بلکه به طور دسته جمعی می فرمود: مَا بِالْأَقْوَامِ يَصْنَعُونَ كَذَا وَ يَقُولُونَ كَذَا يَنْهَى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ عَنْهُ وَ لَا يُسَمَّى فَاعِلَهُ (۴)

ص: ۱۶۵

۱- امالی مفید ص ۳۳

۲- بحار ج ۱۶ ص ۳۲۵

۳- دعای بیستم صحیفه

۴- کحل البصر محدث قمی ص ۹۲

چرا کسانی مرتب چنین عملی می شوند یا چنین سخنی می گویند به این ترتیب پیشوای اسلام از عمل ناروا انتقاد می کرد بدون آنکه از کننده کار اسم ببرد. به عنوان مثال اگر ما بخواهیم انتقاد سازنده از رانت خواران و اجحاف کنندگان بیت المال مسلمین چیزی بیان کنیم نباید همه مسئولین را زیر سوال ببریم و همه را مورد اتهام قرار دهیم.

سیره امیرالمومنین علی علیه السلام بر این بود که در نامه ها و انتقادهایش به طریقی سخن می گفت که جایی برای رهایی و نجات کارگزارانش باقی بماند و برای همیشه بی ابرو نشوند.

انجا امام علیه السلام راه نجات و رهایی را در انتقاد خویش جلوی پای عثمان بن حنیف انصاری می گذارد اینجاست که می فرماید: بدان که هر پیروی را امامی است که باید از پیشوای خویش پیروی کند و از نور علم او کسب نور نماید. بدانید که امام شما از دنیای خود به دو لباس فرسوده و دو قرص نان قناعت کرده و شما نمی توانید مثل امامتان زندگی و لَکِن اَعِیْنُونِی بِوَرَعٍ وَ اِجْتِهَادٍ وَ عَفِّهِ وَ سَدَادٍ و لکن مرا با پرهیزکاری و تلاش و عفت و درستکاری خویش یاری نمایید.

و در پایان نامه نوشت که: خوشا به حال آن کسی که به تکلیف الهی خویش عمل می کند و با سختی ها در نهایت شکیبایی می سازد و شب زنده دار است و از خوابیدن دوری می نماید و تا آن زمانی که خواب بر او غلبه کند زمین را فرش و دستش را بالش قرار دهد همان هایی که ترس روز قیامت دیدگانیشان را بیدار نگه داشته و پهلوهایشان را از خوابگاه هایشان دور ساخته و لب هایشان به ذکر و یاد پروردگارشان آهسته گویا است و به خاطر آنکه زیاد استغفار می کنند گناهانشان زدوده شده است.

أَوْلَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ أَنَا حِزْبُ خُذَائِدِی وَ بَدَانِیْدِی كِه حِزْبِ خُذَائِدِی وَ رَسْتِگَارِیْدِی.

پروردگار درباره انتقاد سازنده و نتیجه بخش پیامبر خویش را مامور می کند از سه مرحله خارج نشود.

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (۱)

مردم را به دین الهی و آیین پروردگارت دعوت کن از سه راه اول با مقالات حکیمانه دوم با مواعظ و اندرزهای نیکو سوم با مباحثه و جدل باید به گونه ای خوب و نیکو باشد و به دشمنی و خصومت آلوده نگردد. در انتقادات اگر رعایت شخصیت افراد نشود و شخص منتقد قصد توهین و بی احترامی به فرد متخلف را داشته باشد جز دشمنی و کینه محصولی نخواهد داشت.

امیرالمومنین علی علیه السلام به فرزندان خود فرمود از دشمنی مردان پرهیز نمایید که اینان از دو قسم خارج نیستند یا عاقل اند و برای اعمال دشمنی خود بر ضرر شما نقشه می کشند یا جاهل اند و با شتاب دشمنی خود را اعمال می نماید و به شما ازار می دهند.

یک منتقد خوب کسی است که مردم را نه گرفتار امید کاذب کند و نه مبتلا به یاس و نومیدی نماید.

بعضی برای آنکه طرف گنه کار را از کارش پشیمان کنند آنقدر از عذاب و خشم و قهر خدا به طرف می گویند که به طور کامل او را مایوس کرده و نتیجه ای از نقد خود نمی برند. علی علیه السلام می فرمود: **الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُقْنِطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ (۲)**

انسان فهمیده کسی است که مردم را از رحمت پروردگار مایوس نکند و از مهربانی او نومیدشان ننماید و آنها را از عذاب ناگهانی و کیفر خداوند ایمن شان ندارد.

ص: ۱۶۷

۱- نحل ۱۲۵

۲- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۸۷

همان امام بزرگوار به امام حسن علیه السلام می فرمود: فرزندم هیچ گنه کاری را از رحمت خداوند مایوس مکن چه بسا افرادی که پایبند معصیت بودند با حسن عاقبت از دنیا رفتند و چه بسا رستگاران در آخر عمر به فساد گراییدند و راهی دوزخ شدند و از این عاقبت بد به خدا پناه می بریم.

انتقام

فَابْتَدَأْتَنِي بِنَصْرِكَ، وَ شَدَدْتَ أْزْرِي بِقُوَّتِكَ، ثُمَّ فَلَلْتَ لِي حَيْدَهُ، وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَحَدَهُ، وَ أَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ، وَ جَعَلْتَ مَا سَدَّهُ مَرْدُودًا عَلَيْهِ، فَزِدْتَهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ

تو پروردگار من پیش از آنکه از تو یاری بخواهم یاریم نمودی و پشتم را با نیرویت محکم ساختی و برندگی دشمنم را شکستی و پس از آنکه تعدادی بود تنهائش نمودی و مرا بروی پیروز کردی و آنچه را که برایم نشانه گرفته بود به خودش برگرداندی در حالی خشمش التیام نیافته بود و کینه اش فرو ننشسته بود او را باز گرداندی.

دست انتقام الهی چنان قوی و محکم است که هر وقت اراده کند قدرتمندترین طاغوت ها را سرنگون می کند و آنها را در نهایت خواری و خفت قرار می دهد.

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱)

در نتیجه ما از آن ها انتقام گرفتیم و آنها را در دریا غرق کردیم زیرا که آیات ما را تکذیب می کردند و از آن غافل مانده بودند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ (۲)

آنان که ایات الهی را انکار می کنند عذاب سختی دارند و خدا انتقام گیرنده است.

ص: ۱۶۸

۱- اعراف ۱۳۶

۲- آل عمران ۴

فَأْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمْوَا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (۱)

و از مجرمین انتقام گرفتیم و این حق ماست که اهل ایمان را یاری کنیم آری این حق خداوند متعال است که از مجرمین انتقام گیرد و از اهل ایمان حمایت کند.

اگر به سراسر تاریخ بشر از قایل و هابیل تا به امروز بنگریم خواهیم دید چگونه خداوند تبارک و تعالی از آدم کش ها و جانیان حرفه ای انتقام گرفته و از مظلومین و مومنین حمایت نموده و این یک سنت غیرقابل تغییر پروردگار است.

اگر گاهی به بعضی از ستمگران مهلت می دهد نه به خاطر آن است که کاری از دستش بر نمی آید بلکه برای آن است که بر گناهانشان افزوده شود.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: اگر خداوند به ستمگر مهلت دهد کیفر او هرگز فراموش نمی شود و او بر سر راهش و در گلوگاه او آنجا که آب دهان فرو برده می شود و عقده غم و اندوه گیر می کند در کمین است (۲)

در جی دیگر فرمود: در از بین رفتن نعمت خدا و شتاب بخشیدن به خشم و انتقام او چیزی کارگتر از ستمگری نیست زیرا خداوند دعای مظلومان را می شنود و در کمین ستمگران است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: قال جبرئیلُ قُلْتُ: يَا رَبِّ تَدْعُ فِرْعَوْنَ وَقَدْ قَالَ: أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى! فَقَالَ: إِنَّمَا يَقُولُ هَذَا مِثْلَكَ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ (۳)

جبرئیل گفت: عرض کردم پروردگارا فرعون را که ندای انا ربُّکم الاعلیٰ سر داده است رها می کنی؟ خداوند فرمود: این حرف را کسی مانند تو می زند که می ترسد از دستش برود. آیا کسی می تواند از حکومت و قدرت لایزال الهی رهایی داشته باشد؟

ص: ۱۶۹

۱- روم ۴۷

۲- نهج البلاغه خطبه ۹۷

۳- نورالثقلین ج ۲ ص ۳۹۴

فرازی از دعای کمیل بن زیاد نقل از مولایمان علی علیه السلام این است

أَلَلَّ هَيْمَ عَظْمٍ سُلْطَانِكَ وَعَلَا مَكَائِكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ وَعَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

خدایا بزرگ است سلطنت تو و برتر است منزلت تو و نهان است مکر تو و آشکار است فرمان تو و چیره است قهر تو و نافذ است قدرت تو و ممکن نیست فرار از حکومت تو .

همان امام بزرگوار فرمود: يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ (۱)

روز انتقام گرفتن از ظالم سخت تر از ستمگتری بر مظلوم است.

یک نکته را نباید فراموش کرد که در بعضی از مسایل شخصی و زودگذر دنیا عفو و گذشت از انتقام بهتر است به شرط آنکه طرف خطا کار برداشت بد نکند.

چنانکه گفته اند: در عفو لذتی است که در انتقام نیست. حضرت امیرمومنان علیه السلام فرمود: يَقُولُ مَتَى أَشْفِي غَيْظِي إِذَا غَضِبْتُ حِينَ أَعْجَزُ عَنِ الْإِنْتِقَامِ فَيَقَالَ لِي لَوْ صَبَرْتُ أَمْ حِينَ أَقْدِرُ عَلَيْهِ فَيَقَالَ لِي لَوْ عَفَوْتُ (۲)

چون خشم گیرم کی آن را فرو نشانم؟ در آن زمان که قدرت انتقام ندارم که به من بگویند اگر صبر کنی بهتر است یا آنگاه که قدرت انتقام دارم؟ که به من بگویند: اگر عفو کنی خوب است.

در نامه ای که به حارث همدانی نوشت فرمود: خشم را فرو خور و به هنگام توانایی گذشت کن و در هنگام عصبانیت بردبار باش و در وقت چیرگی ببخشای تا سرانجامت نیکو باشد.

همان طور که عرض کردم عفو از خطا کار در صورتی صحیح است که شخص خطا کار سوء استفاده نکند و از کرده خود به طور جد اظهار ندامت کند.

ص: ۱۷۰

۱- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۳۴۱

۲- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۱۹۴

امام علی علیه السلام می فرمود: الْعَفْوُ يُفْسِدُ مِنَ اللَّئِيمِ بِقَدْرِ إِصْلَاحِهِ مِنَ الْكَرِيمِ (۱)

گذشت به همان اندازه که شخص بزرگوار را درست می کند شخص فرومایه را تباه میگرداند.

امام سجاد علیه السلام فرمود: حق کسی که به تو بدی کند این است که از او در گذری ولی اگر دانستی که گذشت از او زیانبار است آنگاه انتقام بگیر. خدای تبارک و تعالی فرموده است. وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِّ (۲)

بر کسانی که پس از ستمی که بر آنها رفته باشد انتقام میگیرند ملامتی نیست. (۳)

انحراف

وَ وَفَّقْنِي إِذَا اشْتَكَلْتُ عَلَى الْأُمُورِ لِأَهْدَاها، وَإِذَا تَشَابَهَتِ الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا، وَإِذَا تَنَاقَضَتِ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا (۴)

خدایا موقم بدار گاهی که کارها بر من مشکل شود به درست ترین آنها و هنگامی که کردارها به هم مشتبه گردد به پاکیزه ترین آنها و چون ملت ها به اختلاف و درگیری برخیزند به پسندیده ترین آنها.

به راستی اگر کمک و یاری پروردگار نباشد در حوادث روزگار و اقبال و بدبختی های دنیا و امور مشتبه انسان گرفتار انحراف در عقیده و اخلاقیات و رفتار خواهد شد پس باید چون امام سجاد علیه السلام عاجزانه از خدای مهربان درخواست کنیم که خدایادر اختلافات و اظهارات فکری و عقیدتی و اخلاقی ما را نگرهبانی کن تا در ورطه گناه و نافرمانی تو نیفتیم.

ص: ۱۷۱

۱- میزان الحکمه ج ۶ ص ۳۸۳۸

۲- شورای ۴۱

۳- خصال صدوق ص ۵۷۰

۴- دعای بیستم صحیفه

البته غیر از دعا پدران و مادران گرامی و مراکز آموزشی ما باید چنان فضایی را از جهت آموزش و پرورش به وجود آورند که جوانان ما معرفت کامل نسبت به اصول عقاید و مبانی اخلاقی مکتب خویش پیدا کنند تا در برابر هجوم تبلیغاتی دشمن ایمن شده و رو به انحراف نروند.

امام امیرالمومنین علی علیه السلام به ما می آموزد که در برابر فرزندانمان چه رسالتی داریم سفارش به فرزند خود امام مجتبی علیه السلام فرمود: خواستم تا قبل از هر چیز کتاب خدا عزوجل و تاویل و تفسیر آن را و شرایع و احکام اسلام و حلال و حرام آن را به تو تعلیم دهم و جز این چیزی به تو نیاموزم. (۱)

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

إِنَّ لِي ابْنًا قَدْ أَحَبُّ أَنْ يَسْأَلَكَ عَنِ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ لَا عَمَّا لَا يَعْنِيهِ وَ هَلْ يَسْأَلُ النَّاسَ عَنْ شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ؟ (۲)

فرزندی دارم که دوست دارد درباره حلال و حرام و نه موضوعاتی که به کارش نمی آید از شما پرسد حضرت فرمود: آیا بهتر از سوال درباره حلال و حرام سوالی هست که مردم پرسند؟

وقتی از کودکی و نوجوانی حلال و حرام برای فرزندان تبیین شود و خصوصاً زشتی عمل حرام و عواقب آن و خوبی حلال و مواهب آن بیان شود شک نیست چنین فرزندان در آینده خود نه تنها مرتکب حرام نمی شوند بلکه مانع اعمال حرام دیگران خواهند شد.

درباره مسائل اعتقادی و برای آنکه نسل جوان گرفتار انحراف نشوند امام صادق علیه السلام به پدران و مادران هشدار می دهد که:

بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ (۳)

ص: ۱۷۲

۱- نهج البلاغه ۳

۲- محاسن ج ۱ ص ۳۵۸

۳- کافی ج ۶ ص ۴۷

احادیث اسلامی را بر فرزندان خود هر چه زودتر بیاموزید قبل از آنکه مخالفین بر شما سبقت گیرند و دل های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال نمایند.

مسایل اعتقادی و تعالیم اسلامی برای جوانان به اندازه ای مهم است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم صریحا از پدران و مادرانی که به تربیت دینی جوانان خود بی اعتنا هستند اظهار بیزاری می نماید و آنان را وابسته به خود نمی داند.

أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ: وَيْلٌ لِّأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ؟ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ (۱)

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به بعضی از کودکان نظر افکند و فرمود: وای به فرزندان آخر زمان از روش ناپسند پدرانشان عرض شد ای رسول خدا از پدران مشکوک؟ فرمود نه از پدران مسلمان که به فرزندان خود هیچ یک از فرایض دینی را نمی آموزند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنها قانع هستند. من از این مردم بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزار.

آری پدر در ولایت و حکومتی که نسبت به فرزند دارد مسئول است که طفل را با دین و اخلاق آشنا کند و راهنمایی های لازم را بنماید و اگر خود آگاهی کامل از دین نداشت به سراغ کارشناسان دینی برود و از آنها بخواهد معرفت دین را به فرزندانش بیاموزند تا از انحراف در امان بمانند.

بر پدران و مادران گرامی مژده باد که تلاش و زحماتشان در دنیا و آخرت بدون پاداش نخواهد بود در دنیا باعث آبرو و احترام و طلب مغفرت از ناحیه مردم می شوند و در آخرت مزد بزرگ را خواهند گرفت.

امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: خداوند به پدر و مادر پاداش بزرگی عنایت می فرماید:

ص: ۱۷۳

فَيَقُولَانِ يَا رَبَّنَا إِنِّي لَنَا هَذِهِ وَ لَمْ تَبْلُغْهَا أَعْمَالُنَا؟

آنان می گویند: پروردگارا این همه لطف و عنایت درباره ما از کجاست؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نیست؟

فَيَقَالُ هَذِهِ بِتَعْلِيمِكُمْ وَلَدَكُمَا الْقُرْآنَ وَ تَبْصِيرِكُمْ كَمَا آتَاهُ بِدِينِ الْإِسْلَامِ (۱)

در جواب گفته میشود این همه عنایت و نعمت پاداش شما است که به فرزند خود کتاب خدا را آموختید و او را در آیین اسلام بصیر و بینا تربیت کردید.

عبدالرحمن سلمی به فرزند حضرت حسین علیه السلام سوره حمد را آموخت وقتی کودک در حضور پدر سوره را خواند حضرت حسین علیه السلام علاوه بر پول نقد و پارچه ای را از راه حق شناسی به معلم طفل داد دهان آموزگار را از در پر کرد.

کسانی که از این همه عطا تعجب کردند و در آن باره از حضرت سوال نمودن حسین بن علی علیهما السلام در جواب فرمود: کجا پاداش مالی من با عطای آموزش این معلم برابری می کند. (۲)

یعنی خدمت تعلیم سوره حمد از عطای مالی من ارزنده تر است باز عرض می کنم که پدران و مادران گرامی برای مصونیت فرزندان از انحراف ایمان فطری فرزندان خود را شکوفا کنند و آرام آرام آنها را به کمال معنوی برسانند.

علی علیه السلام فرمود: إِنَّ الْإِيمَانَ لِيَبْدُو لُمَعَهُ بَيْضَاءَ فَإِذَا عَمِلَ الْعَبْدُ الصَّالِحَاتِ نَمَا وَ زَادَ حَتَّى يَبْيَضَّ الْقَلْبُ كُلُّهُ (۳)

اولین ظهور ایمان در قلب آدمی روشنایی کوچک و محدود است ولی در پرتو اعمال شایسته و در اثر تکرار کارهای پسندیده رفته رفته آن فروغ کوچک بزرگ می شود و سرانجام شعاع نورانش آنقدر وسیع می گردد که همه قلب را فرا می گیرد و تمام ضمیر باطن را روشن و منور می کند.

ص: ۱۷۴

۱- مستدرک ج ۱ ص ۲۹۰

۲- همان مدرک

۳- محجه البیضاء ج ۱ ص ۲۷۷

اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَيَّ بِنِقَاءِ وُلْدِي وَيَا ضِلْمًا حِيَمِي لِي ... إِلَهِي ... وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتَقِيَاءَ بُصَيْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَ لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ (۱)

پروردگارا بر من منت بگذار به زنده ماندن فرزندانم و به اصلاح و تربیت ایشان ... خدایا فرزندانم را از جمله نیکان و متقین و صاحبان بینش و حرف شنو و فرمان برداران دستوراتت و برای دوستانت اندرز دهندگانی علاقه مند قرار ده.

پند دادن و پند گرفتن هر دو تکلیف و سبب نیک بختی دنیا و آخرت است نخست باید دید چه کسانی شایسته پند و اندرز به دیگرانند بی تردید برای شخص ناصح شرایطی وجود دارد که حتما باید مورد توجه قرار گیرد.

صداقت و امین بودن از جمله شرایط ناصح است حضرت نوح پیامبر علیه السلام به قوم خود می فرمود: أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ نَاصِحٌ (۲)

پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما نصیحت کننده ای خیرخواه می باشم.

صالح علیه السلام نیز در نهایت صداقت به قوم خود گفت: يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَّيْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَمَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (۳)

ای قوم من پیام پروردگارم را به شما رساندم و شما را نصیحت کردم ولی شما نصیحت کنندگان را دوست نمی دارید.

شعیب نیز به قوم خود گفت:

يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَّيْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ (۴)

ص: ۱۷۵

۱- دعای بیست و پنجم صحیفه

۲- اعراف ۶۸

۳- اعراف ۷۹

۴- اعراف ۹۳

ای مردم من که پیام های پروردگارم را به شما رساندم و شما را نصیحت کردم بنابراین چرا برای هلاکت مردم کافر تاسف خوردم؟!

پس پند دهنده باید امین و صادق باشد و نصیحت هایش متأثر از وحی و کلمات الهی باشد یعنی هر کسی لایق نیست در قیافه ناصح و اندرزگو چهره ظاهر کند و در مقام ارشاد دیگران در اید و حرف های خودش را بزند. به طور کلی باید پای نصیحت کسی نشست که سخنانش برگرفته از وحی و گفتار معصومین علیهم السلام باشد و الا شیطان هم خود را به عنوان ناصح و اندرزگو معرفی می کند.

وقتی حضرت آدم و حوا را فریب داد

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (۱)

برای آن دو سوگند یاد کرد که من خیرخواه و ناصح شما هستم.

اندرز با ویژگی هایی که عرض شد در زنده کردن دل ها نقش اول را دارد که باعث صفا و روشنایی قلوب می گردد.

چنانکه مولایمان امیرالمومنین علیه السلام فرمود: المواعظُ صَقَالُ النَّفُوسِ وَ جَلَاءُ الْقُلُوبِ (۲)

اندرزها صیقل بخش جان ها و جلا دهنده دل هاست. آن بزرگوار در مقام اندرز به فرزند خود می فرمود: أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ (۳)

دلت را با اندرز زنده گردان.

گاهی خوب است خود را در معرض اندرز خوبان عالم قرار دهیم تا دلمان از زنگار و زنگ زدگی پاکیزه شود و گاه از قرآن شریف پند بگیریم که عالی ترین مواعظ را در خود دارد.

امام صادق علیه السلام می فرمود: أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَ أَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ وَ أَحْسَنُ الْقَصَصِ: كِتَابُ اللَّهِ (۴)

ص: ۱۷۶

۱- اعراف ۲۱

۲- غرر الحکم

۳- نهج البلاغه ۳۱

۴- امالی صدوق ص ۳۹۴

راست ترین سخن و رساترین اندرز و بهترین داستان کتاب خداست و امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَعِظْ أَحَدًا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ (۱)

خداوند سبحان هیچ کس را به چیزی چون این قرآن اندرز نداده است.

همان بزرگوار فرمود: اِنْتَفِعُوا بِبَيَانِ اللَّهِ وَ اتَّعِظُوا بِمَوَاعِظِهِ اللَّهُ وَ اقْبَلُوا نَصِيحَةَ اللَّهِ (۲)

از بیان خداوند بهره مند شوید و از اندرزهای خدا پند بگیرید و نصیحت خدا را بپذیرید.

یکی از شرایط مهم دیگر پند دهندگان عمل به اندرزهایی است که به دیگران می کنند و اگر غیر از این باشد نقشی در اصلاح و تحول در دیگران نخواهد داشت. امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزُلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصِّفَا (۳)

عالم هر گاه به علم خود عمل نکند پند او از دل ها فرو غلتد آنگونه که باران از روی تخته سنگ فرو می غلتد.

اما سخنی هم با پند گیرندگان که تلاش کنند گوش دل را باز کنند تا نصایح انسان های دلسوز بر روی آنان اثر گذارد و الا اگر فقط گوش شنوای اندرز باشد و گوش دل بسته به قول سعدی.

نصیحت همه عالم چو باد در قفس است *** به گوش مردم نادان چو آب در غربال.

تا اعلان آمادگی نکنیم و زمینه قبول اندرز دیگران را در خود ایجاد نسازیم نصیحت همه عالم در ما بی نتیجه خواهد بود. تا مادامی که انسان روح عناد و دشمنی دارد و پذیرای حقایق نیست در مسیر هدایت قرار نخواهد گرفت.

ص: ۱۷۷

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۷۶

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۹۸

۳- منیه المرید ص ۱۴۶

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ (۱)

برایشان تفاوتی نکند بترسانی یا نترسانی در هر صورت ایمان نمی آورند خداوند بر دل‌هایشان مهر زد و در گوش و چشم هایشان حجاب است. باید درد دین داری و احساس شدید نیاز به اندرز به وجود آید تا پند و اندرز اهل نصیحت مثمر افتد.

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند***نماز نیم شبی دفع صد بلا بکند

عتاب یار پریچهره عاشقانه بکش***که یک کرشمه تلافی صد جفا بکند.

ز ملک تا ملکوتش حجاب بردارند***هر آنکه خدمت جام جهان نما بکند.

طیب عشق مسیحا دمست و مشفق لیک***چو درد تو نبیند که را دوا بکند.

بسوخت حافظ و بویی به زلف یار نبرد***مگر دلالت این دولتش صبا بکند.

پس مهم آن است که دل پند گیرد. امام صادق علیه السلام فرمود: در حالی که موسی بن عمران یاران خود را اندرز می داد ناگاه مردی برخاست و پیراهن خود را درید خداوند عزوجل به موسی علیه السلام وحی فرمود که: قُلْ لَهُ لَا تَشُقُّ قَمِيصَكَ وَ لَكِنْ اِشْرَحْ لِي عَنْ قَلْبِكَ (۲)

ای موسی به او بگو: پیراهنت را پاره مکن بلکه دلت را برای من بگشای.

ص: ۱۷۸

۱- بقره ۷۶

۲- کافی ج ۸ ص ۱۲۹

إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ، مُلِمَّةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ (۱)

عنوان و مطلعش این است از جمله از دعاهای امام سجاد علیه السلام زمانی که سختی و غم و اندوه به حضرت روی می آورد.

يَا مَنْ تَحُلُّ بِهِ عُقْدَ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يَقْتَأُ بِهِ حُدَّ الشَّدَائِدِ أَي كَسَى كَيْسَ الْغَمِّ، وَبِهِ دَسْتَشْ بِازٍ مِي گَرَدَدُ وَاي كَسَى كَيْسَ شَدَّتْ سَخْتِي هَا بَه وَسِيلَه اَو بَرَطْرَف مِي شَوَد.

وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ يَا بَابَ الْفَرْجِ بِطَوْلِكَ، وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَدَر آسَائِش وَآسُودَكِي رَا بَا فَضْلٍ وَكَرْمَتِ بَرُومِ بَكْشَا وَ سَلْطَه غَمِّ وَ اَنْدُوه رَا بَه قُوتِ خُوَيْشِ دَر وَجُودِمْ بَشَكْن.

عوامل غم و اندوه گاه از جانب خداست تا بنده اش را بیازماید و ایمانش محک زده شود و انگیزه ای گردد تا بیشتر به درگاه خدای خویش تضرع و زاری کند و گاه غم و اندوه نتیجه ندانم کارهای خود انسان است که بر دل و روح وارد می گردد.

دَر حَالِي مِي تُوَان بَه طَرِيقِي بَرَنَامَه زَنَدَكِي رَا تَنْظِيمِ كَرْد كِه غَصَه قَرَضِ وَ نَدَارِي هَاي جَانَكَاه بَه سَرَاغِ آدَمِي نِيَايِد بَا كَمِي پَرهِيَزِ از تَجْمَلَاتِ زَنَدَكِي وَ قَنَاعَتِ دَر آرَامَشِ وَ آسَائِشِ زَنَدَكِي كَرْد

راه صحیح رفع غم و اندوه توکل و اتکا به پروردگار است.

إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲)

كسانی که می گویند پروردگار ما خداست و در این راه استقامت می کنند هیچ جای ترس و اندوهی برای آنان نخواهد بود.

ص: ۱۷۹

۱- دعای هفتم صحیفه

۲- احقاف ۱۳

فَقَدْ نَصَّرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَمَانِينَ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (١)

هنگامی که کافران پیامبر را از مکه بیرون کردند خدا یاری اش کرد آنگاه که دو نفری به غار پناه بردند پیامبر به همسفرش فرمود: نترس که خدا با ماست و پروردگار آرامش را بر او فرستاد و با سپاهی که نمی توانستید آنها را مشاهده کنید یاری کرد کلام کافران را پست گردانید و کلام خدا بلند مرتبه است و خداوند مقتدر و حکیم است.

باور **إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا** خدا با ماست بسیار کارساز و تقویت کننده اراده و حالات وحی ماست مشکلات زندگی برای همه هست برای بعضی کمتر و برای بعضی بیشتر مومن چون به طور دایم در ارتباط با خدای قادر خویش است هیچگاه گرفتار افسردگی و اندوه نمی شود و هر وقت دلش گرفت با مراجعه به دعا و نیایش به پیشگاه الهی رفع غم و اندوه از خود دور می کند.

امام صادق علیه السلام برای افسرده دلان و غم زدگان نسخه شفا بخش پیشنهاد داده که اگر کسی سر اخلاص به جا آورد به طور یقین افسردگی و غم از او رفع خواهد شد.

مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ عُمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ فَيَرْكِعَ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهَا أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ (٢)

چه چیز شما را مانع می شود هرگاه غمی از غم های عالم بر دل شما نشست برخیزید وضو بگیرید و در محل عبادت خویش بایستید و دو رکعت نماز بخوانید و سپس دل را

ص: ١٨٠

١- توبه ٤٠

٢- تفسیر صافی ص ٣٠

به حق متصل کنید و هر چه می خواهید با خدای خود در میان بگذارید آیا نشنیده اید که خداوند می فرماید از روزه و نماز کمک بگیرید.

و اگر به نماز هم نایستادیم فقط ذکر و یاد حق تعالی آرام بخش دلهاست البته به شرط آنکه زبان و دل با هم خدا را یاد کنند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۱)

آنان که ایمان آورده اند و دل‌های شان به یاد خدا آرامش می یابد آگاه باشید که دلها به یاد خدا آرامش می یابد.

آری شفای بیماری اندوه و دل‌های خسته و افسرده یاد خداست و امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: ذِكْرُ اللَّهِ دَوَاءٌ أَعْلَلَ النَّفْسَ (۲)

یاد خدا داروی بیماریهای جان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم سفارش می فرمود: اذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ هَمِّكَ إِذَا هَمَمْتَ (۳)

هرگاه اندوهی به تو دست داد خدا را یاد کن تا اندوهت برطرف شود.

اندیشه

وَ أَعْمِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَيْكَ، وَ لِمَا تَجْعَلُ لِنَفْسِي مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوزًا فِي مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ هَمَّاتِ قُلُوبِنَا... فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ (۴)

خدایا چشم دلمان را بر آنچه دوست نمی داری ببند و در هیچ عضوی از اعضای ما راه نفوذ معصیت قرار مده.

الها بر محمد و آل او درود فرست و اسرار دل هایمان را در چیزهایی قرار ده که موجبات ثواب ترا فراهم آورد.

ص: ۱۸۱

۱- رعد ۲۸

۲- غررالحکم

۳- بحار ج ۱۰۳ ص ۱۰۲

۴- دعای نهم صحیفه

در محدوده واژه اندیشه مطالب متنوع و فراوانی قابل بحث و گفتگوست مثل فکر و تفکر آگاهی و بصیرت آثار تعقل و اندیشیدن در مواقعی که غضب و شهوت مهار شده است. اندیشه کردن درباره کارهای خوب و برحذر بود از تفکر غیرالهی.

چه بهتر که در هر کاری اندیشه کنیم تا از افتادن در خطر و لغزش در امان باشیم همان طور مولایمان علی علیه السلام فرمود:

أَصْلُ السَّلَامَةِ مِنَ الزَّلَلِ الْفِكْرُ قَبْلَ الْفِعْلِ وَالزَّوِيَّةُ قَبْلَ الْكَلَامِ (۱)

ریشه سالم ماندن از لغزش ها اندیشیدن پیش از عمل کردن است و سنجیدن پیش از سخن گفتن.

و نیز فرمود: بِالْفِكْرِ تَنْجَلِي غِيَاهِبِ الْأُمُورِ (۲)

با اندیشه است که تاریکی های کارها روشن می شود.

امام سجاد علیه السلام از پیشگاه پروردگار خواست که تفکرات و حالات درونی اش در چیزهایی باشد که ثواب الهی را جلب می کند.

خداوند تبارک و تعالی نعمت عقل که جایگاه اندیشیدن است به همه انسان ها داده بعضی از افراد از این نعمت در مسیر خداوند و خدمت به خلق خدا استفاده می کنند و بعضی آن را در مسیر شیطان و خیانت و ظلم و تعدی به خلق خدا به کار می بندند.

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا (۳)

کسی که درباره گناهان زیاد بیندیشد گناهان او را به سوی خود بکشاند نقطه مقابل آنان را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم این گونه معرفی می کند. سهم دیدگان خود را از عبادت به آنان بدهید عرض کردند: ای رسول خدا سهم آنها از عبادت چیست؟ فرمود: نگرستن به قرآن و اندیشیدن در آن و پند گرفتن از شگفتی هایش.

ص: ۱۸۲

۱- غررالحکم

۲- همان مدرک

۳- غررالحکم

بسیاری از کلاه برداران و دزدان حرفه ای و کسانی که جعل اسناد می کنند و در به دست آوردن مال حرام ابتکار به خرج می دهند اهل اندیشه و فکرنند در صورتی که اگر این اندیشه و فکر را در جهت پیشرفت و توسعه علمی کشور خود و ارتقای معنوی خویش به کار بندند در ردیف نوابغ و افرادی خواهند بود که در مسابقات علمی بین المللی صاحب مدال طلا شدند و باعث افتخار خود و خانواده و جامعه و ملت خویش خواهند شد.

ارزش یک ساعت درست فکر کردن به قدری است که معادل یک سال عبادت محسوب شده است. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

فِكْرُهُ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ (۱)

ساعتی اندیشه کردن بهتر از یک سال عبادت است.

همان گروهی که اندیشه خود را در راه باطل به کار می بندند اگر یک ساعت به عواقب کار خود و مواخذه ای که در جهان آخرت پیش رو دارند بیندیشند به طور قطع دست از خلافتکاری های خویش بر خواهند داشت.

حسن صیقل از امام صادق علیه السلام پرسید: یک ساعت اندیشیدن بهتر از یک شب عبادت کردن است؟ حضرت فرمود: آری رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است ساعتی اندیشیدن بهتر است از شبی را به عبادت گذراندن عرض کردم چگونه باید اندیشید؟ فرمود به خانه های ویران گشته برو و بگوید: کجایند سازندگان شما؟ کجایند ساکنان شما؟ چه شده است که سخن نمی گوید؟! (۲)

چه کنیم تا اندیشه ای پاکیزه داشته باشیم؟ این شاید سوال بسیاری از نسل جوان و تحصیلکرده ما باشد پاسخ را از ائمه طاهرين عليهم السلام دریافت کنیم.

۱- معده را پر نکردن.

ص: ۱۸۳

۱- بحار ب ۷۱ ص ۳۲۷

۲- بحار ج ۷۱ ص ۳۳۴

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

مَنْ قَلَّ أَكَلُهُ صَفَافِكُرُهُ هَرَّ كَمَا يَخْرُجُ بَخُورٌ مِنْ أَسْفَلِ صَافٍ غَرَّدَ. كَيْفَ تَصِفُوا فِكْرَهُ مَنْ يَسْتَدِيمُ الشَّبَعَ (۱) چگونه صاف و زلال گردد اندیشه کسی که پیوسته شکمش سیر است؟

۲- در صنع و خلق خدا اندیشیدن

همان بزرگوار: لَا عِبَادَةَ كَالْتَّفَكُّرِ فِي صَنْعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (۲)

هیچ عبادتی مانند اندیشیدن در صنع خدای عزوجل نیست.

۳- تفکر در نعمت هایی که خداوند به ما عنایت فرمود

همان بزرگوار: التَّفَكُّرُ فِي آلاءِ اللَّهِ نِعَمَ الْعِبَادَةِ (۳)

اندیشیدن درباره نعمت های خدا نیکو عبادتی است

۴- تفکر در ملکوت و باطن آسمان ها و زمین

همان بزرگوار فرمود: التَّفَكُّرُ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عِبَادَةُ الْمُخْلِينَ (۴)

اندیشیدن در باطن آسمان ها و زمین از عبادت های اهل اخلاص است

۵- تفکر در قدرت بی انتهای الهی

امام صادق علیه السلام فرمود: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ (۵)

برترین عبادت اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

۶- اندیشیدن در احوال ملت های پیشین

امام علی علیه السلام در سفارش به فرزند بزرگوارش امام حسن علیه السلام فرمود: فرزندم هر چند من به اندازه همه کسانی که پیش از من بوده اند زندگی نکرده ام اما در کارهای آنان نظر کرده ام و در اخبار آنها اندیشیده ام و در آثارشان سیر کرده ام چندان که همچون یکی از آنان شده ام و بلکه آن سان بر کارهایشان آگاهی یافته ام که گویی با اولین و آخرین آنها زندگی کرده ام. (۶)

- ۱- هر دو از غررالحکم
- ۲- امالی طوسی ص ۱۴۶
- ۳- غررالحکم
- ۴- همان مدرک
- ۵- کافی ج ۲ ص ۵۵
- ۶- نهج البلاغه نامه ۳۱

و در پایان این قسمت به دعایی دیگر از امام سجاد علیه السلام توجه کنیم شاید ما نیز فکر و اندیشه خود را در مسیر رضای خدا قرار دهیم.

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَةٌ لِطُولِ أَمَلِهِ ... وَ فِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ (۱)

ای مولای من از تو مسالت می جویم همانند مسالت کسی که به خاطر آرزوهایش بی بهره مانده ... و فکرش برای آنه به سویش باز می گردد کم است.

پس باید به اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ راجعون بیشتر بیندیشیم که ما از جانب خدا آمده ایم و به سویش باز می گردیم چه توشه ای برای جایی که باز می گردیم آماده کرده ایم ایا هیچ فکر کرده ایم که سفر بدون توشه ممکن نیست آن هم سفری که جاوید و همیشگی است الها ما را از خواب غفلت بیدار کن تا مقداری برای روز بازگشت و جهان آخرت خویش فکری کنیم.

ص: ۱۸۵

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلَمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَى إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ، وَ مِنْ مُسِيءٍ أَعْتَدَرَ إِلَيَّ فَلَمْ أَعْدِرْهُ، وَ مِنْ ذِي فَاقِهِ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤْتِرْهُ، وَ مِنْ حَقِّ ذِي حَقِّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُؤْفِرْهُ، وَ مِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ أَشْتُرْهُ (۱)

خداوندا از تو معذرت می خواهم از ظلمی که در برابر من بر مظلومی واقع شده و من ستمدیده را یاری نکرده ام و از نیکی و محبتی که به من شده و قدردانی و سپاسگزاری ننموده ام و از خطاکاری که از من عذر خواسته ولی عذرش را نپذیرفته ام و از گرفتار و بینوایی که از من کمک خواسته و من ترتیب اثری به خواسته اش نداده ام و از حق صاحب حق با ایمانی که بر من لازم بوده و آن را نداده ام و از عیب مومنی که برایم آشکار شده و من سر پوشی نکرده ام.

معذرت خواهی امام علیه السلام زبان حال ماست که در مجموع انصاف را رعایت نکردیم. چون از مظلوم حمایت نکردیم و از احسان کننده تشکر نمودیم از معذرت خواه عذرش را نپذیرفتیم و به شخص گرفتار جواب مثبت ندادیم.

حق صاحب حق را ندادیم و در آخر سر پوشی نکردیم و عیب دیگران را آشکار نمودیم. در تمامی موارد فوق اگر انصاف باشد حق کسی ضایع نخواهد شد و همه کسانی که با ما در ارتباط هستند اعم از زن و فرزند و اقوام و آحاد جامعه از گزند دست و زبان ما در امان خواهند بود.

انصاف در زبان روایات جز بهترین فضایل شمرده شده است چون انصاف است که به نیت و اعمال ما جامه اعتدال و پاکیزگی می پوشاند.

این چند جمله از مولایمان علی علیه السلام است.

الْإِنصَافُ أَفْضَلُ الْفَضَائِلِ انصاف بزرگترین فضایل است.

ص: ۱۸۶

الْإِنصَافُ أَفْضَلُ الشَّيْمِ انصاف داشتن برترین خصلت هاست

إِنَّ أَعْظَمَ الْمُتَوَبِّهِ الْإِنصَافِ بزرگترین ثواب ، ثواب انصاف است

الْإِنصَافُ الْمُتَوَبِّهِهِ الْقُلُوبِ انصاف دل ها را الفت می بخشد.

الْمُنْصِفُ كَثِيرُ الْأَوْلِيَاءِ وَالْأَوْدَاءِ آدم منصف دوستان و دوستداران زیادی دارد. (۱)

انصاف نقش کلیدی در ایجاد فضای مهر و دوستی و اجرای عدالت و رسیدن هر کس به حقوق مسلم خود دارد.

چیزی که افراد جامعه را رنج م دهد این است که می بینند افرادی از موقعیت سیاسی و اجتماعی خویش سو استفاده می کنند و در نهایت بی انصافی می کنند به محض آنکه در مسند ریاست نشستند به تعبیری حکومت هزار فامیل به وجود می آورند. و از میان اقوام و بستگان افراد نالایق را به سر کار می گمارند بدون آنکه میزان تحصیلات و کاردانی آن ها را در نظر بگیرند. این یک نوع مصداق بارز بی انصافی نسبت به کسانی است که پارتی ندارند و باید در عین داشتن شایستگی و لیاقت بی کار و خانه نشین باشند.

کمی که از آن سطح پایین تر می آییم کمرنگی انصاف را در بعضی کسبه ها و تجار و فروشندگان اجناس مورد نیاز مشاهده می کنیم.

به راستی اگر جماعت کاسب منصف باشد هم مشتری بیشتر خواهد داشت و هم خداوند به کسب و تجارتش برکت و رونق خواهد داد.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: أَلَا مَنْ يُنصِفُ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا (۲)

بدانید هر کس نسبت به مردم از خود انصاف به خرج دهد خداوند جز بر عزت او نمی افزاید.

ص: ۱۸۷

۱- تمام روایات در غررالحکم

۲- کافی ج ۲ ص ۱۴۴

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم فرمود: مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ وَ انْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا (۱)

کسی که به تهی دست کمک مالی کند و نسبت به مردم از خود انصاف به خرج دهد چنین کسی مومن حقیقی است.

یکی از دیگر از مصادیق انصاف انصاف داشتن در قضاوت است. قضاوت چه در محکمه و دادگاه باشد چه درباره آحاد جامعه بعضی از افراد در هنگام تعریف از افراد یا افرادی گاه چنان غلو می کنند که آنها را تا عرش بالا می برند و گاه هم چون ماشین های تخریب کننده از بیخ و بن افراد را خراب کرده و آبرو و حیثیتی برای آنان باقی نمی گذارند.

قاضی با انصاف کسی است که براساس عدل و داد قضاوت کند.

وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (۲)

وقتی میان مردم داوری کردید عادلانه داوری کنید.

وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ (۳)

هرگاه داوری کردی میان آنها عادلانه داوری کن.

فَأَحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى (۴)

در میان مردم به حق داوری کن و از هوس و هوی پیروی مکن.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: أَفْضَلُ الْخَلْقِ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَقْوَلُهُمْ لِلصِّدْقِ (۵)

برترین مردم داورترین آنها به حق است و محبوب ترین آنان نزد خدای سبحان راستگوترین آنهاست.

ص: ۱۸۸

۱- خصال ص ۴۷

۲- نساء ۵۸

۳- مائده ۴۲

۴- ص ۳۶

۵- غررالحکم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَوَفِّزْ مَلَكَتِي بِالْبِرِّ كَهَيْئَةِ فِيهِ، وَأَصِْبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ (۱)

الها بر محمد و آل او درود فرست و جلوگیری کن از اسراف کاری و نگه دار روزی ام را از تلف شدن و فراوان کن دارایی ام را به برکت و راهنمایی کن مرا به راه راست و احسان و انفاق در آنچه از دارایی ام خرج می کنم.

قسمت پایانی عبارات فوق بیشتر مربوط به عنوان بحث است اصْبِ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ خدایا آن را که از مال خود انفاق می نمایم به گونه ای صورت پذیرد که از هدایت تو در بر و نیکوکاری برخوردار باشم.

در واقع طریقه صحیح انفاق خواسته امام سجاد علیه السلام است. انفاق گاه از مسیر الهی و درستش خارج می شود و جنبه ریا و خودنمایی و گاه اسراف به خود می گیرد.

درباره اصل انفاق و اهمیت آن آیات فراوانی در قرآن یافت می شود که از جمله می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید از آن چه به شما روزی کرده ایم انفاق کنید پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه وساطتی و کافران خود ستمکارانند.

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۳)

ص: ۱۸۹

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- بقره ۲۵۴

۳- الحديد ۷

به خدا و پیامبر او ایمان آورید و از آن چه شما را در استفاده از آن جانشین کرده است انفاق کنید زیرا کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کنند پاداش بزرگی خواهند داشت.

بسیاری را می‌شناسم که برای بهتر شدن خانه و تجملات زندگی پول‌های زیادی را هزینه می‌کنند چند وقت یکبار کلی تشکیلات زندگی را تغییر می‌دهند و به یک خانه و ویلا و غیره قانع نیستند بلکه داخل و خارج از کشور برای خود مسکن و خانه تهیه میکنند ولی برای کمک به بینوایان و محرومان جامعه اگر پیشنهاد خدمت و اعانتی به آنها داده شود جانشان به لب می‌رود و حاضر نیستند کوچکترین انفاق و احسانی را به اهلش بنمایند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمود: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ مَالًا فَلَمْ يَتَصَدَّقْ مِنْهُ بَشَى (۱)

ملعون است ملعون است کسی که خداوند مالی به او ببخشد و او از آن مال صدقه ای ندهد.

امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرمود: إِنَّكُمْ أَعْبَطُ بِمَا بَدَلْتُمْ مِنَ الرَّاغِبِ إِلَيْكُمْ فِيمَا وَصَلَهُ مِنْكُمْ (۲)

سودی که از شما از آن چه انفاق کرده اید می‌برید بیشتر از سود کسی است که با خواهش از شما چیزی به او می‌رسد.

درخواست امام سجاد علیه السلام در بهترین نوع انفاق بود. گام اول پرداخت حقوق واجب است مثل زکوه و خمس گام دوم پرداخت حق سائل و محروم است خداوند متعال در توصیف متقین می‌فرماید:

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۳)

و در ثروت هایشان حقی برای سائل و محروم است.

ص: ۱۹۰

۱- بحار ج ۹۶ ص ۱۳۳

۲- غرر الحکم

۳- ذاریات ۱۹

درباره نمازگذاران واقعی می فرماید:

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۱)

و آن هایی که در ثروت هایشان حقی معلوم است برای سائل و محروم و بهترین نوع انفاق آن است که در طریقه انفاق کردن از حد اعتدال خارج نشویم و ابلهانه ثروت خویش را به تاراج نگذاریم.

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۲)

همان ایی که وقتی انفاق می کنند نه اهل زیاده روی هستند و نه بخل می ورزند و بلکه بین این دو راه اعتدال را بر می گزینند.

نکته پایانی این بحث آن است که انفاق باید از مال حلال باشد با درآمد نامشروع متفق به جایی نمی رسد و ثوابی نخواهد برد.

در این جایک سفارش برادرانه با کسانی دارم که به مناسبت های مذهبی اطعام می کنند حتما تلاش کنند از اموال پاکیزه و حلال خود از مردم پذیرایی کنند و با این کار مردم بی اطلاع را به حرام خواری وادار نکنند و باعث تاریکی دل هایشان نشوند.

لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَخَذُوا مَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ فَانْفَقُوهُ فِيمَا نَهَاَهُمْ عَنْهُ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَخَذُوا مَا نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَانْفَقُوهُ فِيمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ حَتَّى يَأْخُذُوهُ مِنْ حَقٍّ وَ يُنْفِقُوهُ فِي حَقٍّ (۳)

اگر مردم از راهی که خداوند به آنها فرمان داده است کسب درآمد کنند و آن را در راهی که خداوند از آن بازشان داشته انفاق کنند آن را از ایشان نمی پذیرد و اگر از راهی که آن ها را از آن نهی کرده است درآمد به دست آورند و آن درآمد را در راهی که خداوند به

ص: ۱۹۱

۱- معارج ۲۴ و ۲۵

۲- فرقان ۶۷

۳- من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۵۷

آن فرمانشان داده است به مصرف رسانند باز از آنان نمی پذیرد مگر اینکه از راه حلال به دست آورند و در راه حلال انفاق کنند.

ایمان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ بِيَاثِمَانِي أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ (۱)

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و ایمانم را به کامل ترین درجات ایمان برسان

امام سجاد علیه السلام در این دعوت بعد از درود بر محمد و آل او درخواستی که از پروردگار می نماید ایمان کامل است.

تفاوت مسلمان با مومن این است که همین که کافر شهادتین را بر زبان جاری کند مسلمان است ولی مومن به کسی می گویند که به زبان اقرار کند و اذعان به قلب داشته باشد و اعمالش مطابق دستورات اسلام باشد.

پس اگر دل بود زبان هم معترف بود و بدن هم انجام وظیفه کرد مجموع این سه امر ایمان است چنانکه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ قَوْلٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ (۲)

ایمان عبارت از عرفان قلب و عقیده باطنی و نیز گفتاری به زبان و عملی است به ارکان.

همان بزرگوار در حدیثی دیگر تفاوت اسلام و ایمان را بسیار شفاف و روشن بیان فرمودند:

الْإِيْمَانُ مَا وَقَّرْتَهُ الْقُلُوبُ وَ صَدَّقْتَهُ الْأَعْمَالُ وَ الْإِسْلَامُ مَا جَرَى بِهِ اللِّسَانُ وَ حَلَّتْ بِهِ الْمُنَاكَحَةُ (۳)

ص: ۱۹۲

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- میزان الحکمه ج ۱ ص ۳۰۱

۳- سفینه البحار ج ۱ ص ۶۴۳

ایمان عبارت از آن است که دل‌ها آن را با تعظیم و تکریم فرا گیرد و اعمال مردم آن را گواهی دهد و اسلام آن است که جاری شود به زبان و بر اثر آن ازدواج روا و حلال گردد.

ایمان کامل مورد درخواست امام سجاد علیه السلام بود اول ببینیم ایمان ناقص کدام است ایمان ناقص مثل ایمان کسانی است که به قسمتی از آیات الهی ایمان دارند و قسمتی را رد می‌کنند و قبول ندارند.

أَفْتَوْا مَنْ يَبْغِضُ الْكِتَابَ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضِ (۱)

آیا به قسمتی از کتاب الهی ایمان می‌آورید و به بعضی دیگر کافر می‌شوید و اعراض می‌نمایید؟

خداوند در جای دیگر درباره همین قشر از جامعه مسلمین می‌فرماید:

وَيَقُولُونَ نُوْمَنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۲)

اینان می‌گویند: ما به پاره‌ای از آنچه خداوند بر پیغمبر نازل فرموده است ایمان داریم و به قسمت‌هایی دیگری ایمان نداریم و به آنها کافریم این گروه می‌خواهند برای خود راه مخصوص را باز کنند و آنچه از آیات قرآن و تعالیم الهی را که مطابق خواسته‌های آن‌هاست بپذیرند و آنچه را که میل ندارند رد کنند. مومن واقعی اهل چون و چرا نیست نسبت به احکام و قوانین الهی اطاعت بی‌قید و شرط دارد مثل بعضی از افراد نیست که با صراحت می‌گویند که ما از فروع دین بعضی از احکامش را مثل پرداخت خمس و یا حج قبول نداریم و به جای آنها خودمان به فقرا کمک می‌کنیم. در حالیکه اگر تمام دارایی خود را بدهند ولی خمس ندهند و حج نروند در صف کسانی هستند که ایه فوق وضع ایشان را مشخص نمود.

ص: ۱۹۳

۱- البقره ۸۵

۲- نساء ۱۵۰

شاید اعتراض بعضی از این منکرین به این است که چون عقل ما آن احکام را قبول نمی کند ما زیر بار نمی رویم و حال آنکه معنی تسلیم محض بودن در برابر فرامین الهی این نیست که ایشان می گویند.

امام رضا علیه السلام می فرمود:

وَ أَعْلَمُوا أَنَّ رَأْسَ طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ التَّسْلِيمُ لِمَا عَقَلْنَاهُ وَ مَا لَمْ نَعْقِلْ (۱)

سرآمد تمام شرایط اطاعت و فرمان برداری از خداوند این است که ما تسلیم بدون قید و شرط خدا باشیم چه در اموری که عقل ما آنها را درک می کند و چه آن اموری که عقل ما به عمق آنها راه ندارد و حقیقت آن را درک نمی نماید.

درباره بوعلی سینا نقل می کنند که با قوه دراکه خویش نتوانست معاد جسمانی را بپذیرد. ولی چون آیات شریفه قرآن و کلمات نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همگی حکایت از معاد جسمانی دارد به خود خطاب کرد که عَدَمُ الْوُجُودِ لَا يَدُلُّ عَلَى عَدَمِ الْوُجُودِ دست نیافتن انسان به چیزی دلیل بر نبود آن نیست و هم چنین در احوال او نقل می کنند که هرگاه یک مطلب علمی رایش حل نمی شد دو رکعت نماز می خواند و از نماز و سجده بر حق تعالی کمک می طلبید و مطلب علمی برایش روشن می شد.

امثال بوعلی ها در برابر آیات کریمه الهی و دستوراتش سر تسلیم فرود می آورند و از انجام آنها سرباز نمی زدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: ای بنندگان خدا شما همانند بیماران هستید و خداوند همانند طبیب معالج صلاح بیماران در آن چیزی است که طبیب از نظر علم پزشکی می داند تدبیر درمان خود را بر آن استوار می سازد نه آن چیزی که خوای نفس مریض طلب می کند و خواهش غریزی خود را درخواست می نماید. لا فَسَلِّمُوا اللَّهَ أَمْرَهُ تَكُونُوا مِنَ الْفَائِزِينَ (۲)

پس تسلیم امر باری تعالی باشید تا به فوز و پیروزی موفق گردید.

ص: ۱۹۴

۱- بحار ج ۷۵ ص ۳۴۸

۲- مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۱۷

حالا- ببینیم ایمان کامل از آن چه کسانی است روایات فراوانی داریم که ایمان در چه چیزهایی است مثلا در روایتی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سه چیز را باعث کامل شدن ایمان بیان می کند:

۱- مردی که برای حمایت از حق و فضیلت از هیچ ملامتی نترسد.

۲- اعمالش را به ریا آلوده نکند.

۳- بین دو موضوع یکی دنیایی و دیگری آخرتی آنکه به آخرت مربوط است برگزیند (۱)

در جای دیگر همان بزرگوار در پاسخ کسی که می پرسد دوست دارم ایمان من کامل شود فرمود: حَسْبُنْ خُلُقُكَ يَكْمُلُ اِيْمَانُكَ (۲)

اخلاق خود را نیکو و پسندیده کن ایمانت کامل می شود.

و نیز فرمود: لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ الْاِيْمَانَ حَتَّى يُحِبَّ لِنَفْسِهِ وَ حَتَّى يَخَافَ اللّٰهَ فِي مِرَاجِهِ وَجَدِّهِ (۳)

بنده به کمال ایمان نرسد مگر آنکه آنچه برای خود دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد و در شوخی و جدی خود از خدا بترسد.

امام جواد علیه السلام می فرمود: بنده هرگز حقیقت ایمان را به کمال نرساند مگر آنگاه که دینش را بر هوس خود ترجیح دهد و هرگز به هلاکت در نیفتد مگر زمانی که هوس خود را بر دینش ترجیح دهد.

و نیز ببینیم که درجات ایمان چند است و ما خود را بیازماییم که در کدام درجه ایمانیم امام صادق علیه السلام می فرمود: ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله های آن یکی پس از دیگری پیموده می شود پس کسی که در پله دوم است نباید به آن که در پله اول است بگوید تو چیزی نداری تا برسد به آن که در پله دهم است (او هم نباید به پایین تر خود چنین سخنی بگوید) آن را که در پله پایین تر از تو قرار دارد نینداز که بالاتر از تو نیز

ص: ۱۹۵

۱- میزان الحکمه ج ۱ ص ۳۱۱

۲- همان مدرک

۳- کثرالعمال ۱۰۷

تو را می اندازد اگر دیدی کسی یک پله از تو پایین تر است با مهربانی و ملایمت او را به طرف خود بالا کشان و فراتر از توانش باری بر دوش او مگذار که او را می شکنی و هر کس مومنی را بشکند باید شکستگی او را درمان کند. (۱)

همان گرامی فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَضَعَ الْإِيمَانَ عَلَى سَبْعَةِ أَهْمٍ: عَلَى الْبِرِّ وَالصِّدْقِ وَالْيَقِينِ وَالرِّضَا وَالْوَفَاءِ وَالْعِلْمِ وَالْحِلْمِ (۲)

خداوند ایمان را به هفت بخش تقسیم کرده است: نیکو کاری، راستگویی، یقین، خشنودی، وفاداری، دانش و بردباری.

ص: ۱۹۶

۱- کافی ج ۲ ص ۴۵

۲- همان مدرک

فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ ... وَخُزَانَ المَطَرِ وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ ... وَالقَوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيحِ (۱)

درود بر فرشتگان فرست و بر روحانیون آنها و بر خزانه داران باران و حرکت دهندگان ابرها و بر فرشتگانی که بر بادها فرمانروایی می کنند.

در آیات متعددی از قرآن شریف (ریاح) باد بشارت رحمت الهی معرفی شده چون باد است که ابرها را به حرکت در می آورد و به اراده حق تعالی در نقطه ای از زمین باران می بارد و رحمت خداوند نازل می گردد.

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سَقْنَا لِقَائِهِمِ المَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ (۲)

خداست که بادها را پیشاپیش رحمت خویش بشارت دهد تا ابرهای سنگین را با خود حمل کنند ما آنها را به سرزمین های مرده و بی آب می رانیم و به وسیله آنها باران را نازل می کنیم و به کمک باران میوه ها را از خاک بیرون می آوریم.

خداوند در میان انبیا حضرت سلیمان بن داود علیهما السلام را دارای امکانات فراوانی کرد انسان و جن و پرنده گان و حیوانات و درک سخنان پرنده گان را به وی عطا فرمود و در واقع همه چیز به او عنایت کرد و از جمله باد را به تسخیر او در آورد.

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ (۳)

ص: ۱۹۷

۱- دعای سوم صحیفه

۲- اعراف ۵۷

۳- انبیاء ۸۱

به سلیمان قدرت در اختیار گرفتن باد و طوفان دادیم که به فرمانش به سوی سرزمینی که پر برکت کرده بودیم حرکت می کرد و ما به همه چیز آگاهی داریم.

در واقع وسیله نقلیه حضرت سلیمان علیه السلام به قدرت لایزال الهی باد بود و با این وسیله به هر کجای عالم می خواست سفر می کرد.

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۱)

باد را به تسخیر سلیمان در آوریم تا به فرمان او هر کجا خواست آرام برود.

البته همین باد که به تعبیر مکرر قرآن مژده و بشارت رحمت الهی یعنی باران راست گاهی برای عده ای که شایستگی رحمت خدا را ندارند در اثر گناه و نافرمانی حق تعالی تبدیل به طوفان های سهمگین با سرعت زیاد خواهد شد و ملتی را نابود خواهد کرد.

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ مَا تَدْرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ (۲)

و در داستان قوم عاد نیز عبرتی است آن زمان که طوفانی خشک برای آنها فرو فرستادیم طوفانی که بر چیزی نمی گذشت مگر آنکه چون استخوان پوسیده و خاکستر می کرد.

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصِيرٍ عَائِيَةٍ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَائِنَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صِرَعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (۳)

و قوم عاد به طوفانی سرکش و پرصدا نابود گشتند. آن طوفان را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط کرد می دیدی که آن ها مثل تنه های درخت پوسیده در بین طوفان روی زمین افتاده اند آیا هیچ دیدی که کسی از آنها باقی مانده باشد همان طور

ص: ۱۹۸

۱- ص ۳۶

۲- الذاریات ۴۱ و ۴۲

۳- الحاقه ۸ تا ۶

که عرض شد گاه همین باد نسلیم دلبخش می شود که گل ها و گیاهان و حتی انسان را روح تازه می بخشد و باعث پاکیزه شدن هوا و طراوت و نشاط انسان می گردد.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ (۱)

و از آیات الهی است که بادها را جهت بشارت می فرستد تا از رحمت خویش به شما بچشاند.

غافل از نسیم صبح و سحر نباشیم که چقدر روح بخش و دلگشا است.

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۲)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ (۳)

سوگند به صبح در آن هنگام که نفس می کشد. سوگند به صبح وقتی که آشکار می گردد.

گفتم خوشا هوایی کز باد صبح خیزد***گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید

یکی از بارزترین خواص موجودات زنده نفس است که به وسیله آن اکسیژن هوا را جذب کرده گاز کربنیک را که یک ماده سمی است دفع می نمایند و تمام گیاهان و جانوران اعم از کوچک و بزرگ در این خاصیت مشترک می باشند حتی گیاهانی که در آب زندگی می کنند از اکسیژن موجود در آب استفاده می نمایند.

انسان که برترین و کامل ترین موجودات زنده است بیش از سایرین محتاج به تنفس در هوای آزاد و سالم است.

در میان ساعات شبانه روز لطیف ترین هوا هوای صبحگاهی است چه در شهرهای بزرگ و پر دود و دم و چه در مناطق خوب آب و هوا و کوهستانی و صحرا و دشت زیرا که در آن ساعات دوره سال نسیم با طراوتی می وزد و روح را حیات تازه می بخشد.

سحر بلبل حکایت با صبا کرد***که عشق گل به ما دیدی چها کرد

خوشش باد آن نسیم صبحگاهی***که درد شب نشینان را دوا کرد

به هر سو بلبل عاشق در افغان***تنعم زین میان باد صبا کرد

ص: ۱۹۹

اللَّهُمَّ ... وَ أَوْهِن قُوَّتِنَا عَمَّا يُسِيخُطُّكَ عَلَيْنَا وَ لِمَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نُفُوسِنَا وَ اخْتِيَارِهَا، فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَفَّقْتَ، أَمَّارَةٌ
بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ (۱)

خدایا ... نیروی ما را نسبت به آنچه ترا خشمگین می کند سست کن و در آن هنگام نفس های ما را به خودشان وامگذار زیرا که همواره نفس های ما باطل را انتخاب می کند مگر آنکه توفیقی از ناحیه تو باشد و همواره امر به بدی می کنند مگر آنکه تو رحم کنی.

امام علیه السلام به دو حالت زشت نفسانی اشاره فرمودند که انسان از راه منحرف می شود و گرفتار باطل می گردد. یکی زمانی که به خود واگذار شود چون در این موقع ارتباطی با پروردگار ندارد بدون استثنا به باطل جذب می گردد.

بر همین اساس مولایمان علی علیه السلام می فرمود: إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدٌ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ (۲)

همانا بهترین و محبوب ترین بنده نزد خدا بنده ای است که خدا او را در پیکار با نفس یاری داده است.

دیگری اشاره به نفس اماره است که اگر خداوند یاری نکند باز به باطل مبتلا- خواهیم شد چون مثل یوسف ها از حالت نفسانی به خدا پناه برده اند و اگر عنایت خداوندی نبود یوسف هم از راه منحرف می شد.

علی علیه السلام می فرمود: أَنَّ نَفْسَكَ لَخَدُوعٌ إِنْ تَتَّقَ بِهَا يَقْتَدِكَ الشَّيْطَانُ إِلَى إِرْتِكَابِ الْمَحَارِمِ (۳)

همانا نفس تو بسیار فریب کار است اگر به آن اعتماد کنی شیطان تو را به سمت ارتکاب حرام ها می کشاند.

ص: ۲۰۰

۱- دعای نهم صحیفه

۲- خطبه ۸۷ نهج البلاغه

۳- غرر الحکم

باطل نقیض و ضد حق است به عنوان مثال پرستش خدا حق است و پرستش غیر خدا هر چه و هر که باشد باطل است.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ (۱)

و به این خاطر است که خداوند حق است و آنچه را غیر او می خوانند باطل می باشد.

و گاه باطل به امری بیهوده و بی هدف اطلاق می شود چنانکه اهل ایمان به خداوند عرض می کنند. رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا

سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲)

پروردگارا آسمان ها و زمین را بی هدف و بی جهت خلق نفرموده ای.

قرآن باطل گرایان را زیانکار معرفی می کند که این معنای عام دارد و شامل معاملات باطل می شود. لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم

بِالْبَاطِلِ (۳)

ثروت های یکدیگر را از طریق باطل نخورید و تصرف نکنید.

و نیز اعمال و کارهای باطل و بیهوده را در بر می گیرد که جز ضایع کردن عمر نتیجه ای ندارد حضرت صادق علیه السلام می فرمود: در شهر مدینه مرد دلچک و مسخره ای بود که مردم را با کارهای خویش می خندانید ولی خودش می گفت تاکنون نتوانسته ام علی بن الحسین علیه السلام را بخندانم. روزی هنگام عبور امام علیه السلام عبای آن حضرت را از دوش او برداشت و رفت امام علیه السلام کردار زشت او توجهی نفرمود همراهان امام علیه السلام عبا را گرفته و آوردند امام علیه السلام پرسید: او که بود؟ گفتند دلچکی است که مردم را می خندانند.

امام علیه السلام فرمود به او بگویند إِنَّ لِلَّهِ يَوْمًا يَخْسِرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ (۴)

خدای را روزی است که در آن روزه یاره سرایان و بیهوده کاران به زیان کاری خود پی می برند.

ص: ۲۰۱

۱- حج ۶۲

۲- آل عمران ۱۹۱

۳- نساء ۲۹

۴- امالی صدوق ص ۱۳۳

اشاره حضرت به آیه ۲۷ سوره مبارکه جاثیه است **وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ** و در روزی که قیامت بر پا می گردد اهل باطل زیان می کنند.

و به طور کلی هر چیزی که انسان را از خداوند دور می کند و باعث گمراهی ما می شود باطل است و از خصوصیت باطل اضمحلال و نابودی است و هیچ گاه حکومت باطل عمل باطل کسب و تجارت باطل و از همه مهمتر عقیده باطل جاودانه نیست و بالاخره از بین خواهند رفت و این وعده الهی است.

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ (۱)

بلکه ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را در هم شکنند و یک باره نابود شود.

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۲)

و بگو: حق آمد و باطل رفت زیرا که باطل رفتنی و نابودشدنی است نکته قابل توجه اینکه خداوند تبارک و تعالی در طول تاریخ حامی حق بوده و باطل را به هر شکلی نابود کرده است.

برای درک بهتر این حقیقت کافی است بینیم خداوند با اقوام باطل گرای گذشته چه کرد.

بعد از اتمام حجت و فرستادن رسولان و انبیا و امامان معصوم به طریقی نابودشان کرد که از ریشه و بنیان برکنده شدند و حتی یک نفر نیست که ادعا کند من از نسل فرعون و قوم عاد و ثمود و صالح و بنی امیه و بنی عباس هستم و در حالی که وقتی همان ها در مسند قدرت نشسته بودند تا مرز ادعای خدایی پیش رفته بودند و هر مخالفی را برخلاف رای آنها عمل می کرد نفسش را قطع می کردند.

خداوند می فرماید: **وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ (۳)**

ص: ۲۰۲

۱- انبیاء ۱۸

۲- اسرا ۸۱

۳- شوری ۲۴

خداوند باطل را محو می کند و حق را به وسیله گفتار خویش ثابت می سازد.

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (۱)

بگو حق آمد و باطل نخواهد آمد و تجدید نخواهد شد.

امام صادق علیه السلام می فرمود: لَيْسَ مِنْ بَاطِلٍ يَقُومُ بِإِزَاءِ الْحَقِّ إِلَّا غَلَبَ الْحَقُّ الْبَاطِلَ (۲)

هیچ باطلی نیست که در برابر حق بایستد مگر آنکه حق بر باطل چیره شود و مولایمان علی علیه السلام فرمود: الْحَقُّ سَيْفٌ عَلَى أَهْلِ الْبَاطِلِ (۳)

حق شمشیری است بر ضد باطل گرایان

امام سجاد علیه السلام در دعایی دیگر از خداوند درخواست می کند.

اللَّهُمَّ ... وَ انْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَ إِذْلالِهِ، وَ نُصْرَةِ الْحَقِّ وَ إِعْزَازِهِ (۴)

پروردگارا توفیقم ده تا باطل را سرکوب کنم و حق را یاری و عزت بخشم.

باطن

وَ يَا مَنْ تَطَهَّرَ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ الْأَخْبَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَفْضَحْنَا لَدَيْكَ. (۵)

ای خدایی که اخبار و مطالب باطن نزدش آشکار است بر محمد و آل او درود فرست و ما را در محضر خود رسوا مفرما.

باطن در لغت به معنی پنهان، اندرون، حقیقت و اصل آمده است. یکی از اسماء الحسنی باطن است یعنی خداوند به هر چه پنهان و ستر و پوشیده است و از نیات و سرایر وجود موجودات و از جمله انسان باخبر می باشد.

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (۶)

ص: ۲۰۳

۱- سبا ۴۹

۲- بحار ج ۵ ص ۳۰۵

۳- غررالحکم

۴- دعای ششم صحیفه

۵- دعای پنجم صحیفه

خداوند به گردش خائنه چشم های خلق و اندیشه های پنهانی مردم عالم آگاه است.

مرحوم علامه مجلسی از محمد بن مسلم در تبیین آیه **وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (۱)** اگر سخن به آشکارا گویی خداوند از ضمیر مخفی و مفی تر آگاه است. روایتی را نقل می کند که محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام پرسید پاسخ شنید

السِّرُّ مَا كَتَمْتَهُ فِي نَفْسِكَ وَأَخْفَى مَا خَطَرَ بِإِلَيْكَ ثُمَّ أَنْسَيْتَهُ (۲)

سر آن چیزی است که در ضمیرت وجود دارد و آن را پنهان نگاه داری و اخفی آن چیزی است که زمانی به دلت خطور کرده و سپس آن را فراموش کرده ای.

امیرالمومنین علی علیه السلام در یکی از خطبه های خویش با بیانی در نهایت فصاحت و بلاغت به احاطه علمی ذات اقدس پروردگار اشاره فرمود که ابن ابی الحدید می گوید: سختی به نیکویی و بزرگی شبیه این سخنان علی بن ابیطالب علیه السلام سراغ ندارم جز سخن خداوند سبحان. زیرا کلام امام علیه السلام شاخه ای است از آن درخت و نهری است از آن دریا و شعله ای از آن آتش است. آن بیان فصیح و بلیغ این است که:

عَالِمُ السِّرِّ مِنْ ضَمَائِرِ الْمُضْمِرِينَ، وَ نَجْوَى الْمُتَخَفِتِينَ، وَ خَوَاطِرِ رَجْمِ الظُّنُونِ، وَ عُقَدِ عَزِيمَاتِ اليَقِينِ، وَ مَسَارِقِ إِيْمَاضِ الجُفُونِ، وَ مَا ضَمِنْتَهُ اءِ كُنَانُ القُلُوبِ، وَ عَيَابَاتُ العُيُوبِ، وَ مَا اءِ ضَعَتْ لِإِشْتِرَاقِهِ مَصَائِخُ الأءِ سَمَاعِ (۳)

خداوند متعال عالم و داناست بر کسانی که راز خود را پنهان کنند و به پنهان گویی آنان که سخن با یکدیگر آهسته گویند و به اندیشه هایی که از ظن و گمان در دل قرار گیرد و به آنچه با یقین تصمیم بر آن گرفته می شود و به نگاه کردن های زیر چشم که از روی دزدی و آهستگی انجام می گیرد و به طوری که دیگری ملتفت نباشند و به آنچه در دل ها پنهان شده (و هیچ کس از آن آگاه نیست) و به نادیدنی ها که در زیر حجاب ها و

ص: ۲۰۴

۱- طه ۷

۲- بحار الانوار ج ۳ ص ۱۲۸

۳- خطبه ۹۰ نهج البلاغه

پرده ها مستور است (و برای احدی اشکار نمی باشد) و به سخنانی که سوراخ های گوش ها به دزدی و آهستگی می شنوند.

نتیجه آنکه بر ماست که باطن را پاکیزه کنیم تا در روزی که باطن ها آشکار می گردد رسوایی بیار نیوریم.

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱)

البته خدا می تواند او باز گردانده روزی باطن ها آشکار می شود برای انسان هیچ نیرو و یآوری نخواهد بود.

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۲)

خداوند به آنچه مخفی می کنید و یا علنی انجام می دهید آگاه است.

بیایم باطن را از انانیت و هر چه صفات رذیله است شستشو دهیم و تمام توجه آن را به خدای خوب و مهربان معطوف داریم.

برو تو خانه دل را فرو روب***مهیا کن مقام و جای محبوب

چو تو بیرون شوی او اندر آید***به تو بی تو جمال خود نماید

کسی کو از نوافل گشت محبوب***به لای نفی کرد او خانه جاروب

و بیایم باطن را به خشیت و انابه وا داریم شاید در این رهگذر ظاهرمان نیز آراسته به خضوع و خشوع گردد.

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (۳)

کسی که در حال خلوت از خداوند می ترسد و با دلی پر انابه به محضر او حاضر شود.

فَتُخَبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ (۴) دل هایشان برای خدا نرم گردد.

ص: ۲۰۵

۱- طارق ۸ تا ۱۰

۲- نحل ۱۹

۳- ق ۳۳

۴- حج ۵۴

دو آیه فوق حالت باطنی مومن را ترسیم می کند که باطن او بر این پایه از ترقی و رشد می رسد که حضور مردم و خلوت برایش یکسان است و در هر حال ترس از خدا و روح اطاعت از دستورات الهی و تواضع و خضوع را دارد.

مومن ظاهر و باطن در حال انابه است و هر سالکی که به این مقام برسد هیچ وقت از یاد خدا غافل نیست و اگر چشمش بین مردم است دل و روحش به عالم بالا وصل است.

در اندرون من خسته دل ندانم کیست*** که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

ندای عشق تو دیشب در اندرون دادند*** فضای سینه حافظ هنوز پر ز صداست

در خصوص ایشان مولای عارفان علی علیه السلام می فرمود:

وَصَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحَهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى أَوْلِيكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِهِمْ (۱)

با بدن هایشان در دنیایند ولی جان هایشان به ملا اعلی آویخته است این ها جانشینان خداوند در روی زمین اند و مردم را به دین او دعوت می کنند آه آه که چقدر مشتاق دیدارشان هستم. همان بزرگوار فرمود:

عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَيْدِيهِمْ فَصَبْرًا مَا دُونَهُ فِي أَيْدِيهِمْ (۲) خداوند در دل و باطن آنان بس بزرگ است و غیر خدا در دیده آنها کوچک است و نیز فرمود:

شَغَلَ التَّفَكُّرُ قَلْبَهُ وَ أَيْدِيَهُمُ الْخَوْفُ بَدَنَهُ (۳)

دلش در فکر و اندیشه فرو رفته و خوف و ترس بدنش را رنجور نموده است.

ای خدا ای راز دل بندگان شرمگینت*** ای توانایی که بر جان و جهان فرمانروایی

ای خدا ای همنوای ناله پروردگارت*** زین جهان تنها تو با سوز دل من آشنایی

ص: ۲۰۶

۱- حکم و مواظ ۱۳۹

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۸۴

۳- نهج البلاغه خطبه ۸۲

وَ أَعِدِّنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ (۱)

خدایا مرا از میل و رغبت بد به ثروت دنیا حفظ فرما

بخل از سو رغبت به مال و منال دنیا حکایت می کند وقتی دل به دارایی هایمان گره می خورد حاضر نیستیم از ثروت خود چیزی به کسی ببخشیم و دلی را به دست آوریم.

فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ... وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۲)

این همان کسی است که یتیم را از خود می راند و به غذا دادن به مستمندان تشویق نمی کرد و دیگران را از کمک های جزئی منع میکنند.

گفتند از بخیل بخیل تر آن کسی که از احسان دیگران رنج می برد و حتی مانع اتفاق مردم می شود.

الَّذِينَ يَخْلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (۳)

آنان که بخل می ورزند و مردم را به بخل وادار می سازند و آنچه را که خداوند از فضلش به آنها عنایت کرده کتمان می کنند آدم بخیل مورد نفرت اطرافیان و مردم است چون انسان همواره تحت تاثیر احسان دیگران است بنابراین اگر کسی با داشتن امکانات مالی و ثروت فراوان حساست به خرج دهد و بذل و بخشش نداشته باشد نزدیکترین افراد خانواده اش او را دوست نمی دارند.

بخل حکایت از سستی ایمان بخیل نسبت به پروردگار متعال و قدرت و نفوذ حضرت او می کند.

ص: ۲۰۷

۱- دعای چهاردهم صحیفه

۲- آیات ۲ و ۳ و ۷ سوره ماعون

۳- نساء ۳۷

اگر بداند و باور داشته باشد که خداوند تبارک و تعالی بر جهان و جهانیان احاطه کامل دارد و همه موجودات تحت فرمان و حکومت مطلقه او هستند به طور طبیعی امور دنیوی و مادیات در نظر او کوچک و بی ارزش خواهد بود و لذا خیلی راحت و بی تکلف آنچه که از ثروت و دانش و موقعیت اجتماعی در اختیار دارد بذل و بخشش می کند و کار مردم را راه می اندازد.

شخص بخیل انسان طرد شده خداوند است این سخن از امیرالمومنین علی علیه السلام است که

إِذَا لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ فِي عَبْدٍ حَاجَةٌ إِبْتِلَاؤُ اللَّهِ بِالْبَخْلِ (۱)

هرگاه خداوند تبارک و تعالی بنده ای را یله و رها کند او را به بخل مبتلا میسازد.

همان بزرگوار از مردی شنید که می گفت شخصی که خست طبع و لثامت دارد کیفرش اسان تر از ظالم است.

فرمود: اشتباه کرده ای زیرا ظالم مکن است توبه کند و استغفار نماید حق مظلوم را نیز در کند اما خسیس و لثیم هرگاه خست طبع به خرج دهد از دادن زکات و صدقه خودداری میکند پیوند خویشاوندی را قطع می نماید از پذیرایی میهمان اجتناب نموده در راه خدا چیزی نمی دهد. از سایر کمک های دینی دوری می گزیند و بر بهشت حرام شده که شخص خسیس داخل آن شود. (۲)

همان طور که عرض کردم آدم بخیل را هیچ کس دوست ندارد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ وَ جَاهِلٌ سَيِّئٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عَابِدٍ بَخِيلٍ وَ أَوْدَى الدَّاءِ الْبَخْلُ (۳)

بخیل از خدا و مردم و بهشت دور است و به آتش جهنم نزدیک. نادان سخاوتمند بهتر از عابد بخیل است و بدترین دردها بخل است.

ص: ۲۰۸

۱- فروع کافی ج ۴ ص ۴۴

۲- همان مدرک

۳- جامع السعادات ج ۲ ص ۱۱۰

مرد عالم و صالحی به در خانه بخیلی رفت و گفت چنین شنیده ام که تو مقداری از مال خود را به نیازمندان اختصاص داده ای من بی نهایت مستحق و فرومانده ام. آن مرد بهانه ای آورده گفت من آنچه نذر کرده ام باید به اشخاص کور بدهم تو کور نیستی.

مر عالم گفت اشتباه دیده ای کور واقعی منم که روی از رزاق حقیقی برتافته به سوی همچو تو بخیلی شتافته ام.

این سخن را گفت برگشت بخیل از این جمله تحت تاثیر قرار گرفت به دنبالش دوید و هر چه درخواست کرد که برگردد تا خواسته او را برآورد نپذیرفت. (۱)

ای دل مکن ز خلق سیه روی خواهشی***کز خلق نیست هیچ گره را گشایشی

فرخنده بنده به که بدر گاه کبریا***دارد به صبح و شام زبان ستایشی

ای خوش کسی که کرد توکل به ذات حق***در زیر سر نهاده ز تفویض بالشی

یکبار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اطراف خانه کعبه طواف می کرد مردی را دید دست بر پرده کعبه آویخته می گوید خدایا ترا به عظمت این خانه سوگند می دهم که گناه را بیامرزی آن جناب فرمود گناهت چیست؟

عرض کرد بزرگتر از آن است که شرح دهم فرمود: گناه تو بزرگتر است یا زمین ها؟ گفت گناه من پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پرسید گناه تو از کوه ها بزرگتر است پاسخ داد آری

فرمود از دریا بزرگتر است؟ بلی فرمود گناهت بزرگتر است یا آسمان ها؟ عرض کرد گناه من فرمود: از عرض نیز بزرگتر است؟ جواب داد آری فرمود: ذُبُّكَ أَعْظَمُ أَمِ اللَّهُ گناه تو بزرگ است یا خدا؟ عرض کرد خدا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از گناهش جو یا شد گفت ای رسول خدا من مردی ثروتمندم و هرگاه مستمندی به من مراجعه می کند به اندازه ای ناراحت می شوم مثل اینکه کسی با آتش گداخته به من روی آورده.

ص: ۲۰۹

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَيْكَ عَنِّي لَا تُحْرِقْنِي بِنَارِكَ يَا مَبْرُورُ: دور شو از من با آتش خود مرا نسوزانی به آن خدایی که مرا برای هدایت برانگیخته اگر بین رکن و مقام دو هزار سال نماز بخوانی و آن قدر گریه کنی که از اشک چشمت جوی ها جاری شود و درخت هایی آبیاری گردد در صورتی که بخل و لثامت بمیری با صورت در آتشت خواهند انداخت. وای بر تو مگر نمی دانی خداوند می فرماید: وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَن نَفْسِهِ (۱) و هر کس بخل ورزد بر خودش ضرر زده است.

بدبینی

وَيَتَّبِعُ رُشْدًا لَّا أَشْكُ فِيهَا... وَمِنْ ظَنِّهِ أَهْلُ الصَّلَاحِ الثَّقَةِ (۲)

خدایا مرا بهره مند کن به نیت درستی که در آن شک نکنم و بدگمانی مردمان شایسته را درباره من به اطمینان و ثوق مبدل کن.

امام علیه السلام به دو مورد ظن و گمان اشاره فرمود یکی حسن ظن به خدا و دیگر حسن ظن مردم خوب.

به طور کلی هر دو مورد مهم و قابل اهمیت است چون بدبینی نسبت به آنچه که خداوند درباره مخلوقاتش و از جمله ما انسان ها انجام داده و می دهد نشان ضعف توحید و خداشناس است.

موحد و خداشناسی راستین در خصوص آنچه را خداوند برایش مقدر کرده چون و چرا نمی کند و به داده های الهی به هر کیفیت که باشد تن می دهد و به خواست پروردگار راضی است.

ص: ۲۱۰

۱- جامع السادات ج ۲ ص ۱۱۰

۲- دعای بیستم صحیفه

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (۱)

ولی اگر آنها به آنچه خداوند و رسول او در اختیارشان گذارده رضایت دهند و بگویند همین برای ما کافی است و خدا و رسول او از فضل خویش به زودی به ما می بخشد که ما فقط مشتاق پروردگاریم.

و اما از صفات بد که بسیاری از خانواده ها را متلاشی کرده سوظن و بدبینی است که وقتی بررسی می کنند مشاهده می کنند نگاه ایشان نگاه درستی نبوده و گمان بد است.

پس انسان باید از ابتدا با دیده خوش بینی به مردم بنگرد و نظر مساعد و خوب داشته باشد اگر کاری از کسی دیدیم که دو پهلوست هم می توان آن را خوب دانست و هم بد حسن ظن و خوش گمانی داشته باشیم و حمل به صحت کنیم

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (۲)

چرا وقتی آن را شنیدند مردان و زنان مومن نسبت به خود گمان خیر نبردند؟! و چرا نگفتند این دروغی آشکار است پس حسن ظن از صفات نیک و فضایل اخلاقی است که قرآن مسلمانان را به آن تشویق می نماید. آری گمان خوب از مکارم اخلاق است و در دل هیا پاک و نورانی جا دارد و هر کس برای شناخت خود بهتر است حسن ظن و سوء ظن معیار خویش قرار دهد.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: ضِعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُ مِنْهُ (۳)

ص: ۲۱۱

۱- توبه ۵۹

۲- نور ۱۲

۳- وسایل الشیعه ج ۲ ص ۲۴

کار برادر دینی خود را حمل به خوبی کن مگر آنکه برای تو بدیش ثابت شود برای آنکه مسلمان از گمان های مشکوک و بدینی بر حذر باشند قرآن درباره اکثر گمان ها هشدار می دهد که بعضی از آنها گناه است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ (۱)

ای اهل ایمان از بسیاری گمان ها دوری کنید زیرا که برخی از گمان ها گناه است باید توجه داشت که سوء ظن و بدبینی نشان دار نیست تا مشخص شود بنابراین باید از ظن های همانند او نیز دوری شود تا از آن پرهیز کامل شده باشد.

وقتی انسان بداند از چند ظرف غذا یکی آلوده به سم و زیان است به حکم عقل و شرع از همه آنها پرهیز می کند.

بدگمانی یکی از امراض روحی است که همانند سایر صفات رذیله پیوسته مبتلایان به آن را در رنج و عذاب قرار می دهد بدگمان جایی در جامعه ندارد زیرا جز منفی بافی کار دیگری از او ساخته نیست.

مولایمان علی علیه السلام فرمود: الشَّرِيْرُ لَا يُظَنُّ بِأَحَدٍ خَيْرًا لِأَنَّهُ لَا يَرَاهُ إِلَّا بِطَبَعِ نَفْسِهِ (۲)

انسان شرور به هیچ کس خوش بین نیست زیرا همه را با سرشت بد خویش می بیند و یا اینکه فرمود: سُوءُ الظَّنِّ بِالمُحْسِنِ شَرُّ الإِثْمِ وَ أَقْبَحُ الظُّلْمِ (۳)

بدبینی به انسان شایسته بدترین گناه و زشت ترین مورد ظلم است توضیح این نکته لازم است که بدبینی درباره افراد صالح و خوش سابقه و مردم جامعه که بیشتر آنها را به ایمان و امانت داری و کارهای خوب می شناسیم جایز نیست ولی نسبت به آدم های ظالم و تجاوز پیشه و حکومت های ستمگر و آلوده به گناهان بدبینی و سوء ظن بجاست.

از ابی الحسن الثالث علیه السلام روایت شده که فرمود:

ص: ۲۱۲

۱- حجرات ۱۲

۲- غررالحکم ص ۸۰

۳- همان مدرک

إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ أَغْلَبَ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ يُظَنَّ بِأَحَدٍ سُوءٌ حَتَّى يُعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ، وَإِذَا كَانَ زَمَانُ الْجَوْرِ أَغْلَبَ فِيهِ مِنَ الْعَدْلِ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُظَنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا مَا لَمْ يُعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ (۱)

هرگاه حاکمیت با عدل و عدالت خواهی بود سوء ظن بردن به احدی جایز نیست مگر آنکه علم و یقین به عمل زشت اشخاص پیدا کنیم و هرگاه حاکمیت با ظلم و ستمگری بود حسن ظن به احدی جایز نیست مگر آنکه علم و یقین به خوبی اشخاص پیدا کنیم.

بدعت

وَرَفُضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ (۲)

خدایا توفیقم ده تا اهل بدعت و آنهایی که رای ساختگی خود را به کار می بندند واگذارم و ایشان را ترک کنم.

امام علیه السلام به ما می آموزد که مسلمان واقعی باید در برابر بدعت گذاران در دین خدا موضع قاطع داشته باشند و در نهایت ارتباط خود را با آنان قطع کند.

بزرگترین ضربه ای که به ادیان الهی وارد شده و از جمله دین متین و شریعت اسلام از ناحیه خود رای ها و بدعت گذاران بوده است خداوند در سوره مبارکه مائده با فاصله چند آیه کتاب تورات و کتاب انجیل را هدایت و نور معرفی می کند. (۳)

اما چه شد این دو کتاب آسمانی لبریز از تهمت ها به انبیای مقدس و بدعت ها شد به این دلیل که عده ای از انسان های منحرف و جاه طلب در آیات شریفه تورات و انجیل دست بردند و به رای خود آداب و رسومی را از مذهب موسی و عیسی علیهما السلام بیرون آورده و سخنان خویش را جایگزین کردند. البته خوشبختانه طبق وعده ای که خداوند

ص: ۲۱۳

۱- بحار الانوار ج ۱۷ ص ۲۱۶

۲- دعای بیستم صحیفه

۳- آیات ۴۴ و ۴۶

درباره حفظ قرآن شریف داده تا به امروز کسی نتوانسته دستبردی به آیات کریمه قرآن بزند و همچنان از تحریف و بدعت سالم مانده است.

ولی متأسفانه در سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و جانشینان آن حضرت دست بردند و از صدر اسلام تاکنون آداب و رسوم را به عنوان دین و نوعی عقیده در دین مقدس اسلام وارد کردند که اگر تلاش علمای ربانی و خادمین دین محمد صلی الله علیه و آله وسلم نبود برای اکثریت مردم حقیقت امر مجهول می ماند و دین ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم از دست می رفت و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم این احساس خطر را کرد و فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّيْبِ وَالْبِدْعِ مِنْ بَعْدِي فَاطْهَرُوا الْبِرَاءَةَ مِنْهُمْ (۱)

وقتی بعد از من با وسوسه گران و بدعت گذاران در دین مواجه شدید از آنها بیزاری جوید و دوری نمایید.

در روایتی دیگر فرمود: مَنْ وَقَّرَ صَاحِبَ بِدْعَةٍ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَيْدَمِ الْإِسْلَامِ (۲) لغت وَقَّرَ کسی که صاحب بدعتی را احترام بگذارد با عمل خود به ویران ساختن اسلام کمک کرده است.

چون لازمه پیروی و یا تشویق کسانی که در دین خدا تصرف می کنند و از خودشان حکمی را اضافه می کنند و یا حکمی را بر می دارند انهدام اسلام و نابودی احکام الهی است همان بزرگوار فرمود: مَا هَدَمَ الدِّينَ مِثْلُ الْبِدْعِ (۳)

چیزی مثل بدعت ها دین را ویران و تباه نکرده است.

آنهایی که از صدر اسلام حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کردند و در برابر قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و سیره معصومین علیهم السلام ایستادند و اظهار مخالفت کردند و با قیاس و استحسان جعل حکم نمودند طبق فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم هیچ کدام از اعمالشان قبول نخواهد شد.

ص: ۲۱۴

۱- وسایل ج ۱۶ ص ۵۰۸

۲- مجمع البحرین

۳- بحار ج ۷۸ ص ۹۲

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ لِصَاحِبِ بَدْعِهِ صَوْمًا وَلَا صَلَاةً وَلَا صَدَقَةً وَلَا حَجًّا وَلَا عُمْرَةً وَلَا جِهَادًا وَلَا صَرْفًا وَلَا عَدْلًا (۱)

خداوند از بدعت گذار نه روزه ای می پذیرد و نه نمازی نه صدقه و زکاتی نه حجی نه عمره ای نه جهادی نه نقدی و نه فدیة ای

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سخن را فراتر برده حتی راه توبه را بر بدعت گذار بسته است.

أَبِي اللَّهِ لِصَاحِبِ الْبَدْعِ بِالتَّوْبَةِ (۲) خداوند توبه بدعت گذار را نمی پذیرد.

چون بر فرض اینکه توبه کند آنهایی که به بدعت او عمل کرده اند گناهانشان به گردن اوست و اگر مرده باشند چگونه می تواند آن را از راهی که رفتند و مردند باز گرداند؟

امام صادق علیه السلام می فرماید: در زمان های گذشته مردی بود که به دنبال کسب حلال رفت ولی نتوانست ثروتی به دست آورد بعد دنبال کسب حرام نیز رفت موفق نشد پولی به چنگ آورد.

شیطان به سراغش رفت و گفت فلانی تو طلب حلال کردی موفق نشدی و بعد طلب حرام نمودی به دسن نیاوردی آیا می خواهی راهی به تو نشان بدهم که دنیایت آباد گردد و عده زیادی هم اطرافت جمع شوند؟

گفت آری شیطان گفت در دین بدعت بگذار و مردم را به بدعت خود دعوت کن. او هم چنین کرد مردم دور او را گرفتند و اطاعتش کردند و آنچه از ثروت دنیا می خواست به او رسید یکباره به فکر فرو رفت و به خود گفت می دانی که چه کرده ای؟ در دین خدا بدعت گذارده ای و مردم را به آن دعوت نموده ای بنابراین توبه ای برای کارت نداری مگر آنکه بروی تمام کسانی را که به دین جعلی خود دعوت کردی برگردانی.

اعلام کرد همه اصحاب و پیروانش در یک جا جمع شدند خطاب به آنها گفت آنچه من شما را به آن دعوت کردم باطل بوده و من بدعت گذار در دین هستم. پیروانش گفتند: تو

ص: ۲۱۵

۱- کنز العمال ۱۱۱۵

۲- بحار ج ۷۲ ص ۲۱۶

دروغ می گویی و دین حق همان بوده که تو می گفتی تو امروز خودت گرفتار شک در دینت شده ای به ناچار از آنها جدا شد و زنجیری برگردن خود بست بیرون شهر به ناله و فریاد افتاد و گفت: زنجیر را از گردنم برنمی دارم تا خداوند توبه ام را بپذیرد.

خداوند تبارک و تعالی به پیامبر آن زمان وحی فرستاد به فلان شخص بدعت گذار بگو به عزتم سوگند اگر آنقدر مرا بخوانی که گردنت بشکند دعایت مستجاب نخواهد شد مگر آنکه آنهایی را که به دعوت باطل تو منحرف شده و مرده اند بازگردانی و از عقیده غلط خود اعلان انصراف نمایند. (۱)

اینجا تکلف علما دین بسیار سنگین است از این جهت که باید از دین خدا مراقبت و نگهبانی کنند و مواظب باشند شیادان جاه طلب و پول پرست مردم عوام را فریب ندهند و با ادعاهای دروغین تحت نام شریف مولایمان علی علیه السلام و امام عصر روحی له الفدا باعث انحراف نگردند.

البته این تکلیف را بنیان گذار اسلام عزیر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بر دوش علماء و دانشمندان گذارده است.

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ (۲)

هرگاه بدعت ها در میان امت آشکار شوند بر عالم است که علم و دانش خود را آشکار سازد. هر کس چنین نکند نفرین خدا بر او باد. اسلام به ما اجازه نداده برای تایید بدعت گذار حتی به چهره اش لبخند بزیم به خاطر بزرگی گناهی که مرتکب شده است.

به این دو حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دقت کنید:

إِذَا رَأَيْتُمْ صَاحِبَ بَدْعِهِ فَافْكَهَرُوا فِي وَجْهِهِ (۳)

هرگاه بدعت گذاری را دیدید به او رو ترش کنید.

مَنْ تَبَسَّسَ فِي وَجْهِ مُبْتَدِعٍ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَدْمِ دِينِهِ (۴)

ص: ۲۱۶

۱- بحار ج ۷۲ ص ۲۱۹

۲- کافی ج ۱ ص ۵۴

۳- کنز العمال ۱۶۷۶

۴- بحار ج ۴۷ ص ۲۱۷

هر که به روی بدعت گذار لبخند بزند به ناپسند کردن دین خود کمک کرده است.

برادری

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجِرَانِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ إِذَا ذَكَرَهُمْ

هنگامی که امام سجاد علیه السلام بیاد همسایگان و برادران ایمانی و دوستانش می افتاد و در حقشان این گونه دعا می کرد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ... وَ وَفِّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعْفِيهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِيهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضِيهِمْ... وَ كَثْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نُصْرَةِ مَظْلُومِيهِمْ (۱)

خدایا آنان را به برپایی سنت هایت و کسب صفات پسندیده در سود رساندن به ضعیفان و جلوگیری از فقر و نداشتن و عیادت بیمارانشان موفق بدار و نیز بر آنان توفیق ده تا اسرار یکدیگر را حفظ و عیب هایشان را پوشانند و از مظلومانشان یاری نمایند.

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْرِي بِالْإِحْسَانِ مُسَبِّحِيهِمْ، وَ أَعْرِضْ بِالتَّحَاوُزِ عَنِ ظَلَمِيهِمْ، وَ أَسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافِّيهِمْ، وَ اتَّوَلَّى بِجَالِبِ عَامَّتِهِمْ، وَ أَعْضُ بِصَرِي عَنْهُمْ عَفَّةً، وَ أَلِينُ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضِعاً... (۲)

الها به من نیز توفیق ده تا با دوستان و هم جواران که رفتار ناپسند دارند به نیکی پاداش دهم و از ستمکاران آنان با چشم پوشی از ستمشان در گذرم و نسبت به همگی آنها خوش گمان باشم و با نیکی بر آنها سرپرستی ایشان نمایم و با پاکدامنی از لغزش آنها صرف نظر نمایم و در هنگام ملاقات با ایشان برخورد متواضعانه و ملایم داشته باشم.

خیرخواهی و رسیدگی به مسایل فردی و خانوادگی و اجتماعی اهل ایمان در مجموعه دعای امام علیه السلام مشهود است. مومن نباید درباره مشکلات مادی و اخلاقی و اعتقادی

ص: ۲۱۷

۱- دعای بیست و ششم صحیفه

۲- دعای بیست و ششم صحیفه

برادران ایمانیش بی تفاوت باشد بلکه باید احساس مسئولیت کند و برادری خود را در مواقع گرفتاریهای ایشان ثابت نماید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱)

به تحقیق که اهل ایمان با هم برادرند بنابراین باید برادران صلح برقرار کنید و از خدا بترسید شاید مشمول رحمت الهی واقع شوید.

نکاتی که در دعای امام علیه السلام در حق برادران ایمانی به چشم میخورد عبارت بود از ۱- کمک به برپایی سنت ها و کسب اخلاق خوب ۲- سود رساندن به ضعیفان ۳- جلوگیری از فقر ۴- عیادت از بیماران ۵- حفظ اسرار و عیب ها ۶- یاری مظلومان ۷- در مقابل رفتار ناپسند برخورد نیک ۸- گذشت از لغزش ها ۹- حسن ظن به کارهایشان ۱۰- در هنگام روبرو شدن ملایم و متواضع بودن. حقوق برادران هم کیش ما آن وقت ادا می شود که توصیه امام سجاد علیه السلام بدون سهل انگاری و به طور واقعی به اجرا در آید.

در هر جامعه ای که سفارشات امام علیه السلام که در قالب دعا فرموده پیاده شود مردم در رفاه و آسایش زندگی می کنند کانون خانواده گرم و با محبت افراد جامعه نسبت به هم مهربان و مال و جان و ناموسشان در امان خواهد بود.

کسی فکر نکند که این همه خدمت به برادران مسلمان و مومن بی پاداش می ماند امام محمد باقر علیه السلام نقل فرمود که حضرت موسی بن عمران در مناجات هایش یکبار شنید که خداوند می فرماید ای موسی من بعضی از بندگانم را بدون حساب داخل بهشت خواهم کرد.

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد پروردگارا آنها چگونه مردمی هستند؟ فرمود کسانی که باعث شادمانی مومنی گردند. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: مرد مومنی از ظلم و ستم

ص: ۲۱۸

پادشاه شهر خود هراسن شد و فرار کرد و به کافری پناه برد کافر او را پناه داد و به میهمانی پذیرفت.

هنگام مرگش که رسید به او خطاب شد به عزت و جلالم اگر در بهشت جایی برای مثل تو بود تو را داخل بهشت می کردم و لیکن آنجا حرام است بر کسی که با کفر از دنیا رود. اکنون ای آتش او را بترسان ولی نیازار امام علیه السلام فرمود خوراکش را در شبانه روز می آورند.

راوی پرسید آیا از بهشت برایش می آورند؟ فرمود از جایی که خداوند بخواهد. (۱) فیض کاشانی رحمت الله علیه چنین سرودهاست

ایستادن نفسی نزد مسیحا نفسی***به ز صد سال نماز است به پایان بردن

یک طواف سر کوی ولی حق کردن***به ز صد حج قبولست به دیون بردن

تا توانی ز کسی بار گرانی برهان***به ز صد نافه حمر است به قربان بردن

یک گریسته به طعامی بنوازی روزی***به ز صوم رمضان است به شعبان بردن

یک جو از دوش مدین دین اگر برداری***به صد خرمن طاعات بدیان بردن

به ز ازادی صد بنده فرمان بردار***حاجت مومن محتاج به احسان بردن

ملاحظه فرمودید حاجات برادران مومن منحصر به خدمات مالی نبود بلکه بخش زیادی از آنها جنبه اخلاقی و معنوی داشت که باید نسبت به آنها حساس باشیم و در خیر رساندن به ایشان قصور نکنیم

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: من تعجب می کنم از کسی که برادر دینی او از او کمک می طلبد ولی او امتناع می ورزد از اینکه حاجتش را برآورد و خودش را لایق انجام کار خیر نمی بیند آیا اینجا جای امیدواری به ثواب و نگرانی از عقاب نیست؟! أَفْتَرَهُدُونَ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ آیا در کسب مکارم اخلاق هم زهد می ورزید؟! (۲)

ص: ۲۱۹

۱- بحار ج ۱۶ ص ۸۱

۲- غرر الحکم ص ۴۹۶

حالا اگر کسی در خدمت مادی و معنوی نسبت به برادران مومن خود کوتاهی کرد به طور یقین در استخدام و افراد نالایق و بد در خواهد آمد.

مَنْ بَخَلَ بِمَعُونَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَالْقِيَامَ لَهُ فِي حَاجَتِهِ ابْتَلَى بِالْقِيَامِ بِمَعُونَةِ مَنْ يَأْتِمُّ عَلَيْهِ وَلَا يُوجِزُ (۱)

هر که از کمک و یاری به برادر مسلمان خود بخل ورزد و حاضر نشود که حاجتش را برآورد به یاری اشخاصی گرفتار شود که یاری آنان گناه باشد و اجری نیز به او نرسد.

در مقابل یاری رساندن به برادران و خواهران مومن سبب می شود در آخرت خوشحال و شادمان باشیم.

موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی در روی زمین بندگانی دارد که سعی و تلاش می کنند به مردم خدمت رسانی کنند این ها هستند که به حق ایمان به روز قیامت دارند.

وَمَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا فَرِحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲)

و هر کسی دل مومنی را شاد کند خداوند در روز قیامت قلبش را مسرور خواهد کرد.

خداست یار کسانی که یار یکدگرند***ز راه مهر و وفا دوستدار یکدگرند

شریک شادی و اندوه و رنج و راحت هم***به گاه محنت و غم غمگسار یکدگرند

نمی کنند دریغ از مساعدت در کار***همیشه در پی انجام کار یکدگرند

اثر ز تیرگی شب به کلبه شان نیست***که روشنایی شب های تار یکدگرند

شد افتخار و شرافت نصیب آن ملت***که طالب شرف و افتخار یکدگرند

قلوب اهل محبت بود به هم نزدیک***اگر چه دور ز شهر و دیار یکدگرند

چه طاعتی است پسندیده تر ز خدمت خلق***خوش آن گروه که خدمتگزار یکدگرند

صفوان جمال از یاران امام صادق و امام کاظم علیهما السلام می گوید در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودم مردی از اهل مکه به نام میمون وارد شد و از تنگدستی و نداشتن کرایه

ص: ۲۲۰

۱- کافی ج ۲ ص ۳۶۶

۲- بحار ج ۱۲ ص ۲۷۲

برای بازگشت به وطن شکایت نمود حضرت به من امر فرمود که برخیزم و او را کمک نمایم برخاستم و با مدد پرودگار خواسته او را انجام دادم و باز به مجلس بازگشتم

امام صادق علیه السلام از من موضوع را پرسید؟ عرض کردم خداوند حاجت او را برآورد فرمود: آگاه باش همراهی نمودن با برادر مسلمان أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَوْفِ أُسْبُوعٍ بِالْبَيْتِ مُبْتَدِئاً در نزد من از طواف ابتدایی هفت گانه در اطراف خانه کعبه محبوب تر است.

بردباری

وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ... وَانظُرْ إِلَيَّ وَانظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي (۱)

خدایا من طاقت سختی و صبر در برابر بلاها را ندارم و نیرویی برایم در مقابل فقر و تنگدستی نیست خدایا تو به من بنگر و ناظر احوالم در همه امور باش.

گرچه صبر و بردباری بخش از آن به اراده و تصمیم خود انسان بستگی دارد ولی بخش مهم آن را باید از خداوند تبارک و تعالی مدد خواست ما را کمک کند تا در برابر حوادث و مشکلات تحمل خود را از دست ندهیم و با صفت حلم به جنگ ناملايمات برويم.

حلم در مقابل عصبانیت و تندی قرار دارد انسان حلیم با مواجه عواملی که باعث ناراحتی و خشم انسان می گردد خشم و غیظ خود را فرو می برد و بر نفس خویش حاکم می گردد در روایات حلم در کنار علم بیان شده یعنی آن عالم و دانشمندی در کارش موفق است که همراه با علم حلم را نیز داشته باشد زیرا که برای آموزش و پرسش هایی که از او می شود و نوع ارتباطی که با مردم آن هم با سلیقه های متفاوت دارد به ناچار باید بردبار باشد که در غیر این صورت در رسالتش و وظیفه ای که به عهده اش گذاشته شده توفیقی نخواهد داشت.

ص: ۲۲۱

رسول الله فرمود صلى الله عليه و آله وسلم : نِعَمَ وَزَيْرُ الْإِيمَانِ الْعِلْمُ وَ نِعَمَ وَ زَيْرُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ وَ نِعَمَ وَ زَيْرُ الْحِلْمِ الرَّفْقُ وَ نِعَمَ وَ زَيْرُ الرَّفْقِ اللَّيْنُ (۱)

علم چه خوب یاوری است برای ایمان و حلم چه خوب یاوری است برای علم و حلم چه خوب یاری است برای مدارا و مدارا چه خوب یاوری است برای ملایمت

علامه مجلسی رحمه الله علیه پس از نقل حدیث فوق توضیح میدهد که حلم و مدارا و ملایمت گرچه از نظر معنی به هم نزدیک هستند ولکن با هم متفاوتند حلم عبارت است از ترک مکافات از کسی که به ما بدی روا داشته و سکوت در برابر کسی که نسبت به ما سفاقت و نادانی کرده است رفق و مدارا یعنی لطف و شفقت و محبت به بندگان خدا که نتیجه اش آن است که بندگان خدا درباره شما نادانی نمی کنند و بیشتر مردم نسبت به شما کار خلاف انجام نمی دهند ملایمت یعنی ترک خشونت و غلظت و ضرر زدن به خلق.

همان بزرگوار می فرمود وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا جُمِعَ شَيْئٌ إِلَى شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ حِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ (۲)

سوگندبه آن خدایی که جانم در اختیار اوست هیچ چیز با هم اجتماع نمی کنند که برتر از اجتماع حلم با علم باشند.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: زنی خدمت حضرت فاطمه علیهما السلام شرفیاب شد و گفت مادر ناتوانی دارم که در امر نمازش به مسئله مشکلی برخورد کرده و مرا خدمت شما فرستاده است که سوال کنم و پرسشی نمود حضرت فاطمه علیها السلام جواب آن سوال را داد آن زن برای دومین بار مسئله دیگری را پرسید حضرت زهرا علیها السلام جوابش را داد بعد از آن مسئله سوم را پرسید و همچنین تا ده مسئله شد. آنگاه آن زن از کثرت سوال خجالت کشید و عرض کرد لَا أُشَقُّ عَلَيْكَ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَتْ فَاطِمَةُ: هَاتِي وَ سَلِي عَمَّا بَدَأَكَ أَي دَخْتِ رَسُولَ خَدَا دِيْغَر مَزَا حَم نَمِي شُوم خَسْتِه شَدِيدِ فَاطْمِه عَلِيْهَا السَّلَام فرمود:

ص: ۲۲۲

۱- بحار ج ۲ ص ۴۵

۲- بحار ج ۲ ص ۴۶

خجالت نکش هر سوالی داری بپرس تا جواب دهم من از سوالات تو خسته نمی شوم بلکه با کمال میل جواب می دهم اگر کسی اجیر شود که بار سنگینی را بر بام حمل کند و در وجه آن مبلغ صد هزار دینار اجرت بگیرد آیا از حمل بار خسته می شود؟!

زن پاسخ داد نه خسته نمی شود زیرا به خاطر آن مزد زیادی که دریافت می کند خسته نخواهد شد.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

خدا در برابر هر مسئله انقدر به من ثواب می دهد که بیشتر از این که بین زمین و آسمان پر از مروارید باشد.

با این وجود آیا از جواب دادن مسئله خسته می شوم؟!

از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که فرمود علما شیعه ما در قیامت محشور می شوند و خدا به مقدار علوم آنها و مراتب جدیت و کوششان در راه ارشاد و هدایت مردم به آنان خلعت و ثواب عطا می کند. سپس منادی حق تعالی ندا می دهد ای کسانی که ایتم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم را تکفل نمودید در آن هنگامی که از امامانشان منقطع بودند اینان شاگردان شما و ایتمی هستند که در تحت تکفل علوم شما به دین داری خویش ادامه دادند و ارشاد و هدایت شدند به مقداری که در دنیا از علوم شما استفاده کردند به آنان خلعت بدهید آنگاه حضرت زهرا علیها السلام در ادامه فرمایشاتشان فرمودند:

ای امه الله یک نخ از این خلعت ها هزار هزار مرتبه بهتر است از آنچه خورشید بر آن می تابد زیرا امور دنیوی با کدورت و گرفتاری آلوده است اما نعمت های اخروی نقص و عیب ندارد. (۱)

و چه خوب است آنان که در کار نشر فرهنگ اصیل اسلام هستند با مخاطبین و سوال کنندگان خود چون فاطمه علیها السلام حلیم و کریمانه صحبت کنند و پاسخ دهند.

ص: ۲۲۳

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

أَوَّلُ عَوْضِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ أَنَّ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ (۱)

اولین ثمره بردباری آن است که مردم در برابر نادان او را یاری کنند همان بزرگوار حتی طریقه تخلق به بردباری را برای کسانی که علاقه مند هستند این صفت پسندیده را به دست آورند آموزش می دهد.

إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ (۲)

اگر بردبار نیستی خود را به بردباری وادار ساز که کم می شود کسی خود را شبیه گروهی کند و از جمله آنها نشود.

برزخ

وَاجْعَلْهُ أَبَاً مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ، وَ مِفْتَاحاً مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ أَمِنَّا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ (۳)

خدایا مرگ مرا دری از درهای مغفرت و کلیدی از کلیدهای رحمتت قرار ده الهما ما را بمیران در حالی که هدایت شده ایم و گمراه نیستیم.

بعد از مرگ عالم برزخ است و برزخ جایگاهی است بین دنیا و آخرت

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحْيَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۴)

تا هنگامی که مرگ به سراغ یکی از آنها آید آنگاه گوید پروردگارا مرا بازگردان تا شاید به عنوان تدارک گذشته کارهای پسندیده انجام دهم هرگز این سخنی است که او می گوید در پشت سر آنها تا روز قیامت برزخ می باشد.

ص: ۲۲۴

۱- حکم و مواظ ۱۹۷

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۱۹۸

۳- دعای چهلم از صحیفه

۴- مومنون ۹۹ و ۱۰۰

امام صادق علیه السلام می فرمود برزخ همان عالم قبر است که پاداش و کیفر میان دنیا و آخرت است به خدا ما بر شما نمی ترسیم مگر از برزخ. (۱)

در عالم برزخ هم نعمت هست و هم عذاب مومنین برزخ خوبی دارند ولی کافران و منافقین و فاسقان در عذابند.

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اذْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲)

همان کسانی که فرشتگان در حالی که پاکیزه اند روح آنها را میگیرند و به آنها می گویند سلام بر شما داخل بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید.

مرحوم طبرسی می گوید: وَ فِي هَذَا دَلَالَةٌ عَلَى نَعِيمِ الْقَبْرِ (۳)

و در این آیه دلالتی بر نعمت های قبر و برزخ است.

در عالم برزخ شهدا وضع خوبی دارند و مشمول فضل پروردگار

گمان مبرید آنانی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

رَحِيمٍ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

از آنچه خداوند از فضل خویش به آنها بخشیده خوشحالند و از سرنوشت آنهایی که به دنبالشان می آیند و هنوز به آنها ملحق نشده اند شادمانند که نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند. (۴)

و همین عبارات یرزقون، فرحین، یسْتَبْشِرُونَ دلالت بر زنده بودن شهیدان و بهره مندی آنان از نعمت های الهی در عالم برزخ می کند درباره برزخ مجرمین و کافران خداوند می فرماید:

ص: ۲۲۵

۱- آیه های زندگی ص ۲۷

۲- نحل ۳۲

۳- مجمع البیان ج ۳ ص ۴۲۱

۴- آل عمران ۱۶۹ و ۱۷۰

آل فرعون را گرفتار عذاب سختی کرد آتش را صبح و شب بر آنها عرضه می دارند و در روز قیامت فرمان داده شود آل فرعون را به سخت ترین عذاب وارد جهنم کنید. (۱)

توجه می فرمایید که عرضه دادن آتش قبل از قیامت برای آل فرعون است یعنی در عالم برزخ در ایه برای برزخشان سُیوُء العذاب دارد و برای قیامتشان أَشَدُّ العذاب

امام علی علیه السلام تابلوی شفاف و روشنی از عالم برزخ روبروی ما گذارده تا به خود آییم و برای برزخ و قیامت خود گامی برداریم.

وای که چه هدف و مقصد دوری است و چه دیدارکنندگان غافل آن هم غفلت از خطری که این اندازه شدید و هولناک است.

از جای خالی مردگان عبرت نگرفتند در حالی که بسی مایه عبرت است آنها راه نزدیک عبرت گرفتن را رها کردند و از جایی دور و بی ثمر از مرده های خود طلب افتخار می کنند آیا به مکان هایی افتخار می کنند که پدرانشان در آن خفته اند و یا به تعداد هلاک شدگانشان می نازند گویی جسدهایی از روح تهی شده و بی حرکت را به دنیا باز می گردانند در حالی که این وضع برای عبرت گرفتن سزاوارتر است از فخرفروشی. بعضی پادشاه و بعضی رعیت و فرمانبر همگی راه خویش را تا به درون برزخ طی کردند که در آن عالم زمین بر آنها چیره شده گوشت بدنشان را خورده و خون هایشان را اشامیده است.

پس صبح کرد در حالی که در شکاف قبرهایشان بی حرکت و چون جماد شدند.

دیگر هول ها آنها را نگران نمی کند و دگرگونی ها محزونشان نمی سازد و از زلزله ها هراسی ندارند و صدای بادهای شدید را نمی شنوند غایبانی هستند که کسی در انتظارشان نیست حاضرانی هستند که حضور ندارند و در میان جمع نیستند اری در گذشته در جمع بودند و بعد پراکنده شدند با هم الفت داشتند و بعد متفرق شدند.

ص: ۲۲۶

اخبار مربوط به آنها نامعلوم و خانه هایشان خاموش مانده البته نه به خاطر طولانی بودن زمان و یا دوری مکان بلکه جامی به آنها نوشاندند که گویا نطقشان را به گنگی و قدرت شنیدنشان را به کری و حرکاتشان را به سکون مبدل ساخته است گویی چون افراد بیهوش به خاک افتاده و خوابیده اند.

در عین حال که قبرهایشان کنار هم و همسایه یکدیگرند اما با هم انس نمی گیرند دوستانی هستند که به دیدار یکدیگر نمی روند ارتباطات برادری و آشنایی بینشان قطع شده و ایا اینکه یکجا هستند ولی همه آنها غریب و تنها می باشند و با اینکه دوستان یکدیگرند ولی از هم جدایند شب و روز را تشخیص نمی دهند آن شب و یا روزی که از دنیا رفته اند برایشان همیشگی است. خطرها و حالات سخت آخرتشان را شدیدتر از آنچه می ترسیدند مشاهده کردند و علایمی را دیدند که بزرگتر از آنچه بود که فکر می کردند و این دو حالت در نعمت بودن و یا عذاب برایشان ادامه دارد تا قیامت برپا شود و در آن فاصله برای دوزخیان نهایت ترس و بهشتیان نهایت امیدواری است.

حالا اگر به کمک عقل حال و وضع ایشان را تصور کنی و یا پرده ها از جلوی چشمت کنار روند و چشم برزخی پیدا کنی خواهی دید که چگونه گوش هایشان از انبوه خزندگان کر شده و دیده هایشان از خاک قبر نابینا گشته و زبان هایشان پس از نطق و بیان لاله گردیده و دل هایشان پس از بیداری به خواب رفته است.

و در هر عضو بدنشان پوسیدگی تازه ای که آن را زشت کرده و تباهشان ساخته مشاهده می شود و راه های ضربه زدن به آنها آسان گردیده در حالی که اندامشان آسیب پذیر گشته و دست هایی ندارند که از خود دفاع کنند و نه دل هایی که ناله و فریاد نمایند. راستی که مرگ را سختی هایی است که در بیان و الفاظ ننگجد و عقل های مردم دنیا آن را درک نکنند. (۱)

ص: ۲۲۷

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهِلَالِ...

از جمله دعاهای حضرت علیه السلام در آن هنگام که بر ماه در شب اول نگاه می کرد.

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبِّكَ، وَ خَالِقِي وَ خَالِقِكَ، وَ مُقَدِّرِي وَ مُقَدِّرَكَ، وَ مُصَوِّرِي وَ مُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَيِّرَ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْ يَجْعَلَ لَكَ هِمَالَ بَرَكَهٍ لَا تَمَحُّهَا الْأَيَّامُ (۱)

از خدایی که پروردگار و خالق من و توسل و تقدیرکننده امور و صورت بخش من و توسل مسئلت می جویم که بر محمد و ال او درود فرستد و تو را ماه برکت برای ما قرار دهد که در مرور زمان برکت از آن زایل نشود.

برکت در لغت به معنی پایداری و بر جای ماندن و اعتماد و اطمینان نقل شده است در اصطلاح این لغت را بیشتر در معنی رشد و فزونی و سعادت به کار برده اند.

این کلمه به صورت مفرد در قرآن نیامده ولی به جمع بیان شده است.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ (۲)

و اگر ساکنین شهرها ایمان می آوردند و تقوا را پیشه خود می ساختند برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می گشودیم.

همسر ابراهیم علیه السلام وقتی از مژده فرزند دار شدن به شگفت آمده بود فرشتگان مامور الهی گفتند:

أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (۳)

آیا از کار خدا تعجب می کنی؟ رحمت خدا و برکاتش بر شما اهل بیت بوده و هست که او ستوده و بزرگوار است.

ص: ۲۲۸

۱- دعای چهل و سوم صحیفه

۲- اعراف ۹۶

۳- هود ۷۳

کلمه مبارک به صورت اسم مفعول از باب مفاعله این ریشه در قرآن به معنای خیر و برکت آمده است.

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (۱)

اولین خانه ای که برای انسان بنا شد همان است که در مکه می باشد و مایه برکت و هدایت جهانیان است.

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ (۲)

عیسی بن مریم گفت: من بنده خدایم که به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است و مرا در هر کجا باشم وجودی مبارک و پربرکت کرده است در آیه معروف نور که با جمله **اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ** شروع می شود جمله **يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ** تفسیر به حضرت ابراهیم علیه السلام جد اعلای حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم شده است. (۳)

و در جای دیگر تاویل به نور علی علیه السلام شده که از درختی مبارک فروغ می گیرد که نه شرقی و نه غربی است (۴)

در تعقیبات مشترکه نمازها عرض می کنیم **وَ انشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ انزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ** خدایا رحمت را برای من نشرده و برکات را بر من نازل فرما.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوجِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارِكِ بار خدایا من از تو خواستارم به نام مکنون و مخزون و پاک و پاکی بخش و با برکت تو

چه عواملی باعث می شود خداوند به عمر و مال و اولاد و چشم و گوش و زبان و قلم ما برکت می بخشد. قرآن شریف دو عامل مهم را ایمان و تقوا برشمرد چنانکه در این مقال آیه را مرور کردیم.

ص: ۲۲۹

۱- آل عمران ۹۶

۲- مریم ۳۰ و ۳۱

۳- اصول کافی ج ۱ ص ۱۹۵

۴- مجمع البیان ج ۷ ص ۱۴۳

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای برکت در کسب و تجارت می فرمود:

كَيْلُوا طَعَامَكُمْ فَإِنَّ الْبَرَكَهَ فِي الطَّعَامِ الْمَكِيلِ (۱)

خوراکی های خود را وزن و پیمانه کنید که برکت در خوراک وزن شده است همان گرامی فرمود:

ثَلَاثٌ فِيهِنَّ الْبَرَكَهَ: الْبَيْعُ إِلَى أَجَلٍ وَ الْمُقَارَضَةُ وَ إِخْلَاطُ الْبُرِّ بِالشَّعِيرِ لِلْبَيْتِ لَا لِلْبَيْعِ (۲)

در سه چیز برکت است: فروش مدت دار وام دادن به یکدیگر و مخلوط کردن گندم با جو برای مصرف خانه نه برای فروش.

بعضی از مردم احساس می کنند برکت و رونقی در کسب و تجارتشان و نوع درآمدشان نیست و دنبال آن هستند که علت را ریشه یابی کنند باید به ایشان گفت قبل از هر چیز تلاش کنند درآمد حلال داشته باشند و از احجاف و احتکار و گران فروشی و معاملات ربوی پرهیزند و از راه باطل ثروت نیدوزند خواهند دید که خداوند چگونه به ثروت اندک آنان برکت و رونق عنایت می فرماید.

حضرت جواد الائمه و امام هادی علیها السلام هر دو بزرگوار فرمودند:

إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي وَ إِنْ نَمِيَ لَا يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ وَ مَا أَنْفَهُ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهِ وَ مَا خَلَّفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ (۳)

ثروت حرام رشد نمی کند و اگر هم رشد کند بر صاحبش برکتی ندارد و اگر از آن چیزی انفاق کند پاداشی نخواهد دید و آنچه پس از خود بر جای گذارد توشه او به سوی دوزخ است.

و هشدار مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام برای کل جامعه این است:

إِذَا ظَهَرَتِ الْجَنَايَاتُ ارْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ (۴)

هرگاه جنایت ها و تجاوزات به حقوق یکدیگر آشکار شود برکت ها از میان برود.

ص: ۲۳۰

۱- کنز العمال ۹۴۳۴

۲- همان مدرک ۹۴۳۶

۳- کافی ج ۵ ص ۱۲۵

۴- غررالحکم

و رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: چهار چیز است که اگر یکی از آنها به خانه ای در آید آن را ویران کند و از برکت آبادان نشود خیانت، دزدی، شراب خوری، زنا (۱).

امیر المومنین علیه السلام که از عوامل برکت زا برای آحاد جامعه فرمود درباره وسعت برکت در جامعه می فرماید: بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ (۲)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةٍ (۳) ما قرآن را در شب مبارک نازل کردیم و مصداق مکان هم آیه ۹۶ سوره مبارکه ال عمران بود که گذشت إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا أَوَّلِينَ خانه ای که برای انسان بنا شد همان است که در مکه می باشد و مایه برکت جهانیان است.

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ (۴)

ص: ۲۳۱

۱- بحار ج ۷۹ ص ۱۹

۲- غررالحکم

۳- دخان ۳

۴- اسراء ۱

منزه است خدایی که شبی بنده اش را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر داد همان مسجدی که اطرافش را پر برکت کردیم.

بزرگواری

إِنَّكَ أَكْرَمُ مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ، وَ أَكْفَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ، وَ أُعْطِيَ مَنْ سُئِلَ مِنْ فَضْلِهِ (۱)

پروردگارا تو بزرگوارتر از آنی که از او درخواست شود و بی نیاز کننده ترین کسی هستی که بر او توکل شود و تویی هرگز از او بخواهد می دهی و که تفضل می فرمایی. خداوند اکرم از انسان کریم است أَلَا كَرَمُ أَفْعَلُ التَّفْضِيلِ است و به معنای صاحب کرامت بزرگ و وسیع است. چرا او را کریم می خوانیم چون در هنگام قدرت می بخشد و وقتی به بنده اش وعده ای می دهد به عهد خود وفا میکند و اگر انسان از او حاجتی را طلب کند بیش از نیازش به او عطا می فرماید و باکی ندارد که چقدر می دهد و به چه کسی می دهد.

رب کریم آنقدر نظر بلند و بزرگوار است که رضایت نمی دهد بنده اش به در خانه غیر او برود و حاجت طلب کند. پروردگار با کرامت تمام راه های ملاقات و اتصال به خود را باز گذارده و حتی یاد داده که اگر خود به خاطر کثرت گناهان و لغزش ها شرم حضور داشتید و از صحبت با من خجالت زده بودید با وسایل و شفاعت کنندگان به من مراجعه کنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (۲)

شما که ایمان دارید از خدا بترسید و با وسیله به او تقرب جوید.

ص: ۲۳۲

۱- دعای چهل و پنجم صحیفه

۲- مائده ۳۵

از ابن شهر آشوب نقل شده که حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در تفسیر کلام خدا *وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ* فرمود: *أَنَا وَسِيلَتُهُ* من وسیله تقرب به خدا هستم (۱).

چون محمد و آل خانواده کریم و بزرگواری هستند و ایشانند که باب لطف و کرم خداوند هستند چنانکه در زیارت ارزشمند جامعه کبیره عرض می کنیم *عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ* عادت شما احسان و منش شما کرم است.

و خطاب به وجود نازنین امام عصر ارواح العالمین له الفداء عرض می کنیم: *وَ أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَ مَيَامُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَ الْإِجَارَةِ فَاضِي وَ أَجْرَنِي وَ تُوَايَ مَوْلَايَ مِنْ بَزْرُغُوَارِي وَ مِنْ بَزْرُغُوَارِي بَزْرُغُوَارَانِ وَ مَامُورٍ بِذِيَارِي وَ پناه دادن پس مرا میهمان کن و پناه ده و چه خوب است ما نیز کرامت و بزرگواری را از خداوند اکرم و محمد و آل علیهم السلام بیاموزیم و نسبت به یکدیگر کریمانه برخورد کنیم.*

در روایات واجدین صفت گرانقدر کرم را این چنین بیان می کنند:

امام حسین علیه السلام در پاسخ به این پرسش که بزرگواری چیست فرمود:

الْإِتْدَاءُ بِالْعَطِيَّةِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ فِي الْمَحَلِّ (۲)

قبل از سوال و در ابتدا عطا کردن و اطعام مردم در موقع قحطی

امام صادق علیه السلام می فرمود: سه چیز نشانه بزرگواری آدمی است خوشرویی، فرو بردن خشم، چشم پوشی از لغزش دیگران. (۳)

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: *الْكَرَمُ مَلِكُ اللِّسَانِ وَ بَدَلُ الْإِحْسَانِ (۴)*

بزرگواری در اختیار داشتن زبان و بدل احسان است.

همان بزرگوار فرمود: *إِنَّمَا الْكَرَمُ التَّنَزُّهُ عَنِ الْمَعَاصِي (۵)*

بزرگواری در حقیقت دوری کردن از گناهان است.

ص: ۲۳۳

۱- مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۷۳

۲- بحار ج ۷۸ ص ۱۰۲

۳- تحف العقول ص ۳۱۹

۴- غررالحکم

امام سجاد علیه السلام فرمود: شخص بزرگوار از فضل خود شادمان می شود و آدم پست به ملک و دارایی خویش می نازد. [\(۱\)](#)

امام حسن علیه السلام فرمود: أَوْسَعُ مَا يَكُونُ الْكَرِيمُ بِالْمَغْفِرَةِ إِذَا ضَاقتِ بِالْمُذنبِ الْمَعذِرَةُ [\(۲\)](#)

شایسته ترین زمان بر این که بزرگوار گذشت کند وقتی است که عرصه عذر بر گنه کار تنگ گردد.

دوستان خواننده خوب می دانند افرادی در جامعه هستند که زبان تند و آلوده به ناسزا دارند برای مواجهه با آنان بهترین راه بزرگواری است و مبادا که ما نیز مثل آنان زبان به ناسزا بگشاییم در این صورت تفاوتی بین ما و آنان نخواهد بود.

در دو جای سوره مبارکه فرقان خداوند مهربان به ما می آموزد که با افراد بی خبر و نادان چگونه برخورد کنیم.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا [\(۳\)](#)

بندگان خدای رحمان آنانی هستند که بی تکبر روی زمین راه می روند و اگر نادانی چیزی به آنها بگویند در جواب سلام می گویند.

وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا [\(۴\)](#)

و هرگاه با کار زشتی روبرو شوند از خود بزرگواری نشان می دهند.

ص: ۲۳۴

۱- میزان الحکمه ج ۱۱ ص ۵۱۵۰

۲- همان مدرک

۳- فرقان ۶۳

۴- فرقان ۷۲

وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتَهُ رِسَالَتَكَ فَأَدَّاهَا، وَ أَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ لِأُمَّتِهِ فَصَحَّ لَهَا (۱)

خدایا شهادت می دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بنده و رسول توست و از بهترین خلقت می باشد. بار رسالت را بر دوش او گذاشتی و او به خوبی ابلاغ کرد وی را به نصیحت امتش فرمان دادی او امت را پند داد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم آخرین پیامبر و آخرین پیامبر اولوالعزم است اما بهترین خلق بودنش را از زبان خود آن بزرگوار ملاحظه کنیم.

إِيَّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا رَحِمَةٌ مُهْدَاةٌ (۲)

ای مردم من در حقیقت رحمتی اهدایی از جانب خدا هستم.

أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ لَا فَخْرَ (۳)

خودستایی نباشد من سرور و فرزندان آدم هستم.

خودستایی نباشد من جلودار پیامبرانم خاتم پیامبران و نخستین شفاعت کننده و اول کسی هستم که شفاعتش پذیرفته می شود.

(۴)

إِنَّ اتِّقَاكُمْ وَ أَعْلَمَكُمْ بِاللَّهِ أَنَا (۵)

من خدا ترس ترین و آگاه ترین شما در خداشناسی می باشم.

مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَ لَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي (۶)

خداوند هیچ مخلوقی نیافرید که از نظر او از من برتر و گرامی تر باشد.

امام سجاده علیه السلام در قسمت دوم دعای خود عرض کرد: که الها رسالتی که بر دوش حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم گذاشتی به خوبی انجام داد.

مولایمان علی علیه السلام درباره خوب انجام دادن رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین میفرمود: طیبی

ص: ۲۳۵

٣- بحار ج ٨ ص ٤٨

٤- كترالعمال ٣١٨٨٢

٥- همان مدرک

٦- عيون اخبار الرضا عليه السلام ج ١ ص ٢٦٢

بود که با دانش خود میان مردم میگردید. مرهم هایش را درست و آماده کرده و آن را بر هر جا که لازم بود از دل های کور و گوش های کر و زبان های گنگ می گذاشت با داروی خود بیماری غفلت و سرگردانی را در کسانی که از پرتوهای حکمت روشنایی برنگرفته بودند و با آتش زنه های دانش های درخشان شعله ای نیفروخته بودند و هم چون حیوانات چرنده و تخته سنگ های سخت بودند در مان کرد. (۱)

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَ مُهِمًّا عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۲)

خداوند سبحان محمد صلی الله علیه و آله وسلم را فرستاد تا به جهانیان هشدار دهد و گواه بر پیامبران باشد.

در جای دیگر فرمود: أَرْسَلَهُ دَاعِيًا إِلَى الْحَقِّ وَ شَاهِدًا عَلَى الْخَلْقِ فَيَلْبَغُ رِسَالَاتِ رَبِّهِ غَيْرَ وَ انِ وَ لَا مُقَصِّرٍ وَ جَاهِدًا فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَ اهِنٍ وَ لَا مُعَدِّرٍ وَ بَصْرٌ مِّنْ اهْتَدَى (۳)

خداوند او را برای دعوت به حق و گواه بودن بر مردمان فرستاد و آن حضرت پیام های پروردگارش را بدون کمترین سستی و کوتاهی ابلاغ کرد و با دشمنان او بدون نشان دادن کمترین ضعف و اظهار کوچکترین بهانه ای جهاد کرد و پیشوای پرهیزکاران و دیده رهجویان بود.

یکی از راه هایی اثبات نبوت انبیا معجزه آنهاست و تمامی آن بزرگواران با منکران و مخالفان خود برای اثبات نبوت خویش معجزه ای می آورده اند.

و پیامبر اسلام از این جهت استثنا نبوده است. معجزات رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به دو گونه بود

یکی قرآن کریم که معجزه علمی و جاودان اوست و دیگری معجزات عملی آن حضرت که برخی از آنها در قرآن و موارد دیگر در کتاب های حدیث و تاریخ نقل شده است.

قرآن در جنبه ادبی و فن فصاحت و بلاغت در چنان مرتبه ای بود که هیچ یک از ادیبان و فصیحان عرب نتوانستند قدرت اعجاز و خارق العاده بودن آن را انکار کنند.

ص: ۲۳۶

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۹۰

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۱۶

۳- همان مدرک خطبه ۱۸۵

ولید بن مغیره از بلاغت فوق العاده ای برخوردار بود وقتی ابوجهل برادرزاده اش نزد او رفت و گفت ای عمو تو به دین محمد در آمدی؟

ولید گفت: چنین نیست من بر دین پدران خود باقی هستم لیکن من کلامی از او شنیدم که بدنم از آن سخن به لرزه افتاد.

ابوجهل گفت: آیا کلام او شعر است؟ گفت شعر نیست گفت آیا گفتار محمد خطاب به است؟ گفت خطاب به هم نیست زیرا خطاب به کلامی است که به هم متصل است ولی کلام محمد از هم پراکنده می باشد و به هم شباهتی ندارد و با این حال بسیار شیرین و زیباست کلام او سحر است و دل مردم را مسحور می کند کلام او که به عنوان کلام خدایش می خواند حلاوت و طراوت مخصوص به خود را دارد.

کلام او به سان درخت استوار است که در زمین ریشه دوانیده و بر فرازش میوه دانش حکمت قرار دارد کلام او از هر سخنی بالاتر است هیچ کلامی برتر از سخن او وجود ندارد کلام او مادون خود را خرد و بی مقدار می نماید. (۱)

به یک معجزه عملی که مولایمان علی علیه السلام نقل می فرماید و مرحوم سید شریف رضی در خطبه ۲۳۴ نهج البلاغه آورده توجه کنید.

من در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودم که سران قریش نزد آن حضرت آمدند و گفتند: ای محمد صلی الله علیه و آله وسلم تو دعوی کار بزرگ کرده ای که چنین ادعایی نه پدرانت و نه کسی از خاندانت کرده اند و ما از تو سوالی می کنیم که اگر پذیرفتی و آن را به ما نشان دادی باور میکنیم که تو نبی و رسول هستی و اگر نتوانستی خواسته ما را برآورده سازی به تحقیق که تو جادوگر و دروغگو هستی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: سوال شما چیست؟ گفتند این درخت را بخوان تا از بیخ و بن بیرون آید و در برابر تو قرار گیرد.

ص: ۲۳۷

پیامبر فرمود خداوند بر همه چیز قادر است اگر پروردگار این کار را برای شما انجام دهد آیا ایمان می آورید و شهادت به حق می دهید؟ گفتند آری فرمود من آنچه را می خواهید به شما نشان خواهم داد ولی می دانم که شما به راه خیر باز نمی گردید و در بین شما کسی است که در چاه (بدر) انداخته می شود و کسی است که گروه ها را گرد هم خواهد آورد.

آنگاه فرمود: ای درخت اگر به خدا و روز قیامت ایمان داری و می دانی که من رسول خدایم از ریشه و بن بیرون آی و به اذن پروردگار در مقابل من قرار گیرد. به آن خدایی که حضرتش را به حق مبعوث به رسالت فرمود درخت از ریشه و بن بیرون کنده شده و نزد آن بزرگوار آمد و در حالی که صدایی سخت مانند صدای بالهای مرغان داشت و همان مرغ پر و بال زنان ایستاد و شاخه بلند خود را بر سر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و بعضی از شاخه هایش را بر دوش من افکند و من در طرف راست پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بودم.

پس وقتی آنان این معجزه را دیدند از روی گستاخی و کبر گفتند: بگو تا نیم آن نزد تو آید و نیم دیگر بر جای ماند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم چنین کرد و امر فرمود نیم آن نزد حضرت آمد چنان با شتاب و سخت ترین صدا که نزدیک بود به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بیچد آن مردم بار دیگر از روی ناسپاسی و ستیزگی گفتند: امر کن این نیمه باز گردد و به نیمه خود پیوند بخورد مثل اول: پیامبر امر فرمود درخت باز گشت.

پس من گفتم: لا إله إلا الله من اول کسی هستم که به تو ایمان آورده ام ای رسول خدا و اول کسی هستم که اقرار می کنم این درخت آنچه فرمودی اجرا کرد تا نبوت تو را تصدیق کند و کلامت را بزرگ شمارد.

پس آن قوم دسته جمعی گفتند: جادوگری است دروغگو شکفتا جادویی که با تردستی و سرعت انجام می دهد و گفتند آیا ترا در کارت غیر این شخص که منظورشان من بودم تصدیق می کند؟ و من از گروهی بودم که از سرزنش ملامت کنندگان باز نمی ایستند.

در پایان به این نکته هم توجه کنید که از ویژگی های حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم جهان شمولی و خاتمیت حضرت است.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ (۱)

ما تو را جز برای همه مردم جهان نفرستادیم.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا (۲)

بگو ای مردم من برای همگی شما از جانب خداوند پیام آورم.

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳)

محمد صلی الله علیه و آله وسلم پدر هیچ کدام از مردان شما نیست و لکن رسول خدا و خاتم پیامبران است و خداوند بر همه چیز آگاه است.

ص: ۲۳۹

۱- سبا ۲۸

۲- اعراف ۱۵۸

۳- احزاب ۴۰

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَدِلْنِي مِنْ بَغْضِهِ أَهْلَ الشَّنَائِ الْمَحَبَّةِ (۱)

الها بر محمد و آل او درود فرست و بغض کینه ورزان را برای من به محبت تبدیل کن.

بغض به معنی کینه دشمنی و نفرت است بغض نسبت به خدا و انبیا و اولیا و مومنین نازیبا و گناه است ولی بغض نسبت به دشمنان خدا و انبیا و اولیا و اهل ایمان مثل حب و دوستی خدا و انبیا و اولیا و مومنین است.

تولی و تبری یعنی دوست داشتن خوبان عالم و بیزاری و اظهار نفرت درباره دشمنان و این جزء فروع دین است و برخلاف طرز تفکر بعضی ها که صلح کل هستند اسلام حب و بغض را در صورتی که به جا مصرف شود با هم دارد. پس دین ما جاذبه و دافعه را با هم دارد این درست نیست که با دشمنان خدا و دین خدا که سر ستیز با ما دارند دست دوستی دراز کنیم و تن به ذلت بدهیم به دو آیه اول سوره مبارکه ممتحنه خوب دقت کنید که ترجمه آن این است:

ای اهل ایمان با دشمنان من و دشمنان خودتان پیوند دوستی برقرار نکنید. شما نسبت به آنها اظهار محبت می کنید ولی آنان به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول خدا و شما را به خاطر ایمان به خدایی که پروردگار شماست از شهرتان بیرون می رانند. اگر شما برای جهاد در راه من و جلب رضایت من بیرون آمده اید پس چرا مخفیانه با آنها رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه مخفی می دارید و یا آشکار می سازید آگاه ترم و هر کسی از شما چنین کاری را انجام دهد به حقیقت از راه راست گمراه شده است.

اگر با شما برخورد کنند دشمنان باشند و دست و زبان خود را به بدی کردن به شما می گشایند و دوست دارند که شما به کفر باز گردید.

ص: ۲۴۰

خداوند با ترسیمی روشن و شفاف وضع دشمنان اسلام را به ما میفهماند که باید با مومنین مهربان و صمیمی باشیم ولی با کسانی که کمر به نابودی ما بسته اند رابطه دوستانه نداشته باشیم چون به خاطر کینه و عنادی که دارند به ما ضربه خواهند زد.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (۱)

محمد صلی الله علیه و آله وسلم رسول خداست و آنانی که با او هستند با کافران سرسخت و در بین خود مهربانند.

آیات فرآوانی در قرآن موجود است که با کلمه برائت از مشرکان و دشمنان اسلام بیان شده انبیا و پیامبر عزیز اسلام صلوات الله علیهم اجمعین مامورند از آنان که مجرمند و قصد اصلاح شدن ندارند اظهار تنفر و بیزاری نمایند. خوانندگان محترم کافی است به این آیاتی که شمارگانشان را ارائه می دهیم مراجعه نمایند. (۲)

بعد از آیات کریمه قرآن سیره عملی معصومین علیهم السلام برای ما حجت می باشد به عنوان نمونه شخص امیرالمومنین علی علیه السلام چگونه با خوارج و اهل صفین و جمل روبرو شد و آنان را از پای در آورد و کوچکترین انعطافی نسبت به دین گریزان و آن هایی که شمشیر بر روی امام زمان خود کشیدند نشان نداد ولی در مقابل با فقرا و مساکین و درماندگان جامعه و ایتم در نهایت لطف و مهربانی برخورد می کرد و گره از کارشان باز می نمود.

در مواقعی که به فقرا و مستمندان اطعام میداد از بهترین نان ها و گوشت سفره را رنگین می کرد ولی خود از نان جوین خشک استفاده می نمود. یک روز برای حضرت معجونی از آب و عسل هدیه آوردند با انگشت آن را مخلوط کرد و فرمود طیب و پاکیزه است و حرام نیست ولکن من کراحت دارم به نفس خویش چیزی را عادت بدهم که نباید به آن عادت کند. گاه میفرمود: خداوند تبارک و تعالی مرا امام و پیشوای مردم قرار داده و بر

ص: ۲۴۱

۱- فتح ۲۹

۲- بقره ۱۶۶ توبه ۱۱۴ و ۱۱۳ و ۱۱۴ قصص ۶۳ انعام ۱۹ و ۷۸ انفال ۴۸ یونس ۴۱ هود ۳۵ و ۵۴ شعراء ۲۱۶ حشر ۱۶

من واجب کرده است تا مراقب خود باشم و در خوردن و آشامیدن و پوشیدن هم مانند مستضعفین باشم.

اسود و علقمه گفتند: بر علی علیه السلام وارد شدیم در پیش آن حضرت طبقی از لیف خرما بود در میان آن دو قرص نان جوین و خشک.

علی علیه السلام نان را برداشت و بر روی زانوان خود گذاشت تا آن را شکند. پس از شکستن با نمک میل فرمود. روی نان ها نخاله های آرد جو بود به فضا خادمه گفتیم چه می شد که نخاله آن رامی گرفتی؟ فضا گفت نان گوارا را اگر علی علیه السلام بخورد گناهِش بر گردن من است در این هنگام امیرالمومنین علیه السلام لبخندی زد و فرمود: من خودم دستور داده ام نخاله اش را نگیرد گفتیم چرا؟ فرمود زیرا اینطور نفس بهتر ذلیل می شود. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم: أَمَرَنِي رَبِّي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ (۲)

خدایم مرا به دوست داشتن مسلمانان مستمند فرمان داده است.

و همان بزرگوار به علی علیه السلام خطاب می فرمود: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهَبَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَانًا وَرَضُوا بِكَ إِمَامًا (۳)

ای علی خدای عزوجل دوستی مستمندان و مستضعفان زمین را ارزانی تو کرده است پس تو به برادری آنان خشنودی و آنان به امامت و پیشوایی تو

و مولایمان علی علیه السلام سفارش می فرمود: إِيَّاكَ أَنْ تُحِبَّ أَعْدَاءَ اللَّهِ أَوْ تُصَفِيَ وَدَكَ لِغَيْرِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَإِنَّ مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُشِرَ مَعَهُمْ (۴)

مبادا دشمنان خدا را دوست بداری یا دوستی را نثار کسی جز دوستان خدا کنی که هر کس مردمی را دوست بدارد با آنان محشور شود.

ص: ۲۴۲

۱- انوار نعمانیه ص ۱۸

۲- کافی ج ۸ ص ۸

۳- میزان الحکمه ج ۲ ص ۹۳۶

۴- غررالحکم

و وای بر کسانی که نسبت به محمد و آل او بغض داشته باشند سک نیست که از محدوده اسلام خارج شده و هیچ گونه راه نجاتی برایشان نخواهد بود.

چنانکه رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أَلَا وَ مَنْ أَبْغَضَ آلَ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (۱)

آگاه باشید هر کس بغض آل محمد را در دل داشته باشد در حالی روز قیامت محشور می شود که در پیشانیش نوشته شده این شخص مایوس از رحمت خداست.

در پایان این مبحث باید عرض کنم از مواهب بیار گرانقدر پروردگار در انسان حب و بغض است و مهم آن است که هشیار باشیم و از آن دو به جا استفاده کنیم. امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ (۲)

هر کس حب و بغض خود را به خاطر دین خدا مصرف نکند دین ندارد.

در جای دیگر فرمود: هَلْ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ (۳)

آیا ایمان غیر حب و بغض در راه خداست؟

ص: ۲۴۳

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۹۰

۲- جامع السعادات ج ۳ ص ۱۸۴

۳- همان مدرک

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَزْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا (۱)

بار الها بر محمد و آلش درود فرست هیچ درجه ای از من بین مردم بالا- مبر جز آنکه مرا معادل آن عزت و شوکت در نزد مردم ذلیل و پست گردانی.

آدم های کم ظرفیت به محض آنکه در جامعه نام و شهرتی پیدا می کنند و مورد اقبال مردم یا ثروت دنیا قرار می گیرند خود را گم می کنند و گرفتار بلند پروازی می شوند امام علیه السلام بهترین رهنمود را به ما داده که در هنگام روی آوردن دنیا و اهل آن و استقبال گرم مردم و بالا- رفتن رتبه اجتماعی به خدا پناه بریم و بگوییم خدایا به همان اندازه که در جامعه مطرح شده ایم در درون به ما احساس ذلت و زبونی ده تا مبادا گرفتار عجب و غرور شویم.

در واقع احساس ضعف درونی و پیشگیری میکنند از بلند پروازی چون شهرت و اقبال دنیا و مردم امتحان خطرناکی است که جز اولیاء الله انسان های خود ساخته زمین می خورند و از برایشان مشتبه می شود و گرفتار خود باختگی می گردند این کلام رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم که فرمود:

كَفَى بِالْمَرْءِ فِتْنَةً أَنْ يُشَارَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا (۲)

برای آزمایش و امتحان یک انسان کافی است که مردم با انگشت به وی اشاره کنند و او را از نظر دین یا دنیا به هم نشان دهند.

همان بزرگوار فرمود:

أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ تَوَاضَعَ عَن رِفْعِهِ (۳)

برتر و افضل مردم کسی است که از موضع قدرت و بلندی مقام فروتنی نمایند و نسبت به مردم متواضع باشد.

و از همه بهتر آن است که ضعف و زبونی خود را در پیشگاه پروردگار اظهار کنیم تا حفظ تعادل شود.

ص: ۲۴۴

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- ریاض السالکین ص ۲۱۴

۳- میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۵۰۴

إِلَهِي أَضَيَّبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَ أَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قَلَّةِ حِيلَتِي، فَأَنْجِرْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَ تَمِّمْ لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ الْمُسِيكِينُ الْمُسْتَكِينُ الضَّعِيفُ الضَّرِيرُ الْحَقِيرُ الْمُهِينُ الْفَقِيرُ الْخَائِفُ الْمُسْتَجِيرُ (۱)

خدایا صبح و شام نمودم در حالی که بنده زبون توام و جز به مدد تو بر سود و زیان خود ناتوان و به آنچه درباره خویش می گویم شهادت می دهم به ضعف نیرو و کمی چاره اندیشی خود معترفم بنابراین به آنچه وعده داده ای رفا کن و آنچه را که عطا کرده ای به کمال برسان چرا که من بنده دردمند و ذلیل و کوچک و پست و فقیر و نگران و پناهنده توام. پس یکی از راه های گرفتار نشدن به بلند پروازی تضرع و زاری و اظهار ذلت به درگاه الهی است و راه دیگر تواضع نسبت به اطرفیان و به خصوص فقرا و تهیدستان است.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: مَا أَحْسَنَ تَوَاضَعِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلَبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ (۲)

چقدر پسندیده و خوب است که ثروتمندان برای رسیدن به پاداش الهی نسبت به فقرا تواضع و فروتنی نمایند.

حقیر عرض میکنم هرگاه در جمع زیاد استقبال شدیم و مردم به تکریم و احترام فوق العاده ما پرداختند در خلوت و خانه برای شکستن حالت عجب و غرور دست به کارهای شاق و پرزحمت اهل خانه بزنیم کارهایی را که به طور معمول کارگران عزیز و بزرگوار برای امرار معاش به آن مشغول می شوند انجام دهیم تا امانت نفس محقق شود و نفس بر سرکشی و طغیان نیفتد.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: وَ اعْتَمِدُوا وَضِعَ التَّدَلُّلِ عَلَى رُءُوسِكُمْ وَ إِقَاءَ التَّعَزُّزِ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ (۳)

ص: ۲۴۵

۱- دعای بیست و یکم صحیفه

۲- سفینه البحار ج ۲ ص ۶۶۶

۳- نهج البلاغه خطبه ۱۹۰

تصمیم بگیرید که فروتنی را روی سرهایتان نهاده بزرگی و خودپسندی را زیر پاهایتان قرار دهید.

روزی حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام به حواریون گفت مرا از شما تقاضایی هست عرض کردند هر چه باشد برآورده می کنیم عیسی علیه السلام برخاست پاهای حواریین را شستشو داد گفتند ما به این کار سزاوارتر بودیم فرمود شایسته ترین مردم برای خدمت دانشمند و عالم است به این طریق که مشاهده کردید تواضع نمودم تا شما نیز بعد از من همین طور برای مردم متواضع باشید فرمود با فروتنی بنیان دانش و حکمت گذارده می شود نه با تکبر و بلند پروازی همان طور که در جای نرم و ملایم نبات می روید نه در سنگ های سخت کوه (۱)

آری خود کوچک بینی یکی از مشخصات اخلاقی انسان های با فضیلت است مکتب اسلام که از تمدن واقعی و نزاکت صادقانه برخوردار می باشد همیشه پیروان خویش را به تواضع دعوت نموده است.

ز خاک آفریدت خداوند پاک *** پس ای بنده افتادگی کن چو خاک

تواضع سر رفعت افرازدت *** تکبر به خاک اندر اندازدت

به عزت هر آن کو فروتر نشست *** به خواری نیفتد ز بالا و پست

به گردن فتد سرکش و تند خوی *** بلندیت باید بلندی مجو

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: **وَإِنَّ التَّوَّاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رَفَعَهُ فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعُكُمُ اللَّهُ**

تواضع باعث ترفیع مقام صاحب تواضع می شود. پس متواضع باشید تا خداوند شما را بلند مرتبه کند. پیامبر عبارت فوق را وقتی فرمود که جریان ذلیل را برای او نقل کردند.

هنگامی که جعفر بن ابیطالب برادر حضرت علی علیه السلام بار دیگر مسلمین از مهاجرین در حبشه توقف داشتند حضرت صادق علیه السلام فرمود: روزی نجاشی جعفر را خواست جعفر بن

ص: ۲۴۶

ایطالاب و همراهانش به محل نجاشی وارد شدند. و مردم حبشه را روی خاک با لباس های کهنه نشسته دیدند. جعفر گفت از مشاهده این وضع نگران شدیم وقتی نجاشی وضع ما را دگرگون یافت گفت اکنون یکی از جاسوس هایم از حجاز آمده می گوید خداوند پیغمبرش را نصرت داده دشمنانش را از بین برده و فلانی را نیز به قید اسارت در آورده است این جنگ به نام بدر اتفاق افتاده.

جعفر گفت چرا با این لباس های کهنه روی خاک نشسته اید؟ پاسخ داد ما در میان دستوراتی که بر عیسی نازل شده می یابیم که از جمله حقوق خداوند بر بندگان این است که هنگام تجدید نعمتی آنها نیز باید تجدید تواضع نمایند اینک چون خداوند به من نعمتی مانند حضرت محمد صلی الله علیه و اله وسلم ارزانی داشته من هم به شکرانه این نعمت تواضع میکنم.

یکی قطره باران ز ابری چکید***خجل شد چو پهنای دریا بدید

چو خود را به چشم حقارت بدید***صدف در کنارش به جان پرورید

بلندی از آن یافت کو پست شد***در نیستی کوفت تا هست شد

بلندیت باید تواضع گزین***که این بام را نیست سلم جز این

وَاجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱)

خدایا ما را از جمله بندگان صالحی گردان که وارث فردوس بهشت و جاودان در آن هستند.

این فراز از دعا اشاره به آیه ۱۱ سوره مبارکه مومنون است که پس از بیان یک دوره از ویژگی های مومنین از جمله اینکه در نمازشان خاشعند از لغو و بیهودگی اعراض می کنند زکات را پرداخت می نمایند گزینه جنسی خود را کنترل می نمایند نسبت به امانت ها و قرارهای خود وفادارند بر نمازهای خود مراقبت می نمایند.

آنگاه می فرماید: **أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ** این ها وارثانند ممکن است پوشیده شود وارث چه چیزند؟ خداوند می فرماید: **الَّذِي يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** وارث فردوس هستند و برای همیشه در آن می مانند در تمام قرآن دو جا به فردوس اشاره شده است مورد دوم سوره مبارکه کهف آیه ۱۰۷ و ۱۰۸ **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَمَّا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوْلًا** آنان که ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده اند باغ های فردوس محل فرودشان می باشد برای همیشه در آن می مانند و هیچ گاه تقاضای تغییر مکان نمی کنند.

در معنا و تبیین فردوس اقوال متفاوت است بعضی گفته اند فردوس اسم تمامی بهشت است و بعضی آن را نام طبقات عالی و بالای بهشت دانسته اند.

ص: ۲۴۸

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم درباره ویژگی فردوس فرمود:

خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثَلَاثَةَ أَشْيَاءٍ بِيَدِهِ خَلَقَ آدَمَ بِيَدِهِ وَ كَتَبَ التَّوْرَاتَ بِيَدِهِ وَ غَرَسَ الْفِرْدَوْسَ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا يَدْخُلُهَا مُدْمِنٌ خَمْرٍ وَ لَا- الدِّيُّوْتُ خِدَاوَنَد تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَهْ طَيْرٌ رَا بَه طَوْرٍ مُسْتَقِيمٍ خُودِ خَلْقٍ نَمُودِ آدَمَ رَا خُودِ خَلْقٍ كَرْدِ تَوْرَاتٍ رَا خُودِ نُوْشْتِ وَ فِرْدَوْسَ رَا خُودِ اِيْجَادِ كَرْدِ وَ سِيسِ فِرْمُودِ: بَه عِزْتِ وَ جَلَالِمِ سُوْگَنْدِ دَرِ فِرْدَوْسِ مِيْ كَسَارْمِ وَ مِرْدِ بِيْ غَيْرْتِ حَقِّ وَ اِرْدِ شَدْنِ نَدَارْدِ. (۱)

نتیجه آنکه فردوس و یا بهشت جایگاه بندگان صالح و کسانی است که دارای امتیازات خشوع در نماز پرهیز از لغو و لهو و دادن زکات و حفظ غریزه جنسی و امانت داری و محافظت از نمازها باشند. پس بهشت را به بها می دهند و به بهانه نمی دهند.

امام سجاد علیه السلام در ضمن حدیثی می فرماید: اَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنِ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ إِلَى الْحَسَنَاتِ وَ لَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ بَادَرَ بِالتَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ رَاجَعَ عَنِ الْمَحَارِمِ (۲)

بدانید که هر کس مشتاق بهشت باشد به سوی خوبی ها بشتابد و از خواهش های نفس کناره گیرد و هر که از آتش بترسد از گناهان خود به درگاه خداوند زود توبه کند و از کارهای حرام دست بردارد.

مولایمان علی علیه السلام در یک جمله فرمود: الْجَنَّةُ جَزَاءُ الْمُطِيعِ (۳)

بهشت پاداش کسی است که از خدا فرمان برد و مطیع پروردگار باشد.

و اگر کسی غیر از بهشت را جستجو کند در اشتباه است چنانکه همان بزرگوار فرمود:

مَنْ بَاعَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَعِيمٍ الْجَنَّةَ فَقَدْ ظَلَمَهَا (۴)

ص: ۲۴۹

۱- ریاض السالکین ص ۴۰۱

۲- تحف العقول ص ۲۸۱

۳- غررالحکم

۴- همان مدرک

هر کس خود را به چیزی جز نعمت های بهشت بفروشد به خویش ستم کرده است با اینکه به عوامل و موجبات رفتن به بهشت تا حدی اشاره شد باز خوب است از گفتار نورانی امام محمد باقر علیه السلام استفاده کنیم و بدانیم چه چیزهایی سبب ورود به بهشت است.

ده چیز است که هر کس با آنها خدای عزوجل را دیدار کند به بهشت در آید:

۱- گواهی دادن به یگانگی خدا

۲- گواهی دادن به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله وسلم

۳- اقرار به آنچه خدا فرستاده است

۴- بر پا داشتن نماز

۵- پرداختن زکات

۶- روزه ماه رمضان

۷- زیارت خانه خدا

۸- دوستی با اولیا خدا

۹- بیزاری از دشمنان خدا

۱۰- دوری کردن از چیز مست کننده (۱)

و امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ضَمِنَ لِلْمُؤْمِنِ ضِمَانًا... إِنْ هُوَ أَقْرَأَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِالتُّبُوتِ وَ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامِ بِالإِمَامَةِ وَ أَدَّى مَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ أَنْ سَكَنَهُ فِي جَوَارِهِ (۲)

خداوند تبارک و تعالی به مومن تضمین داده است که ... اگر به خدایی او و پیامبری محمد صلی الله علیه و آله وسلم و امامت علی اعتراف کند و فرایض او را به جا آورد وی را در جوار خود سکنا دهد.

بهشت همه اهل بهشت یکسان نیست بلکه هر کس به اندازه لیاقت و شایستگی خویش در درجه ای از درجات بهشت است حضرت صادق علیه السلام می فرمود: نگویند یک بهشت است خدای عزوجل می فرماید: درجاتی است یکی بالای دیگری (۳) چنانکه در قرآن شریف آمده

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (٤)

ص: ٢٥٠

١- خصال صدوق ص ٤٣٢

٢- توحيد صدوق ص ١٩

٣- ميزان الحكمه ج ٢ ص ٨٠٨

٤- انعام ١٣٢

برای انسان ها به مناسبت کارهایشان درجاتی است و خدای تو از آنچه آنها انجام می دهند غافل نیست.

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى (۱)

و آنان که با ایمان نزد خدا آیند و کارهای شایسته کنند درجاتی بلند دارند.

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا (۲)

بنگر که چگونه بعضیشان را بر بعضی دیگر برتری داده ایم و در آخرت درجات و برتری ها برتر و بالاتر است.

و پاکیزه ترین نعمت بهشتی رضوان است که حلاوت و شیرینی آن قابل مقایسه با سایر نعمت های بهشتی نیست.

وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۳)

و خشنودی خدا از همه برتر است که پیروزی بزرگ خشنودی خداوند است.

و در پایان این حدیث نورانی را نیز ملاحظه کنید: امام امیرالمومنین علیه السلام فرمود: أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ ... وَ أَنَا قَسِيمُ الْجَنَّةِ

وَ النَّارِ (۴)

من رهبر مومنانم... من تقسیم کننده بهشت و دوزخم.

حکیم ابوالقاسم فردوسی گفت:

منم بنده اهل بیت نبی***ستاینده خاک پاک وصی

هر آن کس که در دل بغض علی است***از او زارتر در جهان زار کیست؟

ص: ۲۵۱

۱- طه ۷۵

۲- اسراء ۲۱

۳- توبه ۷۲

۴- بحار ج ۸ ص ۲۳۵

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ حَقِّ ذِي حَقٍّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُوفِّهِهُ (۱)

خدایا از تو معذرت می خواهم از حق صاحب حق با ایمانی که بر من لازم بوده و آن را ادا نکرده ام.

ذی حق مورد نظر امام علیه السلام از انواع حقی است که با توبه و معذرت خواهی از پروردگارت قابل حل است والا بعضی از حقوق مردم است که با استغفار و طلب عفو از خداوند اصلاح نمی شود مثل حقی که مردم از بیت المال مسلمین دارند. در این مورد زمانی توبه پذیرفته است که حق ذی حق به او پرداخت شود و آنچه به ظلم و تعدی از اموال مسلمین تصرف کرده شده به خزانه عموم بازگردانده شود یا حداقل از طرف صاحبان اصلی رد مظالم پرداخت گردد.

آنهایی که دارای پست و مقام دولتی هستند در این خصوص بیشتر در معرض وسوسه شیطان و نفس اماره قرار می گیرند پس چه بهتر اینکه قبل از پذیرفتن مسئولیت خود را آزمایش کنند و ببینند در حفظ امانت و حق الناس چه اندازه قاطع و محکم هستند و اگر با در اختیار گرفتن بیت المال به تصرف های خلاف دست می زنند و جهنم را برای خود انتخاب می کنند بهتر است اصلا قبول مسئولیت نکنند.

به هشدارهای مولایمان علی علیه السلام به کارگزاران دولتش توجه کنید:

نامه به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان این نامه پس از جنگ جمل در شعبان ۳۶ هجری در شهر کوفه نوشته شد:

وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمِهِ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرَعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَاتَ فِي رَعِيَّتِهِ وَ لَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَيْثِقِهِ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْتَ مِنْ خُزَّانِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ وَ لَعَلِّي أَلَّا أَكُونَ شَرًّا وَ لَا تَكَّ لَكَ (۲)

ص: ۲۵۲

۱- دعای سی و هشتم صحیفه

۲- نهج البلاغه نامه ۵

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله اب و نان نبوده بلکه امانتی در گردن تو است باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی در دست تو اموالی از ثروت های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه دار آنی تا به من بسیاری امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم.

مولایمان شریح بن حارث قاضی خود را که خانه ای به ۸۰ دینار خریده بود احضار کرده فرمود: به من خبر دادند که خانه ای به هشتاد دینار خریده ای و سندی برای آن نوشته ای و گواهانی آن را امضا کرده اند.

شریح گفت: اری ای امیرالمومنین امام علیه السلام نگاه خشم آلودی به او کرد و فرمود: ای شریح به زودی کسی به سراغت می آید که به نوشته ات نگاه نمی کند از گواهانت نمی پرسد تا تو را از آن خانه بیرون کرده تنها به قبر بسپارد.

ای شری اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام خریده باشی آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای.

اما اگر هنگام خرید خانه نزد من آمده بودی برای تو سندی می نوشتم که دیگر برای خرید آن به درهمی یا بیشتر رغبت نمی کردی. آن سند این است: این خانه ای است که بنده ای ذلیل از بنده ای که برای کوچ از دنیا رانده شده خریداری کرده است از جمله خانه های قریب در ناحیه نابودشوندگان و محدوده هلاک شوندگان خریده است.

حدود این خانه به این ترتیب است:

۱- به پیش آمدهای ناگوار و آسیب ها منتهی می شود.

۲- به مصیبت ها ختم می گردد.

۳- به هوا و هوس نابودکننده منتهی می گردد.

۴- به شیطان گمراه کننده پایان می یابد و درب این خانه با چهارمی باز می شود (۱)

ص: ۲۵۳

۱- نهج البلاغه نامه ۳

عبدالله بن زمه از یاران امام بود و در خواست مالی از بیت المال مسلمین داشت امام علی علیه السلام در جوابش فرمود:

إِنَّ هَذَا الْمَالَ لَيْسَ لِي وَلَا لَكُمْ وَأِنَّمَا هُوَ فِيَّ لِلْمُسْلِمِينَ وَجَلْبُ أَسْيَافِهِمْ فَإِنْ شَرِكْتَهُمْ فِي حَرْبِهِمْ كَانَ لَكَ مِثْلُ حَظِّهِمْ وَإِلَّا فَجَنَاهُ أَيْدِيَهُمْ لَا تَكُونُ لِغَيْرِ أَفْوَاهِهِمْ (۱)

این اموال که می بینی نه مال من و نه از آن توست غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند اگر تو در جهاد همراهشان بودی سهمی چونان سهم آنان داشتی و گرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود.

دیدگاه مولایمان علی علیه السلام در حفظ و مواظبت از بیت المال مسلمین آنقدر دقیق و حساس است که کارگزاران حکومت های اسلامی و مدعیان عدالت اجتماعی اگر یک بار بخوانند و یا جملات حضرت را تابلو کنند در برابر دیدگان خود و در دفتر کارشان بگذارند قطعا به خود خواهند آمد و دست از پا خطا نخواهند کرد و به ساده زیستی و اسراف نکردن اموال عمومی اقدام خواهند کرد. متأسفانه گاه دیده شده به محض اینکه مدیری جایگزین مدیر قبلی می شود تمام دکور و تشکیلات دفتر رئیس کنار گذاشته می شود و دکور جدید همراه با حیف و میل بیت المال بر پا می گردد تا به قول خودشان به شان و منزلتشان بیفزایند در حالی که شان و منزلت یک مدیر خوب در رعایت و حفظ بیت المال و اجحاف نکردن در حق عموم و کار مردم را راه انداختن است.

و اما دیدگاه امام علیه السلام :

فِيمَا كَتَبَ إِلَى عُمَّالِهِ إِدْقُوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سِطُورِكُمْ وَ احْذِقُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ اقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ (۲)

در نامه ای به کارگزاران خود نوشت: نوک قلم هایتان را باریک کنید و سطرهایتان را نزدیک به هم بنویسید و از نوشتن مطالب اضافی برای من خودداری ورزید و جان کلام و لب مطلب را بنویسید و از زیاده گویی بپرهیزید زیرا اموال مسلمانان ضرر و زیان را تحمل

ص: ۲۵۴

۱- نهج البلاغه خطبه ۲۳۲

۲- خصال ص ۳۱۰

نمی‌کند و به عبارتی نباید به اموال مسلمین ضرر وارد شود. یکی از مباحثی که در بیت المال مسلمین مطرح است تقسیم عادلانه آن است اگر کسی به خاطر پارتی بازی و ارتباط فامیلی و دوستی بین او و کسی که امور بیت المال را در اختیار دارد سهم بیشتری به دست آورد قطعاً حرام و نامشروع است. هنگامی که به امام علی علیه السلام به سبب رعایت برابری در تقسیم بیت المال خرده گرفتند فرمود: آیا به من می‌گویی که با ستم بر کسانی که زمامدارشان شده ام پیروزی را بجویم؟ به خدا سوگند که تا شب و روز می‌چرخند و در آسمان ستاره ای از پی ستاره ای بر می‌آید هرگز گرد این کار نخواهم گشت.

اگر این مال از آن خود من هم بود آن را به یکسان میانشان تقسیم می‌کردم چه رسد به این که مال مال خداست. (۱)

ص: ۲۵۵

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرِضَ أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ يَلِيهِ

این دعا را هنگامی حضرت می خواند که بیماری یا بلایی به آن بزرگوار روی می آورد.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامِهِ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَخْدَثَتْ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي... وَ أَوْجِدُنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، وَ أَدِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ (۱)

الها حمد تو راست به خاطر آنکه بدن سالمی به من عنایت فرمودی و حمد تو راست برای اینکه هم اینک بیمارم ساخته ای... خدایا شیرینی و طراوت عافیت و سلامتی را به من بچشان.

یکی از نعمت های بزرگ الهی نعمت سلامتی است که معمولاً قدرش را نمی دانیم و ما از آن غافلیم و هنگامی که آن را از دست می دهیم به تلاش و تکاپو می افتیم تا آن را دوباره بازیابیم و چه خوب است عواملی که باعث بیماری می شود از خود دور کنیم که در اسلام این دین غنی و پرمحتوا به حفظ بهداشت و سلامتی بها و ارزش فوق العاده ای داده شده است.

سلامتی از نظور معصومین علیهم السلام:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم: نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الصِّحَّةُ وَ الْأَمَانُ (۲)

دو نعمت است که قدرش مجهول است نعمت سلامتی و امنیت

امیرالمومنین علی علیه السلام: الصِّحَّةُ أَفْضَلُ النَّعْمِ (۳)

تندرستی بالاترین نعمت هاست

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: لَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَعَ الصِّحَّةِ (۴)

در زندگی که سلامتی نباشد خیری وجود ندارد.

امام صادق علیه السلام: الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ خَفِيَّةٌ إِذَا وَجِدَتْ نُسِيَتْ وَإِذَا فَقَدَتْ ذُكِرَتْ (۵)

ص: ۲۵۶

۱- دعای پانزدهم صحیفه

۲- روضه الواعظین ج ۲ ص ۴۷۲

۳- غررالحکم

٤- بحار ج ٧٧ ص ٥٨

٥- بحار ج ٨١ ص ١٧٢

سلامتی و تندرستی نعمتی است پنهانی وقتی هست فراموش می شود و هنگامی که از دست می رود به یاد می آید و حسرتش خورده می شود.

در بین مردم بیماری اینگونه معنا می شود: حالت ناخوشایندی انسان از درد اختلال در کار بدن و به هم خوردن وضع طبیعی بدن ضعف عمومی در کوتاه مدت و یا دراز مدت.

گرچه امروزه بیماری های جدیدی به عنوان تحفه زندگی ماشینی و کثرت گناهان پیدا شده ولی با این احوال اهل ایمان می توانند با رعایت اصول بهداشت و دستورات اصیل اسلامی خود را از این مهلکه نجات دهند و با استعانت از پروردگار و دعای شب و روز خویش هم چنان در صحت و سلامتی بمانند.

امام سجاد علیه السلام درخواست سلامتی و شکر این نعمت بزرگ را در دعای بیست و سوم صحیفه دارد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَلْبِسْنِي عَافِيَتِكَ، وَ جَلِّئِي عَافِيَتِكَ، وَ حَصِّنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ... وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ... وَ عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُؤَلِّدُ فِي بَيْدِنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. وَ أَمُنْ عَلَيَّ بِالصُّحَّةِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي

خدایا بر محمد و آل او درود فرست سلامتی را بر من بپوشان و مرا به سلامتی زیور بخش و به سلامتی حراستم فرما و به سلامتی گرامی ام بدار...

و بین من و سلامتی در دنیا و آخرت جدایی نینداز.

خدایا چنان سلامتی بر من عنایت فرما که بی نیاز کننده و شفابخش بالمرتب و افزون شونده باشد آن چنان سلامتی که بدنم در دنیا و آخرت در عافیت و تندرستی کامل باشد راه های پیشگیری از بیماری خیلی آسان تر از درمان بیماری است و گاهی در بعضی بیماری ها معالجه بسیار سخت و یا غیرممکن خواهد بود.

نوع تغذیه بیشترین نقش را در سلامتی انسان و بیمار او دارد. اسلام مترقی و جهان شمول دستورات گوناگون درباره طریقه استفاده از غذاها دارد که در صورت رعایت کردن آنها به طور یقین سلامتی حفظ خواهد شد.

بر همین اساس مولایمان علی علیه السلام می فرمود: لَا تَنَالُ الصَّحَّةَ إِلَّا بِالْحَمِيَّةِ (۱) دستیابی به سلامتی جز با پرهیز میسر نیست.

و نیز فرمود: لَا وَقَايَةَ أَمْنَعُ مِنَ السَّلَامَةِ (۲)

هیچ پیشگیری همچون تامین سلامت موثر نیست.

پس باید قبل از آنکه بیماری به سراغ ما بیاید پیشگیری های لازم را انجام بدهیم.

نمونه هایی از رهنمودهای قرآن و رهبران و امامان معصوم علیهم السلام در مورد تغذیه:

فَلْيَنْظُرْ آيَّتْهَا أَزْكَى طَعَامًا (۳)

باید بنگرد که کدام غذا پاکیزه تر است؟

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۴)

بخورید و بیاشامید و زیاده روی نکنید.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: إِدْمَانُ الشُّبْعِ يُرِثُ أضعافُ الوجعِ (۵) مداومت بر پرخوری دردهای متعددی را موجب می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: كُلْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي وَ أَمْسِكْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي (۶)

زمانی به خوردن غذا پرداز که میل داری و در حالی دست از طعام بردار که هنوز میل خوردن غذا داری.

مولایمان علی علیه السلام به کمیل بن زیاد می فرمود: ای کمیل معده خود را کاملا پر نکن بلکه در آن جایی برای آب و مکانی برای تنفس باقی بگذار و در حالی دست از طعام

ص: ۲۵۸

۱- غررالحکم

۲- همان مدرک

۳- کهف ۱۹

۴- اعراف ۳۱

۵- جامع الاحادیث ج ۲۴ باب ۱۹۷

۶- بحار ج ۶۶ ص ۲۹

بردار که هنوز به خوردن اشتها داری اگر چنین کنی تغذیه ات را گوارا خواهی یافت

فَإِنَّ صِحَّةَ الْجِسْمِ مِنْ قَلْبِهِ الطَّعَامِ (۱)

چون در این بخش بحث درباره بیماری هاست لازم به ذکر است تعداد زیادی از بیماری های عصر ما مربوط به گناهان و حرام خوری ها و حرکات جنسی نامشروع می باشد.

به طور مثال بیماری ایدز با انحراف جنسی و آلودگی های غرب آغاز شد و طبق نظریه اکثر دانشمندان پزشکی این دوران نخستین موارد شناخته شده از این بیماری در سال ۱۹۸۱ میلادی نزد پنج جوان آمریکایی منحرف و هم جنس باز به عنوان سرچشمه گسترش این بلا شناخته شده است. و بعد در اثر سهل انگاری ها و به کارگیری لوازم غیربهداشتی در تزریقات دندانپزشکی خال کوبی و جراحی های گوناگون به شکل امروزی در آمده که طبق آمار سازمان جهانی بهداشت در هر دقیقه ۲۵ نفر یعنی در هر روز ۳۶۰۰۰ نفر به این عفونت آلوده می شوند.

حالا دیدگاه قرآن و روایات را ملاحظه کنید

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ (۲)

آنچه از بلاها بر شما وارد می شود از دست کارهای خود شماست

و تَقَرَّبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ (۳)

به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهان آن را نزدیک نشوید.

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْنَةَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (۴)

به عمل زنا نزدیک نشوید که کارهای زشت و راهی بد است.

ص: ۲۵۹

۱- تحف العقول ص ۱۸۳

۲- شوری ۳۰

۳- انعام ۱۵۱

۴- اسراء ۳۲

أَتَاتُونَ الذَّكَرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (۱)

جناب لوط علیه السلام فرمود: آیا شما در بین مردم عالم به سراغ جنس مرد می روید؟ و زنانی که خداوند برای شما آفریده رها می کنید آری شما مردمی تجاوز پیشه هستید.

و این هم حدیث هشداردهنده حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که دقیقاً وضع موجود جامعه بشری را ترسیم می نماید:

كُلَّمَا أَحَدَتْ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحَدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعُدُّونَ (۲)

هرگاه مردم گناهان جدیدی کنند که در گذشته نمی کردند خداوند بلاهای تازه ای که انتظار آن را نداشته اند بر آنها نازل می کند.

با تمام آیات و روایات و توضیحات داده شده ذکر این نکته در اینجا لازم است که برای عده بسیار کمی از مردم بیماری ها برایشان سبب ارتقا مقام و پاکیزه شدن از گناهان است.

هر که در این بزم مقربتر است***جام با بیشترش تحمل می دهند.

دیگری گوید:

ناز پروده تنعم کی برد راه به دوست***عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد.

و در خاتمه این بحث نیز لازم است به دعایی که مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام زیاد می خواند اشاره کنم تا انشاء الله گرفتار نقص و بیماری های صعب العلاج نشویم و اول کریمه ای که خدا از ما میگیرد جانمان باشد و مبادا که چنان زمین گیر شویم که نوبتی گردیم و کسی حاضر نباشد ما را پرستاری کند و البته هر دعایی را اگر با اعتقاد و ایمان راسخ بخوانیم خداوند مهربان استجاب آن را قول داده است.

ص: ۲۶۰

۱- شعرا ۱۶۵ و ۱۶۶

۲- تحف العقول ص ۴۳۴

حمد خدایی را که با عنایت او شب را به صبح رساندم در حالی که زنده و سلامت هستم نه رگ هایم دچار بیماری شده و نه به بدترین اعالم مرا کیفر داده در حالی هستم که هم صاحب فرزندم و هم از دین برنگشته ام و منکر حضرت حق تعالی نشده ام و نگران ایمانم نیستم و عقلم سر جای خود هست و می فهمم و در عذاب نیستم که امت های پیش از من گرفتار بودند صبح کردم در حالی که بنده ای هستم بی اختیار و ظلم کرده بر نفس خویش.

خدایا تو علیه من حجت داری ولی من به نفع خودم حجت ندارم و جز عطای تو را نتوانم بگیرم از زشتی قادر به پرهیز نیستم مگر آنکه تو مرا نگاهداری و حفظ کنی.

خدایا به تو پناه می برم از آنکه در سایه بی نیازت فقیر بمانم یا در روشنایی هدایت در گمراهی به سر برم یا در پناه سلطنت به کسی ظلم کنم و یا امور در اختیار تو باشد و من مغلوب و ذلیل گردم در حالی که همه چیز در اختیار توست خداوندا اول کریمه ای که از من می گیری و اول امانتی از امانت هایت که نزد من است و بازش می ستانی جانم باشد. پروردگارا به تو پناه میبرم از این که از فرمایش تو سرپیچی کنیم و یا از دین تو به دین دیگری روی آوریم و یا هواهای نفسانی بر ما غلبه کند و مانع ادامه راه ما در مسیر هدایتی باشد که از جانب تو به ما رسیده است. (۱)

ص: ۲۶۱

و تَبَّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهْلَةِ (۱)

خدایا در اوقات غفلت و بی خبری به ذکر خودت آگاهم کن و به فرمانبرداری از خودت در روزهای مهلت و دوران عمر وادارم کن.

امام سجاد علیه السلام به ما می آموزد که برای نیفتادن در راه تلف کردن عمر و گرفتار بیهودگی نشدن تنها راه یاد خدا و اجرای دستورات اوست زندگی هدفمند آن زندگی است که عمر شریف انسان با پوچی ها و چیزهای بی ارزش تمام نشود بلکه از لحظه لحظه های آن برای تعالی و ترقی علمی تقوایی استفاده گردد و به اندازه ظرف وجود نردبان ترقی را بالا رفته و به درجه بالای معرفت و شرافت انسانی نایل آییم.

کسانی که عمر را بیهوده مصرف می کنند جایگاه خود را در آفرینش فراموش کرده اند یا خبر ندارند که چه در گرانبهایی در سر وجودشان نهفته است و یا خود را به نادانی زده اند.

تا مادامی که انسان خود را پیدا نکند همچنان به اتلاف وقت گرانمایه مشغول است و گرفتار شهوات و دربند جاه و مقام و مسایل زودگذر زندگی می باشد. انسانی که خود را پیدا کرده برای نجات خویش از ورطه حیوانیت و ورود به جرگه انسانیت با انبیا و اولیا همراه و همگام می شود.

اشعاری که منسوب به مولایمان علی علیه السلام همین پیام را دارد:

ص: ۲۶۲

دَوَائِكَ فَيْكَ وَ مَا تَشْعُرُ *** وَ دَائِكَ مِنْكَ وَ مَا تَبْصُرُ

أَتَزَعُمُ إِنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ *** وَ فَيْكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ

وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي *** بِأَحْرِفِهِ يَظْهَرُ الْمُضْمَرُ

دوای تو در خود تو موجود است ولی به آن آگاهی نداری و درد تو نیز از توست ولی آن را نمی بینی گمان مبر که تو جرم کوچکی هستی و حال آنکه عالم بزرگی در تو پیچیده است و تو آن کتاب مبین هستی که به وسیله تو اسراری از این عالم ظاهر می گردد.

همان بزرگوار در روایتی فرمود: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْفَانِيَاتِ وَ مَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا (۱)

هر که نفس و مقام و منزلت انسانی خود را بشناسد آن را به چیزهای بیهوده و فانی شدن خوار نسازد و هر که درباره خویش بی خبر باشد او را رها کرده و در نتیجه او را تباہ کرده است.

ای بی خبر از هستی خود همچو کتاب *** در جلد تو آیات الهی به حجاب

یعنی ز تو حق پدید و تو از اثرش *** آگاه نه ای چو شیشه از بوی گلاب

عقل حکم می کند که از بیهودگی فرار کرد و خود را به آنچه به خاطرش خلق شده ایم مشغول بداریم تا ناکام از این دنیا نرویم گرچه ناکامی در نظر بعضی از مردم غلط معنا شده است. اگر کسی در جوانی بمیرد هر چند در چند سال دوران تکلیف خویش نهایت بهره وری را برای آباد کردن روح و روان خود و جهان آخرت داشته باشد جوان ناکام می گویند و حال آنکه او با کامی شیرین از این دنیا رخت بر بسته و آنکه هشتاد سال زندگی کرده و نفهمیده فلسفه افرینش او چه بوده و همه عمر را به بطالت تمام کرده واجبات را انجام نداده محرمات را ترک نکرده باید روی سنگ قبرش نوشت: فلان که ناکام مرده است.

ص: ۲۶۳

امیرالمومنین علی علیه السلام رهنمود جالبی دارند تا هر شخص مومن عمر عزیز را در مسائل مهم و اصلی صرف کند و حتی واجبات را فدای مستحبات ننماید:

مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِّ ضَيَّعَ الْأَهْمَّ مَنْ طَلَبَ الْعَقْلَ الْمُتَعَارِفَ فَلْيَعْرِفْ صُورَةَ الْأُصُولِ وَالْفُضُولِ فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَطْلُبُونَ الْفُضُولَ وَيَضَعُونَ الْأُصُولَ فَمَنْ أَحْرَزَ الْأَصِيلَ اِكْتَفَى بِهِ عَنِ الْفَضْلِ ، إِلَّا قَرَبَهُ بِالنَّوَاقِلِ إِذَا اضْرَرَّتْ بِالْفَرَائِضِ كُنْ مَشْغُولًا بِمَا أَنْتَ عَنْهُ مَسْئُولٌ (۱)

هر کس به غیر مهم خود را مشغول بدارد آن را که در صدر قرار دارد و از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد ضایع کرده است.

هر کس عقل متعارف را طلب می کند باید به صورت اصول و فضول آشنایی و شناخت پیدا کند ولی بیشتر مردم فضولات را طلب می کنند و مسائل اصلی و مهم را رها می نمایند در حالی که هر کس به اصل برسد از مسائل فرعی بی نیاز خواهد شد.

انسان به توسط کارهای مستحب تقرب به خدا پیدا نمی کند زمانی که به کارهای واجبش ضرر برسد بنابراین به چیزی مشغول باش که درباره آن مسئولیت داری و مورد مواخذه و سوال قرار خواهی گرفت.

امام علی علیه السلام حتی می فرماید نباید مستحبات مانع از آن شود که شما واجبات و کارهای مهم و اصلی را ترک کنید بنابراین به طریق اولی باید از اعمال و رفتار بیهوده و لغو پرهیز نمود.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۲)

به راستی که اهل ایمان رستگار شدند آنانی که در نمازشان خاشع هستند آنانی که از لغو و بیهودگی اعراض می کنند.

ص: ۲۶۴

۱- الحیاه ج ۱ ص ۳۰۸

۲- مومنون ۱ تا ۳

مولایمان علی علیه السلام از این که بعضی از مردم عمر شریف خود را ضایع می کنند تاسف می خورد و میفرماید:

فِيهَا لَهَا حَسِيرَةٌ عَلَى ذِي غَفْلَةٍ إِنْ يَكُونُ عُمُرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةً وَ إِنْ تُؤَدِّيهِ إِيَّامُهُ إِلَى شَقْوَةٍ نَسَاءَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ إِنْ يَجْعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ نِعْمَةٌ وَلَا تُقَصِّرُ بِهِ عَنْ طَاعَةِ رَبِّهِ غَايَةً وَ لَا تَحُلُّ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَامَةً وَ لَا كَاثِبَةً (۱)

افسوس بر هر انسان غافلی که عمرش بر او حجت باشد و ایام زندگی بر وی منجر به شقاوت گردد. از پیشگاه خداوند می خواهیم که ما و شما را از کسانی قرار ندهد که نعمت الهی آنان را به کفران و طغیان کشانده هدف باطلش وی را به تقصیر در طاعت واداشته و بر اثر این اعمال نادرست پس از مرگ به پشیمانی و اندوه دچار شده است.

یکی از عواملی که باعث خود فراموشی و غرق شدن در بیهودگی ها می گردد دنیاپرستی است کسانی که تمام توجه خود را به زندگی دنیا و امور مادی اختصاص می دهند در واقع خود را و آنچه برایشان مفید و سعادت بخش است فراموش کرده اند و فرصتی برای رسیدن به خود و اصلاح و تزکیه خویش باقی نگذاشته اند.

إِنَّ الَّذِينَ لَمَّا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۲)

فقط به زندگی دنیا خشنود و مطمئن اند و همچنین کسانی که از آیات الهی غافل اند به کیفر اعمالی که مرتکب شده اند جایگاهشان در قیامت آتش دوزخ خواهد بود.

ص: ۲۶۵

۱- نهج البلاغه خطبه ۶۴

۲- یونس ۸ و ۷

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَزَعَبُ فِي الْجَزَاءِ وَيَا مَنْ لَا يَنْدَمُ عَلَى الْعَطَاءِ وَيَا مَنْ لَا يُكَافِي عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ. مَنَّتَكَ ابْتِدَاءً، وَ عَفْوُكَ تَفْضُلًا، وَ عَقُوبَتَكَ عَدْلًا، وَ قَضَاؤُكَ خَيْرَهُ إِنْ أُعْطِيَ لَمْ تَشِبْ عَطَاءَ كَ بَمَنْ، وَإِنْ مَنَعْتَ لَمْ يَكُنْ مَنُوعَكَ تَعْدِيًّا (۱)

خداوندا ای کسی که رغبتی به پاداش ندارد و ای آنکه به عطا کردن نادم نمی گردد و ای کسی که پاداش بنده اش را یکسان نمی دهد نعمت دادن تو بدون سوال و عفو از فضل و کرم و عقوبت بر پایه عدل و حکم قطعی تو خیر است.

الها اگر عطا کنی عطایت را به منت آغشته نمی فرمایی و اگر ندهی ندادنت براساس تعدی و ستم نیست.

همان طور که امام سجاد علیه السلام اشاره فرمود خداوند پاداش بندگانش را یکسان نمی دهد و هر چه عنایت می کند از روی فضل و کرمش می باشد ولی نباید فراموش کرد که انسان ها به اعمال و کارهایشان پاداش می گیرند این طور نیست که افراد بی عمل و آلوده به گناه مشمول پاداش های شایسته پروردگار متعال شوند. بلکه پاداش آنها متناسب با اعمالشان است.

مَنْ يَعْمَلُ سُوءًا يُجْزَى بِهِ وَلَمَّا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَمَّا نَصَبَيرًا وَمَنْ يَعْمَلُ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ نَقِيرًا (۲)

ص: ۲۶۷

۱- دعای چهل و پنجم صحیفه

۲- نساء ۱۲۳ و ۱۲۴

هر کس که مرتکب کار بدی شود جزایش را ببیند و جز خدا برای خویش دوست و یآوری نیابد. هر مومنی مرد یا زن کار شایسته کند به بهشت روند و به قدر آن گودی که بر پشت هسته خرماست به آنان ستم نشود.

یکی از اشتباهات بعضی از مردم امید کاذب به پاداش الهی است یعنی می خواهند بدون عمل و ریاضت به نعمت های بهشتی و مواهب الهی برسند.

نه من ز بی عملی در جهان ملولم و بس ***ملالت علما هم ز علم بی عمل است.

امام سجاد علیه السلام به خدا پناه میبرد از اینکه بدون عمل امید به رحمت الهی داشته باشد.

أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُعَاءِ مَحْجُوبٍ وَ رَجَاءِ مَكْذُوبٍ (۱)

خداوند به تو پناه می برم از دعایی که بالا نرود و از امید دروغین.

مولایمان علی علیه السلام در بیانی مبسوط می فرمود: لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُوا الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ (۲)

از جمله کسانی که بدون عمل و بی جهت امید به پاداش آخرت دارند نباش

همان بزرگوار فرمود: أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ مَعِيَ عِتْرَتِي عَلَى الْحَوْضِ فَمَنْ ارَادَنَا فَلْيَأْخُذْ بِقَوْلِنَا وَ لِيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا (۳)

من در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در کنار من عترتم در اطراف حوض کوثر قرار می گیریم هر کس می خواهد به ما ملحق شود باید به گفته های ما متمسک شود و آن طور که ما عمل می کنیم عمل کند.

جای این تذکر هست که اهل عمل و کسانی که موفق به اجرای دستورات الهی هستند تلاش کنند عبادت تاجرانه انجام ندهند و به خاطر گرفتن سود خدا را نخوانند بلکه بخاطر خودش و بدون توقع هیچ پاداشی او را بندگی کنند. امام صادق علیه السلام می فرمود:

وَلِكِنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ عَزَّوَجَلَّ وَ هِيَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ (۴)

ص: ۲۶۸

۱- بحار ج ۹۴ ص ۱۵۶

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۱۴۲

۳- تفسیر نورالثقلین ج ۵ ص ۶۸۱

۴- سرالصلوه ص ۱۱۹

ولی من خدای بزرگ را به خاطر محبتی که به او دارم میپرستم این گونه عبادت مخصوص آزادگان است.

قصده همه وصل حور و خلد برین است***غایت مقصود ما نه آن و نه این است

بعضی از افراد بر این موضوع هستند که نیت و عمل را از مقاصد مادی و دنیوی پاک کنند و با توجه به ثواب و عقاب اعمال به قصد رسیدن به حور و غلمان و قصرهای آخرت و ترس از عذاب دوزخ عبادت و اطاعت الهی نمایند و بعضی دیگر پا را فراتر نهاده و بدون طمع رفتن به بهشت و یا ترس از آتش جهنم کار می کنند و شعارشان همان شعار علی علیه السلام است که فرمود: **بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ** خدایا تو را سزاوار عبادت و بندگی یافتم و عبادت می ک نم.

همان بزرگوار می فرمود: **أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أُرِيدَ بِهِ وَجْهُ اللَّهِ (۱)**

برترین کارها کاری است که برای خدا باشد.

برگردیم به اصل موضوع که مسئله پاداش بود تردیدی نیست پاداش قیامت حتی قابل رویت است و گاهی همان عمل خوب و یا بد ما در آن عالم تجسم پیدا میکند.

به این آیات توجه کنید:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي جَعَلْتُ لَكُمُ الْفَلَاحَ فِي الْبَحْرِ وَالْأَرْضِ فَأَتَّبِعُوا أَمْرِي وَلَا تَحْسَبُوا عَهْدِي مُتَّعًا بِأَعْيُنِكُمْ قَدْ سَفَرْتُ الْمَاءَ وَالْبَحْرَ وَالْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ أَوْ فِي صَحْرِهِ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۲)

لقمان گفت: پسر من اگر کاری را انجام دهی که به اندازه مقداری از خردل باشد در دل سنگی یا در آسمان ها یا در زمین خداوند آن را در روز قیامت می آورد زیرا که او لطیف و آگاه است.

يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۳)

ص: ۲۶۹

۱- غررالحکم

۲- لقمان ۱۶

۳- زلزله ۸ تا ۶

در آن روز مردم متفرق می شوند تا کارهای خود را ببینند پس هر کس به اندازه ذره ای کار نیک کرده باشد آن را می بیند و هر کس به اندازه ذره ای کار بد کرده باشد آن را می بیند.

مولایمان علی علیه السلام فرمود: كُلُّ امْرِئٍ يَلْقَى مَا عَمِلَ وَ يُجْزَى بِمَا صَنَعَ (۱)

هر انسانی کرده خود را می بیند و سزای کردارش را می گیرد و گاه خداوند تبارک و تعالی پاداش خوبی و یا بدی ما را در همین دنیا می دهد درباره آدم های خوب می فرماید:

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۲)

چون به حد بلوغ رسید و برومند شد او را فرزاندگی و دانش دادیم و ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم.

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۳)

پیش از شما بسیاری از امتها را وقتی ستم کردند و پیامبرانشان با دلایل به نزدشان آمدند و ایمان نیاوردند نابود کردیم و ما مردم بدکار را این چنین مجازات می کنیم.

ص: ۲۷۰

۱- غررالحکم

۲- قصص ۱۴

۳- یونس ۱۳

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بَلَاءُ الْأَوَّلِ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بَلَاءُ الْآخِرِ يَكُونُ بَعْدَهُ الَّذِي قَصِيْرَتْ عَنْ رُؤْيَيْتِهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ... (۱)

حمد اختصاص به پروردگاری دارد که اول است و کسی قبل از او نبوده و آخر است و کسی بعد از او نخواهد بود.

خدایی که دیدگان انسان ها ناتوان از رویت اوست و اندیشه توصیف کنندگان عاجز از تعریف و توصیف او می باشد.

مجموعه کامله صحیفه سجاده لبریز است از درس خدانشناسی و پرداختن به معرفه الله تبارک و تعالی است. دعایی را در این کتاب شریف نمی یابیم که خطاب به پروردگار در آن نباشد و صفتی از اسماء حسنی در آن مطرح نشده باشد. در همین نخستین دعا امام سجاد علیه السلام به نکات ظریف و زیبایی درباره حضرت معبود اشاره فرمود که هر اهل توحید و خداپرستی را سرشوق و ذوق می آورد و لذت معنوی می برد.

به ترجمه بعضی از عبارات دعای نخست توجه نمایید: او با دست قدرتش خلق موجودات را بنیان گذاشت و با اراده اش مخلوقات را اختراع نمود. سپس موجودات را در مسیر خواست خویش قرار داد و آنان را در راه محبت خود استخدام کرد. در حالی که دست پرورده های او قادر نیستند خود را از مقدم بودن به تاخیر اندازند و یا از به تاخیر افتادن خود را جلو قرار دهند.

خدایی که برای هر موجود زنده روزی معین تقسیم فرموده و کسی نمی تواند از آنکه زیاده داده چیزی بکاهد و یا به آنکه کم داده چیزی زیاد کند. آنگاه خداوند تبارک و تعالی برای هر کدام آنها در زندگی مدتی معین و پایانی معلوم قرار داده تا در محدوده عمر به خواسته های خود برسد و سال های زندگی اش پایان پذیرد. و حساب عمرش را تمام و

ص: ۲۷۱

کمال بستاند و در نتیجه به وعده هایی که به او داده از اجر سرشار بهشت و یا جزای ترسناک دوزخ نایل شود.

پروردگار محبوب تمامی اشیا و موجودات است و کلام خداوند متعال گواه بر آن است

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (۱)

موجودی نیست مگر به ستایش او تسبیح گوست ولی شما تسبیح گفتنشان را نمی فهمید.

پروردگار فیض رسان دایم به موجودات است و اگر آن فیض و لطف بی نهایت خود را از هر موجودی قطع کند آن موجود نابود خواهد شد.

گر فیض تو لحظه ای به عالم نرسد***معلوم شود بود و نبود همه کس

اگر آنی کند نازی***بهم ریزند قالب ها

شناخت پروردگار اولین و گام نخست اصول عقاید است. مولایمان علی علیه السلام در دو جا به این حقیقت اشاره فرموده است

إِنَّ أَوَّلَ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ وَ أَوَّلُ مَعْرِفَتِهِ تَوْحِيدُهُ (۲)

قدم اول عبادت الله معرفت و شناخت اوست و اساس شناخت او توحید و یکتایی اوست.

أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ (۳)

اول دین شناخت اوست و شناخت کامل تصدیق و گرویدن به اوست تاثیر گذار در موجودات فقط پروردگار است.

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (۴)

یاری نیست جز از جانب پروردگار

ص: ۲۷۲

۱- اسرا ۴۴

۲- تحف العقول ص ۶۱

۳- نهج البلاغه خطبه ۱

۴- آل عمران ۱۲۶

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۱)

و شما چیزی را نمی خواهید مگر آنکه پروردگار جهانیان بخواهد.

وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى (۲)

در تیراندازی ان تو نیستی که تیر می اندازی بلکه خداست که تیر می اندازد.

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳)

بگو ای پروردگاری که صاحب حکومتی هر که را خواهی حکومت بخشی و از هر که خواهی ستانی و هر که را خواهی عزیز می کنی و هر که را خواهی ذلیل می نمایی خیر در دست توست زیرا تو بر هر چیز توانایی.

پروردگار بالاتر از عقل و وصف توصیف کنندگان و علم عارفین است.

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (۴)

پروردگار منزله است و از آنچه گویند برتر است برتری بزرگ.

مرحوم صدوق رحمه الله علیه نقل می کند که مردی در محضر امام صادق حضور داشت و گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ حضرت فرمود: اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ؟ خدا از چه چیز بزرگتر است؟ در پاسخ گفت: مِنْ كُلِّ شَيْءٍ از همه چیز فرمود: تو خدا را محدود کردی عرض کرد چه بگویم: فرمود: اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ بگو خدا بزرگتر از آن است که توصیف و تعریف شود. (۵) پروردگار بهترین حافظ و نگهبان است.

ص: ۲۷۳

۱- تکویر ۲۹

۲- انفال ۱۷

۳- آل عمران ۲۶

۴- اسراء ۴۳

۵- معانی الاخبار ص ۱۲

اگر نبود حفظ و حراست پروردگار هیچ دانه ای در دل زمین رشد نمی کرد هیچ طفلی از مادر متولد نمی شد زیرا ده ها و صدها حادثه طبیعی و غیرطبیعی در برابر آن گیاه و این طفل است ولی خداوند در نهایت دقت و ظرافت از آنها نگهداری می کند تا آسیبی نبینند.

با یک نگرش به جهان هستی میبینیم که حافظ هستی چگونه هر موجودی را طبق اقتضای خلقت آن موجود محفوظ می دارد. مثلاً- پوست را حافظ مغز برگ را حافظ گل بال را حافظ پرنده چنگال را حافظ درنده نیش را حافظ خزنده و بالاخره به هر نوع از حیوانات کوچک و بزرگ و وسایل و آلات گریز از دست دشمن و یورش و حمله به دشمن را عنایت فرموده است.

وَرُبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ (۱)

و پروردگارت حافظ همه چیز است.

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۲)

به تحقیق هیچ کس نیست مگر نگهداری بر او هست

فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۳)

حفاظت کردن خدا بهتر است که او از همه مهربانان مهربانترین است پروردگار بهترین پناهگاه است:

سراغ هر کس بروی محتاج و نیازمند است تنها پروردگار است که به کسی محتاج نیست و غنی مطلق است پس چه بهتر که فقط از او کمک بگیریم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَصُولٌ بِكَ عِنْدَ الضَّرُورَةِ، وَ أَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَسْكِينِ، وَ لَا تَفْتِنِّي بِالْإِسْتِغَانِهِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَ لَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِ غَيْرِكَ إِذَا افْتَقَرْتُ

ص: ۲۷۴

۱- سبا ۲۱

۲- طارق ۴

۳- یوسف ۶۴

لَا بِالتَّضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا رَهَبْتُ، فَاسْتَحَقَّ بِذَلِكَ خِذْلَانَكَ وَ مَنَعَكَ وَ إِعْرَاضَكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

پروردگارا چنانم کن در هنگام بیچارگی و گرفتاری به تو رو کنم و در هنگام حاجتمندی از تو درخواست و در هنگام نداری به درگاه تو زاری نمایم دچار مکن به کمک خواهی از غیرت در هنگام ناچاری و نه به خضوع و کرنش برای درخواست از غیر تو گاهی که نیازمند گشتم و نه به زاری کردن به درگاه دیگری جز تو هنگام هراسم که در نتیجه سزاوار خذلان و خواری تو گردم و مستحق منع الطف و اعراض تو شوم ای مهربان ترین مهربانان.

در فرازی از دعای بعد از نماز شب عرض می کند:

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِسُوءِكَ، وَ مَحِلُّ الْمُعْتَرِفِ لِسُوءِكَ، فَلَا يَضِيْعَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ، وَ لَا يَقْصِرَنَّ دُونِي عَفْوُكَ، وَ لَا أَكُنْ أَخِيْبَ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ، وَ لَا أَقْنَطُ وَفُودَكَ الْآمِلِينَ، وَ اغْفِرْ لِي، إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ. (۲)

پروردگارا اینجا محل پناه آوردن است و جای اعتراف به توست بنابراین فضلت را از من مضایقه مکن و عفو تو را درباره من دریغ مفرما و من از جمله بی بهره ترین توبه کننده و نومید ترین آنهایی که به درگاهت روی می آورند نباشم.

مرا ببخش که تو بهترین بخشاینده ای

و برای قبر و برزخ خود عرض می کرد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ يَارِكَ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى، وَ طُولِ الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ النَّارِ، وَ اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعِيدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا، وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَا حِدِنَا، وَ لَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا. (۳)

ص: ۲۷۵

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- دعای سی و دوم صحیفه

۳- دعای چهل و دوم صحیفه

پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و ورود ما را به خانه در هم ریخته قبر و بسیار ماندن در میان طبقات خاک مبارک گردان و بعد از جدایی از دنیا خانه های قبر را بهترین خانه های ما قرار ده و به رحمت خود تنگی لحدهایمان را گشاده گردان و ما را در برابر حاضرین در روز قیامت به خاطر گناهان نابود کننده مان رسوا مفرما.

پرهیزکاری و تقوا

اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَ أَلْهَمْنِي التَّقْوَى، وَ وَفَّقْنِي لِلتِّي هِيَ أَرْكَى (۱)

پروردگارا به هدایت و راهنمایی گویایم کن و تقوی و پرهیزکاری را به من الهام کن و موفق دار به روش و کرداری که پاکیزه تر است.

یکی از درخواست های جدی و پراهمیت از پیشگاه خداوند متعال درخواست الهام و القا تقوا به باطن ماست.

چون وقتی انسان از ناحیه پروردگار کمک شود و پرهیز از گناه و پاکیزگی به دل و جان اش اشراق گردد روحش در برابر اسباب های معصیت و نافرمانی حق تعالی مقاوم و انعطاف ناپذیر خواهد شد.

بعضی از بزرگان معتقدند: الهام عبارت از این است که خداوند در نفس انسان چیزی را القا می کند که او را برانگیزد به انجام کار خوب و یا ترک کار بد و لازم نیست شخص حتما پیامبر خدا باشد.

مثل الهامی که خداوند به مادر موسی علیه السلام کرد:

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۲)

ص: ۲۷۶

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- قصص ۷

و مولایمان علی علیه السلام فرمود:

التَّقْوَى غَايَةٌ لَا يَهْلِكُ مَنْ اتَّبَعَهَا وَلَا يَنْدَمُ مَنْ عَمِلَ بِهَا لِأَنَّ بِالتَّقْوَى فَازَ الْفَائِزُونَ وَ بِالْمَعْصِيَةِ خَسِرَ الْخَاسِرُونَ (۱)

تقوا هدفی است که هر کس آن را دنبال کند به هلاکت نیفتد و هر که به کارش بندد پشیمان نشود زیرا با تقواست که رستگاران رستند و با معصیت است که زیانکاران زیان کردند

در بین ائمه طاهرين عليهم السلام اميرالمومنين علي عليه السلام و در بين كلمات اميرالمومنين عليه السلام بيشترين سفارش تقوا در نهج البلاغه موجود است.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، فَإِنَّهَا خَيْرٌ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ، وَ خَيْرٌ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ (۲)

ای بندگان خدا شما را به تقوای خدا سفارش می کنم زیرا این بهترین سفارشی است که بندگان به یکدیگر می کنند و در پیشگاه خداوند بهترین پایان امور است.

به عنوان نمونه از صدها سفارش حضرت به تقوای الهی در نهج البلاغه شریف به این خطبه ها مراجعه فرمایید:

۱۷۶ و ۲۱۵ و ۱۸۳ و ۸۷ و ۱۴۴ و ۱۵۷ و ۱۶ و ۱۵۷ و ۱۹۰ و ۱۹۰ و ۳۲ و ۲۷ و ۱۹۱ و ۱۷۳ و ۱۹۱ و ۸۳ و ۱۸۸ و ۱۹۸ و ۱۸۲ و ۱۱۴ و ۸۳

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۳)

از خدا بترسید و بدانید که خداوند با اهل تقواست.

مرحوم محدث قمی سه مرتبه برای تقوا بیان می کند.

۱- حفظ نفس از عذاب آخرت به وسیله اصلاح عقاید

۲- پرهیز از هر نوع گناه که خواه ترک واجب باشد و یا انجام حرام

۳- حفظ دل و سر وجود از اشتغال به غیر پروردگار که البته این نوع از تقوی مربوط به خواص بلکه خاص الخاص بندگان خداست.

ص: ۲۷۸

۱- همان مدرک ۴۴۲۱۶

۲- خطبه ۱۷۳

۳- بقره ۱۹۴

در ادامه می گوید: معنای تقوا را این گونه بیان کرده اند اگر گذرگاه ما بیابان پر از خار باشد و لباس بلندی بر تن داشته باشیم چگونه دامن لباس را جمع می کنیم و مواظب هستیم که لباس و بدن ما به خاری اصابت نکند به همین ترتیب مواظبت و مراقبت در امور دنیا را تقوا گویند.

تقوا شرط قبولی اعمال است:

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (۱)

نماز را به پا دار که به تحقیق نماز انسان را از بدکاری و منکر باز می دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲)

شما که ایمان دارید روزه بر شما مقرر شده چنانکه بر پیشینیان شما مقرر بوده شاید متقی شوید.

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۳)

زمان حج در ماه های معین است و هر که در آن ملزم حج شود آمیزش و بدکاری و مجادله در هنگام حج موقوف نیکی هر چه کنید خدا می داند توشه تهیه کنید که بهترین توشه ها تقواست و از من ای صاحبان اندیشه بترسید.

ص: ۲۷۹

۱- عنکبوت ۴۵

۲- بقره ۱۸۳

۳- بقره ۱۹۷

وَاعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَاعْنَهُمْ بِالصَّبْرِ...اللَّهُمَّ وَ أَيَّمَا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سُنَّتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَ حِزْبُكَ الْأَقْوَى وَ حَظُّكَ الْأَوْفَى فَلَقَّهِ الْيُسْرَ... وَارْزُقْهُ الشَّدَّةَ، وَ أَيْدِهِ بِالنَّصْرِ(۱)

پروردگارا مرزبانان و سربازان اسلام را جهت پیروزی بر دشمن و دارا بودن استقامت و صبر مددشان فرما ... خدایا هر رزمنده ای از ملت تو و یا هر مجاهدی از پیروان مکتب تو که تلاشی می کند دینت در مرتبه اعلی و حزبت در نهایت قدرت و بهره ات کامل تر گردد کارش را اسان فرما... و شدت و قدرت را نصیبش فرما با تایید و کمک خودت پیروزش کن.

قرآن پیروزی را منحصر به مدد پروردگار بیان می کند:

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

پیروزی نیست جز از جانب پروردگار مقتدر و حکیم.

خداوند مهربان بر خود یاری و نصرت مومنین را لازم دانسته است.

وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (۳)

و این حق ماست که مومنین را یاری کنیم.

تفاوت نصرت الهی با دیگران به جاودانگی و موقت بودن است وقتی نصرت خداوندی شامل حال ملتی شود در صورت قدر دانستن از نعمت پیروزی جاودانه می ماند اما پیروزی های دیگران بی دوام و کوتاه است به خصوص اگر همراه با ظلم و تعدی باشد.

ممکن است ظالم پیروز چند صباحی حکومت کند ولی حکومتش دوامی نخواهد داشت سرانجام سزای جنایاتش را در همین دنیا خواهد دید و این وعده الهی است که

وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۴)

ص: ۲۸۰

۱- دعای بیست و هفتم صحیفه

۲- آل عمران ۱۲۶

۳- روم ۴۷

۴- انعام ۱۲۹

بدین سان ستمگران را به سزای اعمالی که می کنند بر یکدیگر مسلط می کنیم. امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه می فرماید:

مَا انْتَصَرَ اللَّهُ مِنْ ظَالِمٍ إِلَّا بِظَالِمٍ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ وَ كَذَلِكَ تُؤَلَّى بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا (۱)

خداوند هیچ گاه از ستمگر انتقام نگرفت مگر به وسیله ستمگری دیگر و این سخن خدای عزوجل است که و بدین سان ستمگران را به سزای اعمالی که می کنند بر یکدیگر مسلط می کنیم از موضوع جنگ و جهاد و نصرت الهی که بگذریم پیروزی مهم تر بر هواهای نفسانی است که تعبیر به جهاد اکبر شده است.

موسی بن جعفر علیه السلام می فرمود: پس از خاتمه یکی از جنگ ها مسلمین رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سربازان مسلمان را مخاطب قرار داد و فرمود:

مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ (۲)

خوشا به حال مردمی که جهاد کوچک را پشت سر گذاشته و جهاد بزرگ برایشان باقی مانده عرض کردند ای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم جهاد بزرگ کدام است؟ حضرت فرمود جهاد با نفس

ای شهان کشتیم ما خصم برون***ماند خصمی زو بتر در اندرون

کشتن این کار عقل و هوش نیست***شیر باطن سخره خرگوش نیست

دوزخست این نفس و دوزخ اژدهاست***کو بدریا ها نگرد کم و کاست

هفت دریا را در آشامد هنوز***کم نگردد سوزش آن خلق سوز

عالمی را لقمه کرد و درکشید***معه اش نعره زنان هل من مزید

قَدْ رَجَعْنَا مِنَ جِهَادِ الْأَصْغَرِ *** بِأَنْبِيَاءِ جِهَادِ الْأَكْبَرِ

قدرتی خواهیم ز حق دریا شکاف***تا به سوزن برکنم این کوه قاف

سهل شیری دان که صفها بشکند***شیر آنرا دان که خود را بشکند

ص: ۲۸۱

۱- بحار ج ۷۵ ص ۳۱۳

۲- معانی الاخبار ص ۱۶۰

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

رَحِمَ اللهُ امرءً غَالِبَ الهوى و اَفَلَتَ مِنْ حَبَائِلِ الدُّنْيَا (۱)

خدا رحمت کند انسانی را که بر هوس خود چیره آمده و از دام های دنیا گریخت همان بزرگوار در جای دیگر فرمود: بر هوی و شهوت خود پیش از آن که ولع آن قدرت گیرد چیره آی و پیروز شو زیرا اگر قدرت گیرد بر تو مسلط شود و تو را به دنبال خود بکشند و نتوانی در برابرش ایستادگی کنی. (۲)

پیمان

اَللّٰهُمَّ فَهَيَّا اَنَا ذَا قَدِّ جِتَّتِكَ مُطِيعًا لِامْرِكَ فَيَمَا اَمَرْتَ بِهٍ مِنَ الدُّعَاءِ، مَتَنَجِّزًا وَعَيْدَكَ فَيَمَا وَعَيْدَتْ بِهٍ مِنَ الاجَابَةِ اِذْ تَقُولُ: اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ (۳)

خدایا اینک این منم که به قصد اطاعت فرمانت و عهدی که بسته ای در خصوص دعا که به آن امر فرموده ای به حضورت آمده ام در حالی که قاطعانه می خواهم به پیمان خود در مسئله استجابت دعا وفا کنی آنجا که می فرمایی: مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را

پس خداوند قبل از هر کس با ما پیمان بسته دعا از شما اجابت از من

خداوند به تمام وعده ها و وعیدهایش عمل خواهد کرد چه مربوط به دنیا باشد و چه درباره آخرت در طول تاریخ عمر بشر خداوند به پیمان هایش جامه عمل پوشانده است.

اِنَّ اللّٰهَ يُدْفِعُ عَنِ الدِّينِ اٰمَنُوْا (۴)

خداوند از اهل ایمان دفاع خواهد کرد.

این پیمان محکم الهی که از اهل ایمان حمایت کند و دیدیم چگونه به یاری پیامبران و پیروان آنان آمد و دشمنانشان را سرکوب و نابود کرد.

ص: ۲۸۲

۱- غررالحکم

۲- همان مدرک

۳- دعای سی و یکم صحیفه

۴- حج ۳۸

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (۱)

هیچ جنبنده ای در زمین نیست جز آنکه خداوند متعهد روزی اوست.

چنان پهن خوان کرم گسترد*** که سیمرغ در قاف قسمت خورد

ادیم زمین سفره عام اوست*** بر این خوان یغما چه دشمن چه دست

خداوند در روزی رساندن به بندگانش بر سر پیمان خویش هست ولی چه باید کرد که غاصبان و ظالمان حق مظلومان را می خورند و البته سزای عمل خویش را خواهند دید.

اما چه وظیفه ای بر گردن ما در پیمان ها و قراردادهای اجتماعی و بین دو نفر است حفظ پیمان و نشکستن آن نشانگر صفای باطن است باید نخست به عهد و پیمان هایی با خداوند تبارک و تعالی می بندیم پایدار بمانیم و بعد نسبت به بندگان خدا جامعه ای که مردمش بی وفا و پیمان شکنند سرپا نخواهد بود و رو به نابودی و اضمحلال خواهد رفت.

حفظ پیمان در میان مردم عامل اعتماد و اطمینان و همیاری نسبت به یکدیگر می باشد.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْوَفَاءَ تَوَامُّ الصِّدْقِ وَلَا أَعْلَمُ جُئَهُ أَوْفَى مِنْهُ (۲)

وفا به عهد پیمان قرین راستی است و من سپری نگاهدارنده تر از وفای به پیمان سراغ ندارم.

برای حفظ پیمان هایی که با خدا بسته ایم رعایت موارد ذیل ضروری است.

۱- بر نفس سرکش لگام زدن و مانع از طغیان آن شدن

۲- نظارت بر اعمال و مراقبت کامل که مبدا دارایی های معنوی از دست برود.

۳- بر در خانه دل نشستن و ممانعت از ورود اغیار

۴- تمام کارها را در دست قدرت پروردگار دانستن.

ص: ۲۸۳

۱- هود ۶

۲- غررالحکم

۵-حالت شرمندگی و ذلت را در پیشگاه پروردگار حفظ کردن.

ممکن است خداوند مهربان بارها قول و قرارهایی را که ما وفا نکردیم ببخشد اما گاه آن قدر پیمان شکنی بالا می گیرد که مثل بیماری که مرض غیرقابل علاج گرفته و طیب او را جواب کرده خداوند بنده عهد شکنش را به حال خودش وا می گذارد و او را نمی بخشد و جواش را نمی دهد.

حفظ پیمان با مردم نشان ایمان و پیمان شکنی زشت ترین خیانت است.

الْغَدْرُ أَقْبَحُ الْخِيَانَتَيْنِ (۱)

جمله بالا- از مولایمان علی علیه السلام بود و امام صادق علیه السلام فرمود: عَمَدَةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَبُخْلِفَ اللَّهُ بَدَاً وَ لِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ (۲)

وعده دادن اهل ایمان به برادران خود نذری است که کفاره ندارد پس هر کس در وعده خود تخلف کند با خدا پیمان شکنی کرده و خود را در معرض خشم پروردگار قرار داده است.

دست وفا در کمر عهد کن***تا نشوی عهد شکن جهد کن

نیست بر مردم صاحب نظر***خصلتی از عهد پسندیده تر

ص: ۲۸۴

۱- غررالحکم

۲- وسایل ج ۸ ص ۲۸۶

وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَةِ، وَ مِنْ أَدْلِهِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ (۱)

خدایا قرارم ده از محکم کاران و از کسانی که مردم را ارشاد و هدایت می کند و مرا از بندگان شایسته ات کن.

دعوت مردم به توحید و عقاید درست و راه رشد و تعالی توفیقی است که نصیب همه کس نمی شود.

دنیای امروز دنیای تبلیغ است چه در مسائل مادی و چه در موضوعات معنوی جمع زیادی از دنیاداران با تبلیغات بالا و چشم گیر اجناس خود را به فروش می رسانند و مردم را به خود جذب می کنند.

در امور معنوی اولین مبلغ انبیا و اولیا بودند که خداوند درباره اینان می فرماید:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۲)

کسانی رسالت های الهی را به مردم می رسانند و از خدا می ترسند و از احدی غیر خدا هراس ندارند و خدا برای حساب رسی کافی است.

بهترین و بافضیلت ترین نوع تبلیغ دعوت مردم به خداست: وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ (۳)

سخن کدام انسان بهتر و نیکوتر از کلام کسی است که خلق را به خالق دعوت می کند و با گفته های خود بذریع ایمان در قلوبشان می افشانند؟

ص: ۲۸۵

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- احزاب ۳۹

۳- فصلت ۳۳

کار تبلیغ دین شغل انبیا است قدم به جای اولیا گذاردن است ارشاد خلق گاه به زبان و گاه با قلم است و در هر شکل ممکن باشد ارزشمند و گرانقدر است.

لِلْإِنْسَانِ فَضِيلَتَانِ عَقْلٌ وَ مَنْطِقٌ فَبِالْعَقْلِ يَسْتَفِيدُ وَ بِلْمَنْطِقِ يَفِيدُ (۱)

دو فضیلت و برتری از جمله مزایای انسان است یکی عقل آن دیگر منطق با نیروی عقل حقایق را فرا می گیرد و خود را از آن بهره مند می سازد و با نیروی منطق و بیان فرا گرفته های خود را تبلیغ می کند و به دیگران می آموزد.

گاه یک موعظه و یک سخن عالمانه و دلسوزانه چنان تحولی در فرد یا افراد جامعه به وجود می آورد که هیچ چیز را نمی توان جایگزین آن کرد.

همان بزرگوار فرمود: رَبِّ كَلَامٍ أَنْفَعُ مِنْ سِهَامٍ (۲)

چه بسا کلامی که تاثیرش در شنوندگان از تیرهای بران و دلش کاف زیادتر است.

همان بزرگوار فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مرا مامور یمن نمود و به من فرمود با هیچ یک از اهالی کارزار مکن تا او را به آیین الهی دعوت نمایی به خدا قسم اگر پروردگار به دست تو یک نفر را هدایت نماید برای تو بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع می کند و غروب می نماید در حالی که حکومت آن پهنه وسیع برای تو باشد ای علی (۳)

و در خصوص تبلیغ با قلم و نوشتار اولاً آنقدر اهمیت دارد که خداوند به آن سوگند می خورد. ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۴) سوگند به قلم و آنچه می نویسند.

و ثانیاً از منظر معصومین در ارزش بسیار بالایی قرار دارد.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: عُقُولُ الْفُضَلَاءِ فِي أَطْرَافِ أَقْلَامِهَا عَقْلُ هَيْدَامِ دَانِشْمَنْدَانِ دَرِ نَوَكِ قَلَمِ هَايْشَانِ اسْت.

ص: ۲۸۶

۱- غررالحکم

۲- غررالحکم

۳- مجموعه ورام ج ۲ ص ۲۷۷

۴- قلم ۱

پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

يُوزَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ وَ دِمَاءُ الشَّهَدَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشَّهَدَاءِ (۱)

روز قیامت مرکب عالمان و خون شهیدان باهم وزن می شوند و مرکب عالمان بر خون شهیدان می چربد.

البته پیداست مداد و قلمی که در راه اعتلای ایمان انسان ها به کار گرفته شده باشد برتری دارد در غیر این صورت قلم هایی و قلم زن هایی وجود داشته و دارند که تیشه به ریشه دین می زنند و با کتاب های ضاله خود مردم را از صراط مستقیم الهی جدا می کنند شک نیست که جایگاهی جز آتش نخواهند داشت.

تربیت

وَ أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ... وَ الْمُعْصِي وَمِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الزَّلَلِ وَ الْخَطَا بِتَقْوَاكَ، وَ الْمُؤَفَّقِينَ لِلْخَيْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ (۲)

خدایا در تربیت و ادب کردن و نیکی به فرزندانم مرا یاری کن خدایا فرزندانم را از جمله کسانی قرار ده که به سبب تقوا و ترس از خودت از گناهان و لغزش ها و خطایا مصون مانده اند و به واسطه طاعت و بندگی موفق در کار خیر و راست و درست شده اند.

امام سجاد علیه السلام برای تربیت و تادیب فرزندانش از خداوند کمک می خواهد بی تردید ما بیشتر نیازمندیم در خانه خدا تضرع و زاری کنیم و توفیق خوب تربیت کردن فرزندانمان را از او درخواست کنیم.

شاید بعضی از پدر و مادرها فکر کنند همین که خوراک و لباس و مسکن اولاد خود را تامین کردند دیگر رسالتی بر دوشان نیست.

این درست است که اولاد واجب النفقه ما محسوب می شود ولی آن چیزی که از نفقه واجب تر است تربیت صحیح اولاد است.

ص: ۲۸۷

۱- تفسیر درالمنثور ج ۳ ص ۴۲۳

۲- دعای بیست و پنجم صحیفه

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا نَحْلًا أَفْضَلَ مِنْ آدَبٍ حَسَنِ (۱)

بخشش و اکرام هیچ پدری به فرزندش بهتر از ادب و تربیت پسندیده نیست.

و نیز فرمود: لَا مِيرَاثَ كَالْآدَبِ (۲)

هیچ ارثی برای فرزندان بهتر از ادب و تربیت نیست.

موضوع تربیت فرزندان آنقدر مهم است که همان بزرگوار خطاب به امام حسن علیه السلام فرزند دلبندهش می فرمود: فَأَيُّ

أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بَنِيَّ وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتِصَامِ بِحَيْلِهِ

من تو را به ترس از خدا و همراهی مداوم با دستورات او و آبادانی دلت با یاد خدا و چنگ زدن به ریسمان او سفارش می کنم.

بِسْمِ أَحْيِ قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ وَ أَمْنَهُ بِالزَّهَادَةِ وَ قَوِّ بِالْيَقِينِ وَ نَوِّرَهُ بِالْحِكْمَةِ

دلت را همواره با شنیدن موعظه زنده نگهدار و با دل نبستن به دنیا و زهد آن را بمیران و آن را با یقین قوت بخش و با حکمت نورانی اش کن.

إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْآدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفُسَّ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ (۳)

به تحقیق قلب کودک و جوان همانند زمین بایر است هر آنچه در آن بکارند می پذیرد بنابراین من تلاش کردم که تو را ادب کنم قبل از آنکه دلت قساوت یابد و عقلت مشغول شود.

تربیت درست فرزندان نه تنها بر عهده پدر و مادر است بلکه باید محیط و جامعه را نیز پاکیزه و دور از گناه نگه داشت تا نونهالان به رشد معنوی و اخلاقی برسند و آداب صحیح معاشرت را بیاموزند.

ص: ۲۸۸

۱- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۶۲۵

۲- غررالحکم

۳- نهج البلاغه نامه ۳۱

گاه والدین نهایت کوشش و تلاش خود را برای تربیت درست فرزندان انجام می دهند مدرسه خوب برایشان انتخاب می نمایند ولی با کمال تاسف فضای حاکم بر جامعه چنان در التهاب گناه می سوزد که تمام زحمات والدین و اولیا مدرسه و مربیان بی اثر می شود.

نکته مهم تر در بحث تربیت این است که قبل از اینکه به ادب و تربیت دیگران پردازیم خود را تربیت کنیم. تادیب و تربیت خود قبل از تادیب و تربیت بنابراین کسانی که تاریکی های گناه آنها را احاطه کرده و از تقوا و عفاف فاصله دارند چگونه می خواهند دیگران را تربیت کنند.

پس بهتر آن است که نخست به خود پردازند و در مقام اصلاح خویش برآیند آنگاه به تربیت و تادیب دیگران اقدام نمایند.

أَمْرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ (۱)

آیا مردم را به نیکی و کارهای خوب امر می کنید اما خود را فراموش کرده اید؟ مولا یمان علی علیه السلام خطاب به همه معلمان و مربیان تربیتی و هر کسی که در مسند ارشاد و موعظه خلق نشسته می فرمود که

مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِنَفْسِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ (۲)

هر کس خود را رهبر مردم نمود باید قبل از آموختن به دیگران به تعلیم نفس خویش پردازد و قبل از تادیب زبانش به ادب کردن باطنش اقدام نماید و تعلیم کننده نفس خویش و ادب کننده آن جهت تکریم و احترام سزاوارتر است از کسی که تعلیم دهنده مردم و ادب کننده آنهاست.

ص: ۲۸۹

۱- بقره ۴۴

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۷۰

اللَّهُمَّ ... وَيَا مَنْ هُوَ مُتَّهَى خَوْفِ الْعَابِدِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ. (۱)

ای خدایی که اهل عبادت از او می ترسند و اهل تقوا از او در خوف و خشیت اند.

ترس از خدا صحیح و بجا و ترس از غیر خدا زبونی و ذلت است کسی که از خدا بترسد از هیچ چیز و هیچ کس نمی ترسد و آنکه خدا ترس نیست از همه چیز و همه کس می ترسد.

در مکتب اسلام و گفتار اهل بیت علیهم السلام ترس از خدا ویژه دانشمندان و انسان های فهمیده و آگاه بیان شده است.

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (۲)

بندگان عالم و دانشمند الهی از خدا می ترسند.

فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۳)

خداوند سزاوارتر است برای ترسیدن اگر شما ایمان آورده اید.

آدم های ترسو و ضعیفی هستند که از هر چه غیر خداست چنان می ترسند که اهل ایمان از خدا می ترسند و بلکه مقداری بیشتر از آن.

إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً (۴)

و هنگامی که جهاد بر آنها مقرر شد گروهی از آنها از مردم ترسیدند مانند ترس از خدا یا شدیدتر از آن.

درست است که در بعضی موارد ترس و احتیاط عامل خوبی برای حفظ انسان از لغزش و گناه می شود ولی همه جا پسندیده نیست. بدون تردید برای برقراری نظم و انضباط و

ص: ۲۹۰

۱- دعای سی یکم صحیفه

۲- فاطر ۲۸

۳- توبه ۱۳

۴- نساء ۷۷

برطرف کردن هرج و مرج ترس از مجازات چیز جالبی است و به طور قطع مردم را ملزم به اطاعت از مقررات و قوانین می نماید و یا ترس از خدا که در واقع ترس از مجازات گناه می باشد بسیار به جا و صحیح است.

ولی ترس به معنی ضعف اراده در انجام کارهای شایسته و خدایسند مذموم و باعث عقب ماندن انسان خواهد شد.

مولایمان علی علیه السلام برای مبارزه با ترس مذموم و تقویت اراده می فرمود:

إِذَا هَبْتَ أَمْرًا فَفَعِّعْ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوْقِيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ (۱)

هرگاه از کاری ترسیدی خود را در آن افکن زیرا سختی دوری کردن و اجتناب بزرگتر است از آنچه از آن ترس داری

برای معالجه ترس های بی مورد و رفع آن امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا دَخَلْتَ مُدْخَلًا تَخَافُهُ فَاقْرَأْ هَذِهِ الْآيَةَ هَرِجًا فِي مَكَانٍ وَارِدَ شِدَى وَتُورًا تَرَسًا فَرَاغَرَفْتَ أَيْنَ آيَةٍ رَا تَلَاوَتَ كُنَّ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا در جای دیگر فرمود: فَإِذَا عَايَنْتَ الَّتِي تَخَافُهَا فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ (۲)

هر وقت با مسئله ترسناکی مواجه شدی آیه الکرسی را تلاوت کن البته از ذکر شریف حوقله یعنی لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ هم غافل نباشیم که در تسکین آدمی و رفع دلهره و ترس نقش بزرگی دارد.

باز امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس روزی صد بار این ذکر را بگوید خداوند تبارک و تعالی هفتاد نوع بلا را از او دفع می کند که سهل ترین آنها غم و غصه است. (۳)

ص: ۲۹۱

۱- نهج البلاغه حکم و مواظ

۲- هر دو روایت ثواب الاعمال ص ۱۹۵

۳- سفینه البحار ج ۲ ص ۶۷۸

آن هایی که با ذکر و یاد خدا ارتباط ندارند به طور یقین اگر ترس به سراغشان بیاید موجوداتی بی ارزش هستند و قابل اعتماد نمی باشند. ترس به خودی خود یک نقیصه و عیب بزرگ است چنانکه مولایمان علی علیه السلام فرمود: الْجُبْنُ مَنْقَصَةٌ تَرَسُ نَقْصٌ وَ عَيْبٌ اسْت.

همان بزرگوار سفارش می کرد با این نوع افراد مشورت و رایزنی نکنید.

لَا تُشْرِكَنَّ فِي رَأْيِكَ جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأَمْرِ وَ يُعْظِمُ عَلَيْكَ مَا لَيْسَ بِعَظِيمٍ (۱)

با آدم ترسو مشورت و رایزنی مکن که او تو را در تصمیم و اراده ات سست می گرداند و آنچه به واقع بزرگ نیست در نظر تو بزرگ نشان می دهد.

وقتی از امام حسن علیه السلام سوال شد: ترس چیست؟

فرمود: الْجَرَاهُ عَلَى الصَّدِيقِ وَ النَّكُولُ عَنِ الْعَدُوِّ (۲)

دلیری در برابر دوست و گریختن از برابر دشمن

اصلاً جای آدم ترسو در جبهه و جنگ نیست همان طور رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مَنْ أَحْسَسَ مِنْ نَفْسِهِ جُبْنًا فَلَا يَغْزُ (۳)

کسی که در خود احساس ترس می کند به جنگ نرود.

ص: ۲۹۲

۱- غررالحکم

۲- تحف العقول ص ۲۲۵

۳- بحار ج ۱۰۰ ص ۴۹

اللَّهُمَّ وَحَمَلَهُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يُفْتَرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَلَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ، وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ (۱)

خداوندا حراست کنندگان عرشت فرشتگانی هستند که از تسبیح تو ناتوان نمی شوند و از تقدیس و تنزیه تو خسته نشده و از عبادت و بندگی تو سست نمی گردند.

یکی از اسماء الحسنی السُّبُوح است یعنی خداوندی که تمامی موودات او را تسبیح و تنزیه می کنند.

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (۲)

موجودی نیست مگر به ستایش پروردگار تسبیح گوشت ولی شما تسبیح گفتنشان را نمی فهمید

ذکر تسبیحات اجزا نهران***غلغلی افکنده در این آسمان

جمله جزا زمین و آسمان***با تو می گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم***با شما نامحرمان ما خامشیم

خامشیم و نعره تکرارمان***می رود تا پایتخت یارمان

ابی حمزه می گوید: ما با امام سجاد علیه السلام از محلی عبور می کردیم و صدای جیک جیک گنجشکان را می شنیدیم امام علیه السلام به ما فرمود آیا می دانید که گنجشک ها چه می گویند؟ عرض کردم خیر فرمود: از پدرم شنیدم که می فرمود: از پدرم علی بن ابیطالب امیرالمومنین علیه السلام شنیدم که فرمود: إِنَّ الطَّيْرَ إِذَا أَصْبَحَتْ سَبَّحَتْ رَبَّهَا وَ سَأَلَتْهُ قُوَّتَ يَوْمِهَا وَإِنَّ هَذِهِ تَسْبِيحُ رَبَّهَا وَ تَسْأَلُهُ قُوَّتَ يَوْمِهَا (۳)

ص: ۲۹۳

۱- دعای سوم صحیفه

۲- اسراء ۴۴

۳- درالمنثور سیوطی ج ۴ ص ۱۸۳

پرنندگان هر صبحگاه تسبیح پروردگار خویش می کنند و روزی آن روز خود را مطالبه می نمایند این گنجشک ها نیز مشغول تسبیح پروردگار خویش هستند و رزق امروز را مطالبه می کنند.

و از معنای سبحان الله از رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم سوال شد؟ فرمود: هُوَ تَنْزِيَهُ اللهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ (۱)

یعنی منزّه دانستن خداوند از ناشایست.

امام صادق علیه السلام می فرمود: حضرت داود علیه السلام هر گاه زبور تلاوت می کرد هیچ کوه و سنگ و مرغی نبود مگر این که با او هم آواز می شد. (۲)

امام سجاد علیه السلام صاحب زبور آل محمد علیهم السلام یعنی صحیفه سجاده که پر از تسبیح و تنزیه پروردگار است سعید بن مسیب می گوید که امام سجاد علیه السلام در یکی از منازل سفر فرود آمد و دو رکعت نماز گذارد و در سجده خود تسبیح گفت و هر درخت و کلوخی بود هم صدا با او تسبیح گفتند. (۳)

پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم دامنه عنوان فوق را وسعت داده و فرموده است:

مَنْ قَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مُوقِنًا سَبَّحَتْ مَعَهُ الْجِبَالُ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَسْمَعُ ذَلِكَ مِنْهَا (۴)

هر که از روی یقین بسم الله الرحمن الرحيم بخواند کوه ها هم صدا با او تسبیح گویند اما او تسبیح آنها را نمی شنود.

خداوند فرشتگانی دارد که از روز خلقت تا قیامت به طور دائم مشغول تسبیح و عبادت پروردگارند.

امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً رُكَّعًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سُجَّدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۵)

ص: ۲۹۴

۱- همان مدرک ج ۱ ص ۲۶۹

۲- نورالثقلین ج ۳ ص ۴۴۴

۳- همان مدرک

۴- درالمنثور ج ۱ ص ۲۶

۵- تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۰۶

خداوند فرشتگانی دارد که تا روز قیامت در حال رکوعند فرشتگانی دارد که تا روز قیامت در حال سجده اند.

ملایک در مقام ارچه بلندند***ولی هر یک به جایی پایبندند

به معنی هر یکی دارند نامی***به کار خویش هر یک در مقامی

یکی از امر حق اندر سجود است***یکی دیگر مدام اندر قعود است.

امام سجاد علیه السلام در همان دعای سوم در توصیف فرشتگان می گوید:

وَلَا تَشْغُلُهُمْ عَنِ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنِ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ الْغَفَلَاتِ الْخُشْعُ الْأَبْصَارِ

فرشتگانی که شهوت ها باعث نمی شود از تسبیح تو باز مانند و نیز فراموشی که ناشی از غفلت هاست آنها را از بزرگ دانستن تو مانع نمی شود فرشتگانی که دیدگانی خاشع دارند و سر به زیر افکنده اند.

ص: ۲۹۵

فَالْيَاكُ أَفْرٌ، وَ مِنْكَ أَخَافُ، وَ بِمَكَ أُسْتَيْغِثُ، وَ إِيَّاكَ أَرْجُو، وَ لَكَ أَدْعُو، وَ إِلَيْكَ أَلْجَأُ، وَ بِكَ أَثِقُ، وَ إِيَّاكَ أَسْتَعِينُ، وَ بِكَ أُوْمِنُ، وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَ عَلَيَّ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَتَكَلُّ (۱)

خدایا به سویت فرار می کنم و از تو می ترسم و به تو استغاثه می نمایم و به تو امیدوارم و تو را می خوانم و به سویت پناه می برم و به تو اطمینان دارم و فقط از تو کمک می خواهم و به تو ایمان می آورم و بر جود و کرمیت توکل می ج ویم.

معنای تسلیم خدا بودن در عبارات شیوای امام سجاد علیه السلام موج می زند فرار به سوی خدا ترس از او استغاثه به او امید به او پناه بردن به او و توکل بر او همه و همه حکایت از روح تسلیم و تن دادن به خواست پروردگار دارد.

راغب در معنای اسلام و مسلم ذیل آیات إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا می گوید: ای اجعلنی مِمَّنْ أَسْتَسَلِمَ لِرِضَاكَ یعنی خدایا مرا از جمله کسانی قرار ده که تسلیم رضا تو باشم.

مسلمان واقعی کسی است که پسندد آنچه را جانان پسندد هیچ گاه برای خداوند تبارک و تعالی تعیین تکلیف نکند و هیچ وقت خواست خود را بر خواست پروردگار ترجیح ندهند. تن به قضای الهی داده و راضی به رضای حق تعالی باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: الْإِسْلَامُ أَنْ تُسَلِمَ وَجْهَكَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (۲)

اسلام آن است که وجودت را تسلیم خدای عزوجل کنی و شهادت دهی که معبودی جز الله نیست.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: غَايَةُ الْإِسْلَامِ التَّسْلِيمُ غَايَةُ التَّسْلِيمِ الْفَوْزُ بِدَارِ النَّعِيمِ (۳)

ص: ۲۹۶

۱- دعای پنجاه و دوم صحیفه

۲- کنز العمال ۳۹

۳- غررالحکم

نهایت اسلام تسلیم است پایان تسلیم رسیدن به سرای پر نعمت بهشت است.

زبان حال اهل رضا و تسلیم به خواست الهی این است

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (۱)

ولی اگر آنها به آنچه خداوند و رسول او در اختیارشان گذارده رضایت دهند و بگویند همین برای ما کافی است و خدا و رسول او از فضل خویش به زودی به ما می بخشد که ما فقط مشتاق پروردگاریم.

ثمره تسلیم و تن به رضای پروردگار دادن این است

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲)

خداوند آن کسانی را که در پی کسب رضای او باشند به راه های سلامت هدایت می کند و به اجازه خویش از تاریکی ها به سوی نور رهبری می فرماید و آنها را به راه راست هدایت می کند.

ابتدا باید حسن ظن خود را نسبت به خدای بزرگوار خویش تقویت کنیم و به این باور برسیم که خداوند جز خیر برای بنده اش نمی خواهد و این طور نیست که اگر بعضی حوائج ما را برآورده نکرد و به خواسته های ما جامه عمل نپوشاند با ما سر ستیز دارد بلکه این ما هستیم که خیر و شر خویش را نمی فهمیم و خیال می کنیم که فلان چیز به نفع ماست و فلان چیز به ضرر در حلالی اشتباه می کنیم و ذهن ما به خطا می رود.

ص: ۲۹۷

۱- توبه ۵۹

۲- مائده ۱۶

وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱)

و چه بسیار چیزی را دوست ندارید ولی بر شما خیر است و چه بسیار چیزی را دوست دارید و برای شما شر است و خدا می داند و شما نمی دانید پس طبق بیان مولایمان علی علیه السلام طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَ عَمِلَ لِلْحِسَابِ وَ قَنَعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ (۲)

خوشا به حال کسی که به یاد معاد باشد برای حساب رسی قیامت کار کند با قناعت زندگی کند و از خدا راضی باشد.

و باید معنای واقعی رضا و تسلیم را در برابر خواسته های الهی از امام حسین علیه السلام آموخت پس از آن همه مصیبت که بر او وارد شد در آخرین لحظات با وجود زخم های متعدد در بریدن و پرپر شدن گل های بنی هاشم و یاران خویش با خدای خویش چه می گفت: إلهی رَضِي بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ خدایا راضی به حکم قطعی توام تسلیم فرمانت هستم. معبودی جز تو ندارم ای پناه پناهندگان.

امام صادق علیه السلام می فرمود: سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید زیرا که سوره حسین بن علی علیه السلام است. برای خواندن آن میل و رغبت نشان دهید خداوند شما را رحمت کند. ابواسامه که در مجلس حاضر بود عرض کرد چگونه این سوره سوره حسین علیه السلام اختصاص یافته است؟ فرمود: آیا نشنیده ای کلام خدا را که فرمود: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ مَنْظُورٌ مِنْ نَفْسٍ مُطْمَئِنَّةٍ حَسِينٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ است چرا که او صاحب نفس مطمئنه ای بود که از خدای خویش راضی بود و خدا نیز از او راضی بود و اصحاب او از

ص: ۲۹۸

۱- بقره ۲۱۶

۲- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۴۴

آل محمد علیهم السلام از خدای خویش راضی هستند و در روز قیامت خدا هم از ایشان راضی است. (۱)

در قرآن نیز در توصیف این گروه آمده:

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۲)

خداوند فرمود: قیامت روزی است که راست گفتن راستگویان سودشان می دهد برای آنها بهشت هایی است که از زیر درختان آن نهرها جاری است و برای همیشه در آن می مانند خدا از آنها راضی است و آنها از خدا راضی هستند که این است رستگاری بزرگ.

امیرالمومنین علی علیه السلام یادی از خباب بن ارت کرد و فرمود:

خداوند رحمت کند خباب بن ارت را که به تحقیق از روی میل و رغبت اسلام را اختیار کرد و از روی اطاعت امر هجرت نمود و به روزی مقرر خویش اکتفا نمود و از خداوند راضی بود و مجاهدانه زندگی کرد خوشا به حال کسی که به یاد روز قیامت باشد و برای روز حساب کار کند.

وَ قَنَعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ (۳)

و به اندازه روزی خود قناعت کند و از خدا راضی باشد.

شخص مولا سلام الله علیه دعا می کرد: اَللّهُمَّ ... فَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْمَقَامِ رِضَاكَ (۴)

پروردگارا در این جایگاه رضایت را بر ما نصیب و ببخش.

ص: ۲۹۹

۱- بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۱۸

۲- مائده ۱۱۹

۳- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۴۱

۴- خطبه ۹۰ نهج البلاغه

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى أَتْبَاعِ الرَّسْلِ وَ مُصَدِّقِيهِمْ

از جمله دعاهای امام سجاد علیه السلام در درود بر پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران است.

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرَّسْلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضِهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَ الْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ
الْإِيمَانِ (۱)

خداوند سلام و درود فرست بر پیروان تصدیق کنندگان باطنی پیامبران در روزی زمین در همان حالی که معاندین پیغمبران را تکذیب می کردند آنها مشتاقانه با حقیقت ایمان به آنها می گرویدند.

تصدیق در مقابل تکذیب است تصدیق و یا به عبارتی پذیرش دعوت خدا و رسول در تمامی اعصار وجود داشته است. عده ای به خدا و پیامبر زمان خویش ایمان می آوردند ولی بیشتر مردم به مخالفت و تکذیب آن پیامبر اقدام می نمودند.

گاهی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را دلداری می دهد که:

وَ إِنْ يُكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ ثَمُودٌ وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى (۲)

ای رسول خدا اگر تو را تکذیب می کنند پیش از آنها نیز قوم نوح و عاد و ثمود پیامبرانشان را تکذیب کردند هم چنین قوم ابراهیم و قوم لوط پیامبران خود را تکذیب نمودند و نیز اصحاب مدین و موسی تکذیب شدند.

بر همین اساس امام سجاد علیه السلام به پیروان انبیا و تصدیق کنندگان سلام و درود می فرستد که همواره اهل تصدیق در اقلیت بوده و هستند.

ص: ۳۰۰

۱- دعای چهارم صحیفه

۲- حج ۴۴ تا ۴۲

درباره قوم نوح آمده وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (۱)

جز عده کمی به نوح ایمان نیاورده بودند.

اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (۲)

ای آل داوود شکر خدا کنید که بندگان شاکر من کم هستند.

فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۳)

قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (۴)

و جز اندکی از آنها ایمان نیاوردند. جز اندکی از آنها به خود نمی آیند اولین تصدیق قبول و ایمان به خداوند و یکتایی اوست که ثمره این تصدیق اثبات صفات خداوندی و نفی صفاتی است که او را سزا نیست.

نه مرکب بود و جسم نه مرئی نه محل***بی شریک است و معانی تو غنی دان خالق

مولایمان علی علیه السلام در این خصوص می فرماید:

أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّضَيُّقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّضَيُّقِ بِهِ تَوْحِيدِهِ الإِخْلَاصُ لَهُ، وَ كَمَالُ الإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ (۵)

قدم اول در دین شناخت پروردگار است و شناخت کامل او درست باور کردن اوست و کمال درست باور کردن او یگانه دانستن اوست و کمال یگانه دانستن او اخلاص به اوست و کمال اخلاص به او نفی صفات از اوست.

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۶)

پروردگار تو که پروردگاری مقتدر است از آنچه توصیف می کنند منزه است بعد از تصدیق خداوند تصدیق پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم و آنچه را که بر او نازل شده است مطرح می باشد.

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (۷)

ص: ۳۰۱

۱- هود ۴۰

۲- سبا ۱۳

۳- نساء ۱۵۵

٤- نمل ٦٢

٥- نهج البلاغه خطبه ١

٦- صفات ١٨٠

٧- حشر ٧

آنچه پیامبر برای شما می آورد به کار بندید و آنچه نهی می کند خودداری نمایید.

و پس از تصدیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تصدیق عترت او از معصومین علیهم السلام می باشند که ارتباط بسیار نزدیکی بین تصدیق خدا و رسول و عترت پیامبر وجود دارد یعنی انکار یک امام معصوم مساوی با انکار پیامبر و خداوند تبارک و تعالی است زیرا که همه آن بزرگواران از جانب خداوند منسوب شده اند و رسول و فرستاده او هستند.

از جعفر بن محمد امام صادق از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن الحسین از پدرش حسین بن علی علیهم السلام نقل شده که فرمود: از امیرالمومنین علیه السلام سوال شد که منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از این جمله چه بوده است.

إِنِّي مُخْلِيفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مِنْ دُوْ حَيْزِ كِرَانِبِهَا بَر جَاي مِي كَذَارْم؟ فَرْمُود كِتَاب خِدا و عِترت بَار دِيكِر سِوَال شِد عِترت كِدا مِند:
فرمود: من و حسن و حسین و امامان نه گانه ای که از نسل حسین هستند که نهمین فرزند حسین مهدی و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم است آنها از کتاب خدا جدا نمی شوند کتاب خدا هم از آنها جدا نمی گردد تا در کنار حوض کوثر با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ملاقات کنند. (۱)

ص: ۳۰۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَصِّنْ نُجُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ أَيْدِ حُمَاتِهَا بِقُوَّتِكَ... وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ... وَ أَلِّفْ جَمْعَهُمْ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و به عزت مرزهای مسلمانان را محکم ساز و به نیرویت حامیان اسلام و مسلمین را تقویت فرما... و تعدادشان را زیاد کن ... و جمعشان را نسبت به یکدیگر الفت بخش و متحد فرما.

وحدت مسلمین باعث می شود که دشمن به دین و دنیای آنان طمع نکند و از انسجام و الفت به یکدیگر آنها به وحشت افتد و بر عکس تفرقه و جدایی بین فرقه های گوناگون مسلمانان حربه کارساز و قدیمی دشمنان اسلام و مسلمین بوده تا از اب گل آلوده ماهی بگیرند و به منافع مادی و سیاسی خویش و سلطه بر مسلمانان نایل آیند.

قرآن خیلی صریح و شفاف مسلمانان را از این حربه سیاسی آگاه کرده و می فرماید: وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (۲)

با یکدیگر اختلاف نکنید که ناتوان شده و آبرو و حیثیت شما از بین خواهد رفت.

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۳)

این راه راست من است از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی نکنید که ما را از راه خدا منحرف می کنند اینها سفارشات پروردگار به شماست شاید پرهیزکار شوید.

برخورد قاطع خداوند با کسانی که بنای تفرقه بین مسلمین داشتند جای دقت زیادی دارد همان هایی که جهت تضعیف اسلام و مسلمین پایگاه می ساختند چنانکه متاسفانه تحت نام مولایمان امیرالمومنین علیه السلام عده ای متصوفه مراکزی را به وجود آوردند و بیشتر

ص: ۳۰۳

۱- دعای بیست و هفتم صحیفه

۲- انفال ۴۶

۳- انعام ۱۵۳

شرکت کنندگان در مراکز آنان در مساجد و نماز جماعت در مسجد حضور ندارند و بسیاری اهل تقلید از مراجع تقلید نیستند و فقط دنبال قطب و مراد هستند و جمعیت خویش را جدا بافته از سایرین می دانند و باعث تفرقه بین مسلمانان شده اند.

يَنْتَظِرُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْبَانِي وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا (۱)

آنانی که مسجدی برای ضرر زدن و تقویت کفر و تفرقه بین اهل ایمان و کانونی برای کسی که با خدا و رسول او از قبل دشمنی کرده می سازند و قسم می خوردند که ما جز نیکی قصد دیگری نداشتیم خداوند شهادت می دهد که اینها دروغگو هستند ای رسول ما هرگز در این مسجد پا مگذار.

تفرقه اندازان بین مسلمین باعث شدند از همان روزهای نخستین در حالی که اسلام جوان بود مردم گروه گروه شوند و هر کسی دنبال مرام و مراد خاصی برود و به هفتاد و سه ملت تبدیل شوند. در صورتی که فقط یک گروه رستگار و نجات یافته است چون خداوند تبارک و تعالی یک راه مستقیم بیشتر ندارد.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: لَتَفَرَّقَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً وَ الذِّي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ الْفِرْقَ كُلَّهَا ضَالَّةٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَنِي وَ كَانَ مِنْ شِيعَتِي (۲)

این امت هفتاد و سه فرقه خواهد شد و سوگند به آن که جانم در دست اوست همه این فرقه ها گمراهند مگر کسی که از من پیروی کند و شیعه من باشد پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله وسلم هشدار داد که آنچه بر سر بنی اسرائیل آمد و مو به مو بر سر امت من نیز خواهد آمد... بنی

ص: ۳۰۴

۱- توبه ۱۰۷ و ۱۰۸

۲- امالی مفید ص ۲۱۳

اسرائیل هفتاد و دو ملت شدند و امت من نیز به زودی هفتاد و سه ملت خواهند شد. كُلُّهُمْ فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَهُ (۱)

که به جز یک فرقه همه در آتش باشند.

تواضع

وَلَمَّا تَبَتَّلَیْنِیْ بِمَا لَکِبْرٍ، وَ عِبْدَنِیْ لَکَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِیْ بِالْعُجْبِ، وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَیْ یَدِیْ الْخَيْرِ وَ لَا تَمَحَقَّهُ بِالْمَنِّ، وَ هَبْ لِیْ مَعَالِیَ الْأَخْلَاقِ، وَ اغْصِمْنِیْ مِنَ الْفَخْرِ (۲)

پروردگارا به کبر و بزرگ منشی مبتلایم مکن و به عبادت خودت وادارم کن و تباه مکن عبادتم را به عجب و خودبینی و به دست من کار خیر مردم را اجرا کن ولی با منت گذاری من از بینش نبر و مرا به پایه های بلند اخلاق برسان و از فخر کردن و به خود بالیدن نگاهم دار.

درخواست کلی امام علیه السلام تواضع در همه زمینه هاس ابتدا تواضع در پیشگاه پروردگار است.

راغب در مفردات می گوید: الْعُبُودِيَّةُ إِظْهَارُ التَّعَدُّلِ وَ الْعِبَادَةُ أَبْلَغُ مِنْهَا لِأَنَّهَا غَايَةُ التَّعَدُّلِ عِبُودِيَّةٌ وَ بِنْدَاغِيَّةٌ بِمَعْنَى إِظْهَارِ ذِلَّتِ اسْتِ وَ لِيْ عِبَادَتِ رَسَاتِرِ از آن است زیرا عبادت حالتی از آن نهایت درجه تذلل است نهایت تواضع ما وقتی است که در برابر خدای خویش به خاک می افتم و او را سجده می کنیم.

از امام صادق علیه السلام سوال شد آیا سجده برای غیر خدا جایز و شایسته است؟ فرمود نه عرض شد چگونه خداوند ملایکه را امر به سجده آدم فرمود؟ پاسخ داد که اگر کسی به امر خدا سجده کند خدا را سجده کرده بنابراین سجده ملایکه برای خدا بود زیرا ناشی

ص: ۳۰۵

۱- کنز العمال ۹۲۸

۲- دعای بیستم صحیفه

از امر باری تعالی بود وقتی امام علیه السلام عرض می کند عبدنی یعنی خدایا روح تواضع واقعی و کامل را در پیشگاهت به من عطا کن.

کسانی که علاقمند هستند بنده باشند و نهایت تواضع و خضوع را در برابر خدای خویش داشته باشند باید او را اطاعت کنند و دست از نافرمانیش بردارند.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِإِلَّا عَشِيرَةٍ وَ غِنًى بِإِلَّا مَالٍ وَ هَيْبَةً بِإِلَّا سُلْطَانٍ فَلْيَتَّقِلْ عَن ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ (۱)

کسی که می خواهد بدون داشتن عشیره و فامیل در جامعه عزیز باشد آن کس که می خواهد بدون داشتن ثروت و مال غنی و بی نیاز باشد آنکه می خواهد بدون دارا بودن سلطه و قدرت واجد هیبت و ابهت باشد باید از محیط ذلت گناه به فضای نورانی اطاعت از خداوند منتقل گردد.

مرحله بعد تواضع در برابر غیر خداست این نیز باعث عزت و رفعت انسان می گردد چنانکه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

التَّوَّاضِعُ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا رَفَعَهُ فَتَوَاضَعُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ (۲)

تواضع مقام متواضع را در جامعه بالا می برد تواضع کنید تا رحمت خداوند بزرگ شامل حالتان گردد.

در یکی از عبارات امام سجاد علیه السلام این بود که وَ اعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ خدایا از فخر کردن و به خود بالیدن نگاهم دار.

شخص متواضع اهل فخر فروشی و به خود بالیدن نیست بعضی به خانواده و گذشتگان خود می بالند و گرفتار خود برترینی می شوند بعضی به ثروت و مال خویش و بعضی به پست و مقام خود برترینی در هر شکلی مذموم و خلاف تواضع است.

ص: ۳۰۶

۱- میزان حکمه ج ۶ ص ۲۹۰

۲- محجه البيضاء ج ۶ ص ۳۲۱

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم می فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ تَوَاضَعُوا حَتَّى لَا يَفْخَرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ وَلَا يَبْغِيَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ (۱)

خداوند به من وحی فرستاد که همواره متواضع باشید تا کسی بر دیگری مباحثات ننماید و فردی نسبت به فرد دیگر بغی و ستم نکند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم با تعالیم خود تکبر و افتخار زمامداران و صاحبان مقام را در ارگان های کشوری و لشکری برانداخت و آن را نشان کوتاه فکری و ضعف افراد دانست.

مولایمان علی علیه السلام در ضمن خطبه ای فرمود: وَإِنَّ مِنْ أَسْخَفِ حَالَاتِ الْوُلَاهِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ (۲)

از پست ترین و بی ارزش ترین حالات زمامداران نزد مردم صالح و درستکار این است که به آنان گمان برده شود که به فخر و مباحثات علاقه دارند. یک آقای به نام عقبه ابن بشیر اسدی به امام باقر علیه السلام عرض کرد من عقبه بن ابشیر اسدی هستم در قوم خود از جهت شرافت پدری بسیار عظیم و رفیعم. حضرت فرمود با حسب خود بر ما منت مگذار که خداوند به وسیله ایمان کسی را که مردم او را پست می خوانند اگر مومن باشد بالا برده و به واسطه کفر کسی را که مردم او را شریف می خوانند اگر کافر باشد پست نموده پس هیچ کس بر دیگری فضیلت و برتری ندارد مگر به تقوا

ص: ۳۰۷

۱- میزان الحکمه ج ۷ ص ۴۱۵

۲- نهج البلاغه خطبه ۲۱۶

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَطَلِبِهَا

از جمله دعاهای حضرت سجاد علیه السلام درباره توفیق توبه و درخواست آن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِي وَصِغَائِرِهَا وَبَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَظَوَاهِرِهَا... وَقَدْ قُلْتُ يَا إِلَهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ، وَتَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَتُحِبُّ التَّوَّابِينَ، فَاقْبَلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ وَأَعْفُ عَنِّي سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِنْتَ... فَاجْعَلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ، تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ مَا سَلَفَ، وَالسَّلَامَةَ فِيْمَا بَقِيَ (۱)

پروردگارا در این حالی که هستم به سویت توبه می نمایم توبه از گناهان بزرگ و گناهان کوچکم و از لغزش های پنهانی و آشکارم... و تو ای خدای من در کتاب محکم و استوار خود فرموده ای که توبه را از بندگانت می پذیری و از گناهانشان می گذری و توبه کاران مداوم را دوست می داری پس توبه ام را بپذیر همان طور که وعده داده ای و مرا عفو کن همان گونه که ضمانت کرده ای... خدایا توبه مرا توبه ای قرار ده که پس از آن نیازی به توبه ای دیگر نداشته و باعث محو گناهان گذشته و سالم ماندن در بقیه روزهای عمرم باشند. توبه کننده نخست باید به گناه اعتراف کند و وضع حال خویش را برای خدای خود شرح دهد که چه کرده است امام باقر علیه السلام سوگند به پروردگار می خورد کسی از گناهان رهایی نمی یابد مگر آنکه در پیشگاه پروردگار اعتراف کند. (۲)

نباید فراموش کرد که اعتراف به گناه فقط در محضر خداوند درست است یعنی لازم نیست مثل بعضی از پیروان مذاهب نزد رهبران دینی خود اعتراف به گناه کنند و یا برای مردم بازگو نمایند که این حرکت یعنی اعتراف به نزد غیر خدا هیچ نتیجه ای جز اشاعه فحشا و از بین رفتن قبح گناه نخواهد داشت.

ص: ۳۰۸

۱- دعای سی و یکم صحیفه

۲- کافی ج ۲ ص ۴۲۶

خدایی که خود فرموده اَدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ (۱) مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم

فَاِنِّي قَرِيبٌ اُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ (۲)

من نزدیک هستم و چون صاحب دعا مرا خواند دعای او را اجابت می کنم.

اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ (۳)

آیا چه کسی غیر از خدا هست که آن در مانده را وقتی بخواندش اجابت می کند و از او رفع بلا می نماید.

وَنَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (۴)

ما از رشته سیاهرگ به او نزدیکتریم.

با این اوصاف چه لزومی دارد نزد غیر خدا به گناه اعتراف کنیم خدایی که این اندازه به ما نزدیک است و سخن ما را می شنود و حتی نیت دل ما را می داند پس چه بهتر که از خودش به طور مستقیم طلب عفو کنیم.

پس از اعتراف به گناه شخص توبه کننده باید از کاری که کرده به طور جدی پشیمان و نادم باشد در غیر این صورت توبه او واقعی نیست.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ندامت را همان توبه می داند و می فرماید: كَفَى بِالنَّدَمِ تَوْبَةً (۵)

در تحقق یافتن توبه همین بس که ندامت و پشیمانی از گناه حاصل شود.

امام رضا علیه السلام می فرمود: مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يَنْدَمْ قَلْبُهُ فَقَدَعَ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ (۶)

کس یکه به زبان توبه کند ولی در دل گناهی که مرتکب شده نادم و پشیمان نباشد خودش را مسخره کرده است.

مرحله بعد از ندامت باطنی اقدام به اعمال و کارهای خوب است و آنچه در زمان خطا و لغزش از واجبات و تکالیف ترک کرده جبران کند.

ص: ۳۰۹

۱- مومن ۶۰

۲- بقره ۱۸۶

۳- نمل ۶۲

۴- ق ۱۶

۵- کافی ج ۲ ص ۴۲۶

۶- مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۱۰

کسانی که فکر می کنند فقط استغفار و ندامت کافی است اشتباه می کند زیرا تکمیل کردن توبه جبران گذشته هاست.

امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد بن مسلم گناهان مومن در صورتی که توبه کند آمرزیده می شود ولی باید بعد از توبه و بخشش پروردگار کارهای نیک و اعمال صالح به جا آورد.

قرآن می فرماید: إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ (۱)

حقیقت آن است که کارهای پسندیده آثار اعمال بد را از بین می برد.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: یک بار در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در مسجد به انتظار نماز نشسته بودیم مردی برخاست و گفت ای رسول خدا من گنای مرتکب شده ام رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از او رو برگردانید تا اینکه نماز خوانده شد دوباره آن مرد از جا برخاست و همان سخن را تکرار کرد این بار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به او فرمود: آیا نه این است که این نماز را با ما خواندی و از برای نماز به خوبی وضو گرفتی؟ گفت آری فرمود: فَإِنَّهَا كَفَّارَةٌ ذَنْبِكَ همان نماز کفاره گناه توست. (۲)

ص: ۳۱۰

۱- هود ۱۱۴

۲- تفسیر مجمع البیان ج ۵ ص ۲۰۱

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآمِنْنَا مِنَ الْهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ، وَزَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و ما را از هدایت به مانند آنچه که شیطان گمراهمان می کند بهره مند فرما و توشه ما را از تقوا ضد آنچه فریمان داده قرار ده هر سفری زاد و توشه ای متناسب به آن سفر دارد سفر آخرت نیز نیاز شدید به توشه دارد که بهترین آن تقوا است زیرا فلسفه و حکمت اکثر عبادات رسیدن به تقوا است نماز مانع فحشا و منکرات می شود روزه لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ امید رسیدن به تقوا در آن است و حج سوغاتش تقواست. وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

(۲)

توشه تهیه کنید که بهترین توشه ها تقواست و از من ای صاحبان اندیشه بترسید امیرالمومنین علی علیه السلام به اصحاب خود فرمود: مردگان اگر می توانستند با شما صحبت کنند و اجازه داشتند شما را خبر می دادند خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى بهترین توشه

تقواست (۳)

بخش عمده توشه آخرت را پیش از مرگ باید برای جهان آخرت فرستاد شاید بعضی این گونه فکر کنند قصرها و میوه ها و لذت های جاوید بهشت بعد ساخته می شوند در حالی که این طور نیست این ما هستیم که با اعمال خوب و شایسته خود مصالح آن قصرها و مواهب پرارزش زندگی پس از مرگ را آماده می نماییم.

هم چنانکه عده ای عذاب و آتش را با اعمال بد خویش تدارک می بینند.

امام علی علیه السلام می فرمود: قَدْ أُمِرْتُمْ بِالطَّعْنِ وَ دَلِلْتُمْ عَلَى الزَّادِ... فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ

غدا (۴)

ص: ۳۱۱

۱- دعای هفتم صحیفه

۲- بقره ۱۹۷

۳- نهج البلاغه حکم و مواظ ۱۳۰

۴- نهج البلاغه خطبه ۲۸

آگاه باشید به کوچ کردن فرمان یافتید و برای جمع آوری توشه آخرت راهنمایی شدید پس از این دنیا توشه برگیرید تا فردا خود را با آن حفظ نمایید.

و در بیانی دیگر می فرماید: إِنَّمَا الْمَرْءُ مَجْزِيٌّ بِمَا أَسْلَفَ وَ قَادِمٌ عَلَى مَا قَدَّمَ (۱)

همانا انسان به آنچه پیش فرستاده و نزد خدا ذخیره ساخته پاداش داده خواهد شد.

برگ عیشی به گور خویش فرست *** کس نیارزد پس تو پیش فرست

خور و پوش بخشای و راحت رسان *** نکه می چه داری ز بهر کسان

زر و نعمت اکنون به دستان توست *** که بعد از تو بیرون ز فرما تست

تو با خود ببر توشه خویشتن *** که شفقت نیاید ز فرزند و زن

و چه زیبا قرآن فرمود: مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُمْ يَمْهَدُونَ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۲)

هر کس کافر شود زیانش به خودش می رسد و هر کس کار پسندیده انجام دهد برای خودش ثواب آماده می سازد تا خداوند از فضل خویش اهل ایمان و آنهایی را که کارهای پسندیده انجام دهند پاداش دهد که او کافران را دوست نمی دارد.

در روایت است وقتی امیرالمومنین علی علیه السلام حضرت خضر علیه السلام را در خواب دید از او نصیحتی طلب فرمود او کف دست خود را به آن حضرت نشان داد دید به خط سبزی در آن نوشته شده

قَدْ كُنْتَ مَيْتًا فَصِرْتَ حَيًّا *** وَعَنْ قَلِيلٍ نَعُودُ مَيْتًا

فَابْنِ لِدَارِ الْبَقَاءِ مَيْتًا *** وَ دَعِ لِدَارِ الْفَنَاءِ مَيْتًا

ص: ۳۱۲

۱- نهج البلاغه نامه ۲۱

۲- روم ۴۴ و ۴۵

(۱) مرده بودی زنده شدی و طولی نمی کشد مرده می شوی برای خانه بقاء خانه ای بنا کن و برای خانه فنا و نیستی خانه ای واگذار

امام صادق علیه السلام فرمود: دنیا در برابر چشم عیسی بن مریم علیه السلام به صورت زن کبود چشمی ظاهر شد حضرت عیسی از او پرسید چند شوهر کرده ای؟

گفت فراوان فرمود همگی را طلاق گفته ای؟ گفت نه بلکه همگی را کشتم حضرت عیسی فرمود: وای بر شوهران باقی تو که چگونه عبرت نمیگیرند از شوهران گذشته تو (۲)

خوشا آن کو انابت با خدا کرد***به حق پیوست و ترک ما سوا کرد

خوشا آن کو دلش شد از جهان سرد***گذشت از هر هوس ترک هوا کرد

خوشا آن کس که دامن کند ز اغیار***بیار واحد خود اکتفا کرد

خوشا آن کس که فانی گشت از خود***ز تشریف بقای حق قبا کرد

خوش آن کو لذت دار الفنا را***فدای لذت دارا البقا کرد

خوش آن دانا که هر دانش که اندوخت***یکایک را عمل بر مقتضی کرد

ص: ۳۱۳

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۳۹۱

۲- منازل الاخره ص ۱۵۸

هُمَّ وَبَّبْتُ فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي، وَأَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيْرَتِي، وَوَفِّقْنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي (۱)

خدایا نیتم را در فرمانبری ات ثابت بدار و بصیرت و آگاهی ام را در بندگی ات استوار گردان و مرا به کارهایی توفیق ده که به وسیله آنها از چرک گناهان پاکیزه ام گردان.

در جای دیگر عرضه می دارد وَوَفِّقْنِي لِلَّتِي هِيَ أَزْكَى (۲) خدایا مرا به روش و کرداری که پاکیزه تر است موقم بدار.

قبل از هر چیز توفیق را باید از خداوند درخواست کرد و هر صبح گفت که اَللّهُمَّ وَفِّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى خدایا ما را به آنچه را که تو دوست می داری موفق بدار وَمَا تُوَفِّقُنِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۳)

و توفیق من جز به یاری خدا نیست بر او توکل کرده ام و به سوی او باز می گردم. مولایمان علی علیه السلام می فرمود:
التَّوْفِيقُ مِنْ جَذَبَاتِ الرَّبِّ (۴)

توفیق از جذبه ها و کشش های الهی است التَّوْفِيقُ عِنَايَةُ الرَّحْمَنِ (۵) توفیق عنایت خدای مهربان است.

تردیدی نیست هر که در انجام طاعت الهی و کاری پسندیده موفق است قوت و نیروی کار خیر را از خدا دارد چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود: لا قُوَّةَ لَنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ بِتَوْفِيقِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (۶) هیچ توانایی بر طاعت خدا نداریم مگر با توفیق خداوند عزوجل

دو عبارت از امام سجاد علیه السلام نقل شد یکی درخواست توفیق ترک گناه و پاکیزه شدن از ناپاکی ها و دیگری توفیق به کاری که پاکیزه تر و بهتر است.

ص: ۳۱۴

۱- دعای سی و یکم صحیفه

۲- دعای بیستم صحیفه

۳- هود ۸۸

۴- غررالحکم

۵- غررالحکم

۶- توحید صدوق ص ۲۴۲

نتیجه آنکه باید دنبال این معنا باشیم که رضای پروردگار را جلب کنیم و ان هم عملی نمی شود مگر به ترک گناه و عمل به واجبات و دستورات پروردگار مولایمان علی علیه السلام در پایان منشور بین المللی خود به مالک اشتر عرضه می دارد:

وَ أَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ بِسَيِّعِهِ رَحْمَتِهِ وَ عَظِيمِ قُدْرَتِهِ عَلَىٰ إِعْطَاءِ كُلِّ رَغْبَةٍ أَنْ يُؤَفِّقَنِي وَ إِيَّاكَ لِمَا فِيهِ رِضَاؤُهُ مِنْ الْأَقَامَةِ عَلَى الْعُذْرِ الْوَاضِحِ إِلَيْهِ وَ إِلَى خَلْقِهِ (۱)

خداوند را به گستردگی رحمتش و قدرت بی منتهایش بر آوردن هر خواهشی سوگند می دهم و از او مسئلت می کنم مرا و تو را در آن چه مورد رضایت اوست توفیق دهد تا هم نزد او و هم نزد خلقش عذرمان روشن باشد.

به راستی بعضی از افراد اهل علم و ایمان عمر با برکت و پر از توفیق دارند و در بیشتر کارهای خیر سهیم و شریکند و در محدوده قدرت و توان خویش کارهای مثبت و ارزنده ای از خود به یادگار گذاشته اند و البته شک نیست همه را با مدد پروردگار انجام داده اند چون مولایمان علی علیه السلام فرمود: مَا أَمَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِشَيْءٍ إِلَّا وَ أَعَانَ عَلَيْهِ (۲) خداوند سبحان به هیچ چیزی فرمان نداد مگر این که در آن کار (بنده اش) را کمک کرد.

بسیاری از مردم امکانات مادی فراوانی دارند از نظر سیاسی در رده بالا هستند ولی توفیق خدمت به خلق را پیدا نمی کنند توفیق یک سفر معنوی را ندارند مردی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: آیا نه این است که من نسبت به آنچه مکلف شده ام استطاعت دارم؟ حضرت فرمود از نظر تو استطاعت چیست؟ عرض کرد توانایی بر انجام کار فرمود البته به تو توانایی داده شده اگر مدد داده شده باشی. مرد عرض کرد مدد چیست؟ فرمود توفیق عرض کرد توفیق دادن برای چه؟ فرمود اگر توفیق داده شده باشی عمل می کنی ممکن است کافر از تو قوی تر و تواناتر باشد اما چون توفیق به او داده نمی شود عمل هم نمی کند.

ص: ۳۱۵

۱- نهج البلاغه نامه ۵۳

۲- غررالحکم

مکرر عرض کردیم توفیق را باید به عنوان حاجت ردیف اول از خداوند مهربان بخواهیم تا در انجام کارهای خیر موفق شویم.

امیرمومنان علی علیه السلام فرمود

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرًا وَفَقَّهُ لِنَفَادِ أَجَلِهِ فِي أَحْسَنِ عَمَلِهِ وَرَزَقَهُ مُبَادَرَةَ مَهَلِهِ فِي طَاعَتِهِ قَبْلَ الْفَوْتِ (۱)

هرگاه خداوند خوبی بنده ای را بخواهد به او توفیق می دهد تا عمرش را در بهتری کارهایش سپری کند و شناخت در طاعت او پیش از فرا رسیدن مرگ را روزیش می کند.

ص: ۳۱۶

۱- غررالحکم

اللَّهُمَّ لِمَا طَافَهُ لِي بِالْجُهْدِ، وَ لِمَا صَبَرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَ لِمَا قُوَّهَ لِي عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ بِي حَاجَتِي، وَ تَوَلَّ كِفَايَتِي. وَ انْظُرْ إِلَيَّ وَ انْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي عَجَزْتُ عَنْهَا وَ لَمْ أُقِمْ مِمَّا فِيهِ مَضْرُوبُ لِحْتَتِهَا، وَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى خَلْقِكَ تَجَهَّمُونِي، وَ إِنْ أَلَجَّأْتَنِي إِلَى قَرَابَتِي حَزَمُونِي... فَبِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ، فَأَغْنِنِي، وَ بِعِظَمَتِكَ فَأَنْعَسِنِي، وَ بِسَعَتِكَ، فَأَبْسُطْ يَدِي، وَ بِمَا عِنْدَكَ فَأَكْفِنِي (١)

بار الها من طاقت سختی و صبر در برابر بلاها را ندارم و نیرویی برایم در مقابل فقر و تنگدستی نیست به همین جهت روزی ام را از من نگیر و مرا به بندگانت واگذار مکن بلکه خودت به تنهایی حاجتم را برآورده کن و خود کارم را کفالت فرما.

الها به من بنگر و در همه امور ناظر احوالم باش که اگر مرا به خودم واگذاری از همه کارها باز می مانم و نمی توانم آنچه را که مصلحتم می باشد انجام دهم. و اگر مرا به بندگانت واگذاری با آن برخورد بد می کنند و اگر به خویشاوندانم رجوع دهی نومیدم می کنند.... پس به فضل و کرمت مرا بی نیاز کن و با بزرگی ات بلند مرتبه ام فرما و به وسیله توانگری ات دستم را باز بگذار و به آنچه در اختیار داری کفایتم کن.

خواننده گرامی دقت نمودی که امام سجاد علیه السلام چگونه انقطاع از خلق و اتصال به خالق را می خواهد و در این چند عبارت دعا توکل را معنا می کند. توکل کارها فقط از خدا خواستن و تمامی امور را به او واگذار کردن.

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (٢)

ای رسول ما در کارها مشورت نما لیکن آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل بر پروردگار انجام ده که خداوند آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد.

قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (٣)

ص: ۳۱۷

۱- دعای بیست و دوم صحیفه

۲- آل عمران ۱۵۹

۳- توبه ۵۲

بگو هرگز جز آنچه خدا خواسته به ما نخواهد رسید اوست مولای ما و البته اهل ایمان در هر حال بر خدا توکل خواهند کرد.

توکل یعنی خود را دریای عبودیت افکنی و دل به حضرت او بندی و نگران فردا و فرداها نباشی. وقتی چنین حالی برای انسان به دست آمد دیگر به کسی اعتراض و شکایت نمی کند که چرا به او کمک نمی کنند و یا چرا او را از رسیدن به نعمتی منع می نمایند به این جهت که معتقد است که روزی رسان دیگری است و اگر اراده و مشیت او به رساندن نعمتی بر بنده اش باشد تمام مردم دنیا هم جمع شوند نمی توانند از آن ممانعت نمایند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم معنای توکل بر خدا را از جبرئیل سوال کرد؟ جبرئیل گفت رسیدن به این باور که اگر خداوند نخواهد مخلوقات نمی توانند به انسان ضرر و یا سودی برسانند و یا چیزی به انسان عطا کنند و نعمتی را منع نمایند توکل یعنی مایوس شدن از خلق خدا و در آن هنگام که بنده به این مرتبه رسید کارهایش را فقط برای رضای پروردگار انجام می دهد به کسی امید نمی بندد و از کسی نمی ترسد جز خداوند متعال و به کسی طمع نمی کند جز حضرت حق و این است مفهوم و معنای واقعی توکل (۱). آیا توکل انسان را گرفتار رکود و تنبلی می کند؟ این سوالی است که اغلب در ذهن ها می آید که البته اگر مفهوم و معنای واقعی توکل برای ما روشن شود رفع شبه خواهد شد. معنای توکل این نیست که انسان دست روی دست بگذارد و به هیچ نوع علل و اسباب طبیعی که خداوند تبارک و تعالی در اختیار ما گذارده متمسک نشود و بعدا بگوید توکل بر خدا کارها خودش ردیف خواهد شد. این منطبق در مکتب توحید و وحی محکوم و غلط است.

روزی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم جمعی را مشاهده کرد که کشت و زراعتی برای خود ندارند به آنها فرمود: ما اَنْتُمْ؟
قَالُوا نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ قَالَ: بَلْ اَنْتُمْ مُتَّكِلُونَ شَمَا كِي هَسْتِيْد؟ كَفْتَنْد مَا اَهْل

ص: ۳۱۸

توکلیم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خیر بلکه شما بر مردم تحمیل شده اید و اهل تکدی و کل بر جامعه هستید. (۱)

مردی به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد شترم را با توکل بر خدا در بیابان رها کردم آن گرامی فرمود قیدها و توکل اول او را ببند و بعد توکل بر پروردگار کن. (۲)

و حضرت صادق علیه السلام فرمود: أَوْجِبَ لِعِبَادِهِ أَنْ يَطْلُبُوا مِنْهُ مَقَاصِدَهُمْ بِالْأَسْبَابِ الَّتِي سَبَّبَهَا لِدَلِيكَ وَ أَمَرَهُمْ بِدَلِيكَ (۳)

خداوند بر بندگان واجب نموده که خواسته های خود را به وسیله اسباب و راه هایی که برای آن قرار داده از او بخواهند و دستور داده که از وسایل لازم برای رسیدن به هر مقصود کمک بگیرند.

ص: ۳۱۹

۱- مستدرک الوسایل ج ۲ ص ۲۸۸

۲- میزان الحکمه ج ۱۰ ص ۲۸۵

۳- جامع السعادت ج ۳ ص ۲۲۷

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ لِنَفْسِهِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِالذَّنْبِ

از جمله دعاهاى امام سجاد عليه السلام بعد از فراغ از نماز شب و اعتراف به گناه

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ، وَ مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ، فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ

خدایا اینجا محل پناه آوردن است و جای اعتراف به توست بنابراین فضلت را از من مضایقه مکن.

وَ لَا أَسْتَجِيرُ بِتَهْجُدِي لَيْلًا، وَ لَا تُثْنِي عَلَيَّ بِإِحْيَائِهَا سُنَّةَ حَاشَا فُرُوضِكَ الَّتِي مِنْ ضَيَعِهَا هَلَكٌ. وَ لَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلِهِ مَعَ كَثِيرٍ مَا أَعْفَلْتُ مِنْ وَطَائِفِ فُرُوضِكَ (۱)

خدایا برای نماز شب و تهجد شبی را پناه نمی طلبم و انتظار ستایش برای کارهای مستحبی که کرده ام ندارم جز واجبات که اگر کسی آنها را ضایع کند نابود و هلاک خواهد شد.

الها من به خاطر نوافل به تو متمسک نمی شوم در حالی که نسبت به بسیاری از واجبات سهل انگاری و غفلت داشته ام.

ضمن آنکه امام علیه السلام اهمیت و اولویت فرایض و واجبات را تبیین می نماید اشاره ای هم به نوافل و تهجد و شب زنده داری دارد که آن نیز کمال دهنده به واجبات است.

شک نیست که باید همیشه واجبات را بر مستحبات مقدم بداریم. مولایمان علی علیه السلام در سه بیان کوتاه به این امر مهم اشاره فرموده است

لَا رُخْصَةَ فِي فَرَضٍ وَلَا شِدَّةَ فِي نَافِلَةٍ (۲)

در هیچ واجبی کوتاهی جایز نیست و در هیچ مستحبی سخت گیری سزاوار نیست.

إِذَا أَضْرَبْتَ النَّوَافِلَ بِالْفَرَائِضِ فَارْضُوهَا (۳)

ص: ۳۲۰

۱- دعای سی و دوم صحیفه

۲- میزان الحکمه ج ۱۳ ص ۶۴۷۰

۳- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۲۷۹

هر گاه مستحبات به واجبات لطمه زنند مستحبات را کنار بگذارید

لَا قُرْبَهُ بِاللَّوْافِلِ إِذَا اضْرَبْتَ بِالْفَرَائِضِ (۱)

هر گاه مستحبات باعث لطمه خوردن به واجبات شود مایه نزدیکی به خدا نگردد.

با این احوال تهجد و بیداری هنگام سحر و انجام نافله شب بسیار تاکید شده تا حدی که پیامبر مکلف به انجام آن بود.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (۲)

بخشی از شب را بیدار باش که تکلیف اضافی برای توست. امید می رود که پروردگارت تو را به مقامی شایسته برگزیند. فضیل می گوید از امام باقر علیه السلام از کلام خداوند عزوجل پرسیدم الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ کسانی که بر نمازهایشان محافظت می کنند فرمود: هِيَ الْفَرِيضَةُ قُلْتُ: الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ کسانی که به نمازهایشان مداومت می ورزند فرمود: هِيَ النَّافِلَةُ مقصود نماز مستحبی است.

شب زنده داری آن هم قبل از اذان صبح بسیار تاکید شده و هر که از اولیا خدا در ابعاد معنوی چیزی نصیبت شده در همان ساعات از شب و به خاطر مناجات ها و انابه و تضرعش در آن لحظات بوده است.

از ویژگی های عالی و بسیار جالب سحر سکوت پرمعنای آن است چرا که بیشتر مراکز اجتماعی تعطیل و تمام صداها اعم از ناهنجار و یا ملایم خاموشند.

در تمام ساعات شبانه روز اگر ارتباط معنوی با خداوند برقرار کنیم به فیوضات و الطاف الهی نایل خواهیم شد چرا که لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ (۳)

خداوند نه چرت می زند و نه می خوابد اما زیباترین و بهترین موقع برای برقراری ارتباط و گرفتن فیض از جانب باری تعالی وقت سحر است اگر یک بررسی اجمالی در زندگی

ص: ۳۲۱

۱- همان مدرک ۳۹

۲- اسراء ۷۹

۳- بقره ۲۵۵

اولیای خدا و علما ربانی بنماییم همان طور که عرض کردم خواهیم دید که اغلب اهل نافله شب و بیداری در هنگام سحر بوده اند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

همین که بنده ای از خوابگاه لذت بخش خویش برای نماز به قصد جلب رضای پروردگارش برمیخیزد در حالی که هنوز بقایای خواب به چشمانش هست خداوند به فرشتگان مباحثات می کند می فرماید:

أَمَّا تَرَوْنَ عَبْدِي هَذَا قَدْ قَامَ مِنْ لَدَيْهِ مَضَجِهِ إِلَى صَلَوةٍ لَمْ أَفْرُضْهَا عَلَيْهِ أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ (۱)

آیا نمی بینید این بنده ام را که از خواب لذت خود دست برداشته و به نمازی که بر او واجب نکرده ام مشغول است؟ گواه باشید که من او را مشمول مغفرت خویش قرار دادم. همان بزرگوار می فرمود: چون آخر شب فرا می رسد خداوند سبحان می فرماید:

هَلْ مِنْ دَاعٍ فَاجِبُهُ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبُ عَلَيْهِ؟ (۲)

آیا دعا کننده ای هست تا اجابتش کنم؟ آیا سوال کننده و خواهنده ای هست تا خواسته اش را بدهم؟ آیا استغفار کننده ای هست تا او را بیامرزم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟

در میان نمازهای مستحبی نماز شب عظمت خاصی دارد و آن قدر درباره آن سفارش شده که جزء پرثواب ترین اعمال محسوب می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کار نیکی که بنده انجام می دهد در قرآن از برای آن پاداشی هست مگر نماز شب که خداوند از آن نظر که پاداش آن در نزد خدا بسیار بزرگ بوده بیان نفرموده و فرموده است

ص: ۳۲۲

۱- بحار ج ۸۷ ص ۱۶۷

۲- بحار ج ۸۷ ص ۱۶۵

تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱)

از بستر استراحت برخاسته و خدای خویش را با بیم و امیدی می خوانند و از آنچه به آن ها روزی داده ایم انفاق می کنند هیچ کس نمی داند چه پاداش هایی که باعث روشنی چشم است به خاطر کارهایشان بر آنها نهفته شده است. (۲)

مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول ***زورد نیم شب و درس صبحگاه رسید

از حضرت سجاد زین العابدین و سید الساجدین سوال شد ما بِالِّ اللَّيْلِ مِنَ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَنَّهُمْ خَلَوْا بِرَبِّهِمْ فَكَسَاهُمْ مِنْ نُورِهِ (۳)

چرا نماز شب خوانان از زیبا رویان مردمند؟ فرمود از آن رو که آنان با پروردگار خودشان به خلوت نشستند پس خدای تعالی به آنان از نور خود پوشانید.

ص: ۳۲۳

۱- سجده آیات ۱۶ و ۱۷

۲- بحار ج ۸۷ ص ۱۴۰

۳- لقاء الله ص ۳۶

وَ كُمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بَغْضَتِهِ، وَ شَجِيَ مِنِّي بَغِيْظِهِ، وَ سَلَقَنِي بِحِدِّ لِسَانِهِ، وَ حَرَنِي بِقَرْفِ عُيُوبِهِ، وَ جَعَلَ عِرْضِي غَرَضاً لِمَرَامِيهِ (۱)

خدایا چه بسیار حسودی که به خاطر نعمت های من غصه دار شد و بغض گلویش را گرفت و با زبانش مرا آزار داد و به تهمت زدن عیب هایی که در خود داشت خشمش را بر من افزود و آبروی مرا هدف تیر کینه خویش قرار داد.

امام علیه السلام منشا تهمت به دیگران را حسد و کینه می داند و با یک بررسی کوتاه به حقیقت بیان آن بزرگوار خواهیم رسید.

شخص حسود و کینه ورز یکی از راه هایی که انتخاب می کند تا طرف محسود و آنکه حقد و کینه اش را در دل دارد ضایع کند و آبرویش را هدف قرار دهد زدن تهمت و افترا است با این طرز تفکر که شاید بتواند مقداری از آتش حسد و کینه اش را خاموش کند.

ای مگس حضرت سیمرغ نه جولانگه توست***عرض خود می بردی و زحمت ما می داری

توبه تقصیر خود افتادی از این در محروم***از که می نالی و فریاد چرا می داری

امام صادق علیه السلام فرمود: إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ أَمَاتُ الْإِيمَانِ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَتَّمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ (۲)

هرگاه کسی برادر مومن خود را تهمت زند ایمان در قلبش مثل نمک در آب حل شده و از بین خواهد رفت.

تفاوت تهمت با غیبت آن است که شخص غیبت کننده در پشت سر مومن عیب او را می گوید ولی تهمت ذکر و سخن ناروا و ناحق درباره برادران و خواهران ایمانی است که گاهی در حضور و گاه در غیاب واقع می شود شک نیست که گناه تهمت بسیار بزرگتر از غیبت است.

ص: ۳۲۴

۱- دعای چهل و نهم صحیفه

۲- سفینه البحار ج ۲ ص ۶۹۴

در مورد غیبت گاهی گناه و لغزش مخفی اشخاص فاش می شود ولی در تهمت کاری که از مومن سر نزده نسبت داده شده و بی جهت آبروی او را بردن است و پیداست که ضایع کردن و نابودی شخصیت یک انسان آبرومند و محترم را با هیچ چیز نمی توان جبران کرد و متأسفانه این از بلاهای ضد اخلاقی جوامع ماست که به نوعی برای بیرون راندن اشخاص از صحنه با برچسب های کذا و کذا متهم می کنند و امروزه با وسایل و ابرازی که باید در سرعت بخشیدن به کارها استفاده شود خیلی راحت در فاصله چند دقیقه با عکس و تفصیلات آبروی یک انسان را می برند و او را مورد اتهام قرار می دهند تا آنجا که تا پایان عمر نتواند سر بلند کند و البته شک نیست کسانی که دست به چنین جنایتی می زنند مصداق آیه شریفه شایع کننده فحشا هستند و مستحق کیفر مفسدان فی الارض می باشند.

إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱)

آنانی که دوست دارند فحشا را در بین اهل ایمان شایع سازند در دنیا و آخرت عذاب دردناکی خواهند داشت و خدا می داند و شما نمی دانید.

گفتنی است که مومنین باید خیلی هوشیار باشند که در دام شیادان حرفه ای نیفتند و از مواضع و مراکز تهمت و جاهایی که مردم به آنها بدگمان می شوند پرهیز کنند و با افراد آلوده و گناه کار نشست و برخاست نکنند تا اسباب تهمت را فراهم نسازند.

مولایمان علی علیه السلام در دو بیان سفارش فرمود:

وَمَنْ دَخَلَ مَدَاخِلَ السُّوءِ اتُّهِمَ (۲)

هر کس در جاهای بد داخل شود مردم به او بدگمان گردند.

مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ (۳)

ص: ۳۲۵

۱- نور ۱۹

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۳۴۱

۳- همان مدرک ۱۵۲

هر که به جاهای تهمت و بدگمانی برود بدگمان به خود را نباید سرزنش نماید.

خواهید گفت چه راهی را انتخاب کنیم نه به کسی تهمت بزنیم و نه مورد اتهام واقع شویم حقیر فکر می کنم کلمات نورانی مولایمان علی علیه السلام برای کسانی که به طور جد دنبال سلامت ایمانشان هستند بهترین راهنماست.

وَذَلِكَ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ نُومَةٍ، إِنْ شَهِدَ لَمْ يُعْرَفْ، وَإِنْ غَابَ لَمْ يُفْتَقَدْ، وَأَوْلِيكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى، وَءِغْلَامُ الشُّرَى، لَيْسُوا بِالْمَسَابِيحِ، وَلَا الْمَدَائِعِ الْبُذْرِ، وَأَوْلِيكَ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُمْ أَبْوَابَ رَحْمَتِهِ، وَيَكْشِفُ عَنْهُمْ ضَرَاءَ نِعْمَتِهِ (۱)

و این زمانی است که جز مومنان گمنام رهایی نیابند چرا که بی نام و نشان هستند و اگر در جمع مردمان باشند کسی آنها را نمی شناسد و اگر غایب باشند کسی سراغشان را نمی گیرد.

اینها چراغ های هدایت و نشانه های واضحی در راه تاریک مشکلات هستند از جمله کسانی نیستند که برای اشاعه فساد در میان مردم قدمی بردارند و یا اگر از کسی عمل زشتی سرزد آن را شایع کنند و یا خود آلوده به گناه و معصیت شوند. اینها کسانی هستند که خداوند تبارک و تعالی درهای رحمتش را به رویشان می گشاید و سختی عذابش را از آن ها برمیدارد.

ص: ۳۲۶

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ، ... وَ مَبَاهِيَةِ الْمُكْثَرِينَ، وَ الْعِزَّاءِ بِالْمَقْلِينَ، ... وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَ مِنْ فَقْدَانِ الْكَفَافِ ... وَ مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ (۱)

خدایا به تو پناه می برم از هیجان حرص... و از فخر فروشی ثروتمندان و خوار شمردن فقرا و به تو پناه می بریم از خوردن اسراف و از کف دادن کفاف و به اندازه خواستن... و از زندگی و درآمد با مشقت.

تعدیل ثروت دنیا انسان را از همه نوع آسیب حفظ می کند و به تعبیر معصومین علیهم السلام به اندازه و کفاف داشتن و محتاج دیگران نبودن و حرص و زیاده خواهی و اسراف و نیز فقر و نداری و درآمد همراه با مشقت هر دو خارج از اعتدال و غیرمنطقی است و سبب آسیب هایی در زندگی می شوند قوانینی که خداوند تبارک و تعالی برای ثروت ثروتمندان وضع فرموده و دو نتیجه در پی دارد یکی آنکه ایشان در حد شان و نیازشان از ثروت خویش بهره مند می شوند و دیگری آنکه فقرا و مستمندان به نوایی می رسند و از تنگدستی و فقر رهایی می یابند.

این اختلاف طبقاتی وسیعی که در جامعه احساس می شود برای آن است که ثروتمندان به وظیفه خود عمل نمی کنند و حقوق واجب و مستحب مربوط به اموالشان را نمی پردازند.

مولایمان علی علیه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ (۲)

همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه داران و ثروتمندان قرار داده است پس فقیری گرسنه نمی ماند جز به کامیابی توانگران خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید.

ص: ۳۲۷

۱- دعای هشتم صحیفه

۲- نهج البلاغه حکم و واعظ ۳۲۸

ثروتمندان فکر نکنند ثروت هنگفتی که در اختیار دارند تمام متعلق به آنهاست بلکه امانتی است از جانب پروردگار تا پس از برطرف کردن نیاز معقول خود مابقی را در اختیار فقرا بگذارند در واقع آنان خزانه داری هستند که مال دیگران در اختیارشان است.

باز از مولایمان علی علیه السلام بگوئیم که فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ اللَّهُ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرَهُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَىٰ غَيْرِهِمْ (۱)

خداوند را بندگانی است که برای سود رساندن به دیگران نعمت های خاصی به آنان بخشیده تا آنگاه که دست بخشنده دارند نعمت ها را در دستشان باقی می گذارد و هرگاه از بخشش دریغ کنند نعمت ها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد.

یکی از نکات مهمی که در ثروت مطرح است طریقه صحیح به دست آوردن آن است مبادا که جایی ثروتی انباشته شود از معاملات باطل ربا و از روی تجاوز و ستم که بی شک دوزخ در انتظارشان خواهد بود.

به این چند آیه شریفه دقت کنید:

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ (۲)

مال یکدیگر را به ناحق و از روی باطل تصرف نکنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً (۳)

ای اهل ایمان ربا نخورید که دایم سود بر سرمایه افزایش تا چند برابر شود.

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا (۴)

ص: ۳۲۸

۱- نهج البلاغه حکم و مواظ ۴۲۵

۲- بقره ۱۸۸

۳- آل عمران ۱۳۰

۴- نساء ۱۰

آنانکه اموال یتیمان را به ستمگری می خورند در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می برند و به زودی به دوزخ در آتش فروزان خواهند افتاد.

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ الشُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱)

بسیاری از آنها را بنگری که در گناه و ستم کاری و خوردن حرام می شتابند بسیار بد کاری را پیشه خود نمودند.

ای که ترا گشته جهل مشت و گریبان *** چشم پوشیده ز دین و ز ایمان

هیچ نیندیشی از عذاب قیامت *** هیچ نپرهیزی از شراره نیران

درآمد حرام آن قدر آدمی را تاریک می کند که کلام نورانی و باصفای امام معصوم علیه السلام هم در ما اثر نخواهد کرد.

امام حسین علیه السلام وقتی دید سپاه عمر سعد به سخنانش گوش نمی دهند فرمود: فَقَدْ مَلَأْتُ بُطُونَكُمْ مِنْ حَرَامٍ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَبَيْنَكُمْ أَلَا تَنْصِفُونَ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (۲)

شکم های شما از حرام پر شده و بر دل هایتان مهر خورده دیگر حق را نمی پذیرید وای بر شما آیا انصاف نمی دهید آیا گوش فرا نمی گیرید!؟

ص: ۳۲۹

۱- مائده ۶۲

۲- نفس المهموم

يَا مَنْ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبَ عَظَمَتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجُبْنَا عَنِ الْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِكَ يَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّهُ مُلْكِهِ (۱)

ای خدایی که شگفتی های بزرگی هایش پایان ندارد بر محمد و آل او درود فرست و ما را از منحرف شدن درباره عظمت و کبریایی ات بر حذر مدار.

وای آنکه زمان سلطنت و زعامتش به آخر نمی رسد.

حمد و ثنای الهی جزء بهترین اعمال و مقدمه ارتباط تنگاتنگ با حضرت معبود است شیوه ائمه و به خصوص حضرت سجاد در اغلب دعاهای صحیفه بر این است که همواره برای درخواست هر حاجتی و یا جهت توبه و تضرع به درگاه الهی نخست به ثناگویی و بیان صفات جمال و کمال خداوند عزوجل پردازد و بعد حاجت و درخواستش را بیان کند.

نمونه اش همان فراز اول دعای پنجم بود که عنوان دعا در حق خود و دوستانش هست ولی ابتدا به ثناگویی پروردگار پرداخته است.

و یا در دعای هشتم که در هنگام رفع غم و اندوه و گرفتاری ها می خواند قبل از بیان مشکلات عرض میکند: يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يَفْشَأُ بِهِ حَيْدُ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرُجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ. ذَلَّتْ لِقَمَدَرَتِكَ الصُّعَابُ، وَ تَسَيَّبَتْ بِطُفَّتِكَ الْأَسْبَابُ ای کسی که گره های گرفتاری ها به دستش باز می گردد و ای کسی که شدت سختی ها به وسیله او برطرف می شود و ای کسی که رفع گرفتاری ها و رفتن به سوی گشایش با التماس و التجا به او حاصل می گردد.

پروردگارا کارهای بسیار سخت به قدرت تو آسان شده و به لطف و کرم توست که وسایل و اسباب هر کار آماده گردیده است.

آیا جایز است غیر خدا ثناگو باشیم و ستایش کنیم؟ در صورتی که از حد تجاوز نکنیم و آنچه را که هست بگویم مانعی ندارد با توجه به این نکته که طرف لایق ثنا و ستایش باشد و نیز کم ظرفیت نباشد چون بعضی از افراد ضعیف النفس هستند یکی دو بار که مورد تعریف و تمجید قرار می گیرند خود را گم می کنند و سر به طغیان می زنند و بر همین اساس تملق و چاپلوسی نیز که نقطه ضعف ثناگوست ممنوع است.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

الْثَّنَاءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ (۱)

ثنا و ستودن بیش از آنچه که سزاوار است نوعی چاپلوسی و کمتر از آن درماندگی یا حسادت است.

همان بزرگوار فرمود: رَبِّ مَفْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ (۲)

چه بسا کسانی که با ستایش دیگران فریب خوردند.

خواهید گفت وقتی در برابر ثناگویی افراد قرار می گیریم چه کنیم که حالممان تغییر نکند و همچنان خود را بنده حقیر و کوچک خدا بدانیم و گرفتار عجب و غرور نشویم؟!

مولایمان نسخه زیبایی برای مواجهه با این مشکل دارد که اگر به مرحله عمل برسد از خطر سقوط و غرور مصون خواهیم ماند.

یک بار گروهی امام علی علیه السلام را ستایش کردند امام علیه السلام گفت: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْهُمْ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ وَ اغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ (۳)

بار خدایا تو مرا از خودم بهتر می شناسی و من خود را بیشتر از آنان می شناسم خدایا مرا از آنچه اینان می پندارند نیکوتر قرار ده و آنچه را نمی دانند بیامرزد.

ص: ۳۳۱

۱- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۳۴۷

۲- همان مدرک ۴۶۲

۳- همان مدرک ۱۰۰

نکته دیگری که در این بحث باید بیان شود روابط سالم و متقابل مسئولین و صاحبان پست و مقام با مردم است که افراد جامعه برای رسیدن به خواسته های مشروع و منطقی خود مجبور نشوند ثناگوی آنان باشند. به این بیان نورانی امیرالمومنین علی علیه السلام که خود رهبر و رئیس حکومت اسلامی بود دقت بفرمایید.

وَ رَبُّمَا اسْتَحْلَى النَّاسَ الثَّنَاءَ بَعْدَ الْبَلَاءِ، فَلَا تُثْنُوا عَلَيَّ بِجَمِيلِ ثَنَاءٍ لِإِخْرَاجِي نَفْسِي إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ إِلَيْكُمْ مِنَ التَّقِيهِ فِي حُقُوقٍ لَمْ أَعْفُرْ مِنْ أَعْدَائِهَا، وَ فَرَائِضَ لَا بُدَّ مِنْ إِمْضَائِهَا. فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَ لَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يُتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ، وَ لَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ (۱)

گاهی مردم ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می دانند اما من از شما می خواهم که مرا با سخنان زیبای خود مستایید تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برایم و حقوقی که مانده است پردازم و واجباتی که بر عهده من است باید انجام گیرد ادا کنم پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می گوئید حرف نزنید و چنان که از آدم های خشمگین کناره می گیرند دوری نجوئید و با ظاهرسازی با من رفتار نکنید.

ص: ۳۳۲

و تَهَوَّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَجِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَيْدَانِهَا وَ تُعَافِيهِمْ مِمَّا تَقَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مَخِذُورَاتِهَا، وَ كَبِهَ النَّارِ وَ طُولِ الْخُلُودِ فِيهَا وَ تُصَيِّرُهُمْ إِلَى أَمْنٍ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ (۱)

خداوندا وضع پیروان راستین پیامبران و اولیا را به گونه ای نمایی که در هنگام جان دادن هر نوع ناراحتی را برایشان آسان کنی و از مراحل پس از مرگ چون آزمایش ها و سختی ها مانند افتادن در آتش جاودانگی در آن معافشان داری و آنها را به جایگاه آرامش و اقامتگاه پرهیزکاران روانه سازی. برای هیچ کس پوشیده نیست که دنیا خانه موقت ماست چه خوب و چه بد روزی پرونده بسته خواهد شد و به تعبیر امام حسین علیه السلام دنیا پل عبور است.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲)

هر که بر روی زمین است فانی شدنی است و فقط ذات پروردگارت که دارای جلالت و کرامت است باقی می ماند.

أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ (۳)

هر کجا باشید مرگ شما را می یابد اگر چه در برج های سخت بنیان سکونت نمایید.

ماندگاری در دنیا نیست بلکه از ویژگی های جهان آخرت است این را باید فهمید که متأسفانه اغلب غافلیم و باورها ضعیف است.

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (۴)

ای مردم زندگانی دنیا کالای ناچیزی بیش نیست ولی آخرت خانه آرامش و همیشگی است

ص: ۳۳۳

۱- دعای چهارم صحیفه

۲- رحمان ۲۶ و ۲۷

۳- نساء ۷۸

۴- غافر ۳۹

گاهی این سوال مطرح می شود چرا اهل جهنم با اینکه در دنیا عمر موقت داشتند باید در دوزخ جاودانه بمانند و همچنین اهل ایمان که نیز عمر موقت داشتند و خدا را بندگی کردند برای همیشه در بهشت بمانند. امام صادق علیه السلام علت را خیلی شفاف و صریح بیان فرموده است:

إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ - أَيُّدَا وَ إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّاتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ - أَيُّدَا فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى « قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ قَالَ: عَلَى نِيَّتِهِ (۱) »

دوزخیان از این رو در آتش جاویدانند که در دنیا نیتشان این بود که چنانچه تا ابد زنده بمانند تا ابد خدا را نافرمانی کنند و بهشتیان نیز از این رو در بهشت جاویدانند که در دنیا بر این نیت بودند که اگر برای همیشه ماندگار باشند برای همیشه نیز خدا را فرمان برند پس جاودانگی هر دو گروه به سبب نیت هایشان است آنگاه حضرت این آیه را تلاوت کرد: بگو هر کس طبق شاکله خود عمل می کند فرمود: یعنی طبق نیت خود عرض حقیر این است که انبیا و ائمه طاهرین علیهم السلام به طور قطع جاودانه در بهشت هستند بیایم ضمن طاعت و بندگی پروردگار با معصومین علیهم السلام آنگونه ارتباط برقرار کنیم که در صحنه رستاخیز آن ذات های پاک و مقدس به ما پناه دهند و هر کجا جای گرفتند ما نیز در کنارشان جای گیریم.

این چند عبارت از کلمات نورانی جامعه کبیره است

مِنْ أَتَاكُمْ نَجِي وَ مِنْ لَحْمٍ يَأْتِيكُمْ هَلَكِك... مِنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ... وَ وَقَفَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَ رَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ... وَ يُحَسِّرُ فِي زُمْرَتِكُمْ... وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ عَدَا بُرُؤِيَّتِكُمْ...

ص: ۳۳۴

وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ ...اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ
الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفْعَائِي.

هر که به سراغ شما خانواده آمد نجات یافت هر که نیامد هلاک گشت...آنکه از شما پیروی کرد بهشت جایگاهش شد و آنکه با شما مخالفت کرد آتش...خداوند توفیق اجرای دستوراتان را به ما بدهد و شفاعتتان را روزیمان نماید...و ما را در زمره شما محشور فرماید...خداوند دیدگان را به دیدارتان روشن نماید...هر که متمسک به ولایت شما شد رستگار گردید و سلوک به رضوان الهی به سبب شماست. بار نالها اگر شفیعی از محمد و اهل بیت او که از بهترین خلق تواند یعنی (امامان نیک و بزرگوار) سراغ داشتم آنان را شفیع قرار می دادم.

و در زیارت ارزشمند عاشورا که مشخصه شیعه است عرض می کنیم:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ...اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي
مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ...اللَّهُمَّ الزُّقْنِي شُفْعَاةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ

خدایا مرا نزد خودت در دنیا و آخرت به خاطر حضرت حسین علیه السلام آبرومند قرار ده. هر کجا اهل بیت بودید در دنیا و آخرت با شما باشیم...خدایا زندگی و مرگ مرا همانند زندگی و مرگ محمد و آل محمد قرار ده... خدایا شفاعت امام حسین علیه السلام را هنگام ورود به صحنه قیامت روزیم فرما.

امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحمزه می آموزد که اینگونه از خداوند مهربان بخواهید:

سَيِّدِي أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

خدایا حب دنیا را از دلم بیرون کن و آنگاه من و مصطفی و آل او که برگزیدگان خلق تو هستند را یک جا قرار ده. امام سجاد علیه السلام ضمن آموزش درخواست همنشینی با محمد و آل علیهم السلام شرط چنین توفیقی را پاک کردن دل از محبت به دنیا بر می شمرد.

خواهی که رسی به کام بردار دو گام***یک گام ز دنیا دگر گام ز کام

نیکو مثلی شنو ز پیر بسطام***از دانه طمع ببر برستی از دام

جهل و نادانی

وَ أَنَا، يَا إِلَهِي، عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالذُّعَاءِ فَقَالَ لِيْبِكَ وَ سَعْدَيْكَ، هَا أَنَا ذَا، يَا رَبِّ، مَطْرُوحٌ بَيْنَ يَدَيْكَ. أَنَا الَّذِي أَوْفَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ، وَ أَنَا الَّذِي أَفْنَتِ الدُّنُوبُ عُمْرَهُ، وَ أَنَا الَّذِي بَجَهْلِهِ عَصَاكَ، وَ لَمْ تُكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَاكَ (۱)

من ای پروردگارم بنده توام که به او فرمان به دعا کردن دادی و گفתי اجابت کردم دعوتت را اینک منم ای پروردگارم در اختیار تو و منم آنکه پشتت را لغزش ها شکسته و منم آنکه عمرش را در گناهان نابود کرده و منم که به خاطر نادانی هایش تو را معصیت کرده در حالی که تو سزاوار معصیت نبودی.

جهل عامل اصلی گناه و نافرمانی پروردگار و منحرف شدن از صراط مستقیم الهی است این بیان امیرالمومنین علی علیه السلام است: کسی که کاری را بدون علم و آگاهی انجام دهد مثل کسی می ماند که به بیراهه می رود. ناگزیر چنین کسی به هر اندازه ای که از راه دور شود به همان اندازه از مقصد و منظورش دور خواهد شد ولی آنکه از روی علم و آگاهی کارها را انجام می دهد مثل رونده ای است که در راهی روشن و آشکار گام برمیدارد بنابراین انسان بینا باید بیندیشد آیا در راه درست و به طرف مقصد حرکت می کند و یا آنکه به بیراهه می رود. (۲)

امام علی علیه السلام جاهل را آدم نابینایی می داند که در یک فضای تاریک و پر دغدغه حرکت می کند و هر لحظه به مانعی برخورد می کند.

همان بزرگوار ریشه همه بدی ها را جهل و نادانی می داند.

الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ (۳)

ص: ۳۳۶

۱- دعای شانزدهم صحیفه

۲- نهج البلاغه ۱۵۳

۳- غررالحکم

انبیا و اولیا و ائمه طاهرین علیهم السلام مقتول جهل آدمهای نادان و بی فهم شدند همان حضرت فرمود: الْجَهْلُ مُمِيتُ الْأَحْيَاءِ وَ مُخَلِّدُ الشَّقَاءِ (۱)

نادانی مایه مرگ زندگان و جاودانی بدبختی است.

دوزخ در انتظار آدم های نفهم و نادان است همان بزرگوار فرمود: الْجَهْلُ يُفْسِدُ الْمَعَادَ (۲) نادانی آخرت را تباه می کند.

همان عزیز و بزرگوار در نهایت تواضع و خضوع در واقع زبان حال ما را می گوید

أَنَا الْجَاهِلُ عَصِيَّتُكَ بِجَهْلِي وَ أَرْتَكِبُ الذُّنُوبَ بِجَهْلِي وَ الْهَتْنِي الدُّنْيَا بِجَهْلِي وَ سَهَوْتُ عَنْ ذِكْرِكَ بِجَهْلِي وَ رَكَنْتُ الدُّنْيَا بِجَهْلِي (۳)

من نادانم به سبب نادانیم تو را نافرمانی کردم و به سبب نادانیم مرتکب گناهان شدم و به سبب نادانیم از یاد تو غافل گشتم و به سبب نادانیم به دنیا دل بستم.

نادانی عامل بسیاری از خلاف ها از کفر و الحاد است. امام باقر علیه السلام می فرمود: لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ إِذَا جَهَلُوا وَقَفُوا لَمْ يَجْحَدُوا وَ لَمْ يَكْفُرُوا (۴)

اگر بندگان آنگاه که نمی دانستند درنگ می کردند گرفتار انکار و کفر نمی شدند. آدم نادان و آنکه می خواهد در جهل مرکب بماند نه به کارهای خلاف خود آگاهی دارد و نه حاضر است نصیحت کسی را بپذیرد.

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: الْجَاهِلُ لَا يَعْرِفُ تَقْصِيرَهُ وَ لَا يَقْبَلُ مِنَ النَّصِيحِ لَهُ نَادَانَ بِعَيْبٍ وَ تَقْصِيرِ خُودِ آغَاهِ نَيْسْتِ وَ نَصِيحَتِ خَيْرِ خُودِ رَا هَمْ نَمِي پَذِيرِدْ مَعْمُولَا آدَمْ هَايِ نَادَانَ فَرِيْبِ هُوِي وَ هُوسِ خُوِيْشِ رَا مِي خُورِنْدِ وَ جِزْ بَهْ خُوَاسْتَهْ هَايِ دَلِ وَ شَهْوَاتِشَانَ بَهْ چيزِ دِيْگَرِي تُوْجِهْ نِدَارِنْدِ وَ نِشَانَ بَارِزِ جِهْلِشَانَ آن است که یا در مسیر افراط و یا در راه تفریط گام بر میدارند خواهید گفت وظیفه ما در برابر آنهایی که نمی خواهند حقایق را

ص: ۳۳۷

۱- همان مدرک

۲- همان مدرک

۳- میزان الحکمه ج ۲ ص ۸۶۸

۴- محاسن ص ۳۴۰

بفهمند و دوست دارند در جهل خود بمانند چیست؟ پاسخ روشن است وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با انفس قدسیش نتواند بعضی را اصلاح کند من و شما عاجزیم.

حُدِّ الْعَفْوُ وَأَمْرٌ بِالْعُرْفِ وَأَعْرَضَ عَنِ الْجَاهِلِينَ (۱)

عفو را پیشه کن به نیکی فرمان ده و از جاهلا روی گردان باش.

در عصر حاضر سودجویانی پیدا شده اند که از جهل و نادانی مردم عوام سو استفاده می کنند تحت نام شریف وجود نازنین امام عصر ارواح العالمین له الفداء مدعی ارتباط با امام علیه السلام می شوند و مردم ساده دل و بی اطلاع از معارف تاب وحی و عترت را می فریبند. گاه با انگیزه اینکه از جهت مال و ثروت به جایی برسند و گاه عقده داشتن مرید و دنباله رو را دارند که هر دو نوعی حماقت است چون این بیچاره ها مردم را به خود دعوت می کنند نه به خدا.

ببینید مولایمان علی علیه السلام درباره معاویه چه قضاوتی دارد و از عوام فریبی او چه می گوید

إِلَّا وَإِنَّ مُعَاوِيَةَ قَادٌ لُمَةٌ مِنَ الْغَوَاهِ وَ عَمَسَ عَلَيْهِمُ الْخَبْرَ حَتَّى جَعَلُوا نُحُورَهُمْ أَعْرَاضَ الْمَيْتَةِ (۲)

آگاه باشید معاویه گروهی از گمراهان را همراه آورده و حقیقت را از آن می پوشاند تا کور کورانه گلوهاشان را آماج تیر و شمشیر کنند.

ص: ۳۳۸

۱- اعراف ۱۹۹

۲- نهج البلاغه خطبه ۵۱

اللَّهُمَّ وَ أَيْمًا غَازٍ غَزَاهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدٍ جَاهِدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ سَيِّئَتِكَ لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَعْلَى وَ حِزْبُكَ الْأَقْوَى وَ حِطُّكَ الْأَوْفَى فَلَقَّهِ الْيُسْرَ، وَ هَيَّئْ لَهُ الْأَمْرَ، وَ تَوَلَّهُ بِالنُّجْحِ (۱)

پروردگارا هر رزمنده ای از ملت تو و یا هر مجاهدی از پیروان مکتب تو که تلاش می کند دینت در مرتبه اعلی و حزبت در نهایت قدرت و بهره ات کامل تر گردد کارش را اسان و اموالش را مهیا و پیروزی را برایش به ارمغان آور اسلام مکتب جنگ و ستیز با هیچ قوم و ملتی نیست و اکثر جنگ های واقع شده در صدر اسلام دفاعی بوده و تعرضی نبوده و هیچ گاه رهبران اسلام مسلمین را به آغازگر بودن در جنگ تشویق نفرمودند بلکه از آنجایی که همواره حق و حقیقت دشمن داشته و دارد برای دفاع از تعرض دشمن آحاد مسلمین را تشویق به تجهیز و آمادگی برای جنگ با دشمن متجاوز نموده است.

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ (۲)

تا آنجا که می توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود را بترسانید.

وقتی جان و مال و ناموس و مملکت مسلمین به خطر می افتد جهاد مثل نماز بر هر کس که استطاعت دارد واجب است.

این کلام مولایمان علی علیه السلام است: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَّمَهُ وَ جَعَلَهُ نَصْرَهُ وَ نَاصِرَهُ وَ اللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِهِ (۳)

ص: ۳۳۹

۱- دعای بیست و هفتم صحیفه

۲- انفال ۶۰

۳- وسایل ج ۱۱ ص ۹

خداوند جهاد را واجب گردانید و آن را بزرگ داشت و مایه پیروزی و یاور خود قرارش داد به خدا سوگند کار دنیا و دین جز با جهاد درست نمی شود.

مردی برای عبادت خدا به کوهی رفت و خانواده اش او را نزد پیامبر آوردند. پیامبر او را از این کار نهی کرد و فرمود: اگر مسلمان یک روز در میدانی از میدان های جهاد پایداری ورزد برایش بهتر است از چهل سال عبادت کردن. (۱)

سه گروه در اسلام رتبه برتر را دارند: مجاهدین، متقین، علما

وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۲)

خداوند جهادگران را بر قاعدین برتری و پاداش بزرگی عنایت فرموده است جهادی که از رزم در جبهه های جنگ بزرگتر است جهاد با نفس است که تعبیر به جهاد اکبر شده

إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَعَثَ بِسَرِيَّةٍ فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرَحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الصَّغَرَ وَبَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سپاهی را به جنگ گسیل داشت وقتی برگشتند فرمود: خوشامد می گویم به گروهی که جهاد اصغر را پشت سر گذاشتند اما جهاد اکبر همچنان مانده است عرض شد ای پیامبر خدا جهاد اکبر چیست؟ فرمود جهاد با نفس.

ای شهان کشتیم ما خصم برون***اندر خصمی زو برتر در اندرون

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: اِعْلَمُوا أَنَّ الْجِهَادَ الْأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ فَاشْتَغِلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ تَسْعِدُوا (۴)

بدانید که جهاد اکبر جهاد با نفس است پس به پیکار با نفس های خویش پردازید تا نیک بخت شوید.

ص: ۳۴۰

۱- مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۲۱

۲- نساء ۹۵

۳- بحار ج ۱۹ ص ۱۸۲

۴- غررالحکم

مرتبۀ سوم جهاد تلاش فراوان مجاهد برای انجام دستورات پروردگار است در این مرحله جهادگر تمام همت خود را می گذارد که واجب الهی را انجام دهد و احیا کند و حرام را ترک و نهی نماید. و از ملامت هیچ ملامتگری ترس ندارد.

امام علی علیه السلام در تبیین و جاهدوا فی الله حق جهاده و لا تاخذک فی الله لومه لائم (۱)

در راه خدا چنان که شایسته است جهاد کن و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری مهراس.

سختکوش ترین مردم کسانی هستند که از گناه فرار می کنند و خود را به خدا می سپارند و از پروردگار خویش می خواهند که مالک نفس خویش باشند و به هوای نفس خویش اجازه ندهند که مرتکب گناه شوند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: أَشَدُّ النَّاسِ إِجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ (۲)

سختکوش ترین مردم کسی است که گناهان را ترک کند.

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۳)

فرار به سوی خدا کنید که من برای شما از جانب او بیم رسانی اشکارم. از چه فرار کنیم از هوای نفس و دلم می خواهد ما از رفقای بد از مجالس گناه و ابزار و وسایلی که امروزه به صورت پیشرفته برای آلوده کردن نسل جوان ما فراهم آمده و فرار کنیم.

ص: ۳۴۱

۱- تحف العقول ۶۹

۲- امالی صدوق ص ۲۸

۳- الذاریات ۵۱

إِلَهِي امْدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي آخِرِ إِلِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَبْرًا خَيْرَهُمْ، وَقَوِّ لِي ضَعْفَهُمْ، وَأَصِحِّحْ لِي أَيْدِيَهُمْ وَأَذْيَانَهُمْ وَ
أَخْلَاقَهُمْ (۱)

خدایا عمر جوانانم را برایم طولانی کن و مدت زندگانی آنها را بسیار نما اطفال صغیر مرا تربیت کن و فرزندان ناتوان را تقویت فرما و بدن‌ها و آیین‌ها و اخلاقشان را برای من سالم بدار.

ضمن آنکه باید برای هدایت و حسن عاقبت نسل جوان دعا کرد که انشاءالله عمر با برکت داشته و موفق در کارهای علمی و اخلاقی و زندگی زناشویی و تشکیل خانواده شوند نکاتی را نیز درباره آنان باید در نظر گرفت.

مربیان و الویا گرامی باید متوجه این معنا باشند که امروز خطری را که نسل جوان ما را تهدید می کند از کف دادن ایمان و اخلاق است. برای مسایل اقتصادی و تحصیل علم دانش آنها خیلی جای نگرانی نیست زیرا که در فضای پر از تشویق جوانان به پرداختن به مادیات و فراگیری دانش اغلب به یکی از آن دو اشتغال می یابند. چیزی که جای نگرانی دارد بی تفاوتی نسبت به تعهدات دینی و اخلاقی است.

اگر جوانان ما درآمد خوبی داشته باشند و یا کوه علم و دانش شوند ولی ایمان و اخلاق نداشته باشند و اراسته به یک سلسله فضایل انسانی نگردند گرهی را برای مملکت و اجتماع باز نخواهد کرد.

اما نکاتی که لازم است بی درنگ اولیا و مربیان و متولیان فرهنگی کشور درباره این نسل پرانرژی در نظر بگیرند عبارت است از:

۱- گناه و لغزش آنها را همواره با کنایه و اشاره و حفظ قبح و زشتی گناه برطرف نمایند. کاری نکنند که گستاخی و جرات آنان در انجام معاصی بیشتر شود.

ص: ۳۴۲

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

إِذَا عَاتَيْتَ الْحَدَّثَ فَاتْرُكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ لِنَلَّا يَحْمِلُهُ الْخِرَاجُ عَلَى الْمَكَابِرَةِ (۱)

زمانی که جوان نوری را به سبب گناهی که مرتکب شده است نکوهش می کنی مراقب باش که قسمتی از لغزش هایش را نادیده انکاری و از تمام جهات مورد اعتراض و توبیخ قرار ندهی تا جوان به عکس العمل وادار نشود و نخواهد از راه عناد و لجاج بر شما پیروز گردد.

۲- فضای خانه را پاکیزه نگه داریم و به عبارتی پدر و مادر خود اهل گناه و معصیت نباشد و به فرایض و دستورات الهی عمل کنند خود به خود بچه ها تربیت خواهند شد.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: إِذَا كَرَّمَ أَصْلَ الرَّجُلِ كَرَّمَ مَعْيَهُ وَ مَحْضَرُهُ (۲)

کسی که ریشه خانوادگیش شریف است در حضور و غیاب در هر حال دارای فضیلت و صفات پسندیده است.

۳- باید به جوانان سفارش کرد در گزینش دوست و رفیق دقت عمل داشته باشند چه بسا یک رفیق بد تمام زحمات اولیا و مربیان را بر باد می دهد.

همان بزرگوار توصیه می فرمود: از مصاحبت با افراد فاسد و شر پرهیز که طبع تو به طور ناآگاه بدی و ناپاکی را از طبع منحرف او می دزدد و تو از آن بی خبری. (۳)

امام سجاد علیه السلام به یکی از فرزندان خود نصیحت می کرد و به او می فرمود: پسر جان با پنج نفر همنشینی و گفت و گو نداشته باش. او عرض کرد پدر جان آنها چه کسانی هستند؟

فرمود: ۱- دروغگو که همانند سراب فریبنده است دور را نزدیک و نزدیک را دور نشان می دهد.

ص: ۳۴۳

۱- شرح ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۳۳۳

۲- غررالحکم

۳- شرح ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۲۷۲

۲- فاسق که تو را به لقمه ای یا کمتر می فروشد.

۳- بخیل: که تو را در مواقع سختی و نیاز به خودت واگذارد.

۴- احمق و کم عقل: که چون می خواهد نفعی به تو رساند زبانش دامنگیر تو خواهد شد

۵- آنکه قطع رحم کرده من کسی را که از خویشاوندان بریده در قرآن ملعون یافتیم. پس باید به جوانان این نکته را توجه داد که دوست و رفیق را با محاسبه های عقلی و سنجیده انتخاب کنید زیرا دوستان تصادفی و بی حساب گاهی دزدان سر راه هستند که دین و شرف و حیثیت شما را بر باد می دهند.

نتیجه می گیریم که جوانان عزیز دوست و رفیق را با محاسبه های عقلی و سنجیده انتخاب کنند زیرا دوستان تصادفی و بی حساب گاهی دزدان سر راه هستند که دین و شرف و حیثیت شما را بر باد می دهند.

موضوع دیگری که نقش بزرگی در تربیت صحیح جوانان دارد پاکیزه نگه داشتن محیط آموزشی است.

فضای مدرسه و مراکز آموزش عالی باید از لغزش های اخلاقی و رفتارهای ناهنجار دور باشد. مسایلی از قبیل اعتیاد و ارتباط های نامشروع نباید به این محافل رسوخ کند که در اثر کوتاهی و قصور مسئولین محیط های تحصیلی چنان تباہ می شود که بین نونهالان دین داری و حفظ عفاف و نداشتن ارتباط با جنس مخالف یک نوع عقب ماندگی و ارتجاع به حساب می آید.

اینک پیش بینی مولایمان علی علیه السلام صارَ الْفُسُوقُ فِي النَّاسِ نَسْبًا وَ الْعِفَافُ عَجَبًا (۱)

گناهکاری و ناپاکی در آن محیط از اوصاف عادی مردم شده و پاکدامنی باعث تعجب و شگفتی گردیده است.

ص: ۳۴۴

و نیز نباید از یاد برد که جوانان از غرور خاصی برخوردارند بر خورد با آنان خیلی لطیف و خاص است. باید مثل یک طبیب معالج دلسوز سعی کنیم نواقص آنان را برطرف کنیم و فضایل اخلاقی را به ایشان بیاموزیم. از امتیازات آنان پذیرش حق و قبول واقعیات است. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود درباره دعوت به نیکی ها و کارهای پسندیده سفارش می کرد که از وجود جوانان غافل نباش.

عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ (۱)

بر تو باد به توجه بر جوانان که ایشان زودتر از دیگران خیر پذیرند. اولیا و مریبان گرامی به احساسات مذهبی و معنوی جوانان پاسخ مثبت دهند.

مولایمان علی علیه السلام به جوانان نوحاسته خود می فرمود:

أَنْ أُبْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ (۲)

و اینک تربیت تو را با تعلیم کتاب خدا و تاویل آن شروع نمایم مقررات اسلامی را به تو یاد دهم و حلال و حرام آن را به تو بیاموزم.

همه خوب می دانیم که با فرا رسیدن بلوغ تقاضای معنوی مانند سایر تمایلات طبیعی در نهاد جوانان بیدار می شود. پس باید پاسخی برای احساسات مذهبی آنها داشته باشیم.

امام صادق علیه السلام سفارش می فرمود:

يَادِرُو أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ (۳)

احادیث اسلامی را به نوجوانان بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی تسریع نمایید پیش از آنکه مخالفین گمراه بر شما پیشی گیرند و سخنان و نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند گمراهشان سازند.

ص: ۳۴۵

۱- بحار ج ۲۳ ص ۲۳۶

۲- نهج البلاغه نامه ۳۱

۳- کافی ج ۶ ص ۴۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّئِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَالْبَسِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَإِضْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسَثْرِ الْعَائِبَةِ، وَلِينِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَشَيْءٍ كَوْنِ الرِّيحِ، وَطِيبِ الْمُخَالَقَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ التَّفْضُلِ (۱)

الها بر محمد و آل او درود فرست و مرا به زبور انسان های صالح بیارای و لباس زینت پرهیزکاران بپوشان و به عدالت گستری و فرو بردن خشم و خاموش کردن آتش فتنه و آشوب و گرد آوردن مردم پراکنده و اصلاح میان مردم و آشکار ساختن کارهای خوب و پوشاندن عیوب و نرم خویی و فروتنی و خوش رفتاری و نداشتن نخوت و کبر و خوش خلقی و سبقت گرفتن به سوی فضیلت و از خود گذشتگی در احساس و بخشش موفق مدار.

آنچه در دعای حضرت سجاد علیه السلام ملاحظه کردید نمونه هایی بود از جوانمردی که زیور انسان های صالح و لباس متقین است. جوانمرد اهل ایثار و گذشت اصلاح بین مردم و از بین برنده تفرقه و جدایی و خیر رساندن به دیگران است.

عرب به جوانمردی فتوت می گوید: فتوت عبارت از آن حالتی است که شخص فتی در عین نداری و کم داشتن بذل و بخشش می کند و به نوعی ایثارگر نیز گفته می شود و این صفتی فوق همه صفت های خوب است.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: الْإِثَارُ أَعْلَى الْمَكَارِمِ (۲)

ایثار برترین صفات عالی انسانی است.

و نیز فرمود: أَلَا إِثَارٌ أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ وَ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْإِيمَانِ (۳)

جوانمردی و سخاوت نیکوترین و بالاترین مرتبه ایمان است.

ص: ۳۴۶

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- غررالحکم

۳- غررالحکم

و این هم نتیجه جوانمردی:

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: بار پروردگارا درجات محمد صلی الله علیه و آله وسلم و امت او را به من بنمای فرمود: ای موسی تو تاب تحمل آن را نداری اما یکی از منزل های ارجمندی و والای او را که به آن سبب وی را بر تو و همه آفریدگانم برتری دادم نشانت می دهم... آن گاه ملکوت آسمان را بر موسی آشکار ساخت پس موسی منزلتی را دید که از پرتوهای آن و نزدیک اش به خدای عزوجل نزدیک بود قالب تهی کند عرض کرد پروردگارا به چه سبب او را به این کرامت و منزلت رساندی فرمود: به سبب خوبی که از میان آفریدگانم او را به آن ویژه گردانیدم و آن خوی ایثار است. ای موسی هیچ یک از بندگانم که زمانی از عمر خود را به ایثار گذارنده باشد بر من وارد نشود مگر آن که از حساب رسی او شرم کنم و در هر جای از بهشتم که خواهد جایش دهم.

جوانمردی از صفات مقوم صفات دیگر محسوب می شود یعنی اگر کسی بخواهد عفیف باشد متقی و پرهیزکار باشد قطع رحم نکند و به ارحام خود رسیدگی نماید بی شک باید اول از مرام قوت چیزی داشته باشد تا به آن صفات فضیلت نایل آید.

چه زیبا فرمود مولایمان علی علیه السلام

غَايَةُ الْمَكَارِمِ الْإِيثَارُ (۱)

اوج مکارم اخلاق ایثار است گفتیم معنای فتوت و جوان مردی یعنی از خودگذشتی و بخشش در عین نیاز. قرآن شریف ارزش ایثارگران را این گونه تبیین می فرماید:

وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲)

ص: ۳۴۷

۱- غررالحکم

۲- حشر ۹

و یاران را بر خود مقدم می دارند هر چند خود نیازمند باشند و آنان که از بخل خویش در امانند رستگارانند.

امام صادق علیه السلام در وصف مومنان کامل می فرماید: آنان کسانی هستند که در روزگار سختی و اسایش به برادران نیکی می کنند و در عسرت و تنگدستی دیگران را بر خود ترجیح میدهند و خداوند در وصف ایشان فرموده است: و از خود گذشتگی می کنند... (۱)

ابوبصیر می گوید به یکی از آن دو بزرگوار (امام باقر یا امام صادق علیه السلام) عرض کردم: کدام صدقه برتر است؟ فرمود: **جُهِدُ الْمُقِلِّ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ يُوثِرُونَ... تَرَى هَا هُنَا فَضْلًا؟! (۲)**

آنچه که شخص تنگدست می پردازد مگر نشنیده ای سخن خدای تعالی را که از خود گذشتگی می کنند... آیا در اینجا برتری نمی بینی؟!

قرآن از فتوت محمد و آل علیهم السلام می گوید:

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا (۳)

و غذا را بر دوستی خدا به مسکین و یتیم و اسیر می دهند.

و گویند ما شما را فقط برای خدا غذا می دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی را نمی خواهیم.

ذیل آیات فوق امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام مقداری جو در خانه داشت و از آن کاجی تهیه کرد چون آماده شد و آن را در برابر خود نهادند تا تناول کنند بینوایی از راه رسید و گفت: خداوند شما را رحمت کند پس علی علیه السلام برخاست و یک سوم غذا را به او داد دیری نپایید که یتیمی آمد و گفت: خدایتان رحمت کند پس علی علیه السلام برخاست

ص: ۳۴۸

۱- بحار ج ۶۷ ص ۳۵۱

۲- تفسیر نورالثقلین ج ۵ ص ۲۸۷

۳- انسان ۹۰۸

یک سوم دیگر را به او داد. سپس اسیری از راه رسید و گفت رحمت خدا بر شما باد علی علیه السلام یک سوم باقیمانده را نیز به او داد و خود هیچ از آن نچشیدند پس خداوند سبحان این آیات را درباره ایشان نازل کرد و این آیات بر هر مومنی که به خاطر خداوند عزوجل چنین ایثاری کند نیز صادق است. (۱)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲)

و در بین مردم کسی است که جان خویش را برای رضای پروردگار می فروشد و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است (۳)

اینگونه آمده هنگامی که مشرکان تصمیم به قتل رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم داشتند و آن حضرت از مکه خارج شد و به غار ثور پناه برد. در آن شب علی علیه السلام در رختخواب رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خوابیده و در بین مکه و مدینه این آیه نازل شد و نقل شده که وقتی علی علیه السلام در رختخواب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خوابید. جبرئیل در بالای سر علی علیه السلام و میکائیل در پایین پایش ایستاده بودند و جبرئیل فریاد می زد آفرین آفرین بر مثل تو باد خداوند به تو بر ملائکه مباحثات کرد.

ص: ۳۴۹

۱- تفسیر نورالثقلین ج ۵ ص ۴۷۰

۲- بقره ۲۰۷

۳- در تفسیر مجمع البیان ج ۱ ص ۳۰۱ و تفسیر فخر رازی ج ۵ ص ۲۰۴

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَتَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ، وَ مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ، وَ هَيِّنُهَا أَلِيمٌ، وَ بَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَ مِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضٌ، وَ يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ. وَ مِنْ نَارٍ تَذُرُّ الْعِظَامَ رَمِيمًا، وَ تَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيمًا، وَ مِنْ نَارٍ لَمَّا تُتْبِقِي عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا، وَ لَمَّا تَرْحَمُ مِنَ اللَّهِ تَغْطِفُهَا... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلُظُ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ، وَ تَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ، وَ مِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ، وَ هَيِّنُهَا أَلِيمٌ، وَ بَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَ مِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضٌ، وَ يَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ. وَ مِنْ نَارٍ تَذُرُّ الْعِظَامَ رَمِيمًا، وَ تَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيمًا، وَ مِنْ نَارٍ لَمَّا تُتْبِقِي عَلَى مَنْ تَضَرَّعَ إِلَيْهَا، وَ لَمَّا تَرْحَمُ مِنَ اللَّهِ تَغْطِفُهَا (۱)

خدایا به تو پناه می برم از آتشی که اسباب شکنجه برای معصیت کارانت قرار داده ای و به توسط آن هر که را از رضایت دوری جوید وعده عذاب داده ای و از آتشی که نور آن کبود و تاریک کننده است و کم آن دردناک و دور آن نزدیک است و به تو پناه می برم از آتشی که بعضی از آن بعض دیگر را می خورد و برخی بر قسمت دیگر حمله می برد و از آتشی که استخوان ها را نرم می کند و به افتادگان در آن آب جوشیده می نوشاند و از آتشی که به تضرع کننده اش رحمی نمی کند و به آنکه مهربانی خواهد ترحم نمی کند... خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا از آتش دوزخ به فضل و رحمت پناه ده و به شایستگی عقوبت از گناهانم در گذر و مرا خوار مگردان ای بهترین پناه دهندگان.

کسانی که به طور قطع اگر توبه نکنند و سزای عمل خویش را در دنیا ببینند اهل دوزخ هستند عبارتند از:

۱- وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (۲)

ص: ۳۵۰

۱- دعای ۳۲ صحیفه

۲- نساء ۹۳

و هر که مومنی را از روی عمد به قتل برساند مجازاتش جهنم است و برای همیشه در آن می ماند و خداوند بر او غضب و لعن کند و عذابی بسیار بزرگ برایش مهیا سازد.

۲- إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (۱)

خداوند منافقین و کافران را یک جا در جهنم جمع خواهد کرد.

۳- وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبئس المصيرُ (۲)

و هر که در روز جنگ به دشمن پشت کند مگر آنکه برای حمله ای منحرف شود یا سوی گروهی دیگر رود مشمول غضب پروردگار شده و جایگاهش جهنم است که بد جایگاهی است.

۴- مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ (۳)

هر که با خدا و رسول او دشمنی کند آتش جهنم برای همیشه جایگاهشان است و این ذلت بزرگی است.

۵- إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۴)

آنهايي که از بندگي من کبر می ورزند به زودي با خواری وارد جهنم خواهند شد.

ص: ۳۵۱

۱- نساء ۱۴۰

۲- انفال ۱۶

۳- توبه ۶۳

۴- غافر ۶۰

۶- إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱)

آنانی که مردان و زنان با ایمان را شکنجه دادند و توبه نکردند برای آنها عذاب جهنم و عذاب آتش فروزان خواهد بود.

البته آیات و روایات فراوانی وجود دارد که اقشار دیگری را مستحق آتش و جهنم برشمرد ولی برای اختصار به چند آیه فوق اکتفا کردم باشد که در این رهگذر نمونه ای از مصادیق اهل دوزخ برای ما روشن گردد.

راهکارهایی وجود دارد که انسان را از آتش دوزخ رهایی می بخشد اولین آن توبه بود که در ابتدا به آن اشاره کردیم. بی شک توبه نصوح و غیرقابل بازگشت به گناه درست است و الا خود را مسخره کردن است چنانکه امام رضا علیه السلام می فرمود:

مَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَلَمْ يَتْرُكْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ (۲)

هر کس از آتش به خدا پناه برد اما خواهش های دنیوی را وانگذارد خویشتن را به یاد مسخره گرفته است.

دومین راه نجات از آتش تقوا و ترس از خدا و پرهیز از گناه است.

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا (۳)

و هیچ یک از شما نیست مگر این که به جهنم در آید و این حکمی است حتمی از جانب پروردگار تو آنگاه پرهیزکاران را نجات می دهیم و ستمکاران را همچنان به زانو نشسته در آنجا وا می گذاریم.

بعد از توبه و تقوا ولایت امیرالمومنین علی و اولاد معصومین او عامل نجات از آتش می باشد.

ص: ۳۵۲

۱- بروج ۱۰

۲- بحار ج ۷۸ ص ۳۵۶

۳- مریم ۷۱ و ۷۲

امام رضا علیه السلام از موسی بن جعفر از جعفر بن محمد از محمد بن علی از علی بن الحسین از حسین بن علی از علی بن ابیطالب علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم از جبرئیل از میکائیل از اسرافیل از لوح از قلم نقل کرده اند که :

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلا يَه عَلِيَّ بن اَبِيطالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي اَمِنَ مِنْ عَذَابِي (۱)

ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام دژ محکم من است پس هر کس داخل آن شود از عذاب من در امان خواهد بود.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

يا عَلِيُّ قَدْ غُفِرَ لَكَ وَ لِدُرَيْتِكَ وَ لِشِيعَتِكَ وَ مُجِبِي شِيعَتِكَ (۲)

ای علی برای تو و فرزندان تو و شیعیان تو کسانی که شیعیان تو را دوست دارند آمرزش و مرحمت الهی منظور شده است.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

اَلَا تَحْمِدُوْنَ اللهَ؟ اِنَّهُ اِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُدْعَى كُلُّ قَوْمٍ اِلَى مَنْ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ فَرِعْنَا اِلَى رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ فَرِعْتُمْ اَنْتُمْ اِلَيْنَا (۳)

آیا شکر خدا را (به خاطر وجود مبارک ائمه) به جا نمی آورید؟!

فردای قیامت که می شود هر کس را به سوی رهبر و مولا و مرادش می خوانند ما به رسول الله پناه می بریم و شما هم به ما پناه خواهید برد.

و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

اِنَّ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ اُقْسِمُ بِعِزَّتِهِ اَنْهُ لَا يَجُوزُ عَقْبَهُ الصِّرَاطُ اِلَّا مَنْ مَعَهُ بَرَاءَةٌ بِوَلَايَتِكَ وَ وِلَايَةِ الْاِئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ (۴)

ص: ۳۵۳

۱- بحار ج ۳۹ ص ۲۶۴

۲- تاریخ شیعه ص ۳۷

۳- تفسیر برهان ج ۲ ص ۴۳۸

۴- بحار ج ۳۹ ص ۲۱۱

علی جان پروردگارم قسم به عزتش خورده که از عقبه صراط هیچ کس حق عبور ندارد مگر آنکه براتی از ولایت تو و ولایت امامان از فرزندان تو همراه داشته باشد.

ابوالقاسم فردوسی گوید:

آیا شاه محمود کشور گشای***ز کس گر نترسی بترس از خدای

نترسم که دارم ز روشندلی***بدل مهر آل نبی ولی

برین زادم و هم برین بگذارم***تناگوی پیغمبر و حیدرم

بنام نبی و علی گفته ام***گهرهای معنی بسی سفته ام

شفیع محمد امام علی است***بهر و جهانم وفی و ولی است

ص: ۳۵۴

وَلَا تَفْتَنِّي بِاللَّنظَرِ (۱)

خدایا به نگاه مرا امتحان نکن.

نگاه به چه چیز این عبارت به دنبال توسعه روزی آمده به احتمال زیاد منظور امام همان نگاه های حریصانه و چشم به راه بودن درباره ثروت و اموال دیگران است و به طور کلی چشم چرانی هایی که حکایت از درون آلوده و نیت های سو دارد خداوند نعمت بزرگ چشم را داده مثل سایر نعمت ها تا در راه درستش مصرف شود و انسان ها جهت رشد و تعالی خویش استفاده کنند که گاهی بعضی با یک نگاه عبرت انگیز زندگی را متحول می کنند و رو به سوی خدای متعال می آورند و بعضی با یک نگاه تا قعر جهنم می روند.

در تایید درخواست امام سجاد علیه السلام در ایه شریفه ای از قرآن می خوانیم خداوند رسول بزرگوارش را مخاطب قرار می دهد که:

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ (۲)

چشمان خود را به اموال و زینت های دنیوی که به اصناف کفار داده ایم مگشای که این ثروت و سرمایه را به منظور آزمایش و امتحانش داده ایم. و رزق و روزی پروردگارت که برای اهل ایمان مقرر گردیده به مراتب بهتر و عالی تر است و همواره باقی و برقرار خواهد بود.

در ذیل همین آیه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرموده است:

مَنْ اتَّبَعَ بَصْرَهُ بِمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ طَالَ هَمُّهُ وَ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ (۳)

ص: ۳۵۵

۱- دعای ۲۰ صحیفه

۲- طه ۱۳۱

۳- تفسیر صافی ص ۳۵۰

کسی که چشم خود را برای نگاه کردن به اموال و ثروت دیگران بگشاید اندوهش طولانی خواهد بود و غیظ و غضبش هرگز شفا نمی یابد.

یکی از مصیبت های روزگار که باعث به هم ریختن خانواده ها و افتادن در کسب حرام و خلاف شرع ها شده موضوع چشم به هم چسبی است و نگاه به زندگی و منش دیگران است.

گاه افرادی وام می گیرند ربا می دهند تا عقده حقارت خود را جبران کنند و زرق و برق به زندگی خویش داده از فامیل و دوست ثروتمند عقب نمانند و به قول خودشان زندگی با کلاسی داشته باشند و خیلی روشن تر با جیب خالی پز عالی بدهند.

مگر هر چه چشم می بیند دل باید فوراً بخواهد شما خواننده عزیز به آمار حوادث تلخ و جنایات یک نگاه ساده کنید خواهید دید بسیاری از دزدی ها و آدم کشی ها به خاطر دیدن و دل بستن به مال دنیا است. گاه بستگان نزدیک خود را برای رسیدن به ثروت می کشند که چقدر زشت است که انسان مالک چشمان خود نباشد و یا هر چه دید زود اسیرش شود.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد***هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز پولاد***زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

پس باید دیه را کنترل کرد تا گرفتار غفلت و اسارت نفس نشویم. مولایمان علی علیه السلام درباره نعمت چشم می فرمود:

لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (۱)

در بدن عضوی کم سپاس تر از چشم نیست پس خواهش آن را برآورده نسازید که شما را از یاد خدای عزوجل باز می دارد.

آرامش انسان در ندیدن محرّمات و منکرات است همان بزرگوار فرمود:

ص: ۳۵۶

کسی که چشم خود را پایین اندازد و نگاه به بعضی چیزها نکند دلش را آسوده گرداند.

قرآن خطاب به مرد و زن سفارش می کند از نگاه به یکدیگر پرهیز کنند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ (۲)

به مردان با ایمان بگو دیدگان خود را از نامحرمان ببندند و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را از نامحرمان ببندند.

دو روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده اولی خطاب به مرد و زن است و دیگری به زن هاست

هر که چشم خود را از حرام پر کند خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پر گرداند مگر این که توبه کند و از عمل خود دست بردارد (۳)

خشم خداوند عزوجل سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیرشوهر خود یا از کسی که محرم او نیست پر کند. روایات مکرر و زیادی داریم که نگاه به نامحرم تیر زهرآلود ابلیس است حالا اگر کسی چشم خود را برگرداند و نگاه نکند و از دیدن فیلم ها و نمایش های حرام اجتناب کند چنین نتیجه ای را در بر دارد.

از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَنْظُرُ إِلَى مَحَاسِنِ امْرَأَةٍ ثُمَّ يَغُضُّ إِلَّا أَحَدَّثَ اللَّهُ لَهُ عِبَادَةً يَجِدُ حَلَاوَتَهَا فِي قَلْبِهِ (۴)

هیچ مرد مسلمانی نیست که نگاهش به زیبایی های زنی بیفتد و چشم خود را ببندد مگر این که خداوند برای او عبادتی پیش آورد که شیرینی آن را در دل خویش بیابد.

ص: ۳۵۷

۱- غررالحکم

۲- نور ۳۱ و ۳۰

۳- بحار ج ۷۶ ص ۳۳۴

۴- میزان الحکمه ج ۱۳ ۶۳۲۲

هر که نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را بر هم نهد هنوز چشم بر هم نزده خداوند از حورالعین به ازدواج او در آورد (۱)

راهکارهای مواظبت از چشم نسبت به نامحرمان از منظر مولایمان علی علیه السلام این است که اولاً لَكُمْ أَوْلُ نَظَرِهِ إِلَى الْمَرَاهِ فَلَا تُبْتَعُوها بِنَظَرِهِ أُخْرَى وَ احذروا الفتنه (۲)

اولین نگاه شما به زن حق شماست اما آن را با نگاه دوم دنبال نکنید و از فتنه و گناه برحذر باشید.

ثانیا: هرگاه فردی از شما زنی را دید و از او خوشش آمد به سراغ همسر خودش برود و اگر زن ندارد دو رکعت نماز بخواند و بسیار حمد خدا گوید و بر پیامبر و ال او صلوات فرستد و آنگاه از خداوند بخواهد که از فضل خویش عطایش کند خداوند از روی مهر و رافت خود نیاز او را برطرف خواهد ساخت. (۳)

و ثالثا: با در نظر گرفتن قدرت خداوندی که بر اسرار دلت آگاه است می توانی کمک بگیری و چشم از گناه و حرام بپوشانی. (۴)

ص: ۳۵۸

۱- مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۵۰۵

۲- خصال ۶۳۲

۳- بحار ج ۱۰ ص ۱۱۵

۴- نهج البلاغه خطبه ۳۲

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

از دعای امام سجاد علیه السلام در برآورده شدن حاجات از جانب پروردگار

اللَّهُمَّ يَا مُنْتَهَى مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ وَيَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ... وَيَا مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ... اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ
قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِي، وَ تَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيلِي (۱)

خدایا مسبب اصلی در برآورده شدن حاجات و آنکه وسایل رسیدن به مطلوب در اختیار دارد تو هستی... ای کسی که حاجت
حاجتمندان هیچ گاه از او قطع نمی گردند خدایا من از تو درخواستی دارم که قدرت رسیدن به آن را ندارم و چاره جویی ها
به جایی نمی رسد.

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صِدْمَاءَ دَائِمَةٍ نَامِيَةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبْدِهَا وَ لَا مُنْتَهَى لِأَمْدِهَا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنًا لِي وَ سَبَبًا لِنَجَاحِ طَلِبَتِي، إِنَّكَ
وَاسِعٌ كَرِيمٌ

خدایا بر محمد و ال او درود فرست آن هم درودی دایمی و پربرکت که هیچ وقت قطع نگردد و آن را وسیله کمک به من و
سبب نیل به حاجتم قرار ده زیرا که تو وسعت بخش و بزرگوار هستی.

دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر***که کریم است و رحیم است و غفور است و درود

انقطاع از خلق خدا و حاجت خواستن از خدا و لاغیر نشان کمال معرفت و خداشناسی است از آنجایی او مسبب الاسباب است
و فراهم کننده واسطه ها و وسایل نیل به حاجات است پس چه بهتر که هر نوع حاجت را از خداوند تبارک و تعالی بخواهیم
خدایی که مالک علی الاطلاق و صاحب اختیار همه چیز است.

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

بزرگ است خدایی که فرمانروایی جهان هستی در دست اوست و او بر همه چیز توانا است.

خدایی که تمامی خزاین آسمان و زمین در دست اوست و به هر که بخواهد می بخشد و حاجت حاجتمندان روا می سازد و هیچ کس جز او چنین احاطه و قدرتی را ندارد.

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَزْتَفُوا فِي الْأَسْبَابِ (۲)

آیا گنجینه های رحمت پروردگار مقتدر و بخشنده تو در اختیار آنهاست؟ و یا حکومت آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست از آن ایشان است تا به وسیله ها بالا روند.

انبیا و اولیا هر چه می خواستند از خدا می خواستند و از غیر خدا چیزی را مطالبه نمی کردند.

زکریا علیه السلام وقتی فرزند می خواهد می گوید: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً (۳)

پروردگارا از جانب خود به من فرزندی پاکیزه عنایت کن.

ابراهیم علیه السلام پس از بیان یک سری نعمت های الهی عرض می کند

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (۴)

پروردگارا مقام حکمت را به من عنایت کن و مرا به بندگان صالحت ملحق فرما

سلیمان علیه السلام عرض کرد

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۵)

ص: ۳۶۰

۱- ملک ۱

۲- ص ۱۰ و ۹

۳- ال عمران ۳۸

۴- شعراء ۸۳

۵- ص ۳۵

پروردگارا مرا ببخش و به من حکومتی ده که بعد از من کسی به آن نایل نشود زیرا که تو بسیار بخشنده ای.

و عباد الرحمن و بندگان مخلص خدا عرض می کنند:

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۱)

پروردگارا از همسران ما فرزندانمانی به ما عنایت کن که باعث روشنی چشم ما گردند ما را برای اهل تقوا پیشوا قرار ده.

بعضی می پرسند حاجت خواستن از غیر خدا چون معصومین علیهم السلام جایز است؟ پاسخ این است محمد و آل صلوات الله علیهم اجمعین وجیه و آبرومند درگاه الهی هستند پس ما آن ها را واسطه و شفیع قرار می دهیم تا سریعتر به حاجات مشروعه خویش برسیم.

چنانکه در دعای معروف توسل که مرحوم مجلسی رضوان الله عالی علیه از محمد بن بابویه و او از ائمه طاهرین روایت کرده تمامی چهارده معصوم را با این خطاب می خوانیم.

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَتَشَفَّعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

ای سیدما و مولای ما ما به تو رو آریم و تو را شفیع سازیم و به تو به درگاه خداوند توسل جویم و تو را مقدم بر حاجات خویش داریم ای آبرومند نزد پروردگار شفاعت ما را نزد خداوند کن.

و یا در دعا و زیارت ارزشمند جامعه کبیره که از وجود نازنین امام هادی علیه السلام منقول است می خوانیم.

وَالبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدُلُّونَ

ص: ۳۶۱

ای معصومین شما بزرگواران باب رفع ابتلائات مردم هستید هر که به سراغ شما آمد نجات یافت و هر که نیامد هلاک شد چو شما به سوی خدا دعوت می کنید و بر او دلالت می نمایید.

وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضُّرَّ بِهِ تَوْسِطِ شِمَاسْتِ كِهْ اَنْدُوهِ بِرَطْرِفِ مِیْ شُوْدُو سَخْتِیْ وَ گِرْفَتَارِیْ زَایِلِ مِیْ گِرْدِدِ.

عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرْمَ عَادَتِ شِمَا اِحْسَانِ وَ نِیْكَیْ رِسَانْدَنِ وَ سِرْشْتِ وَ دَابِ شِمَا كِرَامَتِ اسْتِ.

وَ بِكُمْ اَخْرَجَنَا اللّٰهُ مِنَ الدُّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَ اَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِيْ اَنْتُمْ وَ اُمِّیْ وَ نَفْسِیْ

و به وسیله شما خدا ما را از خواری رهایی داد و موج های گرفتاری های ما را برطرف کرد و از پرتگاه هلاکت نجاتمان داد و نیز از آتش جهنم پس پدر و مادرم و خودم فدای شما.

نکته قابل توجه آن است که حاجات را حساب شده و پرازش انتخاب کنیم اگر چیزی از خداوند و با واسطه اهل بیت از او می خواهیم خیر دنیا و آخرت ما را در بر داشته باشد و همیشه با کشکول گدایی در خانه خدا و ابرومندان درگاه الهی نرویم گاهی بدون حاجت و فقط برای اظهار عشق و محبت به حضرت دوست به درگاهش رو می آوریم که او خود راه بنده پروری داند.

او کسی است که نپرسیده و در خواست نکرده عطا می کند در فرازی از دعای امام صادق علیه السلام در ماه رجب می خوانیم.

يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ وَ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تُحِنَّا مِنْهُ وَ رَحِمَهُ

ای خدایی که عطا کند به هر که از او بخواهد و ای آنکه عطا کند کسی را هم که خواهش نکند و شناسدش از روی مهرورزی و رحمتش.

چون شعیب نه از ترس جهنم و از شوق بهشت و به درگاهش اشک ذوق بریزیم چون امیرالمومنین علی علیه السلام خدا را سزاوار ستایش و بندگی بدانیم و بندگیش کنیم و چون آن مرد خراسانی که برای دیدار امام باقر علیه السلام تا مدینه پیاده آمده بود باشیم. به امام عرض کرد: به خدا سوگند برای هیچ حاجتی به محضرتان نیامدم من را نیارود از آنجا که آمدم مگر عشق و دوستی شما اهل بیت من فقط خودتان را می خواهم. (۱)

حج

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُ عَلٰى بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلٰى آلِهِ، وَ آلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَبَدًا مَا اُبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا، مَذْكُورًا لَدَيْكَ، مَذْخُورًا عِنْدَكَ (۲)

خدایا بر من منت بگذار به توفیق انجام مناسک حج و عمره و زیارت قبر رسولت که صلوات و رحمت و برکاتت بر او و ال او باد و زیارت قبول آل رسولت که بر آنها درود جاوید باد. تا زنده ام در این سال و هر سال موفق به عمره و حج شوم و حج مرا مقبول و سعی ام را مشکور و آن را در نظر داشته و ذخیره نزد خود قرار ده.

سفر حج و انجام مناسک آن چه در عمره مفرده و چه در حج تمتع آن قدر خوب و عالی است و ارزش این را دارد که انسان خود را به زحمت اندازد و به هر قیمتی شده خود را به حرم امن الهی و سایر مراکز عبادی مکه و مدینه و به خصوص زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه بقیع علیهم السلام برساند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: اِنْ اِسْتَطَعْتَ اَنْ تَاْكَلَ الْحُبْزَ وَ الْمَلْحَ وَ تَحِجَّ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَافْعَلْ (۳)

اگر بتوانی که نان و نمک بخوری که تا همه ساله به حج بیایی چنین کن.

ص: ۳۶۳

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۲۰۱

۲- دعای بیست و سوم صحیفه

۳- وافی ج ۲ ص ۵

حاجی اگر با حفظ شرایط یعنی با مال حلال و خدمت به خلق خدا به حج رود میهمان خداست و خدا هم از میهمانش پذیرایی خواهد کرد.

این بیان امیرالمومنین علی علیه السلام که فرمود:

الْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَفُدَّ اللَّهُ وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفَدَهُ وَ يُحِبُّهُ بِالْمَغْفِرَةِ (۱)

آنکه حج و عمره به جا می آورد میهمان خداست و بر خداوند است که میهمان خویش را با مغفرت و آمرزش تکریم کند.

همان بزرگوار درباره فلسفه و ره آورد حج در خطبه نخست نهج البلاغه می فرماید

خداوند حج بیت الله الحرام را بر شما واجب کرد و آن خانه را قبله مردم قرار داد که چونان تشنگان به سوی آن روی می آورند و همانند کبوتران به آن پناه برند.

پروردگار حج را نشانی از تواضع مردم در برابر عظمت کبریایی خود و اعتراف به عزت خویش قرار داده و در میان بندگانش افرادی را برگزید که دعوتش را اجابت و کلامش را تصدیق کردند و بر جایگاه پیامبرانش ایستادند. و همانند فرشتگانی شدند که دور عرش الهی طواف می کنند و در بازار بندگی او بهره ها می برند و به هنگام رسیدن آمرزش پروردگار از یکدیگر سبقت می گیرند.

خداوند حج را برای اسلام نشانه و برای پناهندگان به خانه اش حرم امن ساخت حج و ادای حق آن را واجب نمود و رفتن به آنجا را بر شما لازم دانست و لذا خدای سبحان فرمود:

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۲)

زیارت خانه خدا بر کسی که استطاعت دارد واجب است و هر که انکار کند پس به تحقیق خداوند از جهانیان بی نیاز است.

همان بزرگوار در وصیتش به دو فرزند معصومش امام حسن و امام حسین علیهم السلام می فرمود:

وَاللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ لَمْ تُنَاطِرُوا (۳)

ص: ۳۶۴

۱- میزان الحکمه ج ۲ ص ۲۶۳

۲- آل عمران ۹۷

۳- نامه ۴۷ نهج البلاغه

بترسید از خدا بترسید از خدا درباره خانه خدا تا هستید آن را خالی مگذارید زیرا اگر کعبه خلوت شود مهلت داده نمی شوید.

چیزی که حقیر به آن دقت داشته ام و برای علاقمندان به تشریف خانه خدا مفید است دعای برای حج و انجام مناسک آن در ماه مبارک رمضان است چون از تاکید ائمه علیهم السلام در ماه رمضان المبارک به اَللّهُمَّ ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِ هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ

که در دعای ابوحمزه ثمالی دعای سحر و دعاهای روزها و شب های رمضان تکرار شده این حقیقت روشن می شود کسانی که دوست دارند به حج و یا عمره مشرف شوند ماه مبارک رمضان دعا در این خصوص مستجاب است و یا حداقل زودتر به اجابت می رسد.

و این نکته را هم از امام صادق علیه السلام در نظر داشته باشیم که حج یک ظاهری دارد و یک باطن. ظاهرش همان مناسک و اعمالی است که حجاج انجام می دهند ولی باطن حج از دیدگاه آن بزرگوار این است

هرگاه اراده کردی که حج به جا آوری اول دلت را از غیر خدا تخلیه کن و دل را اختصاص به حضرت او بده و تمام کارهایت را به او واگذار کن و در هر نوع حرکت و رفتار به او توکل بجوی و تسلیم قضا و حکم و قدر او باش. با دنیا و راحتی آن و خلق وداع کن و کوچک ترین امیدی به یاران و زاد و توشه مادی و قدرت جوانی و اموال خویش را نداشته باش چون جای این نگرانی هست که این یک روز همه این ها و بال جانت شوند....

سپس با آب توبه غسل کن تا تو را از ناخالصی ها و گناهات پاکیزه سازد و لباس صدق و صفا و خضوع و خشوع بپوش.

و از هر چه که تو را از یاد خدا منع می کند و حجاب طاعت و بندگی تو می شود احرام ببند. و لیبیک بگو به آن معنا که پاک و خالص دعوت خدای عزوجل را اجابت کرده باشی.

با دلت همراه با فرشتگان عرش الهی طواف کن همان طور که با بدنت همراه مسلمین در اطراف بیت طواف می نمایی.

و از خواب غفلت خارج شو همان طور که برای رفتن به منی خارج می شوی در عرفات به خطاهای خویش اعتراف کن و عهدهت را با پروردگار تجدید کن.

در هنگام قربانی کردن حنجره و گلوی هوای نفس خویش را ذبح کن و در جمرات شهوات و حساست و افعال ذمیمه را رمی کن.

عیوب ظاهری و باطنی خود را به حلق راس و سر تراشیدن خویش بتراش. در هنگام دخول در حرم الهی در امان و کنف و پوشش رحمت حضرت حق قرار بگیر.

و سرانجام در هنگام استلام حجر به قسمت پروردگار راضی باش و به طواف وداع از غیر خدا وداع کن. (۱)

ص: ۳۶۶

وَعَلَّمَنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَاقْبَضَنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْدِيرِ، وَاجْرٍ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي (۱)

پروردگارا به من عقل معاش ده و اقتصاد سالم را بیاموز و بهلطفت مرا از زیاده روی در صرف مال بر حذر دار و روزی ام را از طریق حلال به جریان انداز.

در اصل هر نوع تصرف عدوانی و تجاوز به حقوق دیگران اعم از خوردن و آشامیدن و یا پوشیدن و مسکن گزیدن و امثال آن را حرام خواری می گویند. همان طور که تصرف مال یتیم و یا مال ربوی را خوردن مال حرام اطلاق می کنند.

از ویژگی های دین بزرگ اسلام آن است که انسان ها را در بهره برداری صحیح از مواهب طبیعی و نعمت های دنیا آزاد گذارده هر کس مجاز است که از طریق حلال شغل و حرفه داشته باشد و زندگی و معیشت خود را بگذراند و در ضمن به کسی اجازه نمی دهد بدون ملاک قانون در راه به دست آوردن ثروت و وسایل زندگی راهی را پیش گیرد که منجر به تصرف نامشروع از اموال دیگران باشد.

نخست چون امام سجاد علیه السلام باید دعا کنیم که: بار پروردگارا اقتصادمان را سالم روزیمان را از طریق حلال قرار ده و بعد خود همت کنیم احکام خرید و فروش و معاملات را بیاموزیم و با خواهش های نفسانی مبارزه نموده تا از افتادن در دام شیطان و حرام خواری رهایی یابیم.

قرآن بیشتر مردم را دنباله رو هواهای نفسانی می داند و می فرماید که شتابان به سوی حرام و خوردن مال حرام گرایش دارند.

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ الشُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

ص: ۳۶۷

۱- دعای سیم صحیفه

۲- مائده ۶۲

بسیاری از آنها را بنگری که در گناه و ستمکاری و خوردن حرام می شتابند بسیار بدکای را پیشه خود نمودند.

روزی علی علیه السلام برای ورود به مسجد مرکب خود را به فردی سپردند. آن شخص لجام مرکب را کشیده بیرون آورد و فرار کرد و مرکب را به حال خود گذاشت مولایمان امیرالمومنین علیه السلام از مسجد بیرون آمد در حالی که در دست خود دو درهم گرفته تا با آن شخص در مقابل نگهداری و محافظت مرکب بدهد دید مرکب بدون لجام است.

امام علیه السلام سوار شدند و رفتند دو درهم را به غلام خود داده که برای آن مرکب لجام بخرد. غلام به بازار رفت و همان لجام را دست یک نفر دید و معلوم شد که سارق آن را به دو درهم به آن شخص فروخته و دو درهم گرفته رفته است. وقتی غلام این مطلب را به آن حضرت گزارش داد فرمود:

إِنَّ الْعَبْدَ لَيَحْرِمُ لِنَفْسِهِ الرِّزْقَ الْحَلَالَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ وَ لَا يَزِدَادُ عَلَيَّ مَا قَدَّرَلَهُ (۱)

به تحقیق بنده بر خود رزق حلال را به واسطه صبر نکردن و شتاب کردن حرام می کند در حالی که بیش از آن چه مقدرش بوده به دست نیاورده است یک سخن صمیمی با متولیات امور مالی خانواده ها دارم که ای عزیزان برای چه و برای که این اندازه تلاش می کنید تا سفره خود و زن و فرزند را از معاملات ربوی و اجحاف و گران فروشی و احتکار و کلاه برداری رنگین نمایید. ایا هیچ می دانید که گناه آلوده شدن روح و روان زن و فرزند به گردن شماست و این شما هستید که باید روز قیامت پاسخ گو باشید چرا خود را فدای دیگران می کنید آن هم از طریق حرام.

البته سخن این حقیر اقتباس از کلام مولایمان علی علیه السلام است که دلسوزانه می فرمود:

اتَّقُوا اللَّهَ فَكَمْ مِنْ مَّؤْمَلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ وَ بَانَ مَا لَا يَسْكُنُهُ وَ جَامِعٍ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ وَ لَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ

ص: ۳۶۸

جَمَعَهُ وَ مِنْ حَقِّ مَنَعَهُ أَصِيَابُهُ حَرَامًا وَ اِحْتِمَالًا بِهِ آثَامًا فَبَاءَ بِوِزْرِهِ وَ قَدِمَ عَلَيَّ رَبِّي آسِفًا لَاهِفًا قَدْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ
الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱)

ای مردم از خدا بترسید چه بسا آرزومندی که به آرزوی خود نرسید و سازنده ساختمانی که در آن مسکن نکرد و کرده آورنده ای که زود آنچه را گرد آورده رها خواهد کرد شاید که از راه باطل گرد آورده و یا حق دیگران را بازداشته و با حرام به هم آمیخته که گناهش بر گردن اوست و با سنگینی بار گناه در میگذرد و یا پشیمانی و حسرت به نزد خدا می رود که در دنیا و آخرت زیان کرده و این است زیانکاری آشکار.

و یک پیشنهاد به کسانی که علاقمند هستند بدانند چه چیزهایی در اسلام حلال و چه چیزهایی حرام است. به طور قطع با مرور و مطالعه دقیق نسبت به احکام شرعی و رساله عملیه مراجع تقلید ادام الله ظلهم می توان مجموعه ای از حلال ها و حرام ها را شناخت و انشاء الله به کار بست.

این فرع فقهی را همه مراجع در باب تقلید آورده اند بر مکلف لازم است مسایلی را که احتمال می دهد به واسطه یاد نگرفتن آنها در معصیت یعنی ترک واجب یا فعل حرام واقع می شود یاد بگیرد.

ص: ۳۶۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ (۱)

خداوندا به تو پناه می بریم از هیجان حرص

امام سجاد علیه السلام در این دعا که عنوانش هست: فِي الْإِسْئِةِ تَعَاذُهُ مِنَ الْمَكَارِهِ وَ سَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَ مَدَامَّ الْأَفْعَالِ در پناه بردن به خدا از آنچه زشت و بدی اخلاق و خطا و لغزش در رفتار است نخستین رذیله ای که از آن به خدا پناه می برد حرص است این حکایت از شدت رذالت این صفت می نماید.

شخص حریص باید بداند که حرص هیچ گونه تغییری در خصوصیات زندگی انسان نخواهد داشت و آنچه مقدر الهی است به او می رسد و باید باور داشت که هیچ جنبنده ای نیست مگر آنکه روزی وی بر عهده پروردگار است و برای هر که بخوهد بسط و توسعه روزی می دهد.

گر جهان را پر در مکنون کنند***روزی تو چون نباشد چون کنند

بر سر هر لقمه بنوشته عیان***که فلان ابن فلان ابن فلان

هین توکل کن ملرزان پا و دست***رزق تو بر تو ز تو عاشق تر است.

امام صادق علیه السلام سفارش می فرمود:

لَا تَحْرُصْ عَلَى شَيْءٍ لَوْ تَرَكَتَهُ لَوَصَلَ إِلَى قَوْلِهِ فَإِنَّ الدُّنْيَا خَلَقَهَا اللَّهُ تَعَالَى بِمَنْزِلِهِ ظِلِّكَ إِنْ طَلَبْتَهُ أَتَعْبَكَ وَ لَا تُلْحِقُهُ أَبَدًا وَ إِنْ تَرَكَتَهُ يُتْبِعُكَ وَ أَنْتَ مُسْتَرِيحٌ مِنْهُ (۲)

به چیزی حرص نوز که اگر آن را ترک کنی سراغت می آید تا آنجا که فرمود همانا دنیا را خداوند تبارک و تعالی همانند سایه ات خلق فرموده اگر او را طلب کنی از تو دور می شود و هیچ گاه به او نمی رسی و اگر او را رها کنی دنبالت می آید و به توسط او در آسایش و راحتی واقع خواهی شد.

ص: ۳۷۰

۱- دعای هشتم صحیفه

۲- سفینه البحار ج ۱ ص ۲۳۴

هنگامی که عبدالله بن عامر استاندار عراق گردید دو نفر که سابقه رفاقت با او داشتند یکی از انصار و دیگری ثقفی برای استفاده از مقام و موقعیت او به سویش حرکت کردند در بین راه مرد انصاری از مسافرت منصرف شد و به محل خود بازگشت و گفت کسی که عبدالله بن عامر را استاندار عراق کرده تواناست به من روزی عنایت کند.

مرد ثقفی به عراق آمد عبدالله بن عامر احوال رفیق انصاری را از او پرسید ثقفی گفت او از بین راه بازگشت. عبدالله دستور داد به مرد ثقفی چهار هزار دینار بدهند و برای انصاری هشت هزار دینار فرستاد.

ثقفی از این پیشامد تعجب کرده این شعر را سرود

فَوَاللَّهِ مَا حَرَّصَ الْحَرِيصُ بِنَافِعٍ *** فَيَغْنَى وَ مَا زَهَدَ الْقَنُوعُ بِضَائِرٍ

سوگند به پروردگار حرص و آز شخص حریص فایده ای در زیان کردن روزی ندارد و نه قناعت مرد پارسا ضرر به روزی می رساند. (۱)

آنانکه روی دنیا با چشم عقل دیدند***چون صید تیر خورده از دام وی رمیدند

مردان حق ز دنیا بستند دیده دل***از نیک و بد گذشتند جز حق کسی ندیدند

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

حریص بین هفت آفت دشوار گرفتار است

۱- فکر متوالی که برای بدنش ضرر دارد

۲- کوشش زیادی که به پایان نخواهد رسید

۳- رنج و سختی که هرگز آسوده از آن نمی شود مگر هنگام مرگ

۴- ترس و هراسی که جز ابتلا به آنچه از او می ترسد فایده ای ندارد

۵- اندوهی که بی جهت زندگی را بر او ناگوار می کند

ص: ۳۷۱

۶- حساب دقیقی در پیشگاه خداوند از او کشیده می شود که رهایی از آن نخواهد داشت مگر به عفو و بخشش پروردگار

۷- کیفر دردناکی که راه فرار از آن برایش نیست و نه چاره ای دارد(۱)

باید از حریص پرسید نگران چه چیزی هستی به راستی باور نداری خدا روزی رسان است و تو هم به اندازه سهمی که از زندگی و عمرت داری از مواهب این دنیا بهره مند خواهی شد پس حرص چه مفهومی دارد.

مولایمان علی علیه السلام برای اجتناب از حرص می فرمود:

يَا ابْنَ آدَمَ لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي قَدْ أَتَاكَ فَإِنَّهُ إِنْ يَكُ مِنْ عُمْرِكَ يَأْتِ اللَّهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ (۲)

ای فرزند آدم اندوه روز نیامده را بر امروزت میفزا زیرا اگر روز نرسیده از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند.

همان بزرگوار فرمود: يَا ابْنَ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ (۳)

ای فرزند آدم آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی برای دیگران اندوخته ای آدم حریص فکر و اندیشه خود را تخریب می کند و اصولاً اجازه فکر کردن به خود نمی دهد و در یک کلام حرص آفت عقل است.

همان بزرگوار فرمود:

أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ (۴)

قربانگاه اندیشه ها زیر برق مطامع و حرص است.

ص: ۳۷۲

۱- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۳۵

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۲۶۷

۳- همان مدرک ۱۹۲

۴- همان مدرک ۲۱۹

وَ اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبْضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ ثَوَابِهِ، أَوْ مَحْذُورٍ عِقَابِهِ، لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى (۱)

تا این انسان حساب عمرش را تمام و کمال بستاند و در نتیجه به وعده هایی که به او داده از اجر سرشار بهشت و یا پاداش ترسناک دوزخ نایل شود. تا کسانی که بد کرده اند در برابر کارهایی که انجام داده اند سزا دهد و کسانی را که نیکی کرده اند پاداش نیکو دهد. (۲)

قیامت هنگام حسابرسی اعمال انسان هاست در آن روز خداوند حسابگر به ریز و درشت کارها می رسد و پاداش می دهد.

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۳)

مردم متفرق می شوند تا کارهای خود را ببینند پس هر کس به اندازه ذره ای کار نیک کرده باشد آن را می بیند و هر کس به اندازه ذره ای کار بد کرده باشد آن را می بیند.

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حِسَابًا (۴)

به تحقیق خداوند بر همه چیز عالم حسابگر است و حسابرسی خود خیلی سریع و تند است در هشت جای قرآن تاکید شده که
إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۵)

خداوند به سرعت به حساب ها می رسد.

انسان آگاه آنچه از خوب و بد زشت و زیبا صواب و خطا انجام داد حسابرسی می کند و پس از محاسبه اگر در خود لغزشی سراغ داشت به عتاب و سرزنش و ملامت نفس بر می خیزد آنقدر خود را تقبیح و توبیخ می کند تا زشتی در او سرکوب شود.

ص: ۳۷۳

۱- دعای اول صحیفه

۲- نجم ۳۱

۳- زلزله ۸ تا ۶

۴- نساء ۸۶

۵- غافر ۷

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَ حَاسِبُوا مَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا (۱)

بندگان خدا خودتان را بسنجید پیش از آنکه سنجیده شوید و به حساب خویش رسیدگی کنید پیش از آنکه حساب شما را واریسی نمایند.

راه محاسبه آن است که کارها مثبت و منفی خود را بررسی کنیم آنچه را که مخالف با موازین شرع مقدس است کنار گذاشته و آنچه موافق است عمل نماییم چگونه یک کاسب و پیشه ور حساب سرمایه خود را می رسد برای روشن شدن وضع طلبکار بدهکار چند دفتر حساب دارد و در آخر سال و گاهی آخر ماه و هفته و گاهی آخر روز سود و زیان خویش را مورد دقت و مطالعه قرار می دهد اگر سود برده باشد خوشحال و اگر ضرر کرده باشد مضطرب و ناراحت می شود.

شخص مومن نیز مثل یک کاسب باید حساب سود و زیان معنوی خود را داشته باشد باید بداند چه می کند حساب چشم و گوش و دست و پا و قلب را داشته باشد چه می بیند چه می شنود به چه توجه دارد به کجا می رود علاقه اش به چیست با که معاشر است مقصودش کیست باید حساب همه اینها را داشته باشد.

همان بزرگوار فرمود هر انسان عاقل لازم است که گناهان و لغزش های دینی و فکری و اخلاقی خود را بشناسد و محاسبه و بررسی نماید و آنها را در حافظه خود و یا روی کاغذ ضبط کند آنگاه بکوشد تمام خلافتکاری هایش را ریشه کن کند. (۲)

امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر خود از پدران خویش نقل فرموده حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل فرمود:

ص: ۳۷۴

۱- نهج البلاغه خطبه ۸۹

۲- میراث امامان ص ۱۹۸

فهمیده ترین مردم کسی است که به محاسبه خویش اقدام کند و برای بعد از مرگ کاری بکند مردی در محضر آن بزرگوار حضور داشت عرض کرد که چگونه می توان به حساب خویش رسید فرمود هر روز که به شب می رسد به خودش مراجعه کند و بگوید ای نفس امروز به پایان رسید و دیگر بر نمی گردد و خداوند از تو می پرسد که امروز را چگونه تمام کردی چه نوع عملی در آن انجام دادی؟ آیا ذکر خدا گفتی و به یاد او بودی؟ آیا حمد و سپاسش را به جا آوردی؟ آیا حاجت های مومنی را برآورده کردی کارهای خود را یکی یکی بشمرد پس از بررسی و دقت اگر عمل صالح و خوبی داشت خدا را شکر کند و تکبیر گوید بر آنچه خداوند به او توفیق داده است و اگر به معصیت و خطایی برخورد کند و تکبیر گوید بر آنچه خداوند به او توفیق داده است و اگر به معصیت و خطایی برخورد کرد توبه کند و از خداوند طلب عفو نماید و تصمیم بگیرد که دیگر مرتکب آن لغزش و خطا نشود. (۱)

آری اگر در این دنیا به حسابرسی نپرداختیم در روز قیامت خداوند تبارک و تعالی ما را مکلف می کند تا به حساب خویش برسیم آن وقت رسوایی به بار خواهد آمد.

وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۲)

هر انسانی پرونده اعمالش برگردن اوست آنگاه در روز قیامت در حالی که نامه اعمال گشوده است برای او بیرون می آوریم به او گفته می شود بخوان پرونده ات را کافی است که امروز خودت قضاوت کنی و حسابگر خویش باشی.

انسان پرونده باز شده و آماده را شروع به مطالعه می کند و می بیند تمامی لغزش ها نوشته شده چیزی از قلم نیفتاده گناه در خانه و خیابان گناه در سفر و وطن گناه نسبت به پدر و مادر و زن فرزند گناه نسبت به همسایه و همکار و مردم جامعه گناه در جوانی و

ص: ۳۷۵

۱- وسایل الشیعه ج ۱ ص ۳۸۰

۲- اسراء ۱۳ و ۱۴

میانسالی و پیری گناه نسبت به استادو همکلاسی ها و غیره همه و همه نوشته شده ناگهان بر سر خود فریاد می کشد.

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَیْغِرَهُ وَلَا كَبِيرَهُ إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا (۱)

نامه اعمال را پیش می آورند و می بینی که مجرمین چگونه در ترس و هراسند و می گویند وای بر ما این چه نامه ای است؟ تمامی گناهان چه کوچک و چه بزرگ از قلم نیفتاده است و آنچه کرده اند در برابرشان حاضر می بینند و پروردگارت به هیچ کس ظلم نخواهد کرد.

ای به غفلت گذرانیده همه عمر عزیز***تا چه بودی و چه کردی عملت کو کدام

توشه آخرت چیست در این راه دراز***که ترا موی سفید از اجل آورد پیام

دل بر این گنبد گردنده خون خوار میند***که بسی همچو تو دید است و بیند ایام

وای اگر پرده بیفتد که ز بس خجلت و شرم***همه بر جای عرق خون دل آید ز مشام

فکر آن کن که نمایی ز سعادت محروم***کار خود ساز که اینجا دو سه روزیست مقام

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در سفارشاتش به اباذر فرمود:

يَا أَبَاذَرَّ حَاسِبِ نَفْسِكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبَ وَ أَنَّهُ أَهْوَنُ لِحِسَابِكَ غَدًا (۲)

ای اباذر قبل آنکه به حساب اعمالت برسند خود به حساب خویش برس که این محاسبه آسان تر از محاسبه فردای قیامت است.

ص: ۳۷۶

۱- کهف ۴۹

۲- وسایل ج ۱۱ ص ۳۷۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ... غَلْبَةِ الْحَسَدِ (۱)

خداوندا به تو پناه می بریم از مسلط شدن حسد

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّي وَ التَّظَنِّي وَ الْحَسَدِ بِذِكْرٍ لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرٍ فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَدْبِيرٍ عَلَيَّ عَدُوِّكَ (۲)

خدایا چنان کن آنچه را شیطان در دلم و خاطرم اندازد از آرزو و بدگمانی و حسد همه مبدل به تذکر عظمت تو و تفکر در قدرت تو و تدبیری برای از بین بردن دشمنت گردد.

از جمله رذایلی که انسان را به نابودی می کشاند حسد است از زشتی این حالت روحی همین بس که شخص حسود لذت زندگی و آسایش خود را در رنج و فلاکت و گرفتاری دیگران جستجو میکند و فکر می کند چنین چیزی ممکن است در حالی که به آرزوی خود نخواهد رسید و بالاخره به واسطه حسد زندگی نکبت باری پیدا خواهد کرد.

حسود به جای آنکه از آنچه دیگران از نعمت ها دارند شادمان باشد و همانندش را از فضل خدا طلب کند همواره خود را می خورد و دائماً در عذاب است و کاری می کند نعمت از صاحبش سلب شود.

اشکال بزرگ اینجاست که حسود دست به گناهان کبیره و اعمال زشت دیگری نیز می زند به طور مثال گاهی با سخن چینی و ایجاد فتنه و به هم زدن بین مردم و گاهی با ریختن آبرو و حیثیت اشخاص محترم و خوش نام و گاهی هم با غیبت و تهمت و بر چسب زدن تلاش می کند افراد موردنظر خود را ضایع سازد. خطر حسادت تا حدی است که قرآن به ما سفارش می کند از شر آن به خدا پناه برید. وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۳)

آیا به مردم حسد می ورزند چون آنها را خدا به فضل خود برخوردار نموده است حسد از کوردلی و انکار فضل خدا نشات می گیرد امام صادق علیه السلام فرمود: وَالرِّزْقُ مَقْسُومٌ

ص: ۳۷۷

۱- دعای هشتم صحیفه

۲- دعای بیستم صحیفه

۳- فلق ۵

فَمَاذَا يَنْفَعُ الْحَسَدَ الْحَاسِدِ وَ مَاذَا يَضُرُّ الْمَحْسُودَ الْحَسَدِ وَ الْحَسَدُ أَصْلُهُ مِنْ عُمَى الْقَلْبِ وَ الْجُحُودِ لِفَضْلِ اللَّهِ تَعَالَى (۱)

رزق و روزی انسان قسمت و تعیین شده پس حسد برای شخص حسود چه سودی دارد و برای محسود چه زیانی حسد ورزیدن از کوری دل و انکار فضل پروردگار است.

درد و مرضی که همه امت ها به آن مبتلا بوده اند حسد است و راه نجات همان می باشد که امام سجاد علیه السلام فرمود و آن پناه بردن به خداوند از غلبه حسد

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ غَلَبَةِ الْحَسَدِ

حضرت لقمان علیه السلام به پسرش گفت شخص حسود سه نشانه دارد

۱- در پشت سر غیبت می کند.

۲- در مقابل و در حضور تملق گویی می نماید

۳- در هنگام وقوع حوادث تلخ و مصیبت سرزنش و شماتت می کند. (۲)

اولین خونی که به ناحق بر روی زمین ریخت از روی حسد بود قاییل برادرش هاییل را کشت زیرا که نتوانست پیروزی و موفقیت هاییل را ببیند و می توان گفت بیشتر حق کشی ها و جنایات به واسطه همین خوی زشت پیدا شده داستان یوسف و گرفتاری هایش از این صفت رذیله سرچشمه گرفت. رنج و گرفتاری پیامبران و به خصوص پیامبر گرامی اسلام و شهادت امامان معصوم علیهم السلام از این خوی بد فراهم شد. مردم زشت سیرت شخصیت و عظمت آنها را نمی توانستند بر خود هموار کنند حسد ورزیده و در مقام از بین بردن آنها برآمدند.

به یک نمونه از اعمال حسادت که منجر به شهادت امام معصوم علیه السلام شد توجه کنید

احمد بن ابی داوود قاضی معتصم عباسی پیش دوست صمیمی خود ذرقان آمد در حالی که بسیار عصبانی و خشمگین بود.

ص: ۳۷۸

۱- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۳۲۷

۲- بحار ج ۱۲ ص ۱۰۰

ذرقان پرسید چه شده است؟ احمد گفت از نزد معتصم می آیم خشم من به خاطر این سیاه چهره ابوجعفر فرزند علی بن موسی الرضا علیه السلام است آرزو داشتم بیست سال پیش از این مرده بودم و امروز را نمی دیدم گفتم مگر چه شده؟ گفت دزدی را پیش خلیفه آوردند که اعتراف به دزدی خود می کرد معتصم طریقه تطهیر و حد او را پرسید بیشتر فقها حاضر بودند دستور داد بقیه را نیز احضار کند محمد بن علی علیه السلام را هم خواست از ما پرسید حد دزد را چگونه باید جاری کرد؟ فَقُلْتُ مِنَ الْكَرْ سُوْعِ گفتم از مچ دست باید جدا کرد.

پرسید به چه دلیل؟ گفتم به دلیل آنکه دست شامل انگشتان و کف تا مچ می شود در آیه تیمم نیز می فرماید: فَاَمْسِ حُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَ اَيْدِيكُمْ بسیاری از علما در این نظریه با من موافقت کرده تایید نمودند دسته دیگر از دانشمندان گفتند باید دست را از مرفق و آرنج برید خلیفه پرسید برای چه؟ گفتند به دلیل آیه وضوء وَ اَيْدِيكُمْ اِلَى الْمَرَافِقِ چون حد دست را خداوند در این آیه تا آرنج معین می کند برخی نیز فتوا به قطع از شانۀ دادند و استدلال بر این کردند که دست شامل از انگشتان تا شانۀ می شود.

در این هنگام خلیفه روی به محمد بن علی (جواد الائمه) علیه السلام کرده و گفت یا اباجعفر شما چه می گوید؟

فرمود علما گفتار خود را گفتند مرا از نظر دادن معاف دار.

گفت شما را به خدا سوگند می دهم نظریه خود را بگویید.

حضرت جواد علیه السلام فرمود: اکنون که قسم دادی می گوئیم این حدود اهل سنت و علمای حاضرین تعیین کردند اشتباه و خطاست درباره دزد باید انگشتان او را بدون ابهام برید. پرسید دلیل شما چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: سجده بر هفت محل لازم است پیشانی دو دست دو زانو و دو انگشت ابهام پا هر گاه دست را از مچ یا آرنج جدا کنند دیگر دستی برای سجده باقی نمی ماند در صورتی که خداوند در قرآن می فرماید مواضع سجود اختصاص به خداوند دارد ما کانَ اللهُ لَمْ یَقْطَعْ و هر چه برای خدا باشد بریده نمی شود.

معتصم از این حکم شادمان شد و تصدیق کرد دستور داد انگشتان دزد را طبق نظریه حضرت جواد علیه السلام بریدند.

ذرقان می گوید احمد بن ابی داوود پس از نقل داستان سخت افسرده و ناراحت بود که چرا نظریه او رد شده از حسادت به خود می پیچید. سه روز پس از این جریان پیش معتصم عباسی رفت و گفت آمده ام تو را نصیحتی کنم و این به خاطر محبتی است که به ما داری و می ترسم اگر نگویم کفران نعمت کرده باشم و به آتش جهنم بسوزم.

پرسید آن نصیحت چیست؟ گفت وقتی شما مجلسی از علیا و فقها تشکیل می دهید تا امر مهمی از امور دینی مطرح شود وزرا امرا صاحب منصبان لشکری و کشوری و دربانان همگی حضور دارند.

مذاکرات این مجالس در خارج گفت و گو می شود اگر در چنین مجلس شما رای فقها را رد کنی و گفته محمد بن علی علیه السلام را قبول نمایی کم کم موجب می شود که مردم به او متوجه شوند و از بنی عباس منصرف کردند و خلافت را از تو گرفته و به او تحویل دهند در حالی که هم اکنون عده ای از مردم امامت او را قبول دارند. حسد کار خود را کرد این سخن چینی اثر خود را بخشید معتصم چنان تحت تاثیر گفته او واقع شد که احمد بن ابی داوود را دعا کرد و گفت: جَزَاكَ اللهُ عَنِ نَصِيحَتِكَ خَيْرًا خدا تو را از این نصیحتی که کردی جزای خیر دهد.

روز چهارم دستور داد مقدمات مسموم کردن و کشتن امام علیه السلام را آماده سازند. (۱)

محدث قمی رضوان الله تعالی علیه می نویسد مشهور آن است که همسر امام علیه السلام دختر مامون لعنه الله علیه به تحریک برادر مامون یعنی همان معتصم عباسی آن بزرگوار را مسموم کرد.

معتصم زهری برای ام الفضل فرستاد که داخل طعام و خوراک حضرت کند ام الفضل انگور رازقی را زهرآلود کرد و برای امام علیه السلام آورد و امام به محض تناول اثر زهر را در بدن خویش مشاهده کردند.

امام جواد علیه السلام فرمود: سزای عملت را خواهی دید قسم به خدا به بلایی مبتلا خواهی شد که مرهم پذیر نباشد. (۲)

در پایان این بحث توجه به این آیه لازم است

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳)

آن چیزهایی را که خدا به وسیله آن شما را بر یکدیگر برتر داده آرزو نکنید برای مردان آنچه کسب کرده اند بهره ای هست و برای زنان از آنچه کسب کرده اند بهره ای خواهد دید از کرم پروردگار درخواست کنید که خدا به همه چیز آگاهی دارد.

ص: ۳۸۱

۱- بحار ج ۵ ص ۱۰۰

۲- منتهی الامال

۳- نساء ۳۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّئِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ... وَكَظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّارِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ،... وَوَلِيِّنِ الْعَرَبِيكِهِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السِّيَرَةِ (۱)

الها بر محمد و ال محمد و ال او درود فرست و مرا به زیور انسان های صالح بیارای... و به بردن خشم و خاموش کردن آتش فتنه و آداب و گرد آوردن مردم پراکنده... و به نرم خویی و فروتنی و خوش رفتاری و خوش خلقی موفق بدار.

یکی از نمرات از دوران دبستان تا سطح عالی علمی نمره انضباط است انسان منضبط کسی است که در معاشرت با مردم ادب و اخلاق را رعایت کند و همیشه نمره خوب بیاورد.

وقتی بحث حسن خلق و خوش رفتاری می شود یعنی طرز راه رفتن و نشست و برخاست نوع برخورد با اشخاص و تمامی مسایل در نهایت احترام و تکریم به دیگران انجام گیرد اولین نشانه حسن خلق در تلاقی و برخورد با طرف مقابل معلوم می شود.

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا (۲)

زمانی که شما را درود و سلام فرستادند شما نیز سلامی بهتر از آن جواب گوئید و در مورد سلام و جوابش به ما دستور داده اند هر چه فاش تر باشد بهتر است.

امام محمد باقر علیه السلام می فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ إِفْشَاءَ السَّلَامِ (۳)

خداوند بزرگ دوست می دارد که سلام به طور آشکار گفته شود.

نشانه دیگر حسن خلق پذیرایی از میهمان و استقبال از اوست. احترام به میهمان و یا گرمی او را تحویل گرفتن حکایت از خوش خلقی می کند.

امام صادق علیه السلام درباره پذیرایی از میهمان می فرمود:

ص: ۳۸۲

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- نساء ۸۶

۳- کافی ج ۲ ص ۶۴۵

إِذَا آتَاكَ أَخْوَاكَ فَأْتِهِ بِمَا عِنْدَكَ وَإِذَا دَعَاكَ فَتَكَلَّفْ (۱)

هرگاه برادر دینی تو بر تو وارد شد آنچه داری برای او بیاور ولی اگر او را دعوت کردی از او درست پذیرایی کن.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم حتی دستور می دهد که میهمان را پس از پذیرایی تا درب خانه بدرقه کنید.

مِنْ حَقِّ الضَّيْفِ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُ فَتَخْرُجَهُ مِنْ حَرِيمِكَ إِلَى الْبَابِ (۲)

یکی از حقوق بر میزبان این است که از اتاق تا درب منزل میهمان را بدرقه کند.

حسن خلق بهترین و عالی ترین راه رشد و تعالی انسان است قرآن رشد سریع اسلام و نفوذ عمیق رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم را محصول خوش خلقی و خوش رفتاری پیامبر می داند.

فَبِمَا رَحَمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ (۳)

ای رسول ما مرحمت پروردگار تو را با مردم مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تند خو و سخت دل بودی مردم از گرد تو پراکنده می شدند پس تو از لغزش هایشان در گذر و برای آنها طلب مغفرت بنما.

وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۴)

ای رسول ما پر و بال مرحمت بر تمام پیروان با ایمان تبه تواضع بگستران وقتی از امام صادق علیه السلام از حدود و اندازه حسن خلق پرسیدند؟ فرمود: تَلِيْنُ جَنَاحَكَ وَ تَطِيْبُ كَلَامِكَ وَ تَلْقَى آخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ (۵)

با مردم مهربانی و لطف کنی و با آنها پاکیزه سخن گویی و با رویی شادان با آنها رو به روی شوی.

ص: ۳۸۳

۱- بحار جلد ۱۵ ص ۲۴۰

۲- همان مدرک

۳- آل عمران ۱۵۹

۴- شعراء ۲۱۵

۵- کافی ج ۲ ص ۱۰۳

چرا بعضی در اجتماع عقب افتاده و در حال رکود و شکست هستند؟ بی شک اغلب بداخلاق و بدرفتارند و خودشان باعث سیاه بختی خویش شده اند همان بزرگوار فرمود:

الْبِرُّ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ (۱)

نیکی و خوش الخلاقی با مردم شهرها را آباد و عمرها را زیاد می کند.

همان طور که هر انسان به خود علاقه مند است و دوست دارد که مردم به او اظهار محبت و احترام کنند او نیز همین شیوه را درباره دیگران به اجرا در آورد با خلق نیکو زبان ملایم و برداشت صادقانه در برابر خلق خدا روبرو شود.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: مردی حضور رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم آمد و از آن بزرگوار خواست که به سوالات او جواب دهد شش سوال کرد که یکی از آنها این بود: عَلِمْنِي عَمَلًا يُجَبِّنِي الْمَخْلُوقُ (۲) به من کاری بیاموز که مردم به من علاقه مند شوند.

پیامبر فرمود: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُجَبِّكَ الْمَخْلُوقُ فَاحْسِنِ إِلَيْهِمْ وَ أَرْفُضْ مَا فِي أَيْدِيهِمْ (۳)

هرگاه اراده کردی مردم ترا دوست بدارند با آنها به نیکی رفتار کن و از آنچه در اختیار دارند خود را بی نیاز نشان بده.

ص: ۳۸۴

۱- وسائل ج ۲ ص ۴۷۵

۲- سفینه البحار ج ۱ ص ۵۹۹

۳- سفینه البحار ج ۱ ص ۵۹۹

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَاجْعَلْ لِي أَوْفَى الْحُظُوظِ فِيمَا عِنْدَهُمْ، وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَ مَعْرِفَةً بِفَضْلِي حَتَّى يَسْعَدُوا بِي وَ أَسْعَدَ بِهِمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱)

پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و همانند آنچه را که برای همسایگان و دوستانم خواستم به من روزی کن و برخوردارترین بهره ها را که به ایشان عطا شده برای من در نظر بگیر و آگاهی آنها را نسبت به حقوق من افزون فرما و به آنها آشنایی به فضل مرا فراوان کن تا به وسیله من نیک بخت شوند و من به توسط آنها سعادت مند گردم. ای خدای جهانیان دعایم را مستجاب فرما. امام سجاد علیه السلام رساله حقوقی دارد که به طور مبسوط درباره حقوق اعضا بدن بر عهده ما حقوق خانواده حقوق زن و شوهر حق معلم و شاگرد حقوق مومنین نسبت به یکدیگر بحث فرموده است.

و می فرماید: فَطُوبَى لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ خَوْشًا بِحَالِ أَنْ كَسَى كَسَى خَدَاوَنَدِ أَوْ رَا دَرِ اِدَاءِ حُقُوقِي كَهْ بَرِ أَوْ وَاجِبِ سَاخْتَهْ يَارِي مِي فَرْمَايِد. (۲)

همان بزرگوار درباره حقوق مومنین نسبت به هم فرمود:

حق عمومی و مشترک هم دین های تو آن است که در باطن سلامتی آنها را بخواهی و بال های رحمت و مهربانی را بر آنان بگسترانی و در مقابل بدی هایش از خود نرمش نشان دهی و قلوب آنان را جلب کرده و کارهایشان را اصلاح نمایی و از آنان که به تو و به خودشان نیکی می کنند شکر کنی زیرا آن کس که به خود خوبی کند در واقع به تو نیکی کرده چون در آن هنگام از آزار تو خودداری نموده و احتیاجاتش را خودش برآورده کرده و از رجوع کردن به تو خود را باز داشته است پس برای همه آنان دعا کن و همه را

ص: ۳۸۵

۱- دعای بیست و ششم صحیفه

۲- تحف العقول ص ۱۵۶

یاری نما و هر یک از آنها را متناسب با مقام و موقعیتشان نسبت به خود حقشان را ادا کن. بزرگ آنان را به دیده پدری بنگر و کوچک آنان را هم چون فرزند و متوسطین آنها را همانند برادر خود محسوب کن و هر یک به نزد تو آمدند با لطف و رحمت از ایشان پذیرایی بنما و با برادر دینی ات بر طبق حقوق برادری رفتار کن. (۱)

از مجموعه آیات و روایات شریفه ای که به دست ما رسیده این نتیجه به دست می آید که اسلام برای مومنین نسبت به یکدیگر ارزش فوق العاده ای قایل است و حتی تا آن مرحله پیش رفته که عبادت جامع و کامل خدا در رعایت حقوق مومنین است. این بیان از امام صادق علیه السلام است که فرمود: **وَ اللَّهِ مَا عَبْدَ اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ آدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ (۲)**

به خدا قسم خداوند به چیزی برتر از ادا حق مومن عبادت نشده است. معلی بن خنيس از امام صادق علیه السلام پرسید حق مسلمان بر مسلمان دیگر چیست؟ فرمود به هر مسلمان هفت حق واجب است و آنها به قدری مهمند که اگر یکی را ضایع نماید از ولایت و اطاعت خداوند بیرون رفته و بهره ای از جانب پروردگار به او نمی رسد. معلی عرض کرد که حقوق چیست؟ فرمود: ای معلی من نسبت به تو مهربانم می ترسم که آن حقوق را ضایع کنی و آنها را محافظت نمایی و بیاموزی اما عمل نکنی گفت هیچ نیرویی بر انجام اطاعت نیست مگر از جانب خداوند لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ آنگاه حضرت فرمود آسان ترین حقوق آن است که آنچه برای خود دوست داری و می پسندی برای برادر مومن نیز دوست بداری و آنچه برای خود بد می دانی و نمی پسندی برای او نیز نپسندی.

حق دوم از کارهایی که او را به خشم می آورد دوری کنی و اسباب خشنودی او را فراهم سازی حق سوم با جان و مال و دست و پا و زبان او را یاری نمایی. حق چهارم به منزله چشم و راهنما و همانند آئینه او باشی. حق پنجم تو سیر نباشی در حالی که او گرسنه

ص: ۳۸۶

۱- رساله حقوق

۲- بحار ج ۷۴ ص ۲۲۲

است و سیراب نباشی در حالی که او تشنه است و پوشیده نباشی در حالی او برهنه است.

حق ششم اگر تو دارای خادم هستی و او بدون خادم است باید که خدمت را بفرستی تا لباس او را بشوید و در پیش او غذا نهد و بسترش را بگستراند. هفتمین حق آنکه دعوت او را راست بدانی و دعوتش را بپذیری اگر بیمار شد به عیادتش بروی و اگر بمیرد به جنازه او حاضر شوی و اگر دانستی که حاجتی دارد در برآوردن آن حاجت پیشی گیری و قبل از آنکه او اظهار نماید نیازش را برآوری. پس هرگاه به این ها عمل کنی ولایت خود را بر ولایت او و ولایت او را به ولایت خود پیوسته ای. (۱)

در طلعه این بحث ملاحظه نمودید که امام سجاد علیه السلام چقدر زیبا درباره رعایت حقوق متقابل دو مسلمان از خداوند درخواست کرد برادران ایمانیم به وسیله من نیک بخت شوند و من به توسط آنها سعادت مند گردم.

این جمله بسیار جای تامل و دقت دارد مومن باید خیرخواه ممنوعان خود باشد اهل راهنمایی و ارشاد اهل گذشت و اغماض و خیر و سعادت آنان را بخواهد.

چرا نام حضرت یوسف علیه السلام پرآوازه شد یکی از علل آن این بود که بعد از آن همه آزاری که از برادران دیده بود گفت: لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَعْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۲)

امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست خداوند شما را می بخشد زیرا که او مهربان ترین مهربانان است.

وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (۳)

اگر از لغزش دیگری در گذری به تقوا نزدیکتر هستی بازار حقوق متقابل مومنین به هم سعی در پوشاندن عیب یکدیگر است یکبار حضرت عیسی علیه السلام با حواریون در بیابانی در حرکت بودند در بین راه به لاشه سگی برخورد کردند یکی از صحابه گفت: آه آه که

ص: ۳۸۷

۱- همان مدرک

۲- یوسف ۹۲

۳- بقره ۲۳۷

بوی بدی دارد دیگری گفت واه واه چه زشت و بد ترکیب شده است و دیگر صحابه هر یک به نحوی اظهار انزجار و ناراحتی کردند نوبت به حضرت عیسی علیه السلام رسید فرمود به به چه دندان های سفیدی دارد حواریون همگی تعجب کردند که چرا عیسی آن همه بوی تعفن و زشتی رها کرده و فقط دندان هایش را دیده است فرمود انسان مومن باید همیشه خوبی های دیگران را ببیند نه بدی های آنان را.

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق درخواست جالب تری را از خداوند دارند وَ اخَالِفُ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ خدایا توفیقم ده از آن که از من عیب جوئی و غیبت نموده به نیکی یاد کنم.

ص: ۳۸۸

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَ نَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَحْدُودًا (۱)

آنگاه خداوند تبارک و تعالی برای هر کدام آنها حیات موقت و در مدتی محدود قرار داد.

راغب اصفهانی در مفردات می گوید که حیات در شش مورد استعمال می شود اول حیات نامیه است مثل آنکه خداوند می فرماید: **إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا** بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش دوباره زنده می کند که اشاره به حیات زمین در بهار بعد از زمستان است و یا می فرماید: **وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ** ما هر چیزی را به توسط آب حیات دادیم.

دوم حیات حسی است مثل آنکه می فرماید: **وَ مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَالْأَمْوَاتُ** زنده ها با مرده ها یکسان نیستند.

سوم: حیات عقلانی است چنانکه می فرماید: **أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مِثْلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا**

آیا آنکه مرده بوده و زنده اش کرده ایم و برایش نوری قرار داده ایم که به کمک آن بین مردم حرکت نماید با آن کسی که در تاریکی ها فرو رفته و بیرون نمی آید یکسانند؟

چهارم: حیات جاوید است مثل حیات شهدا و کسانی که در راه خدا کشته می شوند. **وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ**

آنانکه در راه خدا کشته شدند مرده مپندارید بلکه زنده اند و نزد خدای خویش روزی می خورند پنجم حیات اخروی است همان طور که فرمود: **يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي** ای کاش برای حیات آخر خویش کارهای خوب پیش می فرستادم.

ص: ۳۸۹

ششم حیات الهی است که هُوَ حَيٌّ او زنده است و مرگ برای او صحیح نیست از تقسیم بندی حیات بگذریم و به حیات انسان که عبارت از حیات مادی و معنوی اوست بپردازیم.

از آنجایی که اسلام دین جامع و کاملی است هم برای حیات مادی و هم برای حیات معنوی ما دیدگاه های عالی و ارزشمندی دارد که اگر به کار بسته شود همه انسان ها دنیا و آخرتی آباد و لبریز از توفیق و کمال خواهند داشت.

خدا و رسول او جز این را برای ما نخواسته اند مانده که ما چگونه دعوتشان را اجابت کنیم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (۱)

ای اهل ایمان هنگامی که خدا و رسول شما را به چیزی که شما را زندگی می بخشد دعوت می کنند اجابت کنید.

ویژگی های امامان معصوم علیهم السلام دقیقاً همین گونه بوده که انسان ها را از مرگ و جهل و نادانی به حیات علم ارزش ها سوق دهند.

مولا یمان علی علیه السلام می فرمود: فَالْتَمِسُوا ذَلِكُمْ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ، فَإِنَّهُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ، وَمَيِّتُ الْجَهْلِ، هُمُ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمَهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ، وَصَمْتُهُمْ عَنْ مَنْطِقِهِمْ، وَظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ، لَا يُخَالِفُونَ الدِّينَ، وَلَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ، فَهُوَ بَيْنَهُمْ شَاهِدٌ صَادِقٌ، وَصَامِتٌ نَاطِقٌ (۲)

رستگاری را از اهل آن جستجو کنید که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رمز حیات دانش و راز مرگ جهل و نادانی هستند آنان که حکمتشان شما را از دانش آنان و سکوتشان از منطق آنان و ظاهرشان از باطنشان اطلاع می دهد نه با دین خدا مخالفتی دارند و نه در آن اختلاف می کنند دین در میان آنان گواهی صادق و ساکتی سخنگوست زندگی شیرین است به شرط آنکه محصول زندگی نیز شیرین و به خیر تمام شود.

ص: ۳۹۰

۱- انفال ۲۴

۲- خطبه ۱۴۸ نهج البلاغه

چه بسیار مردمی که تمام همت خود را به زندگی مادی اختصاص دادند و به خود اجازه ندادند به زندگی معنوی و آخرت بیندیشند بی تردید پایان خوبی نداشتند بی ایمان از دنیا رفتند و برای همیشه گرفتار عذاب الهی گشتند و چه جمعیت کمی که حرف و سخن خدا و رسول و امامان معصوم علیهم السلام را گوش دادند و عمل کردند و پایان خوبی داشتند و برای همیشه در ناز و نعمت الهی قرار گرفتند.

همان بزرگوار فرمود: كُنْ كَالنَّحْلَةِ إِذَا أَكَلْتَ طَيْبًا وَإِذَا وَضَعْتَ وَضَعْتَ طَيْبًا وَإِنْ وَقَعْتَ عَلَى عُودٍ لَمْ تُكْسِرْهُ (۱)

ای انسان تو نیز چون زنبور عسل زندگی کن چون وقتی می خورد پاکیزه می خورد و هنگامی که محصول تلاش خود را ارایه می دهد پاکیزه (عسل) تحویل می دهد و هرگاه بر شاخ گلی می نشیند آن را پرپر نمی کند و نمی شکند. خوشا بر احوال کسانی که محصول عمر تلاش و فعالیتشان چون عسل شیرین و مصفاست و از خویش صدقات جاریه باقی می گذارند و معنی زندگی را آن طور که هست درک می کنند و تحت تاثیر زرق و برق زندگی مادی قرار نمی گیرند. و حیات آخرت را فدای حیات دنیا نمی کنند.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا (۲)

آن سرای واپسین را از آن کسانی می کنیم که در این جهان خواهان برتری جویی و تباهکاری نیستند.

در ذیل این آیه روایات جالبی نقل شده که از جمله روایتی از امام علی علیه السلام أَنَّ الرَّجُلَ لِيُعْجِبُهُ شِرَاكُ نَعْلِهِ فَيَدْخُلُ فِي هَذِهِ الْآيَةِ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ اگر انسان از اینکه بند کفش او از بند کفش دوستش بهتر است سرخوش شود مشمول این آیه می شود.

ص: ۳۹۱

۱- غررالحکم

۲- قصص ۸۳

حالا کسانی که خانه های مجلل و ماشین های مدل بالا و لباس ها و جواهرات گران قیمت خود را به رخ دیگران می کشند و سرخوشند که از این جهات نسبت به فامیل و دوستانشان برترند به طریق اولی مشمول ایه خواهند شد.

پس خانه و ماشین و لباس و جواهرات دنیا حیات واقعی نیست و ارزش به رخ کشیدن ندارند آن چیزی که باید تمام همت خود را بر آن داشت حیات معنوی و اخروی است و دنیا را مقدمه رشد و تعالی اخرت قرار دادن است.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود:

مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمْسَى وَ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ، وَ جَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ، وَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ . وَ مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمْسَى وَ الدُّنْيَا أَكْبَرُ هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ الْفَقْرَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَ شَتَّتَ عَلَيْهِ أَمْرَهُ، وَ لَمْ يَنْلُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُسِمَ لَهُ (۱)

هر آن کس که در طول شبانه روز بزرگترین همش آخرت باشد خداوند بی نیازی را در دل او جای و کارش را سامان دهد و از دنیا نرود مگر وقتی که روزی اش را کامل دریافت کرده باشد. و هر آن کس که در طول شبانه روز بزرگترین همش دنیا باشد خداوند فقر و نداری را بر پیشانی اش زند و کارش را پریشان سازد و از دنیا به چیزی بیش از قسمت خود نرسد.

با کمی فکر به آینده و مراجعه به آیات شریفه قرآن خواهیم فهمید که زندگانی و حیات دنیا لهو و لعبی بیش نیست و آن آخرت است که به زندگی معنا می بخشد.

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۲)

زندگی دنیا جز بازیچه سرگرمی نیست و خانه آخرت برای اهل تقوا بهتر است آیا اندیشه نمی کنید؟

ص: ۳۹۲

۱- بحار ج ۷۷ ص ۱۵۱

۲- انعام ۳۲

هَذَا مَقَامٌ مِّنَ اسْتِخْيَا لِنَفْسِهِ مِنْكَ، وَ سَخِطَ عَلَيْهَا، وَ رَضِيَ عَنْكَ، فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ، وَ رَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ، وَ ظَهَرَ مُثْقَلٍ مِّنَ الْخَطَايَا
(۱)

و این جا مکان کسی است که درباره نفس خود از تو حیا می کند و شرمنده است و بر خویش غضب کرده و از تو راضی است و با تو ملاقات نموده در حالی که نفسی خاشع و گردنی افتاده و پستی از بار گناه خم شده دارد.

حفظ حیا و پاکدامنی از مصادیق بارز ایمان و ترس از خداوند تبارک و تعالی است چاره ای جز این نیست که نفس را در بند کنیم و با هواها و بوالهوسی ها بجنگیم تا حیا بماند والا طبق بیان مولایمان علی علیه السلام مَن كَثُرَ خَطَاؤُهُ قَلَّ حَيَاءُهُ (۲)

آنکه لغزش و گناهش زیاد شود حیا او اندک خواهد شد و گاه به طور کلی حیا از بین می رود.

ارزش و اهمیت حیا بالاتر در جهاد در جبهه و جنگ است همان بزرگوار فرمود: مَا الْمُجَاهِدُ السَّهِيُّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِاعْظَمِ اجْرًا مِّمَّنْ قَدَرَ فَعَفَى لِكَادَ الْعَفِيفِ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ (۳)

اجر و پاداش جهاد کننده ای که در راه خدا کشته شد بیشتر نیست از کسی که توانایی داشته باشد و عفت و پاک دامنی به کاربرد نزدیک است شخص با حیا و عقیف فرشته ای از فرشتگان بشود.

روی سخن حقیر با مردان و زنان مسلمان و پیرو اهل بیت عصمت و طهارت است ای عزیزان چندین شاهد بر اعمال وجود دارند که ناظر کارها و رفتارهای فردی و اجتماعی ما هستند اول خداوند تبارک و تعالی است که طبق بیان مولایمان علی علیه السلام الشَّاهِدُ هُوَ الْحَاكِمُ (۴) آنکه شاهد است خود درباره کارهایمان حکم خواهد کرد. دوم وجود

ص: ۳۹۳

۱- دعای سی و دوم صحیفه

۲- غررالحکم

۳- نهج البلاغه حکم و مواظ ۷۳

۴- نهج البلاغه

نازنین ولی الله الاعظم امام عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء است که خود می فرماید: اَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِتَذَكْرِكُمْ بدانید که ما مراعات حال شما را می کنیم و هیچ گاه شما را فراموش نمی کنیم فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرءٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَيَخْطِنَا به گونه ای عمل کنید که رفتارتان شما را به محبت ما نزدیک کند و کراهت و غضب ما را از شما دور نماید. (۱)

و شاهد سوم و چهارم دو فرشته نویسنده اعمالمان هستند که إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (۲)

هنگامی که دو فرشته راست و چپ به مراقبت او نشسته اند هیچ سخن بر زبان نمی آورد جز اینکه همان لحظه نزد وی مراقبی آماده است.

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (۳)

بر هر کدام از شما نگهبانانی هست نویسندگان بزرگوار می دانند که شما چه می کنید حالا با وجود این چهار شاهد ایا نباید حیا کرد و در محضرشان گناه نکرد؟! اینک به یک نمونه از حیا و حفظ عفاف توجه نمایید.

مردی از پرهیزکاران وارد مصر شد آهنگری را دید که آهن تافته را به دست از کوره بیرون می آورد و حرارت آن به دست او هیچ تاثیری ندارد با خود گفت این شخص یکی از بزرگان و اولیا خداست.

پیش رفت سلام کرده گفت تو را به حق آن خدایی که در دست تو این کرامت را جاری کرده دعایی در حق من بکن آهنگر این حرف را که شنید شروع به گریستن نمود گفت گمانی که درباره من کردی صحیح نیست من از پرهیزکاران و صالحین نیستم پرسید.

ص: ۳۹۴

۱- هر دو روایت احتجاج ج ۲ ص ۲۶۹ و ۳۲۴

۲- ق ۱۷ و ۱۸

۳- انفطار ۱۰ تا ۱۱

چگونه می شود با اینکه انجام چنین کاری جز به دست بندگان صالح خدا نیست؟! پاسخ داد صحیح است ولی این دست من هم سببی دارد آن مرد اصرار ورزید تا از علت امر مطلع شود آهنگر گفت روزی در همین دکان مشغول کار بودم زنی بسیار زیبا و خوش اندام که کمتر مانند او دیده بودم جلو آمده اظهار فقر تنگدستی شدیدی کرد من دل به رخسار او بستم و شیفته جمالش شده گفتم اگر راضی شوی کام از تو بگیرم هر چه احتیاج داشته باشی بر می آورم با حالتی که حاکی از تاثیر فوق العاده بود گفت: از خدا بترس من اهل چنین کاری نیستم گفتم در این صورت برخیز و دنبال کار خود برو. او برخاسته و رفت طولی نکشید دو مرتبه بازگشت و گفت همان قدر بدان تنگدستی طاقت فرسا مرا وادار کرد به خواسته تو پاسخ دهم من دکان را بسته با او به خانه رفتم وقتی وارد اتاق شدیم در را قفل کردم پرسید چرا در را قفل می کنی اینجا کسی نیست گفتم می ترسم یک نفر اطلاع پیدا کند و باعث رسوایی شود در این هنگام چون برگ بید به لرزه افتاد قطرات اشک چون ژاله از دیده می بارید گفت چرا از خدا نمی ترسی؟ پرسیدم تو از چه می ترسی که این قدر به لرزه افتادی گفت: هم اکنون خدا شاهد و ناظر ماست چگونه نترسم. با قیافه ای بسیار تضرع آمیز گفت ای مرد اگر مرا واگذاری به عهده می گیرم که خداوند پیکر تو را به آتش دنیا و آخرت نسوزاند.

دانه های اشک او با التماس عجیبش در من تاثیر بسزایی کرد از تصمیم خود منصرف شدم احتیاجاتش را بر آوردم با شادی و سرور زیادی به منزل خود برگشت. همان شب در خواب دیدم بانویی بزرگوار که تاجی از یاقوت بر سر داشت به من فرمود: یا هذا جزاک الله عَنَّا خیراً خدا پاداش نیکویی به تو عنایت کند پرسیدم شما کیستید؟

قَالَتْ أُمُّ الصَّبِيِّ الَّتِي أَتَيْتَكَ وَ تَرَكْتَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا أَحْرَقَكَ اللَّهُ بِالنَّارِ لَا فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ

من مادر همان دختر کم که نیازمندی او را به سوی تو کشانید ولی از ترس خدا رهایش کردی اینک از خداوند می خواهم که در آتش دنیا و آخرت تو را نسوزاند. پرسیدم آن زن از کدام خانواده بود گفت از بستگان رسول خدا سپاس و شکر فراوانی کردم به همین جهت حرارت آتش در من تاثیر ندارد. (۱)

هر که از تن بگذرد جاننش دهند***هر که جان دریافت جانانش دهند

هر که در سجن ریاضت سر کند***یوسف اسا مصر عرفانش دهند

هر که گردد نوح عشقش ناخدا***ایمنی از موج طوفانش دهند

هر که از ظلمات تن خود بگذرد***خضر اسا آب حیوانش دهند

هر که بی سامان شود در راه عشق***در دیار دوست سامانش دهند

مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَ إِذَا رَهَبَ وَ إِذَا إِشْتَهَى وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ (۲)

هر که نفس خویش را هنگام تمایل به گناه میل به خوردنی های نامشروع و یا موقع غضب و شادی در اختیار داشته باشد خداوند تبارک و تعالی بدنش را بر آتش حرام می کند.

ص: ۳۹۶

۱- ریاحین الشریعه ج ۲ ص ۱۳۵

۲- بحار ج ۱۵ ص ۲۰۲

وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَىٰ مَا سَأَلْتُكَ. وَاعِدْنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۱)

پروردگارا خانواده ام را درباره آنچه از تو طلب می کنم یاورم گردان خدایا من و ذریه ام را از شیطان رانده شده پناه ده.

رئیس خانواده یعنی پدر یا مادر در حفظ نظام خانواده از خطرهای مادی و غیر آن نقش مهمی دارند برپایی یک خانواده خوب در مرحله اول نیاز به دعا و نیایش به درگاه الهی دارد چنانکه قرآن به ما می آموزد که بگوئیم:

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُوَّةً أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۲)

پروردگارا از همسران ما فرزندانی به ما عنایت کن که باعث روشنی چشم ما گردند و ما را برای اهل تقوا پیشوا قرار ده.

و نیز به ما می آموزد که فضای خانه را به گونه ای قرار دهیم که از مصیبت و نافرمانی پرورداگر دور بوده و مستعد پرورش و تعالی برای اهل خانه باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا (۳)

ای اهل ایمان خودتان و خانواده خود را از آتش جهنم محفوظ دارید.

حفظ خانواده از آتش دوزخ به آنست که کارها و اعمالی که موجب آتش جهنم می شود در خانه انجام نگیرد و کانون خانواده از هر لغزش و گناهی پاکیزه باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ فَالْمَرَأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ (۴)

ص: ۳۹۷

۱- دعای بیست و پنجم صحیفه

۲- فرقان ۷۴

۳- تحریم ۶

۴- مجموعه ورام ج ۱ ص ۶

مرد که رئیس خانواده است فرمانروای زن و فرزندان خویش است و در برابر آنان مسئول است زن بر کودکان خود فرمانروا و حاکم است و در برابر آنان مسئولیت دارد.

گاه بعضی از پدر و مادرها افراط در محبت نسبت به فرزندان یا خودشان نسبت به هم دارند و این باعث می شود مرد به خاطر زن و یا زن به خاطر مرد و پدر و مادر برای راضی نگهداشتن فرزندان به گناه می افتند که این ضعف بزرگ خانواده هاست.

محبت باید حد و مرز داشته باشد و اگر بنا شود که به اصول و مبانی دین و اعتقادات آسیب برسد قطعاً مشروع و جایز نخواهد بود.

رسول الله اصلی الله علیه و آله وسلم به ابن مسعود فرمود:

لَا تُحْمَلَنَّ الشَّفَقَةَ عَلَىٰ أَهْلِكَ وَوَلَدِكَ عَلَى الدُّخُولِ فِي الْمَعَاصِي وَالْحَرَامِ (۱)

مبادا به خاطر محبت نسبت به زن و فرزند وادار به گناه و افتادن در حرام شوی.

اسلام ضمن آنکه تاکید دارد که به زن و فرزند خدمت کنید که خیر دنیا و آخرت در این کار است و از طرفی سفارش می کند مبادا همین خانواده شما را از خدا غافل کند و باعث شوند از عبادت و نوافل باز بمانی و به اعمال صالحه و کارهای آخرت نپردازی.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۲)

شما که ایمان دارید اموالتان و اولادتان از یاد کردن خدا سرگرمتان نکند و هر که چنین کند آنها زیانکارانند.

مسئولیت رئیس خانواده به تهیه مسکن و پوشاک و خوراک و غیره خلاصه نمی شود پرورش های روحانی و معنوی اهل خانه نیز به عهده اوست.

ص: ۳۹۸

۱- بحار الانوار ج ۱۷ ص ۳۲

۲- منافقون ۹

رسالت پدر و مادر از همان لحظه انعقاد نطفه شروع می شود تا دوران حمل تمام شود و بچه به دنیا آید و بعد تحت آموزش دقیق قرار گیرد.

آنچه را که اطفال می شنوند و می بینند کاملاً در روح آنها تاثیر عمیق می گذارد بنابراین پدر و مادر باید نهایت دقت را مبذول نمایند که ذهن فرزندانشان از آنچه می شنوند و می بینند مسموم و آلوده نگردد و از تمام وسایل روز به طریق شایسته استفاده کنند که در غیر این صورت فرزندان از دست می روند و پس از بلوغ دیگر کاری نمی توان کرد و محکوم به محیط اطراف خود خواهند شد.

خداوند گاه در قرآن برای توجه خاص به خانواده از پیامبران نام می برد.

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ (۱)

اسماعیل صادق الوعد علیه السلام خانواده خود را به نماز خواندن وادار می کرد.

امام باقر علیه السلام برای زمینه سازی نماز فرزندان نسخه جالبی دارد که باید قابل توجه پدر و مادرها واقع شود.

وقتی فرزند سه ساله شد هفت مرتبه کلمه لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ را به او تعلیم بده و سپس رهایش کن تا سه سال و هفت ماه و بیست روزه شود آنگاه هفت مرتبه کلمه مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ را به او آموزش بده و نیز رهایش کن تا به سن چهار سالگی برسد آنگاه هفت مرتبه کلمه صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ را به او بیاموز تا اینکه پنج ساله شود در این موقع از او دست راست و چپش را سوال کن وقتی دست چپ و راست خود را شناخت او را در برابر قبله نگاهداشته و دستور سجده بده وقتی که شش ساله شد تمام نماز را به او بیاموز و پس از هفت سالگی مقدمات وضو را و در سن نه سالگی وضو و نماز را به طور کامل و با سختگیری از او بخواه فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ غَفَرَ اللهُ لِيُوالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللهُ (۲)

ص: ۳۹۹

۱- مریم ۵۵

۲- مکارم الاخلاق ص ۲۵۴

بلی زحمت پدر و مادر برای سلامت نگهداشتن خانواده از آسیب های اجتماعی و اعتیاد و آلودگی های زمان بدون اجر و پاداش نخواهد بود. ان شاء الله که مشمول رحمت و بخشش الهی خواهند شد.

امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: در روز قیامت خداوند به پدر و مادر پاداش بزرگی عنایت می فرماید: **فَيَقُولَانِ يَا رَبَّنَا آتِنَا لَنَا هَذِهِ وَ لَمْ تَبْلُغْهَا أَعْمَالُنَا** پدر و مادر می گویند پروردگارا این همه لطف و مرحمت درباره ما از کجاست؟ اعمال شایسته چنین پاداشی نیست.

فَيُقَالُ هَذِهِ بِتَعْلِيمِكُمْ وَ لَدَّ كَمَا الْقُرْآنَ وَ تَبْصِيرُ كَمَا آيَةُ بَدِينِ الْإِسْلَامِ (۱)

در جواب گفته می شود این همه عنایت و نعمت پاداش شماست که به فرزند خود کتاب خدا آموختید و او را در آئین اسلام بصیر و بینا ساختید.

خرافات

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ...مُتَابِعِهِ الْهُوَى، وَ مُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَ سِنَةِ الْغُفْلَةِ، وَ تَعَاطَى الْكُفْهِ، وَ إِيْتَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ (۲)

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی از هوای نفس و مخالفت با ارشاد و هدایت دیگران و خواب سنگین غفلت و خود را به زحمت و تکلف انداختن و انتخاب باطل در برابر حق

در مجموع کلام امام علیه السلام می توان استنباط نمود که گرایش به خرافات از پیروی هوای نفس و مخالفت با ارشاد و هدایت انبیا و اولیا و غفلت از حقایق و مقدم داشتن باطل بر حق نشات می گیرد. چون آدم های خرافه پرست و خرافاتی حرف و سخنان پایه مذهبی و الهی ندارد و در کل از چیزهایی پیروی می کنند که ساخته و پرداخته ذهن

ص: ۴۰۰

۱- مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۲۹۰

۲- دعای هشتم صحیفه

بشر است و بیان خرافات آدم های نیرنگ باز و فریبکارند چرا که از ساده لوحی مردم ناآگاه استفاده کرده و خرافات را به آنها تحمیل می کنند.

یکی از کارهای مهم پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم مبارزه با خرافات عصر جاهلیت بود و بیشترین توفیق را در از بین بردن خرافات داشت.

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (۱)

پیامبر کسی است که تکلیف سخت و زنجیرهای گران را از آنها برمیدارد.

زنجیرهای خرافات که در فکر و اندیشه مردم جاهل جا گرفته بود مثل زنده به گور کردن دختران و محروم نمودن زنان از ارث و قربانی نمودن انسان ها در برابر بت ها و امثال آن. آری رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم آنچه را که مردم هم عصرش به عنوان عقاید باطل و بی پایه گرفتارش بودند با تمام قدرت از بین برد و اعتقادات ناب و سالم الهی را جایگزین عقاید خرافی ایشان کرد.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره آن بزرگوار می فرماید

فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ (۲)

خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و اله وسلم را به حق مبعوث فرمود تا بندگان الهی را از عبادت بت ها و اوهام به عبادت خداوند تبارک و تعالی سوق دهد و از اطاعت و پیروی شیطان به پیروی از فرامین پروردگار رهنمود گردد.

در جای دیگر می فرماید: بَعَثَهُ وَ النَّاسُ ضَلَالًا فِي حَيْرِهِ (۳)

خداوند پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم را فرستاد در حالی که مردم در گمراهی و حیرت و سردرگمی بودند.

و نیز فرمود بَعَثَهُ حِينَ لَا عِلْمَ قَائِمٌ وَلَا مَنَارٌ سَاطِعٌ وَلَا مِنْهَجٌ وَاضِحٌ (۴)

ص: ۴۰۱

۱- اعراف ۱۵۷

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۴۶

۳- نهج البلاغه خطبه ۹۴

۴- همان مدرک خطبه ۱۹۵

پروردگار حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را زمانی فرستاد که نشانی محکم و استوار و دلیلی روشن و راهی واضح برای ارشاد خلق وجود نداشت.

از بیانات فوق نتیجه می گیریم که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم خدمت بزرگی به جامعه بشریت کرد و امروزه هر آنچه از تمدن و حقوق بشر و توسعه علمی وجود دارد مرهون زحمات بیست و سه ساله رسول مکرم اسلام است و به قول پاسکال دانشمند غربی اگر انبیا نبودند ما جرات نمی کردیم حتی قلب کوه ها را بشکافیم و تونل بزیم و شهرها را به هم نزدیک کنیم چون عده ای خرافه پست به خدایی کوه ها معتقد بودند و به ما اجازه نمی دادند دل کوه ها را بشکافیم و از معادن ارزشمند آنها استفاده کنیم.

جمله بسیار زیبایی در دعا و زیارت اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام به چشم می خورد که جایش اینجاست.

وَبَدَلٍ مُّهِجَّتُهُ فَيْكَ لَيْسَتْنَقِدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ

خدایا حضرت حسین علیه السلام کسی بود که خون قلبش را در راه تو داد تا بندگان را از نادانی و حیرانی در گمراهی نجات بخشد.

و در اینجا نیز جا دارد عرض کنیم ای ارادتمندان به حضرت حسین علیه السلام دقت کنید تا مبادا مجالس و محافلی که برای آن بزرگوار تشکیل می دهید آلوده به خرافات و باطل گردد. نکند نسبت های دروغ و مطالبی که اصلا واقعیت ندارد همراه مرثیه خوانی های مربوط به آن بزرگوار مطرح شود و برای آنکه مستمع و شنونده گریه بیشتری کند و ناله و فریادش بلند شود حرف و سخنی بافته ذهنی خود را بیان کنیم و باعث شویم همان مولایی که خون قلبش را برای هدایت ما و دور شدن از جهل و نادانی داد از خود برنجانیم و آزرده خاطرش کنیم.

هشدار و زنهار به بعضی از سبک خوانی ها و الگو گرفتن از بیگانگان و داخل کردن ساز و آواز مطرب در تشکیلات سیدالشهدا علیه السلام هشدار و زنهار درباره بعضی از سروده ها و اشعاری که بی شک غلو و بالا بردن مقام امام علیه السلام تا سر حد خدایی و یا بالاتر از مقام رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم که به طور یقین این حرکات ما را از منظور و هدف امام حسین علیه السلام دور کرده و بلکه در بعضی مواقع گوینده و سراینده مرتد است و باید بر او حد جاری شود. بهترین شیوه عزاداری امام حسین علیه السلام سیره عملی امامان معصوم است و ما در زندگانی آن بزرگواران جایی نداریم که به خاطر ابراز علاقه به امام حسین علیه السلام کاری که بعضی از افراد متداول کرده اند و این حقیر بنا ندارم به جزئیات آنها اشاره کنم انجام داده باشند.

به هر جهت فراموش نکنیم که فلسفه قیام عاشورا مبارزه با جهل و خرافه پرستی و احیای احکام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم بود بنابراین اگر بنا شود که ما در سایه پرچم سیدالشهدا دوباره به خرافات گرایش نماییم بی تردید مزدی نصیب ما نمی شود بلکه مورد مواخذه قرار خواهیم گرفت.

از جمله سفارشات حضرت بقیه الله روحی له الفداء این است

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يُقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا (۱)

به گونه ای عمل کنید که رفتارتان شما را به محبت ما نزدیک کند و از کراهت و غضب ما را از شما دور نماید.

به همین جهت است که در تاریکی شب موقعی که اغیار در خواب نازند ایشان در پیشگاه پروردگار به راز و نیاز مشغولند و از خوف و خشیت الهی اشک می ریزند و به طور مدام طلب عفو و رحمت از باری تعالی می نمایند.

ص: ۴۰۳

وَهَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظُلْمِهَا نَفْسِي، وَوَكَّلْ رَحْمَتَكَ بِاِحْتِمَالِ اِضْرِي، فَكَمْ قَدْ لَحِقَتْ رَحْمَتَكَ بِالْمُسِيئِينَ (۱)

خدایا نفس مرا در حالی که ظلم به خویش کرده عفو کن و رحمتت را مامور برداشتن بار گناهم فرما و چقدر رحمت تو به بندگان گنهکارت رسیده است.

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَهُ لَطُولِ أَمَلِهِ، وَ يَدْنُهُ غَافِلٌ لِسَيِّئَاتِهِ عُرُوقِهِ، وَ قَلْبُهُ مَفْتُونٌ بِكَثْرَةِ النِّعَمِ عَلَيْهِ، وَ فِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَيَّرَ إِلَيْهِ. سُؤَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ، وَ فَتَنَهُ الْهَوَى، وَ اسْتَمَكَّنَتْ مِنْهُ الدُّنْيَا، وَ أَظْلَمَ الْأَحْيَالُ، سُؤَالَ مَنْ اسْتَكْتَرَ ذُنُوبَهُ، وَ اعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ، سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ، وَ لَا وَلِيَّ لَهُ دُونَكَ (۲)

ای مولای من از تو مسئلت می جویم همانند مسئلت کسی که به خاطر آرزوهای طولانی بی بهره مانده و بدنش به علت بی تفاوتی نسبت به جهان آخرت غافل مانده و دلش به خاطر نعمت های فراوانی که نصیبش گشته گرفتار فتنه شده و فکرش برای آنچه که به سویش باز می گردد کم است.

همانند مسئلت کسی که آرزو بر او تسلط یافت و هوای نفس او را گرفتار ساخته و دنیا او را اسیر خود ساخته و مرگ بر او سایه انداخته است. همانند مسئلت کسی که گناهانش یاد شده و به خطاهای خویش اعتراف می کند. همانند مسئلت کسی که پروردگاری غیر او ندارد و سرپرستی غیر تو برایش نیست.

همان بزرگوار در دعای مخصوص توبه عرضه می دارد ای که نقطه پایان ترس عبادت کنندگان است وای کسی که او نهایت خشیت پرهیزکاران است.

آری دل آگاه از خدا می ترسد چون خدا را عالم و ناظر اعمال خویش می داند دل آگاه از فضیحت و رسوایی قیامت در هراس است او نمی خواهد در آن روز آه سردی بکشد.

ص: ۴۰۴

۱- دعای ۳۹ صحیفه

۲- دعای پنجاه و دوم صحیفه

و بگوید: يَا حَسْرَتَا عَلَىٰ مَا فَرَطْتِ فِي جَنْبِ اللَّهِ (۱) ای وای بر من از آنچه را که در کنار خدا از گناه و معصیت که مرتکب شدم.

خشم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... سُوْرَةِ الْغَضَبِ (۲)

خدایا به تو پناه می برم از تندی خشم

اللَّهُمَّ.....حَلِّئِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ.... وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّائِرَةِ (۳) غضب عبارت است از

خدایا مرا به زیور انسان های صالح بیارای و توفیق فرو بردن خشم و خاموش کردن آتش نزاع و فتنه را به من عنایت کن.

راغب در مفردات می گوید: الْغَضَبُ تَوْرَانٌ دَمِ الْقَلْبِ ارَادَةَ الْإِنْتِقَامِ غَضَبِ عِبَارَتِ اسْتِ از انقلاب و دگرگونی خون قلب که اراده گرفتن انتقام را همراه دارد.

انسان در بحران خشم و شعله ور شدن غضب قوه عضلانی را از دست داده و کارهای غیر منطقی و خشن انجام می دهد و جالب است که پس از فروکش شدن خشم به خود می آید و اظهار ندامت و پشیمانی می کند. مردی از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم درخواست موعظه و نصیحت کرد؟ فرمود: لا- تَغْضَبْ عِصْبَانِي نَشُوْ آن مرد در فکر فرو رفت که این چه سفارشی بود که آن بزرگوار در یک جمله فرمود. در همین لحظه که او فکر می کرد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

فَإِذَا الْغَضَبُ يَجْمَعُ الشَّرَّ كُلَّهُ (۴)

برای آنکه غضب همه بدی ها را در خود دارد.

پس خشم کلید همه بدی هاست زیرا احتمال دارد که آدم عصبانی و غضبناک می رود که هر کار خلاف و غیرمعقول را انجام دهد.

ص: ۴۰۵

۱- زمر ۵۶

۲- دعای هشتم صحیفه

۳- دعای بیستم صحیفه

۴- میزان الحکمه ج ۷ ص ۲۳۰

برای کنترل خشم چندین راه وجود دارد نخست چون امام سجاد علیه السلام پناه به خدا بردن و از او کمک خواستن که اگر او مدد کند آتش خشم خاموش شده و دعوا و نزاع پایان می پذیرد.

دوم توجه به قدرت پروردگار و حلمی که خداوند در برابر خطاها و لغزش های بندگانش به کار می بندد و انتقام نمی گیرد.

چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: **يَا عَلِيُّ لَا تَغْضَبْ فَإِذَا غَضِبْتَ فَاقْعَيْدْ وَتَفَكَّرْ فِي قُدْرَةِ الرَّبِّ عَلَى الْعِبَادِ وَحِلْمِهِ عَنْهُمْ (۱)**

ای علی خشمگین مشو و هرگاه به خشم آمدی بنشین و درباره قدرتی که پروردگار بر بندگان دارد و گذشتی که از آنها می کند بیندیش.

سوم راه عملی برای جلوگیری از خشم پاسخ ندادن و سکوت است.

امام سجاد علیه السلام در بخشی از دعای دیگر صحیفه عرض می کند.

وَ اٰمِنُنَّ عَلٰى بِالصَّحَّةِ وَ الْاٰمِنِ وَ السَّلَامَةِ فِي دِيْنِي وَ يَدِي، وَ الْبَصِيْرَةَ فِي قَلْبِي، وَ التَّنْفِيْذِ فِيْ اُمُوْرِي، وَ الْخَشْيَةَ لِمَكَ، وَ الْخَوْفِ مِنْكَ (۲)

پروردگارا بر من منت بگذار به سلامتی و امنیت و تندرستی در دین و بدنم و آگاهی دلم و نفوذ در کارهایم و خشیت به درگاهت و ترس از تو

چرا که ترس از خدا یک موهبت و لطف الهی است و اهل خشیت نگران عذاب قبر و برزخ و قیامت خود هستند و گاه از خوف و خشیت الهی در تاریکی شب اشک می ریزند و تضرع و زاری می کنند در حالی که از حد اعتدال خارج نمی شوند و زندگی را بر زن و فرزند تلخ نمی کنند و در ملاقات با آنها و افراد جامعه اهل نشاط و حتی مزاج اند و مثل آنهایی که تمام غم های عالم بر دلشان نشسته دل گرفته و غمزده دیده نمی شوند.

این هم نمونه ای از خشیت مولایمان علی علیه السلام

ص: ۴۰۶

۱- تحف العقول ص ۱۴

۲- دعای بیست و سوم صحیفه

ابودرداء می گوید در تاریکی شب وارد نخلستان شدم صدای ضجه و شیون مردی که بسیار جانسوز گریه می کرد به گوشم خورد آن قدر لحن مناجاتش جذاب بود که مرا به سوی خود جلب نمود ولی وقتی نزدیک شدم دیدم مثل یک چوب خشک روی زمین افتاده است. وقتی بر چهره صاحب صدا نگریستم دیدم که مولایم امیرالمومنین علی علیه السلام است شتابان خود را به خانه آن حضرت رساندم و اهل خانه را از وضع آن بزرگوار با خبر ساختم و گفتم که علی علیه السلام از خوف خدا در نخلستان جان داد.

از داخل خانه پاسخ شنیدم که ابودرداء اشتباه می کنی علی علیه السلام نمرده است بلکه اغلب شب ها از خوف و خشیت الهی تاب نمی آورد (۱)

علی آن شیر خدا شاه عرب***الفتی داشته با این دل شب
شب ز اسرار علی آگاه است***دل شب محرم سر الله است
شب شنیده است مناجات علی***جوشش چشمه عشق ازلی
فجر تا سینه آفاق شکافت***چشم بیدار علی خفته نیافت

خشیت

و زَيْنَ لِي التَّفَرُّدَ بِمَنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ هَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِينِي مِنْ خَشْيَتِكَ (۲)

الها مناجات با خودت را در شب و روز و در خلوت و تنهایی برایم زینت ده و به من یک نوع خود نگهداری عطا کن که به خشیت و خوف تو نزدیکم گرداند.

راغب در مفردات می گوید: الْخَشْيَةُ خَوْفٌ يَشُوبُهُ تَعْظِيمٌ وَ أَكْثَرُ مَا يَكُونُ ذَلِكَ عَنْ عِلْمٍ بِمَا يَخْشَى مِنْهُ وَ لِتَذَلُّكَ خُصَّ الْعُلَمَاءُ بِهَا فِي قَوْلِهِ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ

ص: ۴۰۷

۱- بحار ج ۴۱ ص ۱۱ و امالی صدوق ص ۴۸

۲- دعای چهل و هفتم صحیفه

خشیت ترس همراه با تعظیم و احترام است و اکثر مواقع از روی علم و آگاهی سرچشمه می گیرد به همین علت خشیت در کلام پروردگار به علماء و دانشمندان اختصاص داده شده است بنابراین خشیت ترس معمولی نیست که در بسیاری از انسان ها مشاهده می شود بلکه حقیقتی است که صاحب خشیت از روی درک و فهم بالا نسبت به حضرت معبود دارد و این حالت را برای غیر خدا جایز نمی داند.

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۱)

کسانی که رسالت های الهی را به مردم می رسانند و از خدا می ترسند و از احدی غیر خدا هراس ندارند و خدا برای حسابرسی کافی است.

اهل خشیت غیب و حضور برایشان یکسان است در محیط بسته و دور از چشم خلق خدا را ناظر و حاضر می دانند و از خوف خدا کاری که مورد پسند حق تعالی نباشد انجام نمی دهند

روزی که بهشت به اهل تقوا نزدیک شود و دور نباشد. این همان چیزی است که به هر انابه کننده به درگاه الهی و حافظ دین و تقوا وعده می دادند.

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (۲)

کسی که از خدای رحمان در نهان بترسد و با دلی پرانابه در محضر او حاضر شود.

خشیت در نهان گاه همان ترس دایمی اهل اندیشه و فکر است که نگران جهان آخرت خود هستند که سرانجامشان به کجا ختم می شود و ایا مشمول رحمت و اسعه الهیه قرار می گیرند و این دل مشغولی مخصوص علما ربانی و صمدانی است.

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ

ص: ۴۰۸

۱- احزاب ۳۹

۲- ۳۳ ق

با بردباری به جنگ خشم بروید.

خصومت و دشمنی

وَ اجْعَلْ لِي يَدًا عَلَىٰ مَنْ ظَلَمَنِي، وَ لِسَانًا عَلَىٰ مَنْ خَاصَمَنِي، وَ ظَفْرًا بِمَنْ عَاتَدَنِي (۱)

خدایا برایم دست نیرومندی بر هر که به من ستم کند و زبان گویایی بر هر که با من خصومت نماید و پیروزی بر هر کس که با من دشمنی کند عطا فرما.

اسلام دین جاذبه و دافعه با هم است برخلاف بعضی مذاهب و عقاید که معتقدند باید انسان صلح کل باشد و حتی با دشمنان خدا و رسول نباید اعتراض و مخالفتی داشت و به قول شاعر مسلمانش بزمزم شوید و هندو بسوزانند.

و حال آنکه قرآن چنین عقیده ای را نفی می کند و می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ (۲)

ای اهل ایمان با دشمنان من و دشمنان خودتان پیوند دوستی برقرار نکنید شما نسبت به آنها اظهار محبت می کنید ولی آنان به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند.

خصومت و دشمنی با دشمنان خدا و دین خدا جایز است اما با دوستان خدا و هم کیشان جایز نیست و باز از قرآن الهام گیریم که درباره رسول مکرم اسلام که اسوه حسنه ماست و یاران و پیروان راستینش می فرماید:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (۳)

محمد صلی الله علیه و آله وسلم رسول خداست و آنانی که با او هستند با کافرانی سرسخت و در بین خود مهربانند.

خصومت و کینه ورزی نسبت به هم مسلمان و برادران و خواهران ایمانی مذموم و بسیار غلط است.

ص: ۴۱۰

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- ممتحنه ۱

۳- فتح ۹۲

دل مومن باصفا تر از آن است که دشمنی و کینه اهل ایمان را در آن نگه دارد.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

الْمُؤْمِنُ يَحْقِدُ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ فَإِذَا قَامَ ذَهَبَ عَنْهُ الْحِقْدَ (۱)

کینه به دل گرفتن مومن کوتاه است فقط تا وقتی که در مجلس حضور دارد وقتی برمیخیزد و محفل را ترک می کند دیگر کینه به دل ندارد.

انسان به طور طبیعی وقتی می شنود که شخصی غیبت او را کرده و یا به او تهمت زده و یا آبروی او را برده ناراحت می شود و در مقام دفاع از خود برمی آید در این هنگام اگر شخص خطا کار معذرت خواهی کند و از کرده خود پشیمان باشد باید حقد کینه او را در دل نگه نداشته و او را بخشید ولی اگر بر خطای خود اصرار دارد جای پی جویی و احقاق حق است و حتی تا سر حد اجرای حد باید برای فرد متهم پیش رفت.

حالا اگر کسی بگوید در صورت عذرخواهی چگونه دلم را از دشمنی خطا کار تخلیه کنم. و چیزی به دل نگیرم؟ راهش این است لحظه ای درباره جهان آخرت درنگ کند که من نیز دارای لغزش هایی هستم اگر امروز از خطای برادر و خواهر ایمانیم نگذرم فردای قیامت خداوند تبارک و تعالی نیز از لغزش هایم نخواهد گذشت و اصولا گذشت به تقوا نزدیک است.

وَإِنْ تَعَفَّوْا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (۲)

اگر گذشت کنید به تقوا نزدیکتر است.

آنچه را که امام سجاد علیه السلام از خداوند درخواست فرمود زبان گویا برای مخاصمه با دشمن بود یعنی مومن در برابر خصم بدسرشت نباید کم بیاورد در احتجاجات و مناظرات و گفت و گوها قاطع و محکم بایستد تا جایی که شخص و یا اشخاص متخاصم محکوم شوند.

مومن هیچگاه نباید آغازگر مناظره و مخاصمه باشد مگر آنکه چاره ای جز آن نداشته باشد.

ص: ۴۱۱

۱- کافی ج ۲ ص ۱۰۸

۲- بقره ۲۳۷

امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يُخَاصِمُ إِلَّا مَنْ ضَاقَ بِمَا فِي صَدْرِهِ (۱)

مخاصمه نکند مگر کسی که از آنچه در سینه دارد به تنگ آمده باشد.

مردی به امام حسین علیه السلام گفت: بنشین تا با یکدیگر درباره دین مناظره کنیم حضرت فرمود ای مرد من در دین خود آگاهم و راه راست برایم معلوم و روشن است اگر تو نسبت به دینت آگاهی نداری برو و آن را تحصیل کن مرا چه به بحث و مجادله؟

وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوسِسُ لِلرَّجُلِ وَ يُنَاجِيهِ وَ يَقُولُ: نَاطِرِ النَّاسِ فِي الدِّينِ كَيْلًا يَظُنُّوْا بِكَ الْعَجْزَ وَ الْجَهْلَ (۲)

همانا شیطان آدمی را وسوسه می کند و در گوش او می خواند و می گوید درباره دین با مردم مناظره کن تا فکر نکنند که تو آدم ناتوان و نادانی هستی.

خلوت با خدا

فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ، وَ مَحَلُّ الْمُعْتَرِفِ لَكَ، فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ، وَ لَا يَقْضِرَنَّ دُونِي عَفْوُكَ (۳)

پروردگارا اینجا محل پناه آوردن و جای اعتراف به توست بنابراین فضلت را از من مضایقه مکن و عفو تو را درباره من دریغ مفرما.

آن وقت خلوت با خداوند تبارک و تعالی محقق می شود که از تمام تعینات و تعلقات خود را تخلیه کنیم جای خلوت و دور از خلق خدا را برگزینیم چند لحظه ای به فکر فرو رفته که کجای کاریم مدت زمانی که از عمر ما گذشته چه کرده ایم از کجا آمده ایم در کجا هستیم و به کجا خواهیم رفت. آیا به تکلیف و وظایف بندگی در برابر مولا قصور داشته و کوتاهی کرده ایم و اگر چنین است مصمم شویم گذشته را جبران کنیم. به راستی

ص: ۴۱۲

۱- توحید صدوق ص ۴۶۱

۲- بحار ج ۲ ص ۱۳۵

۳- دعای سی و دوم صحیفه

چه زیباست آن زمانی که انسان با خدای خود خلوت کند و تنها باشد و این از جمله چیزهایی است که باید جزو حاجات جدی ما از خدا باشد.

امام حسین علیه السلام در خلوت خود با خدای خویش عرض می کند.

يا مَوْلَايَ اَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ اَنْتَ الَّذِي اَنْعَمْتَ اَنْتَ الَّذِي اَحْسَيْتَ اَنْتَ الَّذِي اَجْمَلْتَ اَنْتَ الَّذِي اَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ وَاَصْبًا اَبَدًا (۱)

مولای من تویی آنکه منت نهادهی توی آنکه نعمت دادی تویی آنکه نیکی کردی تویی آنکه زیبا کردی تویی آنکه گرامی داشتی پس از همه برتری و تو را ستایش همیشگی است و تو را سپاس مدت ناپذیر است.

اولیا خدا بدن هایشان بین مردم است اما دلشان با خداست و روحشان به عالم بالا وصل است در جمع اند اما در خلوت با خدایند.

امام امیرالمومنین علیه السلام در توصیف ایشان می فرماید:

وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى (۲)

بدن های آنها در میان مردم و در دنیاست ولی ارواحشان به ملا اعلی و عالم بالا متصل است.

علاقه مند خلوت با دوست باید از خودش بخواهند که یاد و ذکرش را بر کام جانمان بچشانند که در این صورت در خلوت و آشکار دل به او مشغول خواهد شد.

إِلَهِي فَالْهَمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَاءِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسِيرَارِ، وَفِي السَّمَرِّ آءِ وَالصَّرَّ آءِ، وَآنِسْنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ وَاسْتَعْمَلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ، وَالسَّعْيِ الْمَرْضِيِّ (۳)

معبودم الهام کن به ما یادت را در خلوت و آشکار و در شب و روز و هیودا و نهان و در خوشحالی و بد حالی و انس ده بما با یاد پنهانی و به کار انداز ما را به کاری بس پاکیزه و کوشش و تلاشی پسندیده.

ص: ۴۱۳

۱- دعای عرفه

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۱۴۷

۳- مناجات الذاکرین

حبه عرفی می گوید: شبی من و نوف در مقابل خانه خوابیده بودیم مقداری از شب گذشته بود ناگاه امیرالمومنین علیه السلام را دیدم کدست بر روی دیوار گذاشته شبیه اشخاص واله و حیران این آیه را می خواند. **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ تَأْخِرِ آيَةَ هَمِينَ** طور این آیات را می خواند مانند کسی که هوش از سرش پریده باشد روی به من کرده فرمود حبه بیداری یا خواب عرض کردم بیدارم مولای من شما اینطور می کنید ما چه کنیم؟ در این هنگام متوجه شدم قطرات اشک از دیده فرو بارید فرمود: ای حبه خداوند روزی را برای حساب قرار داده و ما باید در آن روز به پیشگاه مقدسش بایستیم کوچکترین عمل ما از نظر او مخفی نیست ای حبه خداوند به من و تو از رگ گردن نزدیکتر است هیچ چیز نمی تواند ما را از نظر خدا بپوشاند آنگاه رو به نوف نموده پرسید خوابی یا بیداری عرض کرد خواب نیستم یا امیرالمومنین حال امشب شما مرا به گریه زیادی واداشت.

فرمود ای نوف اگر از ترس خداوند امشب زیاد گریه کردی فردا در پیشگاه او شادمانی نوف بدان هر دانه اشکی که از چشم به واسطه ترس از خدا ریخته شود دریاهایی از آتش را خاموش می کند.

حبه می گوید به خدا سوگند که علی علیه السلام تا صبح با خدای خویش خلوت کرد و راز و نیاز نمود. (۱)

سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت***آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت

تم از واسطه دوری دلبر بگداخت***جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت

سوز دل بین که ز بس آتش اشکم دل شمع***دوش بر من ز سر مهر چو پروانه بسوخت

آشنایی نه غریبست که دلسوز من است***چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت

اصمعی گفت شبی مشغول طواف کعبه بودم که ناگاه چشمم به جوانی خوش سیما که مشغول مناجات بود افتاد شنیدم که می گفت: **نَامَتِ الْعَيْنُ وَ عَلَّتِ النُّجُومُ وَ أَنْتَ الْمَلِكُ**

ص: ۴۱۴

الْحَيُّ الْقَيُّومُ غَلَقَتِ الْمُلُوكُ أَبْوَابَهَا وَأَقَامَتِ عَلَيْهَا حُرَاسَهَا وَبِابِكَ مَفْتُوحٌ لِلسَّائِلِينَ جِئْتِكَ لِنَتَنظَّرُ إِلَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پروردگارا چشم‌ها به خواب رفته ستارگان جلوه گر شده‌اند و تو هستی سلطان زنده قیوم خداوندا پادشاهان درهای کاخ‌های خود را بسته و نگهبانان را بر آنها گمارده‌اند اما درب خانه تو برای سائلین و طالبین باز است. من هم به درب خانه تو آمده‌ام تا به من نظر کنی به رحمت ای رحیم‌ترین رحم‌کنندگان. وقتی دقت کردم دیدم که آن جوان علی بن‌الحسین زین‌العابدین علیه‌السلام است. (۱)

خودسازی

وَ طَهَّرْنِي مِنْ دَنَسٍ مَّا أَسْلَفْتُ، وَ امْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ، وَ أَوْجِدْنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، وَ أَدِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ (۲)

پروردگارا و از هر چه در گذشته باعث کدری من شده پاکیزه‌ام کن و شرور و بدکاری‌های گذشته‌ام را محو گردان و شیرینی و طراوت سلامتی را به من بچشان.

پس از دعا و نیایش به درگاه الهی برای خلاصی از آلودگی‌های نفسانی و محو شرارت‌های باطنی لازم است بعضی کارها را ترک کنیم و بعضی از اعمال را انجام دهیم و این کار به طور یقین به سادگی انجام نمی‌پذیرد.

کسی که در مقام اصلاح نفس و خودسازی است اول باید جایگاه و شرف وجود خود را در افرینش بشناسد و به این حقیقت برسد که او موجودی والا و ارزشمند است آنگاه برای ایجاد ملکات اخلاقی در سر وجودش و رفع رذایل اقدام نماید.

مولایمان علی علیه‌السلام فرمود: مَنْ عَرَفَ شَرَفَ مَعْنَاهُ صَانَهُ عَنْ دِنَائِهِ شَهْوَتِهِ (۳)

هر که بلندی و شرف گوهر وجود خویش را بشناسد آن را از پستی شهوت رانی حفظ می‌کند.

ای بی‌خبر بگوش که صاحب‌خبر شوی*** تا راهرو نباشی کی راهبر شوی.

ص: ۴۱۵

۱- بحار ج ۴۶ ص ۸۰

۲- دعای پانزدهم صحیفه

۳- غررالحکم

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی***تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود***در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی.

اگر انسان خود را می شناخت حتما برای نجات خویش به خود سازی و اصلاح درونی اقدام می کرد.

در جای دیگر امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْقَائِيَاتِ (۱)

هر کس نفس خود را بشناسد آن را به چیزهای فانی شدنی خوار نسازد.

راه خودسازی آن است که عوامل مخرب نفس و روح و آنچه که ما را از خدا و معنویات دور می کند از بین ببریم و دل را به مهر و عشق پروردگار و اولیا شکوفا کنیم.

باز مولای عارفان عالم علی علیه السلام می فرماید

الْعَارِفُ نَفْسَهُ فَاعْتَقَهَا وَ نَزَّهَا عَنِ كُلِّ مَا يَعْبُدُهَا (۲)

عارف کسی است که نفس خود را بشناسد و او را آزاد سازد و از هر چیزی که از حقایق دورش میکند منزهش بدارد.

این کار نیاز به جدیت و تلاش فراوان دارد با کسالت و تنبلی نمی توان خود را اصلاح کرد در این میان نقش استاد و بزرگان همه وسایل و روش های این کار نیست و تا خود انسان نخواهد به سرانجام نخواهد رسید.

و نیز حضرت علی علیه السلام فرمود:

لَا تَتْرُوكَ الْإِجْتِهَادَ فِي إِصْلَاحِ نَفْسِكَ فَإِنَّهُ لَا يُعِينُكَ عَلَيْهَا إِلَّا الْجِدُّ (۳)

لحظه از تلاش برای اصلاح نفس خویش کوتاهی نکن که هیچ کس تو را در این راه مهم یاری ندهد مگر دلسوزی و جدیت خودت.

ص: ۴۱۶

۱- غررالحکم

۲- غررالحکم

۳- غررالحکم

خودسازی ممکن نیست مگر به اراده و تصمیم خودمان و این کار نیاز به مداومت و مراقبه و مواظبت دارد.

تقویت اراده و عزم را جزم کردن حرف اول را در این کار میسر می زند. راغب اصفهانی در مفردات می نویسد **أَلْعَزْمُ وَ الْعَزِيمَةُ عَقْدُ الْقَلْبِ عَلَى إِمْضَاءِ الْأَمْرِ عَزْمٌ وَ عَزِيمَةٌ** عبارت است از عقد قلبی بر امضا کارها

به عزم مرحله عشق پیش نه قدمی*** که سودها کنی از این سفر توانی کرد

آنکه در مقام خودسازی و تزکیه نفس است نباید از مرارت ها و ناملایمات نگران باشد معمولا کسانی که می خواهند خود را اصلاح کنند شیطان صفتان ظاهر می شوند و با ده ها حيله و نیرنگ او را از ادامه راه باز می دارند در اینجا باید پناه به خدا برد و از حضرت او عاجزانه درخواست کمک کرد و او هم وعده داده **وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ** (۱)

و آنهایی که در راه ما تلاش می کنند به طور قطع به راه های خودمان آنان را راهنمایی می کنیم زیرا که خداوند با نیکوکاران است با این اوصاف اگر کسی کوتاهی کند و یا در بین راه عقب نشینی کند و به لغزش هایش ادامه دهد انسان عاجز و بیچاره ای است.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ قَدَرَ عَلَى أَنْ يَزِيلَ النَّفْسَ مِنْ نَفْسِهِ فَلَمْ يَفْعَلْ (۲)

ناتوان ترین مردم کسی است که قادر باشد رفع نواقص از نفس خود کند و این کار را انجام ندهد.

ص: ۴۱۷

۱- عنكبوت ۶۹

۲- غررالحکم

اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخَلِّصُهَا، وَ أْتُقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُضْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعَصِمُهَا (۱)

خدایا از نفس من برای خود بگیر آنچه را که موجب نجات و خلاصی او گردد و به جای گذر برای خودم از نفسم زیرا که نفس من هلاک شونده است مگر آنکه تو نگاهش داری

کلید معرفت خدای بزرگ و معرفت به هستی معرفت نقش و خودشناسی است تا زمانی که انسان خود را پیدا نکند همچنان در جهل و بی خبری خواهد ماند.

خودشناسی باید حاجت بزرگ بنده از خدای متعال باشد و بگوید بارالها به من توفیق شناخت خودم را بده تا به اندازه ظرف وجودم به شناخت تو برسم.

چنانکه در حدیث معروف آمده مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (۲)

مولایمان علی علیه السلام راه خداشناسی را خود شناسی معرفی می فرماید

آنچه مطلوب جهان بد در میان***هم تو داری باز جواز خود نشان

من عرف زان گفت شاه اولیا***عارف خود شو که بشناسی خدا

برای رهایی از ناخالصی ها و هر چه دنائت و پستی است باید نخست خود را بشناسیم چون امیرمومنان علی علیه السلام فرمود:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ تَجَرَّدَ (۳)

هر کس خود را بشناسد مجرد و خالص گردد.

یکی از راه های خودشناسی فهم این حقیقت است که وجه امتیاز ما با سایر موجودات چیست که خداوند پس از بیان سیر تکامل خلقت ما فرمود:

فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۴)

بزرگ است خدایی یکتا که بهترین آفریدگان است.

٣- غررالحكم

٤- مومنون ١٤

امتیاز انسان بر سایر موجودات به عقل و استدلال است و از همین طریق می تواند جایگاه خود را در آفرینش پیدا کند و به کمالات و مراحل بلند روحانی نایل آید.

افراد متفکر و اهل اندیشه می خواهند همه چیز را با دلیل بدانند به همین جهت وقتی به خلقت انسان می نگرند حس می کنند که دارای شخصیت ممتازی نسبت به سایر موجودات هستند و همین شناخت و معرفت خویشتنی خویش باعث می شود که خود را یله و رها فرض نکنند بلکه دارای تکلیف و وظیفه بدانند و با احساس مسئولیت در مقام خودسازی و به کمال رساندن خویش بر می آیند.

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (۱)

مگر انسان گمان می کند که بیهوده رها شده یعنی مسئولیتی برای او نمی باشد.

از اینجا اهمیت خودشناسی بیشتر مشخص می شود و به راستی اگر ما نسبت به کل آفرینش عالم آگاه باشیم ولی از خود بی خبر در عین جهل به سر می بریم. به قول سید محمد عینائی در آداب النفس: اگر انسان ادعا کند که از همه چیز آگاهی دارد ولی بر نفس خویش شناخت نداشته باشد شباهت کسی را دارد که مردم را سیر می کند ولی خود گرسنه است. بر دیگران لباس می پوشاند اما خود برهنه است به مداوای مردم می پردازد ولی خود بیمار است و حال آنکه باید نخست خود را بشناسد پس خودشناسی یک اصل است و بقیه فرع آن اصل بنابراین بر ماست که به اندازه توان فکری و علمی به معرفت نفس پردازیم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲)

ص: ۴۱۹

۱- قیامت ۳۶

۲- مائده ۱۰۰

شما که ایمان دارید به خودتان پردازید خود را بشناسید هر که گمراه شد شما را اگر هدایت شده باشید زیان نمی زند بازگشت همه شما به خداست و از آنچه انجام داده اید خیرتان می دهد.

آیه شریفه در نهایت صراحت مومنین را امر می کند که خود را دریابند و راه هدایت خود را ادامه دهند و از فتنه های فتنه گران و منادیان گمراهی وحشت نکنند چرا که خدای بزرگ مرجع حاکم بر جمیع امور و اعمال است.

از آیه شریفه نتیجه می گیریم که به خود پرداختن یک تکلیف و امر واجب خداست و در این مسیر از ملامت ها و زخم زبان های شیطان صفتان نباید ترسید. مومن نباید از کثرت جمعیت کفر و گنهکاران نگران باشد و خود را نباید شبیه آنان در آورد که این ضعف بزرگی است و غیرقابل بخشش خواهد بود.

خویشاوندان

وَ اَبْدَلْنِي وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْاَرْحَامِ الْمَبْرَةِ، وَ مِنْ خِذْلَانِ الْاَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ (۱)

خدایا تبدیل کن نافرمانی و مخالفت خویشاوندان را نیکی کردن و احسان و خوار کردن نزدیکانم را به یاری دادن.

محکم ترین پیوندها در بین مردم پیوند خویشاوندی است زیرا یک موضوع کاملاً فطری و طبیعی است و نزدیک ترین مردم نسبت به هم اقوام و فامیل هستند. هر اتفاقی برای هر کدام از بستگان رخ دهد بدون استثنا همه اقوام در آن سهیم هستند خواه حادثه دلخراش و غم انگیز باشد و یا شادمانی و جشن و سرور باشد.

ص: ۴۲۰

عقوق ذوالارحام در بیان امام سجاد علیه السلام به معنای مخالفت و اختلاف است که نتیجه اش ایجاد کدورت در دل هاست. اسلام اجازه نمی دهد دایره مخالفت با اقوام تا آنجا پیش رود به قطع ارتباط برسد. چرا که قطع رحم از گناهان بزرگ و غیرقابل بخشش است کسانی با ارحام خود قطع می کنند نتیجه عمل زشت خود را غیر از آخرت در همین دنیا خواهند دید.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم درباره آثار شوم قطع رحم می فرماید:

إِنَّ الرَّحْمَةَ لَا تَنْزِلُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعٌ رَحِمٍ (۱)

رحمت خداوند بر مردمی که در میان آنها قطع کننده رحم باشد فرود نمی آید

امام صادق علیه السلام می فرمود:

الذَّنُوبُ الَّذِي تُعَجَّلُ الْفَنَاءُ قَطْعُهُ الرَّحِمِ (۲)

از جمله گناهانی که مرگ و نابودی را شتاب می بخشد قطع رحم است

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

مَا مِنْ ذَنْبٍ اجْدَرَ أَنْ يَعَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى لِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا يَدْخُرُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ قَطْعِهِ الرَّحِمِ (۳)

هیچ گناهی به اندازه قطع رحم سزای آن نیست که خداوند علاوه بر کیفر اخروی در همین جهان نیز مرتکب آن را به زودی کیفر دهد.

آیا ما حق داریم با کسانی که از نظر فکری و عقیدتی با ما اختلاف نظر دارند برای همیشه قطع ارتباط کنیم؟ پاسخ درباره آنهایی که ارث بر هستند و به طور مشخص رحم محسوب می شوند بدون شک منفی است خواهید گفت چگونه با خانواده هایی از اقوام که لا ابالی و آلوده به گناهند ارتباط برقرار کنیم؟ عرض می کنیم لازم نیست به طور منظم هر روز و

ص: ۴۲۱

۱- کتزالعمال ۶۹۷۸

۲- بحار ج ۷۴ ص ۹۴

۳- کتزالعمال ۶۹۷۴

یا هر هفته از حال هم با خبر شوید بنا را به قطع رابطه نگذارید و با نازل ترین مرتبه صله رحم ارتباط برقرار کنید همان طور که معصومین علیهم السلام راهنمایی فرمودند.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالسَّلَامِ (۱)

صله رحم کنید گرچه با سلامی

مولایمان علی علیه السلام فرمود: گرچه با سلامی صله ارحام کنید زیرا خدای تبارک و تعالی می فرماید:

وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (۲)

از خدایی که به نام او از یکدیگر چیزی می طلبید بترسید و از بریدن خویشاوندی ها پروا کنید همانا خداوند ناظر بر اعمال شماست.

بنابراین قطع رحم به هیچ وجه جایز نیست حتی با کسانی از نظر عقیده دینی با ما مخالف هستند جهنم بن حمید می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم برای من بستگانی هستند برخلاف خط و راه من آیا آنها بر گردن من حقی دارند؟

امام علیه السلام فرمود:

نَعَمْ حَقُّ الرَّحِمِ لَا يَقْطَعُهُ شَيْءٌ وَإِذَا كَانُوا عَلَى أَمْرِكَ كَانَ لَهُمْ حَقُّ حَقِّ الرَّحِمِ وَ حَقُّ الْإِسْلَامِ (۳)

آری حق ارحام را هیچ چیز از بین نمی برد و اگر بر خط و راه تو بودند دو حق بر گردن تو دارند حق خویشاوندی و حق اسلام.

خواسته امام سجاد علیه السلام در فرازی از دعای صحیفه دقیقاً همین است که عقوق و دشمنی ها بین فامیل از بین برود و الفت و معاشرت جایگزین آن شود.

امام علیه السلام در بیان دعا به ما می آموزد که از خدا بخواهیم اقربا و ارحم یار و ناصر ما باشند.

ص: ۴۲۲

۱- تحف العقول ۵۷

۲- خصال ص ۶۱۳

۳- کافی ج ۲ ص ۳۸۶

مولایمان علی علیه السلام در این باره می فرمود ای مردم هیچ کس هر اندازه ثروتمند باشد از خویشاوندان خود و حمایت عملی و زبانی آنها از خویش بی نیاز نیست آنان بزرگترین گروهی هستند که از انسان پشتیبانی می کنند و پراکندگی و پریشانی او را از بین می برند و در مصیبت ها و حوادثی که برایش پیش می آید بیش از همه به او مهربان و دلسوزند. نام نیکی که خداوند برای انسان در میان مردم پدید می آورد بهتر است از مال و ثروتی که وی برای دیگران باقی می گذارد. بنابراین مبادا از خویشاوند نیازمند خود روی برتابید و از دادن اندک مالی به او که اگر ندهید چیزی بر ثروت شما نمی افزاید و اگر بدهید چیزی کم نمی شود دریغ ک نید.

هر که از خویشان خود دست کشد یک دست از آنان باز گرفته اما دست های فراوانی از خود کنار زده است و آن کس که با قوم و خویشان خود نرمخو و مهربان باشد دوستی و محبت همیشگی آنان را به دست آورد. (۱)

راه درست صله رحم رسیدگی به خویشاوندان است چون بعضی به اشتباه فکر می کنند صله رحم یعنی آنکه یک و یا چند وعده اسباب زحمت فامیل شده و کلی خرج و مخارج روی دست او بگذاریم و حال آنکه غیر از دید و بازدید باید از وضع و حال آنها با خبر باشیم و اگر نیازمندند در هر زمینه ای به آنها کمک کنیم که این باعث طول عمر انسان و دفع بلا و حوادث تلخ از انسان خواهد شد.

علی علیه السلام به نوف فرمود: ای نوف صله رحم به جای آر تا خداوند بر عمرت بیفزاید (۲)

و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بسیار شگفت آور می فرماید گاهی می شود از عمر کسی سه روز باقی مانده است اما صله رحم به جای می آورد پس خداوند آن را سی سال به تاخیر می اندازد و گاه می شود که از عمر کسی سی سال باقی مانده اما قطع رحم می کند پس خداوند آن را به سه روز تبدیل می کند. (۳)

ص: ۴۲۳

۱- نهج البلاغه خطبه ۲۳

۲- امالی صدوق ۱۷۴

۳- کتزالعمال ۶۹۲۰

امام صادق علیه السلام به مردی بنام میسر فرمود ای میسر عمر تو زیاد شده است چه کاری انجام داده ای؟ عرض کردم زمانی که نوجوان بودم پنج درهم مزد می گرفتم و آن را خرج دایی خود می کردم. (۱)

خیانت

و هَبْ لِي مَكْرًا عَلَيَّ مَنْ كَايَدَنِي، وَقُدْرَةً عَلَيَّ مَنِ اضْطَهَدَنِي.... وَ سَدُّنِي لِأَنَّ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّيَنِي بِالتُّصْحِ (۲)

خدایا عطا کن بر من حیله ای در مقابل حیله کنندگان و نیرویی بر کسی که در تنگنایم گذارد و پا برجایم کن تا پاسخ دهم خیانت کسی را که به من خیانت کرده به خیرخواهی

با مطالعه در زندگانی انسان های مکار و خائن بهترین درس عبرت را خواهیم گرفت افرادی بودند و هستند که در کلاه برداری و خیانت به خلق مرکب سواری شیطانند ولی عاقبت شوم و نکبت بار داشته و خواهند داشت. چون سنت الهی است که مکاران و خائنین را در همین دنیا قبل از قیامت سزا دهد.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

مَنْ مَكَرَ النَّاسَ رَدَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَكْرَهُ فِي عُنُقِهِ (۳)

کسی که مردم را فریب دهد خداوند تبارک و تعالی نیرنگش را بر گردن خود برمیگرداند.

اهل نیرنگ و فریب و خیانت به خلق بدانند اگر از قانون و اجرای آن فرار کردند و بر فرض در دنیا به ظاهر سزای عمل خائنانه خود را ندیدند به طور قطع از حکومت و تقاض خداوند تبارک و تعالی در امان نخواهند بود.

در دعای شریف کمیل از زبان مولایمان علی علیه السلام می خوانیم:

ص: ۴۲۴

۱- بحار ج ۷۴-۷۴

۲- دعای بیستم صحیفه

۳- بحار ج ۷۵ ص ۲۹۶

أَلَلَّ هُمَّ عَظَمَ سُلْطَانُكَ وَعَلَا مَكَانُكَ وَخَفِيَ مَكْرُكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ وَعَلَمَبَ قَهْرُكَ وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

خدایا بزرگ است سلطنت تو و مقاومت بس بلند و مکر و تدبیرت در امور پنهان و فرمانت در جهان هویداست و صورت و قهرت بر همه غالب است قدرتت در همه عالم نافذ است و کسی قادر نیست از قلمرو حکومتت فرار کند.

چه بهتر که منش و روش امام سجاد علیه السلام را در پیش گیریم و از خدا بخواهیم که توفیقمان دهد از راه مسالمت و نرمش و نصیحت افراد خائن را وارد کنیم دست از کار زشت خود بردارند و غش و مکرشان تبدیل به خیرخواهی و خبررسانی به خلق خدا شود.

وقتی برایشان کلام امام صادق علیه السلام بیان شود که :

إِنْ كَانَ الْعَرَضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَقًّا فَالْمَكْرُ لِمَاذَا (۱)

اگر عرضه شدن به محضر پرورداگر در روز قیامت حق است پس چه جای مکر و نیرنگ است.

به اهل غش و نیرنگ باید بعضی آیات شریفه قرآن را ارایه کرد تا انشاء الله به خود آیند و از کار خلاف خود دست بردارند.

وَنَصْعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (۲)

ترازوی عدل را در روز قیامت می نهیم به احدی هیچ گونه ستمی نخواهد شد و اگر هم وزن دانه خردل چیزی باشد می آوریمش این بس که ما حسابگر هستیم.

خواهی و اگر به خیانت و مکاری خود ادامه دادند چه باید کرد پاسخ را خداوند تبارک و تعالی چنین داده است:

ص: ۴۲۵

۱- بحار ج ۷۵ ص ۲۹۶

۲- انبیا ۴۷

وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ (۱)

نیرنگ ها و خیانت ها فقط گریبان صاحبانش را می گیرد

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ (۲)

آیا آنانی که نیرنگ های زشت خود را به انجام می رسانند در امان هستند در حالی که ممکن است خداوند آنها را در زمین فرو برد یا عذاب را از آنجایی که احساس نمی کنند به آنها برساند و یا در هنگامی که مشغول رفت و آمد هستند گریبانشان را بگیرد که کاری از دست آنها بر نیاید.

خیر و نیکی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَهِّنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْغَفْلَةِ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهَلَّةِ، وَانْهَجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۳)

الها بر محمد و ال او درود فرست و به ذکر خودت در اوقات غفلت و بی خبری آگاهم کن و به فرمانبرداری از خودت در روزهای مهلت و دوران عمر وادارم کن و باز کن برای من به سوی محبت و دوستی ات راه همواری که به وسیله آن برای من خیر دنیا و آخرت را کامل کن.

احسان و نیکی کردن از جمله صفات و رفتاری است که مثل عدل و عدالت همه مردم در هر دین و آیین که باشند آن را دوست می دارند و به شخص محسن و عادل عشق می ورزند.

ص: ۴۲۶

۱- فاطر ۴۳

۲- نحل ۴۵ و ۴۶

۳- دعای بیستم صحیفه

احسان دو نوع است یکی احسان و نیکی به دیگری است و دومی کار نیک انجام دادن است که در این مورد گاه سودش فقط نصیب خود شخص می شود مثل انجام تکالیف واجب و امثال آن.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

الْإِنْسَانُ أَوْلَىٰ بِأَبْنَائِهِ مَا يُحْسِنُونَ (۱)

مردم فرزندان کارهای نیک خویشند یعنی به آنچه می دانند و از اعمال خوب انجام می دهند منسوب و شناخته می شوند.

قبل از هر چیز باید بدانیم که احسان و کار خیر برای فرد نیکوکار مفید و کارساز است.

إِن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ (۲)

اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید.

مرتبه احسان از عدل بالاتر است عدل آنچه را حق طرف است به او داده می شود ولی احسان بیشتر از آنچه استحقاق دارد و حق اوست به او پرداخت میگردد اجرای عدالت واجب است ولی اجرای احسان مستحب.

خداوند برای محسنین و نیکوکاران ارج و احترام خاصی قایل است و با زبان محبت آنان را مخاطب قرار می دهد.

وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۳)

کار نیک کنید زیرا که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ (۴)

به تحقیق رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.

إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (۵)

ص: ۴۲۷

۱- مفردات راغب ص ۱۱۹

۲- اسراء ۷

۳- بقره ۱۹۵

۴- اعراف ۵۶

۵- عنکبوت ۶۹

خداوند با نیکوکاران است. امام سجاده علیه السلام در راز و نیاز خود با خداوند متعال شرط کمال یاد خدا انجام طاعات او طی طریق عشق و محبت خداوندی را در خیر و نیکی در دنیا و آخرت می داند بر همین اساس با الهام از قرآن شریف و کلام خدا در پایان همان دعا عرض می کند.

وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ

بار الها عطا کن به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیز و به رحمت از عذاب دوزخ نگاهم دار.

به راستی که کامل ترین دعای قرآنی همین دعاست که اگر مستجاب شود اکثر موانع کمال و ترقی از سر راه ما برداشته خواهد شد.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱)

از امام صادق علیه السلام سوال شد منظور از رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً تا آخر آیه چیست؟ فرمود رضوان الله و الْجَنَّةِ فِي الْآخِرَةِ وَ السَّيِّئَةِ فِي الرِّزْقِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا (۲) رضوان و بهشت حسنه در آخرت است توسعه روزی و اخلاق نیکو حسنه در دنیا است حسنه در آخرت روشن است اما اخلاق نیکو منحصر نمی شود به خودش برخورد بودن و چهره گشاده داشتن بلکه شامل تمام صفات حمیده و ملکات اخلاقی انسان می شود که دایره بسیار وسیع و همه جانبه دارد.

از جمله موارد اخلاق نیکو خیررسانی به پدر و مادر که قرآن در پنج مورد سفارش می کند که وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا به پدر و مادرتان احسان کنید.

نیکی به اقوام و طبقات فامیل به هر شکل ممکن احسان به همسایه و دوستان دستگیری مستمندان و بینوایان و غیره البته اگر کسی طلب کار نیک باشد فراوان سر راه او قرار دارند فقط باید از خدا بخواهد توفیق انجام آنها را داشته باشد.

ارزش انسان به اندازه احسان و محبتی است که به مردم می کند و خیر و تعاون که نسبت به مردم دارد مومن هر گاه برادر ایمانی خود را غم آلوده دید باید در گره گشایی و رفع

ص: ۴۲۸

۱- بقره ۲۰۱

۲- المیزان ج ۲ ص ۸۶

غم از او سبقت گرفته و بی تفاوت نباشد وقتی که چیزی به دست آورد و از نظر مالی وضعش خوب شد گرسنگان و بی چیزان را از یاد نبرد.

پروردگار بزرگ درباره پیشگامان در کارهای خیر می فرماید

يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱)

به خوبی ها می شتابند اینان شایستگانند.

أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (۲)

آنها در نیکی ها می شتابند و بدان سبقت می گیرند.

انسان به تنهایی نمی تواند چرخ زندگانی را بگرداند مگر به کمک هم نوعان خویش به همین جهت دستورات زیادی داده شده است که مسلمانان در احتیاجات برادران دینی خود کوشا باشند و در گرفتاری های زندگی به آنها کمک برسانند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

كَانَ أَبِي يَقُولُ إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدِثُ (۳)

پدرم امام باقر علیه السلام می فرمود هرگاه برای انجام کار خیری همت کردی شتاب کن که تو نمی دانی بعدا چه اتفاق خواهد افتاد.

همان بزرگوار فرمود روز خود را با یک کار خیر آغاز کنید به این امید که سبب محافظت شما شود و آن روزی که ابتدا و انتهایش کار خیری انجام دهید امید می رود که انشاء الله خداوند مابین این دو کار خیر شما را مورد عفو و بخشش قرار دهد.

(۴)

ص: ۴۲۹

۱- آل عمران ۱۱۴

۲- مومنون ۶۱

۳- کافی ج ۲ ص ۱۴۴

۴- کافی ج ۲ ص ۱۴۲

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَّرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (۱)

خدایا مرا توفیق ده که تو را در هنگام خوشحالی از روی اخلاق بخوانم مثل کسی که در هنگام اضطراب و درماندگی از روی اخلاص دعا می کند که به تحقیق تو ستوده و با عظمتی.

در بین ائمه طاهرین علیهم السلام بعد از مولایمان علی علیه السلام امام سجاد علیه السلام فرصت مناسبی یافتند که به شکل دعا و نیایش آموزه های اعتقادی و اخلاقی و به طور کلی آنچه مفید به حال بشر است ارائه دهند و لذا بهترین دعاها با مضامین عالیه از امام زین العابدین علیه السلام است و نمونه اش همین کتاب دعای شریف و گرانقدر صحیفه است که پیش رو داریم.

قبل از آنکه به شرح بیان امام سجاد علیه السلام پردازیم لازم است بدانیم که دعا چه نقش بزرگی در رسیدن به اهدافمان دارد و چقدر سبب کامیابی معنوی دنیا و آخرت می شود. سیره پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم السلام و پیش از آنها خداوند تبارک و تعالی تشویق مردم به دعا کردن و انابه به درگاه الهی بوده است زیرا که کاربرد دعا از بسیاری عوامل دیگر برای موفقیت در کارها بیشتر است. بشر خود این نیاز را فطری می داند و در هر مذهب و آیین که باشد از ذکر و ورد و دعا بی نیاز نیست.

اگر انسان بخواهد مورد اعتنای پروردگارش قرار گیرد و حتی به خواسته های مادی و دنیایی خویش برسد باید اهل دعا باشد.

ص: ۴۳۰

قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (۱)

بگو اگر دعایتان نباشد پروردگار من اعتنایی به شما ندارد.

و قال ربکم ادعونی استجب لکم (۲)

و پروردگارتان فرموده مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را

وقتی به قرآن رجوع می کنیم می بینیم پیامبران الهی چگونه در پیشگاه پروردگار دعا می خواندند و در خواست حاجت می کردند.

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳)

در این هنگام زکریا پروردگار خویش را خواند و گفت پروردگار از جانب خود به من فرزند پاکیزه عنایت کن زیرا دعا را می شنوی.

درباره حضرت نوع علیه السلام می فرماید:

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ (۴)

پروردگار خویش را خواند که من مغلوب قوم خود شده ام پس خداوندا انتقام بگیر و مرا یاری کن.

و درباره دعای ابراهیم علیه السلام می فرماید

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (۵)

ص: ۴۳۱

۱- فرقان ۷۷

۲- مومن ۶۰

۳- آل عمران ۳۸

۴- قمر ۱۰

۵- ابراهیم ۳۹ تا ۴۱

ستایش خدای را که در هنگام پیری اسماعیل و اسحاق را به من عطا فرمود که پروردگار من شنونده دعاست خدایا من و فرزندانم را بر پا کننده نماز قرار ده پروردگار دعایم را اجابت فرما پروردگارا در روز برپایی حساب من و پدر و مادرم و مومنین را مشمول بخشش خود قرار ده.

بعد از پیامبران ائمه طاهرين بيشترين مراتب دعا را داشته اند که برای هر کدام از آن بزرگواران می توان يك صحيفه در نظر گرفت.

امام رضا عليه السلام درباره پیامبران می فرمود.

عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ فَقِيلَ: وَمَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: الدُّعَاءُ (۱)

بر شما باد به سلاح پیامبران عرض شد سلاح پیامبران چیست؟ فرمود دعا

امام صادق عليه السلام سفارش می فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْرَبُونَ إِلَيَّ اللَّهُ بِمِثْلِهِ (۲)

بر شما باد به دعا کردن زیرا با هیچ چیز به مانند دعا به خدا نزدیک نمی شوید.

همان بزرگوار فرمود بسیار دعا کن زیرا دعا کلید هر رحمتی است و مایه روا شدن هر حاجتی و آنچه نزد خداست جز با دعا به دست نمی آید هیچ دری نیست که بسیار کوبیده شود مگر آن که به زودی به روی کوبنده باز گردد. (۳)

ائمه طاهرين عليهم السلام سفارش فرمودند برای استجاب دعا پاکی در آمد و کسب رقت قلب در هنگام دعا توبه از گناه رفع دین و ظلم بر افراد ضروری است و از همه مهمتر حکمت خداوند و مصلحت حضرت او در صدر همه مسایل است.

ص: ۴۳۲

۱- کافی ج ۲ ص ۴۶۸

۲- بحار ج ۹۳ ص ۳۰۳

۳- بحار ج ۹۳ ص ۲۹۵

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ هَمَّسَاتِ قُلُوبِنَا، وَحَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا وَ لَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى لَا تَقُوتَنَا حَسَنَهُ نَسْتَحِقُّ بِهَا جِزَاءَكَ، وَ لَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ (۱)

وَ مَا أَجْرِي عَلَيَّ لِسَانِي مِنْ لَفْظِهِ فُحْشٍ (۲)

الها بر محمد و ال او درود فرست و اسرار دل هایمان و حرکات اعضای بدنمان و نگاه های پنهانی دیدگانمان و سخنان زبان هایمان را در چیزهایی قرار ده که موجبات ثواب تو را فراهم می آورد تا هیچ حسنه ای از ما فوت نشود و سزاوار پاداش شایسته تو گردیم و کار بدی که به خاطر آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما باقی نماند. خدایا چنان کن که زبانم از لفظ فحش محفوظ بماند.

یکی از کارهایی که مستوجب عذاب الهی می شود استفاده غلط از زبان و گفتن حرف های زشت و ناسزا است.

خداوند قدرت تکلم را به ما داده تا موجبات ثواب را فراهم آوریم نه آنکه بلای جانمان شود که متاسفانه اغلب گناهان از همین زبان سرچشمه می گیرد دشنام و فحاشی از جمله آفات زبان است که سبب بی حیثیت شدن انسان در دنیا و آخرت می شود.

بد زبانی وحدت و روحیه اخوت را بر هم می زند و بین فامیل و دوستان تفرقه و دشمنی می اندازد در قرآن شریف حتی اجازه داده نشده به دشمنان دشنام و فحش داده شود.

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (۳)

شما مومنان به آنان که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید تا مبادا آنها نیز از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند.

ص: ۴۳۳

۱- دعای نهم صحیفه

۲- دعای بیستم صحیفه

۳- انعام ۱۰۸

دشنام و فحاشی ضررهایی دارد که از جمله آنها عبارت است از نارضایتی خداوند و مبتلا شدن به عذاب الهی ایجاد بلواها و آشوب های خانوادگی و اجتماعی و جدایی و تفرقه خود را در معرض فحش دیگران قرار دادن یعنی وقتی به کسی اهانت کردی در واقع ناموس و مقدسات خود را در معرض ناسزاگویی قرار داده ای افراد فحاش همیشه باید با افراد جاهل و فاسد همنشینی کنند زیرا افراد صالح حاضر به همنشینی با آنها نیستند. ناسزاگو در بین مردم بی ابروست زیرا که هیچ وقت انسان فحاش ارج و قیمتی در انظار دیگران ندارد عادت کردن زبان به گفتن کلمات زشت و خلاف اخلاق به گونه ای که حرف های عادی توام با فحش باشد دیگر آبرویی برای شخص نمی گذارد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تَكَرَّرَ مُجَالِسَتَهُ لِفُحْشِهِ (۱)

بدترین مردم کسانی هستند که مردم به خاطر فحاشی و بدزبانی آنها از همنشینی با آنها کراهت داشته باشند.

همان بزرگوار فرمود خداوند بهشت را بر هر فحاش و بدزبان و بی حیایی که باک ندارد که چه می گوید و چه به او می گویند حرام کرده است. (۲)

از جمله کلام نصیحت آمیز مولایمان علی علیه السلام در حالی که شنید عده ای از یاران معاویه و شامیان در روزهای جنگ صفین فحش می دادند این بود:

إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سِبَائِينَ وَ لَكِنِّكُمْ لَوْ وَصَيْفْتُمْ أَعْمَاءَهُمْ وَ ذَكَرْتُمْ حِيَالَهُمْ كَمَا أَنَّ أَصَوْبَ فِي الْقَوْلِ وَ أْبْلَغَ فِي الْعِذْرِ وَ قَلْتُمْ مَكَانَ سِبِّكُمْ إِيَّاهُمْ: اللَّهُمَّ احْقِرْ دِمَاءَنَا وَ دِمَاءَهُمْ وَ أَضِلِّحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَ بَيْنَهُمْ وَ اهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقَّ مِنْ جِهَلِهِ وَ يَزْعَوِي عَنِ الْعَنَى وَ الْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ (۳)

ص: ۴۳۴

۱- کافی ج ۲ ص ۳۲۳

۲- کافی ج ۲ ص ۳۲۵

۳- نهج البلاغه خطبه ۲۰۵

به درستی که من ناخوش دارم برای شما اینکه فحاش بشوید و لیکن اگر تعریف نمایید عمل های ایشان را و ذکر نمایید حال های ایشان را در گفتار مقرون به صواب باشد و در مقام عذرخواهی مقرون به کمال باشد و اگر به جای فحش دادن بگویید بار پروردگارا نگه بدار خون های ما و خون های ایشان را از ریخته شدن و عداوت و دشمنی میان ما و ایشان را اصلاح فرما و هدایت کن ایشان را از گمراهی خودشان تا اینکه بشناسد حق را کسی که جاهل بوده است به آن و برگردد از گمراهی و تعدی کسی که حریص باشد به آن هر اینه این بهتر خواهد بود.

در اینجا جای این بحث هست که طبق بیان قرآن بعضی که قابل هدایت نیستند و خدا و رسول و مومنین را ازار می دهند لعنت کرد ولی فحاشی شان مومن نیست و برای اظهار نفرت نسبت به مخالفین نباید فحش داد و یا حرف های زشت و ناسزا گفت.

اول لعن کننده مستحقین لعن خداست إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ (۱) خداوند کافران را لعن می کند.

وَلَكِنْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ (۲) ولی خداوند ایشان را بخاطر کفرشان لعنت می کند.

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعْنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۳)

خداوند کسانی که خدا و رسول او را اذیت کنند در دنیا و آخرت لعنت می کند.

نتیجه آنکه آنهایی که خدا و پیامبر او و خاندان و فرزندان پیامبر که پاره تن او بودند اذیت کردند و با دست و زبانشان بهر نحو ممکن به آنان آزار رساندند. مشمول آیه فوق می شوند و باید آنها را لعنت کرد ولی حق ناسزا گفتن و فحاشی نداریم. باز تکرار می کنم از باب اهمیت موضوع که مبادا در مجالس و محافل چه خصوصی و چه عمومی حرف های رکیک و دور از ادب و خارج از عفت کلام نسبت به آنها داده شود که سیره قرآن و

ص: ۴۳۵

۱- احزاب ۶۴

۲- نساء ۴۶

۳- احزاب ۵۷

عترت خلاف آن است و ما وقتی آنها را لعنت می کنیم یعنی از رحمت خدا دور باشند. انسانی هم که از رحمت خدا دور شود جایی جز آتش دوزخ ندارد و خدا می داند که با آنها چه کنند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (۱)

اینان همان مردمی هستند که خدا آنها را لعنت کرده و هر که را خداوند لعنت کند هرگز کسی یآوری برای او نخواهد یافت.

پس لعنت و نفرین در حق دشمنان خدا و دین جایز است چنانکه امام سجاد علیه السلام عبارات جالبی را بر علیه دشمنان و کافران به کار برده اند که باید دقت ویژه کرد.

اللَّهُمَّ وَاعْمَمِ بِذَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَالتُّرْكِ وَالْخَزَرِ وَالْحَبَشِ وَالتُّوبَةِ وَالزُّنْجِ وَالسَّقَالِبِ وَالدِّيَالِمَةِ وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرُكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ وَصِفَاتُهُمْ، وَقَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ. (۲)

خدایا درخواست مرا درباره دشمنان در هر کجای جهان هستند به اجرا در آور در هند و روم و ترکستان و خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و سقالبه و دیالمه و سایر ملت های مشرک آنهایی که نام و نشانشان مخفی است ولی تو از آنها با خبری و به قدرت خویش بر آنها احاطه داری.

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ، وَخُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنْ تَنْقِصِهِمْ، وَتَبْطِطْهُمْ بِالْفَرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ أَحْلِلْ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ، وَأَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ، وَأَذْهِلْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْإِحْتِيَالِ (۳)

ص: ۴۳۶

۱- نساء ۵۲

۲- دعای بیست و هفتم صحیفه

۳- دعای بیست و هفتم صحیفه

الها مشرکین را به مشرکین مشغول کن تا دست درازی به مرزهای مسلمانان نکنند و به ایجاد نقص در آنها از وارد کردن نقص بر مسلمین بر حذرشان دار و تفرقه بین آنها بینداز تا هماهنگی علیه مردم مسلمان نداشته باشند.

خدایا دل هایشان از امنیت خالی و بدن هایشان از قوت تهی فرما و افکارشان را از چاره جویی مضطرب کن.

دنیا

اللَّهُمَّ إِنِّي أَضْبِحُ وَأُصْبِحُ وَأُؤْمِرُ بِمُسْتَقِيلًا لِعَمَلِي، مُعْتَرِفًا بِعَدْوِي، يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنِ نَفْسُهُ لَهَايَهُ لَطُولِ أَمَلِهِ..... وَاسْتَطَمَكْتُ مِنْهُ الدُّنْيَا..... إِلَهِي أَسْأَلُكَ ... أَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ (۱)

پروردگارا صبح و شام می کنم در حالی که اعمالم کم است به گناهم اعتراف دارم... ای مولای من از تو مسئلت می جویم مسئلت کسی که به خاطر آرزوهای طولانی بی بهره مانده... و دنیا او را اسیر خود ساخته.... خدایا از تو می خواهم که.... به وسیله ترس از خودت نفس را از دوستی دنیا بر حذر نمایی.

دنیا و نعمت های آن نباید هدف نهایی انسان باشد بلکه از فرصت زندگی در دنیا و استفاده از نعمت های آن برای رشد و تعالی خود و آباد کردن جهان آخرت که جاوید و همیشگی است اقدام نمود.

پس نگاه به دنیا از دو دیدگاه است یکی دنیا طلبی و دنیا داری محض و دیگری دنیایی که مزرعه آخرت است.

این دیدگاه دوم سبب می شود که هم دنیای خوبی داشته باشد و هم در آخرت مشمول رحمت واسعه الهیه قرار گیرد. چنین دنیایی هر ثانیه اش ارزش هزاران سال آخرت را دارد.

ص: ۴۳۷

امام باقر علیه السلام می فرمود:

نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ (۱)

دنیا یاور خوبی برای آخرت است

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

بِالدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ (۲)

واقع مسئله آن است که ما برای دنیا خلق نشده ایم به دنیا آمده ایم تا از گذرگاه و پل آن بگذریم و به جهان باقی و جاوید رویم به همین دلیل انسان هایی که طولانی ترین عمرها را داشتند مردند و به عالم دیگر شتافتند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

فَإِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ خُلِقْتُمْ لِالْآخِرَةِ (۳)

دنیا برای شما آفریده شده است و شما برای آخرت خلق شده اید.

معصومین صلی الله علیه و آله وسلم به طور کلی دنیا و زندگی در آن را به دو دسته تقسیم کرده اند دنیای لعنتی و زشت و دنیای شایسته و ارزشمند.

امام سجاد علیه السلام می فرمود:

الدُّنْيَا دُنْيَاؤَانِ : دُنْيَا بِلَاغٍ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٌ (۴)

دنیا دو گونه است دنیای کفاف و شایسته و دنیای ملعونه

پر واضح است دنیای بلاغ دنیایی است که در جهت رشد و کمال اخلاقی و علمی انسان بگذرد و دنیای ملعونه دنیایی است باغفلت از خدا و دین خدا و جمع ثروت و گناه تمام گردد.

مهم آن است که دل به دنیا ندهیم و اسیر زرق و برق آن نشویم اما داشتن کسب و کاسبی مناسب و درآمدهای حلال برای رفاه زندگی هیچ منع شرعی ندارد.

ص: ۴۳۸

۱- بحار ج ۷۳ ص ۱۰۷

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۵۶

٣- تنبيه الخواطر ج ١ ص ١٣١

٤- كافي ج ٢ ص ٣١٧

امام صادق علیه السلام در زیارت وداع با امام حسین علیه السلام چنین می گوید خدایا نه چندان دنیا را بر من زیاد کن که با سرگرم شدن به زیبایی های شگفت آور و فریفته شدن به درخشندگی زیورهای آن از یاد تو باز مانم و نه چندان در تنگنایم قرار ده که رنج آن به کار من برای آخرت لطمه بزند و هم و غم آن سینه ام را پر کند. از دنیا آن اندازه به من ده که از بندگان بدت بی نیاز بمانم و به سبب آن به خشنودی تو دست یابم. (۱)

پس به قدرت ضرورت بهره مند شدن از مواهب دنیا لازم است برخلاف طرز تفکر بعضی افراط گران که تمام غرایز خویش را سرکوب می کنند و تارک دنیا می گردند و به بدن و جان خود و اطرافیان خویش ضرر می زنند. بعضی از افراد گاهی که به خواسته های خویش نمی رسند و یا حوادث ناگواری برایشان اتفاق می افتد به دنیا نفرین می کنند و حرف هایی می زنند که حکایت از شکایت دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

لَا تَسُبُّوا الدُّنْيَا فَنِعَمَتْ مَطِيئَةُ الْمُؤْمِنِ فَعَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ وَبِهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ إِنَّهُ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا قَالَتِ الدُّنْيَا: لَعَنَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِرَبِّهِ (۲)

به دنیا ناسزا مگویید که آن نیکو مرکبی برای مومن است زیرا به وسیله آن به خیر و خوبی می رسد و از شر و بدی می رهد هر گاه بنده بگوید لعنت خدا بر دنیا دنیا گوید لعنت خدا بر نافرمانترین ما نسبت به پروردگارش

اگر کسی بگوید پس روایتی که نقل کردید دنیای بلاغ و دنیای ملعونه چیست؟ عرض می کنیم دنیا ملعون نمی شود انسان نافرمان الهی که درست از دنیا استفاده نمی کند ملعون است.

ص: ۴۳۹

۱- بحار ج ۱۰۱ ص ۷۳

۲- بحار ج ۷۳ ص ۱۲۱

وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ... أَلَيْنُ حَيَاتِي لَهُمْ تَوَاضَعًا، وَ أَرْقُ عَلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً، وَ أَسْتُرْ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مِرْوَدَةً، وَ أَحِبُّ بَقَاءَ النِّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُضْحًا (۱)

خدایا آنچه‌ایم کن که با دوستانم برخوردی متواضعانه و ملایم داشته باشم و با مهربانی و رقت قلب مصیبت زدگانشان را سر سلامتی بدهم و در پشت سرشان دوستی خود را ابراز نموده و از روی صفای باطن بقای نعمت را برایشان دوست بدارم.

حب در مقابل بغض است دوستی از ارادت باطنی سرچشمه می‌گیرد حب چیزی نیست که بتوان به دروغ ابراز کرد ممکن است در مقام تقیه و حفظ جان به فرد و یا افرادی اظهار نفرت شود ولی کسی که واقعا به کسی علاقه مند باشد نمی‌توان در دلش را بست و از او خواسته شود که باید در دل نیز او را دوست نداشته باشی چنین چیزی محال است.

مهم آن است دوستی‌ها براساس اعتقادات دینی باشد و مرزهای آن و اندازه‌هایش تعیین گردد به عنوان مثال عشق و محبت به پروردگار نسبت به غیر او حتی انبیاء و ائمه طاهرین علیهم السلام باید مقدم و بیشتر باشد و محبت غیر خدا همگی به خاطر خدا باشد که در غیر اینصورت به خطا رفته ایم و باید منتظر عذاب و کیفر باشیم.

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۲)

ص: ۴۴۰

۱- دعای بیست و ششم صحیفه

۲- توبه ۲۴

بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و ثروت هایی که پس انداز کرده اید و تجارتي که از کساد آن نگرانید و خانه هایی که به آن دل بسته اید بیش از خدا و رسول او و جهاد در راه خدا مورد علاقه شماست منتظر فرمان خدا باشید که خداوند مردم فاسق را هدایت نمی کند. پس دوستی خدا مقدم بر همه دوستی است و هر که حتی زن و فرزندان نباید علاقه به آنها پیش از علاقه به خدا و رسول و تلاش در راه خدا باشد.

چون در آیه اشاره به محبت نسبت به خانواده شده باید عرض کنم اسلام همان اندازه که در مورد احسان و محبت نسبت به زن و فرزند سفارش کرده از افراط و زیاده روی هم منع نموده است.

لازمه زیاده روی در دوستی و محبت به خانواده از دست دادن محبت خدا و رسول و جهاد در راه خداست و در همین جاست که بزرگترین ضربه روحی و روانی به آنها وارد می شود زیرا نازپرورده و زود رنج پرورش می یابند و با کوچکترین ناملایمات آزرده خاطر و ناراحت می شوند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱)

ای اهل ایمان ثروت هایتان و فرزندانان باعث نشود که از یاد خدا باز مانید و کسانی که چنین کنند از گروه زیانکارانند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به ابن مسعود فرمود:

لَا تَحْمِلَنَّ الشَّفَقَةَ عَلَىٰ أَهْلِكَ وَوَلَدِكَ عَلَى الدُّخُولِ فِي الْمَعَاصِي وَالْحَرَامِ (۲) مبادا به خاطر محبت نسبت به زن و فرزند وادار به گناه و افتادن در حرام شوی.

ص: ۴۴۱

۱- مناققون ۹

۲- بحار ج ۱۷ ص ۳۲

چه تعداد از خانواده ها ر می شناسیم که بزرگ خانواده برای خوشنودی زن و یا فرزندان خود اسباب و وسایل گناه را تهیه می کند بدون آنکه رضای پروردگار متعال را در نظر داشته باشد بی شک چنین انسانی مغضوب خدا و رهبران دین است.

چنانکه امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

شَرُّ الْآبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبِرَّ إِلَى الْإِفْرَاطِ (۱)

بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان از حد تجاوز کنند و به زیاده روی و افراط بگرایند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (۲)

مومنین واقعی سخت و شدید خدا را دوست دارند.

کسی که خدا دوست حقیقی او باشد کاری که برخلاف رضای او باشد انجام نمی دهد و همیشه کارهایش را براساس رضای پروردگار و محبوب اصلیش تنظیم می کند.

خدا دوست چون شیرینی محبت الهی را چشیده از حب ذات و حب مال و حب جاه و مقام و حب زن و فرزند و هر آنچه غیر خداست قلب خویشتن را تخلیه کرده و به مرتبه قلب سلیم رسیده است. چون می داند که روز قیامت هیچ کدام اینها برایش سودی ندارند.

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۳)

روزی که ثروت و فرزندان سودی نمی بخشد جز آن که با قلب سلیم به محضر پروردگار حاضر می شود.

از امام صادق علیه السلام سوال شد قلب سلیم در آیه به چه معنی است؟

الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ (۴)

ص: ۴۴۲

۱- تاریخ یعقوبی ج ۳ ص ۵۳

۲- بقره ۱۶۵

۳- شعرا ۸۱ و ۸۹

۴- کافی ج ۲ ص ۱۶

قلب سلیم قلبی است که خدای خویش را ملاقات میکند در حالی که فقط خدا در او جای دارد.

در هنگام عبادت نباید انگیزه ای جز اظهار محبت و ارادت به خداوند تبارک و تعالی وجود داشته باشد و اگر ترس از آتش و شوق بهشت هم باشد عبادت تاجرانه و داد و ستد است.

باز امام صادق علیه السلام می فرمود:

وَ لَكِنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ عَزَّوَجَلَّ وَ هِيَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ (۱)

اما من خداوند بزرگ را چون دوستش دارم عبادت می کنم و این نوع عبادت ویژه آزادگان است.

این دعا منسوب به مولایمان علی علیه السلام است که قابل دقت برای اهل ذوق و آنهایی که می خواهند فقط به خدا عشق بورزند.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ ظَاهِرِي بِطَاعَتِكَ وَ بَاطِنِي بِمَحَبَّتِكَ وَ قَلْبِي بِمَعْرِفَتِكَ وَ رَوْحِي بِمُشَاهَدَتِكَ وَ سِرِّي بِاسْتِقْلَالِ إِتِّصَالِ حَضْرَتِكَ يَا ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ

پروردگارا ظاهر مرا به انجام طاعات خودت نورانی باطنم را با محبت و عشق خودت درخشان قلبم را با شناخت و معرفت خودت منور روحم را به رسیدن به مرحله کشف و شهود روشن و ضمیر وجودم را به اتصال به خودت نورانی فرما ای صاحب عظمت و کرامت.

دین و دینداری

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَ قَطَعَ فِي إِحْيَاءِ دِينِكَ رَحْمَةً. وَ أَقْصَى الْأَذْنِينَ عَلَى جُحُودِهِمْ (۲)

ص: ۴۴۳

۱- سرالصلوه ص ۱۱۹

۲- دعای دوم صحیفه

حمد خدای را که به وجود مبارک پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بر ما منت گذاشت در حالی که امت های پیشین و مردم قبل از ما از بهره مند شدن از آن بزرگوار محروم بودند... تا آنجا که جهت زنده کردن دین تو با ارحام خویش قطع کرده و اقوام خود را به خاطر تو دور گردانید.

دین به معنای طاعت و پاداش است وقتی به طور عام نامی از دین برده می شود یعنی طاعت و انقیاد و پذیرش شریعت مقدس و گاهی هم مثل مالک یوم الدین در سوره مبارکه حمد به معنای پاداش و جزاست. دین و دینداری به همان معنای نخست نزد خداوند تبارک و تعالی یعنی تسلیم فرمان های الهی بودن و چون و چرا نکردن است و این شامل تمام ادیان آسمانی می شود.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (۱)

دین نزد خدا اسلام و تسلیم است

به همین دلیل در آیه ای دیگر می فرماید

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ (۲)

و چه کسی از جهت دینداری بهتر از کسی است که به جان تسلیم خدا شده و نیکوکار است.

یکی از وظایف ما آشنایی به پایه ها و فرامین دین است و بعد به اجرا در آوردن و پایبندی به آنهاست. این چیزی است که باید ضمن دعاهایمان از خدا بخواهیم چون اگر او توفیق بینش دینی و فراگرفتن احکام و اصول دین را به ما بدهد استوار خواهد ماند و با گذشت زمان و تحولات زندگی از کف نمی رود.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

إِذَا اسْتَخْلَصَ اللَّهُ عَبْدًا أَلْهَمَهُ الدِّيَانَةَ (۳)

هرگاه خداوند بنده ای را برگزیند دینداری را در دل او اندازد.

ص: ۴۴۴

۱- ال عمران ۱۹

۲- نساء ۱۲۵

۳- غررالحکم ۴۰۷۲

همان بزرگوار فرمود:

مَنْ دَقَّ فِي الدِّينِ نَظْرَهُ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَظْرُهُ (۱)

هر که در دین و دینداری دقیق باشد در روز قیامت مقام بلندی خواهد داشت.

بسیاری از مردم دوست دارند خود را آزمایش کنند که در چه مرتبه ای از دینداری هستند و بدانند اصولاً آدم متدین و دیندار به چه کسی گفته می شود. در روایات مصادیق دینداری متنوع نقل شده و اصل دین در قالب های گوناگون بیان گردیده که در اینجا به دو روایت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمومنین علیه السلام اکتفا می کنیم دوستم جبرئیل گفت مثل این دین مثل درخت استواری است که ریشه اش ایمان است و رگ هایش نماز و ابش زکات و شاخه هایش روزه و برگ هایش خوش خویی و میوه اش خویشستنداری از کارهای حرام. کمال هر درختی به میوه آن است ایمان نیز چنین است جز با خویشستنداری از محرمات کامل نمی گردد. (۲)

ریشه کارها در دین تکیه کردن به نمازها و دوری نمودن از گناهان کبیره است از این امور لحظه ای بی نیاز نیستی پس از آن ها غفلت مکن که محرومیت از اینها مایه هلاکت است و اگر پیشتر رفتی و به فقه و دین فهمی و عبادت پرداختی کمال بهره مندی تو است. (۳)

راه دیگر امتحان خود در دینداری درصد محافظت ما از دین ماست هر چه بیشتر برای درک دین سرمایه گذاری و برای حفظ آن فداکاری کنیم مشخص می شود که چه اندازه از دین بهره برده ایم.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

إِنْ عَرَضَ لِمَكَ بَلَاءٌ فَأَجْعَلْ مَالَكَ دُونَ دِمِّكَ فَإِنَّ تَجَاوَزَكَ الْبَلَاءُ فَأَجْعَلْ مَالَكَ وَ دَمَكَ دُونَ دِينِكَ فَإِنَّ الْمَسْلُوبَ مِنْ سَيْلِبِ دِينِهِ وَ الْمَخْرُوبَ مِنْ خَرَبِ دِينِهِ (۴)

ص: ۴۴۵

۱- غرر الحکم ۸۸۰۷

۲- بحار ج ۷۱ ص ۳۸۸

۳- بحار ج ۷۸ ص ۷

۴- کنز العمال ۱- ۴۳۶

اگر بلایی برایت پیش آمد مالت را فدای جانت کن و اگر بلا از تو گذشت مال و جانت را فدای دینت کن زیرا غارت شده کسی است که دینش به غارت رفته باشد و خانه خراب کسی است که دینش ویران گشته باشد.

سیره بعضی از اصحاب و یاران اهل بیت علیهم السلام بر این بود که گاهی برای آنکه بفهمند بیراهه نمی روند دین خود را به امام زمان خود عرضه می دادند و صحیح بودن راه خود و یا خلاف بودنش را متوجه می شدند.

از جمله ایشان عبارتند از ابوبصیر، ابراهیم مخارق، عمرو بن حریث، یوسف، حسن بن زیاد عطار شاگردان امام صادق علیه السلام ابوجارود شاگرد امام باقر علیه السلام و عبدالعظیم حسنی شاگرد امام هادی علیه السلام.

و ما به نقل دو نفر از آن جمع اکتفا می کنیم:

عمرو بن حریث می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم قربانت کردم آیا اجازه می دهید دین خود را که به وسیله آن خدا را می پرستم برایتان باز گویم؟ فرمود بگو عرض کردم من خدا را اینگونه پرستش می کنم که گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست و محمد بنده و فرستاده اوست و قیامت بدون شک آمدنی است و خداوند مردگان را از گورهایشان برمی انگیزد و گواهی می دهم که بر پا داشتن نماز پرداخت زکات روزه ماه رمضان و زیارت خانه خدا برای کسی که استطاعت داشته باشد واجب است بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ولایت و امامت از آن علی بن ابیطالب است و سپس از حسن و حسین و علی بن حسین و بعد از او از آن محمد بن علی است و شما امامان من هستید بر این عقیده زندگی می کنم و بر این میمیرم و بر این ایمین خدا را می پرستم. حضرت فرمود ای عمرو به خدا سوگند که این همان دین من و دین پدران من است که با آن خدا را در رنهای و آشکار پرستش می کنیم و به آن پایبندیم. (۱)

ص: ۴۴۶

ابوجارود به امام باقر علیه السلام عرض کرد: مرا از دینی که خود و خانواده ات به وسیله آن خدا را دینداری و عبادت می کنی آگاه ساز تا من نیز به وسیله همان خدا را دینداری کنم حضرت فرمود سوالی کوتاه اما بسیار مهم کردی به خدا سوگند دین خود و دین پدران خود را که با آن خدای عزوجل را طاعت و عبادت می کنیم به تو می گویم گواهی دادن به یگانگی خداوند و پیامبری محمد صلی الله علیه و آله وسلم و اقرار به آنچه او از جانب پروردگار آورده است و دوستی با دوست ما و بیزاری از دشمنان ما و گردن نهادن به فرمان ما و انتظارم قائم ما و کوشش و پرهیزگاری (۱)

برگردیم به آن بخش از دعای امام سجاده علیه السلام که در ابتدای بحث آمد و آن سپاس امام علیه السلام از خداوند تبارک و تعالی که به وجود مبارک پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بر ما منت گذاشت در حالی که امت های پیشین و مردم قبل از ما از بهره مند شدن از آن بزرگوار محروم بودند.

در بین اعترافات که دانشمندان بزرگ دنیا درباره عظمت دین محمد صلی الله علیه و آله وسلم و جامعیت علمی قرآن و عترت پیامبر نقل شده به این اعتراف دقت کنید چگونه یک حدیث انیشتن را شگفت زده کرد؟

آلبرت انیشتن فیزیکدان بزرگ معاصر در آخرین رساله علمی خود با عنوان دی ار کلارونگک به معنای بیانیه که در سال ۱۹۵۴ در امریکا و به زبان آلمانی نوشت اسلام را بر تمامی ادیان جهان ترجیح داده و آن را کامل ترین و معقول ترین دین دانسته است.

این رساله در حقیقت همان نامه نگاری محرمانه انیشتن با مرحوم آیت الله العظمی بروجردی است انیشتن در این رساله نظریه نسبیت خود را با آیاتی از قرآن کریم و احادیثی از کتاب های شریف نهج البلاغه و بحار الانوار تطبیق داده و نوشته است که هیچ جا و در هیچ مذهبی چنین احادیثی پرمغزی یافت نمی شود و تنها این مذهب شبعه است.

ص: ۴۴۷

که احادیث پیشوایان آن نظریه ی پیچیده نسبت را ارایه داده ولی اکثر دانشمندان آن را نفهمیده اند.

یکی از این حدیث ها حدیثی است که علامه مجلسی در مورد معراج جسمانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که هنگام برخاستن از زمین لباس یا پای مبارک پیامبر به ظرف آبی می خورد و آن ظرف واژگون می شود اما پس از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از معراج جسمانی باز می گردند مشاهده می کنند که پس از گذشت این همه زمان هنوز آب آن ظرف در حال ریختن روی زمین است انیشتن این حدیث را گرانبهاترین بیانات علمی پیشوایان شیعه در زمینه نسبت زمان دانسته و شرح فیزیکی مفصلی بر آن می نویسد.

انیشتن همچنین در این رساله معاد جسمانی را از راه فیزیکی اثبات می کند او فرمول ریاضی معاد جسمانی را عکس فرمول معروف نسبت ماده و انرژی می داند

یعنی اگر حتی بدن ما تبدیل به انرژی شده دوباره می تواند عینا تبدیل به ماده و زنده شود.

انیشتن در این کتاب همواره از آیت الله بروجردی با احترام و به لفظ بروجردی بزرگ یاد کرده از شادروان پروفیسور حسابی نیز بارها با لفظ حسابی عزیز یاد کرده است.

اصل نسخه این رساله اکنون به لحاظ مسایل امنیتی به صندوق امانات سری لندن (بخش امانات پروفیسور ابراهیم مهدوی) سپرده شده و نگهداری می شود این رساله را پروفیسور ابراهیم مهدوی (مقیم لندن) با کمک یکی از اعضای شرکت اتومبیل سازی بنز به بهای سه میلیون دلار از یک عتیقه فروش یهودی خریداری کرد.

دست خط انیشتن در تمامی صفحات این کتابچه توسط خط شناسی رایانه ای چک شده و تایید گشته است. (۱)

ص: ۴۴۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ، وَاشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و دلم را خالص برای محبت خودت قرار ده و آن را به یادت مشغول کن.

همان بزرگوار در جای دیگر در باب ذکر عرضه می دارد

أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَعْنَةٍ بَدَّلْتَهُ بِذِكْرِكَ وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَدَّلْتَهُ بِذِكْرِكَ وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَدَّلْتَهُ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ وَ مَا أَحَلَّى الْمَسِيرِ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ (۲)

خدایا از هر لذتی جز لذت ذکر تو و از هر آسایشی جز انس با تو آمرزش می طلبم الهی چه لذت بخش است گذر نام و یاد تو بر دل ها و چه شیرین است با الهام سیر به سوی تو و راه یافتن به غیب ها

و در مناجات الذاکرین عرضه می دارد:

وَ مِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَزَيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ أَلَسْتِنَا، إِلَهِي فَالْهَمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَ الْمَلَاءِ، وَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ (۳)

خدایا از بزرگترین نعمت ها که نصیب ما شده است بیان ذکر تو بر زبان ماست....

پروردگارا پس یاد خودت را در خلوت و در اجتماع در شب و روز در دل ما انداز.

ذکر گاهی قط بر زبان است و گاه دل و زبان متوجه مذکور است که قطعاً دومی درست است ذکری که فقط بر زبان جاری باشد آن هم به صورت عادت بدون توجه به خداوند تبارک و تعالی اثری برایش نخواهد بود ولی بر عکس ذکری که همراه با حضور قلب است.

ص: ۴۴۹

۱- دعای بیست و یکم صحیفه

۲- بحار ج ۹۴ ص ۱۵۱

۳- مفاتیح الجنان محدث قمی

باعث می شود چشم کنترل شود به هر چیزی نگاه نکند گوش هر صدایی را نشنود و هر چیزی داخل در دل نگردد دست را بر هر چیزی دراز نکند پا و قدم ها را در هر مکانی نگذارد.

اهل ذکر چنان دل را جلا و صفا بخشیده اند که در آینه دل خویش جز خدا را نمی بینند و به خود می گویند

أَلَمْ يَعْلَمِ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱)

آیا نمی دانی که خداوند تو را می بیند.

ثمره یاد خدا و بیان ذکر او جلب رضایت پروردگار و برخلاف فرمانش عمل نکردن است.

پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب***تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم.

نتیجه ذکر خدا حراست از ایمان و اخلاقیات و آنچه را که مورد پسند خداوند است خواهد بود در این موقع است که از شیطان هم کاری برنخواهد آمد. چون بنده بدون هیچ شائبه به مواظبت از دارایی های معنوی خویش پرداخته و به یاد و ذکر خدا هم مشغول است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره کاربرد و اثر گذاری ذکر خدا می فرمود:

لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ لَا أَنْجَى لِعَبْدٍ مِنْ كُلِّ سَيِّئَةٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ (۲)

هیچ عملی نزد خدای تعالی محبوب تر و هیچ عاملی در نجات بنده از هر گناهی در دنیا و آخرت موثرتر از ذکر خدا نیست.

بعضی از ما گاهی به قول معروف حال خوشی پیدا می کنیم به مناجات و ذکر حق تعالی مشغول می شویم و بعد به سرعت حال خوش را از دست می دهیم مهم آن است که مداومت در ذکر داشته باشیم گرچه عمل عبادی و ذکر ما مختصر باشد و چه بهتر در همان

ص: ۴۵۰

۱- علق ۱۴

۲- کنز العمال ۳۹۳۱

موقع که ارتباط صمیمانه با خدای خویش برقرار کرده ایم دوام آن حال را از پروردگار مهربان طلب کنیم.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

الْمُؤْمِنُ دَائِمٌ الذِّكْرُ كَثِيرُ الْفِكْرِ مُدَاوِمُهُ الذِّكْرِ خُلَصَانِ الْأَوْلِيَاءِ (۱)

مومن پیوسته به یاد خداست و بسیار اندیشه می کند مداومت بر ذکر خدا مورد علاقه شدید اولیاء خداست.

در مواقعی انسان فکر می کند اگر ذکر خدا بگویم شاید بی ادبی به ساحت مقدس الهی باشد در حالی که در هر کجا باشیم یاد و ذکر او عبادت است.

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد پروردگارا گاه من در حالی هستم که شان تو را بالاتر از آن می دانم که یادت کنم خداوند فرمود

يَا مُوسَى أَذْكُرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ (۲)

ای موسی مرا در همه حال یاد کن.

بعضی دنبال اسماء و اذکار معرب الهی هستند و به عبارتی اسم اعظم الهی گمشده ایشان است عرض می کنم به دل خود مراجعه کن و بین کدام اسم و نام از اسماء الهی دلت را تسخیر کرده و به آن عشق می ورزی همان را اعظم بدان و شب و روزت را به آن نام شریف سر کن که هر چه بخواهی اگر مصلحت تو باشد به دست خواهی آورد.

ص: ۴۵۱

۱- هر دو غررالحکم ۱۹۳۳ و ۹۷۵۷

۲- بحار ج ۸۰ ص ۱۷۶

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ... وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفِهِ، وَ سَتْرِ الْعَائِبِهِ (۱)

پروردگارا لباس زینت پرهیزکاران را بر من بپوشان و به عدالت گستری و فرو بردن خشم و آشکار ساختن خوبی ها و رازداری و پوشاندن بدی ها موفقم بدار.

امام رضا علیه السلام سفارش می فرمود:

فَالسُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ كِتْمَانُ سِرِّهِ (۲)

روشی که از پروردگار باید آموخت رازداری است.

حالا چه حفظ راز خود باشد و یا راز دیگران چون خداوند تبارک و تعالی هم حفظ سر خود را می نماید

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبِي أَحَدًا إِلَّا مِنْ أَرْضِي مِنْ رَسُولٍ (۳)

خداوندا آگاه به غیب است و کسی بر غیب او آگاه نیست جز پیامبری که مورد رضای او باشد.

اسرار بندگانش را فاش نمی کند و ستار العیوب است مگر آنکه بنده ای خود را بخواهد در اثر گستاخی و جرات در افشا گناه سرش فاش شود.

درباره حفظ راز خود مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ (۴)

هر که راز خود را بپوشاند قدرت انتخاب در دست اوست.

و نیز فرمود:

ص: ۴۵۲

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- بحار ۷۵ ص ۶۸

۳- جن ۲۶-۲۷

۴- نهج البلاغه حکم و مواظ ۱۶۲

سِرُّكَ أَسِيرُكَ فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ (۱)

راز تو در بند توست اگر آن را فاش کنی تو دربندش خواهی شد.

و درباره حفظ راز دیگران بیشتر باید دقت کرد چون گاهی منجر به غیبت و بردن آبروی مومن می شود و گناهی بس خطیر و بزرگ است البته خداوند از کسانی که راز اهل ایمان را فاش می کنند و آبرویشان را می برند انتقام می گیرد و سرشان را فاش می سازد.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

مَنْ بَحَثَ عَنِ أَسْرَارِ غَيْرِهِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَسْرَارَهُ (۲)

هر که رازهای دیگران را جستجو کند خداوند رازهای او را فاش سازد.

و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

مَنْ كَشَفَ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ حَتَّى يَفْضَحَهُ بِهَا فِي بَيْتِهِ (۳)

هر که راز و زشتی برادر مسلمان خود را فاش کند خداوند زشتی او را آشکار سازد تا جایی که او را در درون خانه اش هم رسوا سازد.

بعضی از مردم بی تقوا دنبال شایعه پراکنی و فاش کردن اسرار مردم هستند و یک نوع بیماری خبر پراکنی دارند و از اینکه آبروی کسی را ببرند و یا سر کسی را فاش کنند لذت می برند این نوع افراد مطمئن باشند که خود بی آبرو خواهند شد و عذاب سختی در قیامت برایشان در نظر گرفته خواهد شد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: روز قیامت فردی را می آورند که او را در پیشگاه خدا نگه می دارند و کارنامه اش را به او می دهند اما حسنات و کارهای خوب خود را در آن نمی بیند عرض می کند الهی این کارنامه من نیست زیرا من در آن طاعات خود را نمی بینم به او گفته می شود: پروردگار تو نه خطا می کند و نه فراموش عمل تو به سبب

ص: ۴۵۳

۱- غررالحکم ۵۶۳۰

۲- غررالحکم ۸۷۹۹

۳- الترغیب و الترهیب ج ۳ ص ۲۳۹

غیبت کردن از مردم برباد رفت. سپس مرد دیگری را می آورند و کارنامه اش را به او می دهند در آن اطاعت بسیاری را مشاهده می کند عرض می کند الهی این کارنامه من نیست زیرا من این طاعات را به جا نیاورده ام گفته می شود فلانی از تو غیبت کرد و من حسنات او را به تو دادم (۱)

آری کسانی که از فاش شدن و یا فاش کردن راز دیگران لذت می برند و یا خوشحال می شوند به این بیان مولایمان علی علیه السلام توجه کنند:

لَا تَفْرَحَنَّ بِسَقَطِهِ غَيْرِكَ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يُحْدِثُ بِكَ الزَّمَانُ (۲)

از به زمین خوردن و بی آبرو شدن افراد شاد مشو زیرا تو نمی دانی که زمانه با تو نیز چه خواهد کرد.

بعد از بررسی روایات این نتیجه به دست می آید که بهترین گزینه حفظ زبان و راز داری است و اگر کسی طالب سلوک الی الله باشد و علاقه مند به تهذیب نفس است مطمئن باشد با سکوت و حفظ اسرار چه از نوع سری که بین خود و خدایش دارد و چه از نوع اسرار مردم بی شک به مرادش که سیر الی الله و تطهیر نفس است خواهد رسید.

آن که اسرار حق آموختند***مهر کردند و دهانش دوختند

بر همین اساس اگر دیدید اشخاصی از کرامات خود زیاد تعریف می کنند تحت تاثیر قرار نگیرید که رازدار خوبی نیستند.

در پایان این بحث چون امام زین العابدین علیه السلام از خداوند که ستار العیوب است بخواهیم آنچه از ما می داند آشکار نفرماید و ما را روز قیامت رسوا نسازد.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَهُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعِيدَهَا عَلَى ذَنْبِ اجْتِرَاحِنَا، وَ لَا مَعْصِيَتِهِ اقْتَرَفْنَاهَا. وَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَي رُءُوسِ

ص: ۴۵۴

۱- جامع الاخبار ص ۴۱۲

۲- غررالحکم ۱۰۲۹۰

الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ. إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ (۱)

پس محمد و ال او درود فرست و پایان آنچه دو فرشته نویسنده اعمال برایمان نوشته اند توبه قبول شده ثبت و ضبط فرما اگر پس از آن لغزشی از ما سرزده باشد به حساب نیاوری و باز خواستمان نکنی.

الها روزی که به حساب بندگانت می رسی (ای ستارالعیوب) همان روزی که اخبار بندگانت را آشکار می سازی در مقابل چشمان مردمان اسرارمان را فاش مکن. چرا که توبه آنکه می خواندت رحم میکنی و هر که را فریاد کنان صدایت می زند اجابت می نمایی.

راستگویی و صدق

فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِي فَأَهْلٌ أَنْ لَا يَغْتَرَّ بِكَ الصَّادِقُونَ، وَ لَا يَيْئَسَ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ (۲)

ولی تو ای خدای من سزاواری که راستگویان به رحمت مغرور نشوند و مجرمین از عفت نومید نگردند زیرا که تو آن پروردگار بزرگی هستی که کسی را از فضل خود باز نمی دارد.

راستگویان کیانند؟

یکی از موارد صدق راستگویی است و الا صدق غیر از راستگویی به قلب و رفتار و مجموعه اعتقادات و اخلاقیات مربوط می شود.

وقتی زبان و قلب و رفتار از لغو و باطل تهی شدند طبعاً صداقت مصداق پیدا می کند.

ص: ۴۵۵

۱- دعای یازدهم صحیفه

۲- دعای سی و نهم صحیفه

آنهایی که علاقمند هستند خود را اصلاح کنند و نفس را تزکیه و تهذیب نمایند آیا ممکن است غیر از راه صدق وارد شوند نتیجه بگیرید؟ هرگز چون در این مسیر اگر کسی کوچکترین شائبه نیرنگ و خدعه در کارش باشد توفیق خود سازی نخواهد یافت.

درباره راستگویی که نقطه مقابلش دروغگویی است مگر می شود تا ابد مخفی بماند بالاخره دروغگو روزی رسوا خواهد شد.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

جَاتِبُوا الْكُذْبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ. الصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَنْجَاهٍ وَ كَرَامَةٍ وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَرَفٍ مَهْوَاهٍ وَ مَهَانَةٍ (۱)

از دروغ دوری کنید که آن از ایمان دور است صادق مشرف به نجات و رهایی است و دروغگو بر جای بلندی است که نزدیک به افتادن در گودال هلاکت و ذلت و خواری می باشد.

انسان صادق هیچ وقت امور را برخلاف آنچه هست نشان نمی دهد زیرا اگر کسی تظاهر به تقدس و قداست کند ولی در باطن به آنچه می کند معتقد نباشد اهل صدق نیست.

بعضی از افراد آنقدر در خدعه و نیرنگ پیش رفته اند که می خواهند برای خداوند تبارک و تعالی بازی در آورند و خدعه به کار برند.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۲)

بعضی از مردم می گویند به خدا و روز قیامت ایمان آورده ایم در حالی که ایمان نیاورده اند با خدا و ایمان آورندگان خدعه می کنند و حال آنکه جز خودشان را فریب نمی دهند و نمی فهمند.

ص: ۴۵۶

۱- نهج البلاغه خطبه ۸۵

۲- بقره ۹۸

از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سوال شد راه نجات در فردای قیامت چیست؟

فرمود راه نجات آن است که به خدا نیرنگ و خدعه نزنید که خدا خدعه شما را تلافی خواهد کرد.... عرض شد خدعه زدن به خدا چگونه است؟ فرمود امر الهی را اجرا کند اما برای جلب توجه غیرپروردگار (۱)

گر ز چشم همه خلق بیفتم سهل است*** تو مینداز که مخذول تو را ناصر نیست

مومن صادق دنبال تشویق و ترغیب مردم نیست دنبال آن است که تکلیفش را انجام دهد خواه او را تحسین کنند و یا بد گویند.

رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ (۲)

بعضی از اهل ایمان بزرگ مردانی هستند که به عهد خود با خداوند صادق می مانند و بعضی به شهادت رسیده و بعضی انتظار شهادت می کشند و هیچ گاه تغییر روش نمی دهند تا اینکه خداوند افراد صادق را به صدق ایشان پاداش دهد.

و چه زیباست گاهی صداقت خود را بسنجیم و ببینیم کجای کاریم و چه اندازه همرنگ صادقین هستیم.

قرآن توصیه می فرماید که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۳)

ای اهل ایمان از خدا بترسید و قرین و همسو با راستگویان باشید.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از صادقین سوال شد؟ فرمود:

هُم عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ وَ ذُرِّيَّتُهُمُ الطَّاهِرُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۴)

ص: ۴۵۷

۱- کافی ج ۱ ص ۵۱

۲- احزاب ۲۳ و ۲۴

۳- توبه ۱۱۹

۴- تفسیر صافی ص ۲۴۳

صادقین عبارتند از علی و فاطمه و حسن و حسین و ذریه طاهرین او تا روز قیامت.

همراهی و همسویی با صادقین که وجود نازنین محمد و آل محمد علیهم السلام هستند نیاز به رفتاری صادقانه با خدا و رسول و اهل بیت بزرگوارش دارد. نمی شود کسی نماز نخواند روزه نگیرد حج نرود و جوه واجب خود را نپردازد و ادعا کند که من ارادتمند به خاندان عصمت و طهارت هستم چون هیچ وجه شباهتی با آن پاکیزگان ندارد.

و یا در گفتار و حفظ امانت صداقت نداشته باشد گرچه اهل نماز و روزه و سایر عبادات باشد.

به همین جهت امام صادق علیه السلام می فرمود نماز و روزه اشخاص سبب فریب شما نشود زیرا شخصی که به نماز و روزه عادت کرده اگر بخواهد ترک کند موجب وحشت او می شود و لکن

اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ (۱)

و لکن آنها را آزمایش کنید به صدق گفتار و امانت داری.

پس چه بهتر که راه صدق را برگزینیم که قطعاً ضرر نخواهیم کرد و به نفع ماست که صادق باشیم.

طَاعَهُ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ (۲)

راه خدا طاعت و گفتار نیکوست زمانی که انجام امر محقق گشت آنان که بر انجام آن قیام می کنند اگر هنگام عمل نیت را از هر شائبه ای خالص نمایند و با خدا صادق باشند برای آنها از هر چیز بهتر است.

ص: ۴۵۸

۱- کافی ج ۲ ص ۳۶۰

۲- محمد ۲۱

اللَّهُمَّ وَكَمَا نَصَيْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلَمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ، وَأَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ، وَسَيْلًا نَعْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ، وَسَبَبًا نُجْزَى بِهِ النَّجَاهَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ، وَذَرِيعَةً نُقَدِّمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمَقَامَةِ (۱)

خدایا همان طور که به توسط قرآن برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم نشانه ای برای دلالت بر خودت برپا داشتی به وسیله آل محمد صلی الله علیه و اله وسلم راه های جلب رضایت را آشکار ساختی پس بر محمد و آل او درود فرست و قرآن را برای ما وسیله رسیدن به شریف ترین منزل های کرامت و بزرگواری و نردبانی جهت ترقی به جایگاه سلامت قرار ده و سببی که به توسط آن در عرصه قیامت نجات یافته و وسیله ای که به خاطر آن همراه با نعمت ها در بهشت جاودانه باشیم.

راه مستقیم یعنی الطَّرِيقُ الْمُسْتَسَهِّلُ راه آسان راهی که سریع تر و زودتر ما را به مقصد می رساند.

یکی از دعاهای ما که در سوره حمد و نمازهای واجب روزی ده بار تکرار میکنیم درخواست همین راه سهل و آسان از خداوند تبارک و تعالی است. إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ و این نشان اهمیت موضوع است اگر به عبارات دعای امام سجاد علیه السلام دقت کرده باشید امام علیه السلام همان راه مستقیمی را از خدا طلب می کند که توسط قرآن محمد صلی الله علیه و آله وسلم و جلب رضایت پروردگار به دست می آید.

در این بین امان دارد بسیاری از منحرفین ادعا کنند که راه ما مستقیم است ولی بدون فاصله عرض می کنیم صِرَاطَ التَّائِبِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ خداوندا ما آن راهی را از تو طلب

میکنیم به رهروان خوبت دادی نه آنهایی مغضوب تو بودند و گمراه شدند. *غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ*

مرحوم صدوق در کتاب شریف معانی الاخبار ص ۳۶ ذیل همین آیات شریفه روایتی را از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که منظور کلام خدا از *أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ* راه کسانی که موهبتشان داده ای نه غضب شدگان و گمراهان.

شِيعَةُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ بِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُغْضَبْ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَضَلُّوا

شیعیان علی علیه السلام هستند که نعمت ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام به آنها داده شده و بر آنها غضب نمی شود و گمراه نخواهند گشت.

یکی از چیزهایی که بخشی از جامعه اسلامی را به پیچیدگی و انحراف کشاند خروج از راه مستقیمی بود که خداوند تبارک و تعالی ترسیم فرموده بود و توسط قرآن و پیامبر عظیم الشان اسلام برای مردم تبیین گردیده بود.

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ (۱)

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در خطبه معروف غدیریه اش که شیعه و سنی نقل کرده اند فرمود ای مردم همان طور که خداوند یک سلسله اوامر و نواهی را به من داده همچنین به علی بن ابیطالب اوامر و نواهی داده است.

علی علیه السلام کاملاً به امر و نهی الهی آگاه است بنابراین بشنوید امر او را و تسلیم او شوید و اطاعت کنید وی را تا هدایت گردید از آنچه شما را نهی می کند اجتناب نمائید تا در نتیجه ارشاد شوید و بکوشید بر مراد او عمل کنید و به راه های گوناگون نروید جز راه علی بن ابیطالب علیه السلام.

ص: ۴۶۰

مُعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وُلِدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ
ثُمَّ قَرَأَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱)

ای مردم من صراط و راه مستقیم خدا هستم که در قرآن خداوند شما را امر به پیروی از آن نموده و بعد از من علی و سپس امامان از نسل اویند که شما را به سوی حق هدایت می کنند سپس حضرت گفت: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

نتیجه آنکه کسانی که به دنبال پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام حرکت نکردند و به دنبال منحرفین از راه مستقیم الهی رفتند در گروه غضب شدگان و گمراهان خواهند بود.

مولایمان علی علیه السلام که خود مصداق مجسم صراط مستقیم است بارها در خطبه ها و نامه ها و مواعظ و نصایحش به پیروی از صراط مستقیم و راه وسط سفارش نموده است.

الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ، عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَ آثَارُ التُّبُوهُ، وَ مِنْهَا مَنَعْدُ السُّنَّةِ، وَ إِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ (۲)

راست گرایی و چپ گرایی هر دو گمراهی است راه وسط و مستقیم راه نیک بختی و سعادت است کتاب خدا قرآن و آثار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به آن گواه است سنت و روش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از همین راه نفوذ می کند و عاقبت کار هم به آن منتهی می شود.

تذکر این نکته هم لازم است غالبان یعنی کسانی که مقام و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرین را تا سر حد خدایی بالا می برند به طور قطع از راه مستقیم دور شده و به کفر و الحاد گراییده اند.

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَسَلَّمَ فَقَالَ: أَلَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَبِّي! فَقَالَ مَا لَكَ لَعْنَكَ اللَّهُ رَبِّي وَ رَبُّكَ اللَّهُ أَمَا وَاللَّهِ لَكُنْتَ مَا عَلِمْتُكَ لِحَبَانًا فِي الْحَرْبِ لَنَّمَا فِي السَّلَامِ (۳)

ص: ۴۶۱

۱- احتجاج ج ۱ ص ۷۸

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۶

۳- بحار ج ۲۵ ص ۲۶۹

امام صادق علیه السلام می فرماید مردی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمد و عرض کرد: درود بر تو ای پروردگار من حضرت فرمود تو را چه شده است؟ لعنت خدا بر تو باد پروردگار من و پروردگار تو الله است هان به خدا قسم که نمی دانستم در جنگ ترسویی و در صلح و یاسلام کردن پست.

در بیان علی علیه السلام بیش از چهار مورد آمده که حضرت با مختصر تغییر در کلام فرمود:

هَلَكَ فِي رَجُلَانِ مُحِبِّ غَالٍ وَ مُبْغِضٍ قَالَ (۱)

دو کس درباره من به هلاکت افتند دوستداری که درباره من غلو کند و دشمن کینه ورز.

امام رضا علیه السلام بسیار واضح و روشن منحرفین از راه مستقیم را درباره امیرالمومنین علی علیه السلام بیان می فرماید.

مَنْ تَجَاوَزَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامِ الْعُبُودِيَّةَ فَهُوَ مِنَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ مِنَ الضَّالِّينَ (۲)

کسی که امیرالمومنین علی علیه السلام را از مرز بندگی خدا فراتر برد از شمار کسانی است که مورد خشم خدایند و از گمراهان است.

راهنمایی و هدایت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صِيْلَةً تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ الْفَاقَةِ إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ (۳)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست همان طور که به وسیله آن بزرگوار ما را هدایت کردی و بر محمد و آل او درود فرست چنانکه ما را به وسیله آن حضرت از گمراهی

ص: ۴۶۲

۱- نهج البلاغه حکم و مواظ ۴۶۹

۲- بحار ج ۲۵ ص ۲۶۶

۳- دعای سی و یکم صحیفه

رهایی بخشیدی و بر محمد و آل او درود فرست آنچنان درودی که ما را در روز قیامت و در روز نیازمندی به تو شفاعت نماید زیرا که تو بر هر چیز توانایی و برایت آسان است.

هدایت و راهنمایی پروردگار از چند راه است نخست از طریق عقل و شعور باطنی است که در تمام موجودات قرار داده چنانکه وقتی فرعون به حضرت موسی و هارون علیهما السلام گفت: پروردگار شما کیست؟ موسی علیه السلام پاسخ داد:

رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (۱)

پروردگار ما کسی است که به آفریده های خود هر چیز لازم بوده عطا کرده و بعد او را راهنمایی فرموده است.

این نوع هدایت را همه موجودات از جماد و نبات و حیوان و انسان دارند به عنوان مثال یک ماهی پس از تخم ریزی در آب بچه های آن در همان ثانیه های بیرون آمدن از پوسته تخم براساس هدایت الهی می دانند چگونه شنا کنند و چگونه تغذیه نمایند.

نوع دوم هدایت الهی توسط انبیاء و ائمه طاهرين عليهم السلام است.

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا (۲)

و از آنها امامان و رهبرانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت کنند.

امام کاظم علیه السلام به هشام فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةَ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ فَأَمَّا الْبَاطِنَةَ فَالْعُقُولُ (۳)

به تحقیق خداوند برای مردم دو نوع حجت و راهنما دارد یکی آشکار و دیگری پنهان حجت ظاهری الهی وجود رسولان و انبیاء و امامان عليهم السلام هستند و حجت باطنی عقل ها. نوع سوم هدایت الهی توفیق پذیرش هدایت برای کسانی است که اعلان آمادگی کنند و خود را شایسته راهنمایی های لطیف و دقیق خداوند قرار دهند.

ص: ۴۶۳

۱- طه ۵۰

۲- سجده ۲۴

۳- تحف العقول ص ۱۲۵

چنانکه می فرماید:

وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ (۱)

و هر کسی به خدا ایمان آورد خداوند دلش را هدایت می کند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ (۲)

آنانی که ایمان آورده و کارهای پسندیده کرده اند خدایشان آنها را به خاطر ایمانشان هدایت می فرماید.

پس هر کس زمینه هدایت را که ایمان به خدا باشد در خود ایجاد کند خداوند قلب و نفس او را هدایت و راهنمایی ویژه می کند چنانکه در قرآن شریف آمده:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۳)

این کتابست که بی گمان هدایت پرهیزکاران در آنست.

وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۴)

و از این قرآن آیه ها نازل می کنیم که برای مومنان شفا و رحمت است.

نکته مهم آن است که هدایت های سه گانه الهی به ترتیب انجام می گیرد یعنی نخست هدایت تکوینی و عقلانی و بعد هدایت توسط انبیاء و ائمه علیهم السلام و سپس هدایت ویژه برای کسانی که نفس مهتدی و روح پذیرش برای گرفتن فیض از مبدا فیاض دارند.

دیدگاه اسلام برای رساندن حقایق دین به بیگانگان ابتدا با دعوت و راهنمایی است جایی نداریم که بی مقدمه و بدون راهنمایی و ارشاد رهبران دین اعلان جنگ و ستیز با دشمنان داده باشند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هنگامی که علی علیه السلام را به یمن فرستاد فرمود: ای علی هرگز با کسی جنگ مکن تا اینکه قبلا او را به اسلام دعوت کنی. به خدا سوگند که اگر خداوند مردی

ص: ۴۶۴

۱- تغابن ۱۱

۲- یونس ۹

۳- بقره ۵

۴- اسراء ۸۲

را به دست تو هدایت کند برایت بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب کند و تو را بر او ولایت است ای علی. (۱)

زمانی که امیرالمومنین علیه السلام در صفین آب را در اختیار گرفت و به امید متمایل ساختن شامیان به خودو جلب دل های آنان و نشان دادن عدالت خود و خوشرفتاری به آنها به شامیان اجازه داد تا از آب استفاده کنند برای چند روز فرستاده ای پیش معاویه نفرستاد و از طرف معاویه نیز کسی نزد حضرت نیامد عراقیان چون درنگ حضرت را در صدور فرمان جنگ مشاهده کردند گفتند ای امیرالمومنین ما زن و فرزند خود را در کوفه گذاشته ایم و به اطراف شام آمده ایم تا در این جا اقامت کنیم. به ما اجازه جنگ بده چون مردم حرف هایی می زنند.

حضرت فرمود چه می گویند یکی از آنان گفت مردم می گویند که تو از مرگ می ترسی و به همین دلیل خوش نداری جنگی واقع شود. بعضی هم می گویند که تو در جنگ با شامیان دچار شک و تردید شده ای مولایمان علی علیه السلام فرمود هیچ گاه نبوده که من از جنگ ترس داشته باشم. شگفتا در کودکی و جوانی دوستدار جنگ باشم و در پیری که عمر به سر آمده و گاه رفتن نزدیک شده است از آن گریزان و ترسان.

اما این که می گویند من در جنگ با این جماعت دچار شک و تردید شده ام اگر بنا بود در این موضوع شک کنم درباره بصریان و جنگ جمل شک می کردم به خدا قسم که من این کار را زیر و رو کردم و درباره اش اندیشیدم و دیدم دو راه بیشتر ندارم یا جنگ و یا این که از خدا و رسول او نافرمانی کنم.

اما در این جنگ با این جماعت تعلل می ورزم به امید این که شاید همگی و یا دست کم گروهی از آنان به راه راست در آیند زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در روز خیبر به من فرمود:

ص: ۴۶۵

اگر خداوند به واسطه تو حتی یک مرد را هدایت کند برایت بهتر است از هر آن چه خورشید بر آن بتابد. (۱)

و چه خوب است هر کدام از ما به اندازه توانایی مالی و علمی و سرمایه گذاری از وقت و عمرمان در تکاپو و تلاش باشیم گمراهان را هدایت کنیم و چون نجات غریق از آنهایی که در حال غرق شدن در ظلمات گناه و نافرمانی پروردگارانند دستگیری کنیم.

باید احساس مسئولیت کرد بی تفاوتی در این مسیر عواقب سوء برای ما و نسل ما خواهد داشت. در عصری که ما زندگی می کنیم همه دنیای کفر و نفاق با هر وسیله ممکن برق آسا به جان فرهنگ اصیل و ناب اسلام افتاده اند و می خواهند نسل جوان ما را نسبت به اعتقادات و اخلاقیات خویش از درون تهی کنند بنابراین بر ماست که به مقابله برخیزیم و هر کس در حد وسع و توانش گامی بردارد.

وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (۲)

مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا (۳)

یعنی کسی که دیگری را از گمراهی به راه راست در آورد مانند این است که او را زنده کرده است و کسی که دیگری را از راه راست به گمراهی کشاند او را کشته است.

ص: ۴۶۶

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۱۳

۲- مائده ۳۲

۳- کافی ج ۲ ص ۲۱۰

وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشَقَيْتَ مَنْ اسْتَسْعَدَ بِكَ، وَ حَرَمْتَ مَنْ اسْتَرْفَدَ فَضْلَكَ (۱)

خدایا با طرد کردنمان از در خانه ات قطع امیدمان مکن که اگر از رحمت خویش آنکه را که خوشبخت کرده ای باز داری بدبخت خواهد شد.

رجاء و امید به رحمت و بخشایش پروردگار در صورتی که همراه با عمل و توبه باشد منطقی و صحیح است کسی که واجبات را انجام و محرمات را ترک می کند و همواره از خدای خویش طلب عفو و بخشش می نماید حق دارد که به فضل پروردگار امید داشته باشد.

امیرالمومنین علی علیه السلام در پاسخ کسی که از آن حضرت تقاضای موعظه داشت فرمود:

لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ (۲)

از جمله کسانی که بدون عمل و بی جهت امید به آخرت دارند نباش.

همان بزرگوار فرمود: من در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و در کنار من عترتم در اطراف حوض کوثر قرار می گیریم هر کس می خواهد به ما ملحق شود باید به گفته های ما متمسک شود و آن طور که ما عمل می کنیم عمل کند. (۳)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۴)

کسانی که ایمان آورده اند و آنان که مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد نموده اند به رحمت خدا امیدوارند و خدا آمرزنده و مهربان است.

ص: ۴۶۷

۱- دعای دهم صحیفه

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۱۴۲

۳- تفسیر نورالثقلین ج ۵ ص ۶۸۱

۴- بقره ۲۱۸

خلاصه آنکه امیدواری باید در رفتار و کردارمان هویدا باشد. کسی که ترک واجب می کند و یا اصرار بر انجام گناه دارد در واقع خود را فریب می دهد و هیچ جای امیدواری وجود ندارد.

جا دارد که عرض کنم مبدا کسی در هر شرایطی که هست از رحمت خدا مایوس شود بلکه باید چاره ای بیاندیشد و موانع را از سر راه بردارد تا مورد بخشش حق تعالی قرار گیرد چرا که انسان با امید زنده است و به امید ادامه زندگی می دهد و باید امیدمان هم به خدا باشد و به غیر او امید نبندیم که همه فقیران و ضعیفان در گاه الهی هستند.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

إِجْعَلُوا كُلَّ رَجَائِكُمْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَلَا تَرْجُوا أَحَدًا سِوَاهُ فَإِنَّهُ مَا رَجَا أَحَدٌ غَيْرَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا خَابَ (۱)

هر چه امید دارید به خدای سبحان داشته باشید و به کسی جز او امید مبندید زیرا هیچ کس به غیر خدای تعالی امید نبست مگر آن که نومید برگشت.

گاهی ما از بعضی چیزها نومید می شویم اتفاقا خداوند تبارک و تعالی از همان مورد و نقطه ای که نومید بوده ایم کارمان را اصلاح می فرماید.

یکی از جاهایی که پیروان و ارادتمندان به خاندان عصمت و طهارت به آن امید بسته اند شفاعت محمد و آل محمد علیهم السلام است.

امام باقر علیه السلام در پاسخ به این پرسش بشر بن شریح بصری که کدام آیه در کتاب خدا امیدوار کننده تر است فرمود همشهریان تو چه می گویند؟ عرض کردم می گویند آیه

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ (۲)

ای بندگان من که بر خویش ستم کردید از رحمت خدا نومید مشوید.

امام علیه السلام فرمود: اما از نظر ما اهل بیت این نیست عرض کردم پس نظر شما چیست؟ فرمود به نظر ما این آیه است:

ص: ۴۶۸

۱- غررالحکم ۲۵۱۱

۲- زمر ۵۳

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۱)

و زودا که پروردگارت چیزی عطايت فرمايد که خوشنود شوى.

آن چیز الشفاعة و الله الشفاعة و الله الشفاعة (۲)

شفاعت است به خدا قسم شفاعت است به خدا قسم شفاعت است.

يکى از ويژگى هاى صحيفه سجاديه و دعاهاى ديگر امام سجاد عليه السلام و همچنين ادعيه اى که از ساير معصومين عليهم السلام در اختيار ماست آن است که روح اميد به رحمت پروردگار را در ما تقويت مى کنند و در لحن مناجات و دعاهايشان سراسر راتحه اميد و رجاء استشمام مى شود.

يَا مَنْ يَرْحَمُ مَنْ لَمْ يَرْحَمْهُ الْعِيَادُ وَيَا مَنْ يَقْبَلُ مَنْ لَمْ يَقْبَلْهُ الْبَلَاءُ وَيَا مَنْ لَمْ يَحْتَقِرْ أَهْلَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ وَيَا مَنْ لَمْ يُخَيِّبِ الْمُلْحِنِينَ عَلَيْهِ (۳)

اى خدائى که رحم مى کنى به كسى که بندگان به او رحم نمى کنند و اى آنکه مى پذيرد آن كسى را که شهرها وى را قبول نمى نمايند و اى كسى که محتاجان در گاهش را خوار نمى نمايد و اى آنکه اصرار کنندگان خود را نوميد نمى سازد.

اللَّهُمَّ إِنِّي وَجِدْتُ فِيهَا أَنْزَلْتَ مِنْ كِتَابِكَ، وَبَشَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، وَقَدْ تَقَدَّمَ مِنِّي مَا قَدْ عَلِمْتَ وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، فَيَا سَوَاتِنَا مِمَّا أَحْصَاهُ عَلَيَّ كِتَابُكَ فَلَوْ لَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أُؤَمِّلُ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي شَمِلَ كُلَّ شَيْءٍ لَأَلْقَيْتُ بِيَدِي، وَ لَوْ أَنَّ أَحَدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَكُنْتُ أَنَا أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ (۴)

پروردگارا در آنچه که در کتابت نازل فرموده اى و به آن بندگان را مژده دادى اين گونه فرمودى: اى بندگان که بر نفس خويش ظلم کرده ايد از رحمت پروردگار نااميد نباشيد.

ص: ۴۶۹

۱- الضحى ۵

۲- بحار ج ۸ ص ۵۷

۳- دعای چهل و ششم صحيفه

۴- دعای پنجاهم صحيفه

زیرا که خداوند همه گناهان را می بخشد و در گذشته تمام کارهایی را انجام داده ام که تو خود از من آگاه تری پس وای بر رسوایی من از آنچه نویسندگان برایم شمرده و نوشته اند.

بارها اگر نبود مراکزی که امیدوار به عفو همه جانبه تو بودم خود را از دست می دادم و اگر کسی قدرت داشت که از پروردگارش فرار کند من برای فرار سزاوارتر بودم.

إِلَهِي فَلِمَا تَحَرَّمَنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلِّهِ شُكْرِي، وَاعْفُ لِي مِمَّا تَعَلَّمْتُ مِنْ ذُنُوبِي. إِنَّ تَعْيِذَ بِنَا الظَّالِمِ الْمُفْرَطِ الْمُضَيِّعِ الْآثِمِ الْمُقْصِرِ الْمُضَجِّعِ الْمُعْفِلِ حَطَّ نَفْسِي، وَإِنْ تَعْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱)

خدایا دنیا و آخرت را به خاطر کمی شکرم بر من حرام مکن و آنچه از لغزش ها درباره من سراغ داری مورد عفو قرار ده که اگر عذابم کنی معلوم است که من ظالم و افراط کننده تباه گر، گنهکار، مقصر و گذارنده و غافل از خطا و بهره خودم می باشم و اگر عفو فرمایی پس تو مهربان ترین مهربانانی.

رزق و روزی

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ :

از جمله دعاهای حضرت سجاد علیه السلام در موقعی که وضع اقتصادی حضرت ضعیف می شد.

خداوندا تو ما را در مورد مسایل اقتصادی خویش به سوء ظن و در دوران عمرمان به آرزوی طولانی امتحان کردی تا آنجا که به سراغ روزی خورانت رفتیم و از آنها کمک گرفتیم و به خاطر همین آرزوهای طولانی به آنهایی که عمر دراز کردند طمع نمودیم.

ص: ۴۷۰

پس بر محمد و آل او درود فرست و به ما یقین درستی عطا فرما تا به وسیله آن از سختی طلب ما را کفایت کنی و به ما اعتماد خالصی عنایت فرما تا به وسیله آن از رنج طلب نگاهمان داری.

خدایا آنچه را به توسط وحی ات وعده داده ای و در کتاب خویش به دنبالش قسم یاد کرده ای و به طور قطع روزی ما را تکفل نموده ای و ما را با همین ضمانت در کفالت روزیمان به کار و اشتغال واداشته ای برایمان مقرر فرما و گفته ای و گفتارت حق و راست ترین گفتار است و قسم خورده ای و قسمت از هر قسمی نیکوتر و وفاکننده تر است فرموده ای:

وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ رُوزِي شَمَا و آنچه به آن وعده داده شده در آسمان است. سپس فرموده ای: فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ قسم به پروردگار آسمان و زمین که آن وعده حق است همانند آنکه شما سخن می گوید. (۱)

ملاحظه نمودید که دیدگاه امام سجاد علیه السلام درباره رزق و روزی چیست و دریافتید که آموزه های ارزشمند حضرت در طلب رزق و روزی کدام است.

ابتدا باید باور کنیم که روزی رسان خداست و به غیر او دل نبندیم چرا که

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (۲)

خداست روزی رسان و اوست دارنده نیرویی سخت استوار

مولایمان علی علیه السلام فرمود از جمله اندرزهای لقمان به فرزندش این بود فرزندم کسی که در به دست آوردن روزی یقینش به خدا اندک و نیتش به روزی رسان سست است باید این نکته عبرت آموزد که خدای تبارک و تعالی او را در سه مرحله از خلقتش روزی داد بدون آن که خودش در آنها کسب و تدبیری داشته باشد.

ص: ۴۷۱

۱- دعای بیست و نهم صحیفه

۲- الذاریات ۵۸

پس خدای تبارک و تعالی در مرحله چهارم نیز روزی او را خواهد داد. ۱- در رحم مادرش ۲- از شیر مادرش ۳- از درآمد والدینش روزی او را داد. تا آنکه بزرگ شد و عقلش رشد کرد و به طور مستقل به کسب درآمد پرداخت در این هنگام بر خود سخت گرفت و به پروردگارش بدگمان شد و از ترس تنگدستی و یقین نداشتن به وعده خدای تبارک و تعالی حقوق مالی خود نسبت به دیگران را نادیده گرفت و خود و خانواده اش را در سختی و تنگنا قرار داد. (۱)

تقسیم روزی افراد هم براساس حکم و مصلحت الهی است پس اگر به بعضی بیشتر و به بعضی کمتر می دهد حتما خیر بنده اش را در نظر می گیرد و یا به همین وسیله آنها را آزمایش می نماید.

چه بسیارند افرادی که با توسعه روزی گرفتار استکبار و طغیان شده و بزرگترین سرمایه خود یعنی ایمان و تقوا را از دست داده و به حرام افتاده اند.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ ﴿٢﴾

نه چنین است این انسان طغیان می کند هنگامی که احساس بی نیازی کند.

پس حرص زدن برای ثروت بیشتر و جمع مال کار درستی نیست جز آنکه انسان از اعمال واجب و فرایض عقب افتد و بارش سنگین شود.

امام حسن عسگری علیه السلام می فرمود:

لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَّضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَّفْرُوضٍ ﴿٣﴾

مبدا روزی ضمانت شده تو را از کار واجبی باز دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمومنین علی علیه السلام بارها می فرمود:

به یقین بدانید که خدای تعالی اجازه نمی دهد بنده بر آنچه در قرآن حکیم برایش مقدر شده پیشی گیرد هر چند سخت بکوشد و با تمام توان چاره اندیشد و ترفند زند. ای

ص: ۴۷۲

۱- خصال ص ۱۲۲

۲- علق ۷ و ۶

۳- بحار ج ۷۷ ص ۱۸۷

مردم هیچ انسانی با هوش و ذکاوت خود نمی تواند تغییری در جهت افزایش روزی خود پدید آورد و از روزی هیچ فقیری به سبب کم هوشی او کم نمی شود کسی که این نکته را بداند و به آن عمل کند بیش از همه آسایش دارد و سود برده است. [\(۱\)](#)

خیلی ها دوست دارند بدانند میزان طلب رزق و روزی تا چه حد است؟

عرض می کنم که اولاً- همیشه به اندازه کفاف از خداوند متعال درخواست روزی کنید که بیشتری گرفتاری است و ثانیاً در هنگام کسب و کار همان را که از خدا می خواهید رعایت کنید یعنی به اندازه کفاف و در حد اعتدال و در حدی که بی نیاز از خلق خدا باشید درآمد کسب نمایید.

رستگاران

وَ صَيِّرْنَا بَدَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ وَ مَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ [\(۲\)](#)

خداوندا به وسیله محمد و ال محمد علیهم السلام ما را در درجات صالحین و مراتب مومنین قرار ده ای پروردگار جهانیان اجابتمان فرما.

رستگاران همان هایی هستند که در درجات صالحین و مراتب مومنین می باشند.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ [\(۳\)](#) به راستی که اهل ایمان رستگار شدند.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى [\(۴\)](#) به راستی هر که خود را تزکیه کرد رستگار شد.

قرآن در تقسیم بندی رستگاران عوامل رستگاری را چنین برمی شمرد.

۱-ایمان به غیب برپایی نماز، انفاق مال، ایمان به آنچه بر پیامبر و انبیاء قبل او نازل شده ایمان به جهت آخرت اولئک هم الْمُفْلِحُونَ به حقیقت ایشان از رستگارانند. [\(۵\)](#)

ص: ۴۷۳

۱- بحار ج ۱۰ ص ۳۳

۲- دعای هفدهم صحیفه

۳- مومنون ۱

۴- اعلیٰ ۴

۵- آیات ۳ تا ۵ بقره

۲- گروهی که کارشان امر به معروف و نهی از منکر است. فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱)

۳- کسانی که وزن اعمالشان سنگین باشد. فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲)

۴- آنهایی که به پیامبر ایمان آورده و گرامی اش داشته و یاری اش نموده و از نوری که همراه وی نازل شده پیروی کرده اند. فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳)

۵- کسانی همراه پیامبر ایمان آورده اند با ثروت ها و جان های خویش مجاهده می کنند. أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۴)

۶- کسانی که داوری خدا و رسول او را قبول دارند و می گویند شنیدیم و اطاعت کردیم. أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

۷- آنانی که حق نزدیکان خود را می دهند و نیز حق مستمندان و درماندگان را می پردازند تا رضای پروردگار را جلب کنند. أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۶)

۸- آنهایی که خداوند از ایشان راضی است و آنها از خدا راضی هستند و از گروه حزب الله اند حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ حزب خدا رستگارانند. (۷)

۹- هجرت کنندگان در راه خدا و ایثارگران و آنهایی که نفس خویش را از بخل و حرص محفوظ داشته اند. فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸)

۱۰- آنهایی که توبه می کنند و کارهای پسندیده انجام داد امید می رود که مِنَ الْمُفْلِحِينَ از رستگاران باشند. (۹)

هم اینک به شاخصه ها و نشانه های رستگاران در قرآن بیشتر توجه کنیم تا انشاء الله در مقام و تلاش برای به دست آوردن آنها باشیم.

ایمان به غیب برپایی نماز انفاق مال ایمان به جهان آخرت امر به معروف و نهی از منکر ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و نور همراهش جهاد با مال و جان قبول داوری خدا و

ص: ۴۷۴

۱- آل عمران ۱۰۴

۲- اعراف ۸

۳- اعراف ۱۵۷

۴- توبه ۸۸

۵- نور ۵۱

۶- روم ۳۸

۷- مجادله ۲۲۰

۸- حشر ۹

۹- قصص ۶۷

رسول پرداخت حق اقوام و مستمندان رضامندی از خدا بر حذر داشتن نفس از بخل و حرص و بالاخره توبه و جبران گذشته با اعمال خوب. از این مجموعه آیات می توان استنباط کرد که رستگاران کسانی هستند که در هیچ مرتبه از مراتب اعتقادات و اخلاق و عمل کم نمی گذارند و ضمن باور به آنچه خداوند بر پیامبران و به ویژه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم نازل فرموده همه را به کار بسته و نسبت به قصور و کوتاهی هایشان هم اهل توبه و انابه در محضر پروردگارانند.

راهکارهای رستگاری را پیامبر و ائمه طاهرين عليهم السلام پس از قرآن شریف به این طریق بیان فرموده اند.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

يَزَحْمُ اللَّهُ خَبَابَ بَنِ الْأَرْتِّ فَلَقَدْ أَسْلَمَ رَاغِبًا وَ هَاجَرَ طَائِعًا وَ قَنَعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ وَ عَاشَ مُجَاهِدًا (۱)

خدا خباب بن ارت را رحمت کند با رغبت مسلمان شد و از روی فرمانبرداری هجرت کرد و با قناعت زندگی را گذراند و از خدا راضی بود و مجاهد زندگی کرد. همان بزرگوار فرمود:

طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ وَ طَابَ كَسْبُهُ وَ صَلَحَتْ سِرِّيْرَتُهُ وَ حَسِنَتْ خَلِيقَتُهُ وَ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ لِسَانِهِ وَ عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ وَ وَسِعَتْهُ الشُّنَّةُ وَ لَمْ يُنْسَبْ إِلَى الْبِدْعَةِ (۲)

خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می شمارد و کسب و کار او پاکیزه است و جانش پاک و اخلاقش نیکوست که مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می کند و زبان

ص: ۴۷۵

۱- نهج البلاغه حکم و مواظبه ۴۴

۲- همان مدرک ۱۲۳

را از زیاده‌گویی باز می‌دارد و ازار او به مردم نمی‌رسد و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم او را کفایت کرده بدعتی در دین خدا نمی‌گذارد. امام سجاد علیه السلام برای ورود به گروه رستگاران و به تعبیر حضرت فوج الفائزین اینگونه آغاز سخن می‌نماید:

خدایا بر محمد و آل او درود فرست بسترهای کرمت را برایم بگستران و مرا از محل نوشیدن شراب رحمت سیراب کن و در بهشت جایم ده و بار رد کردن از در خانه ات مرا مرنجان و به نومی‌دی از رحمت نومی‌دم مکن و مرا به گناهانم تقاص مفرما و به آنچه را که انجام داده‌ام سختگیری مکن و رازم را فاش و سرم را اشکار مفرما و کارم را در ترازوی عدلت مسنج و وضع حالم را در برابر چشم بزرگان فاش مگردان.

خدایا آنچه برایم ننگ است از دید بزرگان در روز قیامت مخفی بدار و آنچه که نزد تو مرا رسوا می‌کند از آنان بپوشان.

الها به رضای خویش درجه و رتبه ام را بالا ببر و به مغفرت کرامتت را نسبت به من کمال بخش و مرا از یاران دست راست قرار ده و با بردن در گروه ایمن شدگان آبرویم بخش.

وَ اجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ، وَ اعْمُرْ بِي مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱)

امام حسین علیه السلام هم در روز عرفه پس از حمد و ثنای فراوانی که از خدای خویش می‌کند عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ اَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَلَا تُخْلِنا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

خدایا در این هنگام وضع ما دگرگون کن به نیل و رسیدن به توفیق و رستگاری و پذیرفته شده در گاهت و کسی که کاملاً بهره مند شده و ما را جزء ناامیدان قرار مده و ما

ص: ۴۷۶

را از رحمت خالی مگردان... و ما را از رافت و رحمت محروم مفرما ای مهربان ترین مهربانان.

رضا و خوشنودی

اللَّهُمَّ وَ مَنْ رَعَى هَذَا الشَّهْرَ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَ حَفِظَ حُرْمَتَهُ حَقَّ حِفْظِهَا، وَ قَامَ بِحُدُودِهِ حَقَّ قِيَامِهَا، وَ اتَّقَى ذُنُوبَهُ حَقَّ تَقَاتِهَا، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُرْبِهِ أَوْ جَبَّتْ رِضَاكَ لَهُ (۱)

خدایا هر که درست آداب رمضان را رعایت کند و به طور صحیح احترام آن را نگه دارد و در اجرای حدود و احکام آن کوشش نماید و از گناهان آن طور که سزاوار است پرهیز نماید و یا به وسیله کاری که تقرب آور است به سویت تقرب جوید رضایت را به سوی خویش جلب خواهد نمود.

رضا و خوشنودی خدا در طاعت و بندگی اوست مقام رضا بس بلند و ارزشمند است و کسی به سادگی و بدون ریاضت و زحمت به این مقام نایل نگردد.

از حضرت صادق علیه السلام سوال شد مومن به چه چیز شناخته می شود؟ فرمود:

بِالتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ الرِّضَا فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنْ سُورٍ أَوْ سَخَطٍ (۲)

به تسلیم و مطیع بودن در برابر پروردگار و راضی بودن به آنچه از شادی و سختی بر او وارد می گردد.

پس جلب رضایت خدا به راضی بودن ما به خواسته های الهی است.

هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَيْدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۳)

ص: ۴۷۷

۱- دعای چهل و پنجم صحیفه

۲- کافی ج ۲ ص ۶۳

۳- مائده ۱۱۹

این روزی است که راست گفتن راستگویان سودشان می دهد بهشت ها دارند که در آن جوی ها روان است و در آن جاوداند خدا از آنها خشنود است و آنها نیز از خدا خشنودند و این کامیابی بزرگی است.

رضا و خشنودی به آنچه خداوند برایمان مقدر می فرماید راس طاعت خداست و بهترین راه برای آزمایش ارادت و ایمانمان به خداوند تبارک و تعالی در صد رضامندی ما به خواسته های پروردگار است هر چه بیشتر باشد نردبان ترقی رضا را بالاتر رفته ایم خواه اتفاقات و حوادثی که برایمان رخ می دهد دلخواه ما باشد و یا نباشد و معمولاً مواردی که دلخواه ما نیست بعد از مدتی کشف می کنیم که جز خیر چیز دیگری نصیب ما نشده است.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الصَّبْرُ وَالرِّضَا عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ أَوْ كَرِهَ وَلَا يَرْضَى عَبْدٌ عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ (۱)

شکیبایی و راضی بودن نسبت به آنچه خدا می کند خواه خوشایند بنده باشد یا ناخوشایند او در راس عبادت خداست و هیچ بنده ای در پیشامدهای خوشایند و ناخوشایند از خدا خرسند نباشد مگر آن که برایش خیری باشد.

ریشه خرسندی حسن ظن و حسن اعتماد به خداوند تبارک و تعالی است.

انسان وقتی تن به قضای الهی می دهد در واقع باور دارد که هر نوع اتفاقی که از ناحیه پروردگار برایش بیفتد برایش خیر و نیک است و ثمره این رضامندی آرامش خاطر و اطمینان باطنی است و همه اضطراب ها از روح و روان از بین می رود.

مولایمان علی علیه السلام در کلمات قصارش چنین فرموده:

إِرْضَ، تَسْتَرِحْ (۲)

خرسند و راضی باش تا به آسایش دست یابی.

ص: ۴۷۸

۱- بحار ج ۸۲ ص ۱۳۳

۲- غررالحکم ۲۲۴۳

الرِّضَا يَنْفِي الْحُزْنَ (۱)

رضامندی غم و اندوه را می برد.

نَعَمَ قَرِينُ الْإِيمَانِ الرِّضَا (۲)

رضامندی خوش همنشینی است برای ایمان

إِنَّ أَهْنَ النَّاسِ عَيْشًا مَنْ كَانَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ رَاضِيًا (۳)

گواراترین زندگی را کسی دارد که به آنچه خدا قسمت او کرده خرسند باشد.

در اینجا جای این بحث هست که رضایت و خوشنودی خلق خدا را با کمک های مالی و محبت به آنان به دست آوردن نیز از کارهای پرتوابع و مورد تقدیر و تشویق پروردگار متعال است.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مِمَّا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۴)

آنان که ثروت خود را در راه خدا انفاق میکنند و به دنبال آن بر انفاق شده منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند پاداش آنها نزد پروردگارشان است نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند.

فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۵)

آنانی که از شما ایمان آورده و انفاق می کنند پاداش بزرگی خواهند داشت.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

مَنْ أَعْطَى دِرْهَمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِمِائَةٍ حَسَنَةٍ (۶)

هر که یک درهم در راه خدا بدهد خداوند برایش هفتصد ثواب می نویسد.

ص: ۴۷۹

۱- همان مدرک ۴۱۰

۲- همان مدرک ۹۹۰۱

۳- همان مدرک ۳۳۹۷

۴- بقره ۲۶۲

٥- حديد ٧

٦- امالي طوسي ص ١٨٣

شک نیست کسی که مورد انفاق قرار می گیرد خوشنود شده و در حق انفاق کننده دعای خیر می کند و اسباب خوشنودی پروردگار نیز فراهم می گردد.

روح

وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَهَ الْحُجُبِ. وَ الرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ (۱)

و فرشته دیگر حضرت روح است که بر فرشتگان حجابها فرمانروایی می کند و روحی که از عالم امرست.

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (۲)

از تو درباره روح می پرسند بگو: روح از فرمان پروردگار من است و به شما جز اندکی دانش داده نشده است.

در اینکه روح انواعی دارد شک نیست گاه روح اشاره به فرشته روح است که معروف به روح القدس است چنانکه در سوره قدر آمده تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ شَبَّ قَدَرِ فرشتگان و روح نازل می شوند با اینکه جبرئیل خود از فرشتگان است ولی به طور مستقل به نام روح نامیده شده است.

ابوبصیر می گوید از امام باقر یا امام صادق علیه السلام درباره آیه و از تو درباره روح می پرسند بگو روح از امر پروردگار من است سوال کردم فرمود:

الَّتِي فِي الدَّوَابِّ وَ النَّاسِ قُلْتُ: وَ مَا هِيَ؟ قَالَ: هِيَ مِنَ الْمَلَكُوتِ مِنَ الْقُدْرَةِ (۳)

روح آن چیزی است که در وجود جنیدگان و مردم هست عرض کردم آن چیست؟ فرمود آن از عالم ملکوت و از عالم قدرت است.

ص: ۴۸۰

۱- دعای سوم صحیفه

۲- اسراء ۸۵

۳- بحار ج ۶۱ ص ۴۲

امام صادق علیه السلام درباره مطلق روح می فرماید:

الرُّوحُ جِسْمٌ رَقِيقٌ (۱)

روح جسم لطیفی است.

لطافت روح در حدی است که با چشم سرقابل رویت نیست و محسوس به حواس نمی باشد و همان طور که بزرگان در تعریف آن گفته اند.

جَوْهَرٌ لَطِيفٌ نُورَانِيٌّ مِدْرِكٌ لِلْجُزْئِيَّاتِ وَ الْكُلِّيَّاتِ

جوهر است و عرض نیست که به واسطه جوهر شکل گرفته باشد موجودی است لطیف و نورانی که قوه دراکه را داراست و جزئیات و کلیات را درک می کند.

روح مجرد است و تشکیل یافته از اجزای مختلف و متفرق نیست و از وحدت برخوردار است و دارای حالات متفاوتی است.

روز

اشاره

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ، وَ مَتَّعْتَنَا بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ، وَ بَصَّرْتَنَا مِنْ مَطَالِبِ الْأَفْوَاتِ (۲)

خداوندا حمد تو راست که صبح ها را برای ما گشودی و ما را از روشنایی روز بهره مند ساختی و به مواردی که ارزاق ما به دست می آید آشنایمان کردی.

روز یعنی ساعاتی که با طلوع فجر آغاز و با غروب آفتاب پایان می پذیرد و یا به تعبیری دیگر ساعاتی که با طلوع خورشید و غروب آن آغاز انجام می گیرد.

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحْوُنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبِعُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ (۳)

ص: ۴۸۱

۱- بحار ج ۶۱ ص ۳۴

۲- دعای ششم صحیفه

۳- اسراء ۱۲

شب و روز را دو نشانه الهی قرار دادیم آنگاه نشانه شب را محو کرده و نشانه روز را روشنی بخش نمودیم تا فضل پروردگار را طلب کنید و عدد سال ها و حساب اوقات را بدانید.

و گاهی روز با کلمه یوم مطرح شده که به معنای مقطعی از زمان است به عنوان مثال آنجا که روز قیامت یوم القیامه گفته می شود دیگر طلوع آفتاب و غروب آن نیست چون خورشیدی وجود ندارد و به بیان قرآن.

يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (۱)

روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است

و جالب است که تعداد یوم در قرآن به تعداد روزهای سال است و گاه روز و یا یوم به خدا نسبت داده می شود که این اضافه ایام به خداوند تبارک و تعالی به خاطر شرافت آن ایام است و نعمت هایی است که پروردگار متعال در آن روزهای خاص به بندگانش عطا فرموده است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ (۲)

موسی را با آیات خود فرستادیم و به او گفتیم که قوم خودت را از تاریکی ها به سوی نور ببر و آنان را به روزهای خدا یادآوری کن.

روزهای خدا همان روزهایی است که خداوند بنی اسرائیل را از چنگال فرعونیان رهایی بخشید و نعمت آزادی را به آنها عنایت کرد و همچنین ده ها و صدها نعمت دیگر.

نمونه دیگر روز و یا یوم به معنای مقطعی از زمان آیتی است که از خلقت آسمان ها و زمین در شش روز سخن می گوید چون هنگام خلقت خورشید و زمین که در حال پیدایش بودند روز به معنای طلوع و غروب خورشید انجام نگرفته بوده است.

ص: ۴۸۲

۱- معارج ۴

۲- ابراهیم ۵

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا (۱)

خدای شما آن است که آسمان ها و زمین را در مدت شش روز آفرید آنگاه به آفریدن عرش پرداخت روز را با پرده شب پوشانید که با شتاب دنبال آن می رود.

نکته قابل توجه آن است که خداوند روز و روشنایی آن را برای ما قرار داد تا به تلاش و کار پردازیم و دنیا و آخرت خویش را آباد کنیم.

مومن موفق کسی است که هر روزش بهتر از روزهای قبل او باشد و برای رشد و تعالی خویش رحمت بکشد.

روز پرهیزکاران از منظر امیرالمومنین علیه السلام این گونه سپری می شود:

وَأَمَّا النَّهَارَ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءٍ أَجْرَارٌ أَتَقِيَاءُ قَدْ بَرَّاهُمْ الْخَوْفُ بَرَى الْقَدَاحَ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسَبُهُمْ مَرْضَىٰ وَ مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ وَ يَقُولُ لَقَدْ خُولُوا وَ لَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ لَا يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ وَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ الْكَثِيرَ فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ (۲)

پرهیزکاران در روز بردبار و نیکو کارانی با تقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده لاغر کرده است کسی که به آنها می نگرد می پندارد که بیمارند. اما آنان بیمار نیستند و می گوید مردم در اشتباهند در صورتی که آشفتگی ظاهرشان نشان از امری بزرگ است از اعمال اندک خود خوشنود نیستند و اعمال زیاد خود را بسیار نمی شمارند

نفس خود را متهم می کنند.

به راستی کدام روز روز خوشحالی ماست و سزاوار است که عید بگیریم و شادمان باشیم؟ همان بزرگوار فرمود:

ص: ۴۸۳

۱- اعراف ۵۴

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۹۳

إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبَلَ اللَّهَ صِيَامَهُ وَشَكَرَ قِيَامَهُ وَكُلَّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ (۱)

روز عید کسی است که خدا روزه اش را پذیرفته و نماز او را ستوده است و هر روز که خدا را نافرمانی نکنند آن روز عید است.

روزه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَلْهِمْنَا مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَ إِجْلَالَ حُرْمَتِهِ، وَ التَّحْفُظَ مِمَّا حَظَرْتَ فِيهِ، وَ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ عَنْ مَعَاصِيكَ، وَ اسْتِعْمَالِهَا فِيهِ بِمَا يُرْضِيكَ (۲)

بارالها بر محمد و آل او درود فرست و شناخت فضیلت ماه رمضان و عظمت مقاماتش و راه خود نگهداری از محرّماتش را به ما الهام فرما و بر به جا آوردن روزه ای که اعضاء و جوارح از افتادن در نافرمانی هایت بر حذر باشند و در آن ماه به آنچه تو را راضی می کند مشغول گردند.

روزه یعنی امساک از بسیاری کارها که بخشی حلال و بعضی حرام است که ثمره اش ایجاد تقوا و قدرت یافتن نفس از جلوگیری تمایلات نادرست است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۳)

ای اهل ایمان روزه بر شما نوشته شده همان گونه که بر پیشینیان شما نوشته شده بود شاید پرهیزکار شوید.

ص: ۴۸۴

۱- نهج البلاغه حکم و مواظبه ۴۲۸

۲- دعای چهل و چهارم صحیفه

۳- بقره ۱۸۳

درباره حکمت روزه و آثاری که بر آن هست امام صادق علیه السلام فرمود: علت روزه گرفتن آن است که به سبب آن توانگر و تهیدست برابر شوند. زیرا توانگر رنج گرسنگی را نمی داند تا ه تهیدست رحم کند چرا که توانگر هرگاه چیزی بخواهد می تواند آن را فراهم آورد لذا خدای عزوجل خواست تا میان آفریدگانش برابری ایجاد کند و رنج گرسنگی و سختی را به توانگر بچشاند تا بر ناتوان دل بسوزاند و به گرسنه رحم کند. (۱)

روزه آنقدر فضیلت دارد که خداوند مهربان از آن خود قرار داده است چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ هُوَ لَهُ غَيْرَ الصَّيَامِ هُوَ لِي وَ أَنَا أَجْزَى بِهِ (۲)

خدای تبارک و تعالی فرمود هر کاری که فرزند آدم می کند از آن اوست مگر روزه که از آن من است و پاداش آن را می دهم.

حضرت زهرا علیها السلام در خطبه گرانقدر فدکیه فلسفه روزه را استواری اخلاص بیان می کند:

فَرَضَ اللَّهُ الصَّيَامَ تَشْبِيْثًا لِلْإِخْلَاصِ (۳)

خداوند روزه را برای استوار کردن اخلاص واجب فرمود.

فرزند بزرگوارش امام حسین علیه السلام هم فرمود:

لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَسَّ الْجُوعِ فَيَعُوذُ بِالْفَضْلِ عَلَى الْمَسَاكِينِ (۴)

خداوند روزه را واجب فرمود تا توانگر رنج گرسنگی را بچشد و در نتیجه به مستمندان رسیدگی و بخشش کند.

مهم آن است که امساک فقط از خوردن و آشامیدن نباشد بلکه اعضاء و جوارح و قلب روزه دار باشند و از آنچه معبود نمی پسندد امساک کنند والا اگر به غذا نخوردن و

ص: ۴۸۵

۱- بحار الانوار ج ۹۶ ص ۳۷۱

۲- خصال ص ۴۵

۳- بحار ج ۹۶ ص ۳۶۸

۴- بحار ج ۹۶ ص ۴۷

نیاشامیدن باشد مرتاضان هندی از همه جلوترند چون گاه در چهل شبانه روز با یک خرما و غذای بسیار اندک سر می کنند.

به همین جهت مولایمان علی علیه السلام فرمود:

صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْإِثَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ عَنِ الطَّعَامِ (۱)

روزه دل از اندیشیدن به گناهان برتر از روزه معده از طعام است.

و بسیار صریح و قاطع رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از قول پروردگار متعال نقل می کند:

مَنْ لَمْ تَصُمْ جَوَارِحُهُ عَنِ مَحَارِمِي فَلَا حَاجَةَ لِي فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَ شَرَابَهُ مِنْ أَجَلِي (۲)

کسی که جوارح و اندام های خود را از حرام های من روزه ندارد مرا چه حاجت که به خاطر من از خوردن و آشامیدن خودداری ورزد.

گفت و گوی دیگری که در بحث روزه لازم است اظهارات پزشکان و دانشمندان درباره فواید روزه در تنظیم مواد لازم در بدن است.

امروزه دانشمندان به اتفاق نظر رسیده اند که اگر کسی بیماری خاصی نداشته باشد و ضعف و کهنولت به سراغش نیامده باشد روزه بهترین رژیم غذایی برای حفظ سلامتی است.

البته قبل از آنکه آقایان و خانم های پزشک به این نتیجه برسند بنیان گذار مکتب اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم در یک کلام کوتاه فرمود:

صُومُوا تَصِحُّوا (۳)

روزه بگیرید تا سالم بمانید.

و اینکه در جای دیگر فرمود:

لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ (۴)

ص: ۴۸۶

۱- غررالکم ۵۸۷۳

۲- بحارالانوار ج ۹۶ ص ۲۹۲

۳- دعوات راوندی ص ۷۶

هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن ها روزه است.

یعنی اضافات و زیادی های موجود در بدن مثل زکات اموال باید از بدن ها بیرون رود و آن به توسط روزه انجام می گیرد.

رهبانیت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِنْقِطَاعِي إِلَيْكَ وَ أَقْبَلْتُ بِكُلِّي عَلَيْكَ وَ صَيَّرْتُ وَجْهِي عَمَّنْ يَخْتِاجُ إِلَي رِفْدِكَ وَ قَلْبْتُ مَسْأَلَتِي عَمَّنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَن فَضْلِكَ وَ رَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُحْتَاجِ إِلَى الْمُحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ وَ ضَلَّةً مِنْ عَقْلِهِ... (۱)

پروردگارا با بریدن از خلق و اتکال بر تو خود را خالص کرده ام و با همه وجودم به تو رو آورده ام و از آنکه به تو محتاج است خواهش نمی کنم و در خواستم را از کسی که از احسانت بی نیاز نیست برگردانیده ام و دیدم که درخواست حاجت از کسی که خود محتاج است سفاهت و دیوانگی است.

بیان امام سجاد علیه السلام از بریدن خلق خدا و اتکال و روی آوردن به خدا به معنای عزلت گزینی و انزوا طلبی نیست که متاسفانه بعضی از افراد چنین اشتباهی را کرده و از جامعه فاصله گرفته و گره ای از کار کسی باز نمی کنند و به عبادت مشغولند.

انقطاع از خلق در زبان روایات و دعاها یعنی دل نیستن به غیر خدا و درخواست حاجت فقط و فقط از خدا کردن و نه آن چیزی که در فضای مسیحیت و یا سایر ادیان مطرح است.

لغت رهبه که رهبانیت از آن گرفته شده یعنی ترس و ترهب یعنی تعبد و این در رهبانیت استعمال شده چون راهب در حد اعلا و ترس از خدا دارد و گوشه گیری را انتخاب می کند.

در حالی اسلام چنین روشی را تایید نمی کند بلکه حضور در اجتماع و جبهه و جنگ را ضروری می داند.

ص: ۴۸۷

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم می فرمود:

لَيْسَ فِي أُمَّتِي رَهْبَانِيَّةٌ وَلَا سِيَّاحَةٌ وَلَا زَمٌّ (۱)

در امت من نه رهبانیت است نه زاویه نشینی و نه زم یعنی سکوت

همان بزرگوار در سه مورد به عثمان بن مظعون چنین فرمود

ای عثمان خدای تبارک و تعالی رهبانیت را بر ما مقرر نفرموده است بلکه رهبانیت امت من در جهاد کرد در راه خداست.

یک بار عرض کرد به ما اجازه رهبانیت بده پیامبر فرمود رهبانیت امت من نشستن در مساجد به انتظار نماز است.

بار دیگر عرض کرد من قصد زاویه نشینی دارم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود آرام باش ای عثمان زاویه نشینی امت من نشستن در مساجد و انتظار کشیدن برای نماز از پی نماز است. (۲)

در تفسیر آیه شریفه

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۳)

بگو آیا شما را از زینکارترین افراد خبر دهیم آنان که تلاششان در زندگی دنیا تباه شد.

مولایمان علی علیه السلام فرمود:

هُمُ الرَّهْبَانُ الَّذِينَ حَبَسُوا أَنْفُسَهُمْ فِي السَّوَارِي (۴)

آنان راهبان هستند که خود را در غارها محبوس می کنند.

قرآن حتی به کسانی که رهبانیت و ماندن در کلیسا را تا آخر عمر برای خود تکلیف می کنند می تازد و کارشان را بدعت در دین مسیح علیه السلام می داند .

وَرَهْبَانِيَّةٌ ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ (۵)

و رهبانیتی که به بدعت آورده اند ما بر آنها مقرر نکرده ایم.

ص: ۴۸۸

۱- بحار ج ۷۶ ص ۱۱۲

۲- هر سه روایت بحار ج ۸ ص ۱۰۷ و ۳۸۲

٣- كهف ١٠٣ و ١٠٤

٤- كترالعمال ٤٤٩٦

٥- حديد ٢٧

گفت و گوهای عثمان بن مظعون را با رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را بررسی کردیم البته عثمان قبل از آنکه رو به اعتدال گراید مطلب را به طریق دیگری فهمیده بود که همان رهبانیت باشد به همین جهت از زن و زندگی کناره گرفت لباس های فرسوده و خشن پوشید و کوهی از کوه های مدینه را برای عبادت برگزید. روزی همسرش به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد پیامبر او را شناخت و فرمود این زن برادرم عثمان بن مظعون است؟ همسر پیامبر گفت بلی و لکن شوهرش از او جدا شده و برای عبادت و بندگی پروردگار به کوه های مدینه پناه برده است لباس خوب نمی پوشد و عطر استعمال نمی کند. وقتی آن بزرگوار این سخنان را شنید بسیار خشمگین شد به طوری که از شدت ناراحتی در راه مسجد ردایش بر زمین کشیده می شد به منبر تشریف برد مردم جمع شدند دستور داد عثمان بن مظعون را حاضر کردند خطبه بلیغی ایراد نمود آنگاه به مردم فرمود آیا دینی بهتر از دین من و سنت و روشی بهتر از سنت من می خواهد؟

به خدا سوگند اگر برادرم موسی بن عمران می بود چاره ای نداشت مگر اینکه از سنت من پیروی نماید نگاه کنید و ببینید من چه می کنم مدتی روزه می گیرم باز ترک می کنم نماز می خوانم و می خوابم زن می گیرم می خورم و می آشامم سپس رو به عثمان بن مظعون نمود و فرمود خداوند بی نیاز است از لباس های خشن تو اینها را از بدن خارج کن نزد خانواده ات برو و با آنها آمیزش نما و بر آنها کسب معاش کن عثمان همان دم آنچه می کرد ترک نمود و زندگی عادی خود را دنبال کرد.

(۱)

ص: ۴۸۹

وَ أَيْدِي بِتَوْفِيقِكَ وَ تَسْدِيدِكَ، وَ أَعْنِي عَلَى صَالِحِ النَّبِيِّ، وَ مَرْضِي الْقَوْلِ، وَ مُسْتَحْسِنِ الْعَمَلِ (۱)

خداوندا به توفیقات و راهنمایی هایت کمک کن و برای داشتن انگیزه سالم و گفتار پسندیده و عمل شایسته یاریم فرما.

انگیزه سالم و صالح البته همان چیزی است که غیر خدا و یا در آن دخالت ندارد و وقتی انگیزه سالم شد کارایی و برد عمل زیاد خواهد شد.

بارزترین نوع ریا جلا و جلوه دادن عمل برای آنکه مردم تحسین کنند شک نیست این انگیزه و نیت صالح نیست و نوعی از شرک است.

امام صادق علیه السلام میفرمود:

الرَّجُلُ يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ إِنَّمَا يَطْلُبُ تَرْكِيَةَ النَّاسِ يَشْتَهِي أَنْ يَسْتَمِعَ بِهِ النَّاسُ فَهُوَ الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ (۲)

شخصی کار شایسته ای را انجام می دهد اما نه به خاطر خدا بلکه برای آنکه مردم او را پاک و مقدس بدانند و دوست دارد که عملش به گوش مردم برسد این همان کسی است که در عبادت شرک نموده است.

دلیل ریاکاری چنین افرادی آن است که اگر مطمئن شوند از عمل آنها کسی با خبر نمی شود و تقدیر و تشویقی در بین نیست هرگز آن کار را انجام نمی دهند و اگر هم گاهی در خلوتکار خوب انجام دهند در اجتماع برای مردم بازگو می کنند و بارها و بارها می گویند تا به حساب خود زحمتشان از بین نرود.

ص: ۴۹۰

۱- دعای چهل و هفتم صحیفه

۲- سفینه البحار ج ۱ ص ۴۹۹

هر چیزی را آفتی می زند ریا آفت اعمال ماست ریا وضع بسیار پیچیده و مرموزی دارد که بیشتر مردم را گرفتار می کند مگر کسانی به طور واقعی خود را به خدا سپارند و از او مدد بگیرند و چون امام سجاد علیه السلام از خدا مدد و یاری بخواهند.

کلمه ریا از رویت گرفته شده و به معنای انجام دادن کارها به قصد و انگیزه و موقعیت و محبوبیت در دل مردم است بر همین اساس رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم احساس خطر کرد و نگرانی خود را درباره این حالت زشت درباره امت خویش ابراز داشت.

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافَ عَلَيْكُمْ الشِّرْكَ الْأَصْغَرَ قَالُوا وَ مَا الشِّرْكَ الْأَصْغَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ : الرِّيَا (۱)

بالاترین ترسی که درباره شما دارم شرک کوچک است عرض کردند ای رسول خدا شرک کوچک کدام است؟ فرمود ریا

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۲)

وای بر نمازگزاران که از نماز خویش غافلند همان کسان که ریا کنند.

مولایمان علی علیه السلام در گروه بندی افراد جامعه می فرماید گروهی اینچنین هستند:

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ وَ شَمَّرَ مِنْ ثَوْبِهِ وَ زَخِرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْإِيمَانِ وَ اتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ (۳)

با اعمال آخرت دنیا را می طلبند و با اعمال دنیا در پی کسب مقام های معنوی آخرت نیستند خود را کوچک و متواضع جلوه می دهند گام ها را ریا کارانه و کوتاه بر میدارند دامن خود را جمع کرده خود را همانند مومنان واقعی می آریند و پوشش الهی را وسیله نفاق و دورویی و دنیا طلبی خود قرار می دهند.

ص: ۴۹۱

۱- مجموعه ورام ج ۱ ص ۱۸۷

۲- ماعون ۶ تا ۴

۳- نهج البلاغه خطبه ۳۲

همان بزرگوار نامه ای به برخی از ماموران مالیات در سال ۳۶ هجری برای فرماندار اصفهان مخنف بن سلیم فرستاده چنین می نویسد:

أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سِرِّائِرِ أَمْرِهِ وَ خَفِيَّاتِ عَمَلِهِ حَيْثُ لَا شَهِيدَ غَيْرُهُ وَلَا وَكِيلَ دُونَهُ وَ أَمْرُهُ أَلَّا يَعْمَلَ بِشَيْءٍ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ فِيمَا ظَهَرَ
فِيخَالِفَ إِلَى غَيْرِهِ فِيمَا أَسْرَّ وَ مَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرُّهُ وَ عَلَانِيَتُهُ وَ فِعْلُهُ وَ مَقَالَتُهُ فَقَدْ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ (۱)

او را به ترس از خدا در اسرار پنهانی و اعمال مخفی سفارش می کنم آنجا که هیچ گواهی غیر او و نماینده ای جز خدا نیست و سفارش می کنم که مبادا در ظاهر خدا را اطاعت و در خلوت نافرمانی کند و اینکه آشکار و پنهانش و گفتار و کردارش در تضاد نباشد امانت الهی را پرداخته و عبادت را بی ریا و خالصانه انجام دهد.

ایدل بیا که ما به پناه خدا رویم***ز آنچه آستین کوتاه و دست دراز کرد

فردا به پیشگاه حقیقت شوید***شرمنده رهروی که نظر بر مجاز کرد

حافظ مکن ملامت رندان که در ازل***ما را خدا ز زهد و ریا بی نیاز کرد

همان بزرگوار فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَ الدُّعَاءَ وَ لَمْ يَشْتَغِلْ قَلْبُهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ (۲)

خوش به حال کسی که عبادت خویش را برای رضای خدا انجام می دهد و قلبش به آنچه می بیند مشغول نمی شود.

ص: ۴۹۲

۱- نهج البلاغه نامه ۲۶

۲- کافی ج ۱ ص ۴۳

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بُغْضَتِهِ، وَ شَجِيَ مِنْ بَغِيْظِهِ، وَ سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ (۱)

خداوندا چه بسیار حسودی که به خاطر نعمت های من غصه دار شد و بغض گلویش را گرفت و با زبانش مرا آزار داد.

امام سجاد علیه السلام از جمله زجر کشیده های زخم زبان های مردمی است که بعد از شهادت پدر بزرگوارش حضرت سیدالشهدا علیه السلام به آن حضرت روا داشتند و چون بعد از حادثه کربلا مردم شام بیشترین بد زبانی ها را نسبت به آن بزرگوار داشتند وقتی از حضرت پرسیدند کجا به شما در سفر حادثه کربلا و بعد از آن بیشتر سخت گذشت سه بار فرمود: اَللَّسَانُ چُونِ بَا اِهَانَتِهَا وَ بَدِ گویی هایشان دل داغ دیده آن بزرگوار را آزرده اند. (۲) آری زبان هم می تواند منشا خیر و بندگی پروردگار و نشر فرهنگ ناب و اصیل قرآن و عترت باشد و هم سرچشمه ده ها گناه که در بعضی از موارد آن باید به کسی زبانش را مهار نکرده باید حد جاری کرد.

پس سزاوار است که زبان را در اختیار و کنترل گرفت و تربیتش کرد در غیر این صورت باعث زحمت خود و دیگران خواهد شد.

امیرالمومنین لعلی علیه السلام می فرماید:

اَللَّسَانُ سَبْعٌ اِنْ خُلِّيَ عَنْهُ عَقَرَ (۳)

زبان تربیت نشده درنده ای است که اگر رهاش کنی می گزد.

انسان فهمیده زبانش را بدون فکر و مشورت و سنجیدن رها نمی کند و برعکس آدم بی عقل و نادان هر چه بر زبانش آید می گوید بدون آنکه فکر کند. همان بزرگوار فرمود:

ص: ۴۹۳

۱- دعای چهل و نهم صحیفه

۲- نقل از نفس المهموم ص ۲۰۲

۳- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۶۰

لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ (۱)

زبان عاقل در پشت قلب اوست و قلب احمق در پشت زبانش قرار دارد.

قرآن زبان را یکی از شهادت دهندگان بر علیه اهل عذاب بیان می کند یعنی آنچه خطا و لغزش از زبان سر زده خود بازگو میکند تا کسی نتواند ادعا کند من نبودم که این خطا را مرتکب شدم.

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

روزی زبان ها و دست ها و پاهایشان درباره کارهایی که کرده اند علیه آنان شهادت می دهند.

زبان از شگفتی های آفرینش است زبان وسیله انتقال تاریخ گذشتگان به آیندگان است زبان مروح الاحکام و مبلغ دین خداست زبان گوینده حق و گاه خلاف آنچه عرض شد. هنگامی که جعده بن هبیره خواهرزاده مولایمان علی علیه السلام نتوانست در حضور امام علیه السلام سخن بگوید فرمود:

إِذَا لَمْ يَكُنْ لِسَانُكَ بَصِيحًا مِّنَ الْإِنْسَانِ، فَلَا يُسْرِعِدُهُ الْقَوْلُ إِذَا امْتَنَعَ، وَلَا يُمْهِلُهُ النَّطْقُ إِذَا اتَّسَعَ، وَإِنَّا لَأَاءَمْرَاءُ الْكَلَامِ، وَفِينَا تَنْشَبُتُ عُرْوَقُهُ، وَ عَلَيْنَا تَهْدَلْتُ غُصُونُهُ

آگاه باشید همانا زبان پاره ای از وجود انسان است اگر آمادگی نداشته باشد سخن نمی گوید و به هنگام آمادگی گفتار او را مهلت نمی دهد همانا ما امیران سخن می باشیم درخت سخن در ما ریشه دوانده و شاخه های آن بر ما سایه افکننده است.

بعد امام علیه السلام در ادامه خطبه به علل سقوط جامعه انسانی پرداخته و می فرماید:

وَاعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِذْ تَكُونُ فِي زَمَانِ الْقَائِلِ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ، وَاللِّسَانُ عَنِ الصِّدْقِ كَلِيلٌ، وَاللَّازِمُ لِلْحَقِّ ذَلِيلٌ، إِذْ هَلْهُ مُعْتَكِفُونَ عَلَى الْعِضْيَانِ، مُضْطَلِحُونَ عَلَى الْأَذْهَانِ (۳)

ص: ۴۹۴

۱- همان مدرک ۴۰

۲- نور ۲۴

۳- نهج البلاغه خطبه ۳۳۲

خدا شما را رحمت کند بدانید که همانا شما در روزگاری هستید که گوینده حق اندک و زبان از راستگویی عاجز و حق طلبان بی ارزشند. مردم گرفتار گناه و به سازشکاری همداستانند.

سقوط جامعه انسانی به بد زبانی مردم و نداشتن کنترل زبان است گاه دیده می شود اکثر مردم در شغل ها و حرفه های مختلف بد یکدیگر را می گویند و کمتر دیده شده که به عیوب خود پردازند که خود نیز یکی از افراد همین جامعه هستند باز مولایمان علی علیه السلام طریقه اصلاح جامعه را از بد زبانی و روحیه عیب جویی چنین می داند.

مَنْ بَدَأَ بِعُيُوبِ النَّاسِ فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ (۱)

هر کس بنا دارد به عیوب مردم پردازد ابتدا از خودش شروع کند.

شَرَّ النَّاسِ مَنْ كَانَ مُسْتَبَعًا لِعُيُوبِ النَّاسِ عُمِيًّا لِمَعَايِهِ (۲)

بدترین مردم کسی است که در مقام جستجو و پی گیر عیوب مردم و از دیدن عیوب خویش نایبناست.

به عیب خویش اگر راه بردمی صائب***به عیب جویی مردم چکار داشتی

زمین

اللَّهُمَّ اشْقِنَا الْعَيْثَ،... لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُوتِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ...اللَّهُمَّ اشْقِنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظُّرَابَ، وَ تَمَلُّ مِنْهُ الْجِبَابَ، وَ تُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَ تُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ.....اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳)

ص: ۴۹۵

۱- غررالحکم ۳۰۹۰

۲- وسایل ج ۷ ص ۶۰۶

۳- دعای نوزدهم صحیفه

خدایا ما را به وسیله باران سیراب فرما... بارانی که سبب می شود در اطراف زمینت گیاهان برویند... خدایا ما را بارانی ده که از آن دیم ها سیراب گردند و چاه ها پر شوند و رودها جاری گردند و درخت ها را به وسیله آن برویانی... پروردگار بر محمد و آل او درود فرست و از برکات آسمان ها و زمین روزی مان کن که تو بر همه چیز توانایی.

زمین در بین سایر کرات آسمانی چه در منظومه ما و چه بیرون از آن و در کهکشان ها و طبقات آسمان ها از ویژگی های خاصی برخوردار است.

اینکه فقط یک زمین وجود دارد جای بحث و کنکاش دارد با اینکه ارض در قرآن هیچ گاه به لفظ جمع یعنی ارضون نیامده ولی از قراین بعضی آیات و صراحت بعضی دعاها استنباط می شود بیش از یک زمین در بین مخلوقات الهی هست.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱)

خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفریده و از زمین نیز همانند آنها را خلق کرد و فرمان او بین هفت آسمان و زمین نازل می گردد تا بدانید خداوند بر همه چیز تواناست و خداوند بر همه چیز احاطه علمی دارد.

وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ ظَاهِرًا ضَمِيرٌ هُنَّ اشاره به سماوات است که همانطور آسمان ها هفتگانه است زمین هم هفت گانه است.

و نیز در دعای قنوت نمازها که بسیار معتبر است و در تمامی رساله های عملیه مراجع تقلید به عنوان دعای نمونه قنوت نماز نقل شده این گونه آمده:

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ص: ۴۹۶

پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار هفت آسمان و پروردگار هفت زمین است و پروردگار هر چیزی است که در آسمان ها و زمین ها و مابین آنهاست و پروردگار عرض بزرگ است حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده تمام موجودات است.

زمین محل سکونت ما انسان ها از برکات و ویژگی هایی خاصی برخوردار است محل زندگانی انبیاء و اولیاء الهی و نزول وحی و کتاب های آسمانی جایگاه کشت و زراعت و ارزاق موجودات زنده و در لایه هایش ذخایر گرانقدر مادی از طلا و نقره و فلزهای پرارزش و نفت و گاز و اورانیوم و بسیاری از چیزهایی که بشر هنوز به آنها دست نیافته و نیز محل کشت و زراعت معنوی انسان است.

در همین کره زمین انسان ها رشد معنوی و فرهنگی می یابند و استعدادهای خدادادی ایشان شکوفا می شود.

زمین ما از متنوع ترین مکان های دنیا از نظر آب و هوا و محیط زیست است و همین تحولات نشانی از جهان آخرت است.

فَأَنْظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

بنگر به آثار رحمت الهی که چگونه زمین را پس از مردنش زنده می کند به همین ترتیب مردگان را زنده می سازد و او بر همه چیز تواناست.

زمستان وقت مرگ زمین و بهار هنگام زنده شدن آن است این مرگ و حیات که محسوس به تمامی حواس ماست جای هیچ شک و شبهه را برای زنده شدن مردگان در جهان آخرت باقی نمی گذارد.

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲)

ص: ۴۹۷

۱- روم ۵۰

۲- حدید ۱۷

بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند ما آیات خود را برای شما بیان کردیم شاید به عقل آیید.

تعقل ما به این است که با این تغییر و تحول زمین غیر از اعتقاد به جهان آخرت از خواب زمستانی غفلت بیدار شویم تا حیات تازه پیدا کنیم و به حیات طیبه سالکان الی الله نایل آییم.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً (۱)

آن که کار شایسته انجام می دهد خواه مرد یا زن در حالی که اهل ایمان باشد به او زندگی پاکیزه خواهیم داد.

زندگی پاکیزه با تغییر حالات زشت نفسانی به حالات خوب نفسانی حاصل می شود.

اللَّهُ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (۲)

خداوند اوضاع هیچ ملتی را تغییر نمی دهد مگر آنکه در خود دگرگونی و تحول ایجاد کنند.

از بحث خارج نشویم و برای کسب اطلاعات بیشتر از وضع زمین به گفتار مولایمان علی علیه السلام بنگریم که چقدر زیبا به ترسیم نوع خلقت زمین و زیبایی هایش پرداخته و ما به ترجمه کلمات آن حضرت بسنده می کنیم.

خداوند زمین را در میان امواج خروشان دریا فرو برد دریایی که موج های بلند آن با هم برخورد می کردند گویی هر موجی به موج دیگر سیلی می زد و یکدیگر را به لرزه در می آورد دریایی که چون شتر مست فریاد می کشید و کف از دهان بیرون می ریخت و سپس به خاطر بار سنگینی که حمل می کرد (یعنی زمین) از تلاطم افتاد و آرام و فروتن شد و زمین سینه خود را به آن مالید هیجانش فروکش کرد.

وقتی زمین نرم و سست شد که شانه هایش بر روی آب می غلتید و پس از برخاستن امواج آرام و خوارشد و مثل اسب سرکشی که بر او دهنه بزنند اسیر و فرمانبردار گردید.

ص: ۴۹۸

۱- نحل ۹۷

۲- رعد ۱۱

زمین در آن آب فراوان و عمیق و پرموج جای گرفت و گسترش یافت. و دریا را از خودبینی و سرکشی و بلند پروازی موج هایش بازداشت. و امواج را با خروش و تندی که داشت مهار کرد تا از سبک سری و حرکت های خود خواهان برخوردار ایستد و هنگامی که جنب و جوش شدید آب با حمل کوه های بزرگ آرام گردید جوی ها و چشمه ها از فراز کوه ها بیرون آورد و در شکاف بیابان ها و زمین های بزرگ آرام شد و بر خود نجبید. و نیز زمین به جهت فرو رفتن کوه ها در گوشه های سطح آن و نصب شدن در اعماق آن از حرکت باز ماند. سپس پروردگار بین زمین و آسمان را فضای باز قرار داد و نعمت ها و او را برای نفس کشیدن ساکنین زمین و وزیدن نسیم آماده ساخت. اهل زمین را در زمین ساکن فرمود و هر چه مورد نیازشان بود فراهم آورد و بعد زمین های خشک و بدون گیاه را که محروم از آب رودخانه ها و چشمه ها بودند توسط باران زنده کرد. و قطعه های ابرها را به هم پیوند داد تا آب فراوان باران که در ابرها بود مانند دوغی که در مشک است از این طرف به آن طرف به گردش در آید. و برق ابر در اطراف درخشید و تا درخشش آن در دل ابرهای سیاه به هم پیوسته و سپید بر هم نشسته سستی نیاورند. پروردگار از آن ابرها باران تند و پی در پی روان گردانید و آن ابرهای پر باران به زمین نزدیک شدند و باد جنوب آنها را نوازش داد تا بار خود را بر زمین فرو آورند سینه نزدیک زمین آوردند و آن بار گرانی را که برداشته بودند بر زمین افکندند و هر چه آب داشتند بیاریدند و در نتیجه خداوند از زمین های خشک گیاه بیرون آورد و از کوه های کم گیاه سبزه پدیدار ساخت و زمین به خاطر سبزی و خرمی که به وجود آمده بود در شادی به شگفت آمد و لباس نرم گلها از گردنبندهایی از گلهای تازه و به هم پیوسته خودپسندی پیشه ساخت و فخر فروشی کرد. در حالی که این همه را پروردگار خوراک

مردم و روزی جانداران قرار داده و برای مردمان در اطراف زمین راه ها و دره ها و جاده هایی قرار داد تا راه را گم نکنند. بعد از آنکه پروردگار زمین را آماده ساخت و فرمان خود را به اجرا در آورد آفرینش آدم علیه السلام را از میان خلق برگزید و او را نخستین آفریده خود قرار داد و در بهشت خویش ساکنش نمود و روزی فراوان در اختیارش گذاشت و آنچه نباید انجام دهد به او آموخت و به او توجه داد که اگر به منع شده ها عمل کند در معرض معصیت پروردگار قرار خواهد گرفت و خود را به خطر خواهد انداخت. ولی آدم علیه السلام به کاری که خداوند نهی فرموده بود به اراده خود اقدام کرد و خداوند پس از توبه آدم او را به زمین فرستاد تا زمین توسط نسل او آباد شود و از جانب پروردگار برای بندگان او حجتی باشد. (۱)

زندگی

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى بِحُكْمِ اللَّهِ، شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ، وَ أَخَذَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تَفْتِنِّي بِمَا أَعْطَيْتَهُمْ، وَ لَا تَفْتِنَّهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي فَأَحْسَدَ خَلْقَكَ، وَ أَعْمَطَ حُكْمَكَ (۲)

حمد مخصوص پروردگار است و من به حکمش راضی هستم شهادت می دهم که خداوند نیاز زندگی بندگانش را عادلانه تقسیم فرموده و با جمیع خلقش به فضل و احسان رفتار نموده الها بر محمد و آل او درود فرست و مرا به داده هایت بر بندگانت امتحان مکن و ثروتمندان را به خاطر آنچه را که به من نداده ای گرفتار کبر و نخوت مفرما که بر بندگانت حسادت ورزم و حکم و مقدراتت را سبک شمارم.

زندگی یعنی مجموعه کارها و اتفاقاتی که به طور طبیعی و گاه مصنوعی از اوان طفولیت تا پایان عمر برای انسان رخ می دهد که در تقسیم بندی آن به علت پیچیدگی هایش باید

ص: ۵۰۰

۱- نهج البلاغه خطبه ۹۰

۲- دعای سی و پنجم صحیفه

اعتراف کرد که عاجزیم ولی اگر آب دریا را نتوان کشید به اندازه رفع تشنگی می توان مطالبی از آن دریافت کرد.

زندگی کلام آشنای تمامی جوامع بشری است اما چگونگی و ترکیب آن برای بسیاری از مردم جهان ناآشناست یعنی چگونه زیستن را نمی دانند در نتیجه گرفتار اشتباهات بزرگی در زندگانی خود می شوند که تا پایان عمر قابل جبران نیست پس مهم آن است که بدانیم زندگی را چگونه ترتیب دهیم که چون زنبور عسل پس از کیلومترها پرواز و سراغ گل ها و ریاحین رفتن محصول آن عسل مصفا و گوارا باشد مردان و زنانی که تشکیل خانواده می دهند و زندگانی زناشویی خویش را آغاز می کنند قبل از هر چیز باید از آداب زندگی و شرایط ارزشی و معنوی بعد از مسایل مادی توجه کنند و چشم بسته زندگی را آغاز نکنند.

در اینجا لازم است یک فهرست کوتاهی از قسمتی از مفهوم زندگی که باید درباره آن اطلاعات کافی داشته باشیم ارائه دهم شاید در این رهگذر معیار زیستن و زندگی برایمان به دست آید.

در انتخاب همسر بیش از هر چیز به اصالت و نجابت خانواده دختر یا پسر توجه کنیم.

چرا که به بیان مولایمان علی علیه السلام

إِذَا كَرَّمَ أَصْلَ الرَّجُلِ كَرَّمَ مَغْيِبُهُ وَ مَحْضَرُهُ (۱)

کسی که ریشه خانوادگی اش شریف است در حضور و غیاب و در هر حال دارای فضیلت و صفات پسندیده است.

تشکیل زندگی با کسی که از ارزش های معنوی دور است بی شک اشتباه و خطای بزرگی است و باعث فساد خانواده و نسل می شود و جامعه را نیز به فساد و تباهی خواهد کشاند. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در چند روایت ازدواج با این چند گروه را نهی فرمود:

ص: ۵۰۱

۱- مشرک و کافر ۲- فاسق ۳- شرابخوار ۴- بداخلاق ۵- آنان که رعایت عفت و پاکدامنی را نمی نمایند. (۱)

و اصولاً در روایات همانند بودن در عفت و آسان گیری در زندگی است مردی به امام حسن علیه السلام عرض کرد دختری دارم به نظر شما با که وصلت کند؟ فرمود با کسی که با تقوا و با ایمان باشد چه اگر او را دوست بدارد مورد احترامش قرار می دهد و اگر دشمنش بدارد به وی ستم نمی کند.

یک سری وظایف را در زندگی زن باید رعایت کند و یک تکالیفی هم بر عهده مرد است که اگر حقوق متقابل طبق دستورات قرآن و عترت به اجرا در آید زندگی شیرین و با طراوت می شود و در غیر این صورت هر روز و شب درگیری و نزاع است و فضای خانه و خانواده غبارآلود به غم و غصه خواهد بود.

بعد از رعایت مسایل فوق نوبت به آداب فرزنددار شدن می رسد که این نیز نقش مهمی را برای زندگی بهتر دارد.

اولاً پدرها و مادرها قبل از فرزنددار شدن برای آنکه نسل پاکیزه ای داشته باشند به درگاه الهی دعا کنند و چون زکریا علیه السلام عرض کنند.

رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (۲)

پروردگار مرا از جانب خویش فرزندی پاکیزه بخش که تو شنوای دعایی

مادران پس از انعقاد نطفه نهایت دقت را در خوردنی ها و آشامیدنی ها و معاشرت هایشان داشته باشند زیرا که جنین و فرزند با تغذیه مادر فلز وجودش شکل می گیرد.

از دوران حمل که بگذریم هنگام شیر دادن نیز همان دقت لازم است چنانچه امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید:

تَحَيَّرُوا اللَّرْضَاعَ كَمَا تَتَحَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ فَإِنَّ الرِّضَاعَ يُعَيِّرُ الطَّبَاعَ (۳)

ص: ۵۰۲

۱- وسایل الشیعه ج ۷ ص ۵۱ تا ۵۳

۲- آل عمران ۳۹

۳- سفینه البحار ج ۱ ص ۵۳۳

همان طور که با دقت نظر انتخاب همسر می کنید در مورد شیر دادن فرزند دقت کنید زیرا که شیر باعث تغییر طبیعت انسان می شود.

دوام زندگی هم به احترام متقابلی است که در خانواده حکم است و پاکیزه نگهداشتن خانه یا محیط کار از هر گناه زیرا که گناه ثمره ای جز ناهنجاری در خانه و بیرون خانه ندارد.

پدرها و مادرها پس از آنکه خود را به وظایف معنوی خویش عمل کردند خود به خود خانه فضای سالم پیدا خواهد کرد و مرحله بعد کمک کردن به فرزندان برای خوب بودن و خوب شدن به این دو بیان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم توجه کنید.

رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا وَلَدَهُمَا عَلَيَّ بِرَّهِمَا (۱)

خدا رحمت کند پدر و مادری را که فرزندان خود را به کارهای خوب که خود انجام می دهند کمک می کنند.

مردی در محضر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد:

مَا حَقُّ بَنِي هَذَا؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: تُحْسِنُ اسْمَهُ وَآدَبَهُ وَضَعَهُ مَوْضِعًا حَسَنًا (۲)

حق فرزند بر من چیست؟ فرمود نام خوب برای او انتخاب کنی و به ادب و تربیت صحیح مودب نمایی و یک کار مناسب برایش تدارک بینی.

همان بزرگوار از پدر و مادرهای آخرالزمان گله می کند که چرا هیچ یک از فرایض دینی را به آنان نمی آموزند و اگر خود فرزندان پاره ای از مسایل دینی را فرا گیرند آنها را از ادای این وظیفه مقدس باز می دارند و تنها به این قانع هستند که فرزندان شان متاع ناچیزی از دنیا به دست آورند.

فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ (۳)

من از این قبیل پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.

ص: ۵۰۳

۱- کافی ج ۲ ص ۹۴

۲- همان مدرک

۳- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۶۲۵

پدران و مادران توجه دارند که اثرات تربیت فرزندان تو نوع رفتار و فعالیت هایشان فقط در محیط زندگی خانه تاثیر نمی گذارد باز تاکید می کنم جامعه نیز از این موضوع اثر می پذیرد به همین جهت سفارش می کنیم که مواظب دختر و پسرهایتان باشید و چون زین العابدین علیه السلام در حقشان دعا کنید که انشاء الله همگی خوب و با ارزش و مفید به حال پدر و مادرها و اجتماع باشند.

وَاجْعَلْهُم اَبْرَارًا اَتَقِيَاءَ بَصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ وَ لِاَوْلِيَائِكَ

خداوندا فرزندانم را از جمله نیکان و متقین و صاحبان بینش و حرف شنو و فرمانبرداران دستورات خودت و اولیای خودت قرار ده.

وَ اَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَ لِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ،
إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ (۱)

خدایا به جمیع مردان و زنان مسلمان و مومن همانند آنچه را که برای خود و فرزندانم سوال کردم عطا کن هم در این دنیا و هم در آخرت زیرا که تو به ما نزدیکی و ما را اجابت می کنی.

زورگویی

وَ كَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَ نَصَبٍ لِي شَرَكَ مَصَايِدِهِ، وَ كَمْ مِنْ سَحَابٍ مَكْرُوهٍ جَلِيَّتْهَا عَنِّي (۲)

خدایا چه زورگو و ستمگری که با مکر خویش بر من ستم نمود و دام شکارهایش را برایم گسترد...الها چه بسیار ابرهای تیره شر را از من دور ساختی.

ص: ۵۰۴

۱- دعای بیست و پنجم صحیفه

۲- دعای چهل و نهم صحیفه

زورگویی و یا به عبارتی حرف ناحق زدن در هر زمینه که باشد مذموم و گاهی که تبدیل به زورگیری و تجاوز به مال و ناموس مردم می شود حرام و در مواردی باید شخص خطا کار و متجاوز قصاص شده و یا بر او حد جاری کنند.

آدم های زورگو سرنوشت خوبی ندارند تجربه نشان داده که عاقبت گرفتار نتیجه اعمال خویش خواهند شد و به فلاکت و بدبختی خواهند افتاد.

چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

الْبَغْيُ يُوجِبُ الدَّمَارَ (۱)

زورگویی و سرکشی سبب ویرانی و نابودی است.

و نیز فرمود:

إِيَّاكَ وَ الْبَغْيَ فَإِنَّهُ يُعَجِّلُ الصَّرْعَةَ وَ يُحِلُّ بِالْعَامِلِ بِهِ الْعِبْرَ (۲)

از زورگویی پرهیز که این کار انسان را زود به خاک می افکند و زورگو را درس عبرت می سازد.

و نیز فرمود:

مَنْ سَلَّ سَيْفَ الْبَغْيِ قُتِلَ بِهِ (۳)

کسی که اسلحه سرکشی (چاقو، چماق، قمه، اسلحه گرم) برکشد خود به وسیله آن کشته شود.

عوامل زورگویی گاه قدرت بازو و یا سیاسی و یا ثروت است و قرآن در یک جمله فرمود:

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ (۴)

این انسان وقتی احساس بی نیازی و قدرت می کند سرکشی و طغیان می کند.

البته باید صاحبان قدرت که به زور متوسل می شوند این را هم بدانند:

فَأَمَّا مَنْ طَغَى وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۵)

آن کسی که طغیان کرده و زندگی دنیا را بر آخرت مقدم داشته جایگاهش دوزخ است.

- ١- غررالحكم ص ١٠٢
- ٢- كافي ج ٢ ص ٣٢٧
- ٣- نهج السعاده ج ١ ص ٥٢
- ٤- علق ٦
- ٥- نازعات ٣٧ تا ٣٩

در کنار آیه فوق بیان مولایمان علی علیه السلام جالب است که می فرماید:

إِنَّ الْبَغِيَّ يَقُودُ أَصْحَابَهُ إِلَى النَّارِ (۱)

سرکشی سرکشان را به سوی آتش می کشاند.

باید از آه مظلوم ترسید که دیر و یا زود دامنگیر ظالم خواهد شد. بنابراین زور گویان به این اندیشه نباشند که بر سکوی پیروزی ایستاده اند بلکه لبه پرتگاه دوزخ ایستاده اند.

امام سجاد علیه السلام در همین دعای چهل و نهم صحیفه عبارات عجیبی را با خدای خویش در میان گذاشته که هر شخص عاقل و فهمیده بخواند درس عبرت می گیرد و متوجه می شود که خدای شاهد انتقام گیرنده آه و خون مظلوم است.

ای خدای من بر من نظر فرمودی و دیدی ناتوانی ام را در برابر سختی ها و عجزم را از انتقام گرفتن آنکه قصد جنگ با من را نموده و تنهایی ام را در برابر تعداد دشمنانم و آنکه برای گرفتار ساختنم در کمین نشسته است.

و تو پروردگار من پیش از آنکه از تو یاری بخواهم یاریم نمودی و پشتم را با نیرویت محکم ساختی و برندگی دشمنم را شکستی و پس از آنکه تعدادی بود تنهائیش نمودی و مرا بر وی پیروز کردی و آنچه را که برایم نشانه گرفته بود به خودش برگرداندی در حالی که خشمش التیام نیافته بود و کینه اش فرو ننشسته بود او را باز گرداندی سرانگشتان خود را به دندان گزید در حالی که یارانش به وعده هایشان عمل نکردند.

در بین دعای امام علیه السلام یادآوری این آیه مناسب است که در روز قیامت ستمگر و زورگو چنین وضعی را دارد:

وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲)

ص: ۵۰۶

۱- کافی ج ۲ ص ۳۲۷

۲- فرقان ۲۷ و ۲۸

روزی که ظالم دست خود را از روی حسرت به دندان گرفته و می گوید ای کاش با رسول خدا راهی را برگزیده بودم وای بر من ای کاش فلانی را دوست خود قرار نمی دادم امام علیه السلام در ادامه دعا عرض می کند الها چه ستمگری که با مکر خویش بر من ستم نمود و دام شکارهایش را برایم گشود و مراقبانی برایم گماشت و در کمین نشست مانند در کمین نشستن حیوان درنده.... وقتی تو ای خدای من که منزّه و برتری دغل بازی پنهان و زشتی کارش را مشاهده کردی او را با سر در گودالی که برای شکار کننده بود انداختی و در همان پرتگاه کنده شده به دستش جایش دادی تا پس از طغیانش با ذلت در دامی افتاد که فکر می کرد مرا در آن بیفکند و اگر لطف و مرحمت تو نبود نزدیک بود من در آنچه او در آن افتاد می افتادم.

زهد و زاهد

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صِيحْبَةَ الْفُقَرَاءِ، وَ أَعِنِّي عَلَى صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَآئِيهِ فَادْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْآخِرَةِ وَ اجْعَلْ مَا حَوَّلْتَنِي مِنْ حُطَامِهَا، وَ عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَى جِوَارِكَ وَ وُضِيْلَةً إِلَى قُرْبِكَ وَ ذَرِيْعَةً إِلَى جَنَّتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ. (۱)

پروردگارا علاقه هم صحبتی با فقرا را در دلم انداز و در این مسیر صبر نیکو به من عطا فرما و آنچه از متاع بی ارزش و نابود شدنی دنیا از من گرفتی آنها را برای جهان آخرت برایم ذخیره نما و آنچه از دارایی دنیا به من عنایت کرده ای و آنچه از دنیا برایم پیش انداخته ای وسیله رسیدن به جوار رحمت و پیوستن به قربت و راهی به سوی بهشت قرار ده زیرا که تو صاحب فضل و کرم بزرگی هستی و تویی جواد و کریم.

صحبت و کلام امام زین العابدین علیه السلام معنای زهد در دنیا را در بر دارد چرا که اولاً متاع دنیا را بی ارزش و نابودشدنی می داند و خود را دل بسته به آن نمی داند و ثانياً با بی اعتنایی

ص: ۵۰۷

به زرق و برق دنیا بودن در دنیا و انجام اعمال خوب در آن را مقدمه پیوستن به جوار رحمت الهی و ورود به بهشت بیان می فرماید. پس زهد کسی است که ضمن داشتن نعمت های دنیا دلبسته به آنها نباشد و بلکه آن نعمت ها را خرج آخرت کند.

امیرالمومنین علی علیه السلام در بیان صفت زاهدان می فرمود:

كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا فَكَانُوا فِيهَا كَمَنْ لَيْسَ مِنْهَا عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يُبْصِرُونَ وَ بَادَرُوا فِيهَا مَا يَحْدَرُونَ تَقَلَّبُ أْبْدَانِهِمْ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَهْلِ الْآخِرَةِ وَ يَرُونَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُعْظَمُونَ مَوْتَ أَجْسَادِهِمْ وَ هُمْ أَشَدُّ إِعْظَامًا لِمَوْتِ قُلُوبِ أَحْيَائِهِمْ (۱)

گروهی از مردم دنیایند که دنیاپرست نمی باشند پس در دنیا زندگی می کنند اما آلودگی دنیاپرستان را ندارند در دنیا با آگاهی و بصیرت عمل می کنند و در ترک زشتی ها از همه پیشی می گیرند بدن هایشان به گونه ای در تلاش و حرکت است که گویا میان مردم آخرتند اهل دنیا رامی نگرند که مرگ بدن ها را بزرگ می شمارند اما آنها مرگ دل های زندگان را بزرگتر می دانند.

زهد و میل دو معنای مقابل هم هستند زهد یعنی بی میلی و میل یعنی رغبت و کشش البته زهد با بی میلی که بیمار نسبت به غذا دارد تفاوت دارد چون اشخاصی هستند که به غذا و میوه و خوراکی ها و نوشیدنی های بسیار خوشمزه بی میل اند نه به خاطر ترک دنیا بلکه به علت نارسایی های جسمانی زاهد در عین حالیکه از نعمت های متنوع دنیا تنفر ندارد اما دل به آنها نبسته و دلبستگی ندارد.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

اِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُبْصِرَكَ اللَّهُ عَوْرَاتِهَا وَ لَا تَغْفُلْ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ عَنْكَ (۲)

در دنیا بی رغبت باش تا خدا تو را به زشتی های آن بینا سازد و بی خبر مباش که از تو غافل نیستند.

ص: ۵۰۸

۱- نهج البلاغه خطبه ۲۳۰

۲- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۳۸۳

نتیجه دل نیستن به نعمت های دنیا و عبور از کنار آنها با صفا شدن دل از زنگارها و غبارها است. کسانی که علاقه مند هستند به مقام حکمت و بصیرت باطن برسند مطمئن باشند با دل بستگی به دنیا امکان نخواهد داشت.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَائِهَا وَ دَوَائِهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ (۱)

هر کس زهد در دنیا نماید خداوند تبارک و تعالی حکمت را در قلبش ثابت می کند زبانش را گویا می نماید و بینای به عیوب دنیا می گردد به طوری که در دو دوی دنیا را می شناسد و با ایمانی سالم از دنیا به خانه سلامتی و آرامش یعنی جهان آخرت برده می شود.

تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي*** گوش نامحرم نباشد جام پیغام سروش

گوش کن پند ای پسر وز بهر دنیا غم مخور*** گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت گوش

شاید بعضی برداشت غلطی از زهد داشته باشند و فکر کنند اگر حلال خدا را بر خود حرام کردند زاهدند.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ (۲)

بگو چه کسی زینت هایی که خدا برای بندگانش آفریده و همچنین روزی های پاکیزه را تحریم کرده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید زهد آن نیست که زاهد مال را ضایع کند و چیزهای حلال را بر خورد حرام کند بلکه زهد در دنیا به این معنی است که به آنچه در اختیار داری بیشتر از آنچه نزد خداوند است اطمینان نداشته باشی. (۳)

ص: ۵۰۹

۱- منهاج البرعه ج ۵ ص ۳۲۸

۲- اعراف ۳۲

۳- سفینه البحار ج ۱ ص ۵۶۸

وَ اعْمُرْ لَيْلِيَ بِإِقْظَى فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَ تَفَرَّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَ تَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ (۱)

خدایا شبم را آباد کن به بیدار ماندن برای بندگی ات و خلوت نمودن برای نماز شب و مناجات و آرامش گرفتن فقط با تو یکی از چیزهایی باعث آبادانی شب مومن می شود بیداری و مناجات و نماز شب و سر به خاک ساییدن است سجده یعنی بالاترین مرتبه تواضع و خضوع به درگاه پروردگار

خداوند در توصیف اهل ایمان می فرماید

سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ (۲)

در چهره هایشان اثر و نشان سجود است.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

إِنِّي لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ تَرَى جَبْهَتَهُ جُلْحَاءَ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ (۳)

من برای مرد نمی پسندم که بالای پیشانی صاف دیده شود و اثری از سجود در آن نباشد.

بیان امام علیه السلام به آن معنا نیست که بعضی آنقدر به پیشانی فشار بیاورند که همه جا انگشت نما باشند و به عبارتی ریاکارانه نباشد و شاید منظور امیرالمومنین علی علیه السلام از کسانی است که اهل سجده و عبادت نیستند و یا سجده های طولانی و مستحب به جا نمی آورند والا سجده ریایی حتی مورد ملامت هم قرار گرفته است.

همان بزرگوار فرمود رسول خدا مردی را دید که پیشانی زخم شده است فرمود هر که از در زور با خدا درآید خداوند او را مغلوب کند و هر که از در فریب با خدا درآید.

ص: ۵۱۰

۱- دعای چهل و هفتم صحیفه

۲- فتح ۲۹

۳- بحار ج ۷۱ ص ۳۴۴

خداوند فریض دهد چرا پیشانیت را از زمین دور نمی داری و چرا صورتت را زشت کرده ای؟ (۱)

امام سجاده علیه السلام همان طور که از نام شریفشان پیداست زیاد اهل سجده بود که لقب سیدالساجدین گرفت یک روز همراه غلامش به صحرا رفت غلامش در پی آن گرمی روانه شد دید که روی سنگی سخت و درشت به سجده افتاده است برشمرد و دید هزار مرتبه گفت:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا (۲)

آن گاه سر از سجده برداشت.

امام باقر علیه السلام در شرح حال پدر بزرگوار امام سجاده علیه السلام می فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام به یاد هر یک از نعمت هایی که خدا به او داده بود می افتاد سجده می کرد. هر آیه ای از کتاب خدای عزوجل که در آن سجده بود تلاوت می کرد به سجده می افتاد هر شر و کیدی را خدای تعالی از او دفع می کرد سجده می نمود از هر نماز واجبی که فراغت می یافت سجده می کرد هر گاه موفق می شد میان دو نفر را اصلاح دهد سجده می کرد در تمام سجده گاه های بدنش اثر سجده بود و از همین رو سجاده نام گرفت. (۳)

همه می دانیم چیزی که باعث سقوط شیطان شد نافرمانی خدا در سجده بود پس معلوم می شود که همه کسانی که اهل نماز نیستند و سر به خاک نمی ساینند دنباله رو شیطانند و طبق بیان امام صادق علیه السلام شیطان از ترک سجده خود غصه می خورد مخصوصاً وقتی می بیند مرد و یا زن با ایمانی در خلوت و دور از چشم خلق در حال سجده خدا را بندگی می کنند.

ص: ۵۱۱

۱- بحار الانوار ج ۷۱ ص ۳۴۳

۲- بحار ج ۸۵ ص ۱۶۶

۳- علل الشرایع ص ۲۳۳

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اطَّالَ السُّجُودَ حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ قَالَ الشَّيْطَانُ وَאוِيْلَاهُ! أَطَاعُوا وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدُوا وَ آبَيْتُ (۱)

هر گاه بنده در جایی که کسی او را نمی بیند سجده طولانی کند شیطان گوید: او ایلا آنان فرمان بردند و من نافرمانی کردم و سجده کردند و من نکردم.

چه سجده ای کامل است؟ سجده ای که طولانی باشد یا سجده ای که لحن و سوز مناجات و عبارات زیبا برای سجده کننده باشد؟ دیدگاه صحیح آن است که در حال سجده دل از همه علایق غیر خدا تخلیه شدن و از رذایل اخلاقی منزه گشتن و به تعبیر مولایمان علی علیه السلام هم سجده جسمانی باشد و هم روحانی که امام صادق علیه السلام می فرماید.

مَا خَسِرَ وَاللَّهِ مَنْ آتَى بِحَقِيقَةِ السُّجُودِ وَ لَوْ كَانَ فِي الْعُمُرِ مَرَّةً وَاحِدَةً (۲)

به خدا قسم زیانکار نباشد هر که حتی در تمام عمر یکبار سجده حقیقی به جای آورد.

و اما آنچه امیرالمومنین علیه السلام فرمود سجده (گاه جسمانی است) و آن عبارت از گذاشتن قسمت های شریف صورت بر خاک و نهادن کف دست ها و زانو ها و نوک پاها به زمین با خشوع قلب و نیت خالص (و گاه روحانی است) و سجود روحانی خالی کردن دل است از امور فانی و روی آوردن با تمام وجود به آنچه ماندنی و جاویدان است و برکندن لباس کبر و غرور و بریدن علایق و تعلقات دنیوی و آراسته شدن به خلق و خوی های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم (۳)

حالا اگر جمع بین سجده جسمانی و روحانی شود به حقیقت سجود نایل شده و بیان امام صادق علیه السلام مصداق پیدا می کند و ما عاجزانه از خداوند توفیق چنین سجده هایی را طلب می کنیم.

ص: ۵۱۲

۱- ثواب الاعمال ص ۵۶

۲- مصباح الشریعه ص ۱۰۸

۳- غررالحکم ۲۲۱۱

یک نکته باقی می ماند و آن عبارت است از اینکه چرا فقط به خاک و زمین سجده کنیم؟ پاسخ امام صادق علیه السلام خواندنی است و جوابی هم برای کسانی است که بر غیر خاک و زمین سجده می کنند.

هشام بن حکم به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به من خبر دهید که سجده بر چه چیزهایی جایز است و بر چه چیزهایی جایز نیست؟ حضرت فرمود:

السُّجُودُ لِمَا يَجُوزُ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ أَوْ عَلَى مَا أَنْتَبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا أَكَلَ أَوْ لَبَسَ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الْعِلَّةُ فِي ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّ السُّجُودَ خُضُوعٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ عَلَى مَا يَأْكُلُ وَيَلْبَسُ لِأَنَّ أَتْنَاءَ الدُّنْيَا عَبِيدُ مَا يَأْكُلُونَ وَيَلْبَسُونَ وَالسَّاجِدُ فِي سُجُودِهِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَضَعَ جَبْهَتَهُ فِي سُجُودِهِ عَلَى مَعْبُودِ أَتْنَاءِ الدُّنْيَا الَّذِينَ اغْتَرَّوْا بِغُرُورِهَا وَالسُّجُودُ عَلَى الْأَرْضِ أَفْضَلُ لِأَنَّهُ أَبْلَغُ فِي التَّوَاضُّعِ وَالْخُضُوعِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۱)

سجده کردن جز بر زمین یا آنچه از زمین می روید به جز خوردنی ها یا پوشیدنی هایش جایز نیست.

عرض کردم: فدایت شوم علت این امر چیست؟

فرمود: چون سجده خضوع در برابر خدای عزوجل است بنابراین سزاوار نیست که بر آنچه خوردنی و پوشیدنی است سجده شود زیرا دنیاپرستان بنده خوراک و پوشاکند و کسی که سجده می کند در حال سجده خدای تعالی را می پرستد پس سزاوار نیست که در سجده پیشانی خود را بر معبود دنیا پرستان فریفته دنیا بگذارد سجده کردن بر زمین بهتر است چون تواضع و خضوع در برابر خدای عزوجل را بیشتر می رساند.

سجده اوج عبادت بندگان مومن خداست و کاری است عام و جهان شمول چرا که:

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۲)

ص: ۵۱۳

۱- علل الشرایع ص ۳۴۱

۲- رعد ۱۵

هر چه در آسمان ها و زمین است سجده خدا می کنند.

در پایان این بحث به ذکری از ذکرهای امام سجاد علیه السلام در حال سجده توجه کنیم.

طاووس یمنی می گوید: نیمه شبی داخل حجر اسماعیل کنار کعبه معظمه شدم امام زین العابدین علیه السلام را دیدم که در حال سجده کلامی را تکرار می کند.

إِلَهِي عُبَيْدَكَ بِفِنَائِكَ مَسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ

پروردگارا بنده کوچک و دردمند و فقیر تو به آستانه رحمت رو آورده.

طاووس می گوید بعد از آن هر گونه بلا و مرضی که برایم واقع شد چون به نماز ایستادم بعد سر به سجده نهادم و این کلمات را گفتم بهبودیافتم و مشکل من حل شد. (۱)

سخاوت

وَ أَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ..... وَ السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِثَارِ التَّفَضُّلِ (۲)

خداوندا لباس زینت پرهیزکاران را به من بپوشان در توسعه دادن عدالت... و سبقت گرفتن به سوی فضیلت و ایثار و احسان و بخشش به دیگران.

خداوند تبارک و تعالی در بین فضایل اخلاقی برای انسان سخاوتمند امتیاز خاصی قایل است گرچه کافر باشد.

سخاوت باعث می شود که شخص بخشنده از عذاب دنیا و شدت عذاب آخرت در امان باشد به این دو روایت دقت کنید:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ لَا تَقْتُلِ السَّامِرِيَّ فَإِنَّهُ سَخِيٌّ (۳)

خدای عزوجل به موسی علیه السلام وحی فرمود که: سامری را نکش زیرا او بخشنده و سخی است.

ص: ۵۱۴

۱- منتهی الامال ج ۲ ص ۱۴

۲- دعای بیستم صحیفه

۳- کافی ج ۴ ص ۴۱

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم به فرزند حاتم طائی فرمود:

دُفِعَ عَنْ أَبِيكَ الْعَذَابُ الشَّدِيدُ لِسَخَاءِ نَفْسِهِ (۱)

عذاب سخت از پدر تو چون بخشنده بود دفع شد.

باز در دو روایت آمده که عده ای اسیر یاغی و سرکشی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آوردند: آن حضرت به امیر مومنان علی علیه السلام دستور داد گردنشان را بزند و سپس فرمود یک نفر از آنان را جدا کند و او را نکشد آن مرد گفت چرا مرا از دوستانم جدا کردی در حالی که گناه همه ما یکسان است؟

پیامبر فرمود خدای عزوجل به من وحی فرمود که تو بخشنده قوم خود هستی و تو را نکشم مرد گفت پس من نیز گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست و تو رسول خدا هستی. (۲)

برخورد ما نیز با آدم های سخاوتمند و غیر آنها باید متفاوت باشد یعنی اگر در بین مردم انسان های سخی و اهل ریزش سراغ داریم گرچه اهل لغزش باشند احترام ویژه قایل شویم چون همین صفت روزی سبب نجاتشان می شود.

همان بزرگوار فرمود:

تَجَافُوا عَنْ ذَنْبِ السَّخِيِّ فَإِنَّ اللَّهَ آخِذٌ بِبَيْدِهِ كُلَّمَا عَثَرَ (۳)

از خطای انسان سخاوتمند در گذرید زیرا که هر بار بلغزد خداوند دست او را می گیرد.

این صفت آنقدر شیرین و لطیف است که اگر طرف سرا پا نقص و عیب باشد صفت جود و بخشش همه عیب هایش را می پوشاند.

چنانکه مولایمان علی علیه السلام فرمود:

السَّخَاءُ سِتْرُ الْعُيُوبِ (۴)

جود و بخشش پوشاننده عیب هاست.

ص: ۵۱۵

۱- بحار ج ۷۱ ص ۳۵۴

۲- اختصاص ص ۲۵۳

۳- کنز العمال ۱۶۰۶۱

۴- غرر الحکم ۹۱۴

و نیز صفت بخشندگی سبب جذب قلوب و ایجاد محبت می شود.

همان بزرگوار فرمود:

كثْرَةُ السَّخَاءِ تُكْثِرُ الْأَوْلِيَاءَ وَ تَسْصِلِحُ الْأَعْدَاءَ (۱)

جود و بخشش زیاد بر شمار دوستان می افزاید و دشمنان را به آشتی می کشاند.

دوست داشتن بعضی انسان ها به خاطر بعضی صفات پسندیده ای که دارند یک امر فطری است گرچه خود دارای آن صفات حمیده نباشند. بهعنوان مثال انسان عادل مورد علاقه تمامی مردم است از هر نژاد و زبان که باشد. بر همین اساس اعتقاد ما بر این است که وقتی ولی نعمتمان حضرت صاحب الزمان علیه السلام ظهور نماید چون سرلوحه کارهایش بسط و توسعه عدالت در سطح گیتی است همه مردم جهان در هر آیین و مذهبی که باشند به آن بزرگوار ایمان می آورند و اظهار ارادت به حضرت می کنند.

صفت سخاوت نیز چون عدالت محبوب دل هاست و شخص سخی هر که باشد دوست داشتنی و دارای کرامت انسانی است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ (۲)

شخص بخشنده به خدا مردم و بهشت نزدیک است.

و اینکه به نمونه ای از سخاوت سالار شهیدان حضرت حسین علیه السلام دقت کنید:

امام حسین علیه السلام به عیادت اسامه بن زید رفت اسامه تا چشمش به امام حسین علیه السلام افتاد گفت: واغماه وای از غم و اندوه امام علیه السلام فرمود: برادر غم تو از چیست؟ عرض کرد قرض سنگینی که به گردن دارم و آن شصت هزار درهم است.

ص: ۵۱۶

۱- غررالحکم ۷۱۰۶

۲- بحار ج ۷۳ ص ۳۰۸

امام علیه السلام فرمود: نگران نباش من آن را می پردازم اسامه گفت می ترسم اجل مهلتم ندهد فرمود مطمئن باش که تو زنده هستی و من قرض تو را خواهم داد راوی میگوید امام علیها السلام قبل از مرگ اسامه تمام قرض او را رد کرد. (۱)

مردی از صحرانشینان عرب وارد مدینه شد و سراغ بهترین شخص را از جود و کرم گرفت به او گفتند گمشده ات حضرت حسین علیه السلام است. داخل مسجد شد و حضرت را در حال نماز مشاهده کرد در کنار امام علیه السلام قرار گرفت و نیاز خود را در چند بیعت شعر بیان کرد. امام حسین علیه السلام از مسجد به خانه آمد و به قنبر فرمود: آیا از مال حجاز چیزی باقی مانده؟ عرض کرد بله چهار هزار دینار امام علیه السلام فرمود همه را بیاور کسی هست که از ما سزاوارتر است و به آن محتاج می باشد حضرت حسین علیه السلام درب خانه را نیمه باز کرد و پول ها را به اعرابی داد و بی شک منظور آن بزرگوار از این عمل آن بود که چشم اعرابی به چشم او نیفتد و خجالت نکشد اعرابی پول ها را گرفت و گریه کرد و گفت مگر کم عطا کردی که چنین میکنی می گریم که چگونه این دست های پربرکت و بخشنده زیر خاک خواهد رفت. (۲)

امام سجاد علیه السلام می فرمود:

إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ أَنْ أَسْأَلَ لِأَمْنٍ مِنْ إِخْوَانِي الْجَنَّةِ وَ أَبْخُلُ عَلَيْهِ بِالدُّنْيَا فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قِيلَ لِي لَوْ كَانَتْ الْجَنَّةُ بِيَدِكَ لَكُنْتُ بِهَا أَبْخُلُ (۳)

من از خداوند تبارک و تعالی حیا می کنم که برای برادران ایمانی خود طلب بهشت را بکنم اما در کمک کردن به آنها در امور دنیا و مادی بخل ورزم. و در روز قیامت به من بگویند که اگر بهشت در اختیار تو بود بخل بیشتری به خرج می دادی.

کمیت شاعر مدح امام سجاد علیه السلام را کرد و بعد گفت من مدح شم را می کنم به این امید که وسیله ای شوید نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم تا در روز قیامت از من شفاعت فرماید. آنگاه

ص: ۵۱۷

۱- بحار الانوار ج ۴۴ ص ۱۸۹

۲- بحار الانوار ج ۴۴ ص ۱۹۰

۳- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۵۶

قصیده ای سرود امام زین العابدین علیه السلام فرمود ما عاجزیم که ثواب این عمل تو را بدهیم ولی خداوند عاجز نیست که پاداش عمل تو را بدهد و بعد آن حضرت چهارصد هزار درهم به او صله داد و فرمود بگیر اینها را ای ابالمستهل.

کمیت گفت هر چه شما مرحمت فرمایید برای من عزت و شرف است اما اگر می خواهید لطف بیشتر در حق من کنید یکی از لباس های تن خود را که به خاطر چسبیدن به بدن مطهر شما تبرک شده به من عطا فرمایید امام علیه السلام فوراً از جا برخاست و لباس تنش را به او عطا فرمود و بعد در پیشگاه پروردگار دعا کرد.

بار پروردگارا این کمیت جان و زن و فرزندش را به خاطر آل رسول تو و ذریه پیامبرت به خطر انداخته و حقایقی را که دیگران کتمان می کنند ابراز می دارد خداوندا او را سعادت مند و جزای خیر در دنیا و آخرت عنایت فرما که عاجزیم از پاداش به او کمیت می گوید همیشه از برکت دعای آن حضرت حظ می بردم. (۱)

سخن چینی

اللَّهُمَّ..... وَ هَبْ لِي مَكْرًا عَلَيَّ مِنْ كَائِدِنِي، وَقُدْرَةً عَلَيَّ مِنْ اضْطَهَدِنِي، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبِنِي، وَ سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدِنِي (۲)

خدایا.... حيله ای در مقابل حيله کنندگان به من بده و نیرویی بر کسی که در تنگنایم گذارد و تکذیب گفتار هر که عیب جویی و بد گویی ام نماید و تندرستی از شر کسی که مرا تهدید می نماید.

به راستی باید چون امام سجاد علیه السلام از شر عیب جویمان و بدگویان و سخن چینان به خدا پناه برد که در غیر اینصورت جان و جسم و آبرو و حیثیت انسان در خطر قرار خواهد

ص: ۵۱۸

۱- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۶۱

۲- دعای بیستم صحیفه

گرفت چرا که عده ای از خدا بی خبر بنا دارند با حرف های خود و پشت سر گویی هایشان خانواده ها را به جان هم اندازند و زندگی ها را از هم بپاشند.

این قشر از جامعه جزو بدترین و پست ترین افراد هستند و جایگاهشان آتش است.

یک بار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّكُمْ؟ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: الْمَشَاوُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحَبِّهِ الْبَاغُونَ لِلْبُرَاءِ الْعَيْبِ (۱)

آیا شما را از آدمهای شر بین خودتان آگاه نکنم؟ عرض کردند چرا ای رسول خدا فرمود کسانی که سخن چینی می کنند آنان که میان دوستان جدایی می افکنند کسانی که برای افراد پاک و بی گناه عیب می تراشند.

همان بزرگوار فرمود: از سخن چینی حذر کنید که سخن چینی موجب عذاب قبر می شود. (۲)

امام صادق علیه السلام در نامه ای برای نجاشی فرماندار اهواز نوشت از سعایت کنندگان و سخن چینیان پرهیز و مواظب باش فردی از آنها تو را نلغزاند و مبادا خداوند روزی یا شبی تو را ببیند که از این جماعت اظهار نظری و دخالتی را که در این صورت خداوند بر تو غضب خواهد کرد و بی آبرویت می کند. (۳)

شاید خواننده گرامی از ذهنش بگذرد که شخص گرفتار به این رذیله چاره کارش چیست؟ بنده عرض می کنم یکی از راهکارهای از بین بردن این حالت زشت نفسانی استفاده از ضد آن است یعنی اقدام به حل اختلاف و اصلاح ذات البین است. وقتی مردی در محضر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از قساوت قلب خویش شکایت کرد آن حضرت فرمود:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَلِينَ قَلْبُكَ فَاطْعِمِ الْمَسْكِينَ وَامْسِحْ رَأْسَ الْيَتِيمِ (۴)

هرگاه تصمیم گرفتی که دلت را نرم کنی به بینوایان اطعام کن و بر سر بچه های یتیم دست نوازش بکش.

ص: ۵۱۹

۱- خصال ص ۱۸۳

۲- بحار ج ۷۷ ص ۶۷

۳- همان مدرک ج ۷۱ ص ۲۹۳

۴- بحار ج ۷۸ ص ۱۰۴

ملاحظه فرمودید که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای معالجه طرف از قساوت دستور عمل به ضدش را داد حالا بر شخص سخن چین لازم است تا اختلافات خانوادگی را جستجو کند و مشکل دوستان را در کسب و تجارت حل کند تا انشاء الله در گذشت زمان دلش از رذیله سخن چینی و نمایی پاکیزه گردد.

نکته دیگر عزم با جزم است و اصرار نداشتن به ادامه گناه بزرگ سخن چینی چون اگر سخن چین و یا آلوده به هر گناه دیگر بر کار خویش اصرار ورزد به گناهان بزرگتر گرفتار می شود تا جایی که راه برگشت نخواهد داشت.

پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود:

إِنَّ الْمَعَاصِيَ يَسْتُولِي بِهَا الْخِذْلَانُ عَلَى صَاحِبِهَا حَتَّى تُوقِعَهُ بِمَا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهَا (۱)

به وسیله گناهان خذلان و زبونی بر گناهکار مستولی می شود تا جایی که او را در گناهان بزرگتر می اندازد.

پس باید اراده را تقویت کرد و هراس به خود راه نداد تا به هدف که ترک سخن چینی است نایل آییم.

راغب اصفهانی وقتی به واژه عزم می رسد می نویسد: الْعَزْمُ وَالْعَزِيمَةُ عَقْدُ الْقَلْبِ عَلَى إِمضَاءِ الْأَمْرِ عَزِيمَةٌ وَعَزِيمَةٌ عِبَارَةٌ اسْتِزَادَ عَقْدَ قَلْبٍ بِرِ امْضَاءِ كَارِهًا.

خداوند در اینگونه موارد بنده اش را کمک می کند به خصوص وقتی می بیند یک انسان از صفت رذیله ای مثل نمایی و به هم ریختن خانواده ها رنج می برد او را یاری می کند.

امام سجاد علیه السلام به ما می آموزد که به خدای خویش عرض کنیم:

لَلَّهِمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ فَأَعْفِرْ لِي مَا عَلِمْتَ، وَاصْرِفْنِي بِقُدْرَتِكَ إِلَى مَا أَحْبَبْتَ

ص: ۵۲۰

خداوندا توبه آنچه من انجام داده ام داناتری پس آنچه از من می دانی ببخش و به نیرویت مرا به آنچه دوست داری باز گردان.

و یا باز در آن همان دعا عرض میکند

اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ لَا- وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا- بَعْضِ مَتِكَ، وَلَا- اشْتِمَسَاكَ بِي عَنِ الْخَطَايَا إِلَّا عَن قُوَّتِكَ، فَقَوْنِي بِقُوَّةِ كَافِيهِ، وَتَوَلَّنِي بِبَعْضِ مَهْمَا نَعَاهُ (۱)

پروردگارا حقیقت این است که من وفادار به توبه نمی مانم مگر به حفظ و نگهداری تو و جز با نیرویت توانایی ترک گناه را ندارم پس مرا به نیرویی کافی نیرومند گردان و با حفظی که مرا مانع از گناه می شود سرپرستی ام فرما.

سربازان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرَّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلِّمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ (۲)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و در مسایل مربوط به جنگ و مرزبانی آنچه را که نمی دانند به آنها بشناسان و به آنچه آگاه نیستند آگاهشان ساز و به آنچه بصیرت ندارند بینش و بصیرتشان ده.

تردیدی نیست که عده ای از افراد جامعه به خصوص نسل جوان باید دوره های نظامی ببینند و خود را مجهز به دانش دفاع از مرز و بوم کشور نمایند. اسلام که دین جامع و کاملی است از همان روزهای نخست و آغاز چنین تدبیری را اندیشید و به مردان آموزش نظامی داد و در فقه ما دو بحث مطرح شد بنام سبق و رمایه که اسب سواری و تیراندازی باشد تا به مناسبت آن زمان از این دو وسیله جهت دفاع و یا تهاجم به دشمنان اسلام بهره گیرند و حتی شرط بندی که در جاهای دیگر حرام است در این دو مورد به خاطر

ص: ۵۲۱

۱- دعای سی و یکم صحیفه

۲- دعای بیست و هفتم صحیفه

تشویق به یادگیری اسب سواری و تیراندازی مباح اعلام شد. در عصر حاضر هم در تمام دنیا متداول است که باید جوانان به سربازی روند و آموزش نظامی ببینند و به دانش روز نظامی آشنایی پیدا کنند.

امام سجاد علیه السلام چهارده قرن قبل با دید باز و آگاهانه ولایت به گونه ای در این مورد دعا می کند که امروزه نیز باید همان را گرفت که حضرتش به درگاه الهی عرضه داشت. امام علیه السلام حتی برای انگیزه سربازان اسلام دعا می کند که با نیت خیر در این راه گام بردارند.

وَ أَتَزُّ لَهُ حُسْنَ النَّيِّهِ، وَ تَوَلَّهِ بِالْعَافِيهِ، وَ أَصْحَبَهُ السَّلَامَةَ، وَ أَعْفَى مِنَ الْجُبْنِ، وَ أَلْهَمَهُ الْجُرْأَةَ (۱)

خدایا رزمنده ات را به انگیزه و نیت خوب راهنمایی کن و متولی تندرستی و عافیتش باش و سلامتی را همراهش گردان و او را از ترسیدن معاف دار و جرات و شهامت را به دلش الهام کن.

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ (۲)

تا آنجا که می توانید سرباز و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود و جز آنها را بترسانید.

جایگاه سربازان و رزمندگان اسلام جایگاه رفیع و بلندی است به خصوص سربازانی که در شب ها از جان مسلمین و اموال آنها حراست می کنند گاه دیده می شود سربازانی در شب های سرد و بلند زمستان روی پا می ایستند و دیده بانی می کنند اینها در رتبه بالایی از جهت معنوی قرار دارند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

حَرَسُ لَيْلِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلِهِ يُقَامُ لَيْلَهَا وَ يُصَامُ نَهَارَهَا (۳)

ص: ۵۲۲

۱- همان دعا

۲- انفال ۶۰

۳- کنز العمال ۱۰۵۰۸

یک شب نگهبانی دادن در راه خدا برتر است از هزار شبانه روز که شب هایش به عبادت و روزهایش به روزه سپری شود.

خود حضرت می فرمود اگر سه شب از مرزهای مسلمانان نگهبانی کنم خوشتر دارم تا شب قدر را در یکی از دو مسجد مدینه یا بیت المقدس درک کنم. (۱)

و باز فرمود:

عَيْنَانِ لَا تَمَسُّهُمَا النَّارُ: عَيْنٌ بَكَتَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۲)

دو چشمند که با آتش تماس نمی یابند چشمی که از ترس خدا بگرید و چشمی که شب ها در راه خدا نگهبانی دهد.

نکته مهمی که در مسئله سربازی مطرح است این است که فرماندهان محترم فضای پادگان ها را در نوع ارتباط خود با سربازان و سربازان با یکدیگر کاملا پاکیزه و اسلامی کنند و با تدبیرهایی که می اندیشند از گناه و نفوذ شیطان ممانعت نمایند.

چنانکه امام سجاد علیه السلام برای معنویت و پاکیزه ماندن سربازان اسلام دعا می کند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْبِيئِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعُدُوَّ ذَكَرَ دُنْيَاهُمْ الْخِدَاعَةَ الْعَزُورَ، وَ امْحُ عَن قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفُتُونِ، وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ، وَ لَوْحَ مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ وَ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ (۳)

بارالها بر محمد و آل او درود فرست و در آن هنگام که با دشمن روبرو می شوند توجه به دنیای نیرنگ باز و گول زننده را از آنها دور کن و از دلهایشان فکر به ثروت فتنه انگیز را محو فرما و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده.

اللَّهُمَّ اغْزُبْ كُلَّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَارَانِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَ أَمِدْ دُهُمَ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرَدِّفِينَ حَتَّى يَكْتَسِبُوا لَهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسْرًا (۴)

ص: ۵۲۳

۱- شعب الایمان ۴۲۹۲

۲- سنن ترمذی ۱۶۳۹

۳- همان دعا

۴- همان دعا

پروردگارا گروه های مختلف مسلمین را جهت مبارزه با مشرکین اعزام کن و فرشتگان را پی در پی برای امداد رسانی به ایشان بفرست تا دشمنان را تالاب مرزها برده و آنها را در زمین تو کشته و یا اسیر کنند.

سستی و تنبلی

وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْعَمَىٰ عَنْ سَبِيلِكَ، وَلَا بِالْتَّعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ، (۱)

پروردگار در عبادت گرفتار سستی و تنبلی ام مکن و نه به گمراهی از راهت و نه به دست زدن آنچه مخالفت دوستی توست.

سستی و تنبلی در هر کاری ناپسند و باعث عقب ماندگی است منحصر به عبادت و بندگی خدا نمی باشد همچنان که همان امام بزرگوار در دعای سحر ماه مبارک رمضان عرضه می دارد

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ (۲)

خدایا به تو پناه می برم از بی حالی و تنبلی

آدم کسل و تنبل هم به دینش ضرر وارد می کند هم به دنیایش این کلام وجود نازنین امام محمد باقر علیه السلام است که فرمود:

الْكَسَلُ يُضِرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا (۳)

سستی و تنبلی به دین و دنیا زیان می زند.

گاهی انسان یک کاری را شروع می کند وقتی پشتکار به خرج می دهد و با جدیت برای به نتیجه رسیدن کارش تلاش می کند بی شک موفق می شود ولی اگر در بین کار سست شود و خود را به بی حالی بزند قطعاً آن کار یا معیوب است و یا اصلاً انجام نمی گیرد.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

ص: ۵۲۴

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- مفاتیح الجنان محدث قمی

۳- بحار ج ۷۸ ص ۱۸۰

آفَةُ النَّجْحِ الْكَسَلُ (۱)

آفت موفقیت تنبلی است

آن بزرگوار سفارش می کند که در کارهایت از آدم های سست و بی حال کمک نگیرید.

لَا تَتَكَلَّفْ فِي أُمُورِكَ عَلَى كَسَلَانَ (۲)

در کارهای خود به آدم تنبل تکیه مکن

یک تعبیر بسیار زیبایی حضرت دارد که به تجربه برای تمام آدم ها ثابت شده و برای ریشه یابی حقیقی که آن حضرت به آن اشاره دارند جالب است

إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا إِزْدَوَجَتْ إِزْدَوْجُ الْكَسَلِ وَالْعَجْزُ فَتَنَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرَ (۳)

آنگاه که اشیاء با یکدیگر جفت شدند تنبلی و بی حالی با هم ازدواج کردند و از آنها فقر متولد شد.

یعنی بخش عمده فقر فقرا مربوط به کار نکردن و تن به بی عاری دادن است و الا محال است که کسی زحمت بکشد حداقل مواد خوراکی خود را نتواند تهیه کند.

یکبار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با جمعی از اصحاب عبور می کردند ناگهان با مردی برخورد کردند که سخت مشغول کار بود اصحاب از جدیت و کوشش او به شگفت آمده متوجه رسول خدا شده گفتند ای رسول خدا چه خوب بود که این تلاش در راه عبادت پروردگار بود پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در پاسخ آنها فرمود اگر این شخص از خانه بیرون آمده تا برای خانواده اش تامین معاش کند و در راه خدا بوده به منزله عبادت است و اگر در راه اداره کردن و کمک به پدر و مادر سالخورده اش کوشش می کند باز هم در راه خداست و اگر برای شخص خودش کار می کند آن نیز در راه خداست. (۴)

همان بزرگوار فرمود:

مَنْ اسْتَدَامَ رِيَاضَةَ نَفْسِهِ انْتَفَعَ (۵)

ص: ۵۲۵

۱- غررالحکم ۳۹۶۸

۲- همان مدرک ۱۰۲۵

۳- کافی ج ۵ ص ۸۶

۴- محجه البيضاء ج ۳ ص ۱۴۰

هر که به ریاضت دادن خویش ادامه دهد منفعت می برد.

در امور دنیا و تهیه وسایل آسایش خود و خانواده تلاش و تکاپو رمز موفقیت و نوعی عبادت است همان طور که امام صادق علیه السلام فرمود:

الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۱)

کسی که برای تحصیل آسایش عیال تحمل رنج و زحمت کند مانند کسی است که در راه خدا جهاد نماید.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يُضَيِّعُ مَنْ يَعُولُ (۲)

از رحمت خدا دور است و رانده است کسی که نفقه خواران خود را مستمند و بی سامان گذارد

در امور آخرت و آماده نمودن توشه آخرت نیز جدیت و سعی عامل اصلی سعادت و نیک بختی است. امام سجاد علیه السلام درخواستش از خداوند متعال همین بود که:

وَلَا تَبْتَلِيْنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ

خداوندا در عبادت گرفتار سستی و تنبلی ام مفرما.

جد بزرگوارش امیرالمومنین علی علیه السلام هم فرمود:

اسْتَفْرَغْ جُهْدَكَ لِمَعَادِكَ يَصْلُحْ مَثْوَاكَ (۳)

تلاش و کوشش خویش را برای آخرت به کار بند تا جایگاهت نیکو باشد.

فتح موصلی می گوید با قافله حجاج در بیابان حرکت می کردم مقداری از قافله کناره گرفتم ناگاه در میان بیابان چشمم به پسری افتاد که تنها می رود گفتم سبحان الله بیابانی بی آب و گیاه پسری تنها کجا می رود نزدیک او رفته سلام کردم گفتم اراده کجا دارید؟

ص: ۵۲۶

۱- من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۲۰۴

۲- همان مدرک ص ۲۷۸

۳- کافی ج ۱ ص ۱۹۴

گفت به زیارت خانه خدا می روم گفتم آقای من شما که صغیر هستید هنوز تکلیف بر شما واجب نشده؟ فرمود:

يَا شَيْخُ مَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ سِنًا مِنِّي مَاتَ

آیا ندیده ای از من کوچک ترها مرده اند گفتم زاد و توشه و مرکب سواری شما چیست؟

فرمود:

زادی تقوای و راحلای رجلائی و قصیدی مولای توشه ام تقوای من است مرکب پاهایم و با همین توشه و مرکب به سوی مولای خودم می روم عرض کردم آقای من شما که هیچ غذایی همراه ندارید؟ فرمود اگر شخصی تو را به خانه خودش دعوت کند شایسته است که غذای خود را برداری و به خانه او ببری؟ گفتم نه فرمود آن کسی که مرا به خانه خود دعوت نموده غذایم نیز خواهد داد عرض کردم تند بروید تا به قافله برسید جواب داد بر من لازم است سعی و کوشش و بر اوست که مرا برساند. پس از جدا شدن از آن بزرگوار و پرسش از مردم متوجه شدم که آن آقا حضرت سجاد زین العابدین علیه السلام بوده است. (۱)

سفر

اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنْ عَلٰى بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلٰى آلِهِ (۲)

خدایا بر من منت بگذار به توفیق سفر حج و عمره و زیارت قبر رسولت که صلوات و رحمت و برکاتت بر او و آل او باد.

ص: ۵۲۷

۱- بحارج ۱۱ ص ۱۱

۲- دعای بیست و سوم صحیفه

امام سجاد علیه السلام توفیق بهترین سفرها را از خداوند درخواست می کند که بی تردید به مطلق خروج از محل سکونت و وطن سفر گفته می شود و در اسلام عزیز برای آن آداب و احکامی است.

جابجایی انسان از مکانی به مکان دیگر و شهری به شهری دیگر در روح و روان آدمی تاثیرگذار است و سلامتی را تضمین می کند.

چنانکه پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله وسلم بارها سفارش می فرمود

[سَافِرُوا تَصِحُّوا \(۱\)](#)

مسافرت کنید تا تندرست مانید.

تنهایی به مسافرت رفتن خیلی لذت بخش نیست چه بهتر که همسفر داشته باشیم و همسفر خوب انتخاب کنیم.

همان بزرگوار می فرمود

[الرَّفِيقَ ثُمَّ الطَّرِيقَ \(۲\)](#)

اول همسفر انتخاب کن بعد قدم در راه گذار

امیرالمومنین علیه السلام می فرمود:

[سَلِّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ \(۳\)](#)

پیش از مسافرت از همسفر جوینا شو و پیش از خرید خانه بین همسایه ات کیست.

برای سلامت ماندن در سفر نکات بسیار مهمی وجود دارد ۱-خواندن آیات و دعاهای مربوطه ۲-پرداخت صدقه ۳-همراه داشتن احراز مثل حرز امام جواد علیه السلام که از مجرب ترین احراز است. ۴-داشتن همسفری های خوب و غیره

آیه الکرسی شان بسیار بالایی دارد به خصوص در حفظ و حراست جان و مال انسان و خانواده و همراهان در وطن و سفر.

ص: ۵۲۸

۱- بحار ج ۷۶ ص ۲۲۱

۲- بحار ج ۷۶ ص ۲۶۷

۳- نهج البلاغه نامه ۳۱

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که هر شخصی آیه الکرسی را در سفر بخواند سالم بماند. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم سفارش می کرد در سفر به خواندن سوره مبارکه قدر اِنَّا أَنْزَلْنَا وَ آیه الکرسی (۲)

امام سجاد علیه السلام هنگام عزیمت به سفر می فرمود: من پروا نمی کنم هرگاه این کلمات را بگویم گرچه جن و انسان برای ضرر به من هماهنگ شوند.

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اللَّهُ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ إِلَيْكَ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ فَوَضْتُ أَمْرِي
فَمَا حَفَظَنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ أَدْفَعُ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ
قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (۳)

بعد از ذکر و دعا و داشتن همسفری های خوب پرداخت صدقه زیاد سفارش شده که دفع بلا و حوادث تلخ را دفع می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

افتتح سفرک بالصدقه و اخرج اذا بدالك فانك تشتري سلامه سفرک (۴)

مسافرت خود را با صدقه دادن آغاز کن و هرگاه خواستی بیرون بروی زیرا با صدقه دادن سلامت سفرت را می خری.

و بعد از صدقه نوع معاشرت با همسفری هاست. اگر کسی طالب این واقعیت باشد که سفری خوش و پربرکت داشته باشد دو چیز را برنامه کار خود قرار دهد یکی به قول معروف سرکیسه را باز کند و خساست را کنار بگذارد و به اندازه توانایش خرج کند دوم خوش اخلاق و صمیمی و اهل گفت و گویای متین و حتی مزاح و شوخی های دور از

ص: ۵۲۹

۱- مفاتیح الجنان ص ۴۱۱

۲- همان مدرک

۳- همان مدرک

۴- بحار ج ۱۰۰ ص ۱-۳

بی ادبی و هتاک‌ی باشد آدم‌های دست بسته و بد اخلاق و خشک به درد همسفر شدن نمی‌خورند و سفر با چنین اشخاص عذابی است بزرگ.

به نصیحت لقمان علیه السلام به فرزندش توجه کنید.

پسرم هرگاه با عده‌ای همسفر شدی در کارهای مربوط به خودت و آنها با ایشان زیاد مشورت کن و در روی آنان تبسم زیاد داشته باش در زاد و توشه‌ات نسبت به آنان بخشنده باش اگر تو را دعوت کردند قبول کن و اگر از تو کمک خواستند کمکشان کن در سه چیز از آنان برتر باش خاموشی کثرت نماز و بخشندگی در مرکب یا دارایی و یا توشه‌ای که همراه داری.

اگر همسفرانت راه افتادند تو نیز با آنان راه بیافت و اگر دیدی کار می‌کنند تو نیز با آنان مشغول کار شو اگر صدقه و قرضی دادند تو نیز با آنان همراهی کن و اگر کسی سنش از تو بیشتر است حرف شنوی داشته باش. (۱)

در مسافرت گروهی برای آنکه نظمی بر سفر حاکم باشد یک نفر باید به قول معروف مادر خرج و رئیس شود تا اختلافی پیش نیاید در امور معنوی هم حتماً یک نفر به عنوان امام جماعت انتخاب شود اگر چه از نظر سن کوچکتر باشد این جملات مطرح شده مضمون سه روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم. (۲)

شاید به ذهن بعضی از افراد این گونه بگذرد که اسلام و رهبران آن فقط سفارش به سفرهای زیارتی مثل مکه و مدینه و عتبات و مزار ائمه طاهرین علیهم السلام می‌نمایند. در حالی که امامان معصوم که خود اسوه حسنه ما هستند اهل سفرهای تفریحی بودند. بنابراین هیچ اشکال شرعی وجود ندارد که خانواده‌ها برای تفریح و تفریح به مکان‌های خوش آب و هوا سفر کنند و مناظر طبیعی را ببینند البته به شرط آنکه همراه با معصیت و نافرمانی پروردگار متعال نباشد که قطعاً چنین سفرهایی حرام خواهد بود.

ص: ۵۳۰

۱- بحار ج ۷۶ ص ۲۶۷

۲- کنز العمال ۱۷۵۵۰

امام رضا علیه السلام میفرماید:

لَقَدْ خَرَجْتُ إِلَى نُزْهَةٍ لَنَا وَ نَسِيَ الْعِلْمَانُ الْمِلْحَ فَذَبَحُوا لَنَا شَاءً (۱)

به یکی از گردشگاه های خود رفتم خدمتکاران فراموش کردند نمک بردارند از این رو برای ما گوسفندی ذبح کردند.

عمرو بن حریت خدمت امام صادق علیه السلام که در منزل و تفریحگاه برادر خود عبدالله بن محمد تشریف داشت رسید و عرض کرد:

جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا حَوْلَكَ إِلَى هَذَا الْمَنْزِلِ؟

فدایت سوم چه شده که به اینجا آمده اید؟

حضرت فرمود:

صَلَبُ النَّزْهَةِ (۲)

برای گردش

همکاری با همسفری ها چه در سفرهای تفریحی و یا زیارتی لذت بخش و افتخار است پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در سفری به اصحاب خود دستور داد گوسفندی ذبح کنند یکی از آنها گفت من ذبح می کنم دیگری گفت من پوست می کنم سومی گفت من گوشتش را ریز می کنم چهارمی گفت من آن را می پزم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: من هم برای شما هیزم جمع می کنم.

اصحاب عرض کردند نباید به زحمت افتید. پدران و مادرانمان فدایت ما به جای شما کار می کنیم پیامبر فرمود می دانم که شما به جای من کار می کنید اما خدای عزوجل خوش ندارد که بنده اش با عده ای از دوستان و همسفران خود باشد و گوشه ای بنشیند و کار نکند. پس آن حضرت برخاست و شروع به جمع آوری هیزم کرد. (۳)

ص: ۵۳۱

۱- وسائل الشیعه ج ۸ ص ۳۳۸

۲- محاسن ج ۲ ص ۴۶۱

۳- بحار ج ۷۶ ص ۲۷۳

همان بزرگوار فرمود:

سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ (۱)

سرور مردم کسی است که در سفر خدمتگزار آنان باشد.

امام صادق علیه السلام می فرمود: امام زین العابدین علیه السلام مسافرت نمی کرد مگر با افرادی که او را نمی شناختند و با آنها شرط می کرد که در کارهایی که پیش می آید اجازه دهند ایشان خدمت کند و انجام دهد.

زمانی با عده ای به سفر رفت و در بین راه مردی آن جناب را شناخت و به رفیقان گفت می دانید این آقا کیست؟ جواب دادند نه گفت علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام است آنها حرکت کرده دست و پای حضرت را می بوسیدند عرض کردند ای پسر رسول خدا آیا با این عمل خیال داشتی برای همیشه ما را به آتش جهنم بسوزانی. چنانچه خدای ناخواسته جسارتی از ناحیه دست و زبان ما نسبت به شما واقع می شد چه می کردیم پسر رسول خدا چه باعث شد که شما این چنین کردید؟ امام علیه السلام فرمود: من چندی پیش با عده ای که مرا می شناختند مسافرت کردم خدماتی به من می کردند به واسطه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم که سزاوار آن نبودم ترسیدم شما هم مثل آنها رفتار کنید. (۲)

سلامتی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ، وَ جَلِّبْنِي عَافِيَتَكَ، وَ حَصِّنِّي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَكْرِمْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ تَصَيِّدْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَ هَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَ أَفْرِشْنِي عَافِيَتَكَ، وَ أَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ، وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

ص: ۵۳۲

۱- مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۵۳۶

۲- بحار ج ۴۶ ص ۹۶

خدایا بر محمد و آل او درود فرست سلامتی ات را بر من بیوشان و مرا به سلامتی ات زیور بخش و به سلامتی ات حراستم فرما و به سلامتی ات گرامی ام بدار و به سلامتی ات بی نیازم کن و به سلامتی ات بر من تصدق ده و سلامتی ات را به من ببخش و سلامتی ات را برایم گسترش ده و سلامتی ات را برایم شایسته گردان و بین من و بین سلامتی ات در دنیا و آخرت جدایی نینداز.

شک نیست که نعمت سلامتی چه در بدن و چه در روح و روان از نعمت های بزرگ الهی است که باید به طور دایم شاکراین نعمت باشیم و چون امام زین العابدین علیه السلام پی در پی برای دنیا و آخرت در خواست سلامتی کنیم.

امام صادق علیه السلام می فرمود: نعمت سلامتی نعمتی پنهان است هر گاه باشد به دست فراموشی سپرده می شود و هر گاه نباشد به یاد آورده می شود. (۱) مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام دعا می کرد:

وَ نَسَاءُ لَهُ الْمُعَافَاةَ فِي الْآءِ دِيَانٍ كَمَا نَسَاءُ لَهُ الْمُعَافَاةَ فِي الْآءِ بُدَانٍ (۲)

و سلامتی در دین و عقیده را از او می طلبیم همچنان که سلامت بدنها را از او خواستاریم.

به راستی اگر سلامتی نباشد چه در دین و چه در دنیا زندگی تباه خواهد شد چون نعمت سلامتی تاثیر متقابل در دین و دنیا با هم دارد اگر در عقیده و ایمان ضعف و بیماری باشد بدن آسیب می بیند و اگر بدن بیمار باشد به دین و ایمان صدمه واقع می شود چه بسا افرادی به خاطر استمرار در بیماری جسمانی به سوء ظن به خداوند متعال مبتلا شدند مگر اولیاء و وارستگانی که قدرت موفقیت در امتحان الهی را دارند. پس طبق بیان همان بزرگوار:

ص: ۵۳۳

۱- من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۴۰۶

۲- نهج البلاغه خطبه ۹۹

بِالْعَافِيَةِ تُوَجَدُ لَذَةُ الْحَيَاةِ (۱)

با عافیت و سلامتی است که لذت زندگی چشیده می شود.

همان طور که اشاره کردم باید به طور دایم یعنی صبح و شام از خداوند بخواهیم که نعمت سلامتی را از ما دریغ نفرماید یکبار پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم شنید مردی از خداوند طلب صبر می کند فرمود:

سَأَلَتَ اللَّهُ الْبَلَاءَ فَاسْأَلَهُ الْمُعَافَاةَ (۲)

از خدا بلا خواستی سلامتی هم بخواه.

بشر امروزی تلاش علمی و پژوهشی زیادی می کند تا سلامتی انسان ها را ارتقاء دهد و شعار خود را از سال دو هزار به بعد فقط تلاش برای سلامتی قرار نداده بلکه تلاش برای ارتقاء و تعالی سلامتی قرار داده است.

باید به دانش پژوهان این رشته بگوییم که شعار شما نو و تازه نیست در چهارده قرن گذشته در همین دعای بیست و سوم صحیفه امام سجاد علیه السلام شعار شما در قالب دعا بیان کرده و به فکر ارتقاء سلامتی انسان ها بوده است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و چنان سلامتی بر من عنایت فرما که بی نیاز کننده و شفا بخش بالا مرتبه و دارای ارتقاء و افزون شونده باشد.

یعنی آنچه از امراض و بلاها به سراغ من می آید مرا زمین گیر نکنند در مقابلش دانشی پویا و جهت دهنده داشته باشم که بتواند با بیماری های جدید به مبارزه با آنها برخاسته و سلامتی را به دست آورم.

ص: ۵۳۴

۱- غررالحکم ۴۲۰۷

۲- کنز العمال ۴۹۳۵

واقعا سلامتی نعمتی است و صف ناشدنی پس دعا کنیم که خداوند به ما ارزانی دارد و از ما نگیرد چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ما توصیه فرموده که:

سَلُوا اللَّهَ الْمَعَاْفَةَ فَإِنَّهُ لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا بَعْدَ الْيَقِينِ خَيْرًا مِنَ الْمَعَاْفَةِ (۱)

از خداوند سلامتی و عافیت طلب کنید زیرا بعد از نعمت یقین نعمتی بهتر از سلامتی و عافیت به کسی داده نشده است.

امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام آموزش داد:

لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْعَافِيَةِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي (۲)

خدایا تا زنده هستم هرگز میان من و عافیت جدایی مینداز.

آیا امکان دارد که کسی در دنیا هرگز گرفتاری بیماری نشود و تا پایان عمر سلامت بماند؟ پاسخ مثبت است خداوند بندگان خاصی دارد که از این نعمت با همان کیفیت که عرض شد برخوردارند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ضَمَّنَ مِنْ خَلْقِهِ يَغْدُوهُمْ بِنِعْمَتِهِ وَ يَحْبُوهُمْ بِعَافِيَتِهِ وَ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ تَمُرُّ بِهِمُ الْبَلَايَا وَ الْفِتْنُ لَا تَضُرُّهُمْ شَيْئًا (۳)

خدای عزوجل را بندگان خاصی است که با نعمت خود آنان را تغذیه می کند و سلامتی خود را ارزانشان می دارد و با رحمت خود به بهشتشان می برد. بلاها و فتنه ها بر آنها می گذرد اما زبانی به ایشان نمی رسانند.

ص: ۵۳۵

۱- سنن ابن ماجه ۳۸۴۹

۲- بحار ج ۹۴ ص ۱۹۱

۳- کافی ج ۲ ص ۴۶۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِأَسْيَعِمَالِ الْخَيْرِ، وَهَجْرَانِ الشَّرِّ، وَشُكْرِ النُّعْمِ، وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ (۱)

خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و ما را در امروز و امشب و در جمیع ایام زندگی برای انجام کار خیر موفق بدار و نیز برای دوری از شر و شکر نعمت ها و پیروی از سنت ها و توفیق عطا فرما.

سنت یعنی اعمال و رفتاری که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرين عليهم السلام به آنها سفارش فرموده اند و خود به انجام آنها مداومت داشته اند.

اقوام و ملل هر کدام برای خود سنت ها و آدابی دارند که اکثر آلوده به خرافات و موهومات است تنها سنت هایی که متصل به وحی است و از مبداء فیاض سرچشمه گرفته سنت های ناب انبیاء و امامان عليهم السلام است و در راس همه آنها سنت پیامبر عظیم الشان اسلام می باشد.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام درباره پیروی از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

وَاقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ، وَاسْتَنْوُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ (۲)

به روش پیامبرتان اقتدا کنید که آن بهترین روش است و به سنت او رفتار نمایید که آن رهنماترین سنت هاست.

سنت هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بنیانگذار آنها بوده گاه واجب و گاه مستحب است پیروی از هر دو قسم آنها مفید و ارزشمند است ولی در مورد سنت های مستحب ترک آنها مواخذه ندارد.

ص: ۵۳۶

۱- دعای ششم صحیفه

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۱۰

همان بزرگوار می فرمود سنت دو گونه است سنت واجب که پس از من عمل به آن موجب هدایت است و ترکش گمراهی و سنت غیر واجب که عمل به آن فضیلت است و ترکش گناه نیست. (۱)

شاید بعضی فکر کنند که بنیان گذاشتن سنت ویژه پیامبر و ائمه علیهم السلام است در حالی که این طور نیست افراد معمولی هم می توانند سنت های خوبی از خود به یادگار بگذارند که متأثر از قرآن و عترت و سیره معصومین علیهم السلام باشد و شکل بدعت نداشته باشد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خود فرمود:

مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَ مِثْلُ أُجُورِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً فَعَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ كَانَ عَلَيْهِ وَزْرُهُ وَ مِثْلُ أَوْزَارِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا (۲)

هر که سنت نیکویی بگذارد که پس از مرگش به آن عمل شود هم اجر خودش را دارد و هم به اندازه اجر کسانی که به آن عمل می کنند بی آن که از اجر ایشان چیزی کم شود و هر که سنت ناسپندی بنهد و پس از مرگش به آن رفتار شود گنهگار است و به اندازه گناهان کسانی که به آن سنت عمل می کنند نیز برایش باشد بی آنکه از گناه آنان چیزی کم شود.

حالا به بعضی روایاتی می پردازیم که واژه سنت در آنها به کار برده شده است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم

۱- اَللِّكَاخُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي (۳)

ازدواج سنت من است و هر کس از سنت من سرپیچی کند از من نیست.

ص: ۵۳۷

۱- بحار ج ۷۷ ص ۱۶۱

۲- بحار ج ۷۱ ص ۲۵۷

۳- بحار ج ۱۳ ص ۱۳۰

امام رضا علیه السلام

۲- اِنَّ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْاِطْعَامَ عِنْدَ التَّرْوِيجِ (۱)

از سنت های پیامبران اطعام نمودن در هنگام ازدواج است.

امام رضا علیه السلام

۳- مِنَ السُّنَنِ التَّرْوِيجُ بِاللَّيْلِ لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ النَّسَاءَ إِنَّمَا هُنَّ سَكَنٌ (۲)

از سنت است که عروسی در شب انجام گیرد زیرا که خداوند تبارک و تعالی شب را زمان سکون و آرامش قرار داد و زنان نیز باعث سکون و آرامش انسانند.

۴- معاویه بن عمار می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در وصیت رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم به علی بن ابیطالب علیه السلام بود:

الْأَخْذُ بِسُنَّتِي فِي صَلَاتِي وَ صَوْمِي وَ صَدَقَتِي أَمَّا الصَّلَاةُ فَالْخَمْسُونَ رَكْعَةً (۳)

ای علی به سنت من در نماز و روزه و صدقه چنگ بزن اما نماز پنجاه رکعت است.

عمرو بن حرث از امام صادق علیه السلام خواست تا نماز پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم را برایش بگوید امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم هشت رکعت نافله ظهر می خواند و بعد نماز ظهر را به جا می آورد و هشت رکعت نماز نافله عصر می خواند بعد چهار رکعت نماز عصر را به جا می آورد و سه رکعت نماز مغرب را می خواند و بعد چهار رکعت نافله مغرب را به جا می آورد و چهار رکعت نماز عشا می خواند و هشت رکعت نماز شب به جا می آورد و سه رکعت نماز شفع و وتر و دو رکعت نماز نافله صبح و دو رکعت نماز صبح را می گوید عرض کردم:

ص: ۵۳۸

۱- مرآة العقول ج ۲ ص ۸۶

۲- همان مدرک ص ۸۵

۳- وسایل ج ۳ ص ۳۱

جُعِلَتْ فِدَاكَ وَإِنْ كُنْتُ أَقْوَى عَلَى أَكْثَرِ مِنْ هَذَا يُعَذِّبُنِي اللَّهُ عَلَى كَثْرَةِ الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: لَا وَلَكِنْ يُعَذِّبُ عَلَى مَنْ تَرَكَ السُّنَّةَ (۱)

فدايت سوم و اگر من از آن چه را که رسول الله می خواند بیشتر بخوانم خداوند مرا به خاطر زیاد نماز خواندن عذاب می کند؟ فرمود نه اما به خاطر ترک سنت مواخذه خواهی شد زیرا که بدعت در دین خدا گذارده ای.

۵-رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: مِنَ السُّنَّةِ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ الشَّارِبِ حَتَّى يَبْلُغَ الْإِطَارَ (۲) گرفتن موی شارب به طوری که لب اشکار شود از سنت است.

امام صادق علیه السلام فرمود: مِنَ السُّنَّةِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ (۳) گرفتن ناخن از سنت است.

۶-پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: الْعِطْرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ (۴) استفاده از عطریات از سنت های مرسلین است.

امام صادق علیه السلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مشکدانی داشت پس از هر وضوع آن را به دست می گرفت و خود را معطر می ساخت در نتیجه وقتی از خانه بیرون می آمد بوی عطر در محل عبور حضرت منتشر می شد. (۵)

در پایان این بحث پابندی به سنت ها را تاکید می کنم همان طور که در کتابی مستقل به نام سنت ها را از یاد نبریم به طور مبسوط به این حقیق پرداخته ام که توسط موسسه تحقیقاتی فیض کاشانی به چاپ رسیده است.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

ص: ۵۳۹

۱- فروع کافی ج ۱ ص ۴۴۲

۲- سنن النبی ص ۹۲

۳- فروع کافی ج ۶ ص ۴۰

۴- مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۴۴

۵- فروع کافی ج ۶ ص ۵۱۰

إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مَا عُمِلَ بِالسُّنَّةِ وَإِنْ قَلَّ (۱)

برترین کارها نزد خداوند آن است که طبق سنت عمل شود گرچه اندک باشد.

و رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم فرمود: هیچ گفتاری جز با کردار ارزش ندارد و هیچ گفتار و کرداری جز با نیت و هیچ گفتار و کردار و نیتی جز با انطباق آنها با سنت ارزش نخواهد داشت (۲)

همان بزرگوار فرمود:

صَاحِبُ السُّنَّةِ إِنْ عَمِلَ خَيْرًا قَبْلَ مِنْهُ وَإِنْ خَلَطَ غُفِرَ لَهُ (۳)

پاییند به سنت اگر خوب عمل کند عملش پذیرفته است و اگر اشتباه کند بخشوده میشود.

ص: ۵۴۰

۱- کافی ج ۱ ص ۷۰

۲- همان مدرک

۳- کنز العمال ۹۱۱

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، إِذَا ذُكِرَ الْأُبْرَارُ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ (۱)

فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ (۲)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست در آن هنگام که خوبان عالم یاد شوند و بر محمد و آلش درود فرست در گردش شب و روز شب را برای ایشان خلق کرد تا از حرکت های خستگی آور روز به استراحت و آرامش پردازند.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (۳)

در خلقت آسمان ها و زمین و رفت و آمد شب و روز برای اهل خرد عبرت‌هاست.

شب در قرآن از جایگاه خاصی برخوردار است. قبل از هر چیز شب را هنگام آسایش و استراحت ما قرار داده و جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا (۴) شب را برای آسایش قرار داده الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ (۵) اوست که شب را برای شما هنگام آسایش قرار داده.

از آیات قرآن استنباط می شود که تمام شب را نباید خوابید مگر عذر منطقی وجود داشته باشد بلکه باید بخشی از شب را به تلاوت قرآن و عبادت پروردگار پرداخت.

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ (۶)

آیا آن کسی که در دل شب به خاک می افتد و در حال سجده و قیام است و از آخرت می ترسد و امید به رحمت پروردگار دارد مانند غیر اوست.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (۷)

ص: ۵۴۱

۱- دعای سی و دوم صحیفه

۲- دعای ششم صحیفه

۳- آل عمران ۱۹۰

۴- انعام ۹۶

۵- یونس ۶۷

۶- زمر ۹

و نیز در بخشی از شب و هنگام غروب ستارگان او را تسبیح کن.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ (۱)

بخشی از شب را بیدار باش که نافله ای است برای تو

شب هم وقت خوبی برای مناجات با پروردگار است و هم اتفاقات شگفت انگیز روحانی و معنوی مثل معراج پیامبر و نزول قرآن در شب بوده است.

موسی علیه السلام در چهل شب در میقات با پروردگارش به مناجات پرداخت در سوره فجر خداوند به شب های دهگانه سوگند یاد می کند.

همه اینها حکایت از شگفتی های شب می کند رویاهایی که قبل از سحر دیده می شود قابل اعتبار و اعتماد است.

شب چه ها دیدو چه ها دارد یاد***ما در شب چه شگفتی ها زاد

ابوبصیر از قول امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن بزرگوار فرمود:

وَأَمَّا الصَّادِقُ إِذَا رَأَاهَا بَعْدَ الثَّلَاثِينَ مِنَ اللَّيْلِ مَعَ حُلُولِ الْمَلَائِكَةِ وَذَلِكَ قَبْلَ السَّحْرِ فَهِيَ صَادِقَةٌ لَا تَخْلَفُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ جُنْبًا ، أَوْ يَنَامَ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ وَ لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَقِيقَةً ذِكْرَهُ ، فَإِنَّهَا تَخْتَلِفُ وَ تُبْطِئُ عَلَى صَاحِبِهَا (۲)

اما رویای صادق را بعد از گذشت دو سوم شب که فرشتگان فرود می آیند و آن پیش از سحر است می بیند اینگونه رویاها راستند و به خواست خدا تحقق می یابند مگر آن که بیننده خواب جنب یا ناپاک خوابیده باشد خدای عزوجل را چنان که شاید یاد نکرده باشد در این صورت رویا با تاخیر و درنگ تحقق می یابد.

در جنبه منفی و خلافکاری های ساعات شب باید عرض کنم که بسیاری از قتل ها و جنایت ها و فحشا و منکرات و عریده جویی ها و بدمستی ها متأسفانه در شب اتفاق

ص: ۵۴۲

۱- اسراء ۷۹

۲- کافی ج ۸ ص ۹۱

می افتد کسانی که دست به دزدی و سرقت اموال مردم می زنند از تاریکی شب استفاده می کنند.

گنهکاران و آلوده دامنان در پارتی های شبانه خود به انواع و اقسام گناهان می پردازند و تمام شب خود را با معصیت و نافرمانی پروردگار سر می کنند و هنگام صبح و بین الطلوعین که وقت عبادت و بندگی خداست می خوابند.

امام سجاد علیه السلام با آن همه قداست و عبادت از خداوند تبارک و تعالی می خواهد که شبش را به گونه پایان برساند که مشمول عفو و رحمت الهی شده باشد.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي أُسْوَةً مِّنْ قَدْ أَنهَضْتَهُ بِتَجَاوُزِكَ عَنِ مَصَارِعِ الْخَاطِئِينَ، وَخَلِّصْتَهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ الْمُجْرِمِينَ، فَأَصْبَحَ طَلِيقَ عَفْوِكَ مِنْ إِسَارِ سُخْطِكَ، وَعَتِيقَ صُنْعِكَ مِنْ وَثَاقِ عَدْلِكَ (۱)

پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا رهبر کسانی قرار ده که با گذشت خود آنها را از پرتگاه های لغزشکاران حفظ کرده ای و با توفیق خود آنها را از ورطه های سهمگین مجرمین نجات داده ای صبح کرده اند در حالی که آزاد شده عفو تو از اسارت خشمت بوده و آزاد شده احسانت از بند عدلت گشته اند.

حالا بهتر نیست که اهل گناه به خود آیند و شب را به طغیان و معصیت تمام نکنند و جز آزاد شده های الهی از خشم و غضب پروردگار شوند چون هیچ کس از فردای خود خبر ندارد چه بسا که مرگ ناگهان به سراغشان آید و دیگر فرصت توبه پیدا نکنند و برای همیشه گرفتار عذاب پروردگار قرار گیرند.

امام علیه السلام در همین دعا عرض می کند:

يا الهی لَا يَيْئَسُ مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا يَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ

ص: ۵۴۳

ای خدای من تو آن خدایی هستی که مجرمین از عفو تو امید نگردند زیرا که تو آن پروردگار بزرگی هستی که کسی را از فضل خود باز نمی دارد.

شبهه

و هَبْ لِي نُورًا أَهْتَدِي بِهِ فِي النَّاسِ، وَ أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ، وَ اسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَ الشُّبُهَاتِ (۱)

خدایا به من نوری عطا کن تا بتوانم بین مردم زندگی کنم و به وسیله آن از تاریکی رهایی یابم و در پرتو آن اسیر شک و شبهه ها نشوم.

اللَّهُمَّ وَ أَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ. الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ، وَ تَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ، وَ مَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ. لَمْ يَنْهَبْهُمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَ لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَ اللَّائِيْمَامِ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ. (۲)

خداوندا بهترین پاداش خود را به پیروان راستین پیامبر اختصاص ده همان هایی که می گفتند پروردگارا ما را با برادرانمان که در ایمان آوردن از ما سبقت گرفتند بیامرز. همان هایی که به سمت اصحاب خاص میل کردند و به آنجا رو کردند و در عقاید و رفتار به روش آنها معتقد بودند و عمل کردند کسانی که در بینش و طرز تفکرشان تردیدی راه نیافت و در تبعیت از آثار هدایت و نیک بختی اصحاب خاص اسیر شبه و شک نشدند.

شک و شبهه معمولاً از جهل و ناآگاهی سرچشمه می گیرد و تا در افراد زمینه بیماری این حالت هست راه نجاتی نخواهند داشت. پس باید برای از بین بردن آن اقدام جدی نمود. امام باقر علیه السلام در تفسیر کلام خداوند که می فرماید:

ص: ۵۴۴

۱- دعای بیست و دوم صحیفه

۲- دعای چهارم صحیفه

أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ قَرَّادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ شَكَا إِلَى شَكِهِمْ (۱)

اما کسانی که در دل هایشان بیماری است پلیدی بر پلیدیشان بیفزود فرمود یعنی شکی بر شک آنها.

همان طور که عرض کردم منشاء شک نادانی است و جز روی آوردن به حقیقت و یقین به خدا و رسول و آنچه از جانب خدا بر پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم نازل شده راه دیگری وجود ندارد.

چون پایان شبهه و شک کفر است.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

الشَّكُّ ثَمَرَةُ الْجَهْلِ. مَنْ عَمِيَ بَيْنَ يَدَيْهِ غَرَسَ الشَّكَّ بَيْنَ جَنَّتَيْهِ (۲)

شک حاصل نادانی است هر که از دیدن آنچه در برابر اوست نابینا باشد نهال شک را در میان سنه اش بنشانند.

و نیز فرمود: دچار شبهه نشوید که گرفتار شک می شوید و شک نکنید که به کفر گرفتار می آید و به نفس های خود میدان ندهید که در این صورت در دین سهل انگار می شود.

لازم است برای داخل نشدن در شک شبهات را بشناسیم چون همان طور که عرض شد جهل است که منشاء شک و شبهات است.

مولایمان علی علیه السلام درباره ضرورت شناخت شبهات می فرمود:

وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ، فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضَمَّ يَأْتُوهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ، وَ دَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى، وَ أَمَّا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ، وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى، فَمَا يَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ مَنْ خَافَهُ، وَ لَا يُعْطَى الْبَقَاءَ مَنْ أَعَجَبَهُ (۳)

شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد اما نور هدایت کننده دوستان خدا در شبهات یقین است و راهنمای آنان مسیر هدایت الهی است اما دشمنان خدا

ص: ۵۴۵

۱- نورالثقلین ج ۲ ص ۲۸۶

۲- غررالحکم ۷۲۵ و ۳۷۷۴

۳- نهج البلاغه خطبه ۳۸

دعوت کننده شان در شبهات گمراهی است و راهنمای آنان کوری است آن کس که از مرگ بترسد نجات نمی یابد و آن کس که زنده ماندن را دوست دارد برای همیشه در دنیا نخواهد ماند.

عده ای از رهبران گمراهی کارشان ایجاد شبهه در دین و اعتقادات مردم است و از این راه ارتزاق می کنند و نام و شهرتی به دست می آورند و شاید خبر ندارند اول کسی که برای آدم و حوا کرد شیطان بود و او شهرت جهانی دارد کار شیطان تبدیل کردن یقین به شک است و از همین راه آدم و حوا شبهه ایجاد را به نافرمانی از دستور خدا کشاند.

به آدم گفتیم که این شیطان دشمن تو و همسرت می باشد مبادا شما را از بهشت بیرون کند که در نتیجه بدبخت شوید. تو در اینجا نه گرسنه می شوی و نه بدون لباس میمانی تو در این مکان نه تشنه می شوی و نه آفتاب آزارت می دهد. شیطان آدم را وسوسه کرد و گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانه و حکومت همیشگی دلالت بنمایم؟

آدم و حوا از آن درخت خوردند عورتشان آشکار شد بی درنگ از برگ های بهشتی خود را پوشاندند آدم نافرمانی پروردگارش را کرد در نتیجه از راه حق خارج شد. (۱)

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

يَسِيرُ الشَّكِّ يُفْسِدُ الْيَقِينَ (۲)

اندکی شک یقین را تباه می کند.

برخورد همان بزرگوار با کسی که در قرآن شک داشت اینگونه بود:

مردی آمد محضر حضرت و گفت: إِنِّي شَكَّكْتُ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْمُنَزَّلِ مِنْ دَرَكْتَابِ نَازِلِ شَدَّ خَدَاوَنَدِ دِجَارِ شَبَهَةِ وَ شَكِّ شَدَّ م.

ص: ۵۴۶

۱- آیات ۱۱۷ تا ۱۲۱ سوره طه

۲- غررالحکم ۱۰۹۷۹

امام علیه السلام فرمود:

ثَكَلْتِكَ أُمَّمَكَ! وَ كَيْفَ شَكَّكَتَ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْمُنَزَّلِ؟ مادرت به عزایت نشیند. چگونه در کتاب نازل شده الهی شك کرده ای؟.... إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ لِيُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَلَا يُكَذِّبُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ لَكِنَّكَ لَمْ تُرْزَقْ عَقْلًا تَنْفَعُ بِهِ....(۱)

همانا کتاب خدا برخی از آن برخی دیگرش را تصدیق می کند و هیچ قسمتی از آن قسمت دیگرش را تکذیب نمی کند اما به تو عقلی روزی نشده که از آن بهره گیری....

در اینجا روی سخن با شبهه اندازان است شما که باید عقاید مردم به خصوص نسل جوان بازی می کنید و چون می دانید که شنونده و یا خواننده شما چیزی از دین نمی داند او را به شك می اندازید شهادت به خرج دهید اشکالات و شبهات خود را با کارشناسان دینی در میان بگذارید اگر غرض و مرضی در کارتان نیست شاید از این طریق رفع شبهه برایتان شود و دیگران را هم به شبهه نیندازید.

و اینهم توضیح مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام:

وَ الشُّكُّ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى التَّمَارِ وَ الْهَوْلِ وَ التَّرْدُّدِ وَ الْإِسْتِسْلَامِ فَمَنْ جَعَلَ الْمِرَاءَ دَيْدِنًا لَمْ يُصْبِحْ لَيْلُهُ وَ مَنْ هَالَهُ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ نَكَصَ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ مَنْ تَرَدَّدَ فِي الرَّيْبِ وَ طِئْتُهُ سَنَابِكُ الشَّيَاطِينِ وَ مَنْ اسْتَسْلَمَ لَهُلِكَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ هَلَكَكَ فِيهِمَا (۲)

و شك چهار بخش دارد: جدال در گفتار، ترسیدن، دو دل بودن و تسلیم حوادث روزگار شدن. پس آن کس که جدال و نزاع را عادت خود قرار داد و از تاریکی شبهات بیرون نخواهد آمد و آن کس که از هر چیزی ترسید همواره در حال عقب نشینی است و آن کس که در تردید و دو دلی باشد زیر پای شیطان کوبیده خواهد شد و آن کس که تسلیم حوادث گردد و به تباهی دنیا و آخرت کردن نهد هر دو جهان را از کف خواهد داد.

ص: ۵۴۷

۱- توحید ص ۲۵۵

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۳۰

و یک پیشنهاد به گرفتاران شبهه و شک که هر چه زودتر اقدام به رفع شبهه کنند چون اعمال ایشان از اصیت و اثر می افتد و اجر و پاداشی نخواهند داشت.

مولایمان علی علیه السلام صدای مردی از اهالی دهکده ای نزدیک کوفه که گروه منحرف خوارج آنجا را برای جنگ با امام علیه السلام انتخاب کرده بودند شنید که نماز شب می خواند و قرآن تلاوت می کرد فرمود:

نَوْمٌ عَلَىٰ يَقِينٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ فِي شَكٍّ (۱)

خوابیدن همراه با یقین رتر از نما گذاردن با شک و تردید است.

شتاب زدگی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ.... مِنْ ضَعْفِ الصَّبْرِ (۲)

خدایا به تو پناه می برم.... از ضعف صبر و تحمل

ظاهرا خلقت انسان آمیخته به عجله و شتاب زدگی است و نیاز جدی به تربیت دارد تا این حالت را در خود تغییر دهد.

خداوند تبارک و تعالی در مسئله استجاب دعا و اصرار انسان به رسیدن بر خواسته هایش می فرماید:

وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا (۳) (این انسان شتاب زده است)

و یا در موضوع وعده های الهی و از جمله حادثه قیامت می فرماید:

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (۴)

انسان از عجله و شتاب خلق شده و به زودی آیات خود را به شما نشان می دهم بنابراین شتاب نکنید.

ص: ۵۴۸

۱- نهج البلاغه حکم و مواظ ۹۷

۲- دعای هشتم صحیفه

۳- اسراء ۱۱

۴- انبیاء ۳۷

عجله آفت کار است چون معمولاً شخص عجول و شتاب زده دقت عمل ندارد و می خواهد کار را به سرعت تمام کند در نتیجه ناقص انجام میدهد حالا کار هر چه باشد چه معنوی و چه مادی

امام علی علیه السلام در منشور بزرگ خود به مالک اشتر درباره شتاب زدگی هشدار می دهد

وَإِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَقُّطَ فِيهَا عِنْدَ امْكَانِهَا....

مبادا هرگز در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی یا کار که وقت آن رسیده سستی ورزی.

ای مالک با پرهیز از شتاب زدگی و فرو خوردن خشم خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد و تو بر نفس مسلط نخواهی شد مگر با یاد فراوان قیامت و بازگشت به سوی خدا. (۱)

مومن باید زمان شناس باشد و نسبت به افراد جامعه به سرعت قضاوت نکند چه بسا شتاب زده مطلبی را درباره شخصی نقل می کند در حالی که در اصل دروغ و غیر واقعی است و یا اصلاً طرف خوش نداشته سرش فاش شود.

همان بزرگوار فرمود:

مَنْ أَسْرَعَ إِلَى النَّاسِ بِمَا يَكْرَهُونَ قَالُوا فِيهِ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ (۲)

کسی که در انجام کاری که مردم خوش ندارند شتاب کند درباره او چیزی خواهند گفت که از آن اطلاعی ندارند.

بین شتاب زدگی و سرعت عمل تفاوت هست شتاب زدگی به کاری گفته می شود که بدون فکر و عاقبت اندیشی انجام گیرد ولی در بعضی موارد سرعت عمل بجا و خوب است مثل شتاب در تربیت فرزند.

ص: ۵۴۹

۱- نهج البلاغه نامه ۵۳

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۳۵

لازم است پدر و مادر از همان روزهای نخستین رشد فرزندان به فکر تعلیم و تربیت آنها باشند و عجله کنند که فردا و فرداها دیر است. اینجا سرعت عمل ضروری است باید استعدادهای خدادادی ایشان را با تربیت صحیح شکوفا کرد آنچه اطفال می شنوند و می بینند کاملاً در روح آنها تاثیر عمیق می گذارد بنابراین باید شتاب کرد قبل از آنکه گرفتار انحراف شوند خوراک فکری و دینی درست به جان آنها خورانید.

این کلام امیرالمومنین علیه السلام درباره فرزند خودش می باشد:

وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُوْا قَلْبَكَ وَ يَسْتَعْلَ لُبَّكَ (۱)

فرزندم قلب کودک و جوان مثل زمین کاشته نشده آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود پس در تربیت تو شتاب کردم پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد.

و یا مثل انجام کار خیر و راه انداختن کار و مشکل دیگران که تاخیر جایز نیست و باید شتاب کرد در این گونه مواقع شیطان وسوسه می کند که عجله نکن تا شما موفق به آن نشوید و باید به وسوسه او اعتنا نکرد و به سرعت آن عمل صالح را انجام داد که از دست خواهد رفت و فرصت تمام می شود.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

فَاعْمَلُوا وَ اءَاتْتُمْ فِي نَفْسِ الْبَقَاءِ، وَ الصُّحُفُ مَنْشُورَةٌ، وَ التَّوْبَةُ مَبْسُوطَةٌ، وَ الْمُدْبِرُ يُدْعَى ، وَ الْمَسِيءُ يُرْجَى ، قَبْلَ أَنْ يَخْمَدَ الْعَمَلُ، وَ يَنْقَطِعَ الْمَهْلُ (۲)

اکنون که زنده اید و نامه عملتان باز و توبه برای شما مقدور است و گنهکار دعوت می شود و امیدوار به آمرزش الهی هستید قبل از آنکه چراغ عمل خاموش شود و فرصت از کف برود کاری انجام دهید.

ص: ۵۵۰

۱- نهج البلاغه نامه ۳۱

۲- نهج البلاغه خطبه ۲۳۰

و از جمله در خواندن نماز نه آنکه نماز را تند و سریع و بدون طمانینه بخواند بلکه عجله کنیم که وقت فضیلت آن از دست نرود و مقید باشیم نماز را اول وقت به جا آوریم.

وقتی از امام صادق علیه السلام از بهترین اعمال سوال شد؟ فرمود:

الصَّلَاةُ لَوَقْتِهَا وَ بِرِّ الوَالِدَيْنِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (۱)

نماز به وقت نیکی کردن به پدر و مادر و جهاد در راه خدای عزوجل

پس در کارهای خیر شتافتن و عجله خوب است چون آدم از لحظه های آینده خود خبر ندارد که چه اتفاقی خواهد افتاد.

همان بزرگوار فرمود پدرم می فرمود:

إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ (۲)

هرگاه آهنگ کار خوبی کردی بشتاب زیرا نمی دانی که چه پیش خواهد آمد. و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه یکی از شما آهنگ کاری نیک یا بخششی کند در طرف راست و چپ او دو شیطان قرار گیرند پس بشتابد که آن دو شیطان او را از تصمیمش باز ندارد. (۳)

ص: ۵۵۱

۱- کافی ج ۲ ص ۱۵۸

۲- کافی ج ۲ ص ۱۴۲

۳- همان مدرک

أَيُّدُنَا بَعِزٌّ لَّا يُفْقَدُ (۱)

خداوندا ما را به عزت و اقتداری تایید کن که از دست نمی رود.

مومن باید مقتدر و شجاع باشد و در برابر غیر خدا خضوع و تعظیم نکند چرا که

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

عزت و اقتدار از آن خدا و رسول او و مومنین است.

شجاعت از صفات برجسته اهل ایمان است همان طور که ترس و بزدلی ضعف و نقصان است و انسان را به زبونی و ذلت می کشاند.

البته فرق است بین شجاعت و دست به کارهای خطرناک و جنون آمیز زدن اسلام اجازه نمی دهد کسی بنام شجاعت کارهای غیرمنطقی و خطرناک انجام دهد.

وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا (۳)

با دست خویش خود را به هلاکت نیندازید. درست و نیکو عمل کنید.

پس بسیاری از بی باکی ها و حرکت های ویژه ای که بعضی به خصوص جوانان انجام می دهند و منجر به هلاکت خودشان و یا آسیب رساندن به دیگران می شود حرام و خلاف شرع مقدس است.

چنانکه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

لَا ضَرَرَ وَإِضْرَارَ فِي الْإِسْلَامِ فَالْإِسْلَامُ يَزِيدُ الْمُسْلِمَ خَيْرًا وَلَا يَزِيدُهُ شَرًّا (۴)

در اسلام ضرر و زیان زدن به خود و دیگران ممنوع است زیرا اسلام بر خیر مسلمان می افزاید و شری به او نمی رساند.

ص: ۵۵۲

۱- دعای سی و پنجم صحیفه

۲- منافقون ۸

۳- بقره ۱۹۵

۴- من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۳۴

بله مومنین جز از خدا نمی ترسند و در جبهه و جنگ با دشمنان شجاعانه می جنگند و با توکل بر پروردگار همواره پیروز میدان هستند.

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ (۱)

در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت ملامتگران هراسی ندارند.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲)

بدانید که دوستان خدا نه می ترسند و نه غمگین می شوند.

امیرالمومنین علی علیه السلام از شجاعت خود می گوید:

وَمِنَ الْعَجَبِ بَعْثُهُمْ إِلَيَّ إِذْ أَبْرَزَ لِلطَّعَانِ وَأَنْ أَصِيبَ لِلْجَلَادِ! هَبَلْتَهُمُ الْهَيْوَلُ، لَقَدْ كُنْتُ وَمَا أَهْدَدُ بِالْحَرْبِ، وَلَا أَرْهَبُ بِالضَّرْبِ، وَإِنِّي لَعَلِي يَقِينٍ مِنْ رَبِّي، وَغَيْرِ شُبْهَةٍ مِنْ دِينِي (۳)

شگفتا از من خواستند در جنگ جمل به میدان نبرد آیم و برابر نیزه های آنان قرار گیرم و ضربت های شمشیر آنها را تحمل کنم گریه کنندگان بر آنها بگریند تاکنون کسی مرا از جنگ نترسانده و از ضربت شمشیر نهراسانده است من به پروردگار خویش یقین داشته و در دین خود شک و تردیدی ندارم.

انسان شجاع زیر بار ذلت نمی رود به هر کجا انجامد و اگر فرزند امیرالمومنین علی علیه السلام امام حسن علیه السلام قلب دشمن را شکافت و سپاه مخالفین را در برابر چشمان پدر تا رومار کرد در حالی برادر ناتنی او محمد حنفیه نکرد و اگر فرزند دیگر مولایمان علی یعنی حضرت حسین علیهم السلام با تمام قوا همراه با فرزندان و اصحاب خویش در برابر ظالم زمان ایستاد و همه خسارات ظاهری را به جان خرید.

به این خاطر بود که تن به ذلت ندهد و حریت و ازادگی خویش را حفظ کند.

سر سلسله مردم آزاد حسین است***آنکس که در این ره سر و جان داد حسین است.

ص: ۵۵۳

۱- مائده ۵۴

۲- یونس ۶۲

۳- خطبه ۲۲ نهج البلاغه

اعلامیه از قتلگه کربلا داد***با زینب و سجاد سوی شام فرستاد

این جمله ز خون بود در آن نشریه مسطور***باید بشر از قید اسارت شود آزاد

دلیر دلیران عالم امیرالمومنین علی علیه السلام در بیان فضایل انسان متعهد و شایسته می فرمود:

قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ صِدْقِهِ عَلَى قَدْرِ مُرْوَعَتِهِ وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَنْفَتِهِ وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ (۱)

ارزش انسان به اندازه همت اوست و راستگویی او به میزان جوانمردی اش و شجاعت او به قدر ننگی است که احساس می کند و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست.

شاید برای بعضی این طور تعبیر شود که شجاعت فقط در جبهه جنگ بروز می کند و در جاهای دیگر کارایی ندارد در حالی که منحصر به جبهه و جنگ نیست.

یک بار سول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود ک آیا زورمندترین و قویترین شما را معرفی نکنم؟ عرض کردند چرا ای رسول خدا فرمود: زورمندترین و قویترین شما کسی است که هرگاه خوش و خرسند باشد به گناه و نادرستی کشیده نشود و هرگاه ناراحت و ناخشنود شود از جاده حق گویی خارج نشود و هر گاه قدرت یابد آنچه را که حق او نیست نستاند. (۲)

یکی از مصادیق شجاعت پا روی هوای نفس گذاشتن و با خواهش های بی مورد نفس مخالفت کردن است. امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

أَشَجُّ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ (۳)

شجاع ترین مردم کسی است که هوای نفسش غالب و پیروز شود.

ص: ۵۵۴

۱- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۴۷

۲- معانی الاخبار ص ۳۶۶

۳- غررالحکم ۱۰۵۹۱

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَيِّدِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ، وَ أَجْزَى مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ، وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبُذْلِ، وَ أَكْفَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَ أَخَالَفَ مَنْ اِعْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أَغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ (۱)

پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و پا برجایم کن تا پاسخ دهم خیانت کسی را که به من خیانت کرده به خیرخواهی و پاداش دهم کسی که ترک مرا کرده به نیکی و عوض دهم کسی که محروم نموده به بذل و بخشش و مکافات کنم هر که پیوندش را از من بریده به پیوستگی و مخالفت کنم با هر که پشت سرم بد گوید به اینکه به خوبی یادش کنم و از نیکی و احسان انسان ها سپاسگزاری کنم و از بدی دیگران چشم پوشم.

عنایت فرمودید که امام علیه السلام دقیقا چیزی را که در مجموع مطالباتش از پروردگار می خواهد همان شرح صدر و سینه فراخی است که قادر باشد تمام ناملایمتی که از ناحیه دیگران به ما می رسد عکس العمل ضدش را انجام دهد و در نهایت بردباری و متانت برخورد متقابل داشته باشد.

امام علیه السلام در عمل شرح صدر خود را به یاران نشان می داد تا بدی را چگونه پاسخ دهند یکی از بستگان حضرت خدمت آن بزرگوار آمد و بی مقدمه شروع به ناسزا گفتن کرد امام علیه السلام در جواب او چیزی نفرمود بعد از رفتنش به اصحاب روی نموده فرمود شنیدید چه گفت اینک مایلم با من بیاید تا پیش او برویم جواب مرا نیز بشنوید یاران عرض کردند حاضریم ما میل داشتیم همان جا جوابش را بدهی امام زین العابدین علیه السلام نعلین خود را برداشت و حرکت کرد و در بین راه این ایه را خواند

وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۲)

و فرو بندگان خشم و در گذرندگان از مردم خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.

ص: ۵۵۵

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- آل عمران ۱۳۴

همراهان که نخست گمان دیگری داشتند دریافتند امام برای تلافی نمی رود به خانه آن مرد رسیدند و امام او را صدا زد و فرمود به او بگویند علی بن الحسین آمده است او به گمان آنکه امام علیه السلام برای تلافی آمده خود را آماده ستیز ساخت و بیرون آمد امام علیه السلام فرمود برادرم تو چند لحظه پیش نزد من آمدی و حرف هایی زدی اگر آنچه گفتمی در من هست از خدا می خواهم مرا بیامزد... و اگر آنها در من نیست از خدا می خواهم تو را بیامزد.

سعه صدر امام مرد را شرمنده ساخت پیش آمد و پیشانی امام را بوسید و گفت آنچه گفتم در شما نبود و اعتراف می کنم که خود آنچه گفتم سزاوارترم (۱)

شرح صدر برای همه لازم است برای کسانی که در مقام ارشاد و هدایت خلق خدایند بیشتر لازم است و می توان گفت رمز موفقیت در کارشان است.

حضرت موسی علیه السلام وقتی مامور شد که در برابر فرعون بایستد و با او احتجاج و مقابله کند یکی از مطالباتش از پروردگار شرح صدر بود.

اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲)

برو به سوی فرعون که طغیان کرده است موسی گفت پروردگارا سینه ام را گشاده کن و کارم را آسان فرما.

شرح صدر برای همه مفید است و برای کسانی که بر مسند ریاست و مدیریت جامعه هستند ابزار کار است یعنی بدون آن نمی توانند ادامه راه دهند. چون با سلیقه های متفاوت و توقعات عجیب مردم روبرو هستند پس باید همه را تحمل کنند و با سعه صدر با مشکلات دست و پنجه نرم کنند.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

آلَه الرِّيَاسَه سَعَةُ الصَّدْرِ (۳)

ص: ۵۵۶

۱- ارشاد مفید ص ۲۴۰

۲- طه ۲۴ تا ۲۶

۳- نهج البلاغه حکم و مواظ ۱۷۶

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ أَلْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَ فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَ دَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ (۱)

خدا را شکر به خاطر آنچه از خود به ما شناساند و طریقه شکرگزاری اش را به ما الهام فرمود و درهای دانش و درک ربوبیتش را به روی ما گشود و ما را دلالت نمود که چگونه به وسیله اخلاص به مرتبه توحید و یگانگی حضرتش برسیم.

بالاترین حمد همین جاست که از خداوند تشکر کنیم که او را یکتا می دانیم و شرک و همتایی برایش قایل نیستیم.

شرک از جمله گناهان بزرگی است که هرگز بخشیده نمی شود مشرک نجس است و جایگاهش دوزخ می باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ (۲)

ای اهل ایمان بدانید که مشرکان نجس هستند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا (۳)

خداوند شرک به خود را نمی بخشد و غیر شرک را برای هر که بخواهد می بخشد و هر که برای خدا شریکی قایل شود گناه بزرگی مرتکب شده است.

مولای موحدان علی علیه السلام که خود ذوب شده در یکتایی حق بود در آخرین لحظات زندگی و در بستر شهادت می فرمود:

وَصِيَّتِي لَكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا (۴)

وصیت من به شما آن که به خدا شرک نورزید.

ص: ۵۵۸

۱- دعای اول صحیفه

۲- توبه ۲۸

۳- نساء ۴۸

۴- نامه ۲۳ نهج البلاغه

از جمله نصایح لقمان به فرزندش طبق بیان قرآن این بود:

يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۱)

فرزندم به خدا شرک نیاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است.

قرآن آنقدر شرک به خدا را قبیح و زشت می‌شمرد که عجب‌ترین تعبیر را درباره آن فرموده که درباره سایر گناهان نفرموده است.

وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتُحَطُّهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ (۲)

و هر کس برای خدا شریک قایل شود چون آن کسی است که از آسمان فرو افتد و مرغان شکاری او را برابند یا باد او را به مکانی دور اندازد.

حفظ توحید و یکتاپرستی تا آنجا ارزشمند است که اگر انسان موحد قطعه قطعه شود ولی لطمه‌ای بر ایمانش وارد نگردد سزاوار است این خطر را برای خویش بخرد.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم به ابن مسعود فرمود:

إِيَّاكَ أَنْ تُشْرِكَ بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَإِنْ نُشِرْتَ بِالْمِنْشَارِ أَوْ قُطِعَتْ أَوْ صُلِبَتْ أَوْ أُحْرِقَتْ بِالنَّارِ (۳)

مبادا آنی به خدا شرک ورزی حتی اگر اره شوی یا تکه تکه ات کنند یا به دارت آویزند و یا به آتش سوزانند.

در بحث شرک دو نکته دیگر از روایات استناد می‌شود یکی آنکه هیچ‌گاه نباید از مشرک کمک گرفت و دیگر آنکه تا اجبار نباشد در کشور و شهر مشرکان نباید سکونت کرد.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می‌فرمود:

إِنَّا لَا نَسْتَعِينُ بِمُشْرِكٍ (۴) ما از مشرک کمک نمی‌گیریم.

ص: ۵۵۹

۱- لقمان ۱۳

۲- حج ۳۱

۳- مکارم الاخلاق ج ۲ ص ۳۵۷

۴- کنز العمال ۱۰۸۸۷

همان بزرگوار می فرمود:

مَنْ جَامَعَ الْمُشْرِكَ وَ سَكَنَ مَعَهُ فَإِنَّهُ مِثْلُهُ (۱)

هر که با مشرک اجتماع و سکونت کند همانند او باشد.

خیب بن یساف مردی دلیر بود و اسلام نمی آورد هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به سوی پدر بیرون شد او و قیس بن محرث که بر آیین مردم خود بودند نیز راه افتادند و در وادی عقیق به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رسیدند. خیب غرق در آهن بود رسول خدا او را از زیر کلاه خود شناخت به سعد بن معاذ که در کنارش حرکت می کرد رو کرد و فرمود: او خیب بن یساف نیست؟ عرض کرد چرا پس خیب جلو آمد و تنگ ناقه رسول خدا را گرفت پیامبر به او و قیس بن محرث فرمود: شما چرا آمده اید؟

خیب گفت تو خواهرزاده و همسایه ما هستی و ما برای غنیمت آمده ایم حضرت فرمود کسی که هم دین ما نیست نباید با ما به جنگ بیاید خیب گفت قوم من می دانند که من مردی بسیار جنگاور و سخت گزند هستم. بنابراین برای غنیمت در کنار تو می جنگم اما اسلام نمی آورم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود نه بلکه مسلمان شو و سپس بجنگ. در محل دیگر بنام روهاء نزد پیامبر آمد و عرض کرد ای رسول خدا من به پروردگار جهانیان ایمان آوردم و گواهی می دهم که تو فرستاده خدایی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خوشحال شد و فرمود حالا به راهت ادامه بده.

او در بدر و جاهای دیگر شجاعت زیادی از خود نشان داد اما قیس بن محرث از مسلمان شدن امتناع کرد و به مدینه برگشت. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از بدر بازگشت او هم مسلمان شد و در جنگ احد شرکت کرد و کشته شد. (۲)

ص: ۵۶۰

۱- همان مدرک ۱۱۰۲۹

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۴ ص ۱۱۰

یکی از مواردی که به شرکت پنهانی تعبیر شده آن است که در گفتار بعضی مسلمانان و حتی شیعیان با تاسف شنیده می شود مثلا وقتی مومنی کارشان را اصلاح می کند و یا رفع گرفتاری از آنها می نماید می گویند اول خدا بعد شما و اگر شما نبودید کسی گره کار مرا باز نمی کرد در حالی که همه اش خداست و غیر خدا را هم خداوند متعال مامور اجرای رفع گرفتاری ما می کند و اگر او نخواهد تمام مردم دنیا هم جمع شوند کاری از دستشان بر نمی آید.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ (۱)

و بیشتر آنان به خدا ایمان نیاورند مگر آن که مشرک باشند فرمود که مانند این که انسان بگوید اگر فلانی نبود من از بین می رفتم و اگر فلانی نبود چنین و چنان می شدم و اگر فلانی نبود خانواده ام نابود می شد مگر نمی بینی که او با این حرف ها در ملک خدا برایش شریکی قایل شده که روزیش می دهد و از او دفاع و دفع گرفتاری می کند؟

راوی می گوید عرض کردم پس بگویند: اگر خداوند به واسطه فلانی بر من منت نمی نهد از بین می رفتم؟ فرمود آری اشکالی ندارد. (۲)

در جای دیگر همان بزرگوار درباره آیه ۱۰۶ سوره یوسف فرمود: يُطِيعُ الشَّيْطَانَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ فَيُشْرِكُ (۳) ندانسته از شیطان پیروی می کند و به این سان مشرک می شود.

شرکت پنهانی در بسیاری از تعریف و تمجیدها و تکذیب و تخریب های افراد وجود دارد مثلا- من برای خوشایند و جلب توجه انسان سرمایه داری مطلبی را که حتی جنبه دینی و مذهبی دارد بگویم که روزی از وجودش استفاده کنم و خدا را روزی رسان ندانم و یا آن سرمایه دار را همراه با خدا محلل روزی بدانم و یا تعریف و تمجید و یا تکذیب و تخریب افراد را انجام دهم چون شخص تعریف شده خوشحال شود و برایم کاری

ص: ۵۶۱

۱- یوسف ۱۰۶

۲- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۰۰

۳- کافی ج ۲ ص ۳۹۷

انجام دهد گرچه فاسق و فاجر باشد و باز برای خوشایند گروهی افرادی را تکذیب و تخریب و ترور شخصیت کنم تا به اهداف مادی خود برسند اینها همگی نمونه هایی از شرک خفی و پنهانی است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُشْرِكًا حَتَّى يُصَلِّيَ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَدْبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَدْعُوَ لِغَيْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (۱)

بنده مشرک نباشد مگر آنگاه که برای غیر از خدا نماز خواند یا برای غیر خدا ذبح کند و یا برای غیر خدای عزوجل دعوت کند.

گاه می شود که ما مردم را به جای آنکه به خدا دعوت کنیم به خود دعوت می کنیم تا مریدان بیشتر داشته باشیم و به دنیای بهتری نایل آییم.

اللَّهُمَّ نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِكِ الْخَفِيِّ وَالْجَلِيِّ

شفاعت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا (۲)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا همنشین و یاور این دودمان قرار ده.

لازمه همنشینی با محمد و آل علیهم السلام پذیرفتن آن بزرگواران است پس باید شرایط دستگیری و شفاعت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و عترت پاکش را در دنیا وجود آوریم تا لایق همنشینی و شفاعت آن بزرگواران گردیم.

ص: ۵۶۲

۱- خصال ص ۱۳۶

۲- دعای بیست و یکم صحیفه

ابتدا لازم است در اصل شفاعت عرض کنم که بنا بر نص صریح قرآن وجود دارد و کسی حق انکار آن را ندارد. این درست است که کل شفاعت در اختیار خداست ولی خداوند به عده ای از بندگان برگزیده اش اجازه شفاعت را می دهد.

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱)

بگو شفاعت تماما از آن خداست فرمانروایی آسمان ها و زمین خاص اوست

سپس به نزد او باز گردانیده می شوید.

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ (۲)

کیست که جز به اجازه خدا نزد او شفاعت کند؟

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (۳)

در آن روز شفاعت سود ندهد مگر کسی را که خداوند رحمان اجازه دهد و سخنش او را پسند آید.

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۴)

اختیار شفاعت را ندارد مگر کسی که از جانب خدای رحمان پیمانی گرفته باشد.

عهد در آیه به چه چیز تفسیر شده که از شروط شفاعت است؟

به خود قرآن که مراجعه می کنیم وقتی بحث امامت حضرت ابراهیم علیه السلام مطرح می شود خداوند تبارک و تعالی مسئله امامت و ولایت را به صراحت عهد بیان می کند در آن هنگام که خداوند می فرماید:

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۵)

من تو را امام مردم قرار دادم ابراهیم گفت امامت در فرزندانم نیز هست فرمود عهد من به ستمگران نمی رسد.

ص: ۵۶۳

۱- زمر ۴۴

۲- بقره ۲۵۵

۳- طه ۱۰۹

۴- مریم ۸۷

۵- بقره ۱۲۴

پس عهد خدا که همان مقام ولایت و امامت است به انسان های عادل و معصوم می رسد و آنهایی که نزد خدا چنین عهدی را دارند لایق شفاعت کردن از دیگران هستند.

امام صادق درباره کلام خدای متعال در آیه ۸۷ سوره مریم می فرماید:

إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَةِ مِنْ بَعْدِهِ فَهُوَ الْعَهْدُ عِنْدَ اللَّهِ (۱)

مگر کسانی که به ولایت امیرالمومنین و امامان بعد از او اعتقاد داشته باشند و این همان عهدی است که نزد خدا دارند.

بر حسب آیات و روایات عده ای که زمینه شفاعت را در دنیا برای خود مهیا نکرده اند از ایشان شفاعت نخواهد شد.

در مرحله نخست مشرکان و کافران هستند:

وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (۲)

ما روز قیامت را دروغ می دانستیم تا آن که مرگ ما را فرا رسید پس شفاعت کنندگان سود شان نبخشد.

در حدیثی رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود:

الْشَّفَاعَةُ لَا تَكُونُ لِأَهْلِ الشُّكِّ وَالشِّرْكِ وَلَا لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ بَلْ يَكُونُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ (۳)

شفاعت برای اهل شک و مشرکان نیست و نیز برای کافران و منکران نخواهد بود بلکه شفاعت مخصوص مومنان یکتاپرست است.

گروه دوم کسانی هستند که منکر اصل شفاعتند طبیعی است کسی که در دنیا انکار شفاعت می کند در آخرت سزاوار شفاعت نیست.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود:

ص: ۵۶۴

۱- بحار ج ۸ ص ۳۶

۲- مدثر ۴۶ تا ۴۸

۳- بحار ج ۸ ص ۵۸

مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِشَفَاعَتِي فَلَا أَنَالَهُ اللَّهُ شَفَاعَتِي (۱)

کسی که به شفاعت کردن من ایمان نداشته باشد خداوند شفاعت مرا به او نرساند.

گروه سوم کسانی که بغض اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را در دل دارند و منکر وجودنازنین آن ذوات مقدسه هستند که در روایات تعبیر به ناصبی شده اند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

لَوْ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلِينَ شَفَعُوا فِي نَاصِبٍ مَا شَفَعُوا (۲)

حتی اگر فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل درباره فرد ناصبی شفاعت کننده شفاعتشان پذیرفته نمی شود.

گروه چهارم نقطه مقابل گروه سوم هستند که درباره اهل بیت غلو کرده و آنها را تا سر حد خدایی بالا برده اند آنها نیز از شفاعت محرومند.

رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

رَجُلَانِ لَا تَنَالُهُمَا شَفَاعَتِي: صَاحِبُ سُلْطَانٍ عَسُوفٌ عَشُومٌ وَ غَالٍ فِي الدِّينِ مَارِقٌ (۳)

شفاعت من به دو کس نمی رسد قدرتمند مستند و ستمگر و غلو کننده خارج شده از دین.

گروه پنجم سبک شمردگان نماز آنهایی که نماز نمی خوانند بی شک جایگاهشان جهنم است طبق آیات شریفه سوره مبارکه مدثر يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴)

سوال می کنند از وضع مجرمین چه کردید که در سقر جهنم جا گرفتید؟ پاسخ می دهند ما نماز نمی خواندیم.

سبک شماران نماز محروم از شفاعتند طبق بیان رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم و امام جعفر صادق علیه السلام:

ص: ۵۶۵

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۱۳۶

۲- محاسن ج ۱ ص ۲۹۴ و بحار ج ۸ ص ۴۱

۳- خصال ص ۶۳

۴- آیات ۴۰ تا ۴۲

لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ وَلَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ (۱)

کسی که نماز را سبک بشمارد به شفاعت من دست نیابد و به خدا سوگند که در کنار حوض کوثر بر من وارد نشود.

امام صادق علیه السلام هنگامی که در آستانه رحلت قرار گرفت دستور داد بستگانش گرد او جمع شوند و فرمود:

إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَنْ تَنَالَ مَسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ (۲)

کسی که نماز را سبک شمرد شفاعت ما هرگز شامل حالش نمی شود.

در بخش پایانی این بحث عرض کنم که همه ما محتاج شفاعت محمد و آل علیهم السلام هستیم و در دنیا خالصانه و با الحاح و اصرار از آن بزرگواران بخواهیم دست ما را بگیرند و ما را در دنیا و آخرت از خود جدا نفرمایند.

و بعد باور داشته باشیم گفته امام صادق علیه السلام را که فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَشَفَعُ فِي الْمُنْذَبِينَ مِنْ شِيعَتِنَا فَأَمَّا الْمُحْسِنُونَ فَقَدْ نَجَّاهُمُ اللَّهُ (۳)

در روز قیامت ما برای شیعیان گناهکار خود شفاعت می کنیم و اما نیکوکاران را خداوند خود نجات داده است.

غیر از انبیاء و ائمه و شهدا علماء ربانی نیز توفیق شفاعت کردن از دیگران را دارند.

همان بزرگوار فرمود: چون روز قیامت شود به عابد گفته می شود به بهشت برو و به عالم گفته می شود بایست و به سبب آن که مردم را تربیت و ادب نیکو آموختی برای آنان شفاعت کن. (۴)

ص: ۵۶۶

۱- محاسن ج ۱ ص ۱۵۹

۲- همان مدرک

۳- فضائل الشیعه ص ۷۷

۴- علل الشرایع ص ۳۹۴

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اعْتَرَفَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ تَأْدِيَةِ الشُّكْرِ

از جمله دعاهاى حضرت زمانى كه اقرار به ناتوانى در به جا آوردن شكر مى كند.

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَمَّا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا. وَ لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ فَأَشْكُرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ (۱)

پروردگارا كسى به كمال شكرت نمى رسد مگر اينكه احسان ديگرى از جانب تو شامل حالش مى گردد و لازم است شكرى ديگر نمايد. و به طاعتى از طاعات نايل نمى گردد گرچه تلاش كند مگر اينكه مقصر است و مستحق فضل و كرم توست بنابراین شاكرترين بندگانت عاجز از شكر تواند.

وقتى به بيان قرآن شريف نعمت هاى الهى را نمى توان به شماره آورد چگونه مى توان شكر نعمت هايش را به جا آورد:

وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا (۲)

ولى از آنجاى كه لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (۳)

خداوند بيشتر از توان انسان ها تكليف نمى كند.

پس هر كس به اندازه توانش بايد نعمت هاى الهى را شاكر باشد و زبان حمد و سپاسش قطع نشود. از جمله كسانى نباشد كه اكثرا ناسپاسند.

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۴)

هنگامى كه براى نعمت و صاحب نعمت احترام قايل شديم و مناسب آن سپاسگزارى كرديم انشاء الله بنده شاكر خداييم.

ص: ۵۶۷

۱- دعای سی و هفتم صحیفه

۲- ابراهیم ۳۴

۳- بقره ۲۸۶

۴- بقره ۲۴۳

همین که بدانیم این همه فضل و کرم از جانب خداست کمترین مرتبه شکر را به جا آورده ایم همچنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

وَ أَدْنَى الشُّكْرِ رُؤْيَا النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى (۱)

کمتر حد شکر این است که نعمت را از طرف پروردگار بدانی.

یکبار خداوند به حضرت موسی علیه السلام وحی فرستاد که ای موسی اَشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي مرا شکر کن آنهم شکر کامل عرض کرد پروردگارا من چگونه می توانم حق شکر تو را به جای آورم در حالی که شکر هر نعمت خود نعمتی است جداگانه که باید شکرش را به جای آورم و می دانم که توفیق شکر هم از جانب خداست.

خطاب رسید ای موسی:

الآن شَكَرْتَنِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي (۲)

اینک شکر مرا به جا آوردی زیرا که دانستی که این توفیقات از جانب من است.

آثار خوشایندی بر شکر مترتب است که پس از آگاهی به آن آثار کسی حاضر نیست لب به شکایت باز کند بلکه در هر حال و وضعی که باشد همواره خدا را شاکر است.

مولایمان علی علیه السلام درباره فواید و آثار مثبت شکر می فرمود:

شُكْرُ النِّعْمَةِ أَمَانٌ مِنْ حُلُولِ النَّقْمَةِ الشُّكْرُ عِصْمَةٌ مِنَ الْفِتْنَةِ (۳)

شکر نعمت مایه مصون ماندن از انتقام خداوند است شکر نعمت موجب محفوظ ماندن از فتنه است.

چیزی که بسیار محسوس برای اهل شکر اتفاق افتاده رشد و ازدیاد نعمت است و باور قرآنی است که فرمود:

وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (۴)

ص: ۵۶۸

۱- مصباح الشریعه ص ۲۶

۲- کافی ج ۲ ص ۹۸

۳- بحار ج ۷۸ ص ۵۳

۴- ابراهیم ۷

و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاس گوئید بر نعمت شما می افزایم و اگر ناسپاسی کنید همانا عذاب من سخت خواهد بود.

همان بزرگوار در تفسیر آیه فرمود: چون خداوند به بنده ای نعمتی دهد و بنده در دل شکر آن نعمت را به جا آورد پیش از آن که سپاسگزاری از آن را به زبان آورد مستوجب افزایش آن نعمت گردد. (۱)

یکی دیگر از فواید و آثار شکر اجری است که خداوند برای بنده شاکرش در نظر گرفته اجری که بدون زحمت و رنج نصیبش می گردد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ الْمَعْفَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُبْتَلَى الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ (۲)

سیر سپاسگزار اجرش همانند روزه داری است که برای خدا روزه می گیرد تندرست سپاسگزار همانند آن اجری را دارد که بیمار شکمیا و بخشنده سپاسگزار مان اجر را دارد که تنگدست قانع.

باز از صحیفه استفاده کنیم و فرازی از دعای امام سجاد علیه السلام قابل توجه کسانی که غافل از حمد و سپاس خدایند:

حمد مخصوص پروردگاری است که اگر بندگان خود را از شناخت شکرگزاری نسبت به نعمت های پی در پی و کرامات پیوسته اش محروم می کرد از نعمت های حضرت او استفاده می کردند ولی حمدش را به جا نمی آوردند و روزی آنها را وسعت می بخشید ولی شکرش را ادا نمی کردند. و اگر از حمد و شکرش محروم می ماندند از مرز و حدود انسانیت خارج شده و در گروه چهار پایان قرار می گرفتند و آن می شدند که در کتاب

ص: ۵۶۹

۱- امالی طوسی ص ۵۸۰

۲- کافی ج ۲ ص ۹۴

محکم خود ایشان را توصیف فرموده است نیستند جز چهارپایان و بلکه از آنها گمراهند. (۱)

شکایت

اللَّهُمَّ لِمَا أَشْكُو إِلَىٰ أَحَدٍ سِوَاكَ، وَ لِمَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ، فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ صَلِّ دُعَائِي بِالْإِجَابَةِ، وَ أَقْرُنْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ (۲)

الها به هیچ کس جز تو شکایت نمی کنم و از هیچ حاکمی غیر تو کمک نمی طلبم که پاکیزه ای تو پس بر محمد و آل او درود فرست و دعایم را به اجابت قرین ساز و شکایتم را به تغییر وضعم همراه کن.

شکایت از اوضاع زمانه و مردم به خدا بردن درست است همچنان که در آموزه های ائمه طاهرین و به خصوص امام سجاد علیه السلام مشاهده می شود ولی شکایت از خدا کردن که این چه زندگی است برای ما مقرر کردی و از حوادث پیش آمده معترض بودن غلط است.

در مناجات الشاکین همان بزرگوار شکایت بر خدا می برد از وضع و حال خود درخواست اصلاح می کند و البته او منزله از این حرف هاست بلکه به ما می آموزد که چگونه با خدای خویش گفت و گو کنیم و ادب در دعا و مناجات را به ما می آموزد:

إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً وَ إِلَىٰ الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً وَ بِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً وَ لَسِي خَطِيئَتِكَ مُتَعَرِّضَةً.....إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يَضِلُّنِي وَ شَيْطَانًا يُغْوِينِي قَدْ مَلَأَ بِاللُّوسُوسِ صَدْرِي.....إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا مَعَ اللُّوسُوسِ مُتَقَلِّبًا.....وَ كُنْ لِي عَلَى الْأَعْدَاءِ نَاصِرًا وَ عَلَى الْمَخَازِي وَ الْعُيُوبِ سَاتِرًا وَ مِنَ الْبَلَاءِ [البلايا] وَاقِيًا وَ عَنِ الْمَعَاصِي عَاصِمًا بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ص: ۵۷۰

۱- فرقان ۲۴ دعای اول صحیفه

۲- دعای چهاردهم صحیفه

پروردگارا به تو شکایت می آورم از نفسی که به بدی بسیار امرکننده است و به خطا کاری بسیار شتابنده است و به نافرمانی هایت بس حریص و خود را در معرض غضب تو قرار داده...خدایا به تو شکایت می آورم از دشمنی که گمراه می کند و از شیطانی که فریب می دهد همانی که سینه ام را از وسواس پر کرده پروردگارا بتو شکایت می آورم از دلی که گرفتار قساوت شده و به تو وسواس زیر و زبر گشته الها مرا در برابر دشمنانم یاری کن و بر رسوایی ها و عیب ها پرده کش و از بلاها حفظ و از گناهان باز دار به مهر و رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

یا در دعای افتتاح شکایت بر خدا می بریم از نبود پیامبران و غیبت امام زمانان و عرضه می داریم که:

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا صَيَلْمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ غَيْبَهُ وَاٰلِنَا وَ كَثْرَةَ عَيْدُوْنَا وَ قَلَّةَ عِيَدِنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهِرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ (۱)

خدایا بر تو شکایت می آوریم از فقدان پیامبران که درود تو بر او و آتش باد و نیز از غیبت سرپرستان و امام زمانان و زیادی دشمنانمان و کمی عددمان و از فشار آشوب ها به ما و از تظاهر زمان بر علیه ما خدایا بر محمد و الش درود فرست.

قرآن هم به ما می آموزد که شکایت بر خدا بریم نه آنکه از خداوند متعال شکایت کنیم.

قَالَ اِنَّمَا اَشْكُوْ بَنِيَّ وَ حُزْنِيْ اِلَى اللّٰهِ وَ اَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ (۲)

گفت من از غم و اندوه خود تنها به خدا شکایت می برم و از عنایت خدا آن می دانم که شما نمی دانید.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

اِذَا ضَاقَ الْمُسْلِمُ لَا يَشْكُوْنَ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ لَيْشْكُ اِلَى رَبِّهِ الَّذِيْ بِيَدِهِ مَقَالِيْدُ الْاُمُوْرِ وَ تَدْبِيْرُهَا (۳)

ص: ۵۷۱

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- یوسف ۸۶

۳- بحار ج ۷۲ ص ۳۲۶

هرگاه مسلمان در تنگنا و سختی افتد نباید از پروردگار خود شکایت کند بلکه باید به درگاه پروردگار خویش که زمام و تدبیر امور به دست اوست شکایت برد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از چیزی سخن می گوید که امروزه از زبان عده ای خدا ناسپاس می شنویم چون هر وقت احوال آنان را پرسیدیم گله از روزگار و معیشت خود کرده و معترض بوده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَشْكُونَ فِيهِ رَبَّهُمْ قَالَ الزَّوَايِ قُلْتُ: وَ كَيْفَ يَشْكُونَ فِيهِ رَبَّهُمْ؟ قَالَ: يَقُولُ الرَّجُلُ: وَ اللَّهُ مَا رَبِحْتُ شَيْئاً كَذَا وَ كَذَا وَلَا آكَلُ وَلَا أَشْرَبُ إِلَّا مِنْ رَأْسِ مَالِي وَ يَحْكُكُ! وَ هَلْ أَصْلُ مَالِكَ وَ ذِرْوَتُهُ إِلَّا مِنْ رَبِّكَ؟! (۱)

روزگاری بر مردم می آید که از پروردگار خود شکایت می کنند (راوی گوید) عرض کردم چگونه از پروردگارشان شکایت می کنند؟ فرمود شخص می گوید به خدا سوگند که مدت هاست کمترین استفاده ای نکرده ام و فقط از سرمایه ام می خورم وای بر تو آیا سرمایه تو جز از پروردگار توست؟

همان بزرگوار فرمود:

خداوند به برادرم عزیر پیامبر وحی فرمود که ای عزیر اگر مصیبتی به تو رسد از من نزد آفریدگانم شکایت مکن زیرا که از جانب تو مصیبت های زیادی به من رسیده و من نزد فرشتگانم از تو شکایت نکرده ام ای عزیر به اندازه تاب و توانت بر عذاب من مرا نافرمانی کن. (۲)

توجه دارید که امثال عزیرها منزله از گناه و رفتن در عذاب الهی هستند معمولاً- این خطاب ها به انسان هایی است از مقام عصمت دورند. آنها بشنوند و عبرت گیرند.

ص: ۵۷۲

۱- کافی ج ۲ ص ۳۱۲

۲- کنز العمال ۳۲۴۴۱

و نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَ مِنْ فَقْدَانِ الْكَفَافِ (۱)

خدایا به تو پناه می برم از حدی که اسرافکارانه بخورم و کفاف و به اندازه خواستن را از کف بدهم.

مصرفانه خوردن یعنی شکم پرستی و شکم بارگی شک نیست که موجود زنده برای ادامه زندگی نیاز به غذا دارد. اما حد و مرز آن باید مشخص باشد پر خوردن و آشامیدن و اصولاً بی ضابطه خوردن نه معقول است و نه شرعی است چون به سلامت چشم و روان آسیب می رساند.

قرآن بهترین و جامع ترین دلالت و راهنمایی را در بیانی بسیار کوتاه در این زمینه فرموده است.

كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۲)

بخورید و بیاشامید و لیکن اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد شکم پرست به کسی می گویند که هم پرخوری کند و هم برای پر کردن شکم عزت و شرافت انسانی خویش را زیر سوال ببرد و برای خوردن و آشامیدن بی آبرویی کند.

درباره مضرات پرخوری رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

كُلْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي وَ أَمْسِكْ وَ أَنْتَ تَشْتَهِي (۳)

وقتی اشتهای به خوردن داری بخور و زمانی که هنوز اشتها به خوردن داری از خوردن دست بکش.

مولایمان علی علیه السلام فرمود:

قَلَّ مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الطَّعَامِ فَلَمْ يَسْقُمْ (۴)

کم اتفاق می افتد کسی پرخوری کند و بیمار نشود.

همان بزرگوار فرمود:

ص: ۵۷۳

۱- دعای هشتم صحیفه

۲- اعراف ۳۱

۳- بحار ج ۶۲ ص ۲۸۳

إِيَّاكَ وَالبَطْنَةَ فَمَنْ لَزِمَهَا كَثُرَتْ أَسْقَامُهُ وَفَسَدَتْ أَحْلَامُهُ (۱)

از پرخوری بپرهیز که هر کس پیوسته پرخوری کند دردهایش فراوان شود و خواب های پریشان ببیند.

یک بار طبیعی نصرانی خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد ای پسر رسول خدا آیا در کتاب پروردگار شما و سنت پیغمبرتان از طب چیزی ذکر شده فرمود آری در کتاب خدا این آیه آمده:

كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا

بخورید و بیاشامید ولی زیاده روی نکنید و پیغمبرمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نیز فرموده:

الْحَمِيَّةُ مِنَ الْأَكْلِ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ وَ الْإِسْرَافُ فِي الْأَكْلِ رَأْسُ كُلِّ دَاءٍ

خودداری از غذا سرآمد و بیشترین دارو است برای صحت زیاده روی در خوراک نیز مایه و سبب همه امراض است.

مرد نصرانی از جا حرکت کرده و گفت:

وَاللَّهِ مَا تَرَكَ كِتَابَ رَبِّكُمْ وَلَا سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ شَيْئًا مِنَ الطَّبِّ لَجَالِينُوسَ (۲)

به خدا سوگند کتاب خدا و سنت پیغمبر شما جایی برای طب جالینوس نگذاشته

اشتباه نشود فرق است بین پرخوری و خوب خوردن شاید بعضی فکر کنند غذای مقوی و خوب خوردن شکم پرستی است در حالی که این طور نیست اگر کسی غذای مفید و پرانرژی میل کند و اندازه را رعایت نماید هیچ اشکال شرعی و طبیبی ندارد.

امام صادق علیه السلام به ابوالسفاج دستور می دهد که به چه نحو تغذیه کند.

الْخُبْزِ وَاللَّحْمِ وَاللَّبَنِ وَالزَّيْتِ وَالسَّمْنِ مَرَّةً ذَا وَمَرَّةً ذَا (۳)

ص: ۵۷۴

۱- همان مدرک ۲۶۳۹

۲- انوار نعمانیه ص ۲۲۶

۳- بحار ج ۱۵ ص ۲۰۱

نان و گوشت و شیر و روغن و زیتون و روغن حیوانی گاهی از این و گاهی از آن بخورد.

قرآن هم اجازه نمی دهد جسم را ناتوان گذاریم و از خوردن غذاهای حلال خود را منع کنیم.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ (۱)

بگو چه کسی زینت هایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است.

الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ به انواع روزی ها اطلاق می شود از هر چه که انسان استفاده می کند و پاکیزه است و باعث قدرت و استحکام می شود.

نتیجه آنکه شکم را پر از غذا نکنیم و در حد معمول از چیزهای حلال و مقوی استفاده کردن مشروع و معقول است.

امام سجاد علیه السلام درباره حق شکم می فرمود:

وَ أَمَا حَقُّ بَطْنِكَ فَإِنَّ لَا تَجْعَلُهُ وَ عَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَ لَا لِكَثِيرٍ وَ أَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ (۲)

حق شکم بر تو این است که آن را ظرف چیزهای حرام چه کم و چه زیاد قرار ندهی و در چیزهای حلال هم میانه روی را پیشه کنی.

و مولایمان علی علیه السلام درباره شکم بارگی فرمود:

وَ إِيَّاكُمْ وَ الْبِطْنَةَ فَإِنَّهَا مَقْسَاةٌ لِلْقَلْبِ وَ مَكْسَلَةٌ عَنِ الصَّلَاةِ وَ مَفْسَدَةٌ لِلْجَسَدِ (۳)

از پرخوری دوری کنید که موجب قساوت قلب تنبلی در نماز و سبب تباهی بدن است.

ص: ۵۷۵

۱- اعراف ۲۲

۲- تحف العقول ص ۱۸۶

۳- غررالحکم ۲۷۴۲

ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعًا (۱)

خدایی که با دست قدرتش خلق موجودات را بنیان گذاشت و با اراده اش مخلوقات را اختراع نمود.

یکی از راه های خداشناسی توجه به شگفتی های آفرینش است موجودات و مخلوقات خداوند که با دست قدرتش بدون کمک گرفتن از هیچ کس ابتداء خلق شدند و با اراده حضرتش اختراع گردیدند.

اگر به هدایت های مخفی و تکوینی پروردگار دقت کنیم خوب درک می کنیم که خدای مخترع با چه ظرافت هایی موجودات را خلق فرموده و انسان مبهوت چیره دستی حضرت او می گردد.

امیرالمومنین علی علیه السلام به شگفتی های آفرینش بعضی از موجودات الهی اشاره دارد که به ترجمه گفتار حضرت اکتفا می کنم تا شاید در این ره گذر دل هایمان به عظمت و کبریای باری تعالی بیشتر توجه کند و بر معرفت ما نسبت به ذات لا یزال الهی بیفزاید.

درباره خفاش این مخلوق شگفت انگیز پروردگار می فرماید از لطایف و شگفتی های پروردگار که از پیچیدگی های حکمت او سرچشمه می گیرد و پیش روی ماست آفرینش خفاش است روشنایی روز که روشنی بخش هر دیده است دیده آنها را می بندد تاریکی شب که هر چشمی را از دید می اندازد دیده آنها را باز می کند این چگونه است که چشم خفاش کم بین است و نمی تواند از نور خورشید درخشان استفاده کند نوری که به توسط آن راه هایی خویش را پیدا کند و از پرتو خورشید درخشان استفاده کند نوری که به توسط آن راه های خویش را پیدا کند و از پرتو خورشید به هر کجا که می خواهد برود؟!

و چگونه است که پروردگار با درخشیدن خورشید آنها را از رفتن به مکان هایی که نور هست منع نموده و آنها را در آشیانه هایشان که نوری وجود ندارد پنهان نموده؟

ص: ۵۷۶

بنابراین خفاش‌ها در روز چشم‌ها را روی هم می‌گذارند و شب را چراغ قرار داده و برای کسب روزی تلاش می‌کنند و تاریکی شدید شب مانع از دیدنشان نمی‌شود و هنگامی که خورشید نور خود را می‌گستراند و روشنایی آن بر خانه‌های سوسمارها می‌رسد پلک‌ها را بر اطراف چشم‌هایشان می‌نهند و به آنچه در تاریکی شب‌ها پس‌انداز کرده کفایت می‌نمایند.

پس منزّه است خداوندی که شب را ارتزاق و روز را وسیله آرامش آنها قرار داده و از گوشت‌های بدنشان بر ایشان بال‌هایی قرار داد که در مواقع لزوم با آنها پرواز کنند گویا بال‌هایشان مثل لاله‌های گوش است که دارای پر و استخوان نیست ولی جای رگ‌ها را در آن آشکارا می‌بینی.

خفاش دو بال دارد که نازک نیستند تا پاره شوند و کلفت نیستند تا سنگین باشند و مانع از پرواز شوند. پرواز می‌کند در حالی که بچه‌اش به او چسبیده و پناهنده شده اگر بنشیند می‌نشیند و اگر بالا رود بالا می‌رود از او جدا نمی‌شود تا آن موقع که اندامش نیرومند گردد تا بال او قدرت برخاستن را پیدا کند و بداند راه زندگی چیست؟ و چگونه باید زندگی کرد؟

پس پاک و منزّه است پروردگار که پدیدآورنده هر آفریده است بی‌آنکه نمونه و مثالی از خلقت از غیر او وجود داشته و باقی مانده باشد. (۱)

درباره شگفتی‌های آفرینش طاووس می‌فرماید:

پروردگار مخلوقات خود را به وجود آورد بعضی جاندار و بعضی بی‌جان گروهی بی‌حکمت و جمعی متحرک و برای صنعت لطیف و قدرت عظیم خود شاهد‌های روشنی قرار داد. از همه آن مخلوقات شگفت‌انگیزتر آفرینش طاووس است که آن را در استوارترین شکل آفرید و رنگ آمیزی آن را در بهترین نوع تربیت داد با بالی که استخوان و رگ آن به هم پیوسته اند با دمی که محل کشیده شدن آن بر زمین طولانی است هرگاه

ص: ۵۷۷

که به سوی ماده اش حرکت می کند دمش را باز می کند و بلند می نماید تا آن حد که بر سرش سایه می افکند گویا بادبان کشتی است که کشتی بان آن را جایی به جای دیگر می گرداند. طاووس به رنگ های خود می نازد و آرام آرام دم خود را به این طرف و آن طرف می برد و چون خروس با جفت خود می آمیزد و همچون حیوان نری که از شهوت به هیجان آمده با ماده اش نزدیکی میکند آنچه در این باره گفتم خود باید ببینی و این نقل من مثل روایتی نیست که سندش ضعیف و نادرست باشد.

و اگر آن طور باشد که گمان می کنند که طاووس نر ماده را آبستن می کند به وسیله اشکی که از دیده می ریزد و در اطراف پلک هایش جمع می شود و ماده آن را با منقارش می خورد آنگاه تخم می گذارد. تخمی که از آمیزش با نر به وجود نیامده و از اشک دیده نر است. آیا شگفت آورتر از طاووس کلاغ نیز نیست که می گویند با گذاشتن طعمه به منقار ماده کلاغ ماده بارور می گردد.

سپس امام علیه السلام درباره طاووس می فرماید: تصور می کنی استخوان پرهایش از میل های نقره ای است و تصور می کنی آنچه بر سر بال هایش روییده مثل گردنبندی از طلای ناب است و یا از تکه های زبرجد است. و اگر آن را با رویدنی های روی زمین مقایسه کنی گویی گل های بهاری است که از این سو و آن سو چیده شده و اگر آن را با لباس ها تشبیه کنی خواهی گفت مانند لباس های پرنقش و نگار دلرباست و یا چون برد یمانی زیباست اگر به زیورها تشبیه کنی مانند نگین های رنگارنگ است که در میان نقره زینت یافته به جواهر است.

طاووس هنگام راه رفتن دلشاد و پرنواز می رود و با دقت به پر و بالش می نگرد و از زیبایی پوششی که بر تن دارد و رنگ های گوناگون سر و گردنش قهقه سر می دهد و هنگامی که به پاهای خود می نگرد بانگی بر آورد که گویی گریه می کند و چنان ناله و زاری می نماید

مثل آن ک کسی را به یاری می طلبد و فریادش صادقانه است. زیرا پاهای او همانند خروسی است که از پدر و مادر هندی و ایرانی به وجود آمده باریک و بی تناسب است و از گوشه ساق پاهای او یک برآمدگی مانند خاری رویده است در اطراف گردنش پره‌های کوچکی سبزرنگ و رنگ آمیزی شده می باشد.

گردن طاووس مثل لوله آفتابه کشیده و بلند است از جای فرو رفتن گردن به سر تا زیر شکم او به رنگ سبز تند است چون وسومه یمانی و یا مانند لباس ابریشمی که مثل آینه غبار گرفته شفاف و صیقل داده شده است و یا با چادری سیاه سرو گردن خویش را پوشیده و جز آنکه گمان برد رنگ او در اثر پاکی و صفای زیاد با سبز تند آمیخته شده است هرگاه در مویی از موهایش دقت کنی مثل آن است که گل سرخی را تماشا می کنی دوباره نگاه کنی سبز زبرجد می بینی و گاهی زرد طلایی حالا با این شگفتی ها افراد هوشمند و دقیق چگونه می توانند این زیبایی را توصیف کنند و یا چگونه عقل های نهفته آن را درک مینمایند و یا سخنان توصیف کننده چگونگی آن را به نظم می آورند و حال آن که تصورات از درک کوچکترین اجزای این حیوان عاجزند.

پس منزله است پروردگاری که عقل ها را از وصف آفریده هایش که پیش دیده ها جلوه گرند مقهور داشته است. در صورتی که چشم ها می بینند که آنها در اندازه معین و با اندام رنگ آمیزی شده به وجود آمده اند ولی زبان ها از بیان حقیقت چگونگی آن ناتوان است و قادر به شرح وصف آن نیست. (۱)

و مولایمان درباره خلقت ظریف و لطیف مورچه با مقدمه ای می فرماید: اگر در عظمت قدرت و فروانی نعمت پروردگار می اندیشیدند به راه راست باز می گشتند و از عذاب آتش می ترسیدند ولی دل ها بیمار و دیده ها معیوب است آیا به موجودات کوچک نمی نگرند تا ببینند خداوند تبارک و تعالی چگونه ساختمان خلقتشان را محکم ساخته و

ص: ۵۷۹

آنها را دارای ترکیبی استوار قرار داده به آنها در عین کوچکی گوش و چشم عطا فرموده و برای آنها استخوان و پوست قرار داده است.

به مورچه با اندام کوچک و هیئت لطیفش بنگرید که نه با چشم به خوبی دیده می شود و نه با اندیشه به طور شایسته درک می گردد. نگاه کنید که این حیوان چگونه روی زمین دست و پا می زند و برای جمع آوری روزی خود خود را روی زمین می کشد. دانه را به لانه خود منتقل می کند و آنها را در قرارگاه خود آماده نگاه می دارد در تابستان برای زمستان ذخیره میکند در ایام توانایی برای روزهای ناتوانی اش پس انداز می نماید.

خداوند تبارک و تعالی روزی او را به عهده گرفته و بر طبق نیاز او به او روزی بخشیده است خدای منان و پاداش دهنده از او غافل نیست و او را محروم نمی فرماید. گرچه بر سنگی صاف و خشک و یا خالی از رطوبت باشد اگر در مجرای خوراک او بنگری و به قسمت بالا و پایین بدن او بیندیشی و در آنچه در اطراف شکم و اندرون آن قرار دارد و به آنچه در سر اوست از قبیل چشم و گوش فکر کنی به طور جدی از خلقت او به شگفت خواهی آمد و برای توصیف آن به رنج می افتی.

پس بزرگ است خدایی که مورچه ها را روی پاهایشان استوار کرد و آنها را روی ستون های بدنشان برقرار ساخت خدایی که در خلقت مورچه از هیچ کس کمک نگرفت و کسی قادر نیست آن را خلق کند همان بزرگوار در ادامه همین خطبه می فرماید:

اگر برای رسیدن به آخرین مرحله تفکرات تمام راه هایی را که فکرت به آن می رسد بروی جز این نیست که تو را به مرتبه ای می رساند که بفهمی آفریننده مورچه همان آفریننده درخت تنومند خرماست. به خاطر دقتی که جدا جدا در خلقت هر موجودی به کار رفته است و به خاطر آن که به دست آوردن تفاوت در آفرینش هر موجودی بین بزرگ و لطیف و سنگین و سبک و نیرومند و ضعیف و همچنین بین آسمان و هوا و بادها و آب تفاوتی وجود ندارد.

نگاهی به خورشید و ماه و گیاه و درخت و آب و سنگ بینداز و اختلاف این شب و روز و جوشش این دریاها و فراوانی کوه ها و بلندی این قله ها و اختلاف لغات و زبان های گوناگون را مشاهده کن و درباره آنها فکرت را به کار انداز.

پس وای بر کسی که تناسب و اندازه دهنده و مدبر این اشیاء را انکار نماید. گروهی خیال کردند که آنها مثال گیاه خودرو هستند که نه برای پرورش آنها به کشاورزی نیاز است و نه برای اختلاف و تفاوت چهره هایشان چهره پردازی لازم است و برای ادعای خود دلیل قانع کننده ای ندارند و برای باطلی که در ذهن خود قرار داده اند تحقیق نکرده اند آیا می شود بنایی بدون بنا باشد؟ و یا جنایتی بدون جانی باشد؟

اگر خواستی درباره ملخ صحبت کن که پروردگار بر او دو چشم سرخ رنگ خلق فرموده و دو حدقه چون چراغ درخشان برایش قرار داده گوشش را ناپیدا و دهانش را متناسب آفریده و حتی نیرومند و دندانانی که به وسیله آن گیاه را چیده و جدا می کند و دو پا مانند داس به او عطا کرده است کشاورزان از ملخ درباره زراعتشان نگرانند و قادر به دفع آن نیستند اگرچه با هم اتفاق نظر داشته باشند. تا اینکه وارد زراعت شوند و خود را از آنچه کشت شده سیر کنند در حالی که همه اندامشان به اندازه یک انگشت باریک نمی باشد.

پس بزرگ است خدایی که آنچه در آسمان ها و زمین هست خواه از روی کراهت و خواه از روی میل و رغبت بر او سجده می کنند و با گونه و صورت به خاک می افتند و از سر تسلیم و ضعف اطاعت او می نمایند و از ترس خشم از او فرمانبری می نمایند.

پس پرندگان در تسخیر فرمان اویند که خداوند شماره پرها و نفس هایشان را می داند و پای آنها را معین فرموده و جنس های آنها را به شماره در آورده است.

این کلاغ است این عقاب است این کبوتر است این شترمرغ است خداوند هر پرنده ای را به اسمش خواند و روزی او را به عهده گرفته است ابر سنگین و پر باران را پدید

آورد و بارانش را ریزان نمود و بهره هر مکانی را از زمین از آن باران تعیین فرمود و زمین را بعد از خشکی آبیاری کرد و بعد از خشکسالی از آن گیاه رویانید. (۱)

شوق

اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ الْوَاصِ فِيْنَ، وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِيْنَ، وَيَا مَنْ لَا يَضِيْعُ لَعْدِيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِيْنَ، وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِيْنَ، وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ حَشِيَةِ الْمُتَّقِيْنَ (۲)

خدایا ای کسی که توصیف کنندگان قادر به وصف نیستند و ای آنکه امید امیدواران از او تجاوز نمی کند و ای کسی که در محضرش اجر نیکوکاران ضایع نمی گردد و ای آنکه اهل عبادت از او بیم دارند و اهل تقوی از او در خوف و خشیت می باشند.

توان به قلم نوشت شوقش***گر پیر فلک شود از بیم

امام سجاد علیه السلام در مناجات المحبین شوق و ذوق خود را به خداوند این چنین اعلام می دارد:

يَا مُنَى قُلُوبِ الْمُشْتَاقِيْنَ وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّيْنَ

ای خدایی که در قلب مشتاقان جای گرفته ای و غایت آرزوی عاشقان هستی.

وَ أَنْظُرْ بِعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيَّ، وَ لَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ

خدایا با چشم محبت و لطفت بر من بنگر و از من روی برمگردان.

در هر کاری اگر شوق و ذوق نباشد حرکت و ترقی ندارد در سیر الی الله و معرفت پروردگار و معارف دینی و ولایی شوق و ذوق است که وسیله خوبی برای رسیدن به مقصد می شود.

ص: ۵۸۲

۱- نهج البلاغه خطبه ۲۲۷

۲- دعای سی و یکم صحیفه

عبادتی که از سر شوق انجام می گیرد قال و حال را با هم دارد و عبادتی که از روی بی میلی و اکراه باشد فقط قال است.

امامان معصوم علیهم السلام از فرط شوقشان به پروردگار وقتی به نماز و یا مقدمات نماز مشغول می شدند حال و هوای دگری پیدا می کردند.

وَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَخَذَ فِي الْوُضُوءِ يَتَغَيَّرُ وَجْهُهُ مِنْ خِيفَةِ اللَّهِ تَعَالَى (۱)

هرگاه امیرالمومنین علی علیه السلام شروع به گرفتن وضو می کرد از ترس خدا رنگ رخسارش برمیگشت.

در روایت دیگر آمده که هرگاه حضرت به نماز می ایستاد مانند بنایی استوار با ستونی راست نکان نمی خورد. گاهی اوقات در حال رکوع یا سجده از بس آرام بود و کوچکترین حرکتی نمی کرد پرنده بر پشت آن حضرت فرود می آمد. هیچ کس طاقت تقلید از نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را نداشت جز علی بن ابی طالب و علی بن الحسین علیهما السلام (۲)

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در ضمن بیان ستمی که بر اهل بیت علیهم السلام خواهد رفت فرمود دخترم فاطمه سرور زنان سراسر عالم است هرگاه در محراب خود در برابر پروردگارش جل جلاله بایستد نورش برای فرشتگان آسمان می درخشد همچنان که نور ستارگان برای زمینیان می درخشد و خدای عزوجل به فرشتگانش می فرماید:

يَا مَلَائِكَتِي أَنْظِرُوا إِلَيَّ أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ إِمَائِي قَائِمَةٌ بَيْنَ يَدَي تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي وَقَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَيَّ عِبَادَتِي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ أَمَنْتُ شِعْتَهَا مِنَ النَّارِ (۳)

ص: ۵۸۳

۱- بحار ج ۴۱ ص ۱۷

۲- دعائم السلام ج ۱ ص ۱۵۹

۳- بحار ج ۴۳ ص ۱۷۲

ای فرشتگان من به بنده من فاطمه بنگرید بانوی بندگان من در برابر من ایستاده است و عضلاتش از ترش من می لرزد او با دل خویش به عبادت من روی آورده است شما را گواه می گیرم که شیعیان او را از آتش ایمن کردم.

در روایت آمده امام حسن علیه السلام ذوق و شوقش آنچنان بود که وقتی به نماز می ایستاد در برابر پروردگارش عضلاتش می لرزید و هرگاه سخن از بهشت و دوزخ به میان می آمد همچون مار گزیده به خود می پیچید. (۱)

آری سالکان الی الله همچون رهبران معصوم خود شوق و ذوق بندگی حضرت حق را به طور دایم در سر می پروراندند و از التهایی که در رفتار روزانه و سوز و ناله شبانه دارند کاملاً مشهود و قابل درک است.

شوقشان به خدا تا حدی است که حاضرند به عذاب الهی صبر کنند اما حاضر نیستند در غم فراق یار بسوزند.

كَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ خدایا چگونه فراق را صبر کنم.

فَهَيْبِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ

خدای من بر من لطف کن ای آقا و مولا- و پروردگارم من اگر بر عذاب تو صبر کنم چگونه فراق و جدایی با تو را تحمل نمایم؟

حدیث روضه رضوان و نار نیرانش***حکایتی است از اوضاع هجرانش

پاک باختگان حضرت حق به خوب جایی اظهار شوق می کنند برخلاف دنیا داران و جاه طلبان که دل به زرق و برق دنیا و پست و مقام عشق می ورزند در حالی که آن ماندنی و جاوید است همان طور که خدا ازلی و ابدی است و این فانی شدنی و رو به زوال است و برای هیچ کس نمی ماند.

ص: ۵۸۴

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَإِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَ مَلَكَهِ الْحَمِيَّةِ وَ مُتَابَعِهِ الْهَوَى (۱)

خداوندا به تو پناه می برم از اصرار در شهوترانی و تسلط تعصب جاهلی و پیروی از هوای نفس

لغت شهوت از اشتها و میل گرفته شده در آن هنگام که نفس هیجان به رسیدن چیزی را پیدا می کند شهوت است و انواع و اقسامی دارد و منحصر به شهوت جنسی نیست بر همین اساس قرآن شهوات را در موارد متعدد بیان می کند:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (۲)

برای مردم دوست داشتنی ها از زنان و فرزندان و ثروت های زیاد از طلا و نقره و اسب های ممتاز و چهارپایان و زراعت در نظر زیبا می آید و اینها سرمایه های زندگی دنیاست و سرانجام خوب پیش خداست.

ملاحظه می فرمایید که بعد از مورد اول که اشاره به شهوت جنسی بقیه موارد علاقه شدید به فرزندان ثروت و طلا و نقره و مرکب های ممتاز که امروز بسیاری به وسیله نقلیه و قیمت بالا و رنگ آن تمایل شدید نشان می دهند و سایر چیزها که از نوع تجملات و تشریفات زندگانی دنیاست.

بعضی شهوت جاه و مقام دارند و برای رسیدن به آن به هر وسیله ممکن متمسک می شوند و گاه دین و کرامت انسانی خود را فدای حب جاه خویش می کنند و چون دام دار حزب و گروه خود هستند ناحق را حق و حق را ناحق جلوه می دهند و باطل را تایید

ص: ۵۸۵

۱- دعای هشتم صحیفه

۲- آل عمران ۱۴

می کنند در حالی که اگر همان پست و مقام را با انگیزه الهی و قصد قربت به حق تعالی و خدمت به بندگان باری تعالی برگزینند بالاترین عبادت را انجام داده اند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيَسْأَلُ الْعَبْدَ فِي جَاهِهِ كَمَا يَسْأَلُ فِي مَالِهِ فَيَقُولُ: يَا عَبْدِي رَزَقْتُكَ جَاهًا فَهَلْ أَعْنَتَ بِهِ مَظْلُومًا أَوْ أَعْتَبْتَ بِهِ مَلْهُوفًا؟ (۱)

همان گونه که خداوند درباره دارایی بنده از او سوال می کند درباره مقام و موقعیتش نیز سوال می نماید و می فرماید بنده من من به تو مقام و موقعیت روزی کردم آیا به وسیله آن ستمدیده ای را یاری رساندی یا فریاد خواه غمزده ای را کمک کردی؟

امام صادق علیه السلام درباره خطر شهوت ثروت و مقام می فرمود:

حمله دو گرگ درنده به یک رمه بی چوپان که یکی از اول رمه و دیگری از آخر آن حمله کنند زیانبارتر از حب جاه و مال برای دین مسلمان نیست. (۲)

خداوند تبارک و تعالی در سوره مبارکه مریم پس از نقل قضایا و حکایاتی از زکریا و مریم و عیسی و ابراهیم و موسی و اسماعیل صادق الوعد و ادريس آنگاه می فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا (۳)

آنها پیامبرانی بودند از فرزندان آدم و از فرزندان کسانی که همراه نوح سوار کشتی کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسماعیل و ما همه را مشمول نعمت های خویش قرار دادیم و از کسانی که هدایت کردیم و انتخاب نمودیم وقتی آیات رحمت برای آنها تلاوت شود به خاک افتاده و سجده می کنند و اشک می ریزند.

ص: ۵۸۶

۱- مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۴۲۹

۲- کافی ج ۲ ص ۳۱۵

۳- مریم ۵۸

سپس از نسل بعد آنها سخن به میان می آورد که گرفتار شهوات شده و نماز را ضایع کردند.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا (۱)

بعد از آنها کسانی جایگزین شدند که نماز را ضایع کرده و از شهوت ها پیروی نمودند که به زودی مجازات گمراهی خود را خواهند دید.

امیرالمومنین علی علیه السلام ریشه اکثر گناهان و فسادها را شهوت ها می داند.

ابتدا حضرت جمله ای را از بیان نورانی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که فرمود:

إِنَّ الْجَنَّةَ حُقَّتْ بِالْمَكَارِهِ وَإِنَّ النَّارَ حُقَّتْ بِالشَّهَوَاتِ

کسب بهشت با دشواری ها همراه است و آتش جهنم از هوس ها و شهوت ها است.

آنگاه می فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَاعَةٍ لِلَّهِ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي كُرْهِ وَمِنْ مَعْصِيَةٍ لِلَّهِ شَيْءٌ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً نَزَعَ عَنِ شَهْوَتِهِ وَقَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ فَإِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ أَبْعَدُ شَيْءٍ مَنْرَعًا (۲)

آگاه باشید چیزی از طاعت خدا نیست جز آن که با کراهت انجام می گیرد و چیزی از معصیت خدا نیست جز اینکه با شهوت و رغبت عمل شود.

پس رحمت خداوند بر کسی که شهوت خود را مغلوب و هوای نفس را سرکوب کند زیرا کار مشکل بازداشتن نفس از شهوت بوده که پیوسته خواهان نافرمانی و معصیت است جمع بندی این بحث به این است که شهوات را باید کنترل کرد تا از گزندشان مصون ماند.

ص: ۵۸۷

۱- آیات ۵۹ مریم

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۷۶

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَ مِنْ عَدَاوَتِهِ وَ كَيْدِهِ

از جمله دعاهای امام سجاد علیه السلام هنگامی ذکر شیطان می شد و از وساوس و دشمنی ها و نیرنگش به خدا پناه میبرد.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَايِدِهِ، وَ مِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ. وَ أَنْ يُطْمَعِ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَ امْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ (۱)

پروردگارا ما را از نیرنگ و حملات و چاره جویی ها و از اطمینان به آرزوها و فریب و دام های شیطان به تو پناه می بریم.

و از اینکه او ما را از مسیر بندگی ات دور و به انجام معصیت تشویق کند نیز به تو پناه میبریم.

شیطان یک موجود عادی نبود که در اثر کبر و خودخواهی به این روز افتاد که رانده شده خدا و گمراه کننده بندگان خدا گشت او طبق بیان امیرالمومنین علی علیه السلام

كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَأَ يُدْرَى أَمِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الْآخِرَةِ عَنْ كِبَرِ سَاعِهِ وَاحِدَةٍ (۲)

او شش هزار سال خدا را پرستش کرده بود که معلوم نیست آیا از سال های دنیاست یا از سال های آخرت

موثرترین راه برای مصون ماندن از نیرنگ ها و دشمنی های او پناه بردن و استعاذه واقعی به خداوند تبارک و تعالی است چنانکه خداوند به پیامبرش با ان همه قداست و پاکیزگی می فرمود:

ص: ۵۸۸

۱- دعای هفدهم صحیفه

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۹۲

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبُّ أَنْ يَحْضُرُونِ (۱)

و بگو پروردگارا از وسوسه های شیطانم به تو پناه میبرم پروردگارا از این که شیاطین نزد من حاضر شوند به تو پناه میبرم.

چاره ای از این نداریم چون هیچ کس جز خداوند قادر مطلق نمی تواند کید و مکر او را خنثی و بی اثر کند در این مورد حتی جایز نیست ما بگوییم اَعُوذُ بِالرَّسُولِ وَ يَا بِالْإِمَامِ الْمَعْصُومِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ چون خود آن بزرگواران مامورند از وسوسش به خدا پناه برند. چطور جایز نیست برای شروع کارها بگوییم باسم الرسول و باسم الامام المعصوم و حتما باید بنام خدای بزرگ آغاز کار کنیم در مورد استعاذه از وسوسه های شیطان نیز فقط باید به خدا پناه برد.

مولایمان علی علیه السلام در هنگام دعا می گفت:

أَحْمَدُ اللَّهِ وَ اسْتَعِينُهُ عَلَى مَدَاحِرِ الشَّيْطَانِ وَ مَزَاجِرِهِ، وَالْإِعْتِصَامِ مِنْ حَبَائِلِهِ وَ مَخَاتِلِهِ (۲)

خدا را می ستایم و در اموری که باعث راندن و دور کردن شیطان و محفوظ ماندن از دام ها و نیرنگ هایش می شود از او یاری می طلبم.

شیطان همچون حشره ای می ماند که دنبال نقطه ضعف می گردد در آن هنگام که تب خال و یا زخم کوچکی در صورت و یا دست و پا ایجاد می شود و فرد در حال استراحت است مگس و یا حشره دیگر درست روی زخم می نشیند و جای سالم بدن را انتخاب نمی کند. شیطان نیز نگاه به نقطه ضعف انسان می کند و از همان نقطه کارش را شروع می کند و معمولا در گمراه کردن و شدت بخشیدن به گمراهی پیروز معرکه خواهد بود.

پس باید نقاط ضعف اخلاقی و اعتقادی خود را به نقاط قوت تبدیل کنیم تا زمینه نفوذ شیطان را مسدود کنیم.

مولایمان علی علیه السلام در حدیثی نقاط ضعف انسان را برای نفوذ شیطان سه چیز می داند:

ص: ۵۸۹

۱- مومنون ۹۷ و ۹۸

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۵۱

حُبِّ النِّسَاءِ وَهُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ وَ شُرْبُ الخَمْرِ وَ هُوَ فَخُّ الشَّيْطَانِ وَ حُبُّ الدِّينَارِ وَ الدِّرْهَمِ وَ هُوَ سَهْمُ الشَّيْطَانِ (۱)

زن دوستی که شمشیر شیطان است لازم به توضیح است که منظور حضرت زن بارگی و چشم چرانی به زن ها و اظهار علاقه به زنان نامحرم است و شرابخواری که دام شیطان است و عشق به درهم و دینار و پول پرستی که تیر شیطان است.

یکی از نقاط ضعف انسان که شیطان بیشتر روی آن کار می کند همین بخش پایانی روایت است چون اکثر مردم به خاطر پول و ثروت دنیا به دام او افتادند.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

إِنَّ الشَّيْطَانَ يُدِيرُ ابْنَ آدَمَ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا أَعْيَاهُ جَنَّمَ لَهُ عِنْدَ الْمَالِ فَأَخَذَ بِرِقَبَتِهِ (۲)

شیطان آدمی را همه جا می چرخاند و چون او را خسته و درمانده کرد نزدیک ثروت کمین می کند و گردنش را می گیرد.

امام سجاد علیه السلام در دعای دیگر صحیفه عرض می کند:

فَلَوْ لَمَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ، وَ لَوْ لَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ (۳)

خدایا اگر شیطان با فریبکاری آنان را از اطاعت تو باز نمی داشت هیچ معصیت کاری معصیت تو نمی کرد و اگر او باطل را در لباس حق برای آنان در نمی آورد هیچ ره گم کرده ای راه تو را گم نمی کرد.

پس باید از شرش به خدا پناه برد و اگر طریقه استعاده را نمی دانیم از امام سجاد علیه السلام بیاموزیم و بدانیم چه بگوییم.

الها آنچه از باطل و خلاف برایمان ارایش می دهد به ما بشناسان و هنگامی که به ما شناساندی ما را محافظت فرما و به آنچه فرییمان می دهد آشنایمان کن و به دل الهامی

ص: ۵۹۰

۱- خصال ۱۱۳

۲- کافی ج ۲ ص ۳۱۵

۳- دعای سی و هفتم صحیفه

بخش که برای دور کردنش مهیا باشیم و از خواب غفلتی که سبب میل به او می شود بیدارمان فرما و با توفیقات خودت ما را بر مخالفت به او کمک نما.

خدایا دل هایمان را از انکار اعمال شیطان مملو ساز و در از بین بردن نیرنگ هایش موفقمان فرما الهما بر محمد و آل او درود فرست و تسلط شیطان را از ما بردار و امیدش را از اما قطع کن و او را از حرص و طمع به ما بازدار.

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و پدران و مادران و فرزندان و اهالی و اقوام و نزدیکان و همسایگان ما از مردان و زنان با ایمان را از شر او حفظ فرما و آنها را در دژ محکم و پناهگاه باز دارنده قرار ده و بر اندامشان لباس های حفظ کننده بیوشان و برای درگیری با او سلاح های برنده به ایشان عطا فرما.

خدایا لشکرش را شکست بده فریبش را باطل کن و پناهگاهش را ویران ساز و بینی اش را به خاک بمال.

الها ما را در گروه دشمنان او قرار ده و از زمره دوستانش بر کنار فرما تا موقعی که اقوام به فریبمان می نمایند از او پیروی نکنیم و وقتی ما را می خواند اجابتش ننماییم و هر کس از ما حرف شنوی دارد به دشمنی با او فرمان دهیم و آنان که از ما پیروی نمی کنند از اطاعت شیطان دور نماییم.

وَ اسْمِعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ، وَ اَعْطِنَا مَا اَعْفَلْنَا، وَ احْفَظْ لَنَا مَا نَسَبْنَا، وَ صَيِّرْنَا بِدَلِكْ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ وَ مَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱)

خدایا دعاهای ما را در رابطه با وسوس شیطان بشنو و آنچه از دست دادیم عطایمان کن و آنچه فراموش کردیم برایمان حفظ کن و به وسیله آن ما را در درجات صالحین و مراتب مومنین قرار ده ای پروردگار جهانیان اجابتمان فرما.

ص: ۵۹۱

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتَنِّعْنِي بِالْإِقْتِصَادِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ، وَمِنْ أَدِلَّةِ الرَّشَادِ، وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و بهره مند کن به میانه روی و قرارم ده از محکم کاران و از راهنمایان به راه راست و درست و از بندگان صالحت

این درخواست اکثر انبیاء و اولیاء خدا بوده که از جمله بندگان صالح خدا باشند با اینکه از نظر درجه ایمان در حد بالا بودند باز از خداوند می خواستند که در زمره صالحان قرار گیرند.

ابراهیم علیه السلام عرض می کرد:

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنَ بِالصَّالِحِينَ (۲)

پروردگارا مقام حکمت را به من عنایت کن و مرا به بندگان صالحت ملحق فرما.

پسرش اسماعیل علیه السلام پس از قبولی در امتحان الهی به پدر گفت امر خدا را درباره من به اجرا درآور:

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۳)

پدر جان فرمان خداوند را به اجرا در آورده ام و اگر خدا بخواهد مرا جزو صالحین خواهی یافت.

جناب سلیمان علیه السلام پس از چندین دعا و درخواست از پروردگار عرض می کند

وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (۴)

پروردگارا به لطف و رحمتت مرا جزو بندگان صالحت قرار ده.

یوسف هم بعد از همه قضایا و حوادثی که برایش اتفاق افتاد و الطاف و عنایاتی که از پروردگار نصیبش شد گفت:

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا
وَالْحَقِّى بِالصَّالِحِينَ (۱)

پروردگارا به من حکومت دادی و علم تعبیر خواب آموختی تویی آفریننده آسمان ها و زمین تویی ولی نعمت من در دنیا و آخرت مرا مسلمان بمیران و به صالحین ملحق فرما.

بعد از پیامبران و اولیاء خدا و از جمله وجود نازنین امام سجاد علیه السلام که عرض کرد:

وَ مِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ أَلَهَا مِرَا جَزُو بِنْدِ كَانِ صَالِحَتِ قَرَارِ دِه.

ما بیشتر نیازمند به این دعا هستیم که عرض کنیم خدایا ما را نیز ملحق به بندگان صالحت فرما. شک نیست صالح شدن به انجام اعمال صالحه است چیزی که در سراسر قرآن شریف و دستورات عمل های محمد و ال علیهم السلام بدان سفارش شده است.

امیرالمومنین علی علیه السلام در بیانی عالی ترین ذخیره و پس انداز را عمل صالح می داند:

إِنَّمَا يُشْتَدُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُجْرَى اللَّهُ لَهُمْ عَلَى أَلْسِنِ عِبَادِهِ فَلْيَكُنْ أَحَبَّ الدَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ (۲)

صالحان را از سخنانی می توان شناخت که خداوند درباره آنان بر زبان بندگان خویش جاری می سازد پس باید که دوست داشتنی ترین اندوخته در نظر تو اندوختن عمل صالح باشد.

همان بزرگوار فرمود:

ثَمَرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ كَأَصْلِهِ (۳) میوه عمل صالح همانند ریشه آن است.

ص: ۵۹۳

۱- یوسف ۱۰۱

۲- نهج البلاغه نامه ۵۳

۳- غررالحکم ۴۶۴۹

آری ثمره عمل صالح مثل اصل آن صالح است و خداوند وعده داده وارث زمین بندگان صالح باشند.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۱)

در کتاب زبور بعد از ذکر نوشتیم که وارث زمین بندگان صالح من خواهند بود.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه فرمود

هُم أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ (۲)

اینها اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمانند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم میفرمود:

لَوْلَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا صَالِحًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا قَدْ مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا (۳)

اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد خدا آن روز را طولانی می کند تا مردی صالح از اهل بیت من مبعوث گرداند و زمین را چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد پر از عدل و داد کند.

رجل صالح و اصحاب صالح وارثان زمین هستند و چقدر زیبا و دلرباست لقب شریف ابا صالح برای حضرت مهدی روحی و ارواح العالمین له الفداء که با خواندن حضرتش با این اسم دل عاشقان حضرتش واله و حیران می شود و احساس قرب و نزدیک بودن به آن بزرگوار دارند و برای مدد گرفتن از حضرتش و بردن نام شریفش و مکالمه و گفت و گو و راز دل گفتن با او بهترین است پس یا اباصالح که جانم فدایت مددی بزرگوارا از خدا بخواه توفیق دیدارت نگاه بر چهره نازنینت و بوسیدن دست و ملازمت در رکابت و شهادت در راه اهداف مقدست نصییمان فرماید. (آمین یا رب العالمین)

ص: ۵۹۴

۱- انبیا ۱۰۵

۲- مجمع البیان ج ۷ ص ۶۶

۳- همان مدرک

وَ أَيْدِي مَنْكَ بَيْنَهُ صَادِقَةٌ وَ صَبْرٌ دَائِمٌ (۱)

پروردگارا از اجب خودت مرا به نیت راست و صبر دایم توفیق ده.

راغب در مفردات می گوید: الصَّبْرُ الإِمْسَاكُ فِي ضَيْقِ صَبْرٍ خُودِ نَظَاهِدَةٍ فِي تَنَاقُهَا وَ سَخْتِي هَاسْت.

این خود نگاهداری گناه در برابر مصیبت و از دست دادن عزیزان است و گناه در انجام طاعات و فرامین الهی است و گناه در مقابله با گناه و معصیت است ممکن است صبوری مقداری ذاتی و خدادادی باشد ولی بخش عمده آن اکتسابی است.

کسانی که در اثر مداومت و مقاومت صبر را ملکه خویش قرار داده اند در هر حال صابرند چه خوش باشند و چه ناخوش در هنگام داشتن و هنگام نداری در اقبال دنیا و ادبار دنیا و سرانجام هیچ گاه قدرت تحمل مشکلات را از دست نمی دهند.

یکبار رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از جبرئیل علیه السلام از معنای صبر سوال کرد؟ جبرئیل گفت: این که در سختی صبر کنی همچنان که در روزگار آسایش صبر می کنی در تهیدستی صبر کنی همچنان که در هنگام توانگری صبر می کنی و در بیماری و گرفتاری صبر کنی همچنان که در زمان سلامت و عافیت صبر می کنی آدم صبور از بلایی که به او می رسد نزد مخلوق زبان به شکایت نمی گشاید. (۲)

درمان بسیاری از بیماری های جسم و روح صبر است چرا که انسان صبور که تحمل درد را می کند سبب سرعت در بهبود و سلامتی اش می شود و برعکس آنکه بی صبری می کند مرض و کسالتش را شدت می بخشد و سلامتی اش به تاخیر می افتد.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ (۳)

ص: ۵۹۵

۱- دعای چهاردهم صحیفه

۲- معانی الاخبار ص ۲۶۱

۳- نهج البلاغه حکم و مواظ ۱۸۹

هر که را صبر نجات ندهد بیتابی هلاکش گرداند.

و امام صادق علیه السلام می فرمود:

اتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَصْبِرْ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ وَإِنَّمَا هَلَاكُهُ فِي الْجَزَعِ أَنَّهُ إِذَا جَزَعَ لَمْ يُوجَرْ (۱)

از خدا بترسید و صابر باشید زیرا هر که صبر نکند بیتابی کردن او را به هلاکت افکند و به هلاکت افتادن او بر اثر بی تابی به این معناست که اگر بی تابی کند اجر نمی بیند.

ممکن است بعضی بگویند حالا- این صبر را چگونه به دست آوریم؟ نخستین راه گرفتن تایید و کمک از پروردگار است که امام سجاد علیه السلام عرض کرد پروردگارا از جانب خودت مرا به نیت صادقه و صبر دایم توفیق ده.

به راستی از خدا بخواهیم او هم در نهایت کرم و بزرگواری عنایت می کند و تا این ایمان و یقین برایمان حاصل نشود به صبر نمی رسیم.

چنانکه امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

أَصْلُ الصَّبْرِ حُسْنُ الْيَقِينِ بِاللَّهِ (۲)

اصل و ریشه صبر داشتن یقین راستین به خداست.

خداوند حامی صابران است.

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۳) خدا با صابران است.

وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (۴) خداوند صابران را دوست می دارد.

خداوند تبارک و تعالی بیداری و آگاهی را از آن کسانی می داند که بسیار صابر و شکيبا هستند و این را در چهار جای قرآن اشاره فرموده و از جمله در ایه ۳۱ سوره مبارکه لقمان:

فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

ص: ۵۹۶

۱- بحار ج ۷۱ ص ۹۵

۲- غررالحکم ۳۰۸۴

۳- بقره ۱۵۳

در این کار برای هر انسان صبور و شاکر نشانه هایی است.

صبور به انسان آرامش می بخشد هیچ از خود پرسیده ایم چرا بسیاری از مردم عصر ما گرفتار اضطراب و جنگ اعصاب هستند در خانه و بین خانواده آرامش ندارند در خیابان خصوصاً هنگام رانندگی اعصاب به هم ریخته دارند در سفر و حضر ناراحتند. پاسخ روشن است با کمی صبر همه این اضطراب ها و به هم ریختن اعصاب ها حل می شود.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

مَنْ صَبَرَ سَاعَةً حَمِدَ سَاعَاتٍ (۱)

هر که یک ساعت صبر کند ساعت ها ستوده شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

كَمْ مِنْ صَبْرٍ سَاعَةٍ قَدْ أَوْرَثَ فَرِحًا طَوِيلًا وَ كَمْ مِنْ لَذَّةٍ سَاعَةٍ قَدْ أَوْرَثَتْ حُزْنَ طَوِيلًا (۲)

بسا لحظه ای صبر که شادی دراز را در پی آورد و بسا لذتی آنی که اندوهی طولانی بر جای گذارد.

امام کاظم علیه السلام در سفارش به هشام بن حکم فرمود ای هشام بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی او شکیباش زیرا دنیا لحظه ای بیش نیست آنچه از آن گذشته جای شادی و غم ندارد و از آنچه نیامده نیز خبری نداری. پس لحظه ای را که در آن به سر میبری صبور باش چنان که گویی خوشبخت و نکو حالی. (۳)

صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ أَيْدِ حُمَاتِهَا بِقُوَّتِكَ،اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ (۴)

ص: ۵۹۷

۱- بحار ج ۷۸ ص ۳۱۱

۲- امالی طوسی ص ۱۵۳

۳- بحار ج ۷۸ ص ۸۲

۴- دعای بیست و هفتم صحیفه

ذکر صلوات بر محمد و آل محمد در تمام پنجاه و چهار دعای صحیفه اول و وسط و آخر و گاهی بعد از هر چند جمله تکرار شده که نشانگر اهمیت این کتاب دعای ارزشمند و پرفیض و برکت است.

امام سجاد علیه السلام به ما آموخته است که استجاب دعا در پرتو صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام است.

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حاجتی دارد باید اول صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بفرستد و بعد از آن حاجت خود را بخواهد و در آخر دعا دوباره صلوات بفرستد زیرا خدا کریم تر از آن است که دو طرف دعا را قبول کند و وسط دعا را قبول نکند و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم مانع های استجاب دعا را برطرف می کند. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أَكْثَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ وَ نُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ نُورٌ فِي الْجَنَّةِ (۲)

بر من بسیار صلوات بفرستید که در درود فرستادن بر من برای درود فرستنده نوری است در قبر و نوری است بر پل صراط و نوری است در بهشت.

ذکر صلوات بر محمد و آل باید طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم کامل باشد یعنی صلوات بدون آل محمد علیهم السلام ابتر و ناقص است.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: هر کس بر من صلوات بفرستد ولی بر آل من صلوات نفرستد بوی بهشت به او نخواهد رسید در حالی که بوی بهشت از راه پانصد ساله استشمام می شود. (۳)

ص: ۵۹۸

۱- کافی ج ص ۴۹۴

۲- مواظظ العددیه ۱۴۱۳

۳- وسایل الشیعه ج ۷ ص ۲۰۳

همان بزرگوار فرمود هر کس در کتابی یا نوشته ای بر من صلوات بنویسد تا زمانی که نام من در آن کتاب هست فرشتگان پیوسته برای او از درگاه الهی طلب آموزش می کنند. (۱)

و نیز فرمود هر کس بر من یکبار صلوات فرستد خدا بر او ده بار درود خواهد فرستاد و نیز ده خطا را از او برطرف خواهد ساخت و ده درجه او را بالا خواهد برد. (۲)

همان بزرگوار فرمود روز قیامت من پیش میزان اعمال هستم یعنی که هر کس کفه گناهایش سنگین تر از کفه حسناتش و ثواب هایش باشد من صلوات هایی را که برایم فرستاده می آورم و در کفه حسناتش می گذارم تا آن کفه حسناتش سنگین تر گردد. (۳)

چیزی که به تجربه ثابت شده و سرعت استجاب دعا و رسیدن به حاجت شرعی را در پی دارد ذکر صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام است خصوصا اگر با نیت نذر آن هم برای سلامتی ولی نعمتman آقا امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

از نذر صد صلوات و بیشتر. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که صد مرتبه بگوید: یا رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حق تعالی صد حاجت او را بر آورده می سازد. (۴)

گاهی حزن و اندوه به سراغ انسان می آید برای برطرف کردن آن بهترین ذکر صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام است.

در روایتی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر کس شب جمعه دو رکعت نماز به جا آورد در هر رکعت پنجاه مرتبه سوره اخلاص بخواند و بعد از سلام نماز بگوید: اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ الْعَرَبِیِّ وَ آلِهِ حزن و اندوه او برطرف می شود. (۵)

ص: ۵۹۹

۱- سفینه البحار ج ۲ ص ۵۰

۲- مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۳۷۷

۳- ثواب الاعمال ص ۲۰۵

۴- کافی ج ۴ ص ۲۵۰

۵- هدیه خدا ص ۱۳۷

مرحوم محدث قمی در حاشیه مفاتیح ذکر صلوات جامعی را نقل میکند که صبح و شام وارد است و از مضمون زیبایی برخوردار می باشد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيَيْتَهُ وَ ارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ وَ تَوْفَنِي عَلَى مِلَّتِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ كَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِي فِي الْجَنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَامًا

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست در میان نخستین آفریدگان و درود فرست بر محمد و خاندان محمد در بین آخرین آفریدگان و درود فرست بر محمد و خاندان محمد در ملاء اعلی و درود فرست بر محمد و خاندان محمد در میان فرستادگان خدایا محمد را منزلت و شرافت و فضیلت و مرتبه ای بزرگ عطا فرما.

خدایا من به محمد ایمان آوردم در حالی که او را ندیدم پس در روز قیامت مرا از دیدارش محروم مکن و هم صحبتی با او را نصیبم گردان و مرا به دین او بمیران و از حوضش آبی سیراب کننده و گوارا و بی زحمت که پس از آن هرگز تشنگی نیابم به من بچشان که تو بر هر کاری قدرت داری خدایا از آن جا که به محمد ایمان آوردم در حالی که او را ندیدم تو نیز در بهشت او را به من بشناسان. خدایا از سوی من روان مقدس محمد را درودی فراوان و سلامتی بی اندازه برسان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ..... وَ مِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُوْثِرْهُ (۱)

خدایا از تو معذرت می خواهم از ظلمی که در برابر من بر مظلومی واقع شده و من ستم دیده را یاری نکرده ام... و از گرفتار و بینوایی که از من کمک خواسته و من ترتیب اثر به خواسته اش نداده ام.

البته معذرت خواهی امام سجاد علیه السلام درباره سهل انگاری حقوق ضعیفان توجه دادن ما به این واقعیت است که محرومین و اهل فاقه و بینوا را فراموش نکنیم. اگر موقعیت اجتماعی و یامالی داریم حق آنان را نادیده نگیریم و نسبت به وضع نابسامانشان بی تفاوت نباشیم.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام در منشور بین المللی و جامع خود برای مالک اشتر و مردم مصر سه بار سفارش طبقه سفلی و ضعیف جمعه را می کند که مبدا حقوقشان پایمال شود.

در یک بخش از نامه وقتی طبقات مردم جامعه را بر می شمرد می فرماید:

وَمِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِينِ وَ كُلٌّ قَدْ سَمَّى اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ

و گروهی از آنها ضعیفان که نیازمندان و بیچارگان هستند و برای هر یک از این چند دسته خداوند نصیب و بهره ای را نام برده است.

در بخش دیگر نامه باز می فرماید:

ثُمَّ الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِينِ الَّذِينَ يَحِقُّ رِفْدُهُمْ وَ مَعُونَتُهُمْ وَ فِي اللَّهِ لِكُلِّ سَعَةٌ

ص: ۶۰۱

پس از این دسته ضعیفان هستند که نیازمندان و بیچارگان می باشند و بخشش و کمک به آنها واجب و لازم است و نزد خدا برای هر یک از این طبقات گشایشی است.

و برای بار سوم می فرماید:

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا وَاحْفَظِ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ (۱)

پس بترس از خدا و بترس از خدا درباره زبردستان درمانده و بیچاره و بی چیز که اهل سیاست و آشنای به رابطه ها نیستند و نیازمند و گرفتار در سختی و رنجوری و ناتوانی زیرا این طبقه هم خواهنده است که ذلت و بیچارگی اش را اظهار می کند و هم کسی است که به عطا و بخشش نیازمند است ولی اظهار نمی نماید. و برای رضای خدا آنچه را که از حق خود درباره ایشان به تو امر فرموده بجا آور و قسمتی از بیت المال را که در دست داری برای ایشان مقرر دار.

انسان دوستی و مهرورزی هر کس آن وقت مشخص می شود که غیر از اطرافیان و فامیل به وضع ضعیفان جامعه و آدم های بی دست و پا و بی حيله کمک کند. ملاحظه فرمودید دید گاه بسیار روشن مولایمان علی علیه السلام را درباره ضعیفان جامعه که اگر سفارشات حضرت در جوامع بشری حاکم بود کسی گرسنه و بی چیز نمی ماند ولی متاسفانه بعضی از افرادی که امکانات دارند نوع دوست نیستند و همواره از حقوق مستضعفین غافل و بی خبرند.

اگر فکر دل زاری نکردی***به عمر خویشتن کار نکردی

ترا از روز آزادی چه حاصل***که رحمی بر گرفتاری نکردی

کسی در سایه لطفت نیاسود***بعالم کار دیواری نکردی

همان بزرگوار برای یکی از کار گزارانش نوشت:

ص: ۶۰۲

وَإِنَّ لَكُمْ فِي هَذِهِ الصَّدَقَةِ نَصِيبًا مَفْرُوضًا وَحَقًّا مَعْلُومًا وَشُرَكَاءَ أَهْلِ مَسِيكِنِهِ وَضِعْفَاءَ ذَوِي فَاقِهِ وَإِنَّا مُؤَفَّفُوكَ حَقَّكَ فَوْفَهُمْ حُقُوقَهُمْ (۱)

و تورا در این صدقه بهره ثابت و حقی آشکار است و شریکانی داری از درویشان و ناتوانان نیازمند و ما حق ترا تمام می پردازیم و تو نیز حقوق ایشان را تمام پرداز.

در نامه دیگری به کارگزار دیگرش نوشت همین که فرصت بیشتری در خیانت بر مردم یافتی با عجله چون گرگی تیزرو که بزی زخم خورده و پا شکسته را می رباید اموال امت را ربودی و بدون آنکه احساس گناه کنی شادمان آنها را به طرف حجاز روانه ساختی....

ای کسی که ما تو را آدم فهمیده حساب می کردیم چگونه خوردن و آشامیدن برایت گواراست در حالی که خود می دانی که مشغول خوردن و آشامیدن حرام هستی؟ برای خود کنیز می خری با زنان از مال بچه های یتیم و دردمندان و مومنین مجاهد ازدواج می کنی همان مومنین مجاهدی که خداوند این اموال را به آنان اختصاص داده و این شهرها را توسط ایشان امن و امان کرده است پس از خدا بترس و مال این مردم را به خودشان برگردان که اگر نکنی و خداوند به من قدرت دهد و بر تو دست یابم چنان کیفری تو را دهم که نزد خدا عذر خواه من گردد و چنان با شمشیرم بر تو بکوبم که کسی را با آن نزد من مگر آنکه به جهنم وارد شد. (۲)

ص: ۶۰۳

۱- نهج البلاغه نامه ۲۶

۲- نهج البلاغه نامه ۴۱

فَأَمَّنْهُ عَلَى قَبْلِ الْبَلَاءِ بِالْعَافِيَةِ، وَقَبْلِ الْطَّلَبِ بِالْجِدَّةِ، وَقَبْلِ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ (۱)

خدایا بر من منت بگذار به دادن تندرستی و عافیت پیش از رسیدن بلا و به توانگری پیش از درخواست و به راهنمایی و ارشاد قبل از گمراهی و ضالالت.

از جمله درخواست های ما به شکل یک امر واجب حداقل ده بار در شبانه روز این است که بار پروردگارا ما را کمک و راهنمایی کن که راه مغضوبین و گمراهان از درگاهت را نرویم.

ضالین کیانند؟ راغب در مفردات می گوید:

الضَّالُّ الْعُدُولُ عَنِ الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ وَيُضَادُّهُ الْهِدَايَةُ

گمراهی یعنی بازگشت و عدول از راه مستقیم و ضدش هدایت است.

یکی از مصداق های روشن ضالین کسانی هستند که از صراط مستقیم الهی که امیرالمومنین و اولاد معصومش باشند عدول کردند و به سراغ دیگران رفتند.

چنانکه مرحوم صدوق در تبیین بیان پروردگار از قول رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که آن بزرگوار فرمود:

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ قَالَ: شَيْعَةُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْهِمْ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُغْضَبْ عَلَيْهِمْ وَلَمْ يَضَلُّوا (۲)

منظور کلام خدا صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ شیعیان علی علیه السلام هستند که نعمت ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام به آنها داده شده و بر آنها غضب نمی شود و گمراه نخواهند گشت.

ص: ۶۰۴

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- معانی الاخبار ص ۳۶

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره صراط پرسید؟ حضرت فرمود صراط مستقیم راه بسوی معرفت خداست و آن دو صراط است یکی صراط در دنیا و یکی در آخرت اما صراط در دنیا

فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةُ مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهُدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَى فِي نَارِ جَهَنَّمَ (۱)

امام واجب الاطه است کسی که او را بشناسد و از راهنمایی او پیروی کند در آخرت از صراطی که پل دوزخ است عبور خواهد کرد و کسی که او را در دنیا نشناسد در آخرت پایش لغزیده و در آتش دوزخ هلاک می شود.

عده ای از مردم کار شیطان را انجام میدهند یعنی همان طور که شیطان سر راه مستقیم می نشیند تا مردم را گمراه کند آنان نیز با سم پاشی های خود و ایجاد شبهه در دین و احکام شرعیه مردم را اغوا و گمراه میکنند.

لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَأَنبِيَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (۲)

شیطان گفت خدایا من هم برای گمراه کردن مردم سر راه مستقیم تو می نشینم آنگاه از جلو رویشان و از پشت سرشان و از سمت راست و سمت چپ به آنها می تازم و بیشتر آنها را شاکر نخواهی یافت.

عجیب است که اکثر مردم فریب شیطان و انسان های گمراه کننده را می خورند و از صراط مستقیم الهی منحرف می شوند و هشدارهای الهی را نادیده می گیرند.

ص: ۶۰۵

۱- معانی الاخبار ص ۳۲

۲- اعراف ۱۷ و ۱۶

گاهی خداوند تبارک و تعالی چنین هشدارها را حتی به پیامبرش صلی الله علیه و آله وسلم که در قداست کامل و هوشیاری است می دهد که مواظب باش که اکثر مردم نمی خواهند تو را مستقیم را طی کنی و به راه خدا بروی.

وَإِنْ تَطَّعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱)

و اگر بخواهی پیروی اکثر مردم روی زمین نمایی تو را از راه خدا گمراه می کنند اینها دنباله رو گمان و خیالند و جز تخمین نمی زنند پروردگارت بهتر می داند چه کسی از راهش گمراه شده و بهتر می داند چه کسی هدایت یافته است.

پس باید هدایت را از خداوند تبارک و تعالی طلب کنیم که اگر او دست ما را بگیرد هیچ گمراه کننده ای قادر نیست ما را گمراه کند.

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ..... وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ (۲)

آیا خداوند برای بنده اش کافی نیست؟..... و هر کسی را خداوند هدایت فرماید بر او گمراه کننده ای وجود نخواهد داشت آیا خداوند مقتدر و صاحب انتقام نیست؟

بعد از شیطان و کسانی که کارشان گمراه کردن مردم است هوای نفس عامل موثری برای گمراهی است پس باید با بسیاری از خواهش های دل مخالفت کرد و اجازه نداد که بر ما چیزه شود.

وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الدِّينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۳)

ص: ۶۰۶

۱- انعام ۱۱۶ و ۱۱۷

۲- زمر ۳۶ و ۳۷

۳- ص ۲۶

از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف میکند و آنهایی که از راه حق منحرف شدند به خاطر آن که روز حساب را فراموش کرده اند عذاب سختی خواهند داشت.

امیرالمومنین علی علیه السلام برای معالجه هواپرستی چاره ای جز مخالفت و مبارزه با آن بیان نمی فرماید و حتی مواقعی که سر دو راهی قرار می گیریم می فرماید با آن چیزی که به هوای نفس بیشتر نزدیک است مخالفت کنید.

وَ كَانَ إِذَا بَدَّهَهُ أَمْرَانِ يَنْظُرُ أَيُّهُمَا أَقْرَبُ إِلَى الْهُوَى فَيَخَالِفُهُ (۱)

هرگاه دو کار را خواست شروع کند نگاه می کند که کدام یک به هوای نفس نزدیکتر است با آن مخالفت می کند و انجام نمی دهد.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می فرمودند که: خداوند تبارک و تعالی به انسان می فرماید اگر چشمت با تو ستیز کرد که باید به فلان شخص و یا فلان چیز نگاه کنی در حالی که بر تو حرام است من برای تو دو روپوش گذارده ام پلک ها که آن ها را بر هم گذاری و نگاه نکنی.

هرگاه زبانت خواست تو را وادار به سخنی که حرام است بنماید برای آن نیز دو روپوش دندان و لب گذارده ام لب بر هم گذار و سخن مگو اگر شهوت تو را به کار حرامی تشویق کرد آن را هم با دو روپوش دو پا مغلوب تو کرده ام پای بر هم پیچ و کاری که حرام است انجام مده. (۲)

امیرالمومنین علی علیه السلام در سه جای نهج البلاغه خطبه ۲۸ و خطبه ۴۲ و خطبه ۵۰ با عبارتی شبیه هم هشدار می دهد از پیروی هوای نفس که گمراهی و ضلالت را در پی خواهد داشت.

وَ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِتِّبَاعُ الْهُوَى

چیزی که من بر شما از هر چیز دیگر بیشتر نگرانم پیروی از هوای نفس است.

ص: ۶۰۷

۱- نهج البلاغه حکم و مواظ ۲۸۹

۲- وسایل ج ۱۱ ص ۲۸۵

إِتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيُضِدُّ عَنِ الْحَقِّ

پیروی از هوای نفس شخص را از راه حق باز می دارد.

إِنَّمَا بَدَأُ وُقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ

منشا فتنه و فسادها پیروی از هوای نفس است.

عمر بگذشت به بی حاصلی و بوالهوسی***ای پسر جام میم ده که به پیری برسی.

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش***وه که بس بی خبر از غلغل چندین جرسی.

ص: ۶۰۸

وَ كَمْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ وَ نَصِيبَ لِي شَرَكٍ مَصَائِدِهِ ... خدایا چه ستمگری که با مکر خویش بر من ستم نمود و دام شکارهایش را برایم گسترد و مراقبانی برایم گماشت و در کمین نشست مانند در کمین نشستن حیوان درنده و مثل حیوانی که منتظر فرصت است تا شکار مناسبی را به چنگ آورد در حالی که چابپلوسی می کرد و با چهره خشم آلود به من نگاه می کرد.

وقتی تو ای خدای من که منزله و برتری دغل بازی پنهان و زشتی کارش را مشاهده کردی او را با سر در گودالی که برای شکار کننده بود انداختی و در همان پرتگاه کنده شده به دستش جایش دادی تا پس از طغیانش با ذلت در دامی افتاد که فکر می کرد مرا در آن بیفکند و اگر لطف و مرحمت تو نبود نزدیک بود من در آنچه او در آن افتاد می افتادم. (۱)

خداوند با مومنین است و آنها را یاری می کند و کافران و ظالمان را به طاغوت ها وامیگذارد.

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲)

خداوند سرپرست آنانی است که ایمان آورده اند آنها را از تاریکی ها به عالم روشنایی خارج می سازد و آنانی که کافر شدند سرپرست آنها طاغوت است آنها را از عالم

ص: ۶۰۹

۱- دعای چهل و نهم صحیفه

۲- بقره ۲۵۷

روشنایی به تاریکی ها خارج می سازد و اینها هستند که یاران آتش بوده و برای همیشه در آن می مانند.

طاغوت به هر سرکش و نافرمانی گفته می شود که در برابر خدا و دین خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام بایستد و تحت ولایت خدا و رسول و اولی الامر قرار نگیرد.

جایگاه طاغوت ها جهنم است.

فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۱)

اما هر که سرکشی کند و زندگی دنیا را برگزیند جایگاهش جهنم است.

برای رهایی از افتادن در طغیان و سرکشی باید نفس را تربیت و تزکیه کرد و همواره احساس نیاز به درگاه الهی نمود چون از عوامل طغیان احساس بی نیازی و عدم تزکیه نفس است.

لَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَافٍ أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْتَىٰ (۲)

نه چنین است این انسان وقتی احساس بی نیازی کند طغیان می نماید.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحَيَّرَ فِي الظُّلُمَاتِ وَارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ وَ مَدَّتْ بِهِ شَيَاطِينُهُ فِي طُغْيَانِهِ (۳)

هر که خود را به چیزی جز تربیت و تزکیه نفس خویش مشغول دارد در تاریکی ها سرگردان شود و در هلاکت ها دست و پا زند و شیطان هایش او را در طغیانش فرو برند.

حضرت عیسی بن مریم علیهم السلام بر آبادی گذشت که مردم آن همگی مرده بودند فرمود ای اهل آبادی یکی از آنها پاسخ داد لیبیک ای روح خدا آن حضرت فرمود وای بر شما

ص: ۶۱۰

۱- نازعات ۳۷ و ۳۹

۲- علق ۶

۳- نهج البلاغه خطبه ۱۵۷

اعمال شما چه بود؟ عر ضکرد بندگی طاغوت و دوستی دنیا فرمود چگونه طاغوت را بندگی می کردید؟ عرض کرد از گنهکاران فرمان می بردیم. (۱)

امام سجاد علیه السلام که خود و اجداد طاهرینش و فرزندان معصومش هر کدام گرفتار ستم طاغوت های عصر خویش بودند جهت ارشاد خلق و اتمام حجت می فرمود:

كَفَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ كَيْدَ الظَّالِمِينَ وَبَغْيَ الحَاسِدِينَ وَبَطْشَ الجَبَّارِينَ أَيُّهَا المُؤْمِنُونَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الطَّوَاغِيتُ وَآتِبَاعُهُمْ مِنْ أَهْلِ الرِّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا (۲)

خداوند ما و شما را از مکر ستمگران و تجاوز حسودان و خشم جباران نگه دارد ای مومنان مبادا طغیانگران و پیروان دنیا دوست آنها شما را مفتون کنند.

از ویژگی های امام عصر حجه ابن الحسن العسکری علیهم السلام آن است که برخلاف سایرین بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارد یعنی در عصر غیبت هر حکومتی بر پا گردد به ناچار باید با طواغیت دست بیعت و همکاری دهد تا بتواند دوام آورد ولی وجود نازنین ولی عصر روحی له الفداء طبق فرمایش خودشان بیعت هیچ طاغوتی را بر گردن ندارد چرا که طواغیت همگان نابود شده و از بین خواهند رفت.

وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُوجُ وَلَا يَبِيعُهُ لِأَخِيذٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي (۳)

من زمانی قیام می کنم که بیعت هیچ طاغوتی را بر گردن نداشته باشم.

اللَّهُمَّ العنِ الجِبْتِ وَ الطَّوَاغُوتِ

لعنت خدا بر جبت و طاغوت.

ص: ۶۱۱

۱- کافی ج ۲ ص ۳۱۸

۲- بحار ج ۷۸ ص ۱۴۹

۳- احتجاج ج ۲ ص ۳۲۴

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَ اجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ. وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَ صَائِرَةٌ اِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ. (۱)

حمد مخصوص خداوندی است که اخلاق پسندیده را برای ما انتخاب نمود و روزی های پاکیزه اش را در اختیارمان گذاشت و تاج برتری بر طبیعت و هم مخلوقات را بر سر ما نهاد و کاری کرد که جمیع موجودات به قدرت پروردگار منقاد و فرمانبردار ما شوند و به نیرو و عزت حق به اطاعت ما در آیند.

طبیعت شامل جمیع مخلوقات الهی می شود اعم از جماد و نبات و حیوان که همگی در تسخیر انسان است و این لطف خدا بوده البته اگر بشر قدردان لطف پروردگار باشد.

تعبیرهای قرآن در تسخیر طبیعت برای انسان صریح و فراوان است مثل:

وَسَخَّرَ لَكُمُ الْاَنْهَارَ سَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُوكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ (۲)

رودخانه ها دریاها ماه و خورشید شب و روز را به تسخیر شما انسان ها در آوریم.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ (۳)

آیا نمی بینی که خداوند آنچه در کره زمین است در اختیار شما قرار داده است.

سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ (۴)

آنچه در آسمان ها و زمین است همه را به تسخیر تو انسان در آوردم.

پیش بینی قرآن به این است که روزی بشر از نظر رشد علمی و فکری به امر و اذن خداوند به جایی می رسد که دل طبیعت را می شکافد و به آسمان ها سفر می کند و همان

ص: ۶۱۲

۱- دعای اول صحیفه

۲- ابراهیم آیات ۳۲ و ۳۳

۳- حج ۶۵

۴- جاثیه ۱۳

طور که به اعماق زمین رفته و منابع طبیعی آن را استخراج کرده و می‌کند به آنچه در آسمان‌ها هست دسترسی پیدا خواهد کرد.

طبیعت یا به عبارتی مجموعه مخلوقات الهی چقدر زیبا و تماشایی است نقش گلها و ریاحین تنوع در رنگ‌ها در پرندگان و حیوانات سبزی و خرمی صحراها و دشت‌ها و کوهساران جاذبه شب‌ها و نگاه بر ستارگان آسمان و سیارات خلاصه همه جای طبیعت زیبا و جمیل است و این همه آوازه‌ها از شه بود.

گر فیض تو لحظه‌ای به عالم نرسد***معلوم شود بود و نبود همه کس

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام درباره طبیعت انسان بیانی دارد که بسیاری از مشکلات علمی نسبت به پیدایش نژادها و تفاوت‌های روانی و جسمی انسان‌ها را برطرف می‌سازد و شبهات مربوط به عدل الهی را پاسخ می‌دهد که تفاوت‌ها علل طبیعی داشته و به انتخاب و اختیار و نوع تغذیه و شرایط جغرافیای محیط زیست ارتباط دارد.

إِنَّمَا فَرَّقَ بَيْنَهُمْ مَبَادِيءَ طِينِهِمْ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا فَلَاقَهُ مِنْ سَبِيحِ أَرْضٍ وَ عَذْبِهَا وَ حَزْنِ تَرْبِهِ وَ سَهْلَهَا فَهَمَّ عَلَى حَسْبِ قُرْبِ أَرْضِهِمْ يَتَفَارَبُونَ وَ عَلَى قَدْرِ اخْتِلَافِهَا يَتَفَاوَتُونَ فَتَأْمُ الرُّوَاءِ نَاقِصُ الْعَقْلِ وَ مَادُّ الْقَامَةِ قَصِيرُ الْهَمِّ وَ زَاكِي الْعَمَلِ قَبِيحُ الْمُنْظَرِ وَ قَرِيبُ الْقَعْرِ بَعِيدُ السَّبْرِ وَ مَعْرُوفُ الضَّرْبِ مُمْكِرُ الْجَلْبِ وَ تَائَهُ الْقَلْبُ مُتَفَرِّقُ اللَّبِّ وَ طَلِيقُ اللِّسَانِ حَدِيدُ الْجَنَانِ (۱)

علت تفاوت‌های میان مردم گوناگونی سرشت آنان است زیرا آدمیان در آغاز ترکیبی از خاک شور و شیرین سخت و نرم بودند پس آنان به میزان نزدیک بودن خاکشان با هم نزدیک و به اندازه دوری آن از هم دور و متفاوتند. یکی زیبا روی و کم خرد دیگری بلند قامت و کم همت یکی زشت روی و نیکوکار دیگری کوتاه قامت و خوش فکر

ص: ۶۱۳

یکی پاک سرشت و بد اخلاق دیگری خوش قلب و اشفته عقل و آن دیگر سخنوری دل آگاه است.

نظر به طبیعت زیبا انسان را متوجه خالق و صورتگر موجودات می کند که با چه ظرافت و لطافت به مخلوقاتش شکل داده و بر معرفت ما نسبت به او افزوده می شود چنانکه خود می فرماید:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ (۱)

بگو در روی زمین سفر کنید و بنگرید که خدا چگونه ابتدا خلق را ایجاد کرده است.

قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (۲)

بگو بنگرید در آسمان ها و زمین چه چیزهایی وجود دارد.

شک نیست با نگاه به آسمان و زمین و این همه خلائق گوناگون به عظمت و کبریایی حضرت حق پی خواهیم برد و احساس زبونی و کوچکی خواهیم کرد که بار پروردگارا آن زره که در حساب ناید ماییم.

به قول امام سجاد علیه السلام در همان دعای اول صحیفه:

الَّذِي قَصَّرْتُ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارَ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزْتُ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ

خدایی که دیدگان انسان ها ناتوان از رویت اوست و اندیشه توصیف کنندگان عاجز از تعریف و توصیف او می باشند.

ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَ اخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا.

او که با دست قدرتش خلق موجودات را بنیان گذاشت و با اراده اش مخلوقات را اختراع نمود.

ص: ۶۱۴

۱- عنکبوت ۲۰

۲- یونس ۱۰۱

وَهَبْ لِي نُورًا أَمْشِيَ بِهِ فِي النَّاسِ، وَ أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ، وَ أَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَ الشُّبُهَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ،اللَّهُمَّ قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُضِلُّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي فَكُنْ بِحَوَائِجِي حَفِيًّا(۱)

خدایا به من نوری عطا کن تا بتوانم بین مردم زندگی کنم و به وسیله آن از تاریکی‌ها رهایی یابم و در پرتو آن اسیر شک و تردید نگردم... بارالها تو خوب می‌دانی چه چیز کار این جهان و جهان دیگر را اصلاح می‌کند پس به حوایج من توجه فرما و به من مهربانی کن هر کس برای خود خط مشی و روش خاصی را انتخاب می‌کند و به طور کلی انسان در انتخاب راه آزاد است چنانکه خداوند تبارک و تعالی این آزادی را به انسان داده و راهنمایی‌های لازم را هم برای انتخاب راه درست بیان فرموده است.

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (۲)

در قبول اکراهی نیست زیرا که راه رشد از راه گمراهی آشکار شده است.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳)

ما راه را به انسان نشان دادیم که یا شکر می‌کند و یا ناسپاسی می‌نماید.

امام سجاد علیه السلام خط مشی و روشی را از خدا طلب میکند که به کمک نور الهی و نور معنویت لغزش و انحرافی در آن نباشد.

بهترین گزینه طریقه محمد و آل علیهم السلام می‌باشد کسانی که به دنبال این بزرگواران حرکت کردند و سیره عملی ایشان را ملاک کار خویش قرار دادند در دنیا و آخرت در امان بوده و به نیک بختی دنیا و آخرت نایل آمدند.

تنها قرآن شریف و عترت پیامبرند که می‌توانند ما را به روش محکم و استوار رهنمون باشد.

ص: ۶۱۵

۱- دعای بیست و دوم صحیفه

۲- بقره ۲۵۶

۳- انسان ۳

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (۱)

این قرآن مردم را به راهی محکم تر هدایت می فرماید.

درباره محمد و ال علیهم السلام در زیارت گرانقدر جامعه کبیره عرض می کنیم:

أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَ شَهْدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَ الرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَ الْآيَةُ الْمَخْرُوجَةُ، وَ الْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ، وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ. (۲)

شما یس راه استوار الهی و گواهان در دنیا و شفیعیان در آخرت شما یس رحمت مستمر خدا و آیت مستور و ودیعه محفوظ الهی شما یس محل نیاز خلق که هر کس به سراغ شما آمد نجات یافت و هر که با شما قطع کرد به هلاکت رسید.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

إِلَّا تَحْمِيْدُونَ اللَّهَ أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَدْعِي كُلَّ قَوْمٍ إِلَىٰ مَنْ يَتَوَلَّوْنَهُ فَفَزِعْنَا إِلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفَرَعْتُمْ أَنْتُمْ إِلَيْنَا (۳)

آیا شکر خدا را بخاطر ارتباط با وجود مبارک ائمه علیهم السلام و انتخاب طریقه آنها به جا نمی آورید!؟

فردای قیامت که می شود هر کس را به سوی رهبر و مولا و مرادش می خوانند ما به رسول الله پناه می بریم و شما هم به ما پناه خواهید برد.

آن عالم سنی در کتاب ینابیع الموده ج ۲ ص ۴۹۶ روایتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که گویای طریقه و روش صحیح مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام است که غیر راه او خطا و گمراهی است.

يَا عَلِيُّ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَنْتَ يَا بُلُّ اللَّهِ وَ أَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَ أَنْتَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَيْرُ

ص: ۶۱۶

۱- اسراء ۹

۲- مفاتیح الجنان محدث قمی

۳- تفسیر برهان ۲ ص ۴۳۸

وَصَيِّبِينَ وَ سَيِّدَ الصَّدِيقِينَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَ أَنْتَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَ إِنْ حَزِبَكَ حِزْبِي وَ حِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ وَ أَنْ حِزْبُ
اعْدَاءِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ

یا علی تو هستی حجت خدا تو هستی باب الله تو هستی طریقه رسیدن به خدا تو هستی خبر بزرگ و صراط مستقیم و مثل اعلی
تو هستی امام مسلمین و امیرالمومنین و بهترین وصیین و آقای صدیقین.

یا علی تو هستی فاروق اعظم و صدیق اکبر و به تحقیق حزب تو حزب من و حزب من حزب خداست و به تحقیق حزب
دشمنان تو حزب شیطان است.

مهم آن است که ما راه آن بزرگوار را برگزینیم و سیر کنیم والا به اینکه از جمله شیعیان و دوستان آن حضرت و همسر و
فرزندان گرامی اش هستیم دل خوش کنیم و طریقه و روش آنان را تابلو زندگی قرار ندهیم خطاست و راه به جایی نخواهیم
برد.

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود می فرماید:

أَبْلَغُ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ وَأَخْبِرُهُمْ أَنَا لَا نَغْنَى عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِعَمَلٍ وَأَنْهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِعَمَلٍ أَوْ وَرَعٍ وَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ
حَسْرَةً مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَّا غَيْرَهُ (۱)

سلام مرا به دوستانمان برسان و به آنها بگو ما نمی توانیم بی نیاز کنیم شما را از طرف پروردگار مگر به عمل و هرگز به
ولایت ما نخواهد رسید مگر به پرهیزکاری و عمل پشیمان ترین مردم در روز قیامت کسی است که کار خوبی را چون عدالت
توصیف نماید و خود بر خلاف آن عمل کند.

امام سجاد علیه السلام در دعای دیگری از خداوند می خواهد طریقه حق را سیر کند و گرفتار زیغ و گمراهی و راه باطل
نشود:

وَ مَتَّعْنِي بِهَدْيِ صَالِحٍ لَا أَسْتَبْدِلُ بِهِ، وَ طَرِيقَهُ حَقٌّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا (۲)

ص: ۶۱۷

۱- بحار ج ۲ ص ۱۷

۲- دعای بیستم صحیفه

پروردگارا مرا به هدایت شایسته ای بهره مند ساز که چیزی را با آن تبدیل نکنم و راه حقی که از آن منحرف نشوم

زیغ حالتی است که انسان همواره در همه مسایل زندگی اعم از مادی و یا معنوی راه کج و خلاف را می رود.

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ (۱)

آنان که در دل هایشان زیغ است متشابهات قرآن را دنبال می کنند.

در آیه بعد درخواست میکنیم که:

رَبَّنَا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

پروردگارا دل های ما را پس از آنکه هدایتمان کرده ای منحرف مساز و ما را از جانب خود رحمتی بخشای که بخششگری.

آدم هایی که دل زایغ دارند هر آهنگ غیر حقی که در جامعه بلند شود به آن جذب می شوند و مسیر حق را بر نمی گزینند.

اگر خواهان طریق و روش حق و راه انبیاء و اولیاء هستیم باید نفس را از رنگ زیغ شستشو دهیم تا دل صفا یابد.

برو بزدای روی تخته دل***که تا سازد ملک پیش تو منزل

از و تحصیل کن علم وراثت***ز بهر آخرت می کن حراثت

کتاب حق بخوان از نفس و آفاق***مزین شو به اصل جمله اخلاق

إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (۲)

خداوند اوضاع و احوال هیچ جامعه و ملتی را تغییر نمی دهد تا افراد آن جامعه خود را تغییر دهند و افکار و اخلاق خویش را دگرگون سازند.

ص: ۶۱۸

۱- آل عمران ۷

۲- رعد ۱۱

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِنَفْسِي عَلَى ظُلْمِهَا نَفْسِي، وَوَكِّلْ رَحْمَتَكَ بِاِحْتِمَالِ اِضْرِي، فَكَمْ قَدْ لِحِقْتُ رَحْمَتَكَ بِالْمُسِيئِينَ، وَكَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و نفس مرا در حالی که ظلم به خویش کرده عفو کن و رحمتت را مامور برداشت بار گناهم فرما و چقدر رحمت تو به بندگان گنهکارت رسیده و چقدر عفو تو شامل ستمکاران گشته است.

ظلم یعنی خارج شدن از مسیر حق و راهی که خداوند تبارک و تعالی توسط انبیاء و رهبران دین پیش روی گذارده اند و آن بر سه قسم است.

۱-ظلمی که بین انسان و خداوند انجام می گیرد که عبارت است از کفر و شرک و نفاق و از بزرگترین موارد ظلم است.

إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۲)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ (۳)

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۴)

۲-ظلمی که بین انسان با همنوعانش واقع می شود.

وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا (۵)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶)

۳-ظلمی که انسان بر نفس خویش روا می دارد.

فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ (۷)

ص: ۶۱۹

۱- دعای سی و نهم صحیفه

۲- لقمان ۱۳

۳- زمر ۳۲

۴- هود ۱۸

۵- اسراء ۳۳

۶- شوری ۴۲

۷- فاطر ۳۲

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ (۱)

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ (۲)

این تقسیم بندی در روایات هم شده که ظلم سه گونه است.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

أَلَا - وَ إِنَّ الظُّلْمَ ثَلَاثَةٌ فَظُلْمٌ لَا يُعْفَرُ وَ ظُلْمٌ لَا يُتْرَكُ وَ ظُلْمٌ مَعْفُورٌ لَا يُطَلَبُ فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُعْفَرُ فَالشِّرْكَ بِاللَّهِ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يُعْفَرُ فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهَنَاتِ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً (۳)

بدانید که ظلم بر سه گونه است ظلمی که هرگز بخشیده نمی شود ظلمی که بازخواست می شود و ظلمی که بخشوده می شود و بازخواست نمی گردد اما ظلمی که هرگز بخشیده نمی شود شرک و زیدن به خداست.... اما ظلمی که بخشوده می شود ستمی است که بنده با ارتکاب بعضی گناهان کوچک به خود روا می دارد و اما ظلمی که بازخواست خواهد شد ستم بندگان به یکدیگر است.

بی شک امام سجاد علیه السلام در آن بخش از دعا که می فرماید:

وَ كَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوَكَ الظَّالِمِينَ وَ چقدر عفو تو شامل ستمکاران گشته است منظور کسانی است که ظلم به نفس خویش کرده و توبه نموده اند و یا ظلم به مردم کرده و حق الناس را ادا کرده و مظلوم را از خود راضی کرده اند والا در غیر این صورت شامل رحمت الهی قرار نخواهند گرفت.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره ظلم به مردم می فرمود: قصاص بسیار سخت است زخم زدن با چاقو و ضربه به زدن با تازیانه نیست بلکه اینها در مقابل آن قصاص بسیار کوچک و ناچیز است. (۴)

ص: ۶۲۰

۱- بقره ۲۳۱

۲- قصص ۱۶

۳- نهج البلاغه خطبه ۱۷۶

۴- بحار ج ص ۲۷۱

در جای دیگر فرمود بزودی خداوند از کسانی که ظلم کرده است انتقام خواهد کشید خوردنی را به خوردنی و آشامیدنی را به آشامیدنی خوردنی هایی چون حنظل و نوشیدنی هایی چون زهر. (۱)

از بدترین انواع ظلم ظلم به کسی است که غیر خدا یار و یآوری نداشته باشد. اینجاست که غضب خدا شدت می گیرد و روزگار ظالم را سیاه می کند.

چنانکه پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

اَشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَيَّ مِنْ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرَ اللَّهِ (۲)

خشم خداوند سخت است بر آن که به کسی ظلم کند که یآوری جز خدا نمی یابد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگامی که وفات علی بن الحسین علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسبانید و سپس فرمود: فرزندانم تو را به همان چیزی سفارش می کنم که پدرم در هنگام وفاتش به من سفارش کرد و فرمود که پدر او نیز همان را به ایشان سفارش کرده است. فرمود: فرزندانم

إِيَّاكَ وَظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ (۳)

بترس از ستم کردن به کسی که در برابر تو یآوری جز خدا نمی یابد.

بهترین راه برای ترک ظلم یادآوری اجرای عدل خداوند درباره ماست چند لحظه اندیشیدن درباره عدل الهی که اگر بنا شود خداوند براساس عدلش با ما رفتار کند بی شک گرفتار خواهیم بود باعث می شود به ظلم فکر نکنیم و حقوق دیگران را پایمال ننماییم.

در همین زمینه امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

اذْكَرَ عِنْدَ الظُّلْمِ عَدْلَ اللَّهِ فِيكَ وَ عِنْدَ القَدْرَةِ قَدْرَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ (۴)

در هنگام ستم عدالت خداوند را که با تو خواهد داشت به یاد آر و هنگام قدرت قدرت خدا را که بر تو دارد یاد کن.

ص: ۶۲۱

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۵۸

۲- کنز العمال ۷۶۰۵

۳- کافی ج ۲ ص ۳۳۱

۴- بحار ج ۷۵ ص ۳۲۳

أَنَّ سُنَّتَكَ الْإِفْصَالُ، وَ عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ، وَ سَبِيلُكَ الْعَفْوُ فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ (۱)

پروردگار سنت تو خیر رساندن و عادت تو بر احسان و راحت بر عفو و بخشش است الها تمامی موجودات اعتراف دارند که تو بر هر که کیفر دهی براساس عدل است و ستم روا نمی داری.

راغب در مفردات می گوید:

العدالة وَ المعادله لَفَظٌ يَفْتَضِي مَعْنَى الْمَسَاوَاهِ

عدالت و معادله معنای مساوات را در بر دارند.

العدل از اسماء الله است و به معنی آن است که خداوند تبارک و تعالی هر چیزی را در جای خود قرار داده و درباره هیچ موجودی از آنچه را که لایق و سزاوار بوده چیزی را فرو گذار نکرده است و تمام موجودات این جهان آفرینش را موزون و متعادل خلق کرده و در هر چیزی از هر ماده ای به قدر لازم استفاده کرده است.

الَّذِي خَلَقَ فَسْوَى (۲)

آنکه بیافرید و مساوی ساخت.

در گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمده که:

بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ (۳)

به توسط عدل است که آسمان ها و زمین برپاست.

خداوند عادل است زیرا بین مخلوقات هیچ گونه تفاوت و تبعیض قایل نمی شود و همه را به طور یکسان و طبق استحقاقشان عطا می کند.

ص: ۶۲۲

۱- دعای سی و هفتم صحیفه

۲- اعلی ۲

۳- تفسیر صافی ص ۵۱۶

مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ (۱)

در خلقت خدای رحمان تفاوتی نمی بینی.

خداوند عادل حتی پیامبران را فرستاد تا مردم را به عدل و اجرای عدالت دعوت کنند.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۲)

همانا فرستادگانمان را با دلایل روشن فرستادیم و همراه ایشان کتاب و ترازو فرستادیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

قیام به عدالت یعنی اجرای عدالت و حق را به حق دار رساندن این تکلیف همه انسان ها نسبت به یکدیگر است و این تکلیف برای کسانی کارهای اجرایی دارند و در راس امورند سنگین تر خواهد بود.

ارزش عدالت را از زبان امیرالمومنین علی علیه السلام بشنویم که وقتی از حضرت سوال شد عدل وجود کدام برتر است؟ فرمود:

الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَالْجُودُ أَفْضَلُهُمَا (۳)

عدل چیزها را به جای خود می نهد ولی جود و بخشش آنها را از جای خود بیرون می نماید و عدل نگاهدارنده همگان است ولی جود فقط به یکی بهره می دهد پس عدل شریفتر و برتر است.

و آن سفارش می کند در هنگام قضاوت عادلانه حکم کنید:

وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (۴)

وقتی بین مردم قضاوت می کنید به عدالت حکم کنید.

خداوند متعال به داوود پیامبر علیه السلام فرمود:

ص: ۶۲۳

۱- ملک ۳

۲- حدید ۲۵

۳- نهج البلاغه حکم و مواظ ۴۲۹

۴- نساء ۵۸

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ (۱)

ای داوود ما تو را در زمین جانشین گردانیدیم پس بین مردم به حق داوری کن و از پیروی هوای نفس پرهیز کن که تو را از راه خدا به در می کند. پس جایگاه قاضی حق کشی و کسی که عدالت را رعایت نم یکنند جز دوزخ جای دیگری نیست.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم هنگامی که به عیادت امیرالمومنین علی علیه السلام آمد و آن بزرگوار چشم درد گرفته بود و ناله می کرد فرمود: ای علی ناشکیبایی می کنی یا از درد می نالی؟ عرض کرد ای رسول خدا هرگز دردی به این سختی ندیده ام. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود ای علی زمانی که ملکت الموت برای گرفتن جان آدم گنهکار فرود آید سیخی آتشین با خود می آورد و به وسیله آن جان او را می گیرد که دوزخ فریاد می کشد. علی علیه السلام راست نشست و عرض کرد: ای رسول خدا سخن خود را برایم تکرار کنید زیرا از شدت درد متوجه نشدم چه فرمودید. آیا این عذاب به کسی از شما هم می رسد؟ پیامبر فرمود:

نَعَمْ حَكَمَا جَائِرِينَ وَ آكَلَ مَالِ الْيَتِيمِ وَ شَاهَدُ الزُّورِ

آری قاضیان حق کش و خورنده مال یتیم و شهادت دهنده به دروغ. (۲)

یک نمونه از تقسیم عادلانه بیت المال علی علیه السلام مقداری مال برای ما رسیده ما بین سیاه پوست و سرخ پوست به نسبت مساوی تقسیم می کنیم در این موقع مروان بن حکم به طلحه و زبیر گفت منظور علی اشاره به شماسست علی علیه السلام به هر نفری سه دینار داد مردی از انصار سه دینار خود را گرفت پس از او غلامی که تازه آزاد شده بود پیش آمد او هم به سهم خود رسید. مرد انصاری عرض کرد یا امیرالمومنین این غلام را دیروز من آزاد کردم سهم مرا با او یکسان می دهی؟ فرمود من در کتاب خدا دقت کردم تفاوتی قرار نداده بود.

ص: ۶۲۴

۱- ص ۲۶

۲- التهذیب ج ۲ ص ۲۲۴

بین فرزندان اسماعیل که کنیز زاده بودند و فرزندان اسحاق که از زنی آزاد به وجود آمدند. (۱)

عرفان و عارف

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ أَلْهَمَنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَ فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ (۲)

حمد خدای را به خاطر آنچه از خود به ما شناساند و طریقه شکرگزاری اش را به ما الهام فرمود و درهای دانش و درک ربوبیتش را به روی ما گشود.

راغب در مفردات می گوید:

المعرفة وَ الْعِرْفَانِ ادراك الشيء بتفكر وَ تدبّر وَ هُوَ أَخْصُّ مِنَ الْعِلْمِ وَ يُضَادُّهُ الانكار

معرفت و عرفان درک چیزی از روی فکر و تدبیر است و رتبه ای بالاتر از علم و دانستن دارد و ضدش انکار است.

و در معنای عارف می گوید:

هُوَ الْمُخْتَصُّ بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةِ مَلَكُوتِهِ

عارف هم کسی است که پی به معرفت به خدا و ملکوت الهی برده است.

نتیجه آنکه عرفان واقعی یعنی درک حقایق با تفکر و تدبیر و رسیدن به مرتبه ای که از باطن اشیاء و ملکوت آفرینش مطلع شدن.

گام اول در عرفان معرفت به خود و یافتن جایگاه خویش در آفرینش است. چنانکه مولایمان علی علیه السلام فرمود:

أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ أَكْبَرُ الْجَهْلِ جَهْلُ الْإِنْسَانِ أَمَرَ نَفْسِهِ (۳)

ص: ۶۲۵

۱- روضه کافی ص ۶۹

۲- دعای اول صحیفه

۳- غررالحکم ص ۱۷۹

برترین شناسایی آنست که بشر خود را بشناسد و بزرگترین نادانی آنست که انسان خود را نشناسد و از مسایل مربوط به خود بی خبر باشد.

ای بیخبر از هستی خود همچو کتاب***در جلد تو آیات الهی به حجاب

یعنی ز تو حق پدید و تو از اثرش***آگاه نه ای چو شیشه از بوی گلاب

همان بزرگوار در اینکه عارف کیست می فرماید:

الْعَارِفُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا وَ نَزَّهَا عَنْ كُلِّ مَا يُبْعِدُهَا(۱)

عارف کسی است که نفس خود را بشناسد و او را ازاد از قید و بندها نماید و از هر چیزی که دورش می کند منزهدش بدارد.

دل عارف شناسای وجود است***وجود مطلق او را در شهود است.

بجز هست حقیقی هست شناخت***و یا هستی که هستی پاک در باخت

وجود تو همه خار است و خاشاک***برون انداز از خود جمله را پاک

امام حسین علیه السلام معتقد است که آن وقت انسان خدا را درست بندگی می کند که عارف به حق تعالی شود:

خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَصْحَابَهُ فَقَالَ كَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ(۲)

برای اصحاب خود چنین فرمود خداوند بزرگ بندگان خود را خلق نکرد مگر برای معرفت به خودش و هر کس خدا را شناخت او را عبادت می کند.

بر همین اساس بعضی از مفسرین قرآن شریف لِيَعْبُدُونَ در آیه را لِيَعْرِفُونَ معنا کرده اند.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ(۳)

جن و انسان را نیافریدیم مگر که عبادتم کنند.

ص: ۶۲۶

۱- غررالحکم ص ۶۳۰

۲- المیزان ج ۱۸ ص ۴۲۳

۳- الذاریات ۵۶

گام دوم در عرفان تهذیب نفس و بیرون ریختن رذایل از سر وجود است. بعضی به دروغ ادعای عرفان می کنند چون گرفتار خود محوری و انانیت هستند و در واقع مردم را به خود دعوت می کنند نه به خداوند تبارک و تعالی بیشتر به دنبال مرید بازی و فریب خلقند و زیر کلمه عرفان دنیایشان را آباد کرده و میدان خود را تا حد شرک گرفتار می کنند چون مهذب نیستند.

امام العارفين اميرالمومنين على عليه السلام فرمود:

مِنْ عَرَفَ شَرَفَ مَعْنَاهُ صَانَهُ عَنْ دَنَائِهِ شَهْوَتَهُ (۱)

هر که بلندی و شرف گوهر وجود خویش را بشناسد آن را از پستی شهوترانی حفظ می کند.

عارف در قدم دوم با ترکیه نفس حجاب ها را از سر راه بر می دارد و از بسیاری خواهش های نفسانی صرف نظر می کند و به تعبیری نفس کشی می نماید تا باطن عالم برایش روشن شود.

باز از مولای عارفان بشنویم که فرمود:

قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ، وَ أَمَاتَ نَفْسَهُ، حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ، وَ لَطَفَ غَلِيظُهُ، وَ بَرَقَ لَهُ لَا مَعَ كَثِيرِ الْبُرْقِ، فَأَبَانَ لَهُ الطَّرِيقَ، وَ سَلَكَ بِهِ السَّبِيلَ، وَ تَدَاوَعَتْهُ الْمَاءُ بَوَابُ إِي لِي بَابِ السَّلَامَةِ، وَ دَارِ الْإِقَامَةِ، وَ تَبَتُّ رِجْلَاهُ بِطَمَاءِ نِينِهِ بِيَدَيْهِ فِي قَرَارِ الْمَاءِ مِنَ الرَّاحَةِ، بِمَا اسْتَعْمَلَ قَلْبُهُ وَ أَرْضَى رَبَّهُ (۲)

عقلش را زنده کرد و نفسش را کشت تا آنجا که بدنش لاغر و باریک شد و دل سختش نرم و ملایم گردید. و نوری بسیار درخشان برایش بدرخشید و راه را برایش روشن کرد و در همان روشنایی راه حق را پیمود. منازل و عقبات را پشت سر گذاشت تا به در سلامت و منزل اقامت رسید. دو پایش در قرارگاه امن و آسایش استوار گردید به سبب چیزی که فکر و دل خود را به کار واداشت و بر اثر آنچه که پروردگار خود را راضی و خشنود کرد.

ص: ۶۲۷

۱- غررالحکم ص ۷۱۰

۲- نهج البلاغه خطبه ۲۱۰

وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَهُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَّقْبُولَةً لَّا تُوقِفُنَا بَعِيدَهَا عَلَي ذَنْبِ اجْتِرْحَانَاهُ، وَ لَّا مَعْصِيَةٍ يَهْ أَقْتَرَفْنَاهَا. وَ لَّا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَي رُءُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ. إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ (۱)

خدایا پایان آنچه دو فرشته نویسنده اعمال برایمان نوشته اند توبه قبول شده ثبت و ضبط فرما که اگر پس از آن لغزشی از ما سر زده باشد به حساب نیاوری و بازخواستمان نکنی.

الها روزی که به حساب بندگانت می رسی (ای ستارالعیوب) همان روزی که اخبار بندگانت را آشکار می سازی در مقابل چشمان مردمان اسرارمان را فاش مکن چرا که تو به آنکه می خواندت رحم می کنی و هر که را فریاد کنان صداقت می زند اجابت می نمایی چه بسیار افرادی که جوانی و میانسالی خوبی داشتند و عاقبت به خیر نشدند و نتوانستند بار ایمان و تقوا را به سلامت به سرانجام برسانند.

چه طلحه و زبیرها که ملازم رکاب رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم بودند و اظهار ارادت به خاندان آن بزرگوار داشتند ولی در اواخر عمر در مقابل وصلی همان پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم موضع گرفتند و با تاسف با کوله باری پر از نافرمانی پروردگار مردند.

یکی از درخواست های ما در زیارت ارزشمند عاشورا پایداری و ثبات قدم و ماندن به عقیده و اعتقاد به راه و هدف امام حسین علیه السلام است:

وَ تَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص: ۶۲۸

خدایا مرا در رایم ثابت قدم بدار که همچنان همراه امام حسین علیه السلام و اصحاب آن حضرت که خون قلبشان را در برابر حسین علی علیه السلام فدا کردند باقی بمانم.

اینکه تا آخر سستی و غفلت به سراغمان نیاید چیزی است که باید داریم و بی درنگ از خداوند مهربان بخواهیم و از هر صاحب نفسی درخواست کنیم که در حقیقت دعا کند که عاقبت ها به خیر و خوبی واقع شود.

روشن ترین نمونه شیطان است به گفته امیرالمومنین علی علیه السلام

كان عبدالله ستته ألف سنه (۱)

او شش هزار سال خدا را پرستش کرده بود که معلوم نیست آیا از سال های دنیا است یا از سال های آخرت.

با این اوصاف عاقبتش آن شد که برای اکثر مردم دنیا دارای هر مذهب و مرامی که باشند مشخص است.

نمونه دیگری قرآن مثال می زند شخصی بنام بلعم باعورا است که درباره اش می فرماید:

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحِمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَّةَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲)

ای رسول ما داستان آن کسی را که آیات ما برایش فرستاده شده و از آنها سرپیچی کرد و شیطان به دنبال او افتاد و از گمراهان شد برای آنها بخوان.

ص: ۶۲۹

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۹

۲- اعراف ۱۷۵ و ۱۷۶

اگر می‌خواستیم به وسیله آیات خود او را ترفیع مقام می‌دادیم و لکن او به پستی گرایید و از هوای نفس پیروی کرد مثل او مثل سگی است که اگر به او حمله کنی پارس می‌کند و اگر او را به حال خود گذاری نیز پارس می‌کند. این داستان همه کسانی است که آیات الهی را تکذیب کنند بنابراین تو این داستان‌ها را نقل کن شاید به فکر فرو روند.

حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام نقل کرد که خداوند تبارک و تعالی به بلعم بن باعورا اسم اعظم عطا فرمود و او هم با آن اسم خدا را می‌خواند و دعایس مستجاب می‌شد. همین شخص به دربار فرعون رفت در آن هنگام که فرعون در تعقیب حضرت موسی علیه السلام و یاران او بود فرعون به بلعم گفت خدا را بخوان که موسی و یارانش را زندانی ما قرار دهد بلعم باعورا هم پذیرفت سوار بر الاغش شد تا موسی علیه السلام را دستگیر کند. الاغش توقف کرده و از جایش حرکت نمی‌کرد بلعم الاغ را می‌زد که چرا حرکت نمی‌کنی خداوند قادر متعال لاغ را به زبان آورد و گفت وای بر تو چرا مرا می‌زنی؟ آیا اراده کرده‌ای با تو بیایم تا پیامبر خدا و مردم مومن را دستگیر کنی؟ بلعم هم عصبانی شد آنقدر الاغ را زد تا کشته شد. در این لحظه خداوند اسم اعظم را از بلعم باعورا گرفت (۱).

آری عاقبت بلعم آن شد که در آیات سوره مبارکه اعراف به آن اشاره رفت. مطمئن باشیم در هر عصری بلعم باعوراها هستند که اسم ایشان از زمره بندگان مخلص خدا خط می‌خورد چون گرفتار غرور علمی و یا ثروت و قدرت مادی خویش می‌شوند و پایان عمر با شقاوت می‌میرند.

این کلام مولایمان علی علیه السلام است:

فِيهَا حَسْرَةٌ عَلَيَّ كُلِّ ذِي عَفْلَةٍ أَنْ يَكُونَ عُمُرُهُ عَلَيْهِ حُجْبَةٌ وَإِنْ تَوَدَّ أَنْ يَأْتِيَهُ إِلَيَّ شُقُوءُهُ (۲)

ص: ۶۳۰

۱- تفسیر المیزان ج ۸ ص ۳۵۳

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۹۳

ای دریغا بر هر غافلی که عمرش بر ضد او حجت باشد و روزهایش او را به سوی بدبختی کشاند.

عقل و عاقل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِنْفِطَاعِي إِلَيْكَ..... وَرَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُحْتَاجِ إِلَى الْمُحْتَاجِ سَفَهُ مِنْ رَأْيِهِ وَ ضَلَّةٌ مِنْ عَقْلِهِ (۱)

پروردگارا با بریدن از خلق و اتکال بر تو خود را خالص کرده ام..... و دیدم درخواست از کسی که خود محتاج است سفاقت و کاری است غیر عقلانی.

بزرگترین نعمتی که خداوند به بشر عنایت کرده نعمت عقل است و از آن برتر استفاده و به کارگیری این نعمت است.

بسیاری از این نعمت خدادادی بهره مندند ولی در مقام احیاء و تربیت آن نیستند و اغلب شهوت و غضب و خواسته های نفسانی خود را اعمال می کنند و اجازه نمی دهند که عقل کار خود را انجام دهد.

کاربرد عقل و عقلانیت برای پیشرفت علم و دانش و سعادت دنیا و آخرت آنقدر وسیع و رفیع است که در وصف و شرح نمی گنجد.

امام حسن علیه السلام به دست آوردن دنیا و آخرت را به رهبری عقل می داند:

بِالْعَقْلِ تَدْرِكُ الدَّارَانَ جَمِيعًا وَ مِنْ حَرَمٍ مِنَ الْعَقْلِ حَرَمُهُمَا جَمِيعًا (۲)

با عقل است که هر دو جهان به دست می آید و هر که از به کارگیری عقل محروم باشد از هر دو جهان محروم است.

چون در بحث شرح موضوعی دعاها را ارزشمند صحیفه سجادیه علیه السلام هستیم خوب است عرض کنیم که برای بارور شدن عقل هایمان از دعا و تضرع به درگاه الهی نیز استفاده

ص: ۶۳۱

۱- دعای بیست و هشتم صحیفه

۲- کشف الغمه ج ۲ ص ۱۹۷

نماییم و جزو حاجات جدی ما باشد بعضی از افراد برای خواسته های مادی و زودگذر دنیا به هر نذر و نیازی چنگ می زنند و التماس می کنند ولی از تضرع و زاری به درگاه الهی برای رشد عقل و اندیشه خویش چیزی نمی گویند و انابه و التماس نمی کنند.

در دعای عالیۀ المضامین که انصافاً مضامین عالیۀ دارد و چیزی را فرو گذار نکرده و بعد از زیارت هر امام و معصومین علیهم السلام وارد است در پایان دعا عرض می کنیم:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كاملاً وَ نُبأً رَاجِحاً (۱) (خدایا عقل کامل و مغزی ممتاز روزیم کن)

امام کاظم علیه السلام چنین آموزش می دهد:

مَنْ أَرَادَ الْغِنَى بِالْمَالِ وَ رَاحَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْحَسَدِ وَ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَيَّ اللَّهُ عزوجل فِي مَسْأَلَتِهِ بِأَنْ يَكْمَلَ عَقْلَهُ (۲)

هر که خواهان توانگری بدون داشتن مال و ثروت و آسودگی دل از حسد ورزی و داشتن دین سالم است باید با تضرع از خدای عزوجل بخواهد که عقلش را کامل گرداند.

و امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُزِيلَ مِنْ عَبْدٍ نِعْمَةً كَانَ أَوَّلُ مَا يُعَيِّرُ مِنْهُ عَقْلَهُ (۳)

هرگاه خداوند بخواهد نعمتی را از بنده ای بگیرد نخستین چیزی که در او تغییر می دهد عقل اوست.

الها به درگاهت دعا می کنیم که نعمت عقل را از ما بگیر که ذلیل دنیا و آخرت خواهیم شد به بزرگی و بزرگواریت بر ما منت بگذار تا پایان عمر ما را بهره مند از این نعمت بزرگ بفرما. چون بدون عقل و عقلانیت موجودی بی خاصیت و باعث اذیت و آزار دیگران و اطرافیان خواهیم شد.

ص: ۶۳۲

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- کافی ج ۱ ص ۱۸

۳- اختصاص ص ۲۴۵

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام از جمله دعاهایی که زیاد می خواند همین بود که عرضه می داشت:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُصْبِحْ بِى مَيْتًا وَ لَمْ يَكُنْ لى عَرُوقِى بِسُوءٍ وَ لَمْ يُلْتَبَسْ عَقْلِى

حمد خدایی را که با عنایت او شب را به صبح رساندم در حالی که زنده و سلامت هستم نه رگ هایم دچار بیماری شده....
و عقل من سر جای خود هست.

بعد عرض می کند:

اللَّهُمَّ الْجُعْلِ نَفْسِى أَوْلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَرِعُهَا مِنْ كَرَامَتِى وَ أَوْلَ وَدِيعَةٍ تَزَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعْمِكَ عِنْدِى (۱)

پروردگارا اول کریمه ای که از من می گیری و اول امانتی از امانت هایت که نزد من است و بازش می ستانی جانم باشد.

یعنی گرفتار نقص عضو و از دست دادن حافظه و عقل نشوم که خوار و زبون خواهم شد.

برای رشد و تعالی عقل باید در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام شاگردی کرد و از آیات شریفه و منور قرآن کریم و گفتار عالی و پر فیض معصومین استفاده کرد. چنانکه در زیارت جامعه کبیره عرض می کنیم:

كَلَامِكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ فَعْلُكُمْ الْخَيْرُ

گفتار شما نورانی و فرمانتان باعث رشد و تعالی و رفتارتان سراسر خیر است.

ص: ۶۳۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَتِهِ، وَفَرَاغًا فِي زَهَادَتِهِ، وَعِلْمًا فِي اسْتِعْمَالِهِ (۱)

پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست سلامتی در حال انجام عبادت و فراغت و آسایش در عین زهد و ورزی و علم با عمل روزیم فرما.

اولین بحثی که درباره علم مطرح می شود ارزش و اهمیت آن و بعد عمل به دانستنی های خویش است.

چنانکه رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

مَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ وَعَمِلَ بِهِ نَجَا وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهُوَ حَظُّهُ (۲)

هر کس علم را فراگیرد و به آن عمل کند نجات خواهد یافت هر که هدفش از دنبال کردن علم و دانش دنیا باشد همان دنیا بهره اوست.

دانش پژوهان و طلاب علوم الهی از ارزش و مقام والایی برخوردارند و انسان ها به طور فطری برای دانایان و صاحبان علم و معرفت احترام قایلند در مکتب ما آنقدر برای اهل علم و طالبان آن منزلت هست که در تعبیر روایات بر بال فرشتگان گام می گذارند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ تَبَسُّطُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ أَجْنِحَتَهَا وَتَسْتَغْفِرُ لَهُ (۳)

فرشتگان برای طالب علم بال خود را می گسترانند و برایش از درگاه الهی طلب رحمت می نمایند.

مولایمان علی علیه السلام به کمیل فرمود ای کمیل علم و دانش بهتر است از ثروت علم تو را حراست میکند ولی تو باید از ثروت حراست نمایند ثروت با خرج کردن کم می شود.

ص: ۶۳۴

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- بحار ج ۲ ص ۳۴

۳- کنز العمال ۲۸۷۴۵

ولی علم با نشر و انفاق فزونی مییابد چیزی که با ثروت پرورش می یابد با از بین رفتن آن از دست می رود. (۱)

از فواید علم توقف نداشتن آن است چه بسیار علماء و دانشمندان که بیش از نیم قرن کار تحقیق و مطالعه داشته ولی هنوز اشباع نشده اند و همچنان مشتاق کشف و شهود بیشتر درباره علم هستند و این عطش تا پایان عمر با ایشان همراه است ظرف دل عالم از مطالب علمی پر شدنی نیست همان طور که ظرف دل جاهل از هوی و هوس و مال اندوزی و حرص به دنیا پر شدنی نیست.

چنانکه امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

مَنْهُوَ مَنْ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا (۲)

دو خورنده اند که هیچ وقت سیر نمی شوند یکی طالب علم و دیگری طالب دنیا.

و چه بهتر با این عمرهای کوتاه و فرصت های بسیار اندک به سراغ علم سودمند و نافع رفت و از فضولات و چیزهایی که فضل است و گره ای از آخرت باز نمی کند نرفت.

باز مولایمان علی علیه السلام فرمود:

خَيْرُ الْعِلْمِ مَا أَصْلَحَتْ بِهِ رَشَادِكَ وَ شَرُّهُ مَا أَفْسَدَتْ بِهِ مَعَادِكَ (۳)

بهترین دانش ها آنست که رشد و هدایت تو به آن اصلاح گردد و بدترین دانش آن است که آخرت را به آن تباه سازی.

آری تشنه علمی باشیم و در سر شور و عشق علمی را داشته باشیم که دنیا و بیشتر آخرتمان را آباد کند و بی شک قوام دین و دنیا وابسته به تحصیل علم و کوتاهی نکردن در فراگرفتن علوم است و هر چه سطح دانش انسان بالا رود و همراه تعالی علمی عمل به دانستنی ها باشد به طور قطع مدینه فاضله به وجود خواهد آمد زیرا که علم چراغ هدایت و باعث بقاء و حیات جامعه بشری است امکان ارتقاء و ترقی در شئون معنوی و

ص: ۶۳۵

۱- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۱۳۹

۲- حکم و مواعظ نهج البلاغه ۴۴۹

۳- غررالحکم ۵۰۲۳

مادی و روحی و جسمی و دینی و دنیوی وجود ندارد. مگر در پرتو علم و معرفت و آنگاه علمی به ثمر می نشیند که همراه با عمل باشد و در غیر اینصورت تصورات ذهنی و فقط دانستن کارساز نیست و سودی نخواهد داشت.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

أَنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا (۱)

هنگامی که عالم به علم خود عمل نکند موعظه او بر دل ها نمی نشیند و بجای نمی ماند همان طور که باران از روی سنگ های سخت می لغزد و فرو می ریزد.

پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود:

مَثَلُ الَّذِي يُعَلِّمُ الْخَيْرَ وَ لَا يُعْمَلُ بِهِ مَثَلُ السَّرَاجِ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَ يُحْرِقُ نَفْسَهُ (۲)

مثل عالمی که به مردم خیر و خوبی را تعلیم می دهد و خودش به آن عمل نمی کند همانند چراغی است که مردم را روشنی می کند و خود را می سوزاند.

نتیجه آنکه علماء باید اهل عمل باشند تا به درجات عالی معنوی و فردوس برین جای گیرند. این بزرگواران نباید تنها به گفتن تعالیم الهی اکتفا کنند بلکه باید خود عملاً گفته های خویش را به کار بندند و آنها را در کمال اخلاص انجام دهند. چرا که علم بدون عمل عواقب بسیار خطرناک در پی دارد.

همان بزرگوار فرمود:

مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ لَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ حَسَرَهُ اللَّهُ أَعْمَى (۳)

هر کس علم را به دیگران بیاموزد و خود بدان عمل نکند خداوند او را کور محشور خواهد کرد.

ص: ۶۳۶

۱- کافی ج ۱ ص ۹۵

۲- همان مدرک ص ۹۶

۳- بحار ج ۷۷ ص ۱۰۰

بله هر چه دانش و معرفت انسان بالا می رود باید مرتبه خوف و خشیت او نیز بالا رود.

خشیت برای عام شرط کمال علم آنان است.

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۱)

از بین بندگان الهی فقط علما خدا ترس و اهل خشیت هستند.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

مَنْ خَشِيَ اللَّهَ كَمَلِ عِلْمِهِ (۲)

هر کس از خدا بترسد عملش به کمال می رسد.

برای آزمایش خود بهتر است ببینیم علم چه اندازه ما را به مقام خشیت الهی رسانده است چون به گفته امام صادق علیه السلام:

الخشية مِيرَاثٌ وَ مَنْ حَرَّمَ الْخَشِيهَ لَا يَكُونُ عَالِمًا وَ إِنْ سُقِ الشَّعْرُ بِمِثَابِهَاتِ الْعِلْمِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِنََّّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (۳)

خوف و خشیت از پروردگار میراث علم است..... و هر که از خشیت محروم باشد عالم نیست اگر چه در اثر کنکاش و پژوهش شبهات علمی موهایش بریزد. خداوند عزوجل می فرماید از بین بندگان الهی فقط علماء خدا ترس و اهل خشیت هستند.

در پایان این بحث عرض می کنم که علم صحیح نزد عترت است زیرا که عترت راسخون در علم و اهل ذکرند و باید چیزهایی که نمی دانیم از مکتب آن بزرگواران بیاموزیم.

امام باقر علیه السلام می فرمود:

شَرْقًا وَ غَرْبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَاحِحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۴)

هیچ علم صحیحی را در شرق و غرب عالم یافت نمی کنی مگر آنکه از ناحیه ما اهل بیت است.

ص: ۶۳۷

۱- فاطر ۲۸

۲- غررالحکم ۷۸۶۸

۳- مصباح الشریعه ص ۳۶۵

این عبارات از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره امیرالمومنین علی علیه السلام است:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ كَفْتَاهُ أَنَا مَدِينَةُ الْفِقْهِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا (۱)

من شهر علم علی در آنست من خانه حکمتم و علی در آنست من ترازوی علم و علی دو کفه ترازوست من شهر فقه هستم و علی در آن است.

عمل و عامل

وَسَهْلٌ إِلَى بُلُوغِ رِضَاكَ سُبُلِي، وَحَسَنٌ فِي جَمِيعِ أحوَالِي عَمَلِي (۲)

خدایا راه هایم را برای رسیدن به خشنودی ات هموار کن و در جمیع حالات کردارم را نیکو گردان.

در ابتدای همین دعا عرض کرد:

وَبِعَمَلِي إِلَيَّ أَحْسَنَ الْأَعْمَالِ پروردگارا عملم را به بهترین اعمال منتهی گردان.

اعمال زیبایی و نیکویش گاه در شکل انجام آن است که باید رعایت آداب و قوانین آن شود و به طور صحیح و درست بجا آورده شود و از هر نوع نقص و عیب دور باشد و گاه عامل و بجا آورنده با اخلاص و با صفای باطن به اعمال زیبایی خاص می دهد.

امام سجاده علیه السلام در ابتدا و انتهای دعای بیستم صحیفه که معروف به دعای مکارم الاخلاق است درخواست زیباترین اعمال را از خداوند تبارک و تعالی دارد.

حسن عمل به اخلاص آن است چون بدون اخلاص نه تنها زیبا نیست بلکه مورد قبول حضرت حق قرار نخواهد گرفت.

وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا (۳)

و ما به کارهایی که انجام داده اند می پردازیم و آن را همچون غبار پراکنده در هوا می کنیم.

ص: ۶۳۸

۱- الغدير ج ۶ ص ۷۹ تا ۸۰

۲- دعای بیستم صحیفه

۳- فرقان ۲۳

سود و زیان برای اشخاص متفاوت است عده ای هستند که ضرر به استفاده آنها می خورد و گاهی اصلا سود نمی برند ولی گاهی بعضی ورشکست می شوند به این معنی که اصل سرمایه را از دست می دهند.

وَحَبِطْ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱)

و تبارہ شد آنچه پرداختند و باطل است آنچه می کردند.

خداوند تبارک و تعالی پس از بیان خلقت آسمان ها و زمین می فرماید:

لِيُنَبِّئُكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۲)

تا شما را امتحان کند که کدام یک بهترین کار را انجام می دهید.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه فرموده است

لَيْسَ يَغْنَى أَكْثَرَ عَمَلًا وَ إِنَّمَا الْأَصَابَةُ حَسْبِيهِ اللَّهُ وَ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَ الْحَسَنَةُ ثُمَّ قَالَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ الْخَالِصِ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ (۳)

منظور زیادی عمل نیست مراد عمل درست است همانا درستی عمل هم ترس از خدا و نیت درست و کار نیک است آنگاه فرمود برای انجام عملی انسان پایدار باشد تا عاقبت آن را خالص کند و این سخت تر از عمل است عمل خالص آن است که مایل نباشی که کاری که کرده ای هیچ کس غیر از خدا تو را مدح و ستایش کند.

اگر ما همه عزت و قدرت را در دست پرتوان الهی می دانیم چه حاجت که خود را متمسک به موجودات ضعیف این عالم کنیم سراغ هر که برویم و از هر کس مزد و پاداش بخواهیم خود محتاج است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۶۳۹

۱- هود ۱۶

۲- هود ۷

۳- کافی ج ۲ ص ۱۶

مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ عَزْوَاجِلَ وَ عَمِلَ لِلَّهِ وَ عَلَّمَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ عَظِيمًا (۱)

هر کس برای خدا دنبال دانش رود و برای خدا کار کند و به خاطر رضای خدا آموزش دهد با احترام خاصی به ملکوت آسمان ها دعوت خواهد شد.

و برعکس آنکه عمل را برای غیر خدا و خوشایند دیگران انجام می دهد مبتلا به نوعی از شرک شده است.

چنانکه امام باقر و امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه پایانی سوره کهف فرمودند:

فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

هر کس امید دارد به لقاء الله برسد باید عمل شایسته به جا آورد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

لَوْ أَنَّ عِبَادًا عَمِلَ عَمَلًا يَطْلُبُ بِهِ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ ثُمَّ أَدْخَلَ فِيهِ رِضًا أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ كَانِ مُشْرِكًا (۲)

هر بنده ای از بندگان خدا عملی را انجام دهد و ابتدا طالب رحمت خدا و آخرت باشد و سپس در کارش رضا و خواسته انسانی را دخالت بدهد او مشرک است.

البته منظور از مشرک در کلام این بزرگواران شرک خفی است که منافات با ایمان ندارد بلکه منافات با کمال ایمان دارد.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم فرمود اگر بر امت من چیزی از قرآن نازل نمی شد مگر آخرین آیه سوره مبارکه کهف امت را همان یک آیه کافی بود. (۳)

پس بهتر است که پاداش را فقط از خدا طلب کنیم که خود می فرماید:

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۴)

محققا پاداش آنها را بهتر از آنچه در دنیا عمل کرده اند خواهیم داد.

ص: ۶۴۰

۱- امالی طوسی ج ۱ ص ۴۶

۲- تفسیر المیزان ج ۳ ص ۴۳۹

۳- همان مدرک

۴- نحل ۹۷

این سخن اکثر انبیاء الهی بود که

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أُجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱)

برای پیغمبری از شما مردم مزدی نمی خواهم که مزد من جز به عهده پروردگار جهانیان نیست.

عبادت

اللَّهُمَّ وَتَّبْتُ فِي طَاعَتِكَ نَيْتِي، وَأَحْكَمَ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيْرَتِي (۲)

پروردگارا نیتم را در فرمانبری ات ثابت بدار و بصیرت و آگاهی ام را در عبادت استوار گردان.

عبادت وقتی همراه با آگاهی و معرفت انجام گیرد بالا- می رود و باعث نور و تعالی عابد می شود اگر نماز باشد از فحشا و منکرات باز می دارد و معراج و محل قرب عبد به مولا می شود و اگر روزه و حج باشد ثمره اش تقوا خواهد شد.

طبق بیان امام سجاد علیه السلام درک و فهم از حقیقت عبادت باعث استحکام و پایداری آن می گردد.

اهل معرفت خدا را از ترس آتش و شوق رسیدن به بهشت و نعمت های داخل آن عبادت نمی کنند که این نوع عبادت طبق بیان امیرالمومنین علی علیه السلام عبادت تاجرانه و داد و ستد است. در دنباله همان حدیث می فرماید:

إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَكَ عِبَادِهِ الْأَخْرَارَ (۳)

و گروهی برای سپاسگزاری خدا را عبادت کردند و این عبادت آزادگان است.

قصد همه وصل حور و خلد برین است***غایت مقصود ما نه آن و نه این است.

ص: ۶۴۱

۱- شعراء ۱۲۸

۲- دعای سی و یکم صحیفه

۳- نهج البلاغه حکم و مواظ ۲۳۷

همان طور که عابدان متفاوتند عبادت نیز انواعی دارد شاید بعضی فکر کنند که عبادت منحصر به نماز و روزه و حج و به طور کلی فروع دین است در حالی که هر کاری وقتی با قصد قربت و برای جلب رضایت پروردگار انجام گیرد عبادت است. اضافه بر اینکه در روایات به مصداق های عبادت اشاره شده است.

۱- اندیشیدن در ملکوت آسمان ها و زمین

۲- اندیشیدن در نعمت های خداوند

۳- عبادت ده قسمت است که نه قسمت آن در طلب روزی حلال است

۴- به نرمی سخن گفتن و سلام کردن به مردم عبادت است.

۵- نگاه مهربانانه به فرزند به پدر و مادر عبادت است.

۶- امام صادق علیه السلام فرمود: دوست داشتن ما خاندان برترین عبادت است. (۱)

۷- نگاه به صورت عالم و رهبر عادل و به برادر مومن عبادت است.

۸- حسن ظن به خداوند عبادت است

۹- آب دادن به مسلمانان کمک کردن به مردان عیالوار و عیب پوشی عبادت است.

۱۰- حضرت مسیح علیه السلام به مردی فرمود: چه کار می کنی؟ عرض کرد عبادت پیشه کرده ام فرمود پس چه کسی مخارج تو را تامین می کند؟ عرض کرد برادرم فرمود برادرت از تو عابدتر است. (۲)

نکته مهم در عبادت پس از اخلاص و قصد قربت الی الله حضور قلب و تمرکز است و حضور قلب و تمرکز در عبادت حاصل نمی شود جز آنکه هنگام عبادت خداوند را شاهد و ناظر بر عمل خویش ببینیم.

وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ (۳)

ص: ۶۴۲

۱- محاسن برقی ج ۱ ص ۲۴۷

۲- تنبیه الخواطر ج ۱ ص ۳۹

۳- یونس ۶۱

هیچ عملی نمی نکید جز این که وقتی دست به آن می زنید ما بر شما گواه و ناظریم

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أَعْبُدُ اللَّهَ كَمَا نَكَتَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ (۱)

خدا را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی زیرا اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

خلاصه آنکه برای نزدیک شدن به خداوند تبارک و تعالی بهترین وسیله عبادت است چنانکه مولایمان علی علیه السلام فرمود:

مَا تَقَرَّبَ مُتَقَرَّبٌ بِمِثْلِ عِبَادَةِ اللَّهِ (۲)

هیچ تقرب جوینده ای به چیزی چون عبادت خدا به او نزدیک نشد.

عبادت های واجب را در هر شرایطی که هستیم و به هر کیفیت باید انجام دهیم ولی درباره مستحبات حتما در حال نشاط و طراوت انجام دهیم.

امام سجاد علیه السلام در هنگام دعا عرض می کرد که اسالک من الشهاده أقسطها و من العباده أنشطها (۳)

خدایا از شهادت دادن عادلانه ترین آن را و از عبادت با نشاط ترینش را از تو مسئلت دارم.

بنابراین عبادات مستحب را نباید از روی کراهت و بی حالی بجا آورد وقتی دل اقبال ندارد و کسالت بر انسان عارض است نباید مستحبات و نافله ها را بر خود تحمیل کنیم.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

لَا تَكْرَهُوا إِلَيَّ أَنْفُسَكُمْ الْعِبَادَةَ (۴)

عبادت را به خویشتن تحمیل نکنید.

ص: ۶۴۳

۱- کنز العمل ۵۲۵۰

۲- غررالحکم ۹۴۹۰

۳- بحار ج ۹۴ ص ۱۵۵

۴- کافی ج ۲ ص ۸۶

و راه لذت بردن از عبادت و شوق پیدا کردن برای نوافل مخالفت با هوای نفس و ترک گناه است دلی را که محبت دنیا پر کرده و لبریز از علاقه به غیر خداست بی شک شیرینی و حلاوت عبادت را نخواهد چشید.

عترت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ (۱)

خدایا بر محمد و آل پاک و پاکیزه و برگزیده او درود فرست.

آل پاک و عترت طاهرين پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم انجبین انتخاب شده و مشخص هستند و غیر از ایشان کسی را شایسته این مقام نیست.

حدیث معروف ثقلین که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در روزهای آخر عمر خود فرمود: از حدود دو بیست نفر از علمای اهل تسنن نقل شده است. (۲)

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مِمَّا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهَا لَنْ يَفْتَرِقَهَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ (۳)

دو چیز سنگین بها را برای شما مردم می گذارم که اگر به آن دو تمسک نمایید بعد از من گمراه نخواهید شد. ۱- کتاب خدا
۲- عترتم اهل بیتم این دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد گردند.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام برای شناساندن عترت پیامبر و امامان راستین علیهم السلام می فرمود: مردم کجا می روید؟ چرا از حق منحرف می شوید؟ پرچم های حق برافراشته و نشانه های آن آشکار است با اینکه چراغ های هدایت روشنگر راهنم چون گمراهان به کجا می روید؟ چرا سرگردانید؟

ص: ۶۴۴

۱- دعای ششم صحیفه

۲- به نقل از کتاب عبقات الانوار میرحامد حسین

۳- بحار ج ۲ ص ۱۰۰

وَيَبْنِكُمْ عِثْرَهُ نَبِيِّكُمْ وَ هُمْ أَرْزَمُهُ الْحَقِّ وَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ أَلْسِنَةُ الصِّدْقِ فَأَنْزَلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ وَ رُدُّوهُمْ وَرُودَ الْهَيْمِ الْعِطَاشِ

در حالی که عترت پیامبر شما در میان شماست آنها زمامداران حق و یقینند و همانند تشنگانی که به سوی آب شتابانند به سویشان هجوم ببرید ای مردم این حقیقت را از خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم بیاموزید که فرمود:

إِنَّهُ يَمُوتُ مَنْ مَاتَ مِنَّا وَ لَيْسَ بِمَيِّتٍ وَ يَبْلَى مَنْ بَلَى مِنَّا وَ لَيْسَ بِبَالٍ (۱)

هر که از ما می میرد در حقیقت نمرده است و چیزی از ما کهنه نمی شود.

بر پدران و مادران گرامی فرض است که عواطف و اعتقادات فرزندان خویش را رهبری کنند و از همان کودکی مقام بلند و رفیع ولایت و عترت طاهره را به آنها بشناسانند و مهر و ولای آن بزرگواران را بر کام ایشان بچشانند. زیرا که محبت و اعتقاد و پیروی از عترت ریشه اصلی سعادت و کلیه نجات دو جهان است.

این پیام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به پدران و مادران است:

أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَيَّ ثَلَاثَ خِصَالٍ حُبُّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ عَلَيَّ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ (۲)

فرزندان خود را به سه چیز تادیب نمایید دوستی پیامبرتان دوستی اهل بیت بزرگوارش و تلاوت قرآن.

ابی ذرغفاری که آشکارا ولای علی علیه السلام را به مردم یادآوری می کرد پیرامون خانه های مردم مدینه به سان توفان می گشت و با صدای بلند بانگ می زد که:

أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَيَّ حُبُّ عَلِيٍّ وَ مِنْ أَبِي فَانظُرُوا فِي شَأْنِ أُمِّهِ (۳)

آیین زندگانی را براساس حب و دوستی علی علیه السلام به فرزندان خود تعلیم دهید آنکه از این کار خودداری ورزد درباره مادرش مطالعه به عمل آورد.

ص: ۶۴۵

۱- نهج البلاغه خطبه ۸۷

۲- ینابیع الموده ج ۲ ص ۱۲۸

۳- تاریخ شیعه ص ۴۸

یعنی حق دارید در طهارت مولد چنین فردی تردید نمایید.

مجالس و محافل ما باید به نقل مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم لاسلام زینت یابد چرا که هر چه خبر است در خانه محمد و آل علیهم السلام است.

امام صادق علیه السلام می فرمود: در مجالس و محافل ما می نشینید و گفت و گوی فضایل و مصایب ما را می نمایید؟ راوی می گوید آری فدایت شوم فرمود این مجالس مورد علاقه من است آن را اهمیت بدهید و امر ما را در آن محافل زنده کنید و اگر کسی در چنین مکان هایی یاد ما کند و یا دیگری یاد کند و او مستمع باشد و از دیدگانش به اندازه بال مگسی اشک جاری شود خداوند تبارک و تعالی گناهایش را می آمرزد. (۱)

ام سلمه می گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که فرمود:

هر وقت عده ای دور هم جمع شوند و از فضایل امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام سخن به میان آورند عده ای از فرشتگان آسمان پایین می آیند و مانند هاله ای از نور اطراف آنها را می گیرند وقتی ختم جلسه اعلام می گردد و افراد متفرق می شوند ملایکه به آسمان باز می گردند جمعی از فرشتگان با آنها برخورد می کنند و می گویند شما کجا بودید که چنین بوی خوشی از شما استشمام می شود ما که تا به حال از هیچ کس چنین عطری را استشمام نکرده ایم؟! ملایکه عروج کننده می گویند ما در مجلس گروهی بودیم که ذکر فضایل حضرت محمد و اهل بیت گرامش را می نمودند این بوی خوش در اثر مجالست با ایشان نصیب ما شده است. آنها درخواست می کنند که ما را نیز به محفل آنها ببرید؟ پاسخ می دهند که جلسه آنها پایان یافت و همگی متفرق شدند و هر کدام به خانه های خود رفتند.

می گویند پس حداقل ما را پایین ببرید تا با حضور در جایگاه آنها معطر شویم. (۲)

ص: ۶۴۶

۱- بحار ج ۳۸ ص ۱۹۹

۲- بحار ج ۳۸ ص ۹۳

محمد بن فضیل میگوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم مقصود از آیه چیست؟

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (۱)

بگو به کرم و رحمت خدا به همین شادمان باشید که از آنچه منکران جمع می آورند بهتر است.

فرمود منظور ولایت محمد و ال محمد علیهم السلام است که بهتر از آنچه را منکران از دنیای خویش جمع می آورند. (۲)

سرمایه ولایت عترت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آنقدر ارزشمند است که امام جعفر صادق علیه السلام درباره ولایت جد بزرگوارش امیرالمومنین علی علیه السلام چنین میفرماید:

وَلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَبُّ مِنْ وَلَادَتِي مِنْهُ لِأَنَّ وَلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ فَرَضُ وَوَلَادَتِي مِنْهُ فَضْلٌ (۳)

ولایت من نسبت به جدم علی بن ابیطالب علیه السلام نزد من محبوب تر از ولادت من از آن بزرگوار است به این دلیل که ولایت من نسبت به ایشان واجب است و ولادت من از ایشان فضیلت است.

ارادت به عترت طاهره رمز قبولی اعمال و راه نجات در جهان آخرت است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ وَلَمْ يَكُنْ يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَكَبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْخَرِهِ فِي النَّارِ (۴)

اگر بنده ای خداوند تبارک و تعالی را بین رکن و مقام هزار سال عبادت کند و بار دیگر هزار سال عبادت کند ولی ما اهل بیت را دوست نداشته باشد خداوند او را با صورت به آتش خواهد انداخت.

ص: ۶۴۷

۱- یونس ۵۸

۲- برهان ج ۲ ص ۱۸۸

۳- بحار ج ۲ ص ۲۸

۴- صراط مستقیم ج ۲ ص ۴۹

ز پیر عقل جوانی سوال کرد و چه گفت *** که ای ز نور تو روشن چراغ انسانی

به غیر حب علی طاعتی تواند بود *** که خلق را برهاند ز قید نیرانی

جواب داد که لا والله این سخن غلط است *** دو بیت بشنو از من اگر سخندانی

به حق قادر بی چون خدای سبحانی *** به حق جمله کروبیان روحانی

که دشمنان علی را نماز نیست درست *** اگر چه سینه اشتر کنند پیشانی

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاتَهُ وَصِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَاسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ (۱)

هر کس علی علیه السلام را دوست بدارد خداوند نماز و روزه و عبادتش را قبول می کند و دعایش را مستجاب می نماید.

عجب

وَ عِبْدَنِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدُ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ (۲)

بارالها مرا به عبادت و بندگی خودت وادارم کن و عبادتم را به وسیله عجب تباه مکن.

معمولاً عجب و خود بزرگ بینی به سراغ کسانی می آید که از علم و عبادت و کارهای خیر فراوان برخوردارند. و همین حالت باعث می شود که علمشان نور نمی شود عبادتشان معراج نمی گردد و کارهای خیرشان به تبریک و تحسین مردم پایان می پذیرد و در آخرت بدون مزد می ماند.

ص: ۶۴۸

۱- احقاق الحق ج ۷ ص ۱۶۱

۲- دعای بیست صحیفه

منظور امام سجاد علیه السلام از عبادت مطلق چیزهای ارزشمند است مثل علم و عبادت نماز و روزه و حج و خمس و زکات و جهاد و غیره و خدمات اجتماعی از هر کدامش که باشد با عجب فاسد خواهد شد.

عبادت آلوده به عجب روح ندارد و پوسته ای بیش نیست امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ أُعْجِبَ بِنَفْسِهِ وَ فَعَلَهُ فَقَدْ ضَلَّ عَنْ مَنَهْجِ الرُّشْدِ وَ ادَّعَى مَا لَيْسَ لَهُ (۱)

هر کسی نسبت به خود و عمل خویش گرفتار عجب شود از راه رشد و تعالی گمراه شده و چیزی را ادعا می کند که لایق آن نیست.

تعبیر حضرت مسیح علیه السلام این است:

كَمْ مِنْ سِرَاجٍ أَطْفَأَتْهُ الرِّيحُ وَ كَمْ مِنْ عَابِدٍ أَفْسَدَهُ الْعُجْبُ (۲)

بسا چراغی که باد آن را خاموش کرد و بسا عابدی که عجب تباهش ساخت.

و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ يَتَعَجَّبُ بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا هَلَكَ (۳)

هیچ بنده ای نیست که از کارهای خویش دچار غرور و خودپسندی شود مگر این که هلاک گردد.

درمان عجب به آن است که همه نعمت ها و توفیق ها را از خدا بدانیم و همیشه احساس ذلت و کم کاری در پیشگاه پروردگار کنیم.

وقتی امام باقر علیه السلام می فرماید:

سُدَّ سَبِيلَ الْعُجْبِ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ (۴)

راه عجب را با شناخت و آگاهی به نفس مسدود کن.

ص: ۶۴۹

۱- سفینه البحار ج ۲ ص ۱۶۱

۲- بحار ج ۷۲ ص ۳۲۲

۳- عده الداعی ص ۲۲۲

۴- تحف العقول ص ۲۸۵

یعنی وقتی به خویشتن عرفان پیدا کردی و فهمیدی که در ابعاد مادی هیچ نیستی حالت عجب و غرور را در خود خواهی شکست.

مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْعُجْبَ وَ أَوْلَاهُ نطفه مذره وَ آخِرِهِ جِيفه قَدَرِهِ وَ هُوَ بَيْنَ ذَلِكَ يُحْمَلُ الْعَذْرَه (۱)

آدمیزاد را چه به عجب؟ آغازش نطفه ای گندیده است و پایانش لاشه ای پلید و در این میان انبان نجاست است!؟

برای شکستن عجب بررسی روایاتی از آن قبیل لازم است که انسان منهای معنویت خالصانه و روح بالایی اش هیچ و هیچ است.

هر چه دارم از تو دارم خود چه دارم هیچ هیچ***نیستم من جز بدی مستغرق احسان تو

ما باید همیشه خود را عبد ذلیل و محتاج خدا بدانیم اگر چه عالم دهر و دارای تمام مواهب دنیا باشیم و یا در عبادت نمونه زیرا که هر چه هست از اوست.

بکوش ای دوست خدا را بنده باشی***به طوق بندگی زینده باشی

اگر طاعت تو را در زندگی هست***یقین دان بند ای ارزنده باشی

عمل معیار عشق لایزال است***و گرنه عاشقی شرمنده باشی

به طاعت می شوی محبوب الله***اگر دل را ز دنیا کنده باشی.

خداوند آن زمان یارت بگردد***ز خود بگذشته او را بنده باشی

گاهی خداوند مهربان برای آنکه ما گرفتار عجب نشویم مسایلی را برایمان پیش می آورد به عنوان مثال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از قول پروردگار متعال نقل می کند برخی از بندگان مومن من هستند که در عبادت می کوشند. از بستر خویش برمی خیزند و سر از بالین لذت بخش خود بر میدارند و در عبادت من می کوشند و خود را به رنج و زحمت

ص: ۶۵۰

می اندازند اما من از روی لطف و برای حفظ او یکی دو شب چرت را بر او غالب می سازم و در نتیجه خواب می ماند و صبح که برمیخیزد از دست خود عصبانی است و خویشتن را ملامت می کند. اگر جلو او را واگذارم که هرچه می خواهد مرا عبادت کند از اعمال خویش دچار خود بینی و غرور می شود و در نتیجه مهلکه ها به سراغش می آید بر اثر غرور شدن به اعمالش و از خود راضی گشتن خیال می کند که بالا دست عابدان شده و در عبادت خویش دیگر تقصیر نمی کند و به آن سبب از من دور می شود در حالی که می پندازد به من نزدیک شده است. (۱)

پس باید حالت تذلل ما بهر نحو ممکن در پیشگاه پروردگار حفظ شود بر همین اساس در دعای مورد بحث دعای مکارم الاخلاق امام سجاد علیه السلام عرض می کند:

وَلَا تَزْفَغِنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا

پروردگارا مرا در میان مردم به درجه ای بالا مبر مگر آنکه در پیش خودم به همان مقدار پائینم آری و برای من در ظاهر عزتی نیاور مگر آنکه به همان اندازه در درون خودم احساس ذلت و خواری کنم.

عذاب

وَتَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى، وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَأَشَقَى الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْمَأْتِ، وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَحُلُولِ الْعِقَابِ (۲)

الها به تو پناه می بریم از حسرت بزرگ و مصیبت کبری و بدبخت ترین نکبت ها و پایان بد و محروم ماندن از ثواب و وارد شدن عذاب و عقاب.

ص: ۶۵۱

۱- عده الداعی ص ۲۲۲

۲- دعای هشتم صحیفه

خداوند تبارک و تعالی با اینکه رحمتش بر غضبش غالب است و در صورت توبه بندگان گنهکار آمرزش را برایشان مقرر داشته در عین حال برای ستمگران و کوردلانی که نمی خواهند هدایت یابند وعده عذاب و عقاب داده است.

وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ (۱)

بعضی از مردم غیر از پروردگار بتها را انتخاب می کنند و آنها را همانند دوست داشتن خدا دوست می دارند و اهل ایمان خدا را بیشتر دوست دارند کاش آنان که ستم می کنند می دانستند که وقتی عذاب را مشاهده میکنند متوجه می شوند تمام قدرت ها در اختیار خداست و عذاب او بسیار است. در این هنگام رهبران باطل از پیروان خود بیزاری جویند و عذاب را می بینند در حالی که هرگونه وسیله از آنها قطع شده است و آنها از آتش دوزخ خارج خواهند شد.

برای رهایی از عذاب الهی باید از عواملی که قرآن وعده عذاب درباره آنها داده پرهیز کرد و همان طور پروردگار مهربان به ما آموخته به طور دایم از او بخواهیم که:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲)

پروردگارا در دنیا و در آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش حفظ فرما. کسانی که عذاب الهی شامل حالشان می شود عبارتند از:

۱- کافران، فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذَّبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا (۳)

۲- مردان و زنان منافق و مشرک وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ (۴)

ص: ۶۵۲

۱- بقره ۱۶۵ تا ۱۶۷

۲- بقره ۲۱۰

۳- آل عمران ۵۶

۴- فتح ۶

۳- کسانی مرتد در دین شوند گرفتار عذاب بزرگ می شوند. إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۱)

۴- کسانی که قرآن را انکار می کنند و یا آن را وحی نمی دانند و ساخته و پرداخته ذهن بشر می دانند. إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲)

۵- ستمگران و متجاوزین به حقوق مردم قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَهُ أَوْ جَهْرَهُ هِيلَ يُهْلِكُكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ (۳)
وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۴)

۶- منکران معاد و قیامت إِنَّ الَّذِينَ لَمَّا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ (۵)

۷- کسانی خدا و رسول او را اذیت کنند و یا طبق پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اذیت اهل بیت علیهم السلام که اذیت پیامبر است و اذیت پیامبر اذیت خداست هم سزاوار لعنتند و هم عذاب ذلت بار إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا (۶)

۸- کشتن مومن از روی عمد وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (۷)

۹- رباخواران الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا..... فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۸)

۱۰- کسانی که اموال یتیمان را می خورند و متجاوز به حقوق آنان هستند. إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (۹)

البته هم در آیات شریفه قرآن و هم در روایات به افراد دیگری وعده عذاب داده شده که باید در موقعیتی دیگر به طور مبسوط به آن پرداخت.

در اینجا عاجزانه از درگاه احدیت می خواهیم به همه ما توفیق عنایت کند تا در دنیا شرایطی به وجود آوریم که خداوند مهربان رحمتش را از ما دریغ نفرماید. و ما را گرفتار عذابش نکند.

ص: ۶۵۳

۱- غاشیه ۲۴

۲- بقره ۱۲۴

۳- انعام ۴۷

۴- فرقان ۳۷

۵- نمل ۵ و ۴

۶- احزاب ۵۷

٧- نساء ٩٣

٨- بقره ٢٧٥

٩- نساء ١٠

يا اِلَهِهِ وَسَيِّدِي وَرَبِّي، اُتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ اِلَهِهِ وَمَوْلَايَ اَتَسَلُّطُ النَّارِ عَلٰى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً،
يا اِلَهِهِ صَبْرَتُ عَلٰى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظْرِ اِلَى كِرَامَتِكَ اَمْ كَيْفَ اَسْكُنُ فِى النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا
رَبِّ، قُوَّ عَلٰى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاَشَدُّ عَلٰى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْجِدَّةَ فِى خَشْيَتِكَ . يَا سَرِيحَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ
اِلَّا الدُّعَاءَ فَانِّكَ فَعَالٌ لِّمَا يَشَاءُ (۱)

عفت و پاکدامنی

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَحَرَكَاتِ اَعْضَائِنَا وَ لَمَحَاتِ اَعْيُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ اَلْسِنَتِنَا فِى مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ
(۲)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و اسرار دل هایمان و حرکات اعضای بدنمان و نگاه های پنهانی دیدگانمان و سخنان
زبان هایمان را در چیزهایی قرار ده که موجبات ثواب تو را فراهم می آورد.

عفت و پاکدامنی مربوط به پاکی دل و حرکات اعضای بدنمان در پنهان و آشکار است انسان عقیف دقت دارد کاری نکند
که فکر گناه در سر وجودش تقویت شود و یا اعضاء و جوارحش آلوده به معصیت خدا گردد.

رتبه و مقام صاحب عفت و پاکی تا حدی است که مولایمان علی علیه السلام می فرماید:

مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ (۳)

ص: ۶۵۴

۱- دعای کمیل مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- دعای نهم صحیفه

۳- نهج البلاغه حکم و مواظ ۴۷۴

کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود اجرش بزرگتر از کسی نیست که بتواند گناه کند و عفت ورزد انسان پاکدامن نزدیک است که فرشته ای از فرشتگان خدا شود.

سرمایه عفاف چه برای زنان و چه مردان ارزشمندترین سرمایه است که اسلام برای تامین بهداشت روان جامعه حساسیت خاصی روی آن انجام داده و تاکید دارد که انواع لذت های جنسی چه دیداری و چه شنیداری به محیط خانوادگی اختصاص یابد و اجتماع از این مسایل کاملاً جدا باشد.

مردان و زنان فقط می توانند با همسران قانونی و شرعی خود ارتباط برقرار کنند و اینکه در خارج از کانون خانواده و محرم شرعی خود را کامیاب سازند حرام و ممنوع است.

شک نیست وقتی عفت جامعه با التهاب های جنسی و تقاضاهای شهری لکه دار شود دیگر نمی توان جلودار جوانان بود جوانانی که در بحران شهوت و شکوفایی سلسله غرائز خویش به سر می برند. همه می دانیم که روح انسان تحریک پذیر است و هیچ گاه از هوس سیر نمی شود بنابراین عواملی که باعث تحریک روح و دل می شود و افراد را به چشم چرانی وا میدارد باید از بین برود.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: هر مردی از همسر خود اطاعت نماید خداوند او را به صورت به آتش دوزخ می افکند. اصحاب پرسیدند چگونه اطاعتی است که موجب چنین عقابی است؟ فرمود زن از شوهر بخواهد برای رفتن به حمام ها (استخرهای امروزی) عروسی ها دید و بازدید عیدها حضور در مجالس سوگواری با پوشیدن لباس های نازک و بدن نما و شوهر نیز اجازه دهد. (۱)

نادیده گرفتن مسئله عفاف عواقب سوء برای فرد و جامعه دارد چنانکه شاهد و ناظر وقایع و حوادثی هستیم که همه روزه رو به افزایش است.

ص: ۶۵۵

امام و پیشوای اهل عفاف امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید شما قادر نیستید که مثل من زندگی ساده و بی آرایش داشته باشید که به دو لباس فرسوده و دو قرص نان اکتفا کنید اما بیایید من علی را به پارسایی و سخت کوشی و عفت و درستکاری یاری نمایید.

وَ لَكِنْ أَعْيُنِي بَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَفْوٍ وَ سَدَادٍ (۱)

مردانی که چشم چرانی می کنند و به نامحرمان گرایش دارند مطمئن باشند از باب تقاص روزگار روزی هم مردان چشم چران دیگری به ناموس خودشان نظر سوء پیدا خواهند کرد. پس غیرت به خرج دهند برای حفظ ناموس خود به زنان دیگران نظر شهوت و هوسرانی نداشته باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

عَفُوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّ نَسَاوَكُم (۲)

نسبت به زنان مردم عفت ورزید تا نسبت به زنان شما عفت ورزند.

جوانی به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: می شود که به من اجازه بدهی زنا کنم اصحاب بانگ بر وی زدند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

در روزگار داوود علیه السلام زنی بود که مردی نزد او می رفت و به زور از وی کام می گرفت خدای عزوجل در دل آن زن چنین افکند که به آن مرد بگوید هر بار که تو نزد من می آیی مردی هم به سراغ زن تو می رود آن مرد نزد زن خود رفت دید مردی پیش اوست او را نزد داوود علیه السلام آورد و گفت ای پیامبر خدا بلایی سر آمدم که بر سر احدی نیامده است به داوود علیه السلام از جانب پروردگار متعال وحی شد:

قُلْ لَهُ: كَمَا تَدِينُ تُدَانُ (۳)

به او بگو از هر دست بدهی به همان دست پس می گیری.

از مکافات عمل غافل مشو***گندم از گندم بروید جو ز جو

ص: ۶۵۶

۱- نهج البلاغه نامه ۴۵

۲- خصال ص ۵۵

۳- من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۲۱

شاید بعضی بگویند از مکافات عمل و تقاص که بگذریم حفظ عفاف چه چیزهایی را در بردارد انشعابات عفاف به قدری زیبا و جالب است که اگر شهوترانان و بوالهوس ها بدانند اکثرا عفاف را بر می گزینند و دست از بی بند و باری و ناهنجاری های جنسی برمیدارند. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أَمَّا الْعَفَافُ فَيَتَشَعَّبُ مِنْهُ الرِّضَا وَالْإِسْتِكَانَةُ وَالْحَيْظُ وَالرَّاحَةُ وَالتَّفَقُّدُ وَالْخُشُوعُ وَالتَّذَكُّرُ وَالتَّفَكُّرُ وَالْجُودُ وَالسَّخَاءُ فَهَذَا مَا يَتَشَعَّبُ لِلْعَاقِلِ بِعَفَافِهِ رَضِيَ بِاللَّهِ وَبِقَسَمِهِ (۱)

آن چه از عفت منشعب می شود خشنودی است و خضوع و بهره مندی و آسایش و تفقد و فروتنی و تذکر و تفکر و بخشندگی و سخاوت. اینها خصالی است که به سبب پارسایی خردمندی که از خدا و قسمت او خشنود است برایش حاصل می شود.

انسان عقیف و پاکدامن برایش حضور جمع و خلوت فرق نمی کند چون خدا را شاهد و ناظر اعمال خود می داند در جمع و تنهایی هر دو عفاف به خرج می دهد و دست از پا خطا نمی کند.

مولایمان علی علیه السلام هنگامی که محمد بن ابی بکر را به حکومت مصر گماشت به او چنین سفارش فرمود ای محمد بن ابی بکر بدان که بدترین عفت داشتن ورع در دین خداست و عمل به فرامین او و من تو را سفارش می کنم که در کار نهران و آشکار و درون و برون از خدا بترسی. (۲)

نظر پاک تواند رخ جانان دیدن***که در آینه نظر جز به صفا نتوان کرد.

مشکل عشق نه در حوصله دانش ماست***حال این نکته بدین فکر خطا نتوان کرد.

ص: ۶۵۷

۱- تحف العقول ص ۱۷

۲- بحار ج ۷۷ ص ۳۹۰

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ عَوْضِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ، وَ مِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتِكَ حَتَّى يَسِيَعَهُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ، وَ يُنْجُو كُلُّ مِنَّا بِمَنِّكَ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست..... و در عوض عفو و بخششی که من از مردم نمودم عفو و گذشت خودت را شامل حالم فرما و از دعایی که برای ایشان کردم رحمت را به من پاداش ده تا اینکه هر کدام از ما به فضل و کرمتم سعادت‌مند شده و به نعمت هایت رستگار گردیم.

الْعَفْوُ وَالْغُفُورُ، از اسماء حسنی است. خداوند عَفُوٌّ است یعنی گناهان را محو میکند اَلْغُفُورُ است یعنی گناهان را می پوشاند. تا زمانی که بندگان قصد افشاء و تظاهر ندارند زشتی‌ها و اعمال بد را فاش نمی کند.

فَأَوْلِيكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا (۲)

آنها را شاید خدا ببخشدشان که خدا بخشنده و آمرزنده است.

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ (۳)

ای خدایی که کارهای خوب را آشکار می کنی و کارهای زشت را می پوشانی.

در مناجات الراجین امام سجاد علیه السلام می خوانیم که:

إِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَيَّ ذَنْبِي وَ غَطَّاهُ (۴)

ای خدایی که هرگاه بنده ات علناً گناه کند بر گناهش پرده کشیده و می پوشانی. البته اگر از حد بگذرد رسوا کند.

لطف حق با تو مداراها کند***چون که از حد بگذرد رسوا کند.

ص: ۶۵۸

۱- دعای سی و نهم صحیفه

۲- نساء ۹۹

۳- مفاتیح الجنان محدث قمی

۴- همان مدرک

امام سجاد علیه السلام در دعای سی و نهم صحیفه صحبت از گذشت و عفو خداوند از لغزش های مردم مطلبی را بیان کرد حال بینیم که حظ ما از عفو و بخشش الهی نسبت به بندگان گنهکارش چقدر است آیا هنگام غیظ و عصبانیت خشم خود را فرو می بریم و یا در مقام تلافی و انتقام برمی آییم؟!

مولایمان علی علیه السلام می فرماید:

قُلُّهُ الْعَفْوُ أَقْبَحُ الْعُيُوبِ وَ التَّسْرُّعُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ (۱)

زشت ترین عیب ها کم گذشتی از لغزش مردم و بزرگترین گناهان شتاب کردن در انتقام است.

بعضی صفات است که از نظر ارزش و نقش در بخش فروعات است و خیلی مهم نیست ولی بعضی از صفات مثل عفو و بخشش جزو اصول و در متن قرار دارد. زیرا که بخشنده به اخلاق الهی و اولیای خدا همسو شده و عزیز پروردگار گشته است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يَعِزَّكُمْ اللَّهُ (۲)

بر شما باد به عفو و گذشت چرا که عفو سبب بالا رفتن شوکت و عزت انسان می شود بنابراین گذشت کنید تا خداوند شما را عزیز کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الْعَفْوُ عِنْدَ الْقَدْرَةِ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ وَ الْمُتَّقِينَ (۳)

عفو و گذشت در هنگام قدرت از سنن و روش پیامبران و پرهیزکاران است.

آری بخشش نگهبان آبروهاست. بخشش زکات پیروزی است پس بیاییم از کسانی که بر ما ظلمی روا داشته و نادم هستند صرف نظر کنیم و روح عفو و گذشت را در خویش تقویت نموده و از تقصیر این و آن در این دنیای فانی و زودگذر بگذریم که پس از

ص: ۶۵۹

۱- غررالحکم ۶۷۶۶

۲- کافی ج ۲ ص ۱۰۸

۳- سفینه البحار ۲ ص ۲۰۷

گذشت فرصت و پایان رسیدن عمر و بردن کینه ها و خصومت ها با خود دیگر دیر شده و حزن و اندوه بی فایده است.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ مُرَوِّتُنَا الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا (۱)

ما خانواده ای هستیم که خوی ما بخشش و عفو نمودن کسانی است که بر ما ظلم کرده اند.

امام سجاد علیه السلام فرمود: از پدرم حضرت حسین علیه السلام شنیدم که می فرمود: اگر کسی از سمت راست به من ناسزا بگوید و در سمت چپ برگردد و از من عذرخواهی کند من عذر او را می پذیرم و او را عفو می کنم چرا که امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام برایم حدیث کرد که از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیده که فرمود: از حوض کوثر نیاشامد کسی که عذر معذرت خواه را نمی پذیرد. (۲)

باز برگردیم به عفو و کرم پروردگار مهربان و نقل جمله از دعای چهل و یکم صحیفه که امام علیه السلام تقاضای پوشیدن گناهان را از ستارالعیوب دارد.

وَ لَمَّا تَكشِفُ مَسْتُورِي،..... وَ لَمَّا تُعْلِنُ عَلَي عِيُونِ الْمَلَأِ خَبْرِي شَرَّفَ دَرَجَتِي بِرِضْوَانِكَ، وَ أَكْمَلَ كَرَامَتِي بِعُفْوَانِكَ، وَ أَنْظَمَنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ، وَ وَجَّهَنِي فِي مَسَالِكِ الْأَمِينِ، وَ اجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ، وَ اعْمُرْ بِي مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

خدایا رازم را فاش مکن..... و وضع حالم را در برابر چشم بزرگان فاش مگردان. پروردگارا به رضای خویش رتبه ام را بالا بر و به مغفرت کرامتت را نسبت به من کمال بخش و مرا از یاران دست راست قرار ده و با بردن در گروه ایمن شدگان آبرویم بخش و از جمله رستگارانم کن و مجالس بندگان صالحت را به وسیله من آباد کن دعایم را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

ص: ۶۶۰

۱- وسایل الشیعه ج ۲ ص ۲۲۴

۲- احقاق الحق ج ۱۱ ص ۴۳۱

وَ اِهْدِنِي لِّلَّتِي هِيَ اَقْوَمُ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ اَسْلَمٌ (۱)

خدایا به آن چیزی که محکم تر است رهنمایی ام کن و به آنچه سالم تر است توفیق عمل کردن عنایت فرما.

عقاید و اعتقاداتی که برگرفته از قرآن و عترت باشد هی اقوم است و جزو محکم ترین عقاید است و اصولاً باید درس عقاید را از کسانی فرا گیریم که منطق و گفتارشان متأثر از کلمات کریمه الهی و سخنان نورانی اهل بیت علیهم السلام باشد. بنابراین آنهایی که حرف خودشان را می زنند و با افکار مشوش و پراکنده خویش می خواهند القاء عقیده کنند قابل قبول نیستند چون متصل به وحی و گفتار خداوند نمی باشند. چرا که خداوند تبارک و تعالی کامل ترین و جامع ترین سلسله عقاید را توسط پیامبرانش در اختیار بشر قرار داده است که سعادت و نیک بختی دنیا و آخرت انسان ها را تضمین می کنند.

مولایمان علی علیه السلام درباره اعتقاد و معرفت به پروردگار می فرماید:

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَشُقَّ اَبْدَاناً (۲)

هر که خدای سبحان را شناخت هرگز بدبخت نشد.

درست است که جمله ای کوتاه است اما شرح مبسوطی را در بردارد شناخت خدا منحصر به این نیست که ما خدا را خالق و یکتا بشناسیم شناخت خدا با تمام تبعات و لوازم آن که عبارت است از آنچه را که خداوند به عنوان اعتقادات برای بشر توسط وحی و کتب آسمانی نازل کرده مثل اعتقاد به عدل الهی به وجود انبیاء و کتب و آنها به وجود جانشینان ایشان و ائمه طاهرین علیهم السلام اعتقاد به قیامت و بهشت و جهنم و غیره.

در پرتو اعتقادات ناب و درست است که جامعه سامان می گیرد گناه کم می شود. جان و مال و ناموس مردم محفوظ می ماند عدالت اجتماعی به مرحله اجرا در می آید.

ص: ۶۶۱

۱- دعای چهاردهم صحیفه

۲- غررالحکم ۸۹۵۴

اعتقادات در مرحله نخست باید از خرافات و موهومات پاکیزه باشد به چیزی معتقد نباشیم که پایه و اساس ندارد.

یکی از کارهای مهمی که رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و اله وسلم انجام داد این بود که بساط خرافات و عقاید غلط را از بین مسلمین جمع کرد عقایدی که سال ها چون زنجیرهای سخت بر افکارشان حاکم بود مثل بت پرستی زنده به گور کردن دختران محروم بودن زنان از حق ارث فال بد زدن و غیره.

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (۱)

این پیامبر تکلیف سخت و زنجیرهای گران را از عقایدشان برمیدارد.

نقش عقاید اسلامی برای اصلاح جامعه در بیان امیرالمومنین علی علیه السلام فراوان دیده می شود امام علیه السلام تصویری از زمان قبل از اسلام نشان می دهد که نشانگر تاثیر اسلام و عقاید اسلامی بر روی مردم عصر جاهلیت است.

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَ آءِمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَ آءَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجْرَيْهِ خُشْنٌ وَ حَيَاتٍ صُمَّ تَشْرَبُونَ الْكَادِرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجَشِبَ وَ تَشْفِيكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقْطَعُونَ آءُرْحَامَكُمْ الْآءِصِيَانُ فَيَكُم مَنصُوبَةٌ وَ الْآثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ. (۲)

خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را فرستاد تا جهانیان را از خشم او بترساند و فرمان خدا را بدون هیچ کم و زیاد ابلاغ نماید و شما ای گروه عرب قبل از بعثت آن حضرت بدترین عقاید را داشتید و در بدترین جایگاه زندگی می کردید آب آشامیدنی شما لجن و تیره و غذایتان زبر و خشن بود. خون یکدیگر را می ریختید و با خویشاوندان قطع رابطه می کردید. بت ها را همه جا نصب کرده بودید و همه نوع خطا بین شما رواج داشت.

ص: ۶۶۲

۱- اعراف ۱۵۷

۲- نهج البلاغه خطبه ۲۶

در خطبه ای دیگر درباره نقش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم درباره اصلاح عقاید امت می فرماید:

عَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَعْوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ، بِقُرْآنٍ قَدْ بَيَّنَّهُ وَ آءِ حُكْمَهُ لِيُعَلِّمَ الْعِبَادَ رَبَّهُمْ إِذْ جَهِلُوهُ، وَ لِيُتَّقُوا بِهِ بَعْدَ إِذْ جَحَدُوهُ (۱)

خداوند تبارک و تعالی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به حق برانگیخت تا بندگانش را از عبادت و بندگی بت ها به عبادت باری تعالی وادار سازد. و از فرمانبری شیطان به فرمانبری از پروردگار ترغیب نماید.

و توسط قرآنی که معنای آن را روشن نمود و اساسش را محکم فرمود از مردم خواست تا به خدای خویش آگاه شوند در حالی که ناآگاه بودند و بالاخره به وجود حق تعالی اعتراف کنند.

ما نیز چون امام سجاد علیه السلام برای تقرب به پروردگار برخوردار از عقاید سالم و صحیح به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و جانشین آن بزرگوار امیرالمومنین علی علیه السلام متوسل می شویم.

اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيِّهِ الرَّفِيعِهِ، وَ الْعَلَوِيِّهِ الْبَيْضَاءِ، وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَ كَذَا (۲)

خدایا به وسیله حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم با آن مقام بلندش و به توسط نورانیت امیرالمومنین علی علیه السلام به درگاہت تقرب می جویم و به آن بزرگواران به سویت روی آورده تا مرا از شر آنچه از شر آن پناه می خواهد پناه دهی.

ص: ۶۶۳

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۴۷

۲- دعای چهل و نهم از صحیفه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَ سِنِّهِ الْعُقْلَةَ، وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةَ (۱)

خداوندا به تو پناه می بریم از خواب سنگین غفلت و خود را به زحمت و تکلف انداختن.

خواب های انسان ها محدود به چند ساعت است اما خواب غفلت آنچنان سنگین و طولانی است که گاه یک عمر انسان را در بر می گیرد وقتی بیدار می شود که کار از کار گذشته و راه بازگشت ندارد و اگر بگوید رَبِّ ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا خدایا مرا به دنیا برگردان شاید کاری خوبی انجام دهم پاسخ کَلَّا است یعنی حرف نزن که چنین چیزی ممکن نیست. (۲)

مگر ز مدت عمر آنچه مانده دریایی*** که آنچه رفت بهغفلت دگر نیاید باز

چنان مکن که به بیچارگی فرو مانی*** کنون که چاره بدست اندرست چاره بساز

ز عمرت آنچه به بازیچه رفت و ضایع شد*** گرت دریغ نیامد بقیت اندر باز

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (۳)

تو از امروز مرگ و برزخ و قیامت غافل بودی پس ما پرده ات را از برابرت کنار زدیم و امروز چشمانت تیزبین است.

وای از غفلت از خدا و مرگ و قیامت که سر لوحه همه بدی ها و گمراهی هاست آدم غافل در هنگام معصیت سرمست و خوشحال است نصیحت هیچ نصیحت کننده را نمی پذیرد ولی وقتی ناگهان در همان حال نعمت حیات را از او می گیرند از خواب سنگین غفلت بیدار می شود اما چه سود که دیر شده است.

ص: ۶۶۴

۱- دعای هشتم صحیفه

۲- مومنون ۹۹

۳- ق ۲۲

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ (۱)

وقتی نصایح ما را به فراموشی سپردند تمام درهای شادی و نعمت را به روی آنها گشودیم تا به نعمت هایی که به آنها داده شده خوشحال شدند ولی یکباره از آنها گرفتیم که نومید شدند.

کسانی که علاقمند هستند از خواب غفلت بیدار شوند باید خود را در معرض موعظه قرآن و محمد و آل محمد علیهم السلام قرار دهند و بدانند که گوش درب دل است و اگر گوش دل شنوای حقایق شد قطعاً نور بیداری در دل ایجاد می شود و مواعظ تاثیرش را می گذارد.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

فَاءَفِقْ أَعْيُنَهَا السَّامِعُ مِنْ سَكْرَتِكَ، وَاسْتَيْقِظْ مِنْ غَفْلَتِكَ، وَاخْتَصِرْ مِنْ عَجَلَتِكَ (۲)

ای شنونده از مستی خود به هوش آی و از خواب غفلت بیدار شود و از شتابت بکاه.

همان بزرگوار هنگامی که آیه شریفه يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ای انسان چه چیز تو را به پروردگار کریمت مغرور ساخته؟ فرمود: يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا جَرَّاءَكَ عَلَىٰ ذَنْبِكَ، وَمَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ، وَمَا آتَسَكَ بِهَلَكَةِ نَفْسِكَ؟ آءما مِنْ دَائِكَ بُلُولٌ، آءم لَيْسَ مِنْ نَوْمَتِكَ يَقْظَةٌ.....فَتَيَدَاوِ مِنْ دَاءِ الْفِتْرَةِ فِي قَلْبِكَ بِعَزِيمَةٍ، وَمِنْ كَرَى الْعَفْلَةِ فِي نَاظِرِكَ بِيقْظَةٍ، وَكُنْ لِلَّهِ مُطِيعًا، وَبِذِكْرِهٖ آنسًا (۳)

ای انسان درباره گناهت چه چیز به تو جرات داده؟ و چه چیز باعث شده که بر پروردگارت مغرور شوی؟ و چه چیز سبب شده که در نبود کردن خود مانوس شوی؟ آیا برای درد دارویی نیست؟ و آیا برای خواب غفلت بیداری وجود ندارد؟ پس درد دلت را با پایداری

ص: ۶۶۵

۱- انعام ۴۴

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۵۳

۳- نهج البلاغه خطبه ۲۱۴

در کسب معنویت و خواب غفلت دیده ات را با بیداری مداوا کن. مطیع پروردگار شو و با یادش مانوس باش.

همان بزرگوار می فرمود:

إِلَّا مُسْتَيِقِظٌ مِنْ غَفْلَتِهِ قَبْلَ نَفَادِ مُدَّتِهِ (۱)

آیا کسی هست که پیش از آن که عمرش به سر آید از خواب غفلت خویش بیدار شود؟

ای به غفلت گذرانیده همه عمر عزیز**تا چه بودی و چه کردی عملت کو و کدام

توشه آخرت چیست در این راه دراز**که تو را موی سفید از اجل آورد پیام

دل بر این گنبد گردنده خون خواره مبنده**که بسی همچو تو دیده است و ببیند ایام

وای اگر پرده بیفتد که بس خجالت و شرم**همه بر جای عرق خون دل آید ز مشام

فکر آن کن که نمانی ز سعادت محروم**کار خود ساز که اینجا دو سه روزیست مقام

پس از نشستن پای موعظه و استماع نصایح الهی و انبیاء علاج غفلت به نماز اول و حضور در مساجد است البته به شرط آنکه در مسجد حرف دنیا زده نشود و تمام تعینات وقت دنیوی تعطیل شود فقط و فقط یاد خدا و عبادت منظور نظر گردد. چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: در آخرالزمان بعضی از امت من به مساجد می روند و دور هم جمع می شوند ولی ورد و ذکرشان دنیا و علاقه به دنیاست شما با آنها همنشین نشوید و خداوند هم به آنها اعتنایی ندارد. (۲)

و بعد از موارد فوق رفتن به مزار درگذشتگان و حضور بر قبور مومنین و مومنات و یاد مرگ علاج دیگر بیرون آمدن از خواب غفلت است.

چنانکه مولایمان علی علیه السلام فرمود:

مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ قُلْتُ فِي الدُّنْيَا رَغَبْتُهُ (۳)

کسی که مرگ را بسیار یاد کند رغبتش به دنیا کم شود.

ص: ۶۶۶

۱- غررالحکم ۲۷۵۲

۲- بحار ج ۷۸ ص ۱۶۴

۳- غررالحکم ۸۷۶۶

أَوْ اغْتِيَابِ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ (۱)

خدایا غیبت کردن مومنی که غائب است یا دشنام مومنی که حاضر است و امثال اینها همه را مبدل کن به ذکر حمد و ستایش خودت.

در بخش دیگری در همین دعا عرض میکند:

وَ أَخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ

خدایا توفیقم ده هر کس غیبت مرا کرد او را به نیکی یاد کنم.

از روایات و بیان بزرگان استنباط می شود که پشت سر مومن عیب جویی کردن و مطالبی را گفتن که او راضی نیست غیبت محسوب می شود البته این موضوع به زبان اختصاص ندارد حتی با نقل حکایت و یا اشاره امکان غیبت هست.

وَ قَدَرَوِي أَنَّهُ دَخَلَتْ أَمْرَاهُ عَلَيَّ عَائِشَةَ فَلَمَّا وُلَّتْ أَوْ مَيَاتَ بِيَدِهَا أَنَّهَا قَصَّيْرُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَسَلَّمَ قَدْ اغْتَابَتْهَا (۲)

در روایت است که زنی بر عایشه وارد شد عایشه با دست اشاره به کوتاه قدی زن کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود به طور قطع غیبت او را کردی.

گاهی بعضی نام شخص غایب را می برند و مقداری از خوبی هایش را بیان می کنند بعد مثلا می گویند فقط آدم بخیلی است.

غیبت جزو گناهان کبیره و نهی شده شدید است و بالاترین مذمت را قرآن شریف درباره غیبت کننده کرده است.

وَلَا يَعْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ (۳)

ص: ۶۶۷

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- جامع السعادات ج ۲ ص ۳۰۶

۳- حجرات ۱۲

غیبت یکدیگر را نکنید آیا یکی از شما دوست می دارد که گوشت بدن مرده برادر دینی خود را بخورد؟ در حالی که از این کار نفرت دارید.

از مفاسد خانوادگی و اجتماعی غیبت همین بس که الفت و برادری و صمیمیت تبدیل به کینه و عداوت و خصومت می شود و خانواده ها و مردم جامعه به جان هم می افتند.

کسی توقع نداشته باشد با غیبت آبروی کسی را ببرد و شخصیت طرف را زیر سوال برد بعد هم با یکدیگر دوست و رفیق باشند قطعاً کدورت ها آغاز می شود و پایانش نزاع و درگیری است.

غیبت کننده دلش سیاه چهره اش تلخ و زبانش گزنده خواهد شد در آخرت هم شخص غیبت کننده با دست خالی در صحنه محشر حضور خواهد یافت.

در روز قیامت عده ای را در پیشگاه پروردگار حاضر می کنند در حلی که برای خود هیچ کار خوبی نمی یابند عرض می کنند.

إِلَهَنَا وَ سَيِّدَنَا مَا فَعَلْتَ حَسَنَاتِنَا فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اِكْلَيْتَهَا الْغَيْبَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ لِتَاكُلَ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَاكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ (۱)

ای خدای ما و آقای ما پس حسنات و کارهای خوب ما چه شد خطاب می رسد که غیبت آنها را بلعید زیرا که غیبت حسنات را می خورد همانند آنکه آتش هیزم را از بین می برد.

علت این همه پافشاری قرآن و عترت در مذمت غیبت به خاطر مفاسد فردی و اجتماعی آن است چون غیبت هدف بزرگ شارع مقدس اسلام که وحدت و الفت بین مسلمین است به هم می زند چون شرع مقدس خواسته است مردان و زنان با ایمان با دلی صاف و پاکیزه در صلح و صفا و فکر و روح آزاد با هم زندگی کنند.

ص: ۶۶۸

برای بر هم زدن مجلس غیبت نباید مستمع غیبت کننده شویم چون شریک جرم شده و باعث تشویق غیبت کننده خواهیم شد.

چنانکه امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

السَّامِعُ لِلْغَيْبِ أَحَدُ الْمُغْتَابِينَ (۱)

شنونده غیبت خود یکی از غیبت کنندگان به حساب می آید.

پس باید جلوی غیبت کننده ایستاد و مانع کارش شد شک نیست این حرکت بدون پاداش نمی ماند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضٍ أَخِيهِ بِالْغَيْبِ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يَرِدَ عَنْ عَرَضِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲)

هر کس که در پشت سر برادر ایمانی خود از او و آبروی او دفاع کند شایسته است که خداوند او را در روز قیامت از رسوایی نجات بخشد.

راه نجات از غیبت توجه به مفسد زندگی و اجتماعی و گرفتاری ها در آخرت است و کافی است غیبت کننده بداند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر کس غیبت یک مرد یا زن مسلمانی را کند خداوند چهل شبانه روز نماز و روزه او را قبول نمی کند مگر آنکه آن کسب را که غیبت او را کرده گذشت کند. (۳)

پس زبان را مراقبت کنیم با فکر و مطاعه حرف بزنیم که اگر حتی شبهه غیبت هست چیزی نگوییم که طبق بیان همان بزرگوار

نَجَاةُ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ (۴)

رستگاری مومن در محافظت از زبان اوست.

ص: ۶۶۹

۱- بحار ج ۱۵ ص ۱۷۹

۲- جامع السعادت ج ۲ ص ۳۰۸

۳- همان مدرک

۴- کافی ج ۲ ص ۱۱۴

وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ مِنْ سِيَّكَانٍ سِيمَاوَاتِكُمْ، وَ أَهْبِلِ الْأَمْيَانَةَ عَلَى رِسَالَتِكَ فَصَيَّلْ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرُّوحِيَّائِينَ وَ الْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ (۱)

درود بر سایر فرشتگانی که از نظر رتبه و مقام در رتبه پایین تر (ملائکه مقرب) هستند و سلام از قبیل ساکنین آسمان ها و آنهایی که در رساندن پیام هایت امانتدارند.... پس درود بر ایشان و بر روحانیین از فرشته هایت و آنهایی که نزد تو ارجمندند و امینان وحی ات و درود بر انواع فرشتگانی که برای خود اختصاص داده ای.

امام سجاد علیه السلام برای فرشتگان الهی دسته بندی جالبی کرده است و تقریباً از تمام گروه های آنان نام برده و بر همه طبقات آنها درود فرستاده و در پایان عرضه داشته است که:

اللَّهُمَّ وَإِذَا صَيَّلْتَ عَلَيَّ مَلَائِكَتَكَ وَ رَسَلْتَكَ وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَوَاتَنَا عَلَيْهِمْ فَصَيَّلْ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ انكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

پروردگارا هرگاه بر فرشتگان خویش درود فرستادی درود و سلام ما را نیز به آنها ابلاغ فرما و سپس به خاطر گفتار نیکی که عبارت بود از درود ملائکه بر ما نیز درود فرست که به تحقیق تو صاحب جود و کریمی.

آفرینش فرشتگان از نور است همان طور که آفرینش جنیان از شعله های آتش و آفرینش انسان از آب و گل می باشد.

اندازه فرشتگان متفاوت است بعضی از مگس هم کوچکترند و بعضی به وسعت آسمان ها و زمین.

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم فرمود:

خَلَقَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ مِنْ نُورٍ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَمَلَائِكَةً أَصْعَرُ مِنَ الذُّبَابِ (۱)

خداوند فرشتگان را از نور آفرید و برخی از آنان از مگس کوچکترند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَمَرَ اللَّهُ مِيكَائِيلَ بِالْهَبُوطِ إِلَى الدُّنْيَا صَارَتْ رِجْلُهُ الْيَمِينِي فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَالْآخِرَى فِي الْأَرْضِ السَّابِعَةِ (۲)

هرگاه خداوند به میکائیل فرمان دهد که به دنیا فرود آید پای راستش در آسمان هفتم قرار می گیرد و پای دیگرش در زمین هفتم.

از بین مخلوقات که خداوند تبارک و تعالی خلق فرموده بیشترین تعداد را فرشتگان تشکیل می دهند.

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم فرمود:

مَا مِنْ شَيْءٍ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ أَكْثَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ (۳)

از چیزهایی که خدا خلق کرده چیزی بیشتر از فرشتگان وجود ندارد.

آنچه از آیات کریمه قرآن درباره فرشتگان به صراحت دریافت می کنیم همان طور که امام سجاد علیه السلام در دعای سوم صحیفه به آن اشاره فرموده این است که فرشتگان در عین آن که بیشترین مخلوقات الهی را تشکیل می دهند از نظر رتبه متفاوتند بعضی مثل جبرئیل و میکائیل نامشان برده شده و بقیه با صفت و کاری که به عهده دارند نام برده شده اند مثل ملک الموت کرام الکاتبین السفره الکرام البرره و رقیب و عتید.

فرشتگان نافرمانی حق تعالی نمی کنند هر آنچه خداوند به آنها امر فرموده به اجرا در می آورند به همین دلیل مغلوب و مقهور موجودات دیگر از جمله انسان نمی شوند.

عده ای از فرشتگان نگهبان و حافظ اند.

ص: ۶۷۱

۱- کنز العمال ۱۵۱۵۶

۲- تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۰۶

۳- تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۰۶

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (۱)

قطعا بر شما نگهبانانی گماشته شده اند فرشتگان بزرگواری که نویسندگان اعمال شما هستند آنچه انجام می دهید می دانند.

امام صادق علیه السلام فرمود خداوند از سر لطف و رافت خود فرشتگان را بر بندگانش گماشته است تا شیطان های سرکش و حشرات موذی زمین و بسیاری از آفات و گزندهای دیگر را به اذن خدا به طوری که خودشان هم متوجه نشوند از ایشان دفع کنند تا آنگاه که فرمان خدای عزوجل در رسد.

خانه هایی که فرشتگان در آن وارد نمی شوند:

رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

إِنَّ جِبْرِيْلَ أَتَانِي فَقَالَ إِنَّا مَعْشَرَ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَ لَا تِمْتَالُ جَسَدٍ وَ لَا إِنَاءٌ يُبَالُ فِيهِ (۲)

جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت ما جماعت فرشتگان به خانه ای که در آن سگی یا پیکره ای و مجسمه ای و یا ظرف ادراری باشد وارد نمی شویم.

همان بزرگوار نیز فرمود جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت ای محمد چگونه فرشته نزد شما فرود آید در حالی که مسواک نمی زیند و با آب طهارت نمی گیرید و بند انگشتان خود را نمی شوئید؟ (۳)

در بیانی از امام صادق علیه السلام در توصیف فرشتگان آمده که:

أَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا يَأْكُلُونَ وَ لَا يَشْرَبُونَ وَ يَنْكحُونَ وَ إِنَّمَا يَعِيشُونَ بِنَسِيمِ الْعَرْشِ (۴)

فرشتگان نه می خورند و نه می آشامند و نه ازدواج می کنند بلکه از نسیم عرش زندگی می کنند.

ص: ۶۷۲

۱- انفطار ۱۰-۱۲

۲- بحار ج ۵۹ ص ۱۹۳

۳- نوادر الراوندی ص ۴۰

۴- تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۰۷

فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي، يَا إِلَهِي، بِرُشْدِهِ وَمَنْ أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ وَمَنْ أْبْعَدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ؟ (۱)

ای خدای من چه کسی از من در راه رشد و تعالی خویش نادانتر است؟ و چه کسی از من در بهره مند شدن از معنویات غافلتر می باشد؟ و چه کسی از من از اصلاح خویش دورتر است؟

تمام این اعترافات از امام نازنین و بزرگوار زین العابدین و سید الساجدین علیه السلام برای امثال بنده است و الا آن مظهر حقیقت هستی از این عبارات منزّه است امام علیه السلام به ما می آموزد که به خدای خویش عرض کنیم چه فرصت هایی را از دست داده ایم و چه حظ و بهره هایی که از آنها غافل بودیم و چه اوقات خوب و عالی برایمان پیش آمد اما برای اصلاح نفس و درون قدمی برنداشتیم.

اری فرصت‌ها همیشه به دست نمی آید کار این انسان به جایی می رسد که شکسته احوال می گردد و حتی اسم خود را هم فراموش می کند پس چرا حالا که نفس می کشیم و سلامتی برای رشد و تعالی خویش حرکتی نداشته باشیم؟

مَنْ يَرُدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۲)

بعضی را به پست ترین مراتب عمر انسان می رساند تا آنجا که تمام دانشی را که فرا گرفته فراموش می کنند خداوند آگاه و مقتدر است.

پس طبق بیان امیرالمومنین علی علیه السلام تا فرصت هست کاری بکنیم.

عِبَادَ اللَّهِ، أَلْمَانَ فَاَعْمَلُوا وَالْمَاءَ لُسْنُ مُطْلَقَهُ، وَالْأَيْدِي دَانُ صِيحِيحُهُ، وَالْأَعْضَاءُ لَدَنَّهُ، وَالْمُنْقَلَبُ فِسِيحُ، وَالْمَجَالُ عَرِيضُ، قَبْلَ إِزْهَاقِ الْفُوتِ، وَ حُلُولِ الْمَوْتِ، فَحَقِّقُوا عَلَيْكُمْ نُزُولَهُ، وَلَا تَنْتَظِرُوا قُدُومَهُ (۳)

ص: ۶۷۳

۱- دعای شانزدهم صحیفه

۲- نحل ۷۰

۳- نهج البلاغه خطبه ۱۸۷

ای بندگان خدا اکنون که زنده اید کاری بکنید در حالی که زبان ها گویاست و بدن ها سالم است و اعضاء و جوارح آماده خدمت و راه بازگشت و توبه باز و وقت و فرصت وسیع است قبل از آنکه عمر به پایان رسد و مرگ فرا رسد پس آمدن مرگ را جدی بگیرید و منتظر آمدن آن ننمایید.

فرصت جوانی فرصت سلامتی فرصت فراغت از جمله مصادیق بارز فرصت هاست تا طراوت جوانی هست تا نعمت سلامتی وجود دارد و تا گرفتار مشاغل دنیا و زن و فرزند و اطرافیان نشده ایم برای کسب علم و فهم حقایق عالم هستی باید بکوشیم که حسرت بعد از آن بی فایده است.

امام صادق علیه السلام می فرمود:

لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أُرَى الشَّيْبَ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا حَالَيْنِ إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَطَ فَإِنْ فَرَطَ ضَيَّعَ وَإِنْ ضَيَّعَ أَثِمَ وَإِنْ أَثِمَ سَكَنَ النَّارَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ (۱)

دوست ندارم جوان شما را جز در دو حال بینم دانشمند یا دانش آموز زیرا اگر چنین نباشد کوتاهی کرده چون کوتاهی کند ضایع گشته و چون ضایع گردد گنهکار باشد و چون گنهکار باشد سوگند به آن که محمد را به حق برانگیخت در آتش جای گیرد.

اصرار اهل بیت علیهم السلام بر استفاده از فرصت جوانی و فراغت موجود در آن سن به این دلیل است که اگر در سنین بالا فراغت هم باشد قدرت جسمانی و فکری رو به نقصان است و دیگر فرصت انجام کار نیست.

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ (۲)

هر که را عمر طولانی دادیم و پا به سن گذاشت در خلقت او کاستی ایجاد می کنیم آیا به عقل نمی آید؟!

ص: ۶۷۴

۱- امالی طوسی ص ۳۰۳

۲- یس ۶۸

تمام علماء و دانشمندانى كه به مدارج عاليه سلوك الی الله نایل آمدند جوانى خوبى داشتند در جوانى همراه با يك استاد خوب اخلاق و عرفان حركت كردند به خود زحمت و رياضت دادند و در تمام زمينه هاى معارف رشد و ترقى كردند.

مولایمان على عليه السلام مى فرمود:

إِعْلَمُ أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلِيَّةٍ لَمْ يَفْرُغْ صَاحِبُهَا فِيهَا قَطُّ سَاعَةً إِلَّا كَانَتْ فَرْغَتْهُ عَلَيْهِ حَسْرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱)

بدان كه دنيا سراى آزمائش و گرفتارى است كه آدمى هرگز در آن ساعتى آسوده و بيكار نشود مگر اينكه آن بيكارى در روز قيامت مايه اندوه و افسوس او گردد.

در استفاده كردن از فرصت جوانى براى انجام واجبات و مستحبات ثواب مضاعف وجود دارد ارزش جوان سحرخيز و اهل عبادت از پير و سالخورده بسيار بيشتر است.

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم مى فرمود:

فَضْلُ الشَّبَابِ الْعَابِدِ الَّذِي تَعَبَّدَ فِي صِبَاهُ عَلَى الشَّيْخِ الَّذِي تَعَبَّدَ بَعْدَ مَا كَبُرَتْ سِنُّهُ كَفَضْلِ الْمُرْسَلِينَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ (۲)

برترى جوان عبادت كننده كه در جوانى خود ره بندگى پيش گرفته بر پيرى كه در بزرگسالى به عبادت روى آورده همچون برترى فرستادگان الهى بر ديگر مردمان است.

در جاى ديگر فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يُفْنِي شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى (۳)

خداوند جوانى را كه فرصت جوانى خویش را در راه اطاعت خداى تعالى بگذارند دوست مى دارد.

ص: ۶۷۵

۱- نهج البلاغه نامه ۵۹

۲- كنز العمال ۱۰۱۸۵

۳- همان مدرک ۴۳۰۶۰

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ أَلْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَ فَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَ دَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ (۱)

حمد خدای را به خاطر آنچه از خود به ما شناسند و طریقه شکرگزاری اش را به ما الهام فرمود و درهای دانش و درک ربوبیتش را به روی ما گشود و ما را دلالت نمود که چگونه به وسیله اخلاص به مرتبه توحید و یگانگی حضرتش برسیم.

خداجویی و شناخت پروردگار بخش عمده اش فطری و الهامی است و از میان دلایل اثبات وجود صانع و مقام ربوبی بهترین آنها دلیل فطرت است.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲)

توجه خود را به این دین معتدل کن این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده تبدیلی در خلق خدا نیست این است دین استوار ولی بیشتر مردم نمی دانند.

راغب در مفردات می گوید:

فِطْرِهِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا فَاشاره مِنْهُ تَعَالَى إِلَى مَا فَطَرَ أَيْ أَبْدَعَ وَ رَكَزَ فِي النَّاسِ مَنْ مَعْرِفَتِهِ تَعَالَى

منظور از جمله این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده اشاره خداوند به خلقت انسان و توجه دادن حضرت اوست انسان را به شناخت خودش.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام

أَعْلَا وَ إِنَّهُ سَيَأْمُرُكُمْ بِسَبِيٍّ وَ الْبِرَاءَةِ مِنِّي فَأَعْمَا السَّبُّ فَسُبُّونِي ، فَإِنَّهُ لِي زَكَاةٌ وَ لَكُمْ نَجَاةٌ؛ وَ أَعْمَا الْبِرَاءَةُ فَلَا تَتَّبِعُوا مِنِّي فَإِنِّي وُلِدْتُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ سَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَ الْهَجْرَةِ (۳)

ص: ۶۷۶

۱- دعای اول صحیفه

۲- روم ۳۰

۳- نهج البلاغه خطبه ۵۷

آگاه باشید به زودی معاویه شما را به بیزاری و بدگویی من وادار می کند بدگویی را به هنگام اجبار دشمن اجازه می دهد که مایه بلندی درجات من و نجات شماست اما هرگز در دل از من بیزاری نجوید که من بر فطرت توحید تولد یافته ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم تر بوده ام.

خداوند تبارک و تعالی همه انسان ها را براساس فطرت خلق فرموده که همان خداجویی و معرفت پروردگار باشد طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این پدر و مادرها هستند که آنها را مسیر فطریشان خارج می کنند.

كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَيَّ الْفِطْرَةَ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ وَيُنَصِّرَانِهِ (۱)

هر مولودی با فطرت و معرفت خدایی متولد می شود که پدر و مادر او را به آیین یهودیت و نصرانیت بار می آورند.

از این روایت استنباط می شود که اساس اولیه پذیرش خدا و دین در فطرت نهفته است امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فطرت فرموده است

فَطَرَهُمْ عَلَيَّ التَّوْحِيدِ (۲) خداوند بشر را با فطرت خداپرستی آفریده.

همان طور که اشاره شده یکی از دلایل متقن و محکم شناخت خدای تبارک و تعالی فطرت است و روشن شد که این فطرت خدادادی را پدران و مادران می توانند شکوفا کنند و می توانند از مسیر توحید منحرف نمایند چون کودک وقتی متولد می شود صفحه دلش از هر علم و دانشی خالی است.

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا (۳)

خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج کرد در حالی که هیچ چیز نمی دانستید.

پاسخ امام صادق علیه السلام به مردی که از حضرت راهنمایی برای رسیدن به خدا و دریافت باطنی پروردگار داشت و مدعی بود که سرگردان است این بود:

ص: ۶۷۷

۱- بحار ج ۲ ص ۸۷

۲- همان مدرک

۳- نحل ۷۸

يَا عَبْدَ اللَّهِ هَلْ رَكِبْتَ سَفِينَةَ قَطٍّ؟ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ كَسَرَ بَكَ حَيْثُ لَاسْفِينَهُ تَنْجِيكَ وَلَا سَبَاحَهُ تَغْنِيكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ تَعَلَّقَ قَلْبُكَ هُنَالِكَ أَنْ شَيْئًا مِنَ الْأَشْيَاءِ قَادِرٌ عَلَيَّ أَنْ يَخْلُصَكَ مِنْ وَرَطَّتِكَ؟ قَالَ نَعَمْ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَلِكَ الشَّيْءُ هُوَ اللَّهُ الْقَادِرُ عَلَيَّ الْإِنِّجَاءِ حَيْثُ لَا مَنجِيَّ وَعَلَيَّ الْإِغَاثَةَ حَيْثُ لَا مَغِيثَ (١)

ای بنده خدا آیا تا به حال سوار کشتی شده ای؟ عرض کرد آری فرمود و آیا اتفاق افتاده که کشتی بشکند و آب داخل آن آید و کشتی دیگری برای نجات نباشد و شناگری هم نیست که تو را نجات دهد گفت چرا اتفاق افتاده فرمود آیا در آن لحظه دلت متوجه جایی شده که کسی هست تو را از این ورطه خطرناک نجات دهد؟ گفت آری

امام صادق علیه السلام فرمود همان نقطه امید تو خدای قادری است که در هنگامی که هیچ نجات دهنده ای نیست و زمانی هیچ یابوری وجود ندارد به کمک می آید

فطرت توحیدی نیاز به پرورش و تربیت دارد که بخش زیادش مربوط به همت خود انسان می شود که خود را با کلمات کریمه قرآن و روایات نورانی اهل بیت علیهم السلام مانوس کند تا عقل خامش بیدار گردد علم و ایمان سبب احیای فطرت و عقل می شوند شهوات جنسی و مالی و ریاست و جاه و مقام باعث نابودی فطرت و درون پاک اولیه انسان می گردند.

مولایمان علی علیه السلام درباره این قشر از جامعه فرمود:

قَدْ أَخْرَقَتْ الشَّهَوَاتِ عَقْلَهُ وَ إِمَاتَهُ قَلْبَهُ وَ أَوْلَهَتْ عَلَيْهَا نَفْسَهُ (٢)

تمایلات نفسانی و شهوات خرمن عقل وی را آتش زده اند و دلش را کشته اند و او را واله و شیفته نفس خود کرده اند.

ص: ۶۷۸

۱- معانی الاخبار ص ۴

۲- غررالحکم ص ۴۲۵

وَلَا أَفْتَقِرَنَّ وَ مِنْ عِنْدِكَ وَ سَعَى (۱)

خدایا فقیر نشوم با اینکه وسعت روزی ام از نزد توست.

فقر و نداری گذشته از عوامل آن چیز خوبی نیست چه بسا افرادی در این آزمایش رد می شوند و نمی توانند فشار تنگدستی را تحمل کنند.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره آثار بد فقر به فرزندش محمد حنفیه می فرماید:

يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ (۲)

ای فرزند من از فقر بر تو هراسناکم از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی و خشم بندگان می شود.

بخشی از فقر و نداری جزو مقدرات الهی و براساس خیر و مصلحت بنده است و قطعا اگر غیر آن باشد شخص کم ظرفیت سر به طغیان می زند و آنچه خداوند به او داده در راه غیرمشروع خرج خواهد کرد و باعث شقاوت و گرفتاری آخرتش خواهد شد.

أَوْلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳)

آیا نمی دانند که خدا به هر کسی خواهد وسعت روزی دهد و هر کسی را خواهد در تنگنا قرار می دهد که البته در این کار برای اهل ایمان نشانه هایی است.

واقع مسئله آن است که هر دو قشر جامعه چه آنهایی که وسعت روزی دارند و چه آنانی که در تنگنا هستند امتحان می شوند و امتحان هر کدام مناسب با وضع خودشان است. مولایمان علی علیه السلام تفسیر زیبایی از فقر و غنا دارد خداوند روزی انسان ها را اندازه گیری و مقدر فرمود گاهی کم و زمانی زیاد و به تنگی و وسعت به گونه ای عادلانه

ص: ۶۷۹

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- نهج البلاغه حکم و مواعظ ۳۱۹

۳- زمر ۵۲

تقسیم کرد تا هر کس را که بخواهد با تنگی روزی یا وسعت آن بیازماید و با شکر و صبر و غنی و فقیر را مورد آزمایش قرار دهد پس روزی گسترده را با فقر و بیچارگی در آمیخت و تندرستی را با حوادث دردناک پیوند داد. (۱)

پس امتحان ثروتمند به شکر و سپاسگزاری از نعمت های الهی است و امتحان فقیر به صبر و شکیبایی است.

حالا داشتن ثروت بهتر است و یا نداشتن این را باید از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم پرسید که فرمود:

الْفَقْرُ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْغِنَى إِلَّا مَنْ حَمَلَ كَلًا أَوْ أُعْطِيَ فِي نَائِبِهِ (۲)

فقر برای مومن بهتر از توانگری است مگر کسی بار هزینه ای به دوش کشد یا در گرفتاری و مشکلات مردم کمک کند.

ثروت در صورتی خوب است که ثروتمند حق سائل و محروم و خمس و زکات و حقوق واجب و مستحب خود را پردازد در غیر اینصورت جز گرفتاری در دنیا و محاسبه سخت قیامت نتیجه ای نخواهد داشت.

علی علیه السلام فرمود:

ضَرَبَ الْفَقْرُ أَحْمَدَ مِنْ أَشْرِّ الْغِنَى (۳)

زیان فقر پسندیده تر از سرمستی توانگری است.

مطلب دیگری که لازم است ثروتمندان به آن دقت کنند این است که مبادا اولاً گرفتار عجب و غرور شوند چون إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَعَى أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى (۴) این انسان وقتی احساس بی نیازی می کند طغیان می کند و ثانیاً ثروت خود را به رخ مستمندان و فقرا نکشد که نزد خداوند تحقیر خواهند شد و خداوند تبارک و تعالی در قیامت به او اعتناء نخواهد کرد.

ص: ۶۸۰

۱- نهج البلاغه خطبه ۹۱

۲- کافی ج ۲ ص ۲۶۶

۳- غررالحکم ۵۹۰۴

۴- علق ۶

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أَلَا وَ مَنْ اسْتَحْفَ بِفَقِيرٍ مُسْلِمٍ فَقَدْ اسْتَحْفَ بِحَقِّ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَسْتَحْفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ مَنْ أَكْرَمَ فَقِيرًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ (۱)

بدانید هر کس مسلمان فقیری را خفیف شمارد در حق خدا خفت نشان داده است و خداوند در روز قیامت او را خفیف کند مگر این که توبه نماید و فرمود هر کس مسلمان فقیری را گرامی دارد روز قیامت در حالی خدا را دیدار کند که از او راضی است.

توجه به یک نکته مهم لازم است که فقیر بودن جبر نیست بلکه انسان می تواند با بعضی کارهای مثبت فقر را از بین ببرد و وضع مالی خوبی پیدا کند.

آنچه از روایات استناد می شود این است که عواملی برای از بین بردن فقر وجود دارد:

۱- صرفه جویی و قناعت

۲- صدقه و بخشش

۳- صله رحم و رسیدگی به ارحام

۴- ذکر مجرب و ارزشمند حوقله یعنی لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم را زیاد گفتن

۵- سحر خیزی و نماز شب و بیداری بین الطلوعین

و یا بعضی کارهاست که افراد اسباب فقر را برای خود فراهم می کنند:

۱- کسی که د م از نداری بزند نادار شود.

۲- هر پدری که فرزند خود را نفرین کند فقر را برایش به ارث می گذارد.

۳- کسی که روزی را از غیر خدا طلب کند فقیر می شود.

۴- صرفه جویی در حد بخل در معاش فقر می آورد.

ص: ۶۸۱

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خْتَمِ الْقُرْآنِ

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَ جَعَلْتَهُ مُهَيِّمًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ. وَ فَوْقَانَا فَرَّقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ، وَ قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ (۱)

پروردگارا در ختم قرآنی که آن را نور و روشنایی فرستادی کمک کردی و قرآن را بر هر کتابی که نازل فرمودی نگاهبان و بر هر سخنی که نقل کرده ای فضیلت داده ای و آن را جدا کننده حلال از حرمت قرار داده ای همان قرآنی که بیان کننده راه های احکامات می باشد.

قرآن کتابی است بیان کننده هر آنچه در دنیا و آخرت هست و هیچ گاه کجی و انحراف در آن مشاهده نشده و کسی را قدرت در تحریف آیات کریمه اش نبوده است در حالی که از روز نخست نزول مبارز طلبدیده که اگر می توانید سوره ای و یا آیه همانندش را بیاورید در حالی که عاجزید از مقابله با آن.

قرآن معجزه بزرگ پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و اله وسلم دارای ابعاد علمی و معرفتی و اجتماعی و غیره است که قلم ناتوان از بیان حقیقت آن است و ما را نسزد که در وصفش چیزی بگوییم قرآن را باید از زبان کسانی تعریف کرد که راسخون در علم و اهل ذکرند و در خانه آنان نازل شده است.

امام باقر علیه السلام می فرمود:

إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ (۲)

ص: ۶۸۲

۱- دعای چهل و دوم صحیفه

۲- کافی ج ۸ ص ۳۱۱

قرآن را در حقیقت کسی می شناسد که مخاطب آن بوده است.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام در توصیف عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

فَأَنْزَلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ (۱)

آن دودمان را در بهترین منزلگاه های قرآن فرود آورید.

نکاتی درباره قرآن و آنانی که با قرآن انس دارند قابل عنایت و دقت است که اگر رعایت شود قرآن برای دل ها نور و شفاء خواهد شد.

قرآن دان باید بیش از دیگران اهل خشوع و خضوع به درگاه الهی باشد یک روز پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بین مردم آمد و با صدای بلند فریاد زد ای قرآن دان آنگاه که هرزگان می خندند تو با گریه دیدگان خویش را سرمه کن و شب ها که خفتگان در خوابند تو برای عبادت برخیز و آن گاه که خورندگان می خورند تو روزه بدار و از کسی که به تو ستم کرده است درگذر و با کسی که به تو دشمنی و کینه می ورزد کینه موز و با کسی که نسبت به تو جاهلانه رفتار می کند جاهلانه رفتار مکن. (۲)

قرآن را با صدای خوش تلاوت کردن حلاوت و شکوهی به تلاوت می دهد امام صادق علیه السلام درباره صاحب صحیفه کامله سجاده صلوات الله علیه می فرماید:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ وَ كَانَ السَّقَاوُونَ يَمْرُونَ فَيَقْفُونَ بِبَابِهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا (۳)

علی بن الحسین صلوات الله علیه قرآن را از همه مردم خوشتر می خواند به طوری که وقتی سقاها از در خانه حضرت می گذشتند می ایستادند و به صدای قرآن خواندن ایشان گوش می کردند حضرت باقر علیه السلام نیز خوش آوازترین مردم بود.

ص: ۶۸۳

۱- نهج البلاغه خطبه ۸۷

۲- کنز العمال ۴۱۹۸

۳- کافی ج ۲ ص ۶۱۶

در آداب قرائت قرآن آمده که با دهان خوشبو و مسواک زده قرآن را تلاوت کنید زیرا که دهان ها گذرگاه قرآن است. (۱)

در ابتدا و شروع تلاوت اولین کلامتان پناه برده به خدا از وسوسه های شیطان باشد.

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۲)

هرگاه قرآن خواندی از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر.

خوب است که قرآن شمرده و واضح تلاوت شود و به بیان قرآن به سبک ترتیل خوانده شود. وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۳)

مولایمان علی علیه السلام درباره این آیه فرمود قرآن را واضح بخوان و مانند شعر به شتاب و بریده مخوان و چون ریگ پراکنده مساز بلکه دلهای سخت خود را به قرآن به بیم و هراس افکنید و تمام سعی شما این نباشد که سوره را به پایان برید.

(۴)

همان بزرگوار فرمود:

تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَ اغْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أَلْبَغُ الْعِبَرِ (۵)

در آیات قرآن تدبر کنید و از آن عبرت آموزید زیرا که قرآن رساترین پندها و عبرت هاست.

سعی کنیم شبانه روز چندین بار به قرآن مراجعه کنیم و اگر شده یک صفحه از آن تلاوت کنیم که نگاه به خطوط آن عبادت است.

بعد از تلاوت موضوع فهم قرآن مطرح است که آن در قالب ترجمه و تفسیر و تاویل امکان پذیر است.

در این مرحله باید با احتیاط حرکت کرد و حتما از رای شخصی استفاده نشود که امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ فَسَّرَ

الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَاصَابَ لَمْ يُوجَرْ وَإِنْ أَخْطَأَ كَانَ إِثْمُهُ عَلَيْهِ (۶)

ص: ۶۸۴

۱- کنز العمال ۲۷۵۲

۲- نحل ۹۸

۳- مزمل ۴

۴- کافی ج ۲ ص ۶۱۴

۵- غررالحکم ۴۴۹۳

۶- بحار ج ۹۲ ص ۱۰۷

کسی که قرآن را به رای خود تفسیر کند و تفسیرش درست باشد ماجور نیست و اگر نادرست باشد گناهِش به گردن اوست.

و چه بهتر که برای فهم قرآن به سراغ تفسیر و تاویل رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت بزرگوارش برویم که آنها همان طور که در ابتدای بحث عرض کردم مخاطب قرآن و شاهدان کتاب شریف هستند.

و بعد از فهم قرآن مهم عمل به دستورات و فرامین قرآن و پرهیز از منهیات و نواهی قرآن است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

أَنْتَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مَا نَهَاكَ فَإِذَا لَمْ يَنْهَكَ فَلَسْتَ تُقْرُوهُ (۱)

تو تا زمانی قرآن می خوانی که تو را از گناهان باز دارد پس اگر باز نداشت قرآن نخوانده ای کسی عمل کننده به قرآن نباشد چه بسا مورد لعنت و نفرین همان قرآن مجید قرار خواهد گرفت. همان بزرگوار فرمود:

رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ (۲)

ای بسا قرآن خوانی که قرآن لعنتش می کند.

در عبارت دعای امام سجاد علیه السلام داشتیم که پروردگار تو قرآن را جدا کننده حلال از حرامت و بیان کننده راه های احکامت قرار داده ای.

یعنی ای اهل قرآن و کسانی که قرآن را تلاوت می کنید مواظبت کنید که حلال و حرام قرآن و احکام شریفش را تا بلوی زندگی خویش قرار دهید و از آنچه را که قرآن بیان فرموده تجاوز نکنید که بی شک طبق بیان پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله وسلم مورد لعنت و نفرین همان قرآن قرار خواهید گرفت.

ص: ۶۸۵

۱- کنز العمال ۲۷۷۶

۲- بحار ج ۹۲ ص ۱۸۴

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ، وَ مَنَارًا فِي بِلَادِكَ

خدایا دینت را در هر زمان به توسط امامی که برای بندگانت علامت و در شهرها نشانه بوده اند بر پا داشتی.

بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ

بعد از آنکه دوستی آن امام را به دوستی خود پیوند زدی.

هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَ رَحْمَتَهُ وَ تَعَطُّفَهُ وَ تَحَنُّنَهُ، وَ اجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَ فِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَ إِلَى نُصْرَتِهِ وَ الْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ،
وَ إِلَيْكَ وَ إِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ (۱)

خدایا رافت و رحمت و لطف و مهربانی امامان را به ما ببخش و ما را جزء گوش فرادهندگان به فرامین و اطاعت کنندگان دستوراتش و کوشندگان در جلب رضایتش و سیر کنندگان به یاری اش و مدافعین از حضرتش قرار ده.

پروردگارا به سوی تو و به سوی پیامبرت روانه مان ساز و دوردت را بر او و الش فرست و بدین وسیله ما را جزء تقرب جویان و مقربین قرار ده.

نتیجه این بخش از دعای عرفه امام سجاد علیه السلام این شد که راه تقرب جستن به خداوند تبارک و تعالی عرض ادب به ساحت مقدس محمد و آل علیهم لاسلام و به ویژه به وجود نازنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است مسیری که ما را به قرب خدا می رساند مسیر معصومین و در هر عصری امام معصوم آن عصر است

در قرآن برای مقربین درگاه الهی حساب جداگانه ای باز شده است مردم در قیامت به سه گروه تقسیم می شوند دست راستی ها دست چپی ها و سبقت گیرندگان وضع دست

ص: ۶۸۶

چپی ها که مشخص است چون اهل عذابند و راه نجاتی ندارد و دست راستی ها اهل نجاتند ولی وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱) سبقت گیرندگان وضع بهتر دارند و آن تقرب به پروردگار متعال است و یا چشمه تسنیم بهشت خاص مقربون است عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲) و یا می فرماید فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ (۳) اگر او از مقربان الهی باشد در آرامش و راحتی و بهشت پرنعمت است.

در جی دیگر قرآن خداوند حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام را آبرومند در دنیا و آخرت و از مقربین برمی شمرد.

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴)

زمانی که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را به کلمه ای از خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربین است مژده می دهد

در دعای وارده بین اذان و اقامه که مرحوم سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه الوثقی رضوان الله تعالی علیه نقل می کند چنین عرض می کنیم:

بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْتَنْجِحُ وَآتَوَجَّهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

به نام خداوند آغاز می کنیم و به وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم به سوی خدا راه می یابیم و توجه می نمایم خداوند بر محمد و آل او درود فرست و مرا به توسط آن بزرگواران آبرومند در دنیا و آخرت و جزو مقربین در گاهت قرار ده.

ص: ۶۸۷

۱- واقعه ۱۱

۲- مطففین ۲۸

۳- واقعه ۸۸

۴- آل عمران ۴۵

باز رسیدیم به کلام امام سجاد علیه السلام که در راه تقرب به حق تعالی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم و در هر عصری امام معصوم آن عصر است.

پس بیاییم با واسطه فیض که از مبدا فیاض الهی کسب فیض می کند مدد جویم تا از ما دستگیری کند و دعایش بدرقه راهمان شود و تا انشاء الله جزو مقربین الهی شویم.

بی شک این شکل تقرب حاصل نمی شود مگر با ایجاد سنخیت بین ما و ولی نعمتان صاحب الزمان ارواح العالمین له الفداء و ایجاد سنخیت به انجام فرایض و واجبات و ترک محرمات و منهیات است.

زمینه تقرب در طاعت الهی است اگر کسی فکر کند با نافرمانی از دستورات حق تعالی به جایی می رسد اشتباه محض است تاریخ را مطالعه کنید حالات بزرگان دین و خوبان را بخوانید و ببینید که چه کردند تا بنده مقرب الهی شدند در روایات راه های تقرب به خداوند متعال به شیوه های گوناگون بیان شده گاه خوش خوبی گاه حق گوئی گرچه به ضرر باشد و عمل به حق هر چند برخلاف میل باشد و گاه فروتنی و مصداق بارزش سر به خاک ساییدن.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَيَّ اللَّهُ وَهُوَ سَاجِدٌ (۱)

موقعی که بنده سر به خاک می ساید و در حالی سجد است نزدیکترین حالت با خدای خویش دارد.

و گاهی با انجام نوافل و مستحبات قرب به حق حاصل می شود به خصوص اگر در دل شب و هنگامه سحر باشد امام حسن عسگری علیه السلام می فرمود:

إِنَّ الْوُضُوءَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ سَفَرًا لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِأَمْتِطَاءِ اللَّيْلِ (۲)

رسیدن به خدای عزوجل سفری است که جز با نشستن بر مرکب شب پیموده نشود.

ص: ۶۸۸

۱- کنز العمال ۱۸۹۳۵

۲- بحار ج ۷۸ ص ۳۸۰

برای واصل شدن به حق تعالی راه دیگری هم وجود دارد و آن انقطاع از خلق است خلقی که با خداوند تبارک و تعالی ارتباط ندارد و از خدا بریده است ارتباط با او انسان را تاریک می کند و چه بسا باعث می شود مقدار قربی هم که برای بنده حاصل شده از دست برود و بر همین اساس است که در مناجات شعبانیه آمده که:

إِلَهِي هَبْ لِي كَمِيَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْزِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَيَّ مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ (۱)

الهی نعمت بریدن کامل از همه و روی کردن تمام به خودت را به من عطا کن و دیدگان دل های ما را به نور نگاهشان به تو روشن گردان تا دیدگان دل ها پرده های نور را از هم درند و به مرکز عظمت و بزرگی پیوندند.

باید دعا کرد باید التماس و الحاح نمود تا خداوند مهربان توفیق قرب و وصالش را عنایت کند اینکه عرض می کنم باید دعا کرد چون سیره اهل بیت علیهم السلام در این خصوص چنین بوده است.

امام سجاد علیه السلام در مناجاتش عرض می کند.

إِلَهِي فَاسْلُكْ بِنَا سُبُلَ الْوُصُولِ إِلَيْكَ وَ سَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلرُّفُودِ عَلَيْكَ (۲)

خدایا ما را در راه های رسیدن به خودت حرکت ده و برای وارد شدن بر خودت ما را در نزدیکترین راه ها پیش بر.

و یا عرضه می دارد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ يَخْدُونَ فِي قِصْدِكَ فَلَمْ يَنْكَلُوا وَ سَلَكُوا الطَّرِيقَ إِلَيْكَ فَلَمْ يَغْدُوا وَ اعْتَمَدُوا عَلَيْكَ فِي الْوُصُولِ حَتَّى وَصَلُوا (۳)

خدایا مرا از کسانی قرار ده که در راه ست منتهی به تو کوشیدند و عقب نشستند و راه رسیدن به تو را پیمودند و از آن منحرف نشدند و برای رسیدن به تو تکیه کردند تا آن که رسیدند.

ص: ۶۸۹

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- بحار ج ۹۴ ص ۱۴۷

۳- همان مدرک

وَالْقَوْلُ بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ (۱)

خدایا توفیقم ده به سخن گفتن به حق و راستی اگر چه گران و سخت باشد.

قضاوت وقتی به حق و درستی انجام گیرد شخص قاضی ماجور است ولی اگر به خاطر بعضی ملاحظات و مسامحه کاری ها و غیره از سخن گفتن به حق و راستی کوتاهی کند بی شک مواخذه خواهد شد.

پست قضاوت از حساس ترین پست ها در جامعه است یا کسی نباید بر این مسند بنشیند و اگر نشست حتی نگاه هایش را تقسیم کند و کاری که شائبه بی عدالتی دارد از او سر نزنند.

مولایمان علی علیه السلام به شریح قاضی فرمود:

قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا لَا يَجْلِسُهُ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ أَوْ شَقِيٌّ (۲)

ای شریح تو در جایی نشسته ای که جز پیامبری یا وصی پیامبری و یا شقاوتمندی در آن جا نمی نشیند.

یعنی اگر مسامحه کردی و حکم خلاف دادی شقی خواهی بود چنانکه دیدیم روزگار همین شخص به شقاوت شومی رسید که کشتن حضرت سید الشهداء علیه السلام را امضا کرد برای آنکه چون یزید لعنه الله علیه را از خود راضی کند.

مولایمان علی علیه السلام درباره قاضیان عادل چنین می فرماید:

أَفْضَلُ الْخَلْقِ أَفْضَاهُمْ بِالْحَقِّ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَيَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَقُولُهُمْ لِلصِّدْقِ (۳)

برترین مردم آنانی هستند که بهترین داوری را به حق انجام می دهند و محبوبترین آنان نزد خدای سبحان راستگوترین آنهاست.

و قرآن شریف درباره کسانی که داوری را براساس رای خود و غیر حکم خدا می کنند تعبیر کافر و ظالم و فاسق می فرماید.

ص: ۶۹۰

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- کافی ج ۷ ص ۴۰۶

۳- غررالحکم ۳۳۲۳

در سوره مائده آیه آیات ۴ و ۴۵ و ۴۷ چنین تعبیرها درباره آنان آمده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مِنْ حَكْمٍ فِي دِرْهَمَيْنِ بَعْدَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَقَدْ كَفَرَ وَمَنْ حَكَمَ فِي دِرْهَمَيْنِ فَأَخْطَأَ كَفَرَ (۱)

هر کس درباره دو درهم برخلاف آنچه خدا نازل کرده است داوری کند هر آینه کافر شده باشد و هر کس درباره دو درهم داوری کند و حکم خطا صادر کند کافر باشد.

البته کفر در اینجا ناشی از شرکت به خدا نیست ولی حکایت از شدت زشتی عمل می کند. همان طور که درباره ناسپاسی از نعمت هایی الهی تعبیر به کفر شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم هنگام عیادت از علی علیه السلام که درد چشم اذیت می شود فرمود ای علی زمانی که ملکوت الموت برای گرفتن جان آدم گنهکار فرود آید میله ای آتشین با خود می آورد و به وسیله آن جان او را می گیرد که دوزخ فریاد می کشد. علی علیه السلام راست نشست و عرض کرد: ای رسول خدا سخن خود را برایم تکرار کنید زیرا از شدت درد متوجه نشدم چه فرمودید. آیا این عذاب به کسی از شما هم می رسد؟ پیامبر فرمود:

نَعَمْ حَكَا مَا جَائِرِينَ وَ أَكَلَ مَا الْيَتِيمِ وَ شَاهِدُ الزُّورِ (۲)

آری قاضیان حق کش و ستمگر و خورنده مال یتیم و شهادت دهنده به دروغ

به راستی قاضی در اسلام باید چه ویژگی هایی داشته باشد آیا هر کسی شایسته این پست پرخطر هست؟ بهتر است از زبان مولایمان علی علیه السلام بشنویم.

آن بزرگوار در فرمان استانداری مصر به مالک اشتر می فرماید برای داوری میان مردم بهترین و برترین فردی را که به نظرت می رسد از میان رعیت انتخاب کن کسی که کارها بر او تنگ نیاید و از حل اختلاف در نماند و ستیزه گری طرفین دعوا او را به

ص: ۶۹۱

۱- تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۲۳

۲- التهذیب ج ۶ ص ۲۲۴

لجاجت و پافشاری در رای خویش و اندارد و در لغزش فرو نرود و هرگاه حقیقت را شناخت از بازگشت به حق استنکاف نکند و خویشتن را در پرتگاه طمع نشانند و به فهم سطحی قضایا بسنده نکند و دنبال فهم عمیق و دقیق آنها باشد در موارد شبهه ناک بیش از همه درنگ و احتیاز کند و بیش از همه دنبال حجت ها و دلایل باشد و از مراجعه داد خواهان کمتر به ستوه آید و در کشف حقیقت دعاوی از همه شکیباتر باشد و چون حقیقت روشن شد در صدور حکم از هر کس دیگر بیشتر قاطعیت نشان دهد. کسی باشد که مدح و ستایش او را فریفته و خودبین نسازد و تشویق و تحریک او را به سویی متمایل نسازد و البته چنین کسانی اندک شمارند. آن گاه خودت به کار قضاوت او بسیار رسیدگی کن. (۱)

در آداب قضاوت آمده که میان طرفین دعوا رعایت برابری در تمام زمینه ها بشود قاضی صدایش را از صدای طرفین دعوا بلند تر نکند و در هنگام قضاوت اظهار خستگی نکند پیش از شنیدن سخنان طرفین دعوا قضاوت نکند در حال خشم گرسنگی و تشنگی و خواب آلودگی قضاوت نکند. میزبان طرفین دعوا نشود.

ص: ۶۹۲

سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَ قَضَاؤُكَ حُكْمٌ، وَ إِرَادَتُكَ عَزْمٌ. سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ، وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ (۱)

پروردگارا منزهی تو گفتارت حکمت آمیز و قضاوتت قطعی و اراده ات قاطع است منزهی تو کسی نمی تواند اراده ات را برگرداند و چیزی از کلماتت را تغییر دهد.

خداوند تبارک و تعالی آفریدگان خود را براساس قضا و قدر می آفریند و در کارهایشان نیز قضا و قدری قرار می دهد یعنی قضای خدا در انجام کارهای خوب بندگانش به امر کردن به این کارهای خوب است و به نهی کردن از کارهای زشت می باشد و قدر الهی به آنچه هست که خود می کند یعنی به قرار دادن آن چیزها در جایگاه حق آنها و به کارهای بندگانش به آنچه درباره آنها امر و نهی فرموده است.

با تعریفی که درباره قضا و قدر کردیم فکر می کنم شبه جبر هم از بین برود و همه بدانیم که اراده ما برای رسیدن به خوبی ها و ترک بدی ها دخالت دارد همان طور که اراده پروردگار در دادن انرژی برای انجام کارها چه خوب و چه بد دخالت مستقیم دارد ولی طریقه مصرف انرژی خدا دادی با ماست که ما آن را در راه خیر مصرف کنیم و یا شر. به عنوان مثال نیرویی که خداوند در دست ما قرار داده می توانیم بر سر بچه یتیمی نوازش کنیم و یا سیلی بر گوش مظلومی بزنیم. قضای حتمی الهی دادن نیرو به ما بوده ولی نوع مصرفش به اراده ما انجام گرفته است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (۲)

در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا جَبْرَ وَ لَا تَفْوِیضَ وَ لَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ (۳)

ص: ۶۹۳

۱- دعای چهل و هفتم صحیفه

۲- رعد ۱۱

۳- بحار ج ۵ ص ۱۷

نه جبر است و نه واگذاری بلکه چیزی بین این دوست.

مفضل شاگرد امام صادق علیه السلام می گوید از امام علیه السلام معنای همین روایت را پرسیدم فرمود:

مَثَلُ ذَلِكَ رَجُلٌ رَأَيْتُهُ عَلَى مَعْصِيَةِ فَهَيْتُهُ فَلَمْ يَنْتِهِ فَتَرَكَتُهُ فَفَعَلَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةَ - فَلَيْسَ حَيْثُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْكَ فَتَرَكَتُهُ كُنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالْمَعْصِيَةِ (۱)

برای مثال مردی را می بینی که گناه می کند و تو او را از آن باز می داری اما نمی پذیری و تو به حال خود رهائش می کنی و او گناه خود را انجام می دهد پس چون او به نهی تو اعتنایی نکرده و در نتیجه به حال خود رهائش کرده ای نباید گفت که تو او را به گناه دستور داده ای.

در چند سطر قبل مثالی از نوع مصرف انرژی خدادادی صحبت کردیم حالا به این حدیث امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام توجه کنید:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا بَنَ آدَمَ بِمَشِيَّتِي كُنْتَ أَنْتَ الَّذِي تَشَاءُ لِنَفْسِكَ مَا تَشَاءُ وَ بِنِعْمَتِي أَدَّيْتُ إِلَيَّ فَرَائِضِي وَ بِقُدْرَتِي قَوَيْتَ عَلَيَّ مَعْصِيَتِي خَلَقْتِكَ سَمِيعاً بَصِيراً أَنَا أُولَى بِحَسَنَاتِكَ مِنْكَ وَ أَنْتَ أُولَى بِسَيِّئَاتِكَ مِنِّي (۲)

خداوند متعال فرمود زاده آدم با خواست من است که تو می خواهی و با نعمت من است که واجباتم را برای من انجام می دهی و با قدرت من است که بر نافرمانی و گناه من توانا گشتی. من تو را شنوا و بینا آفریدم من به نیکی هایت از تو سزاوارترم و تو به بدی هایت سزاوارتری تا من .

نتیجه آنکه هم جبری ها در اشتباهند که انسان را دخیل در کارهایش نمی دانند و هم قدری ها که می گویند خداوند گناه و یا کارهایی از نیت و عمل خود انسان سرچشمه می گیرد بر ما مقدر کرده است.

جالب است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

ص: ۶۹۴

۱- همان مدرک

۲- بحار ج ۵ ص ۵۹

يكون في آخر الزمان قوم يعملون المعاصي و يقولون إن الله قد قدرها عليهم الراد عليهم كشاهر سفيه في سبيل الله (١)

در آخر الزمان مردمی می آیند که گناه می کنند و می گویند خداوند گناه را بر آنان مقدر کرده است کسی که با سخنان آنان مبارزه کند همچون کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده باشد.

اهل ایمان بدانند که خداوند جز خیر برایشان نمی خواهد پس تن به قضا و قدر الهی بدهند گرچه سختی ها و ناملایمات را همراه داشته باشند.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم چنان خندید که دندان های آخرینش نمودار شد سپس فرمود آیا از من نمی پرسید که از چه می خندم؟ عرض کردند چرا ای رسول خدا فرمود از انسان مسلمان درشگفتم که هر چه خدای عزوجل برای او حکم و مقدر کند سرانجامش برای او خوب است. (٢)

در جای دیگر فرمود:

في كل قضاء الله عزوجل خيرة للمومن (٣)

در هر قضای خدای عزوجل برای مومن خیری است.

ص: ٦٩٥

١- همان مدرک ص ٤٧

٢- امالی صدوق ص ٤٣٩

٣- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ١ ص ١٤١

وَأَعْمَ أَبْصَارِ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتَكَ،وَأَجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَحَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا وَ لَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ (۱)

خدایا چشم دل‌مان را به آنچه خلاف رضایت می باشد آشنا و بینا کن.....الها اسرار دل هایمان و حرکات اعضای بدنمان و نگاه های پنهانی دیدگانمان و سخنان زبان هایمان را در چیزهایی قرار ده که موجبات ثواب تو را فراهم می آورد.

جوهر قلب انسان قابل ترقی و رشد به سوی کمال و مدارج بالای معنوی است انبیاء و اولیاء علیهم السلام آمدند تا دل ما را عرض رحمان کنند و چشم دل‌مان را به روی حقایق باز نمایند. چرا که قلب همان طور که معنایش دگرگونی قابل تحول و رشد است.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

الْقَلْبُ يُبْوَغُ الْحِكْمَةَ دَلَّ عَيْنَهُ حِكْمَةٌ اسْتَغْنَى الْقَلْبُ مُضْحَفُ الْبَصَرِ دَلَّ كِتَابٌ دِيدَهُ اسْتَغْنَى (۲)

دل در سایر اعضای بدن اثرگذار است اگر پاکیزه باشد چشم و گوش و زبان و سایر اعضای بدن در مسیر درست قرار گیرند و اگر ناپاک باشد بقیه اعضا را به ناپاکی می کشاند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

إِذَا طَابَ قَلْبُ الْمَرْءِ طَابَ جَسَدُهُ وَإِذَا خَبِثَ الْقَلْبُ خَبِثَ الْجَسَدُ (۳)

هرگاه دل انسان پاک شود بدنش نیز پاک گردد و هرگاه دلش ناپاک شود بدنش نیز ناپاک گردد یعنی اعمال و رفتارهای زشت از او سرزند.

دل بود پاینده تن گردد هلاک***دل سوی جانان رود تن سوی خاک

ص: ۶۹۶

۱- دعای نهم از صحیفه

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۴۶

۳- کنز العمال ۱۲۲۲

کار تن سهلست فکر دل کنید***نقش باطل را ز دل زایل کنید.

دل تواند ظرف و جایگاه خداوند تبارک و تعالی و گاه محل زاد و ولد شیطان گردد.

همان بزرگوار فرمود همانا خداوند متعال در زمین ظرف هایی دارد بدانید که آن ظرف ها همان دل هایند پس دوست داشتنی ترین دل ها نزد خداوند رقت آمیزترین و صافترین و سخت ترین آنهاست با رقت ترین آنها برای برادران و صافترین آنها از گناهان و سخت ترین آنها در راه خدا. (۱)

از راه دل سریع تر می توان به خدا رسید تا با ریاضت های جسمانی چه بسا افرادی که سال ها ریاضت می کشند تا بجایی برسند اما دل گرفتار عجب و حقد و حسادت و سایر رذایل است بی تردید با این اوصاف به جایی نخواهند رسید.

امام جواد علیه السلام می فرمود:

الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْقُلُوبِ أْبْلَغُ مِنْ إِتْعَابِ الْجَوَارِحِ بِالْأَعْمَالِ (۲)

ره سپردن به سوی خدای متعال با دل ها از به رنج افکندن اعضای بدن با اعمال رساننده تر است.

چه کنیم تا دل با صفایی داشته باشیم؟ بسیاری از کسانی که همه درهای امید را به روی خود نبسته اند و روزنه ای برای موفقیت خود باقی گذارده اند یکی از آرزوهایشان صفای دل است.

خوشا دلی که مدام از پی نظر نرود***بهر درش که بخوانند بی خبر نرود

دلا مباش چنین هرزه گرد و هر جایی***که هیچ کار پیشت بدین هنر نرود

سیاه نامه تر از خود کسی نمی بینم***چگونه قلمم دود دل بسر نرود.

حضرت مسیح علیه السلام می فرمود:

ص: ۶۹۷

۱- همان مدرک ۱۲۲۵

۲- الدرہ الباهره ص ۳۹

الْقُلُوبُ مَا لَمْ تَخْرِقْهَا الشَّهَوَاتُ وَ يُدْنِسُهَا الطَّمَعُ وَ يُقْسِمُهَا النَّعِيمُ فَسَوْفَ تَكُونُ أَوْعِيَةً لِلْحِكْمَةِ (۱)

دل ها اگر شهوت ها آنها را از هم ندرند و طمع آلودشان نسازد و نعمت و برخورداری آنها را سخت نگرداند به زودی ظرف های حکمت خواهند شد.

سلامت دل به رفع شبهات اعتقادی از دل است مبدا دل را رها کنیم و در مقام رفع شبهه برنیاییم که بسیار خطرناک است.

پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم در پاسخ به این پرسش که قلب سلیم چیست؟ فرمود.

دَيْنٌ بِلَا شَكٍّ وَ هَوِيٌّ وَ عَمَلٌ بِلَا سَمْعَةٍ وَ رِيَاءٍ (۲)

دینداری به دور از شبهه و شک و هوای نفس و عمل بدون شهرت طلبی و خودنمایی.

تطهیر دل نیز به برطرف کردن شهوات از آن است شهوت جنسی شهوت شهرت و مقام شهوت جمع کردن مال و ثروت چون اینها دل را اسیر و زبون می کنند پس اگر طالب دل پاکیزه ای هستیم طبق بیان مولایمان علی علیه السلام

طَهَّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنْ دَرَنِ السَّيِّئَاتِ تَضَاعَفُ لَكُمْ الْحَسَنَاتِ (۳)

دل های خود را از چرک گناهان پاک کنید تا حسنات شما دو چندان شود.

ص: ۶۹۸

۱- تحف العقول ص ۵۰۴

۲- مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۱۱۳

۳- غررالحکم ۶۰۲۱

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَجَّئِي بِالْكَفَايَةِ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و تاج کفایت و قناعت را بر سرم بگذار.

کسانی اهل کفایتند که قانع به داده های الهی می باشند در غیر اینصورت آدم های حریص به مال دنیا هیچ گاه روزی خود را کافی نمی دانند همچنان دنبال تکاثر اموال و زیاد کردن ثروتند.

مولایمان علی علیه السلام وقتی یادی از خباب بن ارت می کند او را به صفت فوق می ستاید. خباب بن ارت جزو بهترین یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود. که در جنگ بدر شرکت داشت او از دانشمندان مهاجرین و سبقت گیرندگان در اسلام است. امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

السَّبَّاقِ خُمُسَهُ فَأَنَا سَابِقُ الْعَرَبِ وَ سَلْمَانَ سَابِقُ فَارِسَ وَ صَهَيْبُ سَابِقُ الرُّومِ وَ بِلَالُ سَابِقُ الْحَبَشِ وَ خَبَابُ سَابِقُ النَّبِطِ (۲)

سبقت گیرندگان در اسلام پنج نفرند من در میان اعراب سلمان از فارس صهیب از روم بلال از حبشه و خباب از شهر نبط و ظاهرا نبط همان نبطیه فعلی در جنوب لبنان است.

اما توصیف علی علیه السلام از این مردم باایمان

يَرْحَمُ اللَّهُ خَبَابَ بْنِ الْأَرْتِّ فَلَقَدْ أَشِيلَمَ رَاغِبًا وَ هَاجَرَ طَائِعًا وَ قَنِعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ وَ عَاشَ مُجَاهِدًا طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَ عَمِلَ لِلْحِسَابِ وَ قَنِعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ (۳)

خداوند رحمت کند خباب بن ارت را که به تحقیق از روی میل و رغبت اسلام را اختیار کرد و از روی اطلاعات و آگاهی هجرت نمود و به روزی مقرر الهی قناعت و اکتفا نمود و از خدا راضی بود و مجاهدانه زندگی کرد. خوشا به حال کسی که به یاد روز قیامت

ص: ۶۹۹

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- خصال صدوق ص ۳۱۶

۳- نهج البلاغه حکم و مواظ ۴۱

باشد و برای روز حساب کار کند و به اندازه روزی خود قناعت کند و از خدا راضی باشد.

مردمی که طالب آرامش و آسایش هستند و زندگی بی دغدغه را طالبند بهترین گزینه قناعت است به تفسیر این آیه از زبان امیرالمومنین علیه السلام توجه کنید.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً (۱)

هر کس از مرد یا زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا بجای آورد ما او را در زندگانی پاکیزه و راحتی قرار می دهیم.

قَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ فرمود منظور از حیات طيبة قناعت است. (۲)

چیزی که انسان را از پای در می آورد و او را گرفتار بسیاری از لغزش های اقتصادی می کند قانع نبودن به روزی موجود است اکثر کلاهبرداری ها و اختلاس و زورگیری ها و به طور کلی حرام خواری ها از حرص نشات می گیرد.

همان بزرگوار می فرمود:

اَنْتَقِمُ مِنْ حَرَصِكَ بِالْقُنُوعِ كَمَا تَنْتَقِمُ مِنْ عَدُوِّكَ بِالْقِصَاصِ (۳)

از حرص و ولع خود به وسیله قناعت انتقام بگیر به همان طریق که از دشمنت به توسط قصاص انتقام می گیری.

امام علیه السلام راه معالجه حرص را انتخاب ضدش می داند.

ذکر حق پاکست و چون پاکی رسد***رخت بر بندد برون آید پلید

می گریزد ضدها از ضدها***شب گریزد چون برافروز ضیاء

شخص قانع غیر از آرامش و راحتی روان از پاکیزگی و طهارت نفس برخوردار است باز مولایمان علی علیه السلام می فرماید:

ص: ۷۰۰

۱- نحل ۹۷

۲- همان مدرک ۲۲۹

۳- غررالحکم ۲۳۳۹

مَنْ قَبِعَتْ نَفْسُهُ أَعَانَتَهُ عَلَيَّ النَّزَاهَةَ وَالْعَفَافِ (۱)

هر که نفسش قانع باشد او را در پاکی و پرهیزکاری یاری رساند.

یکبار خداوند تبارک و تعالی به داوود پیامبر علیه السلام وحی کرد:

وَضَعْتَ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ (۲)

من توانگری را در قناعت نهاده ام اما مردم آن را در فراوانی مال می جویند از این رو نمی یابندش.

برگردیم به دعای امام سجاد علیه السلام وَ تَوَجَّيْنَا بِالْكَفَايَةِ خُدَايَا تَاجِ كِفَايَةِ رَأْسِ بَرِّ سَرْمِ بَگَازِ.

مردی به امام صادق علیه السلام شکوه کرد که طلب روزی می کند و به دست می آورد اما قانع نمی شود و نفسش بیشتر از آن از او می طلبد و عرض کرد مرا چیزی بیاموزید که مشکلم را حل کند حضرت فرمود اگر آن اندازه که کفایت می کند تو را بی نیاز سازد کمترین چیز دنیا بی نیازت می سازد و اگر آنچه تو را بس میکند بی نیازت نسازد همه دنیا هم تو را بی نیاز نمی گرداند. (۳)

از همان بزرگوار نقل شده که خداوند فرمود اگر برای آدمیزاد دو رودخانه طلا و نقره جریان یابد باز خواهان سومی است.

ای آدمیزاد شکم تو در حقیقت دریا و یا ذره ای است که آنها را چیزی جز خاک پر نمی کند. (۴)

چشم تنگ دنیا دوست را***یا قناعت پر کند یا خاک گور.

ص: ۷۰۱

۱- غررالحکم ۸۶۶۳

۲- بحار ج ۷۸ ص ۴۵۳

۳- کافی ج ۲ ص ۱۳۸

۴- من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۴۱۸

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ وَ مَيَّرَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ وَ خَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبْصِرًا لِيَتَّبِعُوا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ، وَ لِيَتَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ رِزْقِهِ، وَ يَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ، وَ دَرَكُ الْآجِلِ فِي أُخْرَاهُمْ (۱)

حمد خدایی را که به قدرتش شب و روز را خلق فرمود و آنها را از هم متمایز کرد و روز را برای آدم ها خلق کرد تا با چشمی بینا در طلب روزی و فضل پروردگار همت کنند و با گردش در زمین هم وسایل سودمند دنیایشان را به دست آورند و هم قدمی برای جهان آخرت بردارند.

کار و تلاش در حد معقول و پسندیده باعث رونق زندگی دنیا و درک نیک بختی جهان آخرت می شود انسان است و سعی و تلاش او

وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى (۲)

و نیست برای انسان جز آنچه را با سعی و عمل به دست می آورد و البته نتیجه سعی و تلاش او به زودی دیده خواهد شد آنگاه پاداش کامل به او خواهند داد.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ (۳)

هر که کارهای پسندیده انجام دهد و اهل ایمان باشد از سعی و تلاش او ناسپاسی نخواهد شد و کارهایش را می نویسیم.

بخش زیادی از فقر حاکم بر بعضی جوامع کنونی از نبود کار و یا تن ندادن به کار و تلاش است اسلام عزیز برای تشویق مردم به کار و کوشش فقر را مرگ سرخ و سبب

ص: ۷۰۲

۱- دعای ششم صحیفه

۲- النجم ۳۹ تا ۴۱

۳- انبیاء ۹۴

بسیاری از انحرافات اخلقى و عقیدتی می داند و اهل ایمان را از تن پروری و بیکاری بر حذر می دارد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلِمَةً عَلَيَّ النَّاسُ (۱)

از رحمت خدا دور است کسی که خود را سربار مردم نماید.

موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِعَ (۲)

خداوند با کسی که بیکار باشد دشمن است.

کسی که با زور بازو و عرق جبین و فکر و اندیشه کسب روزی می کند بالاترین لذت زندگی را می برد و برعکس زندگی نکبت بار از آن کسانی است که با تکدی گری ارتزاق می کنند عزت و ابروی خود را در معرض نابودی قرار داده و به این و آن روی می اندازند تا به آنها کمک مالی کنند در حالی که توانایی کار را دارند ولی گدایی و تن پروری ملکه و عادتشان شده است.

شرافت مومن در گرو بی نیاز از خلق خداست در بیانی همان امام همان علیه السلام می فرمود:

مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ لِيُعَوِّدَ بِهِ عَلَيَّ نَفْسَهُ وَ عِيَالِهِ كَانُ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۳)

کسی که روزی خویش را از راه حلال طلب کند تا به آن وسیله مخارج خویش و خانواده خود را اداره نماید مانند کسی است که در راه خدا جهاد نماید.

بعضی از مردم بنا بر اتکاء به پدر و مادر و اقوام دست به هیچ کاری نمی زنند و دوست دارند که دیگران آنها را اداره کنند در صورتی که ممکن است به طور موقت رفع احتیاج آنها را بنمایند اما در دراز مدت بی نیاز نخواهند شد.

در همین زمینه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مِنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُشْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ (۴)

ص: ۷۰۳

۱- فروع کافی ج ۱ ص ۳۴۷

۲- من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۵۷

۳- وسایل ج ۲ ص ۵۲۹

۴- مجمع البحرين

کسی که کاهل و بیکاره باشد شرافت فامیلی نمی تواند به او شخصیت دهد.

دو نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به محضر آن حضرت شرفیاب شدند در حالی که یک نفر را زیر بغل هایش را گرفته و در راه رفتن به او کمک می کردند.

پیامبر پرسیدند قضیه از چه قرار است؟ عرض کردند این مرد از کثرت نماز و روزه به این حال افتاده است رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود اگر او روز و شب مشغول است پس زن و فرزند او را چه کسی اداره می کند آن دو تن گفتند ما کارهای شخصی و را انجام می دهیم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: پس شما دو نفر از او عابدترید (۱)

یک بار همان بزرگوار با جمعی از اصحاب عبور می کردند ناگهان با مردی برخورد کردند که سخت مشغول کار بود اصحاب از جدیت و کوشش او به شگفت آمده متوجه رسول خدا شده گفتند ای رسول خدا چه خوب بود که این تلاش در راه عبادت پروردگار بود. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در پاسخ آنها فرمود اگر این شخص از خانه بیرون آمده است تا برای خانواده اش تامین معاش کند در راه خدا بوده و به منزله عبادت است و اگر در اداره کردن و کمک به والدین سالخورده اش کوشش می کند باز هم در راه خداست و اگر برای شخص خودش کار می کند آن نیز در راه خداست (۲)

ص: ۷۰۴

۱- محجه البیضاء ج ۳ ص ۱۴۰

۲- همان مدرک

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلَمْتُ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَ مِنْ ذِي فَاقِهِ سَأَلَنِي فَلَمْ أُوثِرْهُ، وَ مِنْ حَقِّ ذِي حَقِّ لَزِمَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُؤَخِّرْهُ (۱)

خداوندا از تو معذرت می خواهم از ظلمی که در برابر من بر مظلومی واقع شده و من ستمدیده را یاری نکرده ام..... و از گرفتار و بینوایی که از من کمک خواسته و من ترتیب اثر به خواسته اش نداده ام و از حق صاحب حق با ایمانی که بر من لازم بوده و آن را نداده ام

هر که مسئولیت و مدیریت کاری بر عهده ای گذاشته می شود قبل از هر چیز باید به داد مظلومان و محرومان و صاحبان حق برسد و نسبت به رسیدگی به وضعشان قصور نکند البته وجود نازنین امام سجاد علیه السلام خود منزله از این قصور است بلکه زبان حال کارگزاران حکومت اسلامی را بیان می کند.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام به عنوان رهبر جامعه و حکومت اسلامی بارها کارگزاران خود را مورد مواخذه و عتاب قرار می داد تا مبادا در مدیریت و مسئولیتی که بر عهده شان گذاشته شده کوتاهی کنند و در صورت اصلاح نشدن آنان را بر کنار می کرد.

در نامه ای به یکی از کارگزارانش بنام مصقله بن هبیره استاندار یکی از شهرهای فارس بود نوشت به من خبری رسیده که اگر آن را به جا آورده باشی خدای خود را به خشم آورده ای و امام و پیشوایت را غضبناک ساخته ای که تو اموال مسلمان ها را ک نیزه ها و اسب هایشان آن را گرد آورده و خون هاشان بر سر آن ریخته شده در بین عرب ها یخویشاوند خود که تو را انتخاب کرده اند قسمت می کنی.

قسم به پروردگاری که دانه را می شکافد و جاندار را آفریده اگر این خبر راست باشد خود را از چشم من انداخته ای و ارزش خویش را پایین آورده ای پس حق خدای خود

ص: ۷۰۵

را خوار مکن و دنیایت را با نابود کردن دینت آباد مگردان تا از جمله زیانکاران باشی. بدان که حق مسلمین از این غنیمت خواه آنها که نزد منند و خواه آنهايي که نزد تواند یکسان است پیش من برای گرفتن آن غنیمت می آیند و باز می گردند.

(۱)

مراقبت و حسابرسی رهبر جامعه اسلامی از مسئولین مملکتی یک تکلیف است و امیرالمومنین علی علیه السلام بدون هیچ ملاحظات سیاسی حرف خود را می زد و اگر لازم می شد با طرف خطاکار برخورد جدی می کرد.

وقتی یکی از کارگزاران خود را برای گرفتن زکات مامور می کند به او نصیحت می کند که در کارهای سری و اعمال پنهانی اش از خدا بترسد به گونه ای که باور داشته باشد که جز خدا شاهد و کفایت کننده ای وجود ندارد.

به او امر می کنم مردم را اذیت نکند و به آنها نسبت دروغ ندهد و به این جهت که بر آنها فرمان می دهد خود را بالاتر از ایشان نداند و تحقیرشان نکند چرا که ایشان برادران دینی و در کمک رساندن برای بدست آوردن حقوق مسلمین یاور هستند بدان که از این صدقه بهره ای معین و حقی اشکار برای تو هست و شریکانی داری از دردمندان و ضعیفان سخت فقیر. بنابراین ما حق تو را تمام و کمال می پردازیم و تو نیز حقوق ایشان را تمام و کمال بپرداز. و اگر کوتاهی کنی در روز قیامت تو از همه مردم بیشتر دشمن خواهی داشت و بدا به حال کسی که نزد پروردگار دشمنانش فقرا و بینوایان و مستمندانی که دیگران به آنها کمک نمی کنند و آنان را از خود می رانند و قرض داران و ابن السبیل ها باشند بزرگترین خیانت خیانت به امت و زشت ترین نیرنگ نیرنگ زدن به پیشوایان دین است. والسلام (۲)

ص: ۷۰۶

۱- نهج البلاغه نامه ۴۳

۲- نهج البلاغه نامه ۲۶

و در نامه ای به زیاد بن امیه هنگامی که در حکومت بصره قائم مقام عبدالله بن عباس بود و عبدالله بن عباس از جانب امیرالمومنین علی علیه السلام بر بصره و شهرهای اهواز و فارس و کرمان حکومت می کرد.

وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لئن بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ ثَقِيلَ الظَّهْرِ ضَبِيلَ الْأَمْرِ. وَالسَّلَامُ (۱)

و من به خدا سوگند می خورم سوگندی از روی صداقت که اگر به من خبر رسد که تو در بیت المال مسلمین کم یا زیاد خیانت کرده ای چنان بر تو سخت می گیرم که چیزی از مال دنیا در اختیارات نباشد و درمانده و خوار و پریشان احوال گردی و سلام بر آنکه شایسته سلام است.

امام سجاد علیه السلام از کوتاهی در حق مظلومین جامعه سخن به میان آورد جد بزرگوارش در نامه و منشور بین المللی اش به مالک اشتر سه بار سفارش طبقه محروم جامعه را می کند و می فرماید:

تُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى

پس از خدا بترس از خدا بترس درباره طبقه ضعیف و محروم جامعه.

ص: ۷۰۷

وَ اٰمَنُ عَلٰی بِالصَّحٰهِ وَ الْاٰمَنِ وَ السَّلَامَةِ فِي دِيْنِي وَ بَدَنِي، وَ الْبَصِيْرَةَ فِي قَلْبِي، وَ النَّفَاذِ فِي اُمُوْرِي (۱)

خدایا بر من منت بگذار به سلامتی و امنیت و تندرستی در دین و بدنم و آگاهی دلم و نفوذ در کارهایم.

کامیابی در پرتو سلامتی و امنیت و درک صحیح در انجام کارها مقدور است اگر یکی از اینها نباشد رسیدن به اهداف غیرممکن خواهد بود.

به راستی که سلامتی و امنیت دو نعمت مجهول است و تا کسی آنها را از دست ندهد قدرش را نمی داند و اینکه انسان تکلیف را بداند و بینش صحیح از امور داشته باشد نیز توفیق بزرگی است.

بعضی درک صحیحی از مسئله کامیابی ندارند مثلاً- اگر جوانی هر چند با ایمان و متقی و فداکار باشد و از دنیا برود می گویند کامیاب از زندگی نشد و ناکام مرد و اگر پیری بمیرد ولی تارک الصلوه و بی تقوا و هرزه باشد می گویند کامیاب مرد در حالی قضیه کاملاً برعکس است اولی کامیاب و دومی ناکام مرده است.

اگر کامیابی فقط خوردن و آشامیدن و لذت جنسی و امثال آن باشد این که زندگی حیوانی است و از این جهت حیوانات از ما سبقت دارند پس کامیابی را باید در رشد علمی و تقوا و بندگی خدا و خدمت به خلق خدا جستجو کرد.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

هَيْهَاتَ مِنْ نَيْلِ السَّعَادَةِ السَّكُونِ اِلَى الْهُوَيْنَا وَ الْبَطَالَةِ (۲)

فاصله زیادی است میان آسایش و تن پروری و رسیدن به کامیابی و نیکبختی

همان بزرگوار فرمود:

ص: ۷۰۸

۱- دعای بیست و سوم صحیفه

۲- غررالحکم ۱۰۰۲۸

درک السعاده بمبادره الخیراتِ و الأعمالِ الزکیات (۱)

کامیابی با شتافتن به انجام کارهای خوب و اعمال شایسته میسر است.

و نیز فرمود

سُعاده الرَّجُلُ فِي إِحْرَازِ دِينِهِ وَ الْعَمَلِ لِآخِرَتِهِ (۲)

خوشبختی و کامیابی انسان در دینداری و کار برای آخرت است.

برای آنکه خود را آزمایش کنیم ببینیم که هم اینک که زنده ایم کامیاب هستیم یا نه خوب است یک نگرشی به کارهایمان نماییم خیلی زود معلوم می شود که از کدام گروهیم.

کسی که کارهایش را بی ریا و فقط برای خدا انجام دهد و توقع پاداش از خلق خدا ندارد در مسیر کامیابی است و یا آنکه در انجام دستورات پروردگار کوتاهی نمی کند و آنچه را که خداوند از او خواسته بدون کم و کاست انجام می دهد و یا آنکه حسن ظن به خدای خویش دارد و هیچ گاه از زندگی گله نمی کند و از داده های الهی راضی است همین الان کامیاب است.

گاهی کامیابی به ترک کامیابی مادی و شهوات زودگذر دنیا است.

خواهی که رسی به کام بردار دو گام**یک گام ز دنیا و دگر گام ز کام

نیکو مثلی شنو ز پیر بسطام**از دانه طمع ببر برستی از دام

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ لَذَّةً فَانِيَهُ لِلذَّهِّ بَاقِيَهُ (۳)

کامیاب ترین مردم کسی است که لذت گذرا را به خاطر لذت ماندگار ترک کند.

و یا فرمود:

كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يَعْرِفَ عَمَّا يُفْنِيهِ وَ يَتَوَلَّاهُ بِمَا يُبْقِيهِ (۴)

در کامیابی مرد همین بس که از آنچه رفتنی است دل بکند و به آنچه ماندنی است دل بندد.

ص: ۷۰۹

٢- همان مدرک ٥٦٢٤

٣- غررالحکم ٣٢١٨

٤- غررالحکم ٣١٠٠

و گاه باید چنین عامل دست به دست هم دهند تا کامیابی واقعی حاصل آید. مثلاً هرگاه نیت خالص شد و توانایی برای انجام کار خیر وجود داشت و توفیق به پایان رساندن آن کار نیز از جانب پروردگار عنایت گردید آنگاه است که شخص کامیاب می شود پس باید در دعاها از درگاه خدای منان عاجزانه بخواهیم در کارهای خیر تمام عوامل را برایمان به وجود آورد تا محصول و نتیجه کار را ببینیم و این شدنی است چنانکه خداوند می فرماید

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۱)

ای انسان تو در راه پروردگارت تلاش می کنی و نتیجه آن را خواهی دید.

وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲)

هر کسی کار شایسته انجام دهد چه مرد و چه زن در صورتی که با ایمان باشد همگی وارد بهشت می شوند و در آنجا از روزی بی حساب بهره مند خواهند شد.

ص: ۷۱۰

۱- انشقاق ۶

۲- غافر ۴۰

وَ جَنَّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ وَ مَدَانِي الْأَخْلَاقِ، وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوِهِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النِّفَاقِ (۱)

خدایا ما را از صفات ناسپند و اخلاس پست دور کن و ما را از افتادن در گودال کفر و آنچه که نفاق است حفظ فرما.

راغب اصفهانی در مفردات می گوید

الکفر فی اللغة سَتَر الشَّيْءِ وَ وَصَفَ اللَّيْلِ بِالْكَافِرِ لِسْتِرِهِ الْأَشْخَاصِ وَ الزَّارِعُ لِسْتِرِهِ الْبَدْرُ فِي الْأَرْضِ

کفر در لغت به معنای پوشاندن چیزی است اگر شب را کافر می گویند چون چهره و اندام اشخاص را می پوشاند و اگر کشاورز را کافر می گویند چون بذر را در دل خاک مخفی می کند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

كل شيء يجره الانكار و الجحود فهو الكفر (۲)

هر چیزی که انکار و نفی آن را با خود بیاورد آن چیز کفر است شخص کافر چون حق را انکار می کند و می پوشاند در حالی که فطرتش خداجوست وی را کافر می نامند.

بعد از انکار خداوند تبارک و تعالی انکار پیامبر و اولیاء خدا کفر است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

مِنْ شَكِّ فِي اللَّهِ وَ فِي رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَهُوَ كَافِرٌ (۳)

کسی که درباره خدا و رسول او شک کند کافر است.

همان بزرگوار درباره مراتب بعدی کفر می فرماید.

ص: ۷۱۱

۱- دعای چهل و دوم صحیفه

۲- کافی ج ۲ ص ۳۸۷

۳- کافی ج ۲ ص ۳۸۷

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ فَرَائِضَ مُوجِبَاتٍ عَلَى الْعِبَادِ فَمَنْ تَرَكَ فَرِيضَهُ مِنَ الْمُوجِبَاتِ فَلَمْ يَعْمَلْ بِهَا وَجَحَدَهَا كَانَ كَافِرًا (۱)

همانا خدای عزوجل فرایضی را بر بندگان واجب ساخته است پس هر که فریضه ای واجب را فرو گذارد و به آن عمل نکند و منکرش شود کافر است.

کافران متفاوتند بعضی بعد از پی بردن به اشتباه دست از عناد و دشمنی بر میدارند و قبول ایمان می کنند و بعضی بر انکار خویش پافشاری کرده به هیچ وجه اصلاح نمی شوند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲)

آنان که کافر شدند برایشان تفاوتی نکند بترسانی یا نترسانی در هر صورت ایمان نمی آورند.

البته کافرانی نیز هستند که دست از مخالفت بر میدارند و بدون اکراه قبول دین حق را می نمایند.

ملکه سبا از جمله آنان است

قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳)

ملکه گفت پروردگارا بر نفس خویش ظلم کرده ام و اینک با سلیمان تسلیم پروردگار جهانیان گردیدم.

ایا سابقه کفر از شرک بیشتر است؟ پاسخ به این سوال را امام صادق علیه السلام داده است وقتی از حضرت از کفر و شرک پرسیدند که أَيُّهُمَا أَقْدَمُ؟ کدام یک جلوتر است؟

فرمود:

الكفر أقدمٌ و ذلك أن إبليس أول من كفر و كان كفره غير شرک لِإِنَّهُ لَمْ يَدْعُ إِلَى عِبَادَةِ غَيْرِ اللَّهِ وَ إِنَّمَا دَعَا إِلَى ذَلِكَ بَعْدَ فَاشْرِك (۴)

ص: ۷۱۲

۱- همان مدرک

۲- بقره ۶

۳- نمل ۴۴

۴- بحار ج ۷۲ ص ۹۶

کفر قدیمی تر است چون ابلیس نخستین کسی است که کفر ورزید و کفر او توأم با هیچ شرکی نبود چرا که او به پرستش غیر خدا دعوت نکرد بلکه بعداً به این کار فراخواند و مشرک شد.

اهل ایمان باید برای سرمایه بزرگ خود یعنی اعتقادات محکم و متصل به وحی سپاسگزار خدا باشند که این نعمت بزرگترین نعمت در دنیا و آخرت محسوب می شود.

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۱)

رسول خدا به آنچه از جانب پروردگار نازل شده ایمان آورده و اهل ایمان نیز همگی به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبران او ایمان آورده اند ما بین هیچ یک از پیغمبران او فرقی نمی گذاریم و گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم خداوندا بخشش تو را طالبیم و بازگشت ما به سوی توست.

در پایان آیه بعد نیز عرض می کنند:

وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

خدایا ما را ببخش و ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو مولای مایی پس ما را برای غلبه بر مردم کافر یاری فرما.

ص: ۷۱۳

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ يَأَيُّمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ (۱)

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و ایمانم را به کاملترین درجات آن برسان.

سیر به سوی کمال فطری است چون همه می خواهند رو به تعالی و رشد روند با این تفاوت که در انتخاب راه اکثر مردم اشتباه می کنند اگر راهی که خداوند تبارک و تعالی توسط انبیاء و اولیاء برای کمال انسان تعیین فرموده گزینش کنند حتماً به کمال مطلوب خواهند رسید و در غیر اینصورت به سرابی بیش نخواهند رسید و بلکه گاهی خیال می کنند که سیر به سوی کمال می کنند در حالی که رو به سقوط و نابودی می روند.

قُلْ هَلْ تُبْتِكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۲)

بگو آیا به شما خبر بدهم وضع کسانی را که در عمل زیانکارترین هستند؟ آنانی که تمام تلاش هایشان در دنیا نابود شده و خیال می کنند که کار نیک انجام می دهند.

امام باقر علیه السلام در رهنمود زیبای خود تمامی کمال را در سه کار برشمرده

الکمال کل الکمال التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرِ الْمَعِيشَةِ (۳)

کمال حقیقی عبارت است از فهم در دین و شکیبایی در برابر بلای سخت و اندازه نگه داشتن در معیشت.

دین شناسی کلاس اول کمال است انسان ناآگاه به طور قطع کارهای نامشروع و خلاف شرع مقدس انجام می دهد و همان باعث توقف و عقب افتادگی اش می شود.

تحمل سختی ها و شکوه نکردن از بلایا و حوادث ناگوار کلاس دوم کمال است.

ناز پرورده تنعم کی برد را به دوست ***عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد.

ص: ۷۱۴

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- کهف ۱۰۳ و ۱۰۴

۳- بحار ج ۷۰ ص ۲۹۰

عقل معاش و اندازه نگه داشتن مخارج زندگی کلاس سوم که بسیاری در این منزل می لغزند و گرفتار افراط و تفریط می شوند.

نردبان ترقی انسان در مبارزه با دلم می خواهد ها و درخواست های نفسانی است اگر بعضی از اولیاء الله شدند و توانستند این نردبان را بالا روند به خاطر مخالفت با هوای نفس بوده و کار پاکیزه انجام داده اند.

و مصداق این کلام خدا گشته اند:

إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (۱)

کلام پاکیزه سوی او بالا می رود و عمل صالح را او ترفیع می دهد.

برای روشن شدن وضع خود باید به پرونده خویش برسیم که کجای کاریم اگر خوبی هایمان بیش از لغزش هایمان است امید به کمال در ما هست و اگر برعکس بود باید وضع را به نفع خود یعنی سیر به سوی کمال تغییر دهیم.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

إِذَا كَانَتْ مَحَاسِنُ الرَّجُلِ أَكْثَرَ مِنْ مَسَاوِيهِ فَذَلِكَ الْكَامِلُ وَإِذَا كَانَ مُتَسَاوِي الْمَحَاسِنِ وَالْمُسَاوِي فَذَلِكَ الْمَتَمَسِّكُ وَإِنْ زَادَتْ مَسَاوِيهِ عَلَى مَحَاسِنِهِ فَذَلِكَ الْهَالِكُ (۲)

هرگاه خوبی های انسان از بدی های او بیشتر است او کامل است و هرگاه خوبی ها و بدی هایش برابر باشد او خود را هلاک نگه داشته و اگر بدی هایش بیشتر از خوبی هایش باشد او هلاک شده است.

گاه بعضی کارها خلاف شرع نیست اما خلاف مروت و عرف است آنکه طالب کمال است باید از هر چیزی که رتبه اش را تنزل می دهد مثل انجام مکروهات اجتناب نماید.

همان بزرگوار فرمود:

ص: ۷۱۵

۱- فاطر ۱۰

۲- غررالحکم ۴۱۷۵

مِنْ كَمَالِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَجْمَلُ بِهِ (۱)

از کمال آدمی است که آنچه را زینده او نیست فرو گذارد.

ظاهراً در میان عوامل کمال نقش شکیبایی در برابر امتحان های الهی و سختی ها بزرگتر و پرجلوه تر است تا آنجا که امام صادق علیه السلام می فرماید:

لِمَنْ لَمْ يَكُنْ صَبُورًا يُعَدُّ كَامِلًا (۲)

کسی که شکیبیا نیست کامل شمرده شود.

صبر عامل خوبی است بر رسیدن به کمال

وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (۳)

اگر بر این طریق خدا شکیبایی کنند آب فراوانشان دهیم.

شاید این آب همان شراب طهوری باشد که خداوند نصیب اهل بهشت می فرماید.

سنبل صبر و شکیبایی بانو کامله حضرت زینب علیها السلام بعد از شهادت دو فرزند و شش برادر و جوانان بنی هاشم و اسارت و سایر مصائب بزرگ کربلا در پاسخ پرسش پسر زیاد لعنه الله علیه که گفت کربلا را چگونه دیدی؟ فرمود.

مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا (۴)

جز زیبایی چیزی ندیدم.

ص: ۷۱۶

۱- اعلام الدین ص ۲۹۲

۲- بحار ج ۷۸ ص ۲۴۶

۳- جن ۱۶

۴- لهوف سید بن طاووس

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أْبْدِلْنِي مِنْ بَغْضِهِ أَهْلَ الشَّيْآنِ الْمَحَبَّةَ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمِيْوَدَّةَ، وَ مِنْ ظَنِّهِ أَهْلَ الصَّلَاحِ الثَّقَةَ، وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْنِيْنَ الْوَلَايَةَ (۱)

پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و کینه توزان را برای من به محبت تبدیل کن و دشمنی نزدیکانم را به دوستی مبدل فرما.

کینه در دل نگاهداشتن باعث بیماری دل و اذیت آزار اهل کینه خواهد شد. بیماری دل چیزی نیست که از روز نخست و از ابتدای تولد برای انسان مقدر شده باشد بلکه این بیماری توسط عواملی که خود انسان انتخاب می کند در کانون قلب ایجاد می شود و دل و روح را به تباهی و فساد می کشاند.

مثلا کینه توزی خدادادی نیست بلکه در اثر نداشتن گذشت اخلاقی و تشدید حسادت و دشمنی به وجود می آید.

در حالی که اگر انسان اهل گذشت باشد و نسبت به پوچی های دنیا خود را معطل نکند و بی اعتنا باشد حقد و کینه کسی را در دل نگه نمی دارد و جای تردید نیست که دل پر کینه صفا ندارد و نمی توان جایگاه مهر پروردگار و اولیاء خدا قرار گیرد ممکن است کسی بگوید اگر من کینه فلانی را در دل دارم چون او نیز نسبت به من کینه توزی می کند.

مولایمان علی علیه السلام علاج کار را بیان فرموده است.

أَخْضِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرٍ غَيْرِكَ بِقَلْبِهِ مِنْ صَدْرِكَ (۲)

بدی را از سینه دیگران با کندن آن از سینه خود ریشه کن نما.

همان بزرگوار در نامه ارزشمندش به مالک اشتر می فرمود

أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عَقْدَهُ كُلَّ حِقْدٍ وَ أَقْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وَتْرٍ (۳)

ص: ۷۱۷

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- نهج البلاغه حکم و مواظب ۱۷۸

۳- نهج البلاغه نامه ۵۳

گره هر کینه را در مردم بگشای و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن و از آنچه در نظر روشن نیست کناره گیر.

دل مومن باصفا تر از آن است که کینه کسی را در آن نگه دارد و اگر در محفلی از کسی آزاری ببیند به محض خروج از آن دل را از ملالت او خالی می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

المومن یَحِقُّ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ فَإِذَا قَامَ ذَهَبَ عَنْهُ الْحِقْدُ (۱)

کینه به دل گرفتن مومن کوتاه است فقط تا وقتی است که در مجلس حضور دارد وقتی بر میخیزد و محفل را ترک می کند دیگر کینه به دل ندارد.

بعضی کینه دیرینه دارند و حاضر نیستند پس از گذشت سال ها از لغزش طرف خطا کار بگذرند شک نیست چنین دلی مکدر و تاریک است و مطمئن باشد که فردای قیامت خداوند بر لغزش هایش سخت می گیرد چون بر بندگانش سخت گرفت و هر فردی که واسطه شد بین ایشان را صلح دهد نپذیرفت و گفت در قیامت انتقامم را خواهم گرفت.

منطق قرآن خلاف آن را ثابت کرده

وَ إِنْ تَعَفُّوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (۲)

و گذشت کردن شما به تقوا نزدیکتر است.

راه تقلیل و تخفیف کینه ها گشاده رویی و حسن خلق است. با چهره باز می توان کدورت را برطرف کرد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

حُسْنُ الْبَشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ (۳)

چهره گشاده حرارت کدورت را از بین می برد.

بخلق و لطف توان کرد صید اهل نظر***ببند و دام نگیرند مرغ دانا را

ص: ۷۱۸

۱- کافی ج ۲ ص ۱۰۸

۲- بقره ۲۳۷

۳- تحف العقول ص ۴۵

یکی از ابتلائات خانوادگی و اجتماعی ما قطع رابطه ها و به دل گرفتن کینه افراد فامیل و یا اجتماع به خاطر مسایل بی ارزش دنیاست گاه شما با بعضی از اقوام و یا افراد جامعه قطع رابطه و یا ارتباط کم برقرار می کنی با این انگیزه که در تقوا و عفاف و مسایل اعتقادی مشکل دارند و از دست شما هم برای اصلاح آنان کاری بر نمی آید اینجا حق با شماست که البته درباره اقوام ارتباط در حد سلام و احوالپرسی کفایت می کند اما در موضع گیرهای سیاسی و مادی هیچ مبنای دینی ندارد مثل آنکه در جناح بندی های سیاسی طرف مقابل را به هر قیمت شده مورد اتهام و ناسزاگویی قرار دهیم تا از صحنه خارج کنیم چرا که جای ما را در پست و مقام گرفته است

مومن حب و بغض خود را در راه خدا مصرف می کند هیچ گاه از عوامل سعایت و شایعه پراکنی و دروغ پردازی حقد و کینه خود را اعمال نمی کند تا به این وسیله آبروی طرف را ببرد و باعث خارج شدن وی از صحنه گردد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم درباره مومن واقعی می فرمود:

أَلَا ابْتُئِكُمْ بِالْمُؤْمِنِ؟ مَنِ اتَّمَمْتَهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ إِلَّا ابْتُئِكُمْ بِالْمُسْلِمِ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ الْمُهَاجِرِ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ وَ تَرَكَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَظْلِمَهُ أَوْ يَخْذُلَهُ أَوْ يَدْفَعَهُ رَفْعَهُ (۱)

می خواهید مومن را به شما معرفی کنم؟ مومن کسی است که مومنین او را بر جان و مال خود امین دانند می خواهید مسلمان را برای شما معرفی کنم؟ مسلمان کسی است که مسلمان ها از زبان و دستش در امان باشند و مهاجر کسی است که بدی ها را کنار گذارد و حرام خدا را ترک کند و بر مومن حرام است که بر مومن ستم کند و یا او را ضایع کند و یا پشت سرش بدگویی نماید و یا او را از خود براند.

ص: ۷۱۹

اللَّهُمَّ أَذْهَبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِشَيْفِيَاكَ، وَ أَخْرِجْ وَحَرَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ، مَا عِنْدَ أَحَدٍ دُونَكَ دِفَاعٌ..... فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَيَّ مَا حَوَّلْتَنَا مِنَ النَّعْمَاءِ (۱)

خدایا خشکی شهرهایمان را با فرستادن بارانت از بین ببر و بدخیالی و آزرده خاطر بودنمان را با روزی دادن خود زایل کن چون هیچ کس مثل تو قادر به حفظ و دفاع از بنده اش نیست..... پس تو سزاوار حمدی زیرا ما را از گرفتاری ها حفظ کردی و شکر تراست بر نعمت هایی که به ما بخشیده ای.

گرفتاری ها برای همه هست کسی نیست که دست به گریبان گرفتاری ها نباشد. بنابراین باید چون امام سجاد علیه السلام دعا کنیم که خداوند با دست قدرتش از همه ما رفع گرفتاری فرماید فقط چیزی که هست نوع گرفتاری ها متفاوت است بخش زیادی از آنها مربوط به اعمال و رفتار خودمان می شود که باید مکافات آنها را بکشیم و مستحق گرفتاری هستیم.

خداوند تبارک و تعالی پس از نقل علت بیرون رانده شدن آدم و حوا از بهشت می فرماید:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا (۲)

و هر که از یاد من اعراض کند گرفتار زندگی سخت و اضطراب دل خواهد شد.

اعراض از یاد خدا یعنی غفلتی که باعث شود انسان به حقوق دیگران تجاوز کند و از عبادت کم بگذارد و فراموش کند که خداوند ناظر بر اعمال اوست و در محضرش گناه کند اینجا دیگر کشور و مرز معیار نیست داشتن ثروت و نداشتن مطرح نیست سلامتی و

ص: ۷۲۰

۱- دعای سی و ششم صحیفه

۲- طه ۱۲۴

بیماری عنوان نیست می بینیم امروزه اکثر مردم در هر شرایط از زندگی می نالند و نگرانی دارند و خود را گرفتار می بینند.

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱)

به سبب آنچه دست های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا آشکار شد تا به آنان جزای بعضی از آنچه را کرده اند بچشاند باشد که بازگردند.

مولایمان علی علیه السلام در آن هنگام که برای طلب باران بیرون می رفت فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ، وَ حَبْسِ الْبَرَكَاتِ، وَ إِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ، لِيَتُوبَ تَائِبٌ وَ يُقْلَعَ مُقْلَعٌ، وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ، وَ يَزْدَجَرَ مُزْدَجِرٌ (۲)

هرگاه بندگان خدا گناه و بد کرداری کنند خداوند آنان را به کاهش محصولات و بازداشت برکات و بستن در گنجینه های خیر مبتلا می سازد تا توبه گر توبه کند و گنهکار دل از گناه برکند و پند گیرنده پند پذیرد و نهی شده از گناه باز ایستد.

و گاه گرفتاری ها خصوصا برای مومنین و شیعیان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کفاره گناهان و عامل رشد و تعالی آنان است.

در آنجا که کفاره گناهان است بی تردید عذاب و گرفتاری های دنیا خیلی آسان تر از عذاب عالم برزخ و قیامت است پس چه بهتر که اینجا تصفیه حساب شود تا انشاءالله مومن و شیعه در عالم برزخ و قیامت عذاب نکشد.

مولایمان علی علیه السلام خدا را سپاس می گذارد که چنین است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ تَمَحِيصَ ذُنُوبِ شِيعَتِنَا فِي الدُّنْيَا بِمِخْتَتِهِمْ لِيَسْلَمَ بِهَا طَاعَاتُهُمْ وَ يَسْتَحِقُّوا عَلَيْهَا ثَوَابَهَا (۳)

ص: ۷۲۱

۱- روم ۴۱

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۴۳

۳- بحار ج ۶۷ ص ۲۳۲

سپاس و ستایش خدایی را که رنج و گرفتاری پیروان ما را مایه زدوده شدن گناهان آنان در دنیا قرار داد تا به این رنج ها و بلاها طاعتشان سالم ماند و سزاوار پاداش آن شوند.

و اما مواردی که سبب رشد و تعالی و کمال می شود همان بزرگوار در بیانی دیگر فرمود اما خداوند بندگانش را با انواع سختی ها می آزماید و با رنج و کوشش های گوناگون به بندگی وادارشان می کند و با انواع ناخوشایندها امتحانشان می نماید تا خود بزرگ بینی را از دل هایشان بیرون کند و فروتنی را در جان هایشان جای دهد و این درهایی قرار دهد گشوده به سوی فضل و بخشش خود و وسایلی آماده برای گذشت و آمرزش خویش (۱)

باز فرمود:

لَا تَفْرَحْ بِالْغِنَا وَالرِّخَاءِ وَلَا تَغْتَمَّ بِالْفَقْرِ وَالْبَلَاءِ فَإِنَّ الدَّهَبَ يُجَرَّبُ بِالنَّارِ وَالْمُؤْمِنُ يُجَرَّبُ بِالْبَلَاءِ (۲)

به ثروت و رفاه دل شاد مکن و از تهیدیستی و گرفتاری اندوه به دل راه مده زیرا طلا با آتش گداخته و ناب می شود و مومن با بلا و گرفتاری

هر که در این بزم مقربتر است***جام بلا بیشترش می دهند.

همان گرامی فرمود:

إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ لَلظَّالِمِ أَدَبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ وَ لِلرَّسُولِ دَرَجَةٌ (۳)

بلا و گرفتاری برای ستمگر تادیب است و برای مومن امتحان و برای پیامبران مقام و درجه است.

ص: ۷۲۲

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۱۵۶

۲- غررالحکم ۱۰۳۹۴

۳- بحار ج ۶۷ ص ۲۳۵

اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَحْمَتِهِ يَسْتَغِيثُ الْمُذْنِبُونَ..... وَيَا مَنْ لِيَخْفِيَهُ يَنْتَحِبُ الْخَاطِئُونَ

خدایا ای آنکه گناهکاران به رحمتش استغاثه می جویند..... و ای آنکه خطاکاران از ترسش ملتهب می شوند.

يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي، وَ كَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ عَلَيَّ فَلَمْ تَشْهَرْنِي

خدای من حمد تراست که چه بسیار لغزشهایم را پوشاندی و آبرویم را نبردی و چه فراوان لغزش های مرا پنهان کردی و میان دیگران مشهورم نکردی.

يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْدِقُ أَشْفَارُ عَيْنِي، وَ انْتَحَبْتُ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي، وَ قُمْتُ لَكَ حَتَّى تَنْشُرَ قَدَمَيَّ، وَ رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِي، وَ سَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَنْفَقَ حَدَقَتَايَ، وَ أَكَلْتُ تُرَابَ الْأَرْضِ طَوْلَ عُمَرِي، وَ شَرِبْتُ مَاءَ الرِّمَادِ آخِرَ دَهْرِي، وَ ذَكَرْتُكَ فِي خَلْمَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَرْفَعْ طَرْفِي إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِخْيَاءً مِنْكَ مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَحْوَ سَيِّئِهِ وَاحِدَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي (۱)

ای خدای من اگر آن قدر گریه کنم که پلک های چشمانم بیفتد و به صدای بلند ناله کنم تا آوازم قطع شود و آن قدر بایستم تا اینکه پاهایم ورم کند و برایت رکوع کنم تا استخوان پشتم بشکند و تو را سجده کنم تا چشمانم گود شود و همه عمر خاک زمین بخورم و آب آلوده بیاشامم و در این بین آنقدر ذکرت را بگویم که زبانم از کار بیفتد و از شرمندگی سرم را بلند نکنم و به آسمان ننگرم با این حالات سزاوار از بین بردن گناهی از گناهانم نمی باشم.

ص: ۷۲۳

وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي حِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَ تَغْفُو عَنِّي حِينَ أَسْتَحِقُّ عَفْوَكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرٌ وَاجِبٌ لِي بِاسْتِحْقَاقِي، وَ لَا أَنَا أَهْلٌ لَهُ بِاسْتِيجَابِي، إِذْ كَانَ جَزَائِي مِنْكَ فِي أَوَّلِ مَا عَصَيْتَكَ النَّارَ، فَإِنْ تُعَذِّبُنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي.

پروردگارا اگر مرا ببخشی زمانی که استحقاق عفو را پیدا کنم نه برای آن است که من سزاوار چنین لطفی هستم بلکه پاداش من در اولین بار مخالفت با دستورات آتش جهنم بوده و اگر عذابم کنی در حقم ظلم نکرده ای.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ قِنِي مِنَ الْمَعَاصِي، وَ اسْتَعْمَلِنِي بِالطَّاعَةِ، وَ ارزُقْنِي حُسْنَ الْإِنَابَةِ، وَ طَهِّرْنِي بِالتَّوْبَةِ، وَ أَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَ اسْتَضِيءْ لِحَنِي بِالْعَفْوِ، وَ أَدِقْنِي حِلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ، وَ اجْعَلْنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ، وَ عَيْتِيقَ رَحْمَتِكَ، وَ اكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْطِكَ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و از گناهان مرا حفظ کن و به بندگی موفقم بدار و نیکی بازگشت از گناه را روزی ام کن.

خدایا به وسیله توبه پاکیزه ام نما و به خود نگهداری از گناه یاری ام فرما و به توسط عافیت اصلاحم کن و حلاوت عفو را به من بچشان و مرا جزو آزادشدگان از طریق عضو و رحمت قرار ده و برایم بنویس که از غضب تو در امان هستم.

الله اکبر از لحن مناجات و گفت و گوی پرمغز و با سوز امام سجاد علیه السلام اگر امام معصوم علیه السلام در برابر پروردگار اینگونه سخن می راند که ملاحظه فرمودید به راستی ما چه خاکی به سر کنیم با این پرونده سنگین و پر از لغزشی که داریم.

روی سختم با کسانی است که به جرات گناه می کنند و باکی از غضب و قهر خداوند ندارند و خود را جزو پیروان چون امام سجاد علیه السلام و پدر و جد بزرگوارش می دانند که از خوف خدا با داشتن پرونده ای پاک و منزله از گناه آنچنان می گریستند که غش می کردند.

ص: ۷۲۴

و چون چوب خشکی روی زمین می افتادن پس وای بر ما و کسانی که در محضر خدا گناه می کنند و ترسی از عذاب الهی ندارند و اصرار بر انجام معاصی الهی دارند.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود:

مِنْ عَلَامَاتِ الشَّقَاءِ جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسْوَةُ الْقَلْبِ وَ شِدَّةُ الْحِرْصِ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ وَ الْإِصْرَارُ عَلَى الذَّنْبِ (۱)

از نشانه های شقاوت است ۱- خشکی چشم ۲- سنگدلی ۳- حرص زیاد برای طلب روزی ۴- اصرار بر گناه

به این دو بیان مولایمان علی علیه السلام نیز توجه کنید:

أَعْظَمُ الذُّنُوبِ عِنْدَ اللَّهِ ذَنْبٌ أَصْرَرَ عَلَيْهِ عَامِلُهُ (۲)

بزرگترین گناه نزد خدا گناهی است که مرتکبش بر آن اصرار ورزد.

عَجِبْتُ لِمَنْ عَلِمَ شِدَّةَ انْتِقَامِ اللَّهِ مِنْهُ وَ هُوَ مُقِيمٌ عَلَى الْإِصْرَارِ (۳)

در شگفتم از کسی که سختی انتقام خداوند را از خود می داند و همچنان بر گناه خویش اصرار می ورزد.

ص: ۷۲۵

۱- خصال ص ۲۴۳

۲- غررالحکم ۳۱۳۱

۳- همان مدرک ۶۲۵۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِنْقِطَاعِي إِلَيْكَ وَ أَقْبَلْتُ بِكُلِّي عَلَيْكَ وَ صَرَفْتُ وَجْهِي عَمَّنْ يَحْتَاجُ إِلَيَّ رَفْدِكَ (۱)

پروردگارا با بریدن از خلق و اتکال بر تو خود را خالص کرده ام و با همه وجودم به تو رو آورده ام و از آنکه به تو محتاج است خواهش نمی کنم.

در اسلام عزت گزینی و گوشه گیری به معنای انزوای مطلق از خلق خدا وجود ندارد چون اسلام دین زندگی است و در متن جامعه مطرح است احکام و دستورات مکتب ما به طریقی است که شامل تمام آحاد جامعه می شود و برای هر یک از ارگان ها و محافل و ادارات دولتی و غیردولتی دستورالعمل های خاص خودشان را دارد پس نمی توان گفت ما را با مردم و افراد جامعه چه کار چرا که هر کدام ما مکلف به تکالیفی درباره همسایگان و ارباب رجوع مربوط به کار خود هستیم و نمی توانیم خانه نشین باشیم و رهبانیت را برگزینیم.

اما گوشه گیری به معنای همرننگ جماعت گنهکار نشدن و برای رفع حوائج خود را محتاج خلق خدا ندانستن و در تمام زمینه ها به حق تعالی متصل شدن و فقط از او طلب حاجت کردن کاری است پسندیده چنانکه در دعای فوق خواندیم و در مناجات شعبانیه نیز عرض می کنیم.

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ خَدَايَا بِه مِنْ كَمَالِ بَرِيدِ كِي از خلق را بسویت ببخش.

پس عزلت و گوشه گیری صحیح آن است که در عین حضور در اجتماعات و رفت و آمد و معاشرت با مردم در بین مردم باشیم و با ناهنجاری ها و کارهای خلاف شرع و ادب و اخلاق آنها نباشیم.

ص: ۷۲۶

مولایمان علی علیه السلام در توصیف چنین سیره و منش که از آن خوبان عالم است می فرماید:

وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى أَوْلَيْكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ (۱)

با بدن هایشان بین مردم و در دنیاوند ولی جان هایشان به ملا اعلی آویخته است اینها جانشینان خداوند در روی زمین اند و مردم را به دین او دعوت می کنند آه آه که چقدر مشتاق دیدارشان هستم.

گوینده این کلمات نورانی خود بیست و پنج سال گوشه نشینی را برای حفظ اسلام و زحمات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برگزید و دم برنیاورد. چون تشخیص داده بود که باید صبر کند آن هم صبر جمیل صبری که به گفته خود مثل کسی که استخوان در گلویش مانده باشد و تیر و خار به چشمش رفته باشد.

انزوای امیرالمومنین علی علیه السلام قهر با مردم جامعه نبود و خانه نشینی را انتخاب نکرده بود او در همان زمانی که مظلوم واقع شده بود و حق قطعی او و همسرش را غصب کرده بودند در جمع مردم حضور می یافت و پاسخگویی مسایل علمی و دینی و اخلاقی آحاد جامعه بود.

بنابراین روشی را که بعضی از کسانی که خود را منتسب به حضرتش می دانند و عزلت و گوشه گیری از خلق خدا بر می گزینند روشی نادرست است و فرار از تکلیف محسوب می شود.

در همان زمانی که سه خلیفه بر سر کار بودند امام همام ما در صفوف جماعت حضور می یافت و نیازهای اعتقادی و ایمانی مردم را برطرف می کرد.

و گاه بعضی از همان خلفاء وقتی در پاسخ مسایل می ماندند مسایل را به حضرتش ارجاع می دادند و آن بزرگوار سوال کنندگان را قانع می کرد و آبروی خلیفه را میخرد و

ص: ۷۲۷

او هم طبق نقل اهل سنت بارها گفت لَوْلَا عَلِيٌّ لَهْلَكْتُ عُمَرَاً اِذَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَبِيٌّ عَمْرٌ هَلَاكَ مِي شَد. (۱)

در نهج البلاغه خطبه ۱۴۶ آمده است که عمر بن خطاب با آن بزرگوار درباره جنگ با ایرانیان مشورت کرد مولایمان علی علیه السلام فرمود که چون تو حق مرا غصب کرده ای و من انزوا را طلبیده ام پاسخت را نمی دهم بلکه در نهایت اقتدار و بزرگواری فرمود این کار اسلام پیروزی و شکستش به زیادی و کمی سپاه مربوط نمی شود دین خداست که پیروزی می آورد و لشکر پروردگار است که آنها را مهیا ساخته و کمک می نماید تا به نتیجه ای که باید برسد و پرتو آن بدانجا که باید بتابد.

خداوند تبارک و تعالی به ما وعده پیروزی داده است و حضرت او به وعده اش وفادار است و سپاه خویش را یاری خواهد کرد.

موقعیت کسی که زمام امور امت اسلام را به عده دارد مثل موقعیت بند تسبیح است که دانه ها را گرد هم آورده اگر بند پاره شود دانه ها پراکنده خواهند شد و هر کدام به کناری خواهند افتاد و بعد از آن دیگر گرد هم نخواهند آمد.

امروز ملت عرب گرچه اندکند ولی در سایه اسلام بسیارند و به خاطر یکدلی و وحدت کلمه عزیز و بزرگوارند و تو مثل قطب وسط آسیا بمان و با یاری عرب جنگ را اداره کن و به توسط آنان و نه با خودت آتش جنگ را شعله ور ساز که تو از این سرزمین برای جنگ بیرون روی عرب ها بر تو می شورند و با توجه به مخالفت برمی خیزند تا آن حد که نگاهداری مرزها که پشت سر می گذاری برای تو مهمتر باشد از آنچه پیش رویت با آن درگیر هستی اگر ایرانی ها تو را در میدان جنگ ببینند می گویند این اصل و ریشه و سر کرده عرب است او را از پای در آوریم کار تمام است و راحت می شویم و همین باعث می شود که آنها فشار را بر تو بیشتر کنند و برای از بین بردن تو حریص شوند.

ص: ۷۲۸

و اما اینکه گفתי آنها به راه افتاده اند تا با مسلمانان جنگ کنند خداوند تبارک و تعالی از حرکت آنها پیش از تو ناخشنود است و او در نابود کردن و شکست آنچه خود نمی پسندند توانا تر خواهد بود.

و اما اینکه گفתי تعدادشان چنین و چنان است مگر در گذشته به وسیله زیادی عددمان جنگ می کردیم جز این نبود که با امدادهای غیبی پروردگار می جنگیدیم ملاحظه فرمودید که امیرالمومنین علی علیه السلام در عین گوشه گیری برای حفظ و حراست از اسلام بدون هیچ حقد و کینه ای راهنمایی هایی لازم را به عمر بن خطاب ارایه می دهد و در واقع جنگ را رهبری می کند نتیجه آنکه ما می آموزیم که اسلام دین رهبانیت و انزوای مطلق نیست ولی این هست که باز برای حفظ ایمان و تقوا نباید در هر مجلس و محفلی شرکت کرد و کنار هر سفره و غذای شبهه ناک نشست و خورد و با هر فرد آلوده به گناه رفاقت کرد و همرنگ او شد که عواقب خطرناکی در پی خواهد داشت.

همان بزرگوار به ما سفارش می فرماید که مواقع فتنه ها اینگونه باشیم:

كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرَ فَيْزِكَ وَلَا ضَرْعَ فَيْحَلَبٍ (۱)

در هنگام وقوع فتنه چون شتر دو ساله باش که نه پشت قدرتمندی دارد که سواری دهد و نه پستانی دارد که بتوان از او شیر دوشید. این بیان مولا بهترین آموزش گوشه گیری است که مومن باید زیرک و هوشیار باشد تا مبادا در هنگام وقوع فتنه ها از او سوء استفاده کنند و وی را بارکش کارهای خلاف خود قرار دهند.

ص: ۷۲۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْتَمِ (۱)

خدایا به تو پناه می برم از لجاجت و اصرار بر لغزش ها

لجاجت و اصرار بر لغزش ها معمولاً از هوای نفس و راضی کردن دل سرچشمه می گیرد آدم لجوج تلاش می کند که خود را بر دیگران برتر نشان دهد و به هر قیمتی شده حرف و کار ناحق خدا را به مرحله عمل برساند.

شخص لجباز اهل اندیشیدن و بررسی عاقبت کار نیست و بدون تدبیر بر کارها سماجت می ورزد. چنانکه مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

اللجاجه تَسْلُ الرُّأْيِ (۲) (لجاجت تدبیر را سست می کند)

لَيْسَ لِلجوجِ تَدْبِيرٌ (۳) لجوج را تدبیر نیست.

در واقع شخص لجوج اجازه نمی دهد که عقل کار خود را انجام دهد به همین جهت نتیجه کار لجوج معمولاً شر و زشت خواهد بود.

به عنوان مثال جوانی بدون مشورت با پدر و مادر و بزرگترها و دوراندیشی برای خود شغل و یا همسری را انتخاب می کند که هیچ نوع سنخیت و هماهنگی بین او و شغلش و یا همسرش وجود ندارد و برای رسیدن به خواسته اش پافشاری می کند و نصایح بزرگترها را نادیده می گیرد و چشم و گوش بسته دنبال گزینه خود می رود و پس از رسیدن به خواسته اش و برخورد با زشتی هایی که گریباننش را گرفته پشیمان می شود و چاره ای جز ساختن و سوختن ندارد و موقعی می فهمد که اشتباه کرده که راه بازگشت ندارد. رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود

إِيَّاكَ وَاللجاجة فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَ آخِرُهَا نَدَامَةٌ (۴)

ص: ۷۳۰

۱- دعای هشتم صحیفه

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۱۷۹

۳- غررالحکم ۷۴۷۸

۴- تحف العقول ص ۱۴

پرهیز کن از لجبازی زیرا که آغاز آن نادانی و پایانش پشیمانی است.

گاهی بعضی پدر و مادران و بزرگترها هستند در مسایل صحیح و درستی که فرزند انتخاب کرده مخالفت می کنند و اصرار دارند حتما خواسته را تحمیل کنند این هم نتیجه طغیان لجاجت فرزند را در پی خواهد داشت.

امیرمومنان علی علیه السلام فرمود:

الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نِيرَانَ اللِّجَاجِ (۱)

زیاده روی در سرزنش کردن آتش لجاجت را شعله ور می کند.

در تعلیم و تربیت فرزندان باید این نکته مهم را در نظر داشت که تغافل گاهی کار ساز تر از تذکر پی در پی است. یعنی به قول معروف شتر دیدی ندیدی و لغزش و خطای فرزند را مشاهده نکردی. و یا بدون تصریح به گناه او را اندرز دادن تاثیر بیشتر دارد تا اینکه شب و روز اولاد را سرزنش کنیم حریم را بشکنیم و باعث گستاخی فرزند شویم.

پس لجاجت پدر و مادر در اندرز و پند فرزندان آتش نزاع ها را شعله ور می سازد چنانکه در برخوردهای اجتماعی و سیاسی هم چنین است.

همان بزرگوار فرمود:

لَا مَرْكَبَ إِجْمَحُ مِنَ اللَّجَاجِ (۲) مرکبی چموشتر از لجاجت نیست.

و نیز فرمود:

اللِّجَاجُ يَكْبُو بِرَاكِبِهِ (۳) مرکب لجاجت سوار خود را بر زمین می اندازد.

ویاز فرمود: آن که لجاجت کند و بر این لجاجت خویش پای فشرد او همان بخت برگشته ای است که خداوند بر دلش پرده غفلت زده و پیشامدهای ناگوار بر فراز سرش قرار گرفته است. (۴)

ص: ۷۳۱

۱- بحار ج ۷۸ ص ۱۰

۲- غررالحکم ۱۰۷۳۷

۳- همان مدرک ۱۷۱۰

۴- نهج البلاغه نامه ۵۸

همان بزرگوار در نامه معروف و منشور بین المللی خویش به مالک اشتر نوشت زنهار از شتابزدگی در کارها پیش از فرا رسیدن زمان آنها یا کندی کردن در کارها به هنگام رسیدن زمان آنها یا لجاجت در آنها هرگاه مبهم و ناشناخته باشند و یا سستی کردن در آنها هرگاه روشن و آشکار باشند بنابراین هر چیزی را در جایگاه خویش بگذار. (۱)

اماره صیغه مبالغه است نفس اماره یعنی یکی از حالات بسیار حساس و خطرناک نفس که حالت کثیرالامری پیدا می کند یعنی با سماجت و لجاجت امر به بدی و کارهای زشت می نماید.

اگر این حالت در انسان مهار نشود هیچ کس از آسیب آن در امان نخواهد بود و همگی باید از شر آن به خداوند تبارک و تعالی پناه ببریم و برای پیروزی بر آن از حضرت باری تعالی کمک بگیریم. همان طور که یوسف صدیقه علیه السلام با همه صداقت و سلامت نفس خویش به خدا پناه برد.

وَمَا أُبْرِيْ نَفْسِيْ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّيْ (۲)

من نفس خویش را مبرا نمی کنم که ضمیر انسانی پیوسته به گناه فرمان می دهد مگر آن را که پروردگارم رحم کند.

مولایمان علی علیه السلام در همان ابتدای نامه خود به مالک اشتر که بدان اشاره کردیم می فرماید:

فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكْفَلَ بِنَضِيرٍ مِنْ نَصْرِهِ وَ إِعْزَازٍ مِنْ أَعَزَّةٍ وَ أَمْرَةٍ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ يَزَعَهَا عِنْدَ الْجَمَحَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ
أَمَّارَةٌ بِالسُّوْءِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ

به تحقیق خداوند که نامش بزرگ است پذیرفته که یاوران خود را یاری کند و عزت دهندگان و دینش را عزیز بدارد. و به او فرمان می دهد که در برابر خواسته های شهوات نفس را سر

ص: ۷۳۲

۱- نهج البلاغه نامه ۵۳

۲- یوسف ۵۳

جای خود بنشانند و از طغیان آن را باز دارد زیرا نفس آدمی همواره انسان را امر به بدی می نماید مگر در آنجا که خدا ترحم فرماید.

و یا صاحب کلمات نورانی صحیفه امام سجاد علیه السلام می فرماید که امیرالمومنین در هنگام شهادت در یک روایت طولانی مطالبی را برای فرزندان و شیعیان خویش بیان فرمود و از جمله این بود که:

وَ اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ لِلْمَأْنَفِ فَهِيَ أَعْدَى الْعَيْدِ لَكُمْ أَنَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ إِنَّ النَّفْسَ لَامَارَهُ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي وَ إِنَّ أَوَّلَ الْمَعَاصِي تَصْدِيقُ النَّفْسِ وَ الرُّكُونُ إِلَيَّ الْهُوِيُّ (۱)

سوگند به خدا بترسید از خدا در مورد جهاد با نفس که وی دشمن ترین دشمنان شماست چنانکه خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

أَنَّ النَّفْسَ لَامَارَهُ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

به تحقیق سر لوحه همه گناهان تصدیق خواهش های نفسانی و فرو رفتن در هواپرستی است.

گوهر معرفت آموز که با خود ببری*** که نصیب دگران است نصاب زر و سیم

دام سخت است مگر یار شود لطف خدا*** ورنه آدم نبرد صرف ز شیطان رجیم

لقمه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْنَعْنِي مِنَ السَّرَفِ، وَ حَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلَافِ، وَ وَفِّزْ مَلَكَتِي بِإِتْبَاعِهِ فِيهِ، وَ لَمَّا أَحْتَمِلَ إِضِيرَ تَبِعَاتِ الْمَكْسَبِ (۲)

پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و جلوگیری کن از اسراف کاری و نگه دار روزی ام را از تلف شدن و فراوان کن دارای ام را به برکت در آن در نتیجه مجبور نشوم وزر و وبال مسئولیت های کسب و کار را به دوش کشم و از راه حرام کسب معیشت نمایم.

ص: ۷۳۳

۱- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۷۰

۲- دعای بیستم صحیفه

لقمه حرف اول را در فلز وجود انسان می زند لقمه ای که مادر می خورد اگر حرام و نجس باشد از همان روزهای نخستین شکل گیری جنین اثر گذار است تا وقتی که ناف بچه در رحم به خون مادر متصل و از تغذیه مادر ارتزاق می کند و بعد که دوران رضاع و شیر دادن فرا می رسد باز شیر مادر اسکلت طفل را رشد و نمو می دهد بنابراین حلال و حرام بودن خوراک مادر به طور مستقیم وضع بچه را از نظر روحی و ایمان می سازد پس مواظبت از لقمه از انعقاد نطفه انسان آغاز و به مرگ و انتهای عمر پایان می پذیرد.

در آموزه ای که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به ما داده یکی از درخواست های ما همین است.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ عِرْفَانَ الْحَرَمِ وَ طَهَّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ

خدایا روزیمان کن توفیق طاعتت و ترک معصیتت و شناخت محرمات را.... و شکم های ما را از مال حرام و شبه ناک پاکیزه گردان.

در حدیث معراج و در صفت اولیاء خدا آمده است که:

بُطُونِهِمْ خَفِيفَةٌ مِنْ أَكْلِ الْحَرَامِ (۱) شکم هایشان از خوراک حرام خالی است.

قابل توجه پدران و مادران گرامی امام صادق علیه السلام فرمود:

كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَةِ (۲) در آمد حرام در نسل انسان اثر می گذارد.

در واقع از پیامدهای لقمه حرام باید ترسید چون غیر از آنکه ما را تاریک و نسبت به بندگی و طاعت الهی بی رغبت می کند و باعث مستجاب نشدن دعاها می شود در نسل ما هم اثر منفی خواهد گذاشت.

ص: ۷۳۴

۱- ارشاد القلوب ص ۹۹

۲- کافی ج ۵ ص ۱۲۵

و باز قابل توجه برادران و خواهرانی که علاقمند به سلوک الی الله هستند عزیزان لقمه حرام و حتی شبه ناک باعث تاریکی دل و عقب افتادن از قافله صالحان می شود.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱)

هر گاه لقمه حرامی در شکم بنده ای قرار گیرد و جزو بدنش شود تمام فرشتگان آسمان ها و زمین او را لعنت می کنند.

همان بزرگوار فرمود:

العبادة مع اكل الحرام كالبناء على الرَّمْلِ (۲)

عبادت با حرام خواری مانند بنا کردن ساختمان بر روی رمل است.

لقمه حرام باعث می شود که انسان حاضر به شنیدن سخن حق نباشد و حتی از استماع کلمات نورانی قرآن و محمد و آل محمد علیهم السلام نفرت داشته باشد.

امام حسین علیه السلام به سپاه عمر سعد در آن هنگام که به سخنان و موعظه های حضرت گوش نمی دادند فرمود:

فَقَدْ مَلِئْتُ بَطُونَكُمْ مِنْ حَرَامٍ وَطُبِعَ عَلَيَّ قُلُوبُكُمْ وَيَلِكُمْ إِلَّا تَنْصِفُونَ إِلَّا تَشْتَمِعُونَ (۳)

شکمهای شما از حرام پر شده و بر دلهایتان مهر خورده دیگر حق را نمی پذیرید وای بر شما آیا انصاف نمی دهید آیا گوش فرا نمی دهید.

فضل بن ربیع می گوید روزی شریک بن عبدالله بن سنان نخعی بر مهدی عباسی خلیفه زمان وارد شد مهدی عباسی گفت باید یکی از این سه کار را بپذیری یا پست قضاوت را قبول کنی یا اینکه فرزندان را تعلیم بدهی یا یک مرتبه از غذای من بخوری شریک

ص: ۷۳۵

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۲۴۵

۲- همان مدرک

۳- نهج الشهاده ص ۲۱۲

بن عبدالله اگرچه پذیرش هر یک از سه کار را دشوار می دید لکن چاره ای ندیده در فکر فرو رفت پس از لحظه ای گفت خوردن غذا آسانتر است از آن دو کار دیگر.

مهدی عباسی به آشپز مخصوص خود سفارش کرد چند نوع غذای لذیذ از مغز استخوان و شکر سفید تهیه کند غذا حاضر شد شریک به مقدار کافی خورد متصدی آشپزخانه به مهدی عباسی گفت:

يَا مَهْدِيُّ لَيْسَ يُفْلِحُ الشَّيْخُ بَعْدَ هَذِهِ الْأَكْلَةِ أَبَدًا أَي مَدَى عَبَّاسِي أَيْنَ شَخْصٍ بَعْدَ أَزْخُورْدِنِ أَيْنَ غَدَا دِيْغَرِ رُوي سَعَادَتِ رَا بَه خُود نَخَوَاهِد دِيد.

فضل بن ربیع می گوید به خدا قسم شریک بن عبدالله پس از صرف غذا مجالست و هم نشینی با بنی عباس را اختیار نمود قضاوت و تعلیم و تربیت اولاد ایشان را نیز پذیرفت یک روز حواله ای برای شریک بن عبدالله از بابت حقوقش به صرافی نوشتند شریک به صراف مراجعه کرده سخت گرفت که باید نقد پردازی آن مرد گفت کتان و لباس قیمتی که به من فروخته ای که این قدر سخت م یگیری شریک در جواب او گفت

بَلْ وَاللَّهِ بَعَثْتُ أَكْثَرَ مِنْ الْبُرْبُغَةِ دَيْنِي بِه خُودَا قِسْمِ أَزْ كِتَابِ بَا أَرْزَشْتَرِ فَرْوَخْتَه أَم دِينِم رَا فَرْوَخْتَه أَم. (۱)

پس وای از غفلت از خوردنی ها و آشامیدنی هایمان که چقدر تاثیرگذار است و ما با تاسف برای صرف غذا دعوت هایی را می پذیریم که می دانیم میزبان اموالش یا از حرام است و یا مخلوط به حرام و بی درنگ می رویم و می خوریم و خبر از عوارض و پیامدهای آن نداریم.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

مِنْ أَكْلِ لَقْمِهِ حَرَامٌ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَوَةُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ لَمْ تَسْتَجِبْ لَهُ دَعْوُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَ كَلَّ لَحْمٍ يُنْبِتُهُ الْحَرَامُ فَالْتَّارُ أُولَى بِهِ وَ إِنْ اللُّقْمَةَ الْوَاحِدَةَ تُنْبِتُ اللَّحْمَ (۲)

ص: ۷۳۶

۱- مروج الذهب ج ۳ ص ۳۲۰

۲- سفینه البحار ج ۱ ص ۲۵۹

کسی که لقمه حرامی بخورد تا چهل شب نمازش قبول نمی شود و تا چهل روز دعایش مستجاب نمی گردد و هر گوشتی که در بدن از حرام روئیده شود پس آتش به آن سزاوارتر است و جز این نیست که یک لقمه هم گوشت را در بدن می رویاند.

یک روز هارون الرشید از طعام چرب و گرم خود برای بهلول فرستاد خادم غذا را برداشت و پیش بهلول آورد. بهلول گفت من نمی خورم ببر پیش سگ های پشت حمام بینداز غلام عصبانی شد و گفت ای احمق این طعام مخصوص خلیفه است اگر برای هر یک از امنا و وزرای دولت می بردم به من جایزه هم می دادند تو این حرف را می زنی و گستاخی به غذای خلیفه می کنی. بهلول گفت آهسته سخن بگو که اگر سگها هم بفهمند از خلیفه است نخواهند خورد. (۱)

ص: ۷۳۷

اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِضْيَاحِ، وَ هَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ، وَ هُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ، إِنَّ أَحْسَنَنَا وَدَّعْنَا بِحَمْدٍ، وَ
 إِنَّ أَسْأَنَنَا فَارَقْنَا بِدَمٍّ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ازْرُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ
 صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ وَ أَجْزَلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ (۱)

پروردگارا حمد تراست که صبح ها را برای ما گشودی..... و این روز برای ما روز جدیدی است و آن برای ما شاهد آماده ای
 است. اگر کار نیکی انجام دهیم بر ما درود می فرستد و اگر کار بدی انجام دهیم با نفرین کردن بر ما از ما جدا خواهد شد.

بار الها بر محمد و آل او درود فرست و توفیقمان ده تا مصاحب خوبی برای آن باشیم و ما را از اینکه در هنگام جدایی با آن
 مرتکب لغزشی شویم خواه گناه کوچک و یا بزرگ حفظ فرما بلکه ما را موفق بدار تا در این روز جدید بر کارهای نیک
 خویش بیفزاییم و از بدی ها خود را تخلیه کنیم.

امام سجاد علیه السلام در قالب دعا ما را متوجه این حقیقت می کند که هر روز باید از خداوند برای انجام کارهای خوب و
 ترک کارهای بد کمک بگیریم و به حساب اعمال خویش برسیم تا مبادا در اثر غفلت مرتکب لغزش شویم که دیگر جای
 جبران و اصلاح برای آن نماند به دو روایت جالب و متناسب با کلمات نورانی امام سجاد علیه السلام دقت کنید:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ص: ۷۳۸

مَا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ ذَلِكَ الْيَوْمُ: يَا بَنَ آدَمَ، أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَأَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ، فَافْعَلْ بِي خَيْرًا، وَاعْمَلْ فِيَّ خَيْرًا، أَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهَا أَبَدًا(۱)

روزی نیست که بر فرزندان آدم بگذرد مگر آنکه آن روز به انسان ها خطاب کند که من روز جدیدی هستم و بر تو و اعمالت شاهد و ناظر پس در من اعمال و رفتار شایسته انجام بده تا روز قیامت بر تو آسان گذرم و بدان با پایان رسیدن من دیگر مرا نخواهی دید.

موسی بن جعفر علیه السلام می فرمود:

لَيْسَ مِنِّي مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ يَوْمَ فِئَانٍ عَمَلٌ خَيْرًا اسْتَرَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَحَمْدَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَغْفَرَ، اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ(۲)

از ما نیست هر کسی که هر روز به حساب نفس خویش نرسد پس اگر کار خوب انجام داده از خداوند طلب فزونی آن اعمال را کند و اگر مرتکب گناه شد از لغزش خود استغفار کند و به پیشگاه پروردگار توبه نماید.

ثمره محاسبه نفس مراقبه و مواظبت از اعمال و رفتار است و بی تفاوت بودن در این راه باعث ادامه گناه و فراموش کردن خدا و مرگ و قیامت می شود پس چه بهتر قبل از قیامت هر روز از خود حساب برسیم که کجای کاریم آیا در مسیر قرآن و عترت حرکت می کنیم و یا بیراهه می رویم و مرکب شیطانیم؟

امام صادق علیه السلام هشدار می دهد:

أَلَا فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبُوا فَإِنَّ فِي الْقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلُّ مَوْقِفٍ مِثْلُ أَلْفِ سَنَةٍ(۳)

آگاه باشید و به حساب خود برسید قبل از آنکه در روز قیامت به حساب شما برسند زیرا که در قیامت پنجاه ایستگاه است و هر ایستگاه هزار سال می باشد.

ص: ۷۳۹

۱- محاسبه نفس سید بن طاووس ص ۱۴

۲- کافی ج ۲ ص ۴۲۳

۳- بحار ج ۱۵ ص ۴۰

چه کسی به حساب ما می رسد؟ نخست خداوند تبارک و تعالی که سریع الحساب است

وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۱) و حسابگری او بس است.

بعد از خداوند محاسبه اعمال با خود ماست چه بخواهیم و چه نخواهیم نامه اعمالمان را در اختیارمان می گذارند و به طور مستقیم به ما خطاب می کنند که:

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۲)

بخوان نامه عملت را که امروز خودت حسابگر خویش باشی بس است.

در روز قیامت هر کس که پرونده سنگین و پر از گناه دارد نامه عملش را می خواند و می بیند که بدون استثنا لغزش هایش را از ریز و درشت نوشته اند بر سر خود فریادی می کشد و می گوید:

يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا (۳)

وای بر ما این چه نامه است؟ تمامی گناهان چه کوچک و چه بزرگ از قلم نیفتاده است ای عزیزان خواننده آیا بهتر نیست در این دنیا جای خلوتی را پیدا کنیم بر سر خود فریادی بزنیم و تا دیر نشده به حساب خویش برسیم شاید ترک گناه کرده و از غفلت بیرون آییم و تا نفس بالا می آید مشمول عفو الهی قرار گیریم؟

ص: ۷۴۰

۱- احزاب ۳۹

۲- اسراء ۱۴

۳- کهف ۴۹

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْدِلْنِي مِنْ بَغْضِهِ أَهْلَ الشَّيْءِ الْمَحَبَّةِ، وَ مِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُغْيِ الْمَوَدَّةَ (۱)

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و کینه کینه ورزان را برای من به محبت و حسد ستمکاران را به دوستی تبدیل کن.

محبت سرمایه گرانبهایی است که بخش زیادی از آن را باید به دست آورد و یافتنی است این درست است که در ساختمان وجود انسان و حیوان عاطفه و محبت خدادادی است ولی بعضی رفتارها باعث می شود که محبت آسیب ببیند و چیزی از آن باقی نماند و یا تبدیل به محبت بر دیگران شود.

حقیقت محبت رابطه ای است که محب را به محبوب متصل می کند و اصولاً- جذبه های محبوب است که محب را به خود جلب می نماید و گاهی این جذبات آن قدر زیاد و قوی است که آنی محب را از محبوب غافل نمی کند.

به عنوان مثال دوست داشتن خداوند تبارک و تعالی گاهی تا مرتبه ای پیش می رود که دل می شود جایگاه مطلق خداوند و غیر او را دوست نمی دارد.

دل سرا پرده محبت اوست***دیده آینه دار طلعت اوست.

الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (۲) اهل ایمان سخت و شدید خدا را دوست می دارند.

مفضل از امام صادق علیه السلام از عشق و محبت به خداوند پرسید؟ امام علیه السلام فرمود:

قُلُوبٌ خَلَتْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ (۳)

ص: ۷۴۱

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- بقره ۱۶۵

۳- بحار ج ۷۳ ص ۱۵۸

خداوند تبارک و تعالی دل هایی را که از یاد او خالی گردد از محبت خودش تهی می کند و محبت غیر خود را در آنها جایگزین می نماید.

بهترین گزینه برای ابراز محبت خداوند و محمد و آل محمد علیهم السلام هستند و بعد پدر و مادر و هر کسی که با محبوب اصلی یعنی پروردگار متعال در رابطه است.

ای پیامبر بگو اگر پدرانتان و فرزندانان و همسرانتان و خویشاوندانتان و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساد آن نگرانید و خانه هایی که بدان دل خوش داشته اید نزد شما از خدا و رسول او و جهاد در راه وی محبوبتر است انتظار برید تا خدا فرمان خویش بیاورد که خدا گروه عصیان پیشگان را هدایت نمی کند. (۱)

امام صادق علیه السلام در واقع در تبیین آیین فوق می فرماید:

حتى يكون الله أحب إلي من نفسه و أبيه و أمه و ولده و أهله و ماله و من الناس كلهم (۲)

کسی به پروردگار ایمان نمی آورد مگر اینکه خداوند از خودش و پدر و مادر و فرزند و خانواده و ثروتش و بلکه از جمیع مردم محبوبتر باشد.

این سفارش دیگر خداوند به پیامبر خویش که:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۳)

بگو من جز محبت و مودت به نزدیکانم از شما درخواست مزدی ندارم.

پس محبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم امر الهی است.

ابن عباس می گوید:

لَمَّا نَزَلَتْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ هَوْلَاءِ الَّذِينَ أُمِرْنَا اللَّهُ بِمَوَدَّتِهِمْ قَالَ عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَوُلْدُهُمَا (۴)

ص: ۷۴۲

۱- توبه ۲۴

۲- بحار ج ۷۰ ص ۲۴

۳- شوری ۲۳

۴- مجمع البیان ج ۹ ص ۲۹

همینکه این آیه قُلْ لَّا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا تا آخر نازل شد عده ای گفتند ای رسول الله منظور آیه کیانند که خداوند ما را امر به دوستی و مودت بر آنها نموده؟ حضرت فرمود علی و فاطمه و فرزندان آنها.

برگردیم به بیان امام سجاده علیه السلام که از خداوند تبارک و تعالی درخواست نمود که خدایا بغض و حسادت مخالفین مرا به محبت و مودت تبدیل فرما.

به راستی محبت چیز خوبی است و چه بسا افراد زیادی به خاطر کمبود محبت گرفتار افسردگی شده و باعث از هم پاشیده شدن خانواده هایشان می شوند. دل مومن با صفاتر از آن است که کینه و بغض کسی را در آن نگه دارد مگر آنکه طرف مورد بغض ما دشمن خدا و رسول و اهل بیت پیامبر علیهم السلام باشد.

مومن اگر در محفلی از کسی آزاری ببیند به محض خروج از آن دل را از ملامت او خالی می کند.

خداوند متعال می فرماید: وَأَنْ تَغْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (۱)

و اگر عفو کند به تقوا نزدیکتر است.

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر***ببند و دام نگیرند مرغ دانا را

ص: ۷۴۳

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَحَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا وَ لَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى لَا تَقُوتَنَا حَسَنَةُ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ، وَ لَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و اسرار دل هایمان و حرکات اعضای بدنمان و نگاه های پنهانی دیدگانمان و سخنان زبان هایمان را در چیزهایی قرار ده که موجبات ثواب تو را فراهم می آورد تا هیچ حسنه ای از ما فوت نشود و سزاوار پاداش شایسته تو گردیم و کار بدی که به خاطر آن مستوجب عذاب تو شویم برای ما باقی نماند.

بخش مهم مراقبه آن است که مراقب باشیم که خداوند تبارک و تعالی مراقب اعمال و رفتار ماست و برای محفوظ ماندن از لغزش و خطا باید از حضرت باری تعالی چون زین العابدین علیه السلام استمداد نماییم و بخواهیم که ما را کمک کند.

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْنَا رَقِيبًا (۲) خداوند مراقب بر شماست.

بعد از آنکه فهمیدیم که خداوند مراقب اعمال ماست لازم است خود نیز در حالت مراقبه و مواظبت نسبت به اعمال و رفتارمان باشیم تا مبادا نافرمانی و تخلفی از ما سرزند.

مردم باید بدانند و باور داشته باشند جایی را نمی یابند که محضر خداوند متعال نباشد.

مولایمان علی علیه السلام در دعای ارزشمندی که به کمیل آموختند عرضه می داشت.

وَكُلُّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَّلْتُهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتُهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ

بار پروردگارا هر کار زشت و گناهی را به فرشتگان مامور خود امر بر نگارش نموده ای همانا که به حفظ آنچه کرده ایم موکل و شاهد بر اعمال و جوارح من گردانیدی و فوق

ص: ۷۴۴

آن فرشتگان تو خود مراقب من و شاهد و ناظر بر اعمال من هستی که حتی به فضل و رحمت خویش آنها را از نظر فرشتگان پنهان و مخفی داشته ای.

مرتبه مراقبه از مراتب بسیار ارزشمند و روحانی است که در هنگام نیت و عمل و بعد از عمل باید مورد توجه قرار گیرد. اخلاص و حضور قلب شرط اول منزل مراقبه برای سالک به سوی خداست غیر خدا را در کارها دخالت ندادن و فقط رضای او را خواستن آغاز راه است.

در هنگام عمل مراقب باشیم نافرمانی خدا را نکنیم و حتی در انجام کارهای حلال و درست در برابر نعمت های الهی شکرگزار بوده و غافل از منعم خویش نباشیم.

و بعد از عمل مراقبت کنیم که عجب به سراغمان نیاید چرا که تمام زحمات و ریاضت های ما را بر باد می دهد و اعمالمان را بی خاصیت و بی اثر می سازد.

نتیجه می گیریم که اهل مراقبه دنبال مقدار ثواب اعمال نیستند بلکه منتهای مقصودشان جلب رضایت پروردگار و حراست از دارایی های معنوی خویش است چنانکه در معنای مراقبه اهل لغت گفته اند: رَاقِبُ السَّيِّئِ أَيْ حَرَسَهُ مِرَاقِبَتِ مِنْ شَيْءٍ يَعْنِي حِرَاسَتِهِ وَ نَظَرَهُ مِنْ شَيْءٍ أَنْ يَكُونَ مِنْهُ نَجَسٌ أَوْ يَكُونَ مِنْهُ ضَرَرٌ.

این حالت نباید مقطعی و گذرا باشد بلکه باید در تمام لحظات زندگی با ما همراه باشد چرا که درست در همان حال غفلت و فراموش کردن خداوند بزرگ شیطان به سراغمان آمده و یا نفس اماره ما را تشویق به گناه میکنند که هر دو دشمن قسم خورده ما هستند و اگر ترحم پروردگار نباشد امثال یوسف صدیقه علیه السلام هلاک می شوند و به دام شیطان و نفس اماره می افتند.

مرحوم محدث قمی در کتاب گرانقدر مفاتیح الجنان در قسمت دعاهایی برای صبح و شام وارد است دعایی را بنام دعای عهد با خداوند تبارک و تعالی نقل می کند که بسیار قابل دقت و متناسب با بحث ماست.

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ..... وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَيْهَا تَبَاعَدَنِي مِنَ الْخَيْرِ وَتَقَرَّبَنِي مِنَ الشَّرِّ أَيْ رَبِّ لَا أَتَّقُ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا تُؤَدِّيهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

خداوندا تو که به وجود آورنده آسمان ها و زمین هستی و آگاه به غیب و شهودی..... مرا به اندازه یک چشم بهم زدنی به خودم وامگذار و نیز به خلق خودت چرا که اگر مرا به خود و خلق واگذاری از خوبی ها دورم ساخته و به بدی ها نزدیک کرده ای ای خدای من جز به رحمتت به جایی اعتماد ندارم. پس بر محمد و آل پاکیزه اش درود فرست و برایم نزد خودت عهدی قرار ده که روز قیامت به من بازگردانی زیرا که تو خلف وعده نمی کنی.

آری امام سجاد علیه السلام در دعای نهم صحیفه که فرازی از آن گذشت از خداوند کمک می خواهد که بر نفس و شیطان مسلط شود و موجبات ثواب الهی را فراهم آورد.

رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم نیز با همه قداست و طهارت نفسانی در آخرین سفر حج در صحرای عرفات در آغاز خطبه اش عرضه داشت:

الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَتُوبُ إِلَيْهِ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا(۱)

ص: ۷۴۶

حمد مخصوص الله است او را ستایش می کنیم و از او یاری می طلبیم و به سوی او توبه و بازگشت می نماییم و به خدا پناه می بریم از امراض نفسانیمان و بدی های اعمالمان.

تم می بلرزد چو یاد آورم***مناجات شوریده ای در حرم

که می گفت با حق به زاری بسی***میفکن که دستم نگیرد کسی

تو دانی که مسکین و بیچاره ایم***فرو مانده نفس اماره ایم

نمی تازد این نفس سرکش چنان***که عقلش تواند گرفتن عنان

که با نفس و شیطان برآید بزور***مصاف پلنگان نیاید ز مور

به مردان راحت که راهی بده***و زین دشمنانم پناهی بده

در پایان این بحث به شما عزیز خواننده و به خود توصیه می کنم عامل اصلی و بسیار مهم برای مراقبه از اعمال در محضر خداوند مراقب تقویت اراده است اصولاً توسط حواس ظاهر و باطن به مغز ما گزارش های امور مختلف را می رساند و در آن قوای مرموزی هستند که تصمیم برای انجام کارها را به عقل که فرمانده کل قواست موکول می کنند و آنچه در نظر عقل پسندیده آمد نیرویی بنام اراده مامور اجرای آن می شود ولی متأسفانه عقل بیچاره به سبب طغیان شهوت و غضب بیکار و فرماندهی کل قوا به هوی و هوس داده می شود و در نتیجه انسان بنده هوس شده و اراده می کند تا کارهای زشت و نامشروع انجام دهد اینجاست که باید اراده را تقویت کرد و از خداوند کمک گرفت و عرض کنیم خداوندا تو خود می دانی ما بنده ضعیف و ناتوان تو هستیم ما را یاری کن تا در تصمیم گیریها محکم و قاطع باشیم و به دنبال هوی و هوس نرویم و پایان و عاقبت کارها را ببیندیشیم.

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ الثُّغُورِ..... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصِّنْ ثُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ أَيِّدْ حِمَايَاتَهَا بِقُوَّتِكَ، وَ أَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ (۱)

دعای ویژه امام سجاد علیه السلام برای مرزداران کشور اسلامی:

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و به عزت مرزهای مسلمانان را محکم ساز و به نیرویت مرزبانان را تقویت فرما و به توانگری عطاهایت را برایشان فراوان کن.

یکی از سخت ترین و پرمسئولیت ترین کارها در نیروهای مسلح مرزداری در خط صفر مرزی است جایی که هر لحظه احتمال حمله دشمن و ورود بیگانگان و ایجاد خطر برای منطقه جغرافیایی کشورهای اسلامی وجود دارد.

امام بزرگوار حضرت زین العابدین علیه السلام به همین خاطر یک دعای مبسوط خویش را به مرزداران اختصاص داده است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَ احْرُسْ حِوْزَتَهُمْ، وَ امْنَعْ حِوْمَتَهُمْ، وَ أَلْفِ جَمْعَهُمْ، وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَ وَاثِرْ بَيْنَ مِيرِهِمْ، وَ تَوَحَّدْ بِكِفَايَةِ مُؤَنِهِمْ، وَ اغْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَ أَعِنْهُمْ بِالصَّبْرِ، وَ الطُّفَّ لُهُمْ فِي الْمَكْرِ

الها بر محمد و آل او درود فرست و تعداد مرزبانان را زیاد و اسلحه شان را تند و تیز از حوزه ماموریتشان حراست فرما و حومه کارشان را محکم و جمعشان را نسبت به یکدیگر مهربان گردان.

ص: ۷۴۸

خدایا تدبیر در کارها و روزی پی در پی برایشان مقرر کن و خود به تنهایی امور زندگی آنها را کفایت فرما و جهت پیروزی بر دشمن و دارا بودن استقامت و صبر مددشان فرما و برای فریب نخوردن از دست بیگانگان دقت نظر و عمل به آنها عنایت کن.

یکی از آسیب‌هایی که برای نیروهای مسلح پیش می‌آید و سبب شکست سپاه اسلام می‌شود دنیا‌گرایی و ثروت‌اندوزی است همان‌طور که در جنگ احد عامل اصلی شکست مسلمین نافرمانی از دستور فرمانده کل قوا رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و خالی کردن سنگر حساس جبهه جنگ بود آن هم برای آنکه هنگام تقسیم غنایم جنگی بعد از پیروزی که در ابتدا به دست آوردند عقب‌نمانند و به دنیای بی‌ارزش خود برسند و دشمن هم از همین نقطه ضعف سوء استفاده کرد و مسلمانان را دور زد و از همان نقطه‌ای که دنیا طلبان سنگر را خالی کردند حمله کرد و باعث شد که عده‌ای زیادی از رزمندگان گرانقدر اسلام همچون حمزه عموی عزیز و گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت برسند.

امام سجاد علیه السلام در این دعا به این نکته هم اشاره نموده و به درگاه الهی عرض می‌کند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَنْسِ بِهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةَ الْغَوْرِيَّ، وَ امْحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفِتُونِ، وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصَبَ أَعْيُنِهِمْ

پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و در آن هنگام که با دشمن روبرو می‌شوند توجه به دنیای نیرنگ باز و گول‌زننده را از آنها دوری کن و از دل‌هایشان فکر به ثروت فتنه‌انگیز را محو فرما و بهشت را در مقابل چشمانشان قرار ده.

نکته دیگری که به پیروزی‌های مسلمین در جنگ‌ها و حفظ مرزهای اسلامی قابل اهمیت ویژه بوده و هست امدادهای غیبی خداوند است چنانکه در غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با دشمنان اسلام مانند جنگ بدر فرشتگان به امر پروردگار به کمک مسلمین آمدند و باعث شکست و نابودی دشمن شدند و ما بر این باوریم امروز هم اگر مسلمانان با قصد قربت

و برای رضای پروردگار به دفاع از مرز و تمامیت ارضی کشورشان بپردازند خداوند از مدد‌های غیبی خویش دریغ نخواهد کرد.

و امام سجاد علیه السلام به همین مسئله مهم پرداخته و عرض می کند:

اللَّهُمَّ اغْزُبْ كُلَّ نَاجِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يَزَائِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، وَ أُمِّدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرَدِّفِينَ حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطَعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَ أَسْرًا

خداوند گروه‌های مختلف مسلمین را جهت مبارزه با مشرکین اعزام کن و فرشتگان را پی در پی برای امداد رسانی به ایشان بفرست تا دشمنان را تالاب مرزها برده و آنها را در زمین تو کشته و یا اسیر کنند.

امام علیه السلام حتی به نقاط حساس جغرافیایی آن زمان اشاره فرموده که خیلی جالب و قابل توجه است:

اللَّهُمَّ وَ اعْمَمْ بِجَدَلِكَ أَعْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبِلَادِ مِنَ الْهِنْدِ وَ الرُّومِ وَ التُّرْكِ وَ الْخَزَرِ وَ الْحَبَشِ وَ النُّوبَةِ وَ الزَّنْجِ وَ السَّقَالِبِ وَ الدِّيَالِمَةِ وَ سَائِرِ أُمَّمِ الشُّرُوكِ، الَّذِينَ تَخْفَى أَسْمَاؤُهُمْ وَ صِفَاتُهُمْ، وَ قَدْ أَحْصَيْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ أَشْرَفْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ

خدایا این درخواست مرا درباره دشمنانت در هر کجای جهان هستند به اجرا در آور در هند و روم و ترکستان و خزر و حبشه و نوبه و زنگبار و سقابه و دیالمه و سایر ملت‌های مشرک‌انتهایی که نام و نشان‌شان مخفی است ولی تو از آنها با خبری و به قدرت خویش بر آنها احاطه داری.

یکی از مواردی که مسلمانان در آسایش و امنیت به سر می‌برند آن موقع است که زورگوه‌های جهان با هم اختلاف دارند و با هم درگیرند در این زمان مسلمانان نفس راحتی می‌کشند و به زندگی عادی خویش ادامه می‌دهند و برعکس وقتی کافران ملت واحده

شوند آن وقت است جان و مال و ناموس و آب و خاک و از همه مهمتر اعتقادات مسلمین مورد هجوم دشمنان قرار می گیرد.

حضرت سجاد علیه السلام عرض می کند:

اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ، وَ خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنِ تَنْقِصِهِمْ، وَ تَبْطِطْهُمْ بِالْفُرْقَةِ عَنِ الْإِحْتِشَادِ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ أَحْلِلْ قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأَمْنَةِ، وَ أَبْدَانَهُمْ مِنَ الْقُوَّةِ

خدایا مشرکین را به مشرکین مشغول کن تا دست درازی به مرزهای مسلمانان نکنند و به ایجاد نقص در آنها از وارد کردن نقص بر مسلمین بر حذرشان دار و تفرقه بین آنها بینداز تا هماهنگی علیه مردم مسلمان نداشته باشند. خدایا دل هایشان از امنیت خالی و بدن هایشان از قوت تهی فرما.

امام علیه السلام برای آنهایی در پشت جبهه مشغول به خدمت به رزمندگان هستند نیز عرض می کند:

اللَّهُمَّ وَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ غَازِيًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَارِهِ... فَأَجِرْ لَهُ مِثْلَ أَجْرِهِ وَ زُنًا بَوَازِنٍ وَ مِثْلًا بِمِثْلِ

پروردگارا هر مسلمانی که در پشت جبهه جانشین رزمندگان می شود و کار خانه رزمندگان را انجام می دهد..... به همان اندازه که به رزمندگان مزد و پاداش دهی به وی نیز پاداش ده.

لَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱)

خدایا مرا در روزی که هر کس به آنچه کرده مواخذه می شود و جزا داده می شود و به کسی ظلم نمی گردد عاق والدین قرار مده.

وَ أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ، وَ بَرِّهِمْ، وَ اجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ. وَ أَعِزَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۲)

خدایا در تربیت و ادب کردن فرزندانم و نیکی به آنها مرا یاری کن.... و آنها را درباره آنچه از تو طلب می کنم یاورم گردان و من و ذریه ام را از شیطان رانده شده پناه ده

وَ تَوَلَّئِي فِي جِيرَانِي وَ مَوَالِي فِي إِزْفَاقِ ضَعْفِيهِمْ، وَ سَيِّدِ خَلَّتِيهِمْ، وَ عِيَادَةِ مَرِيضَةٍ هُمْ، وَ هِدَايَةِ مُشْتَرَشِدِيهِمْ، وَ كِتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَ إِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ (۳)

پروردگارا مرا با بهترین نوع سرپرستی و ولایت درباره همسایگان و دوستانم موفق بدار و نیز توفیق ده در سود رساندن به ضعیفان و جلوگیری از فقر و نداریشان و عیادت بیمارانشان و هدایت ره جویانشان.... و حفظ اسرارشان و پوشاندن عیب هایشان و یاری مظلومانشان.... و دادن آنچه بر آنها واجب شده قبل از آنکه از ایشان مطالبه شود.

سه فراز از سه دعا کنار هم درباره حقوق پدر و مادر و فرزندان و همسایگان و دوستان که همگی حکایت از بار مسئولیت سنگین آنان بر فرد فرد جامعه می کنند.

امام سجاد علیه السلام می خواهد که ما در برابر این موارد به طور جدی احساس مسئولیت کنیم تا مبادا در اثر قصور در تکلیف عاق والدین و یا عاق فرزندانمان شویم و یا حقوق

۱- دعای بیست و چهارم صحیفه

۲- دعای بیست و پنجم صحیفه

۳- دعای بیست و ششم صحیفه

همسایگان و دوستان را نادیده بگیریم. مسئول به کسی می گویند که درباره کاری که به عهده اش گذاشته از وی سوال می شود و مورد مواخذه قرار می گیرد و هیچ راه گریز و فرار هم ندارد.

قرآن شریف به صراحت نسبت به بعضی از مسائل از کلمه سوال و مسئولیت استفاده کرده که اینها در روز قیامت مورد پرسش قرار می گیرند به چند نمونه دقت کنید:

۱- اللَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ فَزَبَّكَ لِنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ حَجَر (۱)

آنانی که قرآن را پاره پاره کردند سوگند به پروردگارت که همه آنها را مواخذه خواهیم کرد نسبت به آنچه عمل کرده اند.

شاید منظور از پاره کردن قرآن ایمان به بعضی آیات آوردن و انکار بعض آیات کردن باشد چنانکه می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۲)

آنان که به خدا و رسولان او کافر می شوند و می خواهند که بین خدا و رسولانش جدایی اندازند و گویند به بعضی ایمان می آوریم و به بعضی کافر می شویم و می خواهند در این میان راهی پیدا کنند.

۲- إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۳)

گوش و چشم و دل همگی مورد مواخذه و سوال قرار خواهند گرفت.

۳- أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (۴)

ص: ۷۵۳

۱- ۹۳ تا ۹۱

۲- نساء ۱۵۰

۳- اسراء ۳۶

۴- صافات ۲۴ تا ۲۲

اینک ستمکاران را با همسرانشان و آنچه را که عبادت می کردند حاضر ک نید آنچه غیر خدا بندگی می کردند و همه را به راه جهنم راهنمایی نماید آنان را نگاه دارید که بازخواست می شوند.

۴- ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۱)

و آنگاه در آن روز از نعمت ها بازخواست خواهید شد.

ما در برابر نعمت های الهی مسئولیم که چگونه مصرف کنیم و به چه طریق آنها را به دست آوریم و از همه مهمتر شکر و سپاس به جا آوریم ولی آن چیزی به طور قطع در روز قیامت مورد مواخذه قرار می گیرد و سزاوار است خدای کریم از آن بپرسد آن چیزی است که امام صادق علیه السلام به آن اشاره فرموده است:

عَنْ الْأَمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ قَالَ لَمَّا لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ وَاللَّهِ مَا هُوَ الطَّعَامُ وَالشَّرَابُ وَ لَكِنْ وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۲)

به خدا سوگند آن نعمتی را که خداوند در روز قیامت از ما می پرسد و مورد مواخذه قرار می دهد غذا و آب نیست بلکه نعمت ولایت ما اهل بیت است.

نکه دیگر در موضوع مسئولیت مسئله قبول مسئولیت کارهای اجتماعی و سیاسی است کسانی که بر مسند وزارت و وکالت و ریاست بر مردم نشسته اند بی شک بیشتر مورد مواخذه و سوال در دنیا و آخرت قرار می گیرند بر همین اساس مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام چون دیدبانی دقیق و آگاه نظارت بر نوع برخورد و رفتارهای مسئولین مملکتی داشت و از کارگزاران خویش حساب می کشید و به محض آنکه مطلع از خلافتکاری هایشان می شد بدون اغماض و ملاحظات سیاسی تذکر می داد و گاهی آنان را عزل و از کار برکنار می کرد.

ص: ۷۵۴

۱- تکاثر ۸

۲- تفسیر برهان ج ۴ ص ۵۰۳

به یکی از کارگزارانش نوشت آیا امید داری که خداوند تبارک و تعالی پاداش فروتنان را به تو دهد در حالی که تو در نزد پروردگار جزو متکبرین هستی؟ و طمع کرده ای که ثواب صدقه دهندگان را ببری در حالی که در نعمت غوطه وری و حق افراد ضعیف و بیوه زنان را نمی دهی؟ (۱)

و نیز به کارگزار دیگرش نوشت به من درباره تو خبر رسیده که اگر صحت داشته باشد پروردگارات را به خشم آورده امامت را نافرمانی کرده و امانت خود را از دست داده ای.

به من خبر داده اند که تو زمین از محصول برای خود خالی کرده و هر چه زیر پایت بوده گرفته ای و آنچه در اختیار بوده خورده ای اکنون حساب مخارج خود را برایم بفرست و بدان که حساب پروردگار از حساب مردمان بزرگتر است. (۲)

به دیگری نوشت: همین که فرصت بیشتر در خیانت بر مردم یافتی با عجه چون گرگی تیزرو که بزی زخم خورده و پا شکسته را می رباید اموال امت را ربودی و بدون آنکه احساس گناه کنی شادمان آنها را به طرف حجاز روانه ساختی گویی که غیر تو را پدری نیست وای بر تو چنین پنداشتی که ارث پدر و مادرت را برای بستگانت می فرستی سبحان الله پناه بر خدا آیا به قیامت معتقد نیستی و از حساب و سوال آن روز هراس نداری؟ قسم به پروردگار اگر حسن و حسین این کاری را که تو انجام داده ای کرده بودند با آنها صلح و آشتی نمی کردم و نمی گذاشتم که به آرزوهایشان برسند تا اینکه حق مردم را از آنها بگیرم و باطلی را که به ظلم برایشان به وجود آمده از بین ببرم. (۳)

ص: ۷۵۵

۱- نهج البلاغه نامه ۲۱

۲- همان مدرک نامه ۴۰

۳- همان مدرک نامه ۴۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشِيرُكَ بِعِلْمِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْضِ لِي بِأَلْحَيْزِهِ وَ أَلْهَمْنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَارِ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرِيَعَةً إِلَيَّ الرِّضَا بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَ التَّسْلِيمَ لِمَا حَكَمْتَ فَأَرْحَ عَنَّا رَبِّبِ الْإِرْتِيَابِ، وَ أَيْدِنَا بِيَقِينِ الْمُخْلِصِينَ (۱)

پروردگارا به علم تو طلب خیر می کنم پس بر محمد و آل او درود فرست و آنچه خیر است برایم مقرر فرما و شناخت انتخاب را بر دل‌مان الهام کن و این را وسیله رضامندی به آنچه برایمان مقدر کرده ای و سبب تسلیم شدن به آنچه بر ما حکم فرموده ای قرار ده و شک و تردید را از ما برطرف کن و ما را به رساندن به یقین اهل اخلاص تاییدمان فرما.

دعای فوق بخشی از دعا برای استخاره و طلب خیر نمودن از خداوند تبارک و تعالی است و در واقع در انجام کارها با خداوند بزرگ مشورت کرده است دوستان و برادران و خواهران ایمانی حتما می دانند که استخاره مربوط به کارهای مهم و مواردی است که انسان با اندیشیدن و مشورت با دیگران از سرگردانی و حیرت بیرون نمی آید بناچار پناه به قرآن و یا نوع دیگر استخاره می برد. و استخاره می کند در غیر این صورت رجوع به استخاره برای کارهای ساده و یا اگر به مشکل و سواس در آید اصلا مورد ندارد و کار درستی نیست.

پس اول استشاره و مشورت و بعد در صورت به نتیجه نرسیدن استخاره و در ضمن تفعل به قرآن زدن یک نوع فال گیری است بنابراین بعضی که قرآن شریف را با دیوان حافظ اشتباه می گیرند به کتاب خدا توهین می نمایند.

بله نوعی طلب خیر از خداوند بدون مراجعه به قرآن قبل از استشاره آمده است.

ص: ۷۵۶

امام صادق علیه السلام می فرمود هرگاه اراده کاری کردی پیش از مشورت با پروردگارت با هیچ کس مشورت مکن راوی می گوید عرض کردم چگونه با پروردگارم مشورت کنم؟ فرمود:

تَقُولُ أَسْتَخِيرُ اللَّهَ مَا فِيهِ مُرُهُ ثُمَّ تُشَاوِرُ النَّاسَ فَإِنَّ اللَّهَ يُجْرِي لَكَ الْخَيْرَ عَلَيَّ لِسَانٍ مَنْ أَحَبَّ (۱)

صد مرتبه می گویید از خدا خیر را می طلبم سپس با مردم مشورت می کنی در این صورت خداوند خیر و صلاح تو را بر زبان هر که دوست داشته باشد جاری می سازد.

امام صادق علیه السلام در جای دیگر سفارش می کنند که:

لَا تَتَفَالَّ بِالْقُرْآنِ (۲) به قرآن تفال نزن یعنی در واقع فالگیری با قرآن نکن.

همان بزرگوار درباره استخاره با قرآن به کسی که خدمت ایشان عرض کرده گاه تصمیم به انجام کاری می گیرم و درباره آن از خدا طلب خیر می کنم اما فکرم به جایی نمی رسد فرمود:

وَ افْتَحِ الْمُصْحَفَ فَاَنْظُرْ اِلَيَّ اَوَّلُ مَا تُرَى فَخُذْهُ اِنْ شَاءَ اللَّهُ (۳)

قرآن را باز کن و به اولین آیه ای که چشمت می افتد به خواست خدا عمل کن.

فرق تفال و استخاره را دوباره دقت کنید استخاره عبارت از این است که انسان وقتی در ترجیح یکی از دو کار بر دیگری بماند و نتواند برای عمل یکی را انتخاب کند از خداوند می خواهد که او را در انتخاب یکی از آن دو کار راهنمایی کند و خیر او را در آن قرار دهد اما تفال زدن یا فال گرفتن به معنای شناسایی و پیش بینی کردن عواقب کارها و پیشامدهای آینده و امثال اینهاست.

اما درباره شور با مردم قرآن تشویق می کند که :

ص: ۷۵۷

۱- مکارم الاخلاق ج ۲ ص ۹۸

۲- کافی ج ۲ ص ۶۲۹

۳- التهذیب ج ۳ ص ۳۱۰

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (۱)

و در کارها با مردم مشورت کند. وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (۲) و کارشان در میانشان مشورت است.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مرا به یمن فرستاد و در مقام سفارش به من فرمود:

يَا عَلِيُّ مَا حَارَ مِنْ اسْتِخَارَ وَلَا نَدِمَ مِنْ اسْتِشَارَ (۳)

ای علی کسی که از خدا طلب خیر کرد سرگردان نشد و کسی که مشورت نمود پشیمان نگشت.

همان بزرگوار فرمود:

الْحَزْمُ أَنْ تَسْتَشِيرَ ذَا الرَّأْيِ وَ تُطِيعَ أَمْرَهُ (۴)

دوراندیشی آن است که با صاحب نظر مشورت کنی و به نظر او عمل نمایی.

همان طور که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: باید با صاحب نظران و اهل خرد مشورت کرد چون آدم هایی که گرفتار گناهند و یا اسیر رذایل اخلاقی خویشند شایسته مشورت در کارها نیستند چه بسا امیل نفسانی خویش را به شما تحمیل می کنند و در نتیجه نه تنها کمکی برایتان نیستند بلکه شما را از راه به در کرده و همچون خود گرفتار ضلالت و خطا می نمایند.

در روایات آمده با آدم های ترسو بخیل دروغگو آنهایی که در رای خویش استبداد دارند اهل لجاجتند حریص به مال دنیایند مشورت نکنید.

در مقابل سفارش شده که با کسانی مشورت کنیم که خدا ترس خیرخواه خردمند اهل تجربه و دوراندیش آزاده و متدین و امین باشند.

امروزه جایگاه هایی بنام مراکز مشاوره به وجود آمده که حکایت از نیاز شدید آحاد جا معه برای حل اختلافات و نگرانی های روحی خانواده ها و غیره می باشد جالب توجه

ص: ۷۵۸

۱- آل عمران ۱۵۹

۲- شوری ۳۸

۳- امالی طوسی ص ۱۳۶

آن است بعضی از این مراکز بی اطلاع از معارف مکتب ناب قرآن و عترت هستند و لذا در پاسخگویی همه چیز را براساس مسایل مادی می‌سنجند و باعث جدایی‌ها و طلاق و برهم خوردن خانواده‌ها می‌شوند.

امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرمود:

خِيَانَةُ الْمُسْتَشِيرِ مِنَ الْأَفْطَحِ وَأَعْظَمُ الشُّرُورِ وَ مُوجِبُ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱)

خیانت کردن به فرد تسلیم شده و مشورت کننده از شنيع ترين کارها و بزرگترین بدی هاست و موجب عذاب آتش فروزان می‌شود.

کسی در مقام ارشاد و هدایت افراد بر می‌آید و او اعتماد می‌شود باید تمام تلاش خود را به اصلاح ذات البین مصروف دارد نه آنکه موجبات جدایی و شدت اختلاف را فراهم آورد.

همان بزرگوار فرمود:

ظَلَمَ الْمُسْتَشِيرِ ظُلْمٌ وَ خِيَانَةٌ (۲)

ستم کردن به مشورت کننده هم ظلم است و هم خیانت

پس کسی که بر مسند مشاوره نشسته تا سر حد ممکن باید نقش مصلح و اصلاح کننده امور را ایفا نماید که کاری پر ثواب و قابل تقدیر است.

همان بزرگوار فرمود:

مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي صَلَاحِ الْجُمْهُورِ (۳)

کوشش در راه ایجاد صلح و آشتی میان توده مردم از کمال سعادت است.

امام صادق علیه السلام فرمود: اصلاح میان مردم هرگاه با هم دچار اختلاف و دشمنی شوند و نزدیک کردن آنها به یکدیگر هرگاه از هم دور گردند صدقه‌ای است که خداوند آن را دوست دارد. (۴)

ص: ۷۵۹

۱- غررالحکم ۵۰۷۵

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۷۳

۳- غررالحکم ۹۳۶۱

۴- کافی ج ۲ ص ۲۰۹

اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجُهْدِ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْضُرْ عَلَيَّ رِزْقِي

خدایا من طاقت سختی و صبر در برابر بلاها را ندارم و نیرویی برایم در مقابل فقر و تنگدستی نیست به همین جهت روزی ام را از من مگیر.

وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرَّخَاءِ دُعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَّرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (۱)

الها مرا توفیق ده که تو را در هنگام خوشحالی و آسایش از روی اخلاق بخوانم مثل کسی که مصیبتی بر او وارد شده و مضطر و درمانده است و از روی اخلاق دعا می کند که به تحقیق تو ستوده و با عظمتی

مصیبت به چیزی گفته می شود که به نعمتی از نعمت های الهی مثل سلامتی و جان انسان های مربوط به ما و یا اموالشان صدمه و آسیب می رسد. در این نوع موارد چیزی که مصیبت را التیام می بخشد مدد گرفتن از پروردگار صبر و شکیبایی است.

آدم مصیبت دیده وقتی ارتقاء و تعالی می یابد که در برابر بلاها و مصائب اعتراض نکند و صبر را پیشه خویش قرار دهد.

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۲)

و اهل صبر را مژده ده همان کسانی که وقتی دچار مصیبتی می شوند می گویند ما متعلق به خداییم و به سوی او باز می گردیم اینان مردمی هستند که لطف و رحمت خدا و درود الهی بر آنهاست و اینان همان هدایت یافته گانند.

ص: ۷۶۰

۱- دعای بیست و دوم صحیفه

۲- بقره ۱۵۵ تا ۱۵۷

این گفته درست است که بخشی از مصیبت‌ها امتحان الهی و جهت ترقی انسان است.

ناز پرورده تنعم کی برد راه به دوست***عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد.

هر که در این بزم مقربتر است***جام بلا بیشترش می دهند.

اما گاهی از دست دادن نعمت و گرفتاری‌ها نتیجه اعمال ماست ناسپاسی‌ها و درست استفاده نکردن از نعمت الهی باعث می شود مصیبت به سراغ ما بیاید.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (۱)

آنچه از مصیبت‌ها بر شما وارد می شود از دست کارهای خود شماست و خداوند از بسیاری از لغزش‌ها می گذرد.

نتیجه آنکه چون وجود نازنین امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام دعا کنیم و از خدا بخواهیم که در هنگام بلاها و مصیبت‌ها کمک ما باشد و دستمان را بگیرد.

خداوند به موسی علیه اسلام وحی فرمود:

يَا مُوسَى اتَّخَذَنِي جَنَّةً لِلشَّدَائِدِ وَ حِصْنًا لِمَلَمَاتِ الْأُمُورِ (۲)

ای موسی مرا در برابر سختی‌ها سپر کن و در مقابل بلاها و مصیبت‌ها دژ خود قرار ده.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام به ما می آموزد که:

قُلْ عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ لَّا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَكْفَهَا (۳)

در هنگام سختی و مشکلی که به وجود می آید بگو نیرو قدرتی جز با خدای بالا و بزرگ نیست. آن سختی از میان می رود.

امام رضا علیه السلام میفرمود: پدرم را در خواب دیدم فرمود: پسرم هرگاه در سختی و گرفتاری بودی جمله یا رُووفُ یا رَجِيم را فراوان بگو آنچه در خواب می بینی چنان است که در بیداری می بینی. (۴)

ص: ۷۶۱

۱- شوری ۳۰

۲- بحار ج ۸۴ ص ۲۵۹

۳- همان مدرک

۴- مهج الدعوات ص ۳۳۳

در دستورالعمل های دینی ما آمده اگر مصیبت زده ای را دیدی بدون آنکه متوجه شود خدا را شکر کنید که این بلا سر شما نیامده است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الْبَلَاءِ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ لَا تُسْمِعُوهُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزُنُهُمْ (۱)

هر گاه بلازدگانی را دیدید خدا را شکر کنید اما نه چنان که آنها بشنوند زیرا ناراحت می شوند.

باید از خداوند تبارک و تعالی درخواست کنیم که بارالها لا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا خدایا مصیبت ما را در دین ما قرار مده یعنی هر آسیبی بناست بر ما وارد شود خدایا اعتقادات و اخلاقیات و ایمانمان سلامت بماند که مصیبت بزرگ از دست رفتن معنویات و دین است.

روز جمعه آخر ماه شعبان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بر منبر خطبه خواند ووظایف مردم را در ماه مبارک رمضان بیان فرمود:

قَالَ عَلِيٌّ فَقُمْتُ وَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ

علی علیه السلام بپا خاست و گفت ای رسول خدا در ماه رمضان چه عملی بهتر از تمام اعمال است؟ پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:

الْوَرَعُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ

بهترین عمل اجتناب از گناه است.

بعد بی درنگ پیامبر اشک ریخت امیرالمومنین علی علیه السلام عرض کرد علت گریه شما چیست؟ فرمود می بینم که یک روزی در این ماه تو را می کشند برای آن می گریم.

نکته جالب توجه اینجاست که مولایمان علی علیه السلام هیچ نگران نشد فقط پرسید ای رسول خدا اَفِي سَلَامِهِ دِينِي آيا لحظه شهادت دین و اعتقادات من در سلامت است.

ص: ۷۶۲

توجه می فرماید که امیرالمومنین علیه السلام شهادت را مصیبت نمی داند بی دین مردن بی تقوا و گنهکار مردن را مصیبت می داند و لذا می پرسد که آیا دینم سلامت است پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هم پاسخش مثبت است که آری با سلامت در ایمان و دینت شهید خواهی شد. (۱)

حضرت یوسف علیه السلام بعد از آن همه مصائب و مشکلاتی که برایش پیش آمد بعد از تقدیر و تشکر از پروردگار درخواست مردن در حال ایمان و ملحق شدن به خوبان را می کند.

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (۲)

یوسف گفت پروردگارا به من حکومت دادی و علم تعبیر خواب آموختی تویی آفریننده آسمان ها و زمین تویی ولی نعمت من در دنیا و آخرت مرا مسلمان بمیران و به صالحین ملحق فرما.

امام سجاد علیه السلام در دعای یازدهم صحیفه درباره عاقبت به خیری و سلامت ایمان عرض می کند.

وَاجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَهُ أَعْمَالِنَا تَوْبَهُ مَقْبُولَهُ لَا تُوقِفْنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَ لَا مَعْصِيَةٍ أَقْتَرْنَا بِهَا. وَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَي رُءُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ. إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ

خدایا پایان آنچه دو فرشته نویسنده اعمال برایمان نوشته اند توبه قبول شده ثبت و ضبط فرما که اگر پس از آن لغزشی از ما سر زده باشد به حساب نیاوری و بازخواستمان نکنی.

الها روزی که به حساب بندگانت می رسی ای ستارالعیوب همان روزی که اخبار بندگانت را آشکار می سازی در مقابل چشمان مردمان اسرارمان را فاش مکن. چرا که توبه آنکه می خواندت رحم می کنی و هر که فریاد کنان صدایت می زند اجابت می نمایی.

ص: ۷۶۳

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۱۶۴

۲- یوسف ۱۰۱

وَلَمَّكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا حَوَّلْتَنَا مِنَ النِّعْمَاءِ، حَمِيداً يُخَلِّفُ حَمِيدَ الْحَامِدِينَ وَرَاءَهُ، حَمِيداً يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ إِنَّكَ الْمَنَّانُ بِجِسْمِ
الْمِنَنِ، الْوَهَّابُ لِعَظِيمِ النُّعْمِ، الْقَابِلُ يَسِيرِ الْحَمْدِ، الشَّاكِرُ قَلِيلِ الشُّكْرِ، الْمُحْسِنُ الْمُجْمَلُ ذُو الطَّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۱)

خدایا شکر تراست بر نعمت هایی که به ما بخشیده ای حمدی که بر سایر حمدها برتری داشته حمدی که تمامی زمین و آسمان خدا را پر کند.

به تحقیق تویی کسی که نعمت فراوان می دهی و نعمت های بزرگ بسیار می بخشی و تویی آنکه سپاس اندک را می پذیری پاداش دهنده شکر کم نیکوکار و خوشرفتار دارای فضل و کرم نیست خدایی جز تو و پایان کار به سوی تو می باشد.

به یاد آوردن و بازگو کردن نعمت های الهی کاری است پسندیده و ارزشمند چنانکه خداوند تبارک و تعالی به پیامبر عزیز خویش می فرماید:

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۲) نعمت پروردگارت را بازگو کن.

و گاهی خداوند خود نعمت هایی را که به پیامبرش عطا فرموده بازگو می فرماید

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۳)

آیا سینه ات را گشاده نساختم و آیا بار سنگین را از تو برداشتیم همان باری که بر پشت تو سنگینی می کرد آیا آوازه ات را بلند نکردیم.

و یا در همان سوره الضحی آیات ۶ تا ۸ فرمود:

ص: ۷۶۴

۱- دعای سی و ششم صحیفه

۲- ضحی ۱۱

۳- انشراح ۴ تا ۱

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ

آیا یتیمت نیافت و سپس پناهت داد؟ و تو را ره گم کرده یافت آنگاه هدایت کرد و تو را فقیر یافت بی نیازت نمود.

بیان نعمت های الهی نوعی سپاسگزاری از نعمت های پروردگار است گاهی انسان در خلوت خود به خدای خویش عرض کند بار پروردگارا هر چه دارم از تو دارم از او ان زندگی مرا غرق در نعمت های خویش فرمودی و هیچ گاه نعمتت را درباره من و خانواده ام و پدر و مادرم دریغ نفرمودی. که البته این گونه سخن راندن شیوه و سیره انبیاء و امامان معصوم علیه السلام بوده است.

حضرت سلیمان علیه السلام وقتی در برابر آن همه نعمت های الهی قرار می گیرد عرض می کند:

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ (۱)

پروردگارا به من توفیق شکر نعمت هایی که به من و پدر و مادرم عنایت فرمودی بده.

و یا پروردگارا به ما می آموزد که وقتی انسان به رشد می رسد و به مرز چهل سالگی وارد می شود می گوید:

قَالَ رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ (۲)

پروردگارا به من توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم عطا فرمودی به جا آورم.

از آنجایی در میان اقوام و ملت ها قوم موسی علیه السلام و بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بوده و هستند خدای عزوجل در سه جای سوره مبارکه بقره آیات ۴۰ و ۴۷ و ۱۲۲ به آنان خطاب می کند:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرَا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ

ص: ۷۶۵

۱- نمل ۱۹

۲- احقاف ۱۵

ای فرزندان اسرائیل نعمت مرا که به شما عنایت کردم به یاد آورید.

البته این نوع ناسپاسی منحصر به قوم بنی اسرائیل نمی شود در بین مسلمین و حتی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام متأسفانه شاهد و ناظر افرادی هستیم که قدر نعمت های الهی را نمی دانند نه تنها بازگو نمی کنند بلکه مثل آدم های طلبکار نعوذا بالله به خدای خویش گمان سوء دارند و متوقعند که هر چه می خواهند برایشان آماده شود و شکر نعمت هی موجود و خدادادی را بجا نمی آورند.

بی شک ناسپاسی و بازگو نکردن نعمت های پروردگار باعث تغییر و سلب نعمت می شود و خداوند نعمت هایش را از ما می گیرد مگر آنکه ما وضع خود را عوض کنیم و شایسته بهره مند شدن از نعمت های الهی گردیم.

به چند جمله از کلام وحی دقت کنید:

أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (۱)

خداوند هیچ گاه به بندگانش ستم نمی کند..... خدا هم به خطر گناهانشان آنها را مجازات کرد زیرا که پروردگار نیرومند است و سخت عذاب می کند.

این به این جهت است که خداوند می خواهد نعمتی را که بر مردمی عنایت فرموده تغییر ندهد تا اینکه آن مردم در خود تغییراتی ایجاد کنند.

بزرگترین نعمت که باید پیروان محمد و آل محمد علیهم السلام قدرش را بدانند و با هیچ چیز عوض نکنند ولایت و محبت آن بزرگواران است.

مبادا به خاطر فقر و نداری و یا رسیدن به امیال نفسانی و مقهور قرار گرفتن در برابر زرق و برق زندگی دنیا نعمت ولایت را از دست بدهیم که قابل جبران نخواهد بود.

ص: ۷۶۶

مردی از شیعیان امام جعفر صادق علیه السلام به محضر آن بزرگوار شرفیاب شد و از فقر و تنگدستی خویش شکایت نموده امام علیه السلام فرمود:

أَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ تَدْعِي الْفَقْرَ وَ شِيعَتُنَا كُلُّهُمْ أَغْيَاءٌ

تو از شیعیان ما هستی و اظهار فقر و تنگدستی می کنی با اینکه تمام شیعیان ما بی نیازند.

آنگاه فرمود تو را تجارت پر فایده ای هست که بی نیازت کرده عرض کرد کدام تجارت است؟ فرمود اگر کسی از ثروتمندان بگوید روی زمین را برای تو از نقره پر می کنم و از تو می خواهم دوستی و ولایت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را از قلب خود خارج کنی و نسبت به دشمنان آنها اظهار دوستی و محبت نمایی آیا حاضر می شوی این کار را انجام دهی؟ عرض کرد ای پسر رسول خدا هرگز اگر چه دنیا را برای من پر از طلا بنماید.

امام علیه السلام فرمود پس تو فقیر نیستی بینوا کسی است که آنچه تو داری نداشته باشد. حضرت مقداری پول به او دادند و از محضر آن بزرگوار مرخص شد. (۱)

امام صادق علیه السلام با اینکه خود امام معصوم است بر نعمت ولایتی که از جد بزرگوارش امیرالمومنین علی علیه السلام دارد مباهات می کند.

وَلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ وَلَادَتِي مِنْهُ لِأَنَّ وَلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ فَهَؤُلاءِ مِنْهُ فَضْلٌ (۲)

ولایت من نسبت به جدم علی بن ابیطالب علیه السلام نزد من محبوب تر است از ولادت من از آن بزرگوار زیرا که ولایت من نسبت به ایشان واجب است و ولادت من از ایشان فضیلت است.

محمد فضل می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم:

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (۳)

ص: ۷۶۷

۱- انوار نعمانیه ص ۳۴۹

۲- بحار ج ۲ ص ۲۸ و ۳۹

۳- یونس ۵۸

بگو به کرم و رحمت خدا به همین شادمان باشید که از آنچه منکران جمع می آورند بهتر است.

مقصود چیست؟ فرمود مقصود ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام است که بهتر از آن چه را منکران ولایت از دنیای خویش جمع می آورند. (۱)

نعمت ولایت محمد و آل علیهم السلام و محبت به اهل بیت پیامبر طبق فرمایش شخص رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در هفت جای حساس کار ساز است:

حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سُبُعِهِ مَوَاطِنٌ أَهْوَى إِلَيْهَا عَظِيمَةُ عِنْدَ الْوَفَاءِ وَ فِي الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النُّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ (۲)

دوستی اهل بیت من در هفت موضع ترسناک برای شما مفید است هنگام مرگ در قبر موقع برخاستن از قبور وقت باز شدن نامه اعمال در رسیدگی حساب زمان سنجش اعمال و برای عبور از پل صراط

نفاق

وَ اغْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْكُفْرِ وَ دَوَاعِي النَّفَاقِ (۳)

پروردگار توسط قرآن شریف ما را از افتادن در گودال کفر و آنچه که نفاق است حفظ کن.

برای از بین بردن نفاق و دورویی کافی است مختصری درباره روزی که همه اسرار فاش می شود فکر شود زیرا که آن روز کسی نمی تواند کفر و الحاد خود را مخفی کند.

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرِ (۴)

روزی که همه ضمیرها و باطن ها آشکار می گردد.

آری جهان آخرت کانون کشف اسرار است هر چه را که اشخاص در دنیا از مردم پنهان کرده اند در آن عالم آشکار می گردد.

ص: ۷۶۸

۱- تفسیر برهان ج ۲ ص ۱۸۸

۲- اصول کافی ج ۱ ص ۱۴

۳- دعای چهل و دوم صحیفه

۴- طارق ۹

موارد نفاق فراوان است مثلاً در عبادت پروردگار باید خضوع اعضا و جوارح با خضوع و خشوع قلب یکسان باشد والا نفاق است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

ما زاد خُشُوعَ الْجَسَدِ عَلَيَّ مَا فِي لِقَلْبِ فَهُوَ عِنْدَنَا نِفَاقٌ (۱)

اگر خشوع جسم و ظاهر از خشوع در دل بیشتر باشد نزد ما نفاق محسوب می شود.

سعی کنیم با مردم نیز زبان و قلبمان یکی باشد به اندازه ای که به طرف مقابل ارادت داریم عرض ادب و احترام کنیم از تعارف های دروغین و تملق گویی ها جدا پرهیز کنیم چون بالاخره روزی دست ما رو می شود و نفاقمان ظاهر می گردد و نتیجه ای جز کدورت در پی نخواهد داشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره منافقین می فرماید:

يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذَوَالْوَجْهَيْنِ ذَالِ لِسَانِهِ فِي قَفَاهُ وَ آخِرَ مَنْ قُدِّمَ إِلَيْهِ يَلْتَهَبَانِ نَارًا حَتَّى يَلْهَبَا جَسَدَهُ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ هَذَا الَّذِي كَانَ فِي الدُّنْيَا ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانٍ يَعْرِفُ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲)

در روز قیامت منافق را وارد می کنند در حالی که دارای دو چهره است و دو زبان یکی از پشت سرش و دیگری از مقابل و از هر دو زبانش آتش شعله ور است تا بالاخره تمامی وجودش را احاطه می کند سپس به او می گویند این همان کسی است که در دنیا اهل دو چهره و دو زبان بود و به این کیفیت او شناخته می شود.

یا مسلمان باش یا کافر دو رنگی تا بکی***یا مقیم کعبه شو یا ساکن بتخانه باش

یا که در ظاهر فروغی ذکر درویشی مکن***یا که در باطن مرید خسرو فرزانه باش.

ص: ۷۶۹

۱- کافی ج ۱ ص ۴۸

۲- ثواب الاعمال ص ۳۱۶

پس منشا نفاق سالم نبودن قلب و بیگانگی آن از واقعیات و عدم اعتراف سر وجود به حقایق و معنویات است و تا دل از زنگار کفر و الحاد در مرتبه اول و حسد و بی حیایی و خود بینی و دنیاپرستی در مرتبه دوم پاکیزه نگردد نفاق همچنان وجود دارد و از بین نخواهد رفت.

خداوند تبارک و تعالی چهره زشت منافقون را اینگونه ترسیم می فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ
فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۱)

بعضی از مردم می گویند به خدا و روز قیامت ایمان آورده ایم در حالی که ایمان نیاورده اند با خدا و ایمان آورندگان خدعه می کنند و حال آنکه جز خودشان را فریب نمی دهند و نمی فهمند.

در دل‌هایشان بیماری هست خداوند بر بیماری ایشان بیفزاید و به خاطر دروغ گفتنشان عذابی دردناک دارند.

منافق فقط نمای دینداری به خود می گیرد و تظاهر به دین و اعتقاد می کند در حالی که دروغ میگوید و ادعای خلاف واقع می نماید.

آدم منافق ضعیف النفس و ذلیل است و همین احساس حقارت است که او را به نفاق کشانده است.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود:

نِفَاقُ الْمَرْءِ مِنْ ذُلِّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ (۲)

نفاق آدمی ناشی از حقارت و ذلتی است که در ضمیر خود احساس می کند.

ص: ۷۷۰

۱- بقره ۸ تا ۱۰

۲- غررالحکم ۸۸۹۹

راه شناخت منافق طبق بیان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سه چیز است اگر چه اهل نماز و روزه باشد وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ وَ خِيَالٌ كُنْدَ كَمَا مَسْلَمَانٌ اسْت.

إِذَا اتَّيَمَنَ خَانَ وَ إِذَا حَدَّثَ كَذِبًا وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ (۱)

۱- به او اعتماد کنند ولی خیانت کند. ۲- در هنگام سخن گفتن دروغ بگوید. ۳- وعده بدهد ولی خلف وعده کند.

امیرمومنان علی علیه السلام می فرمود اگر با این شمشیر به بن بینی مومن بزنی که با من دشمن شود دشمنی نخواهد نمود و اگر همه دنیا را بر سر منافق بریزم که مرا دوست دارد دوست نخواهد داشت و این برای آن است رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در گذشته فرمود:

يَا عَلِيُّ لَا يَبْغُضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَحِبُّكَ مُنَافِقٌ (۲)

ای علی مومن با تو دشمن نمی شود و منافق ترا دوست نمی دارد.

و هر آنچه بر سر اسلام و مسلمین از ضرر و زیان از صدر اسلام تا به امروز آمده و همواره از پشت بر پیکره مکتب ما خنجر زده اند از ناحیه منافقین و نفوذی های بی دین بوده است و بی شک این قشر از جامعه بدترین مردم در دنیا و پست ترین مکان را در دوزخ دارند.

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (۳)

منافقین در پست ترین نقطه جهنم هستند و برای آنان یآوری نخواهی یافت.

ص: ۷۷۱

۱- کافی ج ۲ ص ۲۹۱۱

۲- نهج البلاغه حکم و مواظ ۴۲

۳- نساء ۱۴۵

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا (۱)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و بالا مبر مرا در میان مردم به درجه ای جز آنکه پائینم آری در پیش خودم به همان مقدار و پیش نیاور برای من عزتی در ظاهر جز آنکه پیش آوری به همان اندازه برایم خواری در باطن در پیش خودم.

تعریف نفس در گفتار بزرگان متفاوت است بعضی آن را عبارت از من وجود می دانند و بعضی به استناد قرآن مجموعه تن و روح می دانند آنجا که درباره قصاص می فرماید:

وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسِ بِالنَّفْسِ (۲)

در کتاب تورات برای یهودیان نوشتیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنند.

مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه از قول شیخ بهائی رحمه الله علیه تعریف نفس را اینگونه بیان می کند حق آنست که نفس جوهری است لطیف و نورانی ادراک کننده جزئیات و کلیات در حالی که در بدن هست و تصرف در آن دارد اما از تغذیه مادی بی نیاز و تحلیل رفتن و یا رشد و نمو بری است و هیچ بعید نیست که چنین موجودی بعد از فنا بدن جاودانه باقی بماند و از ملایمات لذت و از ناملایمات رنج ببرد. (۳)

از نکات مهمی که درباره نفس مطرح است اصل وجود نفس جوهریت مجرد و بساطت و اینکه نفس محسوس به حواس نیست و مدرک بالذات است.

درباره اصل وجودش هیچ جای تردید نیست اما چرا جوهر است و عرض نیست چون جوهر مستقلا هست و عرض به تبع جوهر وجود پیدا می کند مانند سیب که جوهر است و سرخی آن عرض است و تخته که جوهر است و میز و شکل هندسی آن عرض است.

ص: ۷۷۲

۱- دعای بیستم صحیفه

۲- مائده ۴۵

۳- سفینه البحار ج ۲ ص ۶۰۳

و چرا مجرد و بسیط است چون اغلب موجودات ترکیب یافته از اجزای مختلف و قابل تجزیه هستند ولی نفس انسان مجرد و بسیط است یعنی تشکیل یافته از اجزای متفرق نیست و بلکه موجودی است دارای خصوصیت وحدت و یکی است و چرا محسوس به حواس نیست؟ به این دلیل که ما با حواس فقط می توانیم اشیاء را حس کنیم و بین حواس ما و مادیات سنخیت هست ولی نفس چون ماده نیست قابل حس و لمس کردن نمی باشد.

و در آخر گفتیم که مدرک بالذات است یعنی برای دانستن محتاج به واسطه نیست یعنی قوه دراکه را در خود دارد گوش و چشم و زبان نمی فهمند چه می کنند ولی نفس می فهمد که چشم و گوش کار خود را درست انجام می دهند یا خیر و بر تمام اعضای بدن احاطه دارد امام سجاد علیه السلام به این ترتیب انسان یعنی نفس در این فراز از دعا این گونه پرداخته که اگر بالا رفتم و ترقی کردم به همان اندازه ترفیع در پیش نفس خویش پائینم آر که گرفتار عجب و خود بزرگ بینی نشوم.

به راستی که نفس موجود عجیبی است که اگر عنانش در اختیار قرار گیرد و ما بر او امیری کنیم آن می شود که امام علیه السلام درخواست می کند ولی اگر رهایش کنیم و به حال خودش واگذاریم ده ها رذیله آن را احاطه می کنند و چنان سرکش و طغیان گر می شود که امید به رام کردنش نخواهد بود.

چرا قرآن می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ (۱)

ای اهل ایمان بر شما باد که به نفس خویش پردازید.

پرداختن به نفس تربیت و محافظت از اوست که سر به طغیان نزنند.

مولای عارفان امیرمومنان می فرمود:

ص: ۷۷۳

الْعَارِفُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا وَ نَزَّهَا عَنْ كُلِّ مَا يُبْعِدُهَا (۱)

عارف کسی است که نفس خود را بشناسد و او را آزاد سازد و از هر چیزی که از او دورش می کند پاکیزه اش بدارد.

بر همین اساس جهاد با نفس جهاد اکبر نامیده شده موسی بن جعفر علیه السلام فرمود پس از خاتمه یکی از جنگ های مسلمین رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سربازان مسلمان را مخاطب قرار داد و فرمود:

مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قَالَ جِهَادُ النَّفْسِ (۲)

خوشا به حال مردمی که جهاد کوچک را پشت سر گذاشته و جهاد بزرگ ایشان باقی مانده عرض کردند ای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم جهاد بزرگ کدام است؟

فرمود جهاد با نفس.

ای شهان کشتیم ما خصم برون***ماند خصمی زو بتر در اندرون

کشتن این کار عقل و هوش نیست***شیر باطن سخره خرگوش نیست

دوزخست این نفس و دوزخ اژدهاست***کو بدریاها نگردد کم و کاست

هفت دریا را در آشامد هنوز***کم نگردد سوزش آن خلق سوز

عالمی را لقمه کرد و در کشید***معدده اش نعره زنان هل من مزید

قَدَرَجَعْنَا مِنَ الْجِهَادِ الْأَصْغَرِ ***بِأَنَّ نَبِيَّ الْأَنْدَرِ جِهَادِ الْأَكْبَرِ

سهل شیری دان که صفها بشکند***شیر آن را دان که خود را بشکند.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره انسان های وارسته و موفق می فرماید:

ص: ۷۷۴

۱- غررالحکم ۶۳۰

۲- معانی الاخبار ص ۱۶۰

مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ (۱)

پاداش مجاهدی که در راه خدا کشته می شود از انسان پاکدامن که می تواند گناه کند و برخلاف خواهش نفس خویش عمل می کند و گناه نمی کند بیشتر نیست نزدیک است که شخص پاکدامن فرشته ای از فرشته های الهی گردد.

مولایمان در جای دیگر کابین بهشت را مبارزه با درخواست نفس می دانند:

جِهَادُ النَّفْسِ مَهْرُ الْجَنَّةِ (۲)

در همان کتاب و همان ج و صفحه بیان دیگری را از امام امیرالمومنین علیه السلام نقل می کند که بسیار راه گشا و آموزنده است:

النَّفْسُ مَجْبُولَةٌ عَلَى سُوءِ الْأَدَبِ ، وَ الْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِمُلَازِمَةِ حُسْنِ الْأَدَبِ ، وَ النَّفْسُ تَجْرِي بِطَبْعِهَا فِي مَيْدَانِ الْمُخَالَفَةِ ، وَ الْعَبْدُ يَجْهَدُ بِرَدِّهَا عَنِ سُوءِ الْمُطَالَبَةِ ، فَمَتَى أَطْلَقَ عِنَانَهَا فَهُوَ شَرِيكٌ فِي فُسَادِهَا ، وَ مَنْ أَعَانَ نَفْسَهُ فِي هَوَى نَفْسِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ نَفْسَهُ فِي قَتْلِ نَفْسِهِ

جلبی و سرشت نفس آن است که بر سوء ادب برود ولی انسان مامور است که او را ملزم به حسن ادب نماید و نفس به طور طبیعی همواره در مقام مخالفت با واقعیات است ولی انسان سزاوار است که تلاش کند او را از سوء مطالبه بر حذر دارد بنابراین هر کس عنان نفس را رها کند و آن را به حال خود بگذارد خود در فساد نفس شریک و سهیم است و هر کس در بوالهوسی های نفس او را کمک کند بداند که در نابود کردن و قتل خود شریک است.

یک لحظه اگر نفس تو محکوم شود***علم هم انبیات معلوم شود

آن صورت غیبی که جهان طالب اوست***در آینه فهم تو مفهوم شود.

ص: ۷۷۵

۱- نهج البلاغه حکم و مواظ ۴۶۶

۲- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۷۰

راه درست این است که هر بار از او لغزش سر زد به تنبیه و عتاب او بر آییم و او را به خاطر گناهی که مرتکب شده عقوبت کنیم.

شاید بعضی عمل زشت خود و فریب نفس را توجیه کنند ولی باید بدانند که نفس سرکش سوء استفاده می کند و بنای طغیان می گذارد و به تدریج از اختیار خارج خواهد شد.

از نفس خودم جدایی ام ده یا رب***وز قید خودم رهائی ام ده یا رب

بیگانه ز آشنای خویشم گردان***یعنی به خود آشنائیم ده یا رب

نی از تو حیات جاودان می خواهم***نی عیش و تنعم جهان می خواهم

نی کام دل و راحت جان می خواهم***چیزی که رضای تست آن می خواهم.

نماز

وَلَا تَبْتَلِيَنِّي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا الْعَمَى عَنْ سَبِيلِكَ (۱)

خدایا به بیحالی در عبادت و نه به کوری و گمراهی از راهت گرفتارم مکن.

وقتی سخن از عبادت به میان می آید اولین چیزی که به ذهن انسان می رسد نماز است چرا که سر لوحه سایر عبادات و سلامت و یا نقض آن تاثیر گذار در سایر عبادات است.

حَافِظُوا عَلَي الصَّلَاةِ (۲) بر نمازها محافظت داشته باشید.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

اوصیکم بالصلاه حَفِظَهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَهِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ (۳)

شما را به نماز و مواظبت بر آن سفارش می کنم زیرا که نماز بهترین کار است و ستون دین است.

نماز را باید با نشاط و از سر ذوق و شوق خواند تبلی و کسالت در آن نباشد کسی که طعم شیرین مناجات و گفت و گوی با پروردگار را چشیده باشد هیچ گاه از انجام نماز

ص: ۷۷۶

اظهار خستگی و بی حالی نمی کند بلکه وقت نماز را انتظار می کشد و به عنوان استقبال این فریضه الهی به انجام نافله و دعا و تلاوت قرآن می پردازد تا در اول وقت و وقت فضیلت نماز را به جا آورد. و انجام آن را مقدم بر تمام کارهای خویش قرار می دهد. رفتار بزرگترها در خانه و مسئولین حکومت اسلامی در محافل و مجامع عمومی در اهمیت دادن به نماز و خواندن آن در وقت فضیلتش الگو و اسوه دیگران خواهد بود ولی متأسفانه گاهی رعایت این واقعیت نمی شود و تاثیر سوءش را در جامعه مشاهده می کنیم.

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۱)

وای بر نمازگزاران همانان که از نمازشان غافلند.

در تفسیر آیه فوق امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید:

لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ الصَّلَاةِ فَلَا يَشْغَلُنِي عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ذَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا (۲)

هیچ کاری نزد خدای عزوجل محبوبتر از نماز نیست پس مبادا چیزی از امور دنیا شما را از اوقات نماز باز دارد زیرا خدای عزوجل مردمانی را نکوهیده فرموده است همانان که از نمازشان غافلند یعنی از اوقات نماز غافلند و به آن اهمیتی نمی دهند.

مومنین باید همه کارهایشان روی نظم باشد خوردن و خوابیدن سفر کردن و تفریح و هر کاری که به عهده گرفته اند و سرانجام خواندن نماز بی نظمی در تمامی موارد ذکر شده ناپسند است خصوصاً در نماز.

امام رضا علیه السلام برای استقبال از برخی علویان رفت در این هنگام وقت نماز رسید حضرت راه خود را به طرف محل دیگری ادامه داد و زیر صخره ای فرود آمد و به یکی

ص: ۷۷۷

۱- ماعون ۵۴

۲- خصال ص ۶۲۱

از یاران فرمود اذان بگو عرض کرد منتظر می مانیم تا یارانمان هم به ما ملحق شوند. حضرت فرمود خدا تو را پیامرزد هرگز نمازت را بدون علت از اول وقت به تاخیر مینداز همیشه رعایت اول وقت را بکن پس من اذان گفتم و نماز خواندیم. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرمود:

فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَيَّ الْأَخْرِ كَفَضْلِ الْآخِرِ عَلَيَّ الدُّنْيَا (۲)

فضیلت اول وقت نماز بر آخر وقت همچون فضیلت آخرت بر دنیا است.

همان بزرگوار فرمود:

لِفَضْلِ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَيَّ الْأَخْرِ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ مَالِهِ وَوَلَدِهِ (۳)

فضیلت نماز در اول وقت بر آخر آن برای مومن از دارایی و فرزندش بهتر است

مقید بودن به نماز اول وقت معیار ایمان و اعتقاد مومن است برای شناخت درجه تدین افراد باید دید چه اندازه به نماز اول وقت اهمیت می دهند و چه اندازه به طور کلی از نمازهای یومیه خویش محافظت می نمایند.

این بیان رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم است:

حَسَبُ الرَّجُلِ مِنْ دِينِهِ كَثْرَةُ مُحَافَظَتِهِ عَلَيَّ أَقَامَةُ الصَّلَاةِ (۴)

در دینداری مرد همین بس که برگزاردن نمازها مواظبت کند.

در حال خواب آلودگی مگر در مواقعی که نماز نزدیک به قضا شدن است نماز نخوانید که منع شده حتما مقداری استراحت کنید بعد با نشاط و تازگی به نماز بایستید.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود هرگاه در حال نماز خواب بر تو غلبه کرد نماز را قطع کن و بخواب زیرا در چنان حالی نمی دانی که خودت را دعا می کنی یا نفرین. (۵)

ص: ۷۷۸

۱- بحار ج ۸۳ ص ۲۱

۲- ثواب الاعمال ۵۸

۳- بحار ج ۸۲ ص ۳۵۹

۴- تنبیه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۲

۵- بحار ج ۸۴ ص ۲۸۳

در حدیث معراج آمده است ای احمد از سه بنده در شکفتم ۱- بنده ای که به نماز می ایستد و می داند دست به سوی چه کسی بر می دارد و در برابر چه کسی ایستاده است اما خواب آلوده است (۱)

بعضی می پرسند که چه کنیم که نماز ما مورد قبول حق تعالی قرار گیرد؟ شک نیست که باید شرایط قبولی را آماده و موانع قبولی را برطرف سازیم.

اما شرایط قبول شدن نماز:

اولین موضوعی که در روایات مطرح شده پرهیزکاری از گناه و تقوا پیشه کردن است خداوند از آدم بی تقوا و ناپاک هیچ عملی را قبول نمی کند و به ویژه نماز را که در صدر همه کارهای خوب و پسندیده قرار دارد.

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۲) خداوند عمل را از اهل تقوا می پذیرد.

باید مظلومه و حق الناس را پرداخت کرد تا نماز قبول افتد پس تا زمانی که رد مظالم داده نشده و حق مردم به آنها پرداخت نگردیده منتظر قبولی نماز نباشیم.

آب وضو محل وضو لباس نماز و مکان نماز باید غصبی نباشد که در صورت رعایت نکردن شرایط ذکر شده نماز قبول نمی شود.

نکته مهم شرط ولایت عترت و ائمه طاهرين عليهم السلام است. وقتی از امام زين العابدين عليه السلام از سبب قبولی نماز پرسیده می شود؟ می فرماید

وَلَا يَتَنَا وَ الْبِرَاءَ مِنْ أَعْدَائِنَا (۳)

دوستی و ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما.

و شرط مهم دیگر حضور قلب در نماز است که عدم توجه در نماز یعنی غفلت از اینکه در برابر چه کسی ایستاده ایم و او را ستایش می کنیم و در نماز هم مشغول به دنیا باشیم نماز قبول نمی شود.

ص: ۷۷۹

۱- همان مدرک

۲- مائده ۲۷

۳- مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۱۳۱

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم می فرمود:

لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَّا يَحْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ (۱)

خداوند نماز بنده ای را که دلش با بدنش حضور ندارد نمی پذیرد.

موانع هم عبارت است از: ۱- نافرمانی و آزردن پدر و مادر ۲- غیبت مرد و زن مومن را کردن تا چهل روز نماز قبول نمی شود مگر از شخصی که غیبتش را کرد بخواهد که او را ببخشد. ۳- شرب خمر البته در روایات موارد دیگری نیز نقل شده که باید اهل تحقیق به آنها مراجعه کنند.

در پایان این بحث روایتی را که از رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم نقل شده بیشتر دقت کنید تا انشاء الله همگان نماز مقبول الهی را به جا آوریم.

مِنْ صَلَّيْ رَكَعَتَيْنِ وَلَمْ يَحْدُثْ فِيهَا نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ (۲)

هر که دو رکعت نماز بگذارد و در آن دو رکعت به هیچ امری از امور دنیا فکر نکند خداوند گناهانش را می آمرزد.

نور

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي الرِّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لِمَكَ إِخْرَتِي حَيْثِي أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي، وَهَبْ لِي نُورًا
أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، وَ أَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ، وَ أَشْتَصِيءُ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَ الشُّبُهَاتِ (۳)

خدایا بر محمد و آل او درود فرست و برای آخرتم میل به انجام کارها برای خوشنودی ات نصییم فرما تا از روی صدق و صمیم قلب تو را بندگی کنم الها به من نوری عطا

ص: ۷۸۰

۱- محاسن برقی ج ۱ ص ۴۰۶

۲- بحار ج ۴۱ ص ۱۸

۳- دعای بیست و دوم صحیفه

کن تا بتوانم بین مردم زندگی کنم و به وسیله آن از تاریکی‌ها رهایی یابم و در پرتو آن اسیر شک و تردید نگردم.

از آنجا خداوند تبارک و تعالی کل نور است و خالق نور چه از نوع مادی و چه از نوع معنوی اش چنانکه می‌فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱) خدا نور آسمان‌ها و زمین است.

پس چه بهتر از کل نور درخواست نور کنیم آن هم نوری که چراغ زندگی ما باشد و ما را از گمراهی‌ها رهایی بخشد و از شک و شبهه بیرون آورد.

و این تنها درخواست ما نیست بلکه انبیاء و اولیای الهی از پروردگار متعال می‌خواستند که از مرکز نور یعنی وجود خداوند تبارک و تعالی به آنها افاضه نور شود.

رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم می‌فرمود:

أَكْثَرُ دُعَائِي وَدُعَاءِ الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي بَعْرَفَةَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُوَحَّدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي سَمْعِي نُورًا، وَ فِي بَصَرِي نُورًا، وَ فِي قَلْبِي نُورًا، اللَّهُمَّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي، وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَسْوَاسِ الصُّدُورِ وَ تَشْتَتِ الْأُمُورِ (۲)

بیشترین دعای من و پیامبران پیش از من در عرفه این بوده و هست معبودی جز خدا نیست یگانه است و بی نیاز پادشاهی و ستایش یکسره از آن اوست زنده می‌کند و می‌میراند و او بر هر چیزی تواناست بار خدایا در گوش من نوری قرار ده و در دیده ام نوری و در دلم نوری. بار خدایا سینه ام را فراخ گردان و کارم را آسان ساز و از وسوسه‌های سینه‌ها و پراکندگی کارها به تو پناه می‌برم.

ص: ۷۸۱

۱- نور ۳۵

۲- تفسیر در المنثور سیوطی ج ۱ ص ۵۴۸

پس از دعا از گاه الهی البته کارهایی نیز وجود دارد که نور را و نور آفرین است مثل نماز در تاریکی شب و روزه از روی اخلاص و خدمت به خلق خدا بدون منت چنانکه از مضامین روایات چنین استفاده هایی می شود.

امام صادق علیه السلام در یک حدیث طولانی به عبدالله بن جنذب از جمله نکاتی که اشاره فرمودند این بود که خداوند در یکی از وحی های خود فرمود:

من نماز را از کسی می پذیرم که در برابر من افتادگی کند و به خاطر من از خواهش های نفس بگذرد و روز خود را با یاد من بگذارند و بر آفریدگان من بزرگی نفرشد و گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر گرفتار و مصیبت زده رحم آورد و غریب را پناه دهد.

فَذَلِكَ يُشْرِقُ نُورَهُ مِثْلَ الشَّمْسِ أَجْعَلُ لَهُ فِي الظُّلْمَةِ نُورًا (۱)

چنین کسی نورش چون خورشید می تابد برایش در تاریکی نوری قرار می دهد.

همان بزرگوار فرمود:

طَلَبْتُ نُورَ الْقَلْبِ فَوَجِدْتُهُ فِي التَّفَكْرِ وَ الْبُكَاءِ وَ طَلَبْتُ الْجَوَّازَ عَلَيَّ الصِّرَاطِ فَوَجِدْتُهُ فِي الصَّدَقَةِ وَ طَلَبْتُ نُورَ الْوَجْهِ فَوَجِدْتُهُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ (۲)

نور دل را جستجو کردم و آن را در اندیشیدن و چشم گریان یافتم و گذر از صراط را جستجو کردم و آن را صدقه دادن پیدا کردم و نورانیت چهره را جستجو نمودم و آن را در نماز شب یافتم.

مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد من دوست دارم در روز قیامت با نور و روشنایی وارد محشر شوم؟ فرمود:

لَا تَظْلِمُ أَحَدًا تُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النُّورِ (۳)

به هیچ کس ظلم نکن تا در روز قیامت در نور و روشنایی محشر شوی.

آیات ۱۲ و ۱۳ سوره مبارکه حدید قابل تدبر بیشتر در همین زمینه است:

ص: ۷۸۲

۱- تحف العقول ص ۳۰۶

۲- مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۷۳

۳- کنز العمال ۴۴۱۵۴

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا

می بینی که مردان و زنان با ایمان نورشان از پیش رو و سمت راست و چپ آنها حرکت می کند گفته می شود که امروز مژده باد بر شما بهشتی که نهرها از زیر درختانش روان است و برای همیشه در آن می مانید. که این است رستگاری بزرگ روزی که مردان و زنان منافق به اهل ایمان می گویند نظری به ما کنید تا از نور شما اقتباس کنیم گفته می شود برگردید به پشت سر خود و کسب نور کنید. یعنی این نور ما از اعمال دنیایمان می باشد شما نیز اگر می توانید به دنیا برگردید و کسب نور کنید که البته چنین چیزی محال خواهد بود.

ص: ۷۸۳

وَ اجْعَلْ طَاعَتِي لَوَالِدَيْ وَ بَرِي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدِهِ الْوَسِينَانِ، وَ أَتْلَجْ لِصَدْرِي مِنْ شَرْبِهِ الظَّمآنِ حَتَّى أُوْتِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا،
وَ أَقْدَمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا

خدایا اطاعت از پدر و مادر و نیکی به ایشان را در نظرم از خواب شیرین خوشتر و از سیراب شدن تشنه گواراتر گردان تا
خواسته آنها را بر خواسته های خویش مقدم قرار دهم و خشنودی ایشان را بر خشنودی خویش برگزینم.

اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَ أَطِبْ لَهُمَا كَلَامِي، وَ أَلِنْ لَهُمَا عَرِيكْتِي، وَ اعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَ صَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَ عَلِيَهُمَا شَفِيقًا

پروردگارا یاری ام کن تا صدایم را در برابرشان آهسته و سخنم را پاکیزه و برخوردم را ملایم نمایم و دلم را نسبت به ایشان
عطوف و مهربان کن و مرا با آنها رفیق و شفیق و دلسوز فرما.

اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَ أَنْبِئُهُمَا عَلَى تَكْرِمَتِي، وَ اخْفِظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي

خدایا به خاطر زحماتی که در تربیتم کشیدند و مرا تکریم نمودند اجر و پاداش عنایت کن و همان طور که در کودکی در
حفظ و حراست من کوشیدند تو آنها را نیز حفظ فرما.

اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي، وَ فِي إِنِّي مِنْ آنَاءِ لَيْلِي، وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي

خدایا در تعقیب نمازهایم و در اوقات شب و در هر ساعتی از ساعات روزم یاد و ذکرشان را از دل و زبانم مبر.

اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنَّ الْقَدِيمِ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱)

خدایا اگر آنها را زودتر از من بخشیدی شفاعتشان را درباره من بپذیر و اگر مرا زودتر از آنها بخشیدی مرا شفیع ایشان قرار ده تا همراه پدر و مادرم در جوار رافت و کرم و مغفرت و رحمت قرار گیرم زیرا که تو صاحب فضل بزرگ و نعمت دیرینه ای و تو هستی مهربانترین مهربانان.

ملاحظه فرمودید دیدگاه وجود نازنین امام زین العابدین علیه السلام درباره پدر و مادر چقدر لطیف و زیباست و از منظر آن بزرگوار والدین در چه جایگاهی قرار دارند و اگر ما باشیم و دعای بیست و چهارم صحیفه امام سجاد علیه السلام برای تشخیص تکلیف و رسالتمان درباره حقوق والدین کافی است و جایی باقی نمانده که حضرت به آن اشاره نکرده باشند. خداوند تبارک و تعالی رتبه و مقام والدین را آنقدر بالا برده که بعد از پرستش خود احسان بر آنها را حکم قطعی خویش بیان می فرماید:

وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (۲)

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

از کلمه قضی یعنی حکم قطعی خداوند استنباط می شود پدر و مادر در هر شرایطی که باشند واجب الاحسان هستند و کسی نباید به خاطر بد اخلاقی و یا اختلافات عقیدتی و رفتاری درست از احسان و نیکی بردارد و باید به هر نحو ممکن حتی اگر غیر مسلمان و فاجر باشند به ایشان محبت کرد.

امام رضا علیه السلام می فرمود:

ص: ۷۸۵

۱- دعای بیست و چهارم صحیفه

۲- اسراء ۲۳

بُرِّ الوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ فَإِنْ كَانَ مُشْرِكِينَ

نیکی به پدر و مادر واجب است اگر چه مشرک باشند ولی اگر پدر و مادر از ما درخواست گناه کنند و یا از ما بخواهند که دست از عقاید صحیح خویش برداریم اطاعتشان واجب نیست. همان طور که در دنباله روایت امام رضا علیه السلام آمده:

وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فَسِ مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ (۱)

ولی در چیزی که نافرمانی خداوند است نباید از آنان اطاعت کرد.

همان که در متن آیه شریفه آمده:

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا (۲)

و اگر پدر و مادر تلاش کردند تو چیزی را شریک من قرار دهی که از آن آگاهی نداری از آنان اطاعت مکن با آن دو در دنیا رفتار شایسته داشته باش.

جالب است که در عین حال خداوند در پایان می فرماید حتی با پدر و مادر مشرک در دنیا رفتار خوب داشته باش.

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ (۳)

از تو سوال می کنند چه چیز را انفاق کنند؟ بگو هر خیری را انفاق می کنی برای پدر و مادر و خویشاوندان.... خداوند قبل از هر طایفه و گروهی نام از پدر و مادر را می برد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

ص: ۷۸۶

۱- بحار ج ۷۴ ص ۷۱

۲- لقمان ۱۵

۳- بقره ۲۱۵

أَنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ قَالَ يَا رَبِّ أَيَّنَّ صَدِيقِي فَلَانَ الشَّهِيدُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي النَّارِ قَالَ أَلَيْسَ قَدْ وُعِدْتُ الشَّهَدَاءَ الْجَنَّةَ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ كَانَ مِصْرًا عَلِيٌّ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَنَا لَا أَقْبَلُ مَعَ الْعُقُوقِ عَمَلًا (۱)

موسی بن عمران به پروردگار عرض کرد آن رفیق من که شهید شد حالش چگونه است؟

خطاب رسید او در جهنم است عرض کرد پروردگارا مگر شهید را وعده بهشت نداده ای فرمود چرا ولی او اصرار داشت به آزدن پدر و مادر و من عمل کسی را که بر پدر و مادر ستم روا دارد قبول نمی کنم.

در عوض احسان و اطاعت پدر و مادر در غیر معصیت خدا آنچنان کارساز و نور آفرین است که مثل پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را مشتاق دیدار شخص محسن و خدمتگذار والدین می کند.

اویس شتربانی می کرد و از اجرت آن مخارج مادر خود را می داد یک روز از مادر اجازه خواست که برای دیدار و ملاقات با رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به مدینه رود مادرش گفت اجازه می دهم به شرط آنکه بیش از نصف روز در مدینه توقف نکنی اویس حرکت کرد وقتی به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رسید اتفاقاً آن بزرگوار تشریف نداشتند ناچار اویس بعد از یکی دو ساعت توقف پیامبر را ندیده مراجعت کرد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به خانه آمدند. پرسیدند این نور کیست که در این خانه تاییده گفتند شتربانی که اویس نام داشت به اینجا آمد و بازگشت فرمود آری اویس در خانه ما این نور را هدیه گذاشت و رفت آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره اش فرمود:

يُفَوْحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ الْقَرْنِ وَ اشوقاه اليك يا أُوَيْسَ الْقَرْنِ (۲)

نسیم بهشت از جانب یمن و قرن می وزد چه بسیار مشتاقم به دیدارت ای اویس قرنی.

جهان کودکی را کند ارجمند***ز پستی رساند به جای بلند.

ص: ۷۸۷

۱- لباب الالباب راوندی ص ۳۰۲

۲- منتهی الامال ج ۱ ص ۱۴۲

که نیک احترام پدر داشته***پدر را ز جان دوست تر داشته

برو ای پسر قدر مادر بدان***که مادر بود مهربانتر از آن

اگر قدر مادر نداند پسر***به سختی برد روزگاری بسر

عمار بن حیان گوید به امام صادق علیه السلام خبر دادم از محبت ها و نیکی های فرزندان اسماعیل نسبت به خودم امام علیه السلام فرمود من فرزندت را دوست میداشتم اینک دوستی من به وی بیشتر گشت. (۱)

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (۲)

پروردگارا در روز برپایی حساب من و پدر و مادرم و مومنین را مشمول بخشش خود قرار ده.

وصیت

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ،سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتَ مِنْ وَحْدِكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ، وَ كُلُّ ذَاتِ الْمَوْتِ، وَ كُلُّ صَائِرِ إِلَيْكَ،فَالِإِلَيْكَ أَفْرُ، وَ مِنْكَ أَخَافُ، وَ بِكَ أَسْتَعِيْثُ، وَ إِلَيْكَ أَرْجُو، وَ لَكَ أَدْعُو،وَ عَلَيَّ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ أَتَكَلُّ (۳)

ای خدایی که هیچ چیز در زمین و آسمان از دیدش پنهان نیست....منزهی تو حکم قطعی مرگ را برای جمیع مخلوقات اراده کرده ای چه تو را یکتا بدانند و چه به تو کافر باشند و همگی مزه مرگ را خواهند چشید و همگی یکسره به سویت باز گردند.... خدایا به سویت فرار می کنم و از تو می ترسم و به تو استغاثه می نمایم و به تو امیدوارم و تو را می خوانم.... و بر جود و کرمت تو کل می جویم.

ص: ۷۸۸

۱- کافی ج ۱ ص ۱۶۱

۲- ابراهیم ۴۱

۳- دعای پنجاه و دوم صحیفه

کسی وصیت می کند که مرگ را چون امام زین العابدین علیه السلام باور دارد و می داند چه بخوهد و یا نخواهد روزی پرونده اش بسته می شود و مزه مرگ را خواهد چشید.

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱)

بر شما نوشته شده وقتی یکی از شما را مرگ نزدیک شد اگر ثروتی دارد برای پدر و مادر و خویشان خود به نیکی و احسان به آنان وصیت کند که این کار سزاوار اهل تقواست.

و در آیه بعد توضیح می دهد که اگر وصی و یا بازماندگان برخلاف وصیت موصی و وصیت کننده عمل کنند گناهش به گردن تغییر دهندگان وصیت است.

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و هرگاه کسی بعد از آنکه وصیت را شنید تغییر دهد گناهش بر گردن تغییر دهندگان است زیرا که او پروردگار شنوا و آگاه است.

بعضی از افراد ملتزم دانستن خود در امر وصیت را کار دشوار و ترسناک می دانند و شاید فکر کنند از چیزی به نام وصیتنامه بنویسند و حق ثلث خود را تشریح کنند و امثال آن. مرگشان فرا می رسد و زودتر می میرند. در حالی سخت اشتباه میکنند زیرا که اجل و پایان عمر با اراده باری تعالی واقع می شود و عمل انسان هیچ دخالتی در آن ندارد بلکه یک نوع تعهد و انجام تکلیف است.

آنهایی که بدون وصیت می میرند حق ثلث ندارند و اگر فرزند نابالغ و صغیر داشته باشند کار را برای اطرافیان خویش دشوار می کنند.

از آیه این طور استنباط می شود که وصیت الزامی است همان طور که درباره روزه ماه مبارک رمضان می فرماید:

ص: ۷۸۹

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ (۱)

و یا درباره قصاص می فرماید

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى (۲)

پس جای هیچ تردید و ابهامی وجود ندارد که هر مسلمان و مومن باید وصیتنامه داشته باشند و وضع پس از مرگ خود را روشن کند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

الوصیه حقُّ علی کلِّ مُسْلِمٍ (۳)

وصیت کردن وظیفه هر مسلمانی است.

همان بزرگوار فرمود:

الْمَحْرُومَ مَنْ حُرِّمَ الْوَصِيه (۴)

محروم از رحمت خدا کسی است که از وصیت کردن محروم شود.

و نیز فرمود:

مَا حَقُّ أَمْرِي مُسْلِمًا لَهُ شَيْءٌ يُرِيدُ أَنْ يُوصِيَ فِيهِ يَبِيْتُ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا وَصِيَّتِهِ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ (۵)

مسلمانی که مالی دارد و می خواهد در آن وصیت کند حق ندارد دو شب را سپری کند مگر این که وصیتش نوشته شده نزد او باشد.

خوب است ترکیب وصیتنامه اینگونه باشد بعد از اقرار به وحدانیت پروردگار و نبوت خاصه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و خلافت بلافضل امیرالمومنین علی علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام بعد از او و اعتراف به اینکه مرگ قیامت حساب و رسیدگی به اعمال و بهشت و دوزخ حق است نوشته شود که اینجانب (بامشخصات اسم و فامیل) فلان شخص را وصی خود نمودم که به وصیت های من عمل کند. محل دفن مراسم بعد از مرگ به طور متعارف

ص: ۷۹۰

٣- وسایل الشیعه ج ١٣ ص ٣٥٢

٤- کنز العمال ٤٦٠٥١

٥- همان مدرک

دور از گناه و اسراف انجام گیرد به دفتر بدی هایم مراجعه شود و دیونم پرداخت گردد.

چند سال نماز و چند ماه روزه برایم استیجاری بگیرند خمس و شوه پرداخته ام پرداخت شود در صورت مستطع بودن و نرفتن به حج یک حج کامل تمتع برایم بگیرند. مقداری از ثلثم را رد مظالم دهند و بقیه ثلث را در امور خیریه البته هر آنچه موردنظر موصی است مکتوب شده و یک فرد به عنوان ناظر بر اجرای درست وصیت گزینش شود و اگر فرزند نابالغ و صغیر دارد فردی را هم قیم بر صغیر و یا صغار قرار دهد.

بار دیگر در پایان این بحث به روایت و کلام نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امیرالمومنین علیه السلام دقت کنید که فرمودند:

إِلَّا ضِرَارَ فِي الْوَصِيهِ مِنَ الْكِبَائِرِ (۱)

ضرر زدن به وارث در وصیت از گناهان کبیره است.

الْحَيْفُ فِي الْوَصِيهِ مِنَ الْكِبَائِرِ (۲)

ستم و حق کشی در وصیت از گناهان کبیره است.

وقار

وَسَيِّدُ ذُنُوبِي إِذَا نَ أَعَارِضَ مَنْ عَشَّيْتُ بِالنُّصِيحِ، وَ أَجْزَى مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ، وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبُذْلِ، وَ أَكْفَى مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ، وَ أَخَالِفَ مَنْ اعْتَانِي إِلَى حُسْنِ الذُّكْرِ (۳)

خدایا پا برجایم کن تا پاسخ دهم خیانت کسی را که به من خیانت کرده به خیرخواهی و پاداش دهم کسی که ترک مرا کرده به نیکی و عوض دهم کسی که محروم نموده به بذل و بخشش و مکافات کنم هر که پیوندش را از من بریده به پیوستگی و مخالفت کنم با هر که پشت سرم بد گوید به اینکه به خوبی یادش کنم.

ص: ۷۹۱

۱- کنز العمال ۴۶۰۶۹

۲- من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۸۴

۳- دعای بیستم صحیفه

از مجموعه مطالب فوق یک حقیقت به دست می آید و آن هم وقار مومن است مومن آرامش و سکینه خود را در برابر زشتی ها و بدی های دیگران نسبت خود از دست نمی دهد و بلکه در مقام پاسخ زیبا و خیر است.

به این دو آیه شریفه سوره مبارکه فرقان توجه کنید و وقار مومن را ملاحظه فرمایید.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۱)

و بندگان خدای رحمان آنانی هستند که بی تکبر روی زمین راه می روند و اگر نادانان چیزی به آنها بگویند در جواب سلام می گویند.

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۲)

همان هایی که به ناحق شهادت ندهند و هرگاه با کار زشتی روبرو شوند از خود بزرگواری نشان می دهند.

هیچ گاه برخوردهای تند و بد دیگران احساسات مومن را تحریک نمی کند و مانع از استقامت و انجام وظیفه او نمی شود. و از گفته های مخالفین و آزار زبانی و عملی آنان کوچکترین ضعف و سستی در ادامه مسیر و حرکت به سوی کمال از خود نشان نمی دهد و با کمال خلوص متوجه وظیفه شرعی و الهی خویش بوده و با وقار تمام با مسایل روبرو می گردد. آری کی کوه را دریابد تند باد طوفان های سهمگین و هجوم دشمنان مومن را از پای در نمی آورد بلکه با صبر و حوصله می ایستد و حفظ ایمان می کند.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند***و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند.

امام صادق علیه السلام می فرماید هنگامی که بین دو نفر جنگ و نزاع رخ می دهد دو فرشته نزول می کنند و به یکی از طرفین دعوا که بدگویی و ناسزاگویی کرده می گویند گفتی و گفتی و خود سزاوار و لایق هستی آنچه را که گفتی و به زودی سزای گفته های خویش را

ص: ۷۹۲

۱- فرقان ۶۳

۲- فرقان ۷۲

خواهی دید و خطاب به شخص حلیم و بردبار می گویند صبر کردی و حلم به خرج دادی به زودی خداوند تو را مشمول غفران و رحمت خویش قرار خواهد داد البته به شرط آن که همین طور حلیم و وقور باشی. (۱)

یکی از نشانه های وقار مومن حفظ نفس و زبان از چیزی که حکایت از شکایت از خداوند کند به خصوص در مواقعی که مصیبت ها به او روی می آورند اینجاست که مومن متانت خود را حفظ می کند و چیزی نمی گوید که از مقام و منزلت اش بکاهد.

حضرت سید الشهداء ابا عبد الله الحسین علیه السلام در هنگام وداع با خاندان مصیبت دیده که ده ها داغ و شهادت را با چشم خویش ملاحظه کرده بودند چنین فرمود:

إِسْتَعِدُّوا لِلْبَلَاءِ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَامِيكُمْ وَحَافِظُكُمْ، وَسَيُنْجِيكُمْ مِنْ شَرِّ الْأَعْدَاءِ، وَيَجْعَلُ عَاقِبَةَ أَمْرِكُمْ إِلَى خَيْرٍ، وَيَعْدِبُ عَدُوَّكُمْ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَيَعْوِضُكُمْ مِنَ الْبَلِيَّةِ بِأَنْوَاعِ النِّعَمِ وَالْكَرَامَةِ، فَلَا تَشْكُوا، وَلَا تَقُولُوا بِاللَّسْتِكُمْ مَا يُنْقِصُ مِنْ قَدْرِكُمْ (۲)

برای بلا و مصیبت آماده باشید بدانید که خداوند حامی و نگاهبان شماست و بزودی شما را از شر دشمنان نجات خواهد داد خدا آینده کارتان را به خیر و نیکی مبدل خواهد ساخت و دشمنانتان را به انواع عذاب معذب می سازد.

در برابر این گرفتاری ها و مصیبت ها انواع نعمت ها و کرامت ها را نصیبتان خواهد کرد.

پس زبان به شکایت نگشایید و آنچه که از قدر و منزلت شما می کاهد بر زبان نیاورید.

مومن اهل جزع و فزع نیست گاه دیده شده بعضی به خاطر از دست دادن ثروت دنیا و یا عزیزانشان چنان حرکات غیر موجه دارند که جلب توجه همه را کرده و گاهی عباراتی می گویند که درجه منزلت و ارزش آنها را پایین می آورد و با بی تابی هایشان وقار خود را می شکنند.

امام باقر علیه السلام می فرمود:

ص: ۷۹۳

۱- اصول کافی ج ۲ ص ۱۱۳

۲- نهج الشهاده ص ۲۲۳

مَنْ صَبَرَ وَاسْتَرْجَعَ وَحَمَدَ اللَّهَ عِنْدَ الْمَصِيبَةِ فَقَدْ رَضِيَ بِمَا صَنَعَ اللَّهُ وَوَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ جُرِيَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ هُوَ ذَمِيمٌ وَ أَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ (۱)

هر کس صبر را پیشه خود کند و در هنگام وقوع مصیبت بگوید انا لله و انا الیه راجعون و حمد و سپاس پروردگار را نماید به تحقیق به آنچه که خداوند برایش خواسته رضایت داده و پاداشش با باری تعالی است و هر کس چنین نکند قضای الهی بر او جاری خواهد شد در حالی که مورد مذمت واقع شده و اجرش نیز ضایع خواهد شد.

ولایت

رَبِّ صَيْلٍ عَلَى أَطْيَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفِظْتَ دِينَكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْماً لِعِبَادِكَ، وَ مَنَاراً فِي بِلَادِكَ فَهَيِّؤْ عَضْمَهُ لِلْإِنْدِينَ، وَ كَهَيْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَزَّوْهُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَ بَهَاءِ الْعَالَمِينَ (۲)

بار الها بر پاکیزگان اهل پیامبر همان هایی که برای اجرای فرامینت برگزیدی درود فرست همان هایی که گنجینه های علمت و حافظان دینت و جانشینان روی زمینت و حجت ها برای بندگانت قرار دادی همان هایی که به اراده خودت از هر ناپاکی و پلیدی پاکشان فرمودی و ایشان را وسیله ای برای ارتباط باخودت گردانیدی الها دینت را در هر زمان به توسط امامی که برای بندگانت علامت و در شهرها نشانه بوده اند برپا داشتی.... امامی که حافظ پناهندگان و پناه اهل ایمان و ریسمان اهل توسل و بهاء جهانیان است.

ص: ۷۹۴

۱- بحار ج ۷۱ ص ۹۶

۲- دعای چهل و هفتم صحیفه

امامان معصوم علیهم السلام خازنان علم خدا و حافظان دین او و جانشینان پروردگار بر روی زمین هستند آنان حجت خدا و محل توسل متوسلین و کسانی هستند که آیه تطهیر در شانشان نازل شده است.

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۱)

در ذیل آیه به طور متواتر روایاتی از شیعه و سنی نقل شد که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي خُمْسِهِ فِي وَفِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ (۲)

این آیه در شان پنج نفر نازل شده درباره من و علی و فاطمه و حسن و حسین.

امام معصوم علیه السلام طبق فرمایش امام سجاد علیه السلام عَصَمَهُ اللَّائِدِينَ كَهْفَ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَرَوهُ الْمُتَمَسِّكِينَ است.

ولایت آن سروران سرمایه دنیا و آخرت ماست و اسلام منهای ولایت آن بزرگواران یعنی هیچ چرا که نقش آنان در هدایت بشر و ارادت و قبول ولایتشان جهت پذیرش اعمال حرف اول را می زند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

يَا عَلِيُّ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ وَ كَانَ لَهُ مِثْلُ أُحُدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَيَّدَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى حَجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَيَّ قَدَمَيْهِ ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ مَظْلُومًا ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيُّ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَ لَمْ يَدْخُلْهَا (۳)

یا علی اگر انسانی عبادت پروردگار را به اندازه نوح پیامبر بنماید و به اندازه کوه احد طلا در راه خدا بدهد و آن قدر عمر کند که هزار بار پای پیاده به حج برود و در پایان هم بین صفا و مروه مظلومانه کشته شود ولی تو را دوست نداشته باشد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد و وی را به بهشت راه نخواهند داد.

ص: ۷۹۵

۱- احزاب ۳۳

۲- درالمنثور سیوطی ج ۵ ص ۱۹۸

۳- مناقب خوارزمی ص ۲۸

بدون تردید ولایت علی علیه السلام و فرزندان معصومش سرمایه سعادت دنیا و آخرت‌مان به حساب می‌آیند به این دلیل که امامت باطن نبوت و نبوت وابسته به توحید است و موضوع ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام و تثبیت آن در آن حد اهمیت داشت که خداوند به پیامبرش فرمود:

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ (۱)

اگر آن مطلب را یعنی نصب خلافت بلافصل علی علیه السلام به مردم را نرسانی تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده‌ای.

بنابراین ولایت و امامت از لوازم نبوت بلکه متمیم مقام نبوت و از اصول دین و ایمان محسوب می‌شود که معرفت آن مانند معرفت نبوت واجب است.

دوستداران اهل بیت علیهم السلام ارتباط دایمی با صاحبان ولایت یعنی محمد و آل محمد علیهم السلام دارند و این ارتباط را به شکل‌های مختلف به آن بزرگواران برقرار می‌کنند گاهی در لباس دعا و توسل که بحمدالله در میان شیعیان با مضامین و عبارات بسیار بلند و ارزشمند موجود است و جالب اینجاست که اغلب ادعیه جهت توسل به اهل بیت علیهم السلام از همان ذوات مقدسه برای ما نقل شده و در دسترس ما قرار گرفته است.

ابوالحسن بن ابی‌البغل می‌گوید امام عصر حجه ابن‌الحسن علیه السلام به من فرمود: أَيُّنَ أَنْتَ مِنْ دُعَاءِ الْفَرَجِ اگر گرفتاری چرا دعای فرج را نمی‌دانی؟ پرسیدم آن دعا چگونه است؟ فرمود دو رکعت نماز می‌خوانی آنگاه این دعا را تلاوت می‌کنی: يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ (۲)

زیارت جامعه کبیره از جمله زیارات بسیار خوب و به حق جامعی است برای ارتباط با ائمه طاهرين عليهم صلوات الله مرحوم مجلسی در مورد این زیارت فرموده است: زیارت جامعه از نظر سند صحیح‌ترین زیارات و از جهت متن و فصاحت و بلاغت بهترین زیارات است و این نظر همه بزرگمردان از علمای شیعه است.

ص: ۷۹۶

۱- مائده ۶۷

۲- فرج المهموم سید بن طاووس ص ۲۴۷

مرحوم صدوق (۱) و در (۲) و شیخ طوسی در (۳) و علامه مجلسی در (۴) زیارت جامعه کبیره را نقل کرده اند.

زیارت جامعه کبیره از امام علی النقی حضرت هادی علیه السلام و زیارت عاشورا از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که البته زیارت عاشورا بیان کننده مظلومیت حضرت حسین علیه السلام و خباث و شرارت دشمنانش می باشد و تولی و تبری را به بهترین وجه در بردارد.

نوع دیگر ارتباط با صاحبان ولایت تشکیل مجالس و محافلی است که بحث و گفت و گو در مناقب و فضایل آن پاک طینتان می شود راستی کانون هایی که تحت این عنوان برپا می گردد چه صفا و نورانیتی بر آن حاکم است.

اصولا- شیعیان و ارادتمندان به خاندان عصمت و طهارت مشتاق و شیفته مباحثی هستند که درباره صفات کمال و مکارم اخلاق و کرامات و افاضات علمی ایشان مطرح می گردد و ناگفته نماند که آسمانیان و فرشتگان الهی بیش از دوستان اهل بیت علیهم السلام شور و عشق شرکت در این محافل را دارند.

چنانکه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خطاب به امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

أَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَقَرَّبُ إِلَيَّ اللَّهُ تَقَدَّسَ ذِكْرَهُ بِمَحَبَّتِكَ وَ وِلَايَتِكَ وَ اللَّهُ إِنَّ أَهْلَ مَوَدَّتِكَ فِي السَّمَاءِ لَأَكْثَرُ مِنْهُمْ فِي الْأَرْضِ (۵)

فرشتگان جهت تقرب جستن به مقام قدس الهی از محبت و ولایت تو استفاده می کنند و به تحقیق دوستان تو در آسمان بیش از دوستان تو در زمین هستند.

همان بزرگوار فرمود:

زَيْنُوا مَجَالِسَكُمْ بِذِكْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (۶)

مجالس و محافل خود را با ذکر مناقب امیرالمومنین علی علیه السلام زینت بخشید.

ص: ۷۹۷

۱- من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۶۰۹

۲- عيون اخبار الرضا عليه السلام ج ۲ ص ۲۷۷

۳- تهذيب الاحكام ج ۲ ص ۹۵

۴- بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۴۴

۵- بحار ج ۲۳۸ ص ۹۳

۶- بحار ج ۳۸ ص ۱۹۹

وَلَا تُهْلِكُنِي يَا إِلَهِي غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي، وَتُعَرِّفَنِي الْجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُتْتَهَى أَجَلِي، وَإِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي، وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْزِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ (۱)

خدای من مرا در غم و اندوه هلاکم نکن و هرگاه دعایم را مستجاب نمودی مطلعم ساز و مزه عافیت و سلامتی را تا پایان عمرم به من بچشان..... و اگر مرا عذاب نمایی چه کسی می تواند به من رحم کند و اگر مرا هلاک کنی چه کسی می تواند مانع و جلوگیری باشد و یا جرات سوال کردن از وضع او از تو را داشته باشد.

خداوند تبارک و تعالی عوامل هلاکت ملت ها را متفاوت بیان فرموده در یک جا ظلم و تعدی به حقوق دیگران را عامل هلاکت بیان فرموده:

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۲)

پیش از شما بسیاری از امت ها را وقتی ستم کردند و پیامبرانشان با دلایل به نزدشان آمدند و ایمان نیاوردند نابود کردیم و ما مردم بدکار را این چنین مجازات می کنیم.

آه مظلوم بسیار خطرناک است بسیاری از حکومت ها به خاطر ستمگری هایشان ساقط شدند و به زباله دان تاریخ افتادند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ وَإِنْ كَانَ كَافِرًا فَإِنَّهُ لَيْسَ دُونَهُ حِجَابٌ (۳)

از آه و دعای مظلوم بترسید گرچه کافر باشد زیرا هیچ چیز حجاب دعای مظلوم نمی شود.

ص: ۷۹۸

۱- دعای چهل و هشتم صحیفه

۲- یونس ۱۳

۳- کنز العمال ۷۶۰۰۰

و امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمود:

أَنْفَذَ السَّهَامَ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ (۱) کارگرتین تیرها دعای مظلوم است.

خداوند تبارک و تعالی هلاکت قوم نوح را به خاطر ظلم و ستمگیشان بیان می کند:

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءُ أَفْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲)

به زمین گفته شد آب را فرو بر و به آسمان امر شد که باران را قطع کن آب فرو نشست و حکم قطعی خدا انجام گرفت و کشتی بر کوه جودی نشست و گفته شد مردم ستمکار از رحمت خدا دور باد.

و در یک کلام مولایمان علی علیه السلام فرمود:

الظُّلْمُ تَبِعَاتٌ مُؤَبَّقَاتٌ (۳) ظلم پیامدهایی مهلک دارد.

عامل دیگری که پروردگار برای هلاکت انسان بیان می فرماید اسراف و زیاده روی است.

وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (۴) ما اسراف کنندگان را نابود ساختیم

اسراف و زیاده روی در هر کاری خشم خداوند متعال را همراه دارد و او از اسراف کننده بیزار است.

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۵)

اسراف نکنید که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (۶)

خداوند هر اسراف کننده دروغگو را هدایت نمی کند.

أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۷) اسراف کنندگان یاران آتشند.

ص: ۷۹۹

۱- غررالحکم ۲۹۷۹

۲- هود ۴۴

۳- غررالحکم ۸۷۵

۴- انبیاء ۹

۵- اعراف ۳۱

۶- غافر ۲۸

۷- همان سوره ۴۳

عامل دیگر مطلق گناهان است وقتی در یک جامعه گناه شایع شود و گستاخی در انجام معاصی به اوج خود برسد خداوند تبارک و تعالی باکی ندارد که عذابش را بر سر آن مردم گنهکار نازل کند و نعمت هایش را از آنان بگیرد.

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَوْمٍ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمْكِنُوا لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَوْمًا آخَرِينَ (۱)

آیا ندیدند پیش از آنها چه نسل ها را نابود کردیم در حالی که به آنها امکاناتی در زمین داده بودیم که در اختیار شما نگذشته ایم باران های پی در پی برای آنها فرستادیم و نهرها در زمین برای ایشان جاری ساختیم و سپس به خاطر گناهانشان آنها را نابود کردیم و بعد از آنها نسل های دیگری را به وجود آوردیم.

آثار و پیامدها گناه هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت است گناه گاهی باعث از دست دادن نعمت الهی می شود همان طور که مولایمان علی علیه السلام فرمود:

مَا زَالَتْ نِعْمَةٌ وَلَا نُصَارَةٌ عَيْشٍ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوا إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ يَظْلَمُ لِلْعَبِيدِ (۲)

هیچ نعمتی و هیچ خرمی از زندگی زایل نشد مگر به سبب گناهی که مرتکب شدند چه خداوند به بندگان ستم نمی کند.

امام صادق علیه السلام به بندگان خوب خدا هشدار می دهد که مواظب باشند مبدا به تعبیر حقیر لقمه حرامی بخورند و یا در مجلس گناهی شرکت کنند و خود مرتکب گناهی شوند چون آثارش بی توفیقی از انجام نافله شب و غیره میگذرد. به بیان حضرت توجه کنید:

ص: ۸۰۰

۱- انعام ۶

۲- خصال ص ۶۲۴

إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُحْرَمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ (۱)

همانا بنده گناهی می کند و به سبب آن از نماز شب محروم می شود سرعت تاثیر کار بد در آدمی از سرعت تاثیر کار در گوشت بیشتر است.

همسایه

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجِيرَانِهِ دَعَايَ إِمَامِ سَجَادٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَقِّ هِمْسَايِكُمْ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَوَلَّنِي فِي جِيرَانِي وَ وَفَّقْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَ الْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عِيَادِهِ مَرِيضِهِمْ وَ كِتْمَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَ سِتْرِ عَوْرَاتِهِمْ، وَ نُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ (۲)

پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا با بهترین نوع سرپرستی و ولایت درباره همسایگان موفق بدار و همسایگانم را نیز در برپایی سنت هایت و کسب صفات پسندیده در سود رساندن به ضعیفان و جلوگیری از فقر و نداشتنشان و عیادت بیمارانشان..... و حفظ اسرارشان و پوشاندن عیب هایشان و یاری مظلومانشان توفیق ده.

همان بزرگوار در رساله حقوق خویش درباره حق همسایه میفرماید:

أَمَّا حَقُّ جَارِكَ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ إِكْرَامُهُ شَاهِدًا وَ نُصِيرَتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا وَ لَا تَتَّبِعْ لَهُ عَوْرَهُ فَإِنَّ عَلِمْتَ عَلَيْهِ سَوْءَ سِتْرَتِهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّ عَلِمْتَ أَنَّهُ يَقْبَلُ نَصِيحَتَكَ نَصَحْتَهُ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ وَ لَا تُسَلِّمُهُ عِنْدَ شِدَائِدِهِ وَ تَقَبَّلْ عَثْرَاتِهِ وَ تَغْفِرْ ذَنْبَهُ وَ تُعَاشِرْهُ مَعَاشِرَةَ كَرِيمَةٍ (۳)

ص: ۸۰۱

۱- کافی ج ۲ ص ۲۷۲

۲- دعای بیست و ششم صحیفه

۳- خصال ص ۵۶۹

اما حق همسایه ات این است که در غیاب او آبرویش را حفظ کنی و در حضورش او را احترام نهی اگر به او ستمی شد یاریش رسانی دنبال عیب هایش نباشی اگر بدی از او دیدی بیوشانی اگر بدانی که پند و اندرز تو را می پذیرد او را در پنهان نصیحت کنی. در سختی ها رهایش نکنی از لغزشش در گذری گنااهش را ببخشی و با او به خوبی و بزرگواری معاشرت کنی.

در دنیای امروز که همسایه قرب مکانی بیشتری پیدا کرده و زندگی آپارتمان نشینی فرهنگ خاص خودش را دارد مسئولیت ها و مواظبت ها نسبت به حقوق همسایگان شدیدتر و سخت تر شده است.

وقتی همسایه درب خانه اش را باز می کند با چندین واحد در یک طبقه مواجه می شود به طریق اولی باید برخوردها و در رعایت حقوق متقابل دقت بیشتر شود.

در موضوع پخت و پزها و پخش بوی غذاها خیلی باید دقیق بود که گاهی برای صاحب غذا ناگوار خواهد بود.

در بحث تفقد نسبت به همسایگان رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم می فرمود:

فَمَا أَقْرَبِي مَنْ بَاتَ شَبْعَانَ وَ جَارُهُ الْمُسْلِمِ جَائِعٌ (۱)

به من ایمان نیاورده است آن که شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه باشد.

در مورد محدوده و مرز همسایگی همان بزرگوار فرمود

أَرْبَعُونَ دَارًا جَارٍ (۲) تا چهل خانه همسایه به شمار می آیند.

چیزی که مهم است این است که باید به گونه ای با همسایگان رفتار کنیم که باعث اذیت و آزارشان نشویم بلکه برعکس وسایل رفاه و آسایش آنان را فراهم آوریم.

امام صادق علیه السلام فرمود مردی از انصار خدمت پیامبر خدا آمد و عرض کرد من از بنی فلان خانه ای خریده ام و نزدیکترین همسایه ام کسی است که امیدی به خیر و خوبی او

ص: ۸۰۲

۱- امالی طوسی ص ۵۲۰

۲- کنز العمال ۲۴۸۹۲

ندارم و از شر و بدیش در امان نیستم پس پیامبر خدا به علی و سلمان و ابذر و مقداد دستور داد با تمام قدرت در مسجد اعلام کنند ایمان ندارد هر آن کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد. آنان سه بار این سخن را اعلام کردند. (۱)

روایت امام رضا علیه السلام هشدار به کسانی است که با صداهای ناهنجار و مبتذل و دعواها و نزاع های خانوادگی و رعایت نکردن مسایل بهداشتی و نظافت باعث اذیت همسایگانشان می شوند.

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَهُ بَوَائِقَهُ (۲)

از ما نیست کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد.

و انصافا همسایه بد بزرگترین مصیبت برای همسایگان است و گاه یک همسایه بد یک محله را به عذاب می کشد و باعث رنج جمعیتی می گردد.

لقمان حکیم علیه السلام می فرمود:

حَمَلْتُ الْجَنْدَلَ وَالْحَدِيدَ وَ كُلِّ حِمْلٍ ثَقِيلٍ فَلَمْ أَحْمِلْ شَيْئاً أَثْقَلَ مِنْ جَارِ السَّوِّءِ (۳)

من سنگ های بزرگ و آهن و هر بار سنگینی را به دوش کشیدم اما باری سنگین تر از همسایه بد ندیدم.

مولایمان علی علیه السلام هم فرمود:

جَارِ السَّوِّءِ أَعْظَمُ الضَّرَّاءِ وَ أَشَدُّ الْبَلَاءِ (۴)

همسایه بد بزرگترین رنج و سخت ترین بلا و مصیبت است.

آن طور که از روایات استفاده کردم حقیر پیشنهادی می دهم قبل از خرید خانه حتما نخست درباره همسایگانان تحقیقاتی کنید که از پسندیدن خود خانه خیلی مهمتر است.

ص: ۸۰۳

۱- وسایل الشیعه ج ۸ ص ۴۸۷

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۴۴

۳- قصص الانبیاء ص ۱۹۶

۴- غررالحکم ۴۷۳۴

زیرا گاهی خانه دلخواه را انتخاب می کنید اما خبر ندارید که خانه شما در کنار جهنم سوزانی از ناهنجاریها و بلاها قرار دارد.

بر همین اساس همان بزرگوار فرمود:

سَلِّ عَنْ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ (۱) پیش از خرید خانه بین همسایه ها کیستند.

همشین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَ لِسَانًا عَلَى مَنْ خَاصَمَنِي، وَ ظَفْرًا يَمُنُّ عَانِدَنِي، وَ هَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ كَايَدَنِي، وَ قُدْرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَدَنِي، وَ تَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَبَنِي، وَ سَلَامَةً مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَ وَقْفَنِي لِطَاعِهِ مَنْ سَدَّدَنِي، وَ مُتَابِعَهُ مَنْ أَرْشَدَنِي (۲)

بارالها بر محمد و آل او درود فرست و قرار ده برایم دست نیرومندی بر هر که به من ستم کند و زبان گویایی بر هر که با من ستیزی نماید و پیروزی بر هر کس که با من دشمنی کند و حيله ای در مقابل حيله کنندگان به من بده و نیرویی بر کسی که در تنگنایم گذارد و تکذیب گفتار هر که عیب جویی و بد گویی ام نماید.

و تندرستی از شر کسی که مرا تهدید می نماید و موقم بدار برای فرمانبرداری کسی که کمکم کند و پیروی کسی که به راه راستم وادارد و ارشادم کند.

در بیان فوق امام سجاد علیه السلام تکلیف ما را در برابر دو نوع مصاحب و همشین روشن فرموده گروه اول کسانی که قصد ظلم و خصومت و مکر ما را دارند و گروه دوم آنهایی که قصد کمک و هدایت و ارشاد ما را دارند.

ص: ۸۰۴

۱- غررالحکم ۵۵۹۸

۲- دعای بیستم صحیفه

یعنی به ناچار با این دو قشر از جامعه در محیط کار و در ارتباط های خانوادگی مانوس و مربوط هستیم پس باید از خداوند مدد بخواهیم که هم صحبت هایمان باعث گمراهی ما نشوند و بلکه برعکس کسانی باشند که سبب رشد و تعالی ما گردند و اگر به خاطر شغل و وصلت هایی که در فامیل و ازدواج ها انجام میگیرد مجبور به رفت و آمد و دید و بازدید هستیم از خداوند بخواهیم آنچه را که وجود نازنین امام سجاد علیه السلام از خداوند تبارک و تعالی طلب می کند.

و البته اگر اجباری در رفت و آمد و دید و بازدید نیست و جزو ارحم نیستند لزومی ندارد با بدانان ارتباط برقرار کنیم خیلی راحت می توانیم قطع رابطه کنیم و رفیق و همنشینی و هم صحبت صالح و شایسته را برگزینیم چون مجالست آنقدر اثر گذار است که گاهی دین انسان را تغییر می دهد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ مِنْ يُخَالِلُ (۱)

آدمی بر آیین دوست خود است پس هر یک از شما مواظب باشد که با چه کسی دوستی می کند.

یکی از آثار سوء همنشینی با بدان بدگمانی نسبت به خوبان است همچنان که مولایمان علی علیه السلام فرمود:

صَحْبُهُ الْأَشْرَارُ تُوجِبُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ (۲)

همنشینی با بدان موجب بدگمانی به نیکان می شود.

و درست نقطه مقابل همنشینی با خوبان طبق بیان همان بزرگوار این گونه است:

لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِخَيْرٍ وَأَنْجَى مِنْ شَرٍّ مِنْ صَحْبِهِ الْأَخْيَارِ (۳)

هیچ چیز به اندازه همنشینی با نیکان آدمی را به خوبی فرا نمی خواند و از بدی نمی رهند.

برای شناسایی شخصیت افراد بهترین راه نگاه کردن به همنشینان و رفیقان آنهاست.

ص: ۸۰۵

۱- امالی طوسی ص ۵۱۸

۲- غررالحکم ۵۸۳۹

۳- غررالحکم ۷۶۲۵

کند همجنس با همجنس پرواز *** کبوتر با کبوتر باز با باز

تا سنخیت و وجه شباهت ایمانی و اخلاقی و رفتاری بین دو نفر نباشند جذب به یکدیگر نمی شوند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

اخْتَبِرُوا النَّاسَ بِأَخْدَانِهِمْ فَإِنَّمَا يُخَادِنُ الرَّجُلُ مَنْ يُعْجِبُهُ نَحْوَهُ (۱)

مردم را با دوستانشان بیازمایید زیرا آدمی با کسی که از رفتارش خوشش بیاید دوستی می کند.

سلیمان پیامبر علیه السلام می فرمود:

لَا تَحْكُمُوا عَلَيَّ رَجُلٌ بَشِي حَتَّى تَنْظُرُوا إِلَيَّ مَنْ يُصَاحِبُ فَإِنَّمَا يُعْرِفُ الرَّجُلُ بِاشْكَالِهِ وَ أَقْرَانِهِ (۲)

درباره هیچ کس قضاوتی نکنید تا آن که ببینید با که همنشینی می کند زیرا آدمی از طریق هم شکل ها و همنشینانش شناخته می شود.

آری به طور طبیعی ارواح و دل ها با کسانی گره می خورند که هم سنخ هم باشند پس باید نخست خود را اصلاح کرد تا با صالحین و صدیقین و متقین هم صحبت و همراز گردیم.

مولایمان علی علیه السلام فرمود:

النُّفُوسُ اشْكَالٌ فَمَا تَشَاكَلْ مِنْهَا اتَّفَقَ وَ النَّاسُ إِلَيَّ اشْكَالُهُمْ أَمِيلُ (۳)

نفسها گوناگون هستند پس آنهایی که همگون باشند با هم گرد آیند و مردم به همگنهای خود بیشتر گرایش دارند.

همان بزرگوار فرمود همنشین مانند وصله لباس است بنابراین دوست همگون با خودت انتخاب کن. (وصله ناجور نباشد) همراه نیز چون دوست است پس همراه ساز کار برگزین. (۴)

ص: ۸۰۶

۱- تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۲۴۹

۲- بحار ج ۷۴ ص ۱۸۸

۳- بحار ج ۷۸ ص ۹۲

۴- غررالحکم ۱۱۷۹

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَمُتَابِعِهِ الْهَوَى (۱)

خداوندا به تو پناه می برم از پیروی هوای نفس

در دریای پهناور نفس انسان امواج سهمگین و خطرناکی وجود دارد که همواره انسان را تهدید می کنند و اگر مهار نشوند نظم طبیعی جسم و روح را به هم زده و تا مرز نابودی و هلاکت ابدی پیش می روند.

هواپرستی که در حقیقت منشا اغلب لغزش های دیگر است قبل از هر لغزشی باید کنترل شود و اکثر مردم بیچاره هوای نفس خویشند. همان طور که خداوند عزوجل در قرآن شریف می فرماید:

إِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (۲)

بسیاری از مردم از روی نادانی و هوس هایشان دیگران را گمراه می سازند البته پروردگار تو متجاوزین را بهتر می شناسد.

نفس اماره حالتی است که اگر امیر انسان شود پی در پی امر به بدی می کند مگر آنکه شخص به خدا پناه برد و با مدد پروردگار از شرش سلامت بماند.

یوسف صدیق علیه السلام با همه صداقت و سلامت نفس می گوید

وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي (۳)

من خود را تبرئه نمی کنم زیرا که این نفس پیوسته به گناه فرمان می دهد مگر آن را که پروردگارم رحم کند که پروردگارم بخشنده و مهربان است.

البته بعضی از مفسرین این کلام را از قول زلیخا نقل می کنند که در هنگام مواخذه و استیضاح گفته است در هر حال چه از یوسف باشد یا از زلیخا هدف خداوند از نقل این عبارت هشدار به انسان هاست که مواظب باشند و آن را کنترل کنند در غیر این صورت در دام وی خواهند افتاد.

ص: ۸۰۷

۱- دعای هشتم صحیفه

۲- انعام ۱۱۹

۳- یوسف ۵۳

پیروان نفس اماره و بوالهوس ها معمولاً کسانی هستند که غلام حلقه به گوش خواهش دل خویشند. از خوردن حرام باکی ندارند در انجام واجبات و تکالیف شرعی سست و غافلند و با کمال گستاخی آداب و سنن الهی را زیر پا گذاشته و در انواع شهوت و لهو و لعب غوطه ورنند.

امام سجاد علیه السلام نقل می فرماید: که امیرالمومنین علی علیه السلام در هنگام فوت در یک روایت طولانی مطالبی را برای فرزندان و شیعیان خویش بیان فرمود و از جمله این بود که:

وَ اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ الْأَنْفُسِ فَهِيَ أَعْدَى الْعِدُوِّ لَكُمْ أَنَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ إِنَّ النَّفْسَ لَامَارَهُ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي وَإِنَّ أَوَّلَ الْمَعَاصِي تَصْدِيقُ النَّفْسِ وَ الرُّكُونُ إِلَيَّ الْهُوِيُّ (۱)

سوگند به خدا بترسید از خدا در مورد جهاد با نفس که وی دشمن ترین دشمنان شماست.

چنانکه خداوند تبارک و تعالی می فرماید همانا نفس همواره امر به بدی می کند مگر کسی را که مورد لطف و رحمت حق قرار گیرد و به تحقیق سر لوحه همه معاصی تصدیق خواهش های نفسانی و فرو رفتن در هوا پرستی است.

تنها راه علاج این حالت نفسانی استعاده به پروردگار است همچنان که حضرت سجاد علیه السلام گفت: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَمَتَابِعَهُ الْهُوِيُّ خَدَاوَنَدَ بِهِ تُوْ پَنَاهُ مِي بَرَمِ از پیروی هوای نفس

به راستی اگر کمک باری تعالی نباشد همگی زمین خورده هوای نفسیم.

روزی امیرالمومنین علی علیه السلام بالای منبر رفت و شروع به خواندن خطبه کرد و فرمود دو چیز باعث نابودی مردم شده همان دو ملت های پیشین را هلاک کرده و آیندگان را نیز هلاک می کند.

أَمَلٌ يُنْسِي الْأَخْرَهُ وَ هَوَى يُضِلُّ عَنِ السَّبِيلِ ثُمَّ نَزَلَ (۲)

ص: ۸۰۸

۱- مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۲۷۰

۲- اعلام الناس ص ۱۲

یکی آرزویی که مردم را از یاد آخرت بیندازد دوم هواپرستی ای که باعث گمراهی شود همین اندازه فرمود و از منبر پایین آمد.

بسیاری از اهل ایمان علاقمند هستند بدانند که آیا مقبول در گاه الهی هستند یا نه البته باید بدانند تا زمانی که گرفتار هوای نفس خویشند انتظار مقبولیت ذات باری تعالی را نداشته باشند.

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّهَا يُتَّبَعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعِيرٍ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱)

ای پیامبر اگر تو را استجابت نکردند بدان که فقط از هوای و هوس های خود پیروی می کنند و کیست گمراهتر از کسی که بدون هدایتی از جانب خدا از هوای و هوس خود پیروی کند محققا خدا مردمان ستمکار را هدایت نمی کند.

امام سجاد علیه السلام در مناجات الشاکین نخست از نفس سرکش به خداوند شکوه می کند و بعد از شیطان و سوسه انگیز و حيله گر!

إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً وَإِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً وَبِمَعَاصِيكَ مُوَلِّعَةً..... مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ (۲)

پروردگارا به تو شکایت می آورم از نفسی که همواره امر به بدی می کند و به سوی لغزش ها می شتابد و به نافرمانی تو حریص است.... نفسی که میل شدید به لعب و کارهای بیهوده دارد و پراست از غفلت و خطا و با سرعت مرا به گناه سوق می دهد و مرا وادار می کند تا توبه ام را به تاخیر اندازم.

إِلَهِي لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ تَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ

خدایا نیست جنیش و نه نیرویی مگر با قدرتت و نه نجاتی برای من از ناخوشایندی های دنیا مگر با بازدارندگی تو.

ص: ۸۰۹

۱- قصص ۵۰

۲- مفاتیح الجنان محدث قمی

وَ اجْعَلْ يَقِينِي اَفْضَلَ الْيَقِينِ..... وَ صَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي (۱)

خدایا یقینم را بهترین یقین ها قرار ده.... و به وسیله آنچه در پیش تو است یقینم را تصحیح کن.

اینکه امام سجاد علیه السلام بهترین نوع یقین را از خدا طلب می کند معلوم می شود یقین مراتبی دارد و همه اهل یقین در مرتبه کامل و بالای آن نیستند بزرگان علم حکمت عقلی و نظر معتقدند یقین سه مرتبه دارد علم یقین عین یقین حق یقین. بعضی در کلاس اول مانده اند و بعضی در کلاس دوم و گروهی در کلاس سوم نمره عالی گرفته اند. بعد مثال می زنند که به وجود آتش. کسی که آثار آتش مثل دود آن را از دور می بیند در مرتبه علم یقین است. علم پیدا می کند دود نشانه آتش است و آنکه به آتش نزدیک می شود و آن را به وضوح رویت می کند در مرتبه عین یقین است و کسی که دست و بدن را به آتش می رساند و می سوزد و مزه سوختن را می چشد در مرتبه حق یقین قرار دارد. اعتقاد به خداوند متعال و معاد و همه مسایل دینی در این سه کلاس جای دارند پس چه بهتر که در همه موارد در کلاس حق یقین حضور یابیم و از خداوند بخواهیم که وَ صَحِّحْ بِمَا عِنْدَكَ يَقِينِي به وسیله آنچه در پیش تو است یقینم را تصحیح کن.

بی تردید اصلاح یقین همت عالی را می طلبد و با سستی و تنبلی منافات دارد و این همت را ابتدا باید در نیایش و مناجات با پروردگار به کار برد و عاجزانه از خداوند برای رسیدن به افضل یقین مسئلت جست مولایمان علی علیه السلام خطاب به مردم می فرمود:

ص: ۸۱۰

أَيُّهَا النَّاسُ سَلِّمُوا اللَّهَ الْيَقِينِ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الْعَافِيَةِ فَإِنَّ أَجَلَ النُّعْمَةِ الْعَافِيَةِ وَخَيْرَ مَا دَامَ فِي الْقَلْبِ الْيَقِينُ وَالْمَغْبُوتُ مَنْ غُيِبَ دِينُهُ
والمغبوط من غُيِبَ يَقِينُهُ (۱)

ای مردم از خداوند یقین بخواهید و عافیت از او مسئلت کنید زیرا بزرگترین نعمت عافیت است و بهترین چیزی که در دل پایدار ماند یقین است و زیان دیده کسی است که در دینش زیان بیند و رشک برده کسی است که در یقینش بر او رشک برند.

در یک کلام هدف نهایی انسان در دنیا و آخرت در پرتو یقین به دست می آید همان بزرگوار چنین فرمود:

بِالْيَقِينِ تَدْرِكُ الْغَايَةَ الْقَصْوَى (۲) با یقین است که هدف نهایی به دست می آید.

اگر ما بخواهیم اعتقادات را رتبه بندی کنیم یقین در مرتبه اول دینداری قرار دارد و بقیه تحت الشعاع آن هستند همان بزرگوار فرمود:

الْيَقِينُ رَأْسُ الدِّينِ (۳) یقین در راس دین است.

البته جزو میوه های کمیاب معنوی محسوب می شود چرا که اگر اکثر مردم اهل یقین بودند. بیشتر خطاها را کنار می گذاشتند و به اکثر فرمان های پروردگار پایبند بودند ولی متاسفانه یقین کمیاب ترین چیزهاست.

امام باقر علیه السلام می فرمود:

لَمْ يُقَسَّمْ بَيْنَ النَّاسِ شَيْءٌ أَقَلُّ مِنْ الْيَقِينِ (۴)

هیچ چیز مانند یقین در میان مردم کم تقسیم نشده است.

ص: ۸۱۱

۱- بحار ج ۷۰ ص ۱۷۶

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۵۷

۳- غررالحکم ۸۵۲

۴- کافی ج ۲ ص ۵۱

یقین رمز قبولی اعمال و بلکه خود جزو برترین عبادات است مردمی که با شک و تردید به عبادات می پردازند قطعاً از فیوضات و نورانیت عبادات محرومند و برعکس کسانی با اعتقاد کامل و عرفان جامع حتی دو رکعت نماز می خوانند در پیشگاه پروردگار ارج و قرب دارند.

امام صادق علیه السلام فرمود عمل پیوسته و اندک که با یقین همراه باشد نزد خداوند برتر از عمل بسیار است که با یقین توأم نباشد. (۱)

یکی از ثمرات یقین آن است که ایمان و عمل انسان را استوار و محکم می کند. با مطالعه تاریخ اسلام و جنگ های که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و در حکومت امیرالمومنین علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیه السلام و کربلا اتفاق افتاد نمونه های فراوانی را از افراد می شناسیم که به خاطر نداشتن یقین از جبهه فرار کردند و حمایت از پیامبر و یا امام علی و یا امام حسن و یا سیدالشهداء علیهم صلوات الله نکردند و گاهی شک و تردید کارشان را به آنجا کشاند که حتی در جبهه مخالفینشان قرار گرفتند و به نام اسلام و مسلمانی شمشیر بر امام زمان خودشان کشیدند.

بر همین اساس مولایمان علی علیه السلام تفاوت مومن و منافق را اینگونه بیان می فرماید.

أَنَّ الْمَوْمِنَ يُرِيَّ يَقِينُهُ فِي عَمَلِهِ وَإِنَّ الْمُنَافِقَ يُرِيَّ شَكَّهُ فِي عَمَلِهِ (۲)

مومن یقینش در کردارش دیده می شود و منافق شکش در عملش نمایان است.

و دیدیم مومنینی را در جنگ های پیامبر و علی و صحنه کربلائی امام حسین علیهم صلوات الله چگونه محکم و استوار تا آخرین قطره خونشان ایستادند و خون قلبشان را در راه خدا فدا کردند.

وَبَبْتُ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْخُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْخُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْخُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

خدایا مرا همراه حضرت حسین علیه السلام و اصحاب او که خون قلبشان را در راه امام حسین علیه السلام بذل کردند ثابت قدم و محکم بدار. آمین رب العالمین.

ص: ۸۱۲

۱- کافی ج ۲ ص ۵۷

۲- غررالحکم ۳۵۵۱

بحمد الله كتاب حديث بندگی که شرح موضوعی صحیفه کامله سجادیه بود در بعد از ظهر شنبه چهارده ذی الحجه ۱۴۲۹ شب میلاد امام هادی علیه السلام بین دو عید قربان و عید الله اکبر غدیر خم به پایان رسید امید دارم که مولایم سیدالساجدین زین العابدین علیه السلام در حق غلام خود آقایی کند و آنچه را که سزاوار خودش هست از درگاه الهی نصیب حقیر گردد. والسلام.

ص: ۸۱۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

